



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

توسعه و اصلاحات
و اصلاحات

اسیضانای
الاصحی

جلد سوم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موسوعة الامام الخميني قدس سره الشريف المجلد 32 إلى 41 استفتاءات امام خميني (س)

نويسنده:

آيت الله العظمى سيد روح الله موسى خميني قدس سره

ناشر چاپي:

موسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني رحمه الله عليه

ناشر دييجيتالي:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۰	موسوعه الامام الخميني قدس سره الشريف المجلد ۴۰ استفتائات امام خميني (س) جلد ۹
۱۰	مشخصات کتاب
۱۱	اشاره
۱۴	فهرست اجمالی
۱۶	فهرست مطالب
۲۶	ادامه مبحث نکاح
۲۶	اولیای عقد
۲۷	ولایت پدر و جد پدری به شرط عدم وجود مفسده
۳۵	اعتبار اذن ولی در ازدواج باکره
۹۷	معتبر نبودن اجازه و اذن ولی در ازدواج پسر بالغ رشید
۱۰۳	حکم ازدواج صغیر و محرم شدنش در صورت فقدان ولی
۱۰۷	عقد فضولی
۱۱۴	اسباب تحریم
۱۱۴	۱ - نسب
۱۲۴	۲ - رضاع
۱۲۴	اشاره
۱۴۲	نمونه هایی از راه های حصول محرمیت
۱۴۳	شیر دادن مادر زن به نوه دختری خود
۱۴۵	فرزند خوانده
۱۵۱	۳ - قرابت زناشویی و آنچه که به آن ملحق است
۱۵۱	محرم شدن معقوده پدر بر پسر و بالعکس
۱۶۰	محرم شدن مادر دختر معقوده
۱۶۲	محرم شدن دختر زن معقوده

۱۶۴	زنا، آثار و توابع آن
۱۷۸	ازدواج با دو خواهر و نامحرم بودن خواهر زن
۱۸۲	لواط، آثار و توابع آن
۱۹۴	۴ - ازدواج در عده و تکمیل عدد
۱۹۴	اشاره
۱۹۷	ملحقات به ازدواج در عده
۲۰۰	ازدواج مجدد
۲۰۱	۵ - کفر
۲۰۱	ازدواج با بهایی
۲۰۲	ازدواج با اهل کتاب
۲۰۵	ازدواج با غیر اهل کتاب
۲۰۶	ازدواج و ارتداد یکی از زوجین
۲۱۹	ازدواج با ناصبی
۲۱۹	ازدواج با اهل تسنن
۲۲۰	ازدواج غیر هاشمی با هاشمیه
۲۲۰	ازدواج با شرابخوار
۲۲۱	ازدواج انقطاعی (ازدواج موقت)
۲۲۷	عیب های موجب خیار فسخ و تدلیس
۲۴۶	مهر
۲۴۶	مقدار مهریه و مهر السنه
۲۵۳	شرط نبودن ذکر مهر در عقد دائم
۲۵۴	شیربها و بعض وجوه دریافتی
۲۶۳	حق مطالبه مهریه و تمکین زوجه
۲۶۶	استحقاق تمام یا نصف مهریه در صورت طلاق یا فوت
۲۷۸	اختلاف در تحقق دخول نسبت به استحقاق مهر
۲۷۸	نقش پدر نسبت به مهریه همسر فرزند

۲۷۹	تفاوت ارزش مهریه تعیین شده با نرخ فعلی
۲۹۱	اجاره مهریه
۲۹۱	تقبل مهریه از طرف پدر داماد
۲۹۲	حکم مهریه در صورت بطلان عقد
۲۹۳	جریان احکام فضولی در صداق و مهر
۲۹۴	بخشش مهریه توسط زن
۲۹۴	حکم مهریه در صورت ظهور عیب و نقص در زوجه
۲۹۴	هدایای ازدواج
۲۹۷	جهیزیه
۳۰۱	شرط های مذکور در عقد ازدواج
۳۱۹	قسم و نشوز و شقاق
۳۱۹	حقوق زن و شوهر نسبت به یکدیگر
۳۶۱	نشوز
۳۷۱	احکام اولاد، ولادت و ملحقات آن
۳۷۱	اشاره
۳۷۸	نام گذاری فرزند
۳۷۹	خواندن اذان و اقامه در گوش بچه
۳۷۹	ختنه کردن
۳۸۱	عقیقه کردن
۳۸۱	شیر دادن به فرزند
۳۸۲	حق حضانت فرزند در زمان حیات پدر
۳۹۳	حق حضانت فرزند بعد از فوت پدر
۴۰۲	اتمام دوران حضانت و مختار بودن فرزند بعد از بلوغ
۴۰۳	تربیت فرزند
۴۰۵	نفقات
۴۰۵	نفقه زن

۴۱۵	نفقة اقارب (نزدیکان)
۴۲۹	کتاب طلاق
۴۲۹	اشاره
۴۳۱	شرایط طلاق
۴۳۱	اعتبار قصد و اختیار در طلاق دهنده
۴۴۱	لازم نبودن اطلاع و رضایت زوجه از طلاق
۴۴۲	اعتبار حائض نبودن زن به هنگام طلاق
۴۴۸	وقوع طلاق توسط حاکم شرع در صورت حرجی بودن زندگی
۴۵۰	در اختیار شوهر بودن طلاق
۴۷۰	وکالت زن در طلاق
۴۷۷	اعتبار تنجیز در صیغه طلاق
۴۷۷	طلاق و ازدواج به شیوه اهل سنت
۴۷۹	حضور دو شاهد عادل هنگام اجرای صیغه طلاق
۴۸۲	شرط در ضمن طلاق
۴۸۲	حکم شک در صحت وقوع طلاق
۴۸۵	اقسام طلاق
۴۸۶	شرایط محلل
۴۸۷	احکام عدّه
۴۸۷	عدّه فراق
۴۸۹	عدّه وفات
۴۸۹	حکم زوجه شخص مفقود الأثر و غایب
۵۰۶	رجوع در عدّه
۵۱۱	کتاب خلع و مبارات
۵۱۱	احکام خلع و مبارات
۵۱۹	کتاب ظهار
۵۱۹	احکام ظهار

۵۲۳	کتاب مواریث (ارث)
۵۲۳	احکام مواریث
۵۲۷	موانع ارث
۵۲۷	اول: کفر به اقسامش
۵۳۳	دوم از موانع ارث: قتل
۵۳۷	سوم از موانع ارث: متولد شدن از زنا
۵۴۱	مواردی که به موانع ارث ملحق شده:
۵۴۱	اول: مانع بودن حمل از ارث بردن مرتبه یا طبقه متأخر
۵۴۴	دوم: مانع بودن طبقه متقدم از ارث بردن طبقه متأخر
۵۴۷	سوم: مانع بودن درجه متقدم از ارث بردن درجه متأخر
۵۵۵	میراث انساب
۵۵۵	طبقه اول: پدر و مادر و اولاد
۵۵۵	اشاره
۵۹۱	حبوه (اموال مخصوص به پسر بزرگ تر از ارث پدر)
۵۹۲	طبقه دوم: برادران و خواهران و اجداد
۵۹۶	طبقه سوم: عمو، عمه، دایی و خاله
۵۹۷	میراث به سبب زوجیت
۶۲۳	ارث افراد بدون وارث
۶۲۶	ارث افراد مفقود الاثر
۶۳۰	میراث خنثی
۶۳۱	میراث افراد غرق شده، زیر آوار مانده، و ملحق به آن ها
۶۳۹	ارث نبردن فرزند خوانده
۶۴۳	پرداخت دیون میت از اصل ترکه
۶۴۵	ارث و حقوق پرداختی به بازماندگان
۶۵۲	اختلافات وراثت و مسائل مربوط به آن
۶۶۵	درباره مرکز

مشخصات کتاب

سرشناسه : خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، 1279 - 1368.

عنوان و نام پدیدآور : موسوعة الامام الخميني قدس سره الشريف المجلد 40 استفتانات امام خميني (س) جلد 9 / تحقیق موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).

مشخصات نشر : تهران : موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، 1396.

مشخصات ظاهری : 10 ج.

فروست : موسوعه الامام الخميني (س).

شابک : 1-368-212-964-978

وضعیت فهرست نویسی : فایا (چاپ دوم)

یادداشت : ج. 2 - 10 (چاپ اول: 1392) (فایا).

یادداشت : چاپ دوم.

مندرجات : ج. 1. احکام تقلید، طهارت. - ج. 2. نماز (از ابتدا تا شرایط شکسته شدن نماز). - ج. 3. نماز (از قواطع سفر تا انتها)، روزه، زکات. - ج. 4. خمس. - ج. 5. حج، امر به معروف و نهی از منکر، مکاسب محرمه. - ج. 6. بیع (خرید و فروش). - ج. 7. وقف و نظایر آن، وصیت، یمین و نذر، کفارات. - ج. 8. صید و ذباحت، خوردنی ها و آشامیدنی ها. - ج. 9. نکاح (از اولیای عقد تا انتها). - ج. 10. قضا، شهادت، حدود، قصاص ...

موضوع : فقه جعفری -- رساله عملیه -- پرسش ها و پاسخ ها

Islamic law, Ja'fari -- Handbooks, manuals, etc. -- Questions and answers*

فتواهای شیعه -- قرن 14

Fatwas, Shiites --- 20th century

شناسه افزوده : موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)

شناسه افزوده : Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works

رده بندی کنگره : BP183/9/خ8الف47 1396

رده بندی دیویی : 297/3422

شماره کتابشناسی ملی : 3421059

اطلاعات رکورد کتابشناسی : فاپا

آدرس سایت : <https://www.icpikw.ir>

خیراندیش دیجیتال : مرکز خدمات حوزه علمیه اصفهان

ویراستار : محمد علی ملک محمد

ص: 1

اشاره

جلد اول احکام تقلید، طهارت

جلد دوم نماز (از ابتدا تا شرایط شکسته شدن نماز)

جلد سوم نماز (از قواطع سفر تا انتها)، روزه، زکات

جلد چهارم خمس

جلد پنجم حج،

امر به معروف و نهی از منکر، مکاسب محرمه

جلد ششم بیع (خرید و فروش)، شفعه، صلح، اجاره، جعاله، عاریه، ودیعه،

مضاربه، شرکت، مزارعه، مساقات، دین و قرض، رهن، حجر،

ضمان، حواله و کفالت، وکالت، اقرار، هبه

جلد هفتم وقف و نظائر آن، وصیت، یمین و نذر، کفارات

جلد هشتم صید و ذباحت، خوردنی ها و آشامیدنی ها، غضب، احیای موات و

مشترکات، لقطه، نکاح (از ابتدا تا احکام عقد ازدواج)

جلد نهم نکاح (از اولیای عقد تا انتها)، طلاق، خلع و مبارات، ظهار، مواریث

جلد دهم قضا، شهادت، حدود، قصاص، دیات، مسائل مستحدثه (بیمه،

سفته، سرقتی، بانک ها، بلیط های بخت آزمایی، تلقیح مصنوعی،

تشریح و ترقیع، رادیو و تلویزیون، مقررات دولتی، راهنمایی و

رانندگی، خرید و فروش و تقسیم اجناس سهمیه ای، خرید و فروش

اجناس قاچاق، مالیات و عوارض، عزاداری، رضایت والدین،

مسائل اجتماعی بانوان، مسابقات ورزشی، معارف و مسائل

اسلامی، مسائل امنیتی و کشورهای بیگانه، ولایت فقیه)

ادامه مبحث نکاح

اولیای عقد

ولایت پدر و جد پدری به شرط عدم وجود مفسده *** 3

اعتبار اذن ولیّ در ازدواج باکره *** 9

معتبر نبودن اجازه و اذن ولیّ در ازدواج پسر بالغ رشید *** 71

حکم ازدواج صغیر و محرم شدنش در صورت فقدان ولیّ *** 77

عقد فضولی *** 81

اسباب تحریم

1- نسب *** 88

2- رضاع *** 98

نمونه هایی از راه های حصول محرمیت *** 116

شیر دادن مادر زن به نوه دختری خود *** 117

فرزند خوانده *** 119

3- قرابت زناشویی و آنچه که به آن ملحق است *** 125

محرم شدن معقوده پدر بر پسر و بالعکس *** 125

محرم شدن مادر دختر معقوده *** 134

ص: 5

محرم شدن دختر زن معقوده *** 136

زنا، آثار و توابع آن *** 138

ازدواج با دو خواهر و نامحرم بودن خواهر زن *** 152

لواط، آثار و توابع آن *** 156

4- ازدواج در عدّه و تکمیل عدد *** 168

ملحقات به ازدواج در عدّه *** 171

ازدواج مجدد *** 174

5- کفر *** 175

ازدواج با بهایی *** 175

ازدواج با اهل کتاب *** 176

ازدواج با غیر اهل کتاب *** 179

ازدواج و ارتداد یکی از زوجین *** 180

ازدواج با ناصبی *** 193

ازدواج با اهل تسنن *** 193

ازدواج غیر هاشمی با هاشمیه *** 194

ازدواج با شرابخوار *** 194

ازدواج انقطاعی (ازدواج موقت) *** 195

عیب های موجب خیار فسخ و تدلیس *** 201

مهر

مقدار مهریه و مهر السنّه *** 220

شرط نبودن ذکر مهر در عقد دائم *** 227

حق مطالبه مهریه و تمکین زوجه *** 237

استحقاق تمام یا نصف مهریه در صورت طلاق یا فوت *** 240

اختلاف در تحقق دخول نسبت به استحقاق مهر *** 252

نقش پدر نسبت به مهریه همسر فرزند *** 252

تفاوت ارزش مهریه تعیین شده با نرخ فعلی *** 253

اجاره مهریه *** 265

تقبل مهریه از طرف پدر داماد *** 265

حکم مهریه در صورت بطلان عقد *** 266

جریان احکام فضولی در صداق و مهر *** 267

بخشش مهریه توسط زن *** 268

حکم مهریه در صورت ظهور عیب و نقص در زوجه *** 268

هدایای ازدواج *** 268

جهیزیه

*** 271

شرط های مذکور در عقد ازدواج *** 275

قسم و نشوز و شقاق *** 293

حقوق زن و شوهر نسبت به یکدیگر *** 293

نشوز

*** 335

احکام اولاد، ولادت و ملحقات آن *** 345

نام گذاری فرزند *** 352

خواندن اذان و اقامه در گوش بچه *** 353

ختنه کردن *** 353

عقیقه کردن *** 355

شیر دادن به فرزند *** 355

ص: 7

حق حضانت فرزند در زمان حیات پدر *** 356

حق حضانت فرزند بعد از فوت پدر *** 367

اتمام دوران حضانت و مختار بودن فرزند بعد از بلوغ *** 376

تربیت فرزند *** 377

نفقات *** 379

نفقة زن *** 379

نفقة اقارب (نزدیکان) *** 389

کتاب طلاق

شرایط طلاق *** 405

اعتبار قصد و اختیار در طلاق دهنده *** 405

لازم نبودن اطلاع و رضایت زوجه از طلاق *** 415

اعتبار حائض نبودن زن به هنگام طلاق *** 416

وقوع طلاق توسط حاکم شرع در صورت حرجی بودن زندگی *** 422

در اختیار شوهر بودن طلاق *** 424

وکالت زن در طلاق *** 444

اعتبار تنجیز در صیغه طلاق *** 451

طلاق و ازدواج به شیوه اهل سنت *** 451

حضور دو شاهد عادل هنگام اجرای صیغه طلاق *** 453

شرط در ضمن طلاق *** 456

حکم شك در صحت وقوع طلاق *** 456

اقسام طلاق

459 ***

شرايط محلل *** 460

ص: 8

احکام عدّه *** 461

عدّه فراق *** 461

عدّه وفات *** 463

حکم زوجه شخص مفقود الأثر و غایب *** 463

رجوع در عدّه *** 480

کتاب خلع و مبارات

احکام خلع و مبارات *** 487

کتاب ظهار

احکام ظهار *** 495

کتاب مواریت (ارث)

احکام مواریت *** 499

موانع ارث:

اول: کفر به اقسامش *** 501

دوم از موانع ارث: قتل *** 507

سوم از موانع ارث: متولد شدن از زنا *** 511

مواردی که به موانع ارث ملحق شده:

اول: مانع بودن حمل از ارث بردن مرتبه یا طبقه متأخر *** 515

دوم: مانع بودن طبقه متقدم از ارث بردن طبقه متأخر *** 518

سوم: مانع بودن درجه متقدم از ارث بردن درجه متأخر *** 521

میراث انساب:

طبقه اول: پدر و مادر و اولاد *** 529

حبوه (اموال مخصوص به پسر بزرگ تر از ارث پدر) *** 564

طبقه دوم: برادران و خواهران و اجداد *** 565

طبقه سوم: عمو، عمه، دایی و خاله *** 569

میراث به سبب زوجیت *** 570

ارث افراد بدون وارث *** 595

ارث افراد مفقود الاثر *** 598

میراث خنثی *** 602

میراث افراد غرق شده، زیر آوار مانده، و ملحق به آن ها *** 603

ارث نبردن فرزند خوانده *** 611

پرداخت دیون میت از اصل ترکه *** 615

ارث و حقوق پرداختی به بازماندگان *** 617

اختلافات وراثت و مسائل مربوط به آن *** 624

ص: 10

ادامه مبحث نکاح

اولیای عقد

بسمه تعالی

محضر مقدس رهبر انقلاب اسلامی و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی، متّع الله المسلمین بطول بقاء وجوده الشریف

محترماً؛ معروض می دارد: دختری را يك نفر خواستگاری نموده و دختر نه پدر داشته و نه جد، و خودش راغب بوده که به فرد خواستگار شوهر کند و مادری داشته که زوجه دیگری بوده و نمی گذاشته دختر به نفر مذکور شوهر کند. البته همان نفر خواستگار مجبور شده که دختر غیر بالغه خود را ولایهً برای پسر مادر دختر عقد نماید. اکنون بعد از آن که دختر بالغه شده، اظهار می دارد: من مایل نیستم به پسر لا ابالی شوهر کنم. بفرمایید: تکلیف این دختر چیست؟ پسر هم حاضر نمی باشد که طلاق دختر را بدهد. این موضوع به محضر مرحوم آیت الله محلاتی رسید و ایشان فرمودند که پسر باید استحباباً دختر را طلاق بدهد؛ ولی پسر حاضر نمی باشد و مسأله لاینحل مانده است؛ لذا از آن مقام مقدس شامخ روحانیت استدعا دارم حکم الله را بیان بفرمایید که مورد حاجت است.

بسمه تعالی، اگر معلوم نیست که عقد برای دختر مفسده داشته، محکوم به صحت است و بدون طلاق دختر نمی تواند با دیگری ازدواج نماید.

بسمه تعالی

محضر حضرت آیت الله العظمی خمینی مدّ ظلّه العالی

در افغانستان دختر را به کسی می دهد و دختر آن را نمی خواهد و دختر را به زور

می دهد به ضرب شلاق یا پدر دختری یا برادر دختری یا مادر دختری یا عموی دختری این کار را می کند راضی بودن دختری را شرط نمی داند تا آخر عمر از دختری سؤال نمی کند راضی شدی یا نشدی آیا عقد دختری صحیح است؟ شما امر بفرمایید.

بسمه تعالی، اگر کسی که دختری را عقد به دیگری کرده پدر یا جد پدری دختری بوده با وجود مصلحت عقد صحیح است و در غیر این صورت صحت عقد منوط است به رضایت خود دختری.

[سؤال 10167] 5656

بسمه تعالی

خدمت رهبر بزرگوار السلام علیکم، ان شاء الله خداوند امام بزرگوار را برای اسلام و مسلمین تا انقلاب مهدی نگه بدارد.

با اجازه، سؤال را عرض می کنم: اگر دختری را خانواده اش مجبور کنند که با مردی ازدواج کند و آن دختری اصلاً راضی نباشد، آیا این عقد از نظر اسلام باطل است یا نه؟ البته وقتی رساله امام را می خواندم، در مسائل 2370 و 2374 این طور فهمیدم که ایشان می فرمایند که این عقد باطل است. آیا صحیح فهمیدم یا نه؟ لطفاً مرا راهنمایی کنید. والسلام علیکم ورحمة الله

بسمه تعالی، غیر از جد پدری و پدر، افراد خانواده در ازدواج دختری ولایت ندارند و نمی توانند او را مجبور به ازدواج کنند و اگر پدر یا جد پدری او را به کفو عرفی و شرعی عقد کرده، عقد صحیح است و باید رضایت دهد علی الاحوط.

[سؤال 10168] 5657

بسمه تعالی دهم شوال المکرم 1398 ق

محضر مبارك حضرت مستطاب حجت الاسلام والمسلمين آیت الله العظمی الامام الخمينی، مدّ ظله العالی

ص: 4

1. در توضیح المسائل مسأله 2429 فرموده اید پدر و جد پدری می توانند برای محرم شدن يك ساعت یا دو ساعت زنی را به عقد پسر نابالغ خود در آورند و نیز می توانند دختر نابالغ خود را برای محرم شدن به عقد کسی در آورند ولی باید آن عقد برای دختر مفسده نداشته باشد فعلاً هم نظرتان همین است یا تغییر کرده است؟

بسمه تعالی، فتوا تغییر نکرده است و در صحت عقد برای صغیر یا عقد صغیره از طرف پدر یا جد پدری عدم مفسده کفایت می کند اگر چه احوط رعایت مصلحت است.

2. کسی که قصد ماندن ده روز در جایی نموده ولی به این کیفیت مثلاً ساعت هشت صبح شنبه تا دوشنبه هفته بعد و روزه اش را گرفته بعد معلوم شد که باید تا ساعت هشت صبح سه شنبه می بایستی قصد کرده باشد آیا تکلیف چیست؟

بسمه تعالی، با قصد اقامت ده روز، اشتباه در حساب مضر به صحت اقامت و جریان حکم آن نیست.

3. کسی که قصد اقامه ده روز در جایی می کند اگر از اول قصدش این باشد که هر روز مثلاً به مادون مسافت يك ساعت الی دو ساعت برود و برگردد این قصد صحیح است یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر در حین نیت اقامت ده روز قصد کند که در تمام ده روز روزانه ولو يك ساعت یا دو ساعت از محل اقامت خارج شود صدق اقامت ده روز و ترتب حکم آن محل اشکال است.

4. در تظاهرات دینی شرکت زنان را صلاح می دانید یا خیر؟

بسمه تعالی، در کارهایی که احتمال می رود خطر به همراه داشته باشد زنان نباید شرکت کنند.

5. به واسطه اختلاف سلیقه و عقیده بالخصوص در مورد پیشامدهای اخیر بین بعضی از دخترها و پدرهایشان دخترها مایل به ازدواج بعضی از پسرها می شوند که هم فکر و هم سلیقه اند با آن ها، ولی پدر مایل به ازدواج دختر با آن ها نیست آیا باز هم رضایت پدر را در عقد دختر لازم می دانید یا نه؟

بسمه تعالی، اگر باردخواستگار مورد پسند دختر کفو شرعی و عرفی دیگری برای دختر پیدا می شود و تأخیر ازدواج دختر تا پیدا شدن کفوی که مورد پسند پدر هم باشد مفسده ندارد اجازه پدر شرط است.

6. کسی که حج واجب خود را انجام داده ظاهراً، ولی می خواهد باز هم از باب احتیاط مجدداً به عمل بیاورد آیا قصد احتیاط کند یا به قصد ما فی الذمه به جا آورد؟

بسمه تعالی، به قصد قربت مطلقه به جا آورد کفایت می کند.

7. شخصی دو طواف نساء بر ذمه اش بوده مثلاً آخری را انجام داده ولی اولی بر ذمه اش مانده آیا می شود گفت به مقتضی صحت عمل که در آخر واقع شده زن بر او حلال است یا به لحاظ اولی هنوز زن بر او حرام است؟

بسمه تعالی، با انجام طواف نساء در آخر عمل زن بر او حلال می شود.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار، خدایا خدایا رزمندگان ما را نصرت و یاری فرما

[سؤال 10169] 5658

بسمه تعالی 1361/7/25

پس از عرض سلام خدمت حضرت آیت الله العظمی امام خمینی

در مسأله شماره 2429 از حضور مبارکتان طلب استنتاج دارم. بنده در رابطه با استفاده از این مسأله، دخترم را در سن چهار ماهگی به صیغه شوهر خواهر همسرم در آوردم و به عنوان مهریه، صد ریال گرفتم. البته لازم به تذکر است که خاله دخترم آن طوری که خودشان می گفتند و می گویند، قلباً با این کار مخالف بوده و از این کار ناراحت بوده اند، ولی خوب از ایشان برای انجام این کار زبانه اجازه گرفته شده. به هر حال حالا که این دختر به سن 15 سالگی و پسر آن مرد به سن 20 سالگی رسیده اند، از چند آقا از جمله از دفتر خودتان که در تهران است - با تماس تلفنی - این مسأله را پرسیده ام؛ می گویند: این صیغه باطل است و پسر و دختر خاله به هم می رسند و البته باید معروض دارم که دلیل آن برادری که از دفتر شما به این مسأله جواب داد این بود که چون دختر هنوز به سن تمیز نرسیده بوده و از این صیغه هم نفعی عاید او نگشته، پس بنابراین صیغه باطل بوده و دختر و پسر به یکدیگر نامحرم هستند و در صورت تمایل می توانند با یکدیگر نیز ازدواج بنمایند. از شما حضرت آیت الله العظمی امام خمینی استثنائاً تقاضا دارم که شخصاً بنده را در این مسأله بفرج

ص: 6

راهنمایی فرمایید. با عرض معذرت و تشکر فراوان، ملتمس دعا

بسمه تعالی، تا محرز نباشد که عقد مزبور در آن موقع که واقع شد به مصلحت طفل نبوده و یا آن که خاله دختر اجازه نداده، عقد مزبور محکوم به صحت است و ازدواج دختر و پسر در فرض سؤال، صحیح نیست.

[سؤال 10170] 5659

بسمه تعالی 1361 / 9 / 25

محضر مقدس حضرت آیت الله العظمی امام خمینی دامت برکاته

احتراماً به عرض می رساند زنی اهل یکی از روستاهای دوردست اظهار درد نموده و استمداد می خواهم و علاج دردم را از آن پدر روحانی می خواهم. پدرم بدون اطلاع من عقد مرا خواند و پول را گرفته. بعد از رؤیت زوج، بنده قبول نکرده و رضایت به عقد نداده ام از طرفی چون دهاتی ها اختیار به دختر نمی دهند مثل زمان جاهلیت اختیار فروش دختر را به خود می دهند از روی جهل و نادانی برای این که شخصیت واهی آن ها صدمه نیند مرا اکراً به زور به خانه شوهر که در واقع يك مرد اجنبی و می خواهم بگویم زانی فرستاده اند و تمکین هم به زور و تهدید بوده است و فعلاً قریب به پنج سال است که خانه نشین و بدبخت شده در کشمکش هستیم این مرد بی حساب مرا رها و ول نمی کند و مدرك قانونی و شرعی هم ندارد فقط متوسل به زور جهلی خود شده چند مرتبه دست به انتحار زده و آخر هم علاج خود را در خودکشی می بینم آیا بدون رضایت من عقد صحیح است یا نه؟ جواب بفرمایید والا مسئل خون مظلوم من هستید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، عقد محکوم به صحت است مگر آن که به وجه شرعی ثابت نمایید که عقد مزبور برای شما مفسده داشته و بعداً هم راضی به آن نشده باشید.

ص: 7

بسمه تعالی

آیا می توانم دختر خودم را که حدود دو سال دارد به صیغه موقت کسی که با من نامحرم است در بیاورم تا با من محرم شود؟ اگر می شود، بچه آن مرد نسبت به دخترم چه حالتی را دارا می باشد؟

بسمه تعالی، مادر اختیار به عقد در آوردن بچه خود را با دیگری ندارد.

بسمه تعالی 1361 / 12 / 22

حضور محترم حضرت امام خمینی، دام ظلّه العالی، با عرض سلام، سؤالی شرعی داشتم که استدعا دارم جواب مرقوم فرمایید:

دو مرد، همسر دو خواهر هستند. یکی از آن ها دختر دیگری را که طفلی نابالغ بوده با اذن پدر دختر و همسر خود (خاله دختر) به صورتی که ذیلاً عرض می شود، به مدت ده سال برای خود صیغه تمتع می خواند. این امر صرفاً به خاطر ایجاد محرمیت بین مادر دختر و آن مرد بوده است. در عین حال همسر آن مرد (خاله دختر) از مدت صیغه اطلاعی نداشته و فکر می کرده که صیغه محرمیت، يك یا دو ساعته جاری شده است و اگر می دانسته که این صیغه برای مدت ده سال است، با آن مخالفت می کرد؛ حال که دختر بیست ساله است و تا کنون به جز مجری صیغه - یعنی خود آن مرد و پدر طفل - کسی از مدت صیغه خبر نداشته است، این مسأله به چه صورت می باشد و آیا این صیغه از لحاظ شرعی صحیح است یا خیر؟

از درگاه خدای تبارک و تعالی، طول عمر آن رهبر عظیم الشان اسلام و مسلمین، و پیروزی ملت شهادت طلب کشور اسلامی ایران را خواستار است.

بسمه تعالی، در فرض سؤال، صیغه صحیح است؛ و در صورت اذن ولیّ مدت معینی را، عقد در غیر آن فضولی است.

6. متعه دختر نابالغ که رشیده هم نباشد، بدون اذن ولی شرعی او چه صورتی دارد؟ آیا عقد به عمل می آید یا نه؟

بسمه تعالی، باطل است.

بسمه تعالی

حضور محترم حضرت آیت الله امام خمینی، رهبر عالی قدر مستضعفین جهان

در رساله شریفه آن امام (توضیح المسائل، مسأله 2421) آمده است: «صیغه کردن زن، اگر چه برای لذت بردن هم نباشد صحیح است».

سؤال: در صورت عدم هم خوابی، آیا صیغه کننده محرم دختران آن زن می شود.

بسمه تعالی، اگر به قصد ازدواج با شرایط دیگر؛ از جمله اذن پدر دختر و مراعات صلاح صغیر عقد شود، صحیح است و آثار مترتب می شود.

اعتبار اذن ولی در ازدواج باکره

بسمه تعالی 10 ربیع الثانی 1399 ق

محضر مبارك زعيم عالی قدر آیت الله العظمی الامام الخمينی دام ظلّه العالی

بعد از عرض سلام و تقدیم دعا، استدعا دارم جواب مسأله ذیل را مرقوم فرمایند:

دختری پانزده ساله بالغه و رشیده پدرش تقریباً چهار سال است که مفقود الاثر گردیده است و مادرش 9 سال است تقریباً مطلقه شده است آیا این دختر می تواند به اختیار خود و مادرش شوهر کند یا خیر؟ ظلّ عالی مستدام

بسمه تعالی، در صورت نیاز به شوهر می تواند شوهر کند.

9. عقد المنقطع هل يجوز على الباكر بدون إذن أبيها دون افتضاضها وعلى تقدير عدم الجواز فما حكم النكاح بمثل هذا العقد.

بسم الله تعالى، العقد على الباكر موقوف على إذن أبيها بلا فرق في ذلك بين الدوام والانتقطاع.

بسمه تعالی

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی امام خمینی دام ظلّه العالی

دختری است بسیار مکتبی و درس خوانده، عاقله و رشیده، تمایل دارد که با جوانی که طلبه است و در قم زندگی می کند ازدواج نماید و متقابلاً آن طلبه هم تمایل دارد و از هر جهت توافق فکری و رضایت از طرفین موجود است، لکن پدر و مادر و قبیله دختر که ثروتمند هستند مخالفت شدید دارند و می گویند ما میل نداریم که دخترمان با روحانی ازدواج کند و به دختر اصرار برای ازدواج با افرادی می کنند که خود دختر هیچ تمایل زندگی با آن افراد را ندارد، چون اشکالات مذهبی در آن ها می بیند، ولی علاقه شدید دارد که با طلبه مذکور ازدواج کند، در ضمن خود دختر هم درس طلبگی خوانده است و تفکر دختر بر اثر برخورد با افراد مذهبی کاملاً با تفکر خانواده اش که بعضی از مسائل مذهبی را مراعات نمی کنند مخالف است و این خود باعث عذاب روحی برای آن دختر شده است، مستدعی است بفرمایید آیا این دختر در این صورت می تواند بدون رضایت چنین پدری که مکتبی نیست، بلکه با عقیده دختر مخالف است خود را به ازدواج این طلبه در آورد که آن طلبه هم رضایت کامل دارد یا خیر؟

بسمه تعالی، در ازدواج دختر باکره اذن پدر شرط است، مگر این که دختر میل به ازدواج داشته و پسری که خواستگار است کفو عرفی و شرعی او باشد و دختر بترسد که اگر با او ازدواج نکند بعداً شوهر خوبی پیدا نکند.

2. اگر ولیّ دختر باکره ای به عللی مصراً به ازدواج دائم با جوانی اجازه ندهد و طرفین نیز به هر وسیله شده ازدواج نمایند، در صورت وقوع و اجرای صیغه عقد دائم بدون حضور و اجازه ولیّ، این ازدواج شرعاً چه صورتی خواهد داشت؟

بسمه تعالی، موقوف است به اجازه پدر یا جد پدری دختر.

بسمه تعالی 18 / 12 / 1361

حضور محترم رهبر کبیر انقلاب، یاور همه مستضعفان و نایب بر حق مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) سلام عرض می کنم، از خداوند متعال سلامتی شما و توفیق روز افزون شما را برای انجام مسئولیت هایتان خواهانم.

مسأله ای برای من پیش آمده که حدود شش ماه است با بسیاری افراد مشورت کرده ام و چون مقلد شما هستم تصمیم گرفتم با شما که می دانم مرا آن طور که صلاح و امر خداست راهنمایی می کنید در میان بگذارم.

من دختری هستم 18 ساله که به خاطر دستور اسلام و سنت پیامبر تصمیم به ازدواج گرفتم و با یکی از برادران پاسدار تفاهم کردیم و خانواده هم در ابتدای امر از این مسأله راضی بودند و وقتی ما به تفاهم کامل رسیدیم و بنا بر برگزاری مراسم عقد شد، پدرم مانع شدند و گفتند چون ایشان بنا دارند به جبهه بروند من به پسری که به جبهه برود و در جبهه باشد دختر نمی دهم و هرچه با ایشان صحبت شد از طریق افراد ذی صلاح و همچنین طرفین ازدواج، باز هم پدرم راضی نشدند و وقتی آیات قرآن و یا احادیث را می خواندیم که آنچه مایه خوشبختی است تقوی و ایمان فرد است و در صدر اسلام پیامبر به فلان کس در مورد خواستگار خوب چه گفتند و چه شد؟ می گفتند این شرع است، يك مقدار از عرف بگوئید، در حالی که پدرم فردی مذهبی هستند و کاملاً متوجه آیات و روایات می شدند و قبول می کردند ولی نفس ایشان،

ایشان را از این کار منع می کرد، به خصوص این که من خواستگارهایی از آن طبقه ای که پدرم می خواستند - دارای خانه و ماشین و پولدار - داشتم و مرتب می گفتند من اول باید قبول کنم بعد تو و من هم قبول نمی کنم، تو حالا در احساسات به سر میبری و این مسائل را درک نمی کنی، من تجربه دارم. برادر پاسدارمان نیز به علت این که فرمانده یک قسمت از سپاه مرکز هستند (فرمانده توپخانه که نوین یاد هست در اهواز) و به سبب تجربه ای که ایشان در این دو سال کسب کرده اند از نظر شرعی نمی توانند جبهه را ترک کنند، به خصوص در این برهه که اسلام به افراد متخصص مکتبی در جبهه نیاز دارد و کفویت کاملی نیز بین ما وجود دارد. برادرمان از حضرت آیت الله منتظری سؤال کردند و شرایط موجود را توضیح دادند و حضرت آیت الله منتظری گفتند اگر ایراد، جبهه رفتن شماست شما می توانید بدون اجازه پدر دختر این عقد را جاری کنید و این مسأله مستقیماً از خود آیت الله منتظری پرسیده شده است، ولی چون ما مقلد شما هستیم باز هم گفتیم مستقیماً از خود حضرت عالی سؤال کنیم.

خانواده و از جمله پدرم ایشان را پسندیده اند از نظر نجابت و ایمان و گفته اند اگر از جبهه بیایید ما این کار را می کنیم، من خود نیز با تحقیقات زیاد چنین مسأله ای را هر چند مشکلات دارد تنها به خاطر خدا قبول کرده ام، چون بالاخره ایشان و افرادی که خود را در مقابل خدا مسئول می دانند و در جبهه اند باید ازدواج کنند، به خصوص این که ایشان در اهواز هستند و آن جا خط مقدم است و اکثر دخترها و تقریباً همه خانواده ها به چنین امری راضی نمی شوند که دختر خود را به پاسداری که بنا دارد تا جنگ هست در جبهه باشد بدهند. حال با توجه به کفویتی که بین ما وجود دارد و استخاره هم پیش فرد معتبر کرده اند و بسیار خوب آمده، شما اجازه می دهید که بدون اجازه پدرم این کار را بکنم؟ وظیفه شرعی من چیست؟

به امید روزی که همه ما در همه کارها تنها رضای خدا را در نظر داشته باشیم.

خواهشمندم حتماً بنویسید که آیا خود حضرت امام دامت برکاته جواب این نامه

را مستقیماً داده اند یا دفتر ایشان. به خاطر این که حضرت آیت الله منتظری که دومین فرد مذهبی جهان هستند، با این شرایط به ما چنین اجازه ای را داده اند و در صورتی که امام خودشان جواب این نامه را بدهند من به پدرم نشان خواهم داد و امکان این که ایشان راضی بشوند با جواب امام، خیلی زیاد است؛ چون ایشان از دوست داران امام هستند و احتمال نزدیک به یقین حرف امام را خواهند پذیرفت.

بسمه تعالی، بدون اجازه پدر نمی توانید ازدواج کنید، بلی اگر مرد مزبور کفو عرفی و شرعی شما است و خوف داشته باشید که اگر با او ازدواج نکنید دیگر شوهر خوبی برای شما پیدا نشود پدر شما حق منع ندارد و اگر منع کند می توانید بی اجازه او ازدواج نمایید.

[سؤال 10180] 5666

بسمه تعالی 4 / 4 / 1361

محضر مبارك حضرت امام خمینی مدّ ظلّه العالی

پدر دختری مهریه مربوط به ازدواج دخترش با يك پسر را تعیین و به پسر پیشنهاد نموده است و پسر آن را پذیرفته است و در همین رابطه عقد ازدواج در غیاب پدر دختر جاری شده است. در این ضمن پدر دختر از اجرای عقد اطلاع نداشته است و حضور شخصی در جلسه عقد نداشته است، ولی پدر دختر در همان غیبت خود، از ازدواج دخترش با پسر مورد نظر (چه در زمان قبل از اجرای عقد و چه در زمان حین اجرای عقد و چه در زمان بعد از اجرای عقد) رضایت کامل داشته است. آیا عقد جاری شده صحیح است؟

به امید پیروزی جهانی اسلام بر کفر و استکبار جهانی

بسمه تعالی، حضور پدر دختر در جلسه عقد شرط نیست، ولی ازدواج دختر باکره منوط به اذن یا اجازه پدر است و مجرد رضایت باطنی کافی نیست بنا بر احتیاط.

ص: 13

بسمه تعالی

17 سال پیش در یکی از روستاهای شهرستان میانه به دنیا آمدم. تا دو سالگی پیش پدر و مادرم زندگی می کردم و دو ساله بودم که به علت این که عمه ام بچه نداشت مرا به عنوان فرزند قبول کرده و همراه آن ها به تهران آمده ام پیش آنان زندگی می کردم و هر ساله سه ماه تابستان را با عمه ام به روستا می رفتیم و سه ماه پیش خانواده ام می ماندم و دوباره با آن ها اول مهر می آمدیم تهران. هفت ساله بودم که به مدرسه راه پیدا کردم، تا کلاس سوم راهنمایی بدون هیچ مشکلی درس خواندم. اول نظری بودم که پدرم با مدرسه رفتن مخالفت کرد، ولی بر اثر اصرار عمه ام من ادامه تحصیل دادم تا امسال که سال چهارم دبیرستان رشته علوم انسانی (اقتصاد) هستم. در کلاس دوم راهنمایی بودم که پسر عمه ام نسبت به من علاقه پیدا کرده بود، ولی چون ابراز نمی کرد من هم مخالفتی و یا هیچ عکس العملی در مقابل او نداشتم، تا این که کلاس دوم اقتصاد بودم که یکی از خویشان به خواستگاری آمد. پسر عمه ام به خاطر این که به آن طرف جواب مثبت ندهم به خواستگاری آمد. پدرم بدون این که نظر ما را بپرسد به آن فرد جواب رد داد و به پسر عمه ام جوابی نداد که بعد از حدوداً شش ماه به او جواب مثبت دادند. در این مدت يك فرد متعهد و مکتبی به خواستگاری آمد، ولی پدرم بدون نظرخواهی از من جواب رد داد. من با اقدام پدرم خیلی مخالفت کردم که این مخالفت همراه با گریه و داد و بیداد بود و گاهی هم صحبت کردن و با زبان خوش حرف زدن. ولی متأسفانه هیچ کدام جواب نداد و علت مخالفت من با پسر عمه ام به دلایل زیر می باشد: ایشان مسلمان هستند ولی به رعایت ضوابط و معیارهای اسلامی مقید نیستند. مثلاً نماز نمی خوانند، روزه گاهی می گیرند، گاهی نه و به دلخواه موسیقی گوش می کنند، قمار بازی نمی کند ولی اگر جمعی بازی می کنند، نگاه می کند. فکرشان بیشتر فکر زندگی با رفاه بیشتر و مسائل مادی است. مطالعه کتاب های اسلامی ندارند و خیلی مسائل

ص: 14

دیگر. البته این را هم بگویم که خود بنده قبل از انقلاب يك فردی به این شکل بودم و در همان مسیری که جز فساد و تباهی چیزی نداشت و بعد از انقلاب بود که نسبت به مسائل آگاه شدم و فهمیدم که چقدر از مسأله پرت بودیم و چقدر در زندگی اشتباه کردیم و سعی کردم خودم را با اسلام تطبیق دهم و ازدواج وسیله ای باشد برای رشد بیشتر و تکامل، به خاطر همین می خواهم با فردی ازدواج کنم که مشوقی باشد برای این که اسلام را بهتر و بیشتر بشناسیم و آن را در زندگی پیاده کنیم و فرزندان ما هم در آینده تربیت آن ها بر اساس موازین اسلام باشد و چون ایشان فاقد این ارزش ها می باشند نمی توانیم با هم زندگی کنیم. در ضمن هم خانواده ایشان و هم خانواده من از خصوصیتی که برای این فرد شمردم برخوردارند و با انقلاب میانه زیاد خوبی ندارند. پدرم با همه مخالفت های من با ایشان صحبت کرده و حتی شیربها هم گرفته اند و قرار گذاشته اند تابستان که من درسم تمام شد پدرم بیاید مرا ببرد ده. آیا من می توانم با چنین ازدواجی مخالفت کنم و اجازه پدر تا چه حدی شرط است؟ در حالی که حتی نظر من که یکی از اصول ازدواج است برای آن ها مهم نیست و اگر من مخالفت کردم آیا می توانم بدون اجازه پدرم کار بکنم و یا به مکان های آموزشی مثل تربیت معلم و یا حوزه بروم؟ چون اگر مخالفت کنم پدرم مرا به ده می برند و در آن جا من نمی توانم هیچ گونه فعالیتی داشته باشم و يك فردی بی ارزش خواهم شد و کسی هم در آن جا نیست که در زندگی به طور صحیح راهنمایی ام کند و یا به بالا بردن سطح آگاهی ام کمک کند. خواهش می کنم تکلیف من را از نظر شرعی روشن کرده و من را راهنمایی کنید.

بسمه تعالی، امر ازدواج دختر باکره با پدر است، ولی پدر اجازه و اختیار ندارد که دختر خود را به عقد کسی که کفو شرعی و عرفی وی نیست درآورد و یا به ازدواج کسی درآورد که آن ازدواج برای دختر مفسده داشته باشد، بلکه در چنین مواردی عقد در حکم فضولی و بدون اجازه دختر

صحیح نمی شود و همچنین اگر پدر از ازدواج دختر با کفو شرعی و عرفی وی ممانعت کند و رضایت ندهد و با میل دختر به ازدواج، خوف آن باشد که خواستگار دیگری که کفو شرعی و عرفی دختر باشد پیدا نشود در این صورت نیز ولایت پدر ساقط است.

[سؤال 10182] 5668

بسمه تعالی

سلام علیکم، یک نفر از خواهران مسلمان مسائلی را بیان کرده اند که در زیر درج می گردد، خواهشمند است طبق فتوای امام خمینی (دام ظلّه) وظیفه شرعی این خواهر را بفرمایید.

1. این خواهر می گویند: نزدیک به ده سال پیش یک آقای روحانی از او خواستگاری کرد پدر و مادر این خانم به دلیل سنت های غلط مرسوم موافقت نکرده اند. و اکنون آن آقا با کس دیگر ازدواج کرده، ولی باز هم تصمیم بر ازدواج با این خواهر را دارد. و همسر کنونی آن آقا نیز به دلایلی موافق با ازدواج آن ها است. ولی والدین این خانم راضی به چنین کاری نمی شوند وظیفه شرعی این خانم چیست؟ آیا با این آقا ازدواج کند یا خیر؟

بسمه تعالی، ازدواج دختر باکره منوط به رضایت پدر است و در ازدواج با زوج متأهل باید مقررات دولت اسلامی مراعات شود.

2. پسر و یا دختری که اکنون در خانه پدرش زندگی می کند و خود نیز شاغل است. پدرش نیز خمس و زکات نمی پردازد و آن فرد نیز مجبور به زندگی با آن ها است، در این صورت حساب سال چگونه است؟

بسمه تعالی، از اموال پدر که مورد تصرف او واقع می شود اگر یقین ندارد که خمس در آن است، چیزی بر او نیست، ولی در صورت یقین باید در مقدار خمس اجازه از مرجع تقلید بگیرد.

3. پسر یا دختری که شاغل می باشد و مقداری از پولش را پس انداز می کند جهت زندگی آینده اش آیا خمس به آن تعلق می گیرد یا خیر؟ در صورت تعلق گرفتن، حساب آن و پرداختش چگونه باید باشد؟

ص: 16

آیا می تواند به امام جمعه شهر و به حساب امام پرداخت نماید یا خیر؟

بسمه تعالی، از درآمد کسب هرچه آخر سال زیاد بماند خمس دارد و به وکیل مسلم الوکاله این جانب پردازید.

[سؤال 10183] 5669

بسمه تعالی 1361 / 6 / 23

با سلام و درود فراوان بر شهیدان و رزمندگان اسلام و با آرزوی ظهور هرچه زودتر حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و پیروزی هرچه زودتر جبهه اسلام.

با عرض پوزش از این که مقداری از وقت عزیزتان را گرفته و مانع از انجام کارهای مهمتری شده ام، اما راهی جز این نیافتم که سؤالم را با شما که منبع مطمئنی هستید در میان بگذارم. دختری هستم 15 ساله که امسال اول نظری را به پایان رسانیده ام. در حدود 16 یا 17 سال پیش مادرم با یکی از بستگانش بالاجبار ازدواج نمود، بعد از يك سال از ازدواجشان من به دنیا آمدم، بعد به عللی پدر و مادرم از هم طلاق می گیرند و من پیش مادر می مانم و پدر هم به دنبال کار خود می رود تا این که دو سه سال بعد، مادرم دوباره ازدواج می کند. ناپدری من در ابتدا خیلی مهربان بود و من هم فکر می کردم واقعاً او پدر من می باشد و برایم نقش يك پدر واقعی را داشت. در حدود 8 یا 9 سال داشتم که متوجه شدم محبت های ناپدری ام خالصانه نیست، و نیت سوء دارد از این رو به خاطر مادرم و وضع موجود با نارضایتی حاضر به ازدواج شدم همه می گفتند بعد از عقد علاقه پیدا می کنی اما نه تنها بعد از يك ماه بلکه بعد از پنج یا شش ماه یا بیشتر هم این علاقه را پیدا نکردم، بدتر از آن احساس تنفر هم پیدا کردم، من بدون هیچ تمایلی به عقد همسرم درآمده ام و حالا نسبت به او احساس تنفر دارم. یکی از دوستانم می گوید شاید عقد شما - چون سر عقد راضی نبودی - درست نباشد بهتر است با دفتر امام در میان بگذاری و جواب قطعی بگیری. خواهش می کنم بگوئید آیا عقد من درست بوده یا باطل می باشد؟ اگر درست بوده من چگونه می توانم با چنین

ص: 17

فردی ازدواج کنم و زندگی مشترکی داشته باشم؟ و در صورت درست نبودن چگونه می توانم به آن ها بفهمانم؟ چون آن ها اهمیتی به نظر اسلام نمی دهند. آیا درست است که من برای مدتی بدون اجازه از خانه بروم و جای دیگری زندگی کنم؟ چون شاید به نفع آن ها نیز باشد.

خواهش می کنم به این بنده حقیر و بی ارزش خدا که غیر از شما کسی را نیافته تا از او کمک بخواهد و جواب بگیرد کمک نموده و مرا راهنمایی کنید.

بسمه تعالی، اگر پدر یا جد پدری دارید صحت عقد موقوف بر اجازه پدر یا جد پدری است و در صورت رد و عدم موافقت محکوم به بطلان است، ولی اگر پدر و جد پدری ندارید با فرض این که رضایت به عقد دادید عقد محکوم به صحت است و جدایی تنها با طلاق میسر است که آن هم اختیارش با شوهر است و بنا بر تسلیم در قبال مقدرات و سازش با زندگی بگذارید، خداوند مشکلات را رفع می فرماید.

[سؤال 10184] 5973

4. دختر بالغه رشیده با مردی ازدواج نموده بدون اطلاع پدرش و پدر بعد از اطلاع، اجازه نکرده است و پدر هم در بلد نبوده و در شهر دیگری بوده، لیکن امکان این که از رأی وی، زوجین با اطلاع گردند بوده است. چون حضرت امام استیذان از ولی را احتیاط دارد و مرد حاضر به طلاق نیست، آیا به این احتیاط امام، قاضی می تواند حکم به عدم صحت عقد نماید؛ خاصه این که پدر هم غایب بوده به نحوی که ذکر شد، یا چون مقلد می تواند در احتیاطات، به مجتهد دیگری رجوع کند و مرد می گوید رجوع می کنم - و خاصه در موردی که مرد، عامی هم هست که احتمال عدم دقت درباره تقلید صحیح وی می رود و درباره فروج و دماء هم احتیاط لازم است - حکم به صحت باید کرد؟ و زن هم حال حاضر نیست با مرد زندگی کند. بفرمایید: اگر اصلاح ممکن نشود، وظیفه قاضی چیست؟ و اگر مرد گفت: من از مجتهد دیگری

ص: 18

تقلید می‌کنم چه باید کرد؟ یعنی اشکال مرتفع می‌شود و می‌شود حکم به زوجیت کرد به مجرد گفته او یا خیر؛ چون در مظان جلب نفع است؟

بسمه تعالی، عقد مزبور باطل است و دادگاه حق طلاق ندارد؛ ولی خود طرفین اگر بکارت دختر زایل شده، می‌توانند ثانیاً بدون اجازه پدر باهم ازدواج کنند.

[سؤال 10185] 5670

بسمه تعالی 1361 / 3 / 26

محضر حضرت امام خمینی تقاضا می‌شود به سؤالات زیر پاسخ دهند

1. اگر پدر دختر نسبت به ازدواج دائم دخترش رضایت داشته باشد، ولی از قرائت صیغه عقد بی اطلاع باشد و در جلسه عقد حاضر نباشد و برای این ازدواج دائم مهریه دخترش را پدر تعیین کرده باشد آیا رضایت پدر دختر برای ازدواج دائم با توجه به این که مهریه ازدواج دائم مذکور را نیز پدر دختر تعیین و پیشنهاد کرده باشد و پسر پذیرفته باشد کافی است برای صحت عقد؟ و آیا عدم اطلاع پدر از قرائت عقد و عدم حضور شخص پدر در جلسه عقد موجب ابطال عقد نمی‌شود؟ با توجه به این که پدر دختر، قبل از زمان اجرای عقد و در زمان حین اجرای عقد و بعد از آن هم راضی به این ازدواج باشد آیا عقد جاری شده بدون اطلاع دختر و بدون حضور پدر دختر صحیح است؟ آیا مفهوم مسأله شماره (2376) از رساله حضرت امام خمینی که می‌گوید: «بنا به احتیاط واجب اجازه باید بگیرد از پدر» تأمین شده است و عقد صحیح است؟

بسمه تعالی، اگر پدر در وقت عقد به آن راضی بوده و یا آن که بعداً راضی شده و عقد را اجازه نموده عقد صحیح است. و حضور پدر در مجلس عقد شرط نیست.

2. اگر کسی قصد انشا را نداند، ولی عقد را صرفاً به قصد محرم شدن جاری نماید، آیا عقد صحیح است. مثلاً اگر دختر و پسر عقد را دوتایی بین خود جاری نمایند؛ به طوری که پسر قصد انشا و معنی هر يك از کلمات عقد را بداند، ولی دختر قصد انشا و معنی کلمات را نداند و ایجاب را به قصد این که

ص: 19

با آن پسر محرم بشود، با قرائت صحیح بخواند. پسر هم صیغه قبول را با قرائت صحیح به قصد انشا بخواند و از هر کلمه معنی آن را قصد نماید. در عقد مذکور، دختر مقدار مهریه خود را نیز - که پدر دختر تعیین کرده است - می داند که چقدر است. عقد مذکور را هم از روی رساله خوانده. آیا عقد مذکور صحیح است؟ فتوای حضرت امام خمینی در این باره چیست؟

بسمه تعالی، در فرض سؤال، عقد صحیح است.

[سؤال 10186] 5671

بسمه تعالی 1361 / 5 / 6

از محضر حضرت امام خمینی، تقاضا می شود به سؤال زیر پاسخ دهند:

پسری برای ازدواج با دختری به خواستگاری وی می رود. دختر با اجازه پدرش، به آن پسر جواب مثبت می دهد و پدر دختر نیز با ازدواج آن ها موافقت می نماید. مدت ها آن ها با هم نامزد بوده اند. در حین نامزدیشان، يك روز، اعضای خانواده پسر، به منزل پدر دختر می روند و پدر دختر در حضور چندین نفر، مقدار مهریه و شیربهای دخترش را تعیین، و به آن پسر پیشنهاد می کند. پسر مهریه و شیربهای مزبور را می پذیرد. سپس در نتیجه صحبت پدر دختر و اعضای خانواده پسر، قرار می شود در آینده، آن ها به عقد هم در آیند. بعدها پدر دختر، خودش برای زندگی دخترش و آن پسر، اقدام به خرید يك فرش می نماید. و اعضای خانواده پسر به همراه افرادی از خانواده دختر، به اتفاق هم، مقداری اجناس لازم برای ازدواج آن دو، خریداری می نمایند، و پدر دختر نیز نسبت به این خرید - که در جامعه به «خرید عقد» معروف است - راضی بوده است. در همان روزها، دختر و پسر مذکور برای این که به هم نامحرم نباشند، عقد دائم را خودشان در غیاب پدر دختر، از روی رساله جاری می نمایند. با توجه به این که پدر دختر - همچنان که به طور خلاصه در فوق به عرض رسید - نسبت به ازدواج آن ها راضی بوده است، آن ها برای قرائت صیغه عقد، از پدر دختر اذن نمی گیرند. و بر اساس همین عقد، روابط بسیار محرمانه زناشویی با هم

ص: 20

داشته اند، به جز دخول، که آن هم برای عروسی و رسوماتی که در جامعه مرسوم و معمول است، انجام نشده است. در همان روزها پسر برای آزمایش خون جهت ازدواج، به دادن خون در بیمارستان اقدام می کند و پدر دختر نیز راضی بوده است. حتی پدر دختر، خودش پسر را برای معرفی به بیمارستان، به دفتر ثبت ازدواج متعلق به یکی از دوستان قدیمی خود راهنمایی می کند. پسر نتیجه آزمایش خون را به منزل پدر دختر می برد و پدر دختر از نتیجه آزمایش خون نیز مطلع می شود و قرار می شود که در چند روز آینده، همان دفتر ثبت ازدواج مذکور، جهت ثبت ازدواج آن ها، به منزل پدر دختر بیاید. چند روز قبل از ثبت ازدواج، به علت خروج آن دختر از منزل و رفتن دختر به جایی بدون اجازه و موافقت آن پسر، بین آن ها اختلاف پیش می آید. و در اثر آن، دختر می گوید: یا باید مرا طلاق بدهی و یا اگر نمی خواهی طلاق بدهی، باید همه مهریه و نفقه ایام گذشته ام را نقداً بپردازی، تا به تو تمکین کنم. در نتیجه پسر می پذیرد که مهریه و نفقه ایام گذشته او را نقداً بدهد، ولی طلاق نمی دهد، و دختر نیز قبول می کند که در صورت دریافت مهریه و نفقه به طور نقد، تمکین نماید. در این حین پدر دختر نیز راضی می شود که دخترش از آن پسر، مهریه و نفقه دریافت نماید. این قضیه می گذرد و پسر اقدام به پرداخت نفقه می نماید. بعد از يك ماه، دوباره دختر و پدر دختر اظهار می دارند که چون در هنگام قرائت عقد مذکور، از پدر دختر کسب اذن نشده، آن عقد باطل است. و این موضوع را وسیله ای قرار می دهند، تا دختر بدون طلاق از آن پسر جدا شود. حالا این سؤال مطرح است که با وجود گذشته ای که از اول تا آخر، به طور بسیار خلاصه ذکر شد، آیا دختر می تواند بدون طلاق از آن پسر جدا شود؟ و آیا عقد صحیح است یا باطل است؟

به امید پیروزی جهانی اسلام

بسمه تعالی، با فرض این که پدر عقد را اجازه داده، عقد صحیح است و جدایی با طلاق حاصل می شود و اختیار طلاق با شوهر است.

سال گذشته با پسری آشنا شدم و با شناختی که از او داشتم می دانستم که می تواند کمک کند و همان طور هم شد ولی چون در درجه اول می دانستم حرف زدنم با ایشان گناه می باشد و در ضمن علاقه ای که هم از نظر فکری و هم از نظر احساس به یکدیگر داشتیم بر آن شدیم که خطبه عقد دائم را بخوانیم لذا خودمان خطبه را خواندیم و باید اضافه کنم از زمانی که خطبه را خواندم چنان رفتار او بر من تأثیر گذاشت که ایمانم را نسبت به خدا و اسلام چندین برابر کرد و آن کارهای زشتی را که قبلاً مرتکب می شدم انجام نمی دهم و می دانم باعث این کار ایشان بودند و از این ماجرا کسی خبر نداشت تا زمانی که مسأله را با یکی از دوستان خوبم در ارتباط گذاشتم و بعد از صحبت کردن به این نتیجه رسیدیم که بنابر آن فتوا که شما (امام) دادید احتمال دادم که خطبه صحیح نباشد گفتم نامه ای بنویسم و جواب شرعی را از خود شما بپرسم که آیا به خاطر رفتارهای بد پدرم که با من داشتند آیا اذن پدر ساقط نمی شود؟ لطفاً چون جواب شرعی می باشد برایم فوری بنویسید.

بسمه تعالی، اگر قبل از عقد، بکارت دختر از بین رفته باشد یا پدر عقد را اجازه کند عقد صحیح است.

حدود يك سال و نیم پیش خواستم با دختری ازدواج کنم؛ از او در مورد رضایت پدرش پرسیدم؛ اظهار داشت: پدرش موافقت نموده است. با توجه به این که امام خمینی رضایت پدر را احتیاط واجب دانسته و احتیاط واجب را ایشان و تقریباً همه

فقه‌ها اجازه داده اند که از مجتهد دیگری تقلید کنیم و آیت الله شاهرودی اجازه پدر را مستحب دانسته بودند، خودمان صیغه عقد را خواندیم؛ (برای من مشکل بود که تحقیق کنم که او راست می گوید یا نه) سپس برای احتیاط، من در مورد او و عقد از دختر وکالت گرفتم و دوباره خودم به وکالت او صیغه عقد را خواندم. مدتی قبل فهمیدم آیت الله شاهرودی در آن موقع فوت کرده بودند؛ ولی من خبر نداشتم؛ الآن به علت اختلافاتی نمی توانم از پدر دختر تحقیق نمایم که اجازه داده است یا نه؛ و در ثانی در این اواخر به قدری این خانواده به من دروغ گفته اند که حرفشان را هم نمی توانم باور کنم؛ ولی مطمئنم که خانواده از ازدواج ما خبر داشته اند. آیا عقد ما درست است یا باطل؟ و آیا بدون اجازه من می توانند این دختر را به عقد دیگری درآورند؟ چون احتمالاً باید این جواب را به خانواده دختر نشان بدهم، اگر امکان دارد جواب را زیر مسأله بنویسید تا هم مسأله و هم جواب آن با هم مشخص باشد. قبلاً از مزاحمتی که ایجاد نمودم پوزش می طلبم.

بسمه تعالی، نمی توانند بدون طلاق، زن را به دیگری شوهر دهند و احتیاط آن است که یا پدر دختر عقد را اجازه کند و یا مرد زن را طلاق دهد.

[سؤال 10189] 2169

3. آیا عقد دختر بدون اجازه پدر و بدون اطلاع او، باطل است یا صحیح؟

بسمه تعالی، صحیح نیست، مگر آن که پدر دختر آن را اجازه دهد.

[سؤال 10190] 5674

بسمه تعالی

حضور محترم رهبر انقلاب و امام امت، خمینی بت شکن سلام عرض می کنم.

سلام بر شما که قلب مستضعفان جهان هستید شما که در برابر سختی ها مقاومت کردید و بدانید امام عزیز که شما را بهتر از پدر و مادر خود دوست دارم. من دختری هستم که هفده سال دارم و محصل هستم و دلم می خواهد که در یکی از ارگان ها عضو

ص: 23

بشوم، اما پدر و مادرم اجازه نمی دهند. آن قدر پیش آن ها التماس کردم تا این که اجازه دادند. فقط در کلاس های مواضع حزب شرکت کنم و چیزی را می خواهم برایتان بنویسم که برایم خیلی مشکل است، اما برای شما که عزیزتر از افراد خانواده ام هستید می نویسم. امام عزیز، پدر من که خود را يك مسلمان واقعی می داند می توانم بگویم که هیچ يك از احکام دین را انجام نمی دهد و آن هایی را هم که واجب است انجام نمی دهد و همیشه عذر می آورد که نمی توانم انجام دهم. آیا وظیفه من این است که طبق آیه قرآن به او سلام نکنم و همانند يك غریبه که واجبات را انجام نمی دهد رفتار کنم؟ خواهشمندم که جوابم را بدهید.

سؤال دیگری دارم. پدرم می خواهد مرا مجبور کند با مردی ازدواج کنم که هم اکنون سرباز است و چندی قبل که می بایست به جبهه بروم گریه می کرد که چرا باید به جبهه بروم و من حاضر نیستم که با چنین مردی ازدواج کنم. چون در این زمان جوانان 12، 15 ساله برای رفتن به جبهه گریه می کنند که هرچه زودتر آن ها را به جبهه ببرند؛ اما او که سرباز است برای این که او را از طرف ارتش به جبهه می برند گریه می کند و می ترسد که شاید کشته شود. از شما می خواهم که به من بگویید با این مرد ازدواج کنم یا نه؟ فقط به سخن شما عمل خواهم کرد. ای امام عزیز، از شما خواهش می کنم که جواب این سؤالات مرا بدهید تا جواب شما را نشان خانواده ام بدهم و به همان عمل بکنم. خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی، خمینی را نگهدار. والسلام علیکم ورحمة الله

بسمه تعالی، به پدر خود احترام کنید و در ازدواج با صلاح دید خودتان و مراعات اذن پدرتان اقدام نمایید.

[سؤال 10191] 5675

بسمه تعالی 1358 / 10 / 12

محضر مقدس حضرت آیت الله العظمی نایب الامام، امام خمینی، دامت برکاته

پس از اهدای سلام و افره و تحیت به ساحت آن وجود مقدس، ان شاء الله مصون و محفوظ بوده باشید.

ص: 24

معروض به این که يك شخص با دوشیزه ای نامزد کرده است و برای نامزدی آن دوشیزه مبلغی پول برای شیرینی و لباس و غیره خرج کرده است. بعد از مدتی دوشیزه می گوید: «به آن شخص ازدواج نمی کنم» ولی آن شخص حاضر است با تمام مخارج بعدی با او ازدواج کند دوشیزه به ازدواج حاضر نمی شود در این صورت آیا مخارجی که آن شخص خرج نموده است به او می رسد یا نه؟

ضمناً اگر دوشیزه به ازدواج حاضر شود، اما ولی او مانع ازدواج باشد چطور است؟ سلامتی شما را از خداوند متعال خواهان و خواستاریم.

بسمه تعالی، حق مطالبه مخارجی که کرده ندارد و ازدواج دختر باکره بدون اذن پدر یا جدّ پدری صحیح نیست.

[سؤال 10192] 5676

بسمه تعالی 1361 / 12 / 4

دفتر محترم رهبر کبیر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، دامت برکاته، امید است با امعان نظر و بذل توجه مخصوص، به استفتا و استعلام زیر پاسخ شرعی مقتضی را مرحمت فرمایید:

دختری به سن رشد و کمال عقل رسیده و آموزگار نیز می باشد. مردی را شیفته خود ساخته و به او قول ازدواج داده و حتی سندی رسمی تنظیم کرده که پدر و مادر و بستگانم نیز حق مداخله در زندگی ام ندارند. ضمناً پس از این که مرد را مجذوب خود نموده؛ به پدر خودش از طریق دفتر ازدواج ابلاغ نموده است که من شوهر دل خواه خود را با ذکر اسم و تعیین دقیق مهریه و صداق معین نموده ام و مایلیم با او ازدواج کنم.

اخطاریه به منزل پدرش فرستاده شده است و پدر دو روز بعد به دفتر ازدواج رفته و اظهار نموده که بلاشکال است. البته چند روز وقت داده اند حق هرگونه اعتراضی را داشته است، ولی عکس العملی انجام نداده است. اینک، پس از این که در تاریخ 1356 / 7 / 11 به نامبرده ابلاغ شده و در تاریخ 1356 / 8 / 21 نیز عقد ازدواج اجرا گردیده

ص: 25

است؛ پدر پس از سپری شدن این مدت مدعی بی اطلاعی شده و اظهار نموده که رضایت ندارم. لذا متمنی است، پاسخ شرعی و قانونی خود را مرقوم فرمایید که آیا این عقد ازدواج باطل است یا صحیح است؟
بسمه تعالی، اگر عقد بدون اذن یا اجازه پدر دختر واقع شده، صحیح نیست.

[سؤال 10193] 5677

بسمه تعالی

دفتر امام خمینی، این جانب دختری داشتم که در ده سالگی با یکی از خان‌ها رفته است. یعنی او را برای خدمتکاری با خود برده است. الآن در حدود 17 سال است که در خانه او است و او نمی‌گذارد دختر من بیاید به خانه تا من او را شوهر کنم. برای این که غیرت من قبول نمی‌کند که ناموس من در خانه اجنبی باشد، از آن دفتر تقاضا می‌نمایم دستور شرعی آن را بیان فرمایند.
بسمه تعالی، اختیار با خود دختر است و کسی حق ندارد مزاحم او شود و در ازدواج دختر، اذن پدر معتبر است.

[سؤال 10194] 5678

بسمه تعالی

با سلام به رهبر کبیر انقلاب، امام خمینی و درود بر شهیدان گلگون کفن از صدر اسلام تا به حال با اجازه از شما؛ درخواست می‌کنم مرا که در سر دو راهی قرار گرفته‌ام هدایت کنید. مشکل من این است که آقایی به خواستگاری این جانب آمده و تمام معیارهایی را که من برای همسر آینده‌ام گذاشته‌ام، ایشان دارا هستند. و به طور کلی می‌توان گفت:
دارای تمام ضوابط اخلاق اسلامی هستند و علاقه‌ای که ما نسبت به همدیگر داریم وصف‌ناپذیر است؛ اما پدرم اجازه نمی‌دهد و می‌گوید: من دلم می‌خواهد تو را به

ص: 26

شخص دیگری بدهم. در صورتی که من هیچ علاقه ای به این شخص ندارم. حالا شما به من بگویید که من در این جا چه باید بکنم؟ آیا باید تسلیم حرف پدر شوم و زندگی خشک و بی روحی را با کسی که علاقه ای به او ندارم شروع کنم؟ آیا رضایت مادر هم کافی است؟
بسمه تعالی، ازدواج دختر باکره بدون اذن پدر صحیح نیست.

[سؤال 10195] 5679

بسمه تعالی 10 / 12 / 1360

حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، ادام الله عمره، پس از سلام؛ تقاضا می شود جواب سؤالات زیر را محبت فرمایند که محل حاجت است:

1. باتوجه به فتوای حضرت آیت الله که در ازدواج باکره اجازه پدر شرط است، اخیراً وقتی که برادران پاسدار به خواستگاری می روند دختر و بستگانش اظهار تمایل می کنند؛ ولی پدرش مخالفت می کند و می گوید که پاسداران می روند کشته می شوند و دختر ما بی سرپرست می ماند. آیا اجازه پدری که این چنین منطقی دارد باز هم لازم است؟

بسمه تعالی، اجازه پدر شرط است.

2. بعضی از خانم ها بچه زیاد دارند و یا اصولاً بچه آوردن برای سلامتی آنان ضرر دارد. برای بستن لوله رحم نیز اطبا معالج تقاضای مجوز شرعی از ائمه جمعه دارند؛ وظیفه ائمه جمعه در این رابطه چیست؟

بسمه تعالی، اگر موجب عقیم شدن یا ضرر نباشد، با اجازه شوهر مانع ندارد.

[سؤال 10196] 5680

بسمه تعالی 15 / 1 / 1361

1. خواهی تصمیم به ازدواج با شخص معلولی گرفته که در اثر جنگ و یا هر اتفاق دیگری معلول شده؛ ولی پدر او مخالفت می کند. آیا می تواند بدون اجازه اقدام به این عمل نماید؟

بسمه تعالی، اذن پدر در ازدواج دختر باکره شرط است؛ ولی اگر دختر میل

ص: 27

به ازدواج دارد و پسر کفو شرعی و عرفی او باشد و بترسد که اگر با آن پسر ازدواج نکند بعداً شوهر خوبی برای او پیدا نشود، پدر حق منع ندارد.

2. کشته عراقی ها از نظر تغسیل و تکفین و نماز و دفن چه حکمی دارد؟

بسمه تعالی، واجب نیست، مگر معلوم شود که از روی اجبار و اکراه به جبهه آمده است.

3. تصرف در اموال اسرا، مثل ساعت، اورکت، لباس ها و غیره از نظر شرعی چه صورتی دارد؟

بسمه تعالی، موقوف است به رضایت صاحب اموال.

4. آیا وسایل و لوازم کشته های عراقی جزو غنیمت جنگی حساب شده و هر فردی می تواند هر مقدار که توانست بردارد یا خیر؟ در صورت تفصیل در قضیه، ذکر بفرمایید.

بسمه تعالی، در غیر آلات و اسلحه جنگی برای رزمندگان مانع ندارد با رعایت مقررات دولت اسلامی.

خداوند آن حضرت را در کمال صحت و سلامت به خدمتگزاری اسلام بیش از پیش توفیق دهد.

[سؤال 10197] 5657

5. به واسطه اختلاف سلیقه و عقیده بالخصوص در مورد پیشامدهای اخیر بین بعضی از دخترها و پدرهایشان دخترها مایل به ازدواج بعضی از پسرها می شوند که هم فکر و هم سلیقه اند با آن ها، ولی پدر مایل به ازدواج دختر با آن ها نیست آیا باز هم رضایت پدر را در عقد دختر لازم می دانید یا نه؟

بسمه تعالی، اگر بارد خواستگار مورد پسند دختر کفو شرعی و عرفی دیگری برای دختر پیدا می شود و تأخیر ازدواج دختر تا پیدا شدن کفوی که مورد پسند پدر هم باشد مفسده ندارد اجازه پدر شرط است.

[سؤال 10198] 5681

بسمه تعالی

1. دختر باکره اگر بدون اذن رضایت پدر ازدواج کند عقد او صحیح است یا باطل؟

بسمه تعالی، صحیح نیست؛ مگر در صورتی که پدر از ازدواج دختر با کفو خودش ممانعت کند و دختر نیاز به ازدواج داشته باشد و بترسد که اگر این ازدواج را نکند دیگر شوهر خوبی برای او پیدا نشود.

ص: 28

2. بعضی بچه ها هستند که اول بلوغ، پدر و مادر به آن ها می گویند: «شما ضعیف هستید و روزه نگیرید». ولی خود آن بچه ها تشخیص نمی دهند که روزه مضر است یا نه. و به گفته پدر یا مادر روزه نمی گیرند و بعد از رشد و بزرگ شدن هم یاد ندارند که آن روز واقعاً ضعیف بوده اند و روزه مضر بوده یا نه، فقط پدر یا مادر می گویند که «شما ضعیف بودید». این گونه اشخاص علاوه بر قضا کفاره عمد هم باید بدهند یا خیر؟

بسمه تعالی، لازم نیست.

[سؤال 10199] 5682

بسمه تعالی

حضرت آیت الله العظمی امام خمینی

1. آیا دختری که بالغه رشیده عاقله بوده و حدود بیست سال سن داشته و تحصیل کرده است و مایل به ازدواج با جوان متدین مسلمان است. پدر دختر به واسطه امور مادی اذن نمی دهد. آیا دختر می تواند بدون اذن پدر ازدواج کند؟

2. در صورتی که پدر دختر بهانه تراشی کند و به جهات مختلف از قبیل بیکاری و بی خانه بودن پسر، اجازه ندهد؛ تکلیف چیست؟

بسمه تعالی، اذن پدر در ازدواج دختر باکره شرط است، مگر در صورتی که از تزویج به کفو منع کند و دختر نیاز به ازدواج داشته باشد و بترسد که اگر از این ازدواج صرف نظر کند، شوهر خوبی برای او پیدا نشود.

[سؤال 10200] 5683

بسمه تعالی

حضور محترم رهبر انقلاب اسلامی ایران - دام ظلّه - سلام عرض می نمایم

غرض از مزاحمت، من دختری هستم 19 ساله که چهارم نظری را تمام کرده ام و مدت هفت ماه است که پاسداری از من خواستگاری کرده و با تمام وجود حاضر به ازدواج با من می باشد. و از همه جهت، خود و خانواده و تمام ارحام به دلیل داشتن ایمان قوی او، با این ازدواج موافقت، جز پدرم که به علت قلت اطلاع اجازه نمی دهد و

ص: 29

تنها دلیل او این است که پاسدار است و ممکن است شهید و یا ترور شود و قلب من راضی نیست. اکنون با توجه به این که من جز زن پاسدار، همسر کس دیگری نمی خواهم بشوم و این پاسدار از ایمان والایی برخوردار است، تکلیف شرعی من در مورد ازدواج چیست؟ لطفاً جواب را هرچه زودتر کتباً مرقوم فرمایید.

بسمه تعالی، در تزویج دختر باکره اذن پدر شرط است، مگر آن که با رغبت دختر به ازدواج، پدر از ازدواج او با کفو شرعی و عرفی وی منع کند و خوف آن باشد که کفو دیگری برای خواستگاری او پیدا نشود، که در این صورت ولایت پدر ساقط است.

[سؤال 10201] 5684

بسمه تعالی 1361 / 4 / 28

تهران، جماران، دفتر امام خمینی

جوانی است که بنا به وظیفه شرعی و نیازهای روحی، تصمیم به ازدواج گرفته است. وی دختر جوان رشیده بالغه 21 ساله ای را انتخاب کرده است که با او توافق کامل دارد، ولی پدر دختر موافقت نمی کند. تکلیف شرعی چیست؟

بسمه تعالی، در ازدواج دختر باکره، اذن پدر شرط است؛ بلی اگر دختر مایل به ازدواج باشد و پسر، کفو عرفی و شرعی او هست و دختر بترسد که اگر او را رد کند، بعداً شوهر خوبی پیدا نشود، پدر نمی تواند او را منع کند، و در صورت منع، ولایتش ساقط می شود.

[سؤال 10202] 5685

بسمه تعالی 1361 / 5 / 11

سلام علیکم ورحمة الله

پدر عزیزم! مشکلی دارم که مزاحم وقت گران بهایتان که متعلق به تمام امت است، می شوم. بنا بر وظیفه ای که احساس می کنم و برای خشنودی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، به یاری

ص: 30

خداوند تعالی، تصمیم گرفته ام با طلبه جوانی که دو پای خود را در راه رضای اله از دست داده است، ان شاء الله ازدواج نمایم. با رضای پدرم با جوان صحبت کرده و برنامه زندگی آینده مان را ریخته ایم. ولی بعد از آمدن پدر جوان به منزل ما، مادرم شدیداً مخالفت کرده و پدرم را نیز به مخالفت وامی دارد، به طوری که پدرم اکنون مخالفت می نماید و از رضایت قبلی خود دست برداشته است. در رابطه با حل این مشکل، با يك برادر روحانی صحبت کردم. ایشان در صحبت هایشان فرموده اند که در این مورد خاص امام اجازه پدر را شرط نمی داند. و نیز فرمودند: برای اطمینان بیشتر به شما نامه ای نوشته و از شما اجازه بگیرم. خواهش می کنم هرچه سریع تر در این مورد، مسئولیت و وظیفه من را معین کنید، تا خدای نکرده باعث گناه بیشتری نگردم.

بسمه تعالی، ازدواج دختر باکره منوط به اجازه پدر است؛ ولی هرگاه با رغبت دختر به ازدواج، پدر از ازدواج او با کفو شرعی و عرفی خویش ممانعت کند و خوف آن باشد که کفو دیگری برای خواستگاری او پیدا نشود، در این صورت ولایت پدر ساقط است.

[سؤال 10203] 5686

بسمه تعالی

سلام گرم ما به حضور آن بزرگ رهبر و پدر مهربانمان که همچون قلب تپنده امت، در پی مشکلات امت می تپد. اینک ما دختران شما به مشکلی دچار شده ایم که راه حلش را در پناه گفتار شما می جوییم.

مشکل ما، مشکل ازدواج و تشکیل زندگی شرافتمندانه در سایه اسلام و حکومت اسلامی است، لیکن خانواده ایمان مشکلاتی از قبیل زندگی مادی و طایفه و همچنین مسأله روستایی و شهری را مطرح می کنند. البته همراه با این مسائل، مسأله ایمان فرد و اصالت اسلامیش را مد نظر دارند، ولی اگر کسی ایمانش خوب بود و از نظر مادی هم در حد متوسط بود و پدر و مادر - بدون هیچ عذر شرعی - اشکال تراشی کنند، آیا

ص: 31

می شود در این مورد با ایشان مخالفت کرد یا نه؟ و در صورتی که مسأله فقط طایفه و خانواده باشد و خودش از نظر اسلامی و انسانی تأیید شده می باشد و پدر و مادر به استخاره متوسل می شوند، آیا باید به این استخاره، محل گذاشته شود یا نه؟

و اگر خانواده طرف از نظر عقیدتی و فکری زیاد انقلابی فکر نمی کنند، اما طرف خودش با انقلاب و اسلام حرکت می کند و فکرش اسلامی می باشد و به خاطر امر خدا و پیغمبر این کار را می خواهد انجام دهد، آیا می شود در این مورد با ایده پدر و مادر مخالفت نمود یا خیر؟ اگر پدر خانواده پسر از نظر شغلی به ظاهر مناسب نباشد، منظور این است که مثلاً در رژیم گذشته ژاندارم بوده، اما حالا بازنشسته شده و اکنون خانواده به این علت که شغلش - شغل پدرش - این بوده مخالفت می نمایند، اما خود طرف، عضو سپاه می باشد در این مورد آیا باید به مخالفت پدر و مادر ترتیب اثر داد یا نه؟ از شما خواهش می کنیم به طور کلی بنویسید که در چه شرایطی پدر و مادر می توانند از ازدواج دخترشان با یک فردی که از نظر شرعی عذری ندارد، فقط عذرشان یک مقداری مادی، و یک مقداری به خانواده و طایفه ترتیب اثر می دهند و با ازدواج با یک فرد مخالفت می کنند چیست؟

بسمه تعالی، در ازدواج دختر باکره اذن پدر شرط است، مگر این که دختر میل به ازدواج داشته و پسر، کفو شرعی و عرفی او باشد و بترسد که اگر او را رد نماید بعداً شوهر خوبی پیدا نخواهد کرد، که در این صورت ازدواج او بدون اذن پدر صحیح است.

[سؤال 10204] 5687

بسمه تعالی

خدمت امام و رهبر بسیار عزیزم، امام خمینی

پس از عرض سلام و احوالپرسی، می خواستم مقداری با شما درد دل کنم. می دانم که وقتتان بیشتر از این ارزش دارد که ما بخواهیم به خاطر مسائل فردی، مزاحمتان

ص: 32

شویم، ولی امام! خیلی دلم گرفته و به هیچ کس به اندازه شما اطمینان ندارم. خلاصه مطلب این است که دختری هستم که تحصیلات دانشگاه را تمام کرده ام. پدرم به شدت مخالف انقلاب است و برای همین هم ما را خیلی در تنگنا قرار می دهد. قبل از انقلاب هم همیشه با من به خاطر این که روسری می پوشیدم و یا به مردها دست نمی دادم، دعوا داشت و می گفت: من باید تو را به کسی بدهم که روسری را بردارد. بعد از انقلاب هم با این که خواستگار زیاد می آید، نمی گذارد ازدواج بکنم. می گوید:

شماها در خیابان ریختید و مشت هایتان را بالا گرفتید و مملکت را به هم زدید، من هم می خواهم از شما انتقام بگیرم. زندگی را از شما می گیرم و می خواهم بدبخت شوید، همان طور که مملکت را به روز بدبختی انداختید. ناگفته نماند که بعد از انقلاب هم، نمازشان را کنار گذاشته اند؛ با این که کارمند دولت بوده و ضرری هم از انقلاب به ایشان نخورده است. من جرأت رفتن به مسجد و یا نماز جمعه و یا راهپیمایی ها را ندارم؛ چون که در خانه غوغا به پا می شود. چند ماه پیش شما را خواب دیدم و به شما گفتم: امام! التماس دعا از شما دارم و شما خندیدید. حالا هم دیگر دلم خیلی گرفته بود، واقعاً راه به هیچ جا ندارم. خواستگار هم که می خواهد بیاید، یا از خانه بیرون می رود، و یا تلفن را قطع می کند که نتوانند تماس بگیرند و می گوید: من دختر به حزب الهی نمی دهم. یک خواب دیگر هم چند ماه پیش دیدم و آن خواب حضرت فاطمه علیها السلام بود. البته خودشان را ندیدم، ولی قصری بود و مرتب نور به طرف من می آمد. من زبانم بند آمده بود و نمی توانستم حرف بزنم. بعد از مدتی دو کلمه از دهانم خارج شد، یکی «شوهر خوب» و دیگری «شهادت»؛ ولی وقتی «شوهر خوب» را گفتم، ابر کوچک سفیدی جلو آمد و وقتی کلمه «شهادت» را گفتم، ابر ناپدید شد. خلاصه امام من خیلی ناراحتم. اصلاً دیگر نمی دانم چه کار باید بکنم. شما را به جان حضرت مهدی علیه السلام قسم می دهم که من را هم با نفستان دعا کنید. البته می دانم شما آن قدر خوب هستید که همه را دعا می کنید. ولی از شما خواهش التماس

دعای مخصوص دارم. در ضمن چند بار هم خواسته ام که در محضر عقد کنم و اصلاً از خانه بیرون بروم، ولی راستش دوباره ترسیدم؛ چون که به مردها نمی توانم آن قدر اطمینان کنم؛ می ترسم در زندگی سرکوب بشوم که تو چنین و چنان کردی. خلاصه امام من بعد از خدا، امیدم به شما است. هر چه شما بفرمایید به روی چشم انجام می دهم.

بسمه تعالی، ازدواج دختر باکره، موکول به اجازه پدر است؛ ولی اگر دختر مایل به ازدواج باشد و پدر با ازدواج وی با کفو شرعی و عرفی موافقت نکند و خوف آن باشد که کفو دیگری برای خواستگاری دختر پیدا نشود، در این صورت اعتبار اذن پدر ساقط است.

[سؤال 10205] 5688

بسمه تعالی 1361 / 3 / 31

با سلام و آرزوی سلامتی و موفقیت روز افزون شما این جانب پاسدار کمیته و معلم آموزش و پرورش چند ماه پیش با دختر خانمی برای ازدواج به گفت و گو نشستیم تا این که امسال جهت خواستگاری رفتم و با والدین ایشان صحبت کردم آن ها علاوه بر برخورد تند و خشک، مقداری زیاد چوب لای چرخ گذاشتند و گفتند که باید کم کم ماهی 15 هزار تومان درآمد داشته باشید تا بتوانید زندگی تقریباً خوبی داشته باشید و بعد از مدتی به دخترشان گفتند که نمی گذاریم این ازدواج صورت بگیرد. لازم است بدانید که والدین این دختر ضد انقلاب و ضد اسلام و شرع هستند و زندگی غربی مآب و صددرصد مادی دارند پدر ایشان در رژیم گذشته رئیس بانک سپه بوده و مادر ایشان فردی بی حجاب و غرب زده و متوسل به رنگ و روغن، در ضمن این دختر يك خواهر و يك برادر دارد که خواهر ایشان در انگلستان است و برادر ایشان نیز فردی بی بند و بار و گه گاه دوستان فاسد خود را به منزل می آورد و با هم به تماشای فیلم ها و کاست های مبتذل مشغول می شوند در کل لازم است گفته شود که این دختر

ص: 34

تنها فرد مذهبی و پای بند به شرع و انقلاب است و تا حد زیادی غرق در معنویات و متمسک به ادعیه و ائمه معصومین علیهم السلام و با جوی که در منزل ایشان هست با بودن مسائل خلاف شرع و اسلام و عقاید ضد انقلابی و ضد روحانی و با استهزاهایی که این دختر می شود در این منزل به ایشان بسیار سخت و ناگوار می گذرد البته این مسأله را با دفتر امام در تهران تلفنی در میان گذاشته و به ما گفتند که با بودن این مسائل اگر هم کفو باشید و دختر تشخیص بدهد که از شما بهتر را نمی تواند پیدا کند این جا اذن پدر ساقط می شود و لازم نیست از پدر اجازه گرفته شود و می توانید بدون اذن پدر عقد کنید لذا به محضر جهت عقد رفتیم به ما گفتند که این مسأله را به دفتر امام بنویسید و اجازه را بدهد تا خطبه عقد را جاری کنیم در غیر این صورت ما نمی توانیم عقد کنیم لذا تقاضا می شود که نسبت به این مسأله خیلی مهم تمام اقدامات لازم را مبذول فرمایید. قبلاً از همکاری شما کمال تشکر را دارم.

بسمه تعالی، ازدواج دختر باکره موقوف بر اجازه پدر است مگر آن که با میل دختر به ازدواج، پدر از ازدواج وی با کفو شرعی و عرفی او ممانعت کند و خوف آن باشد که کفو دیگری برای خواستگاری دختر پیدا نشود که در این صورت ولایت پدر ساقط است و ازدواج بدون موافقت پدر محکوم به صحت است.

[سؤال 10206] 4477

11. آیا اذن پدر در عقد شرط است یا خیر؟ و در صورتی که پدر، ضد انقلاب باشد و دختر بخواهد با فردی مکتبی ازدواج کند و پدر اذن ندهد، چه صورت دارد؟

بسمه تعالی، ازدواج دختر باکره منوط به اجازه پدر است؛ ولی اگر با میل دختر به ازدواج، پدر از ازدواج وی با کفو شرعی و عرفی ممانعت کند و خوف آن باشد که کفو دیگری برای خواستگاری دختر پیدا نشود، در این صورت ولایت پدر ساقط است و اجازه وی شرط نیست.

ص: 35

2. صبیۀ بنده در تظاهرات شرکت داشته؛ جوانی او را گول زده و به محضری مراجعه نموده است. برای آن که بنده راضی نبوده ام. - یعنی اصلاً به بنده مراجعه نشده - دختر به دروغ به صاحب محضر گفته است سابقه ازدواج دارم؛ اقرارنامه تنظیم نموده، محضر ازدواج او را عقد نموده؛ عقد صحیح است یا خیر؟

بسمه تعالی، ازدواج دختر باکره موقوف به اجازه پدر است؛ ولی با میل دختر به ازدواج اگر پسر کفو عرفی و شرعی او باشد و دختر بترسد که دیگر شوهر خوبی پیدا نکند، پدر حقّ منع از ازدواج آن ها ندارد.

احتراماً؛ به عرض می رساند، پسری که سنش بیش از 22 سال است و خدمت سربازی را نیز تمام کرده، و تمام دوران سربازی خود را در جبهه ها گذرانده است و فردی انقلابی نیز می باشد، به طوری که عموم مردم محل، به این امر واقفند. این جوان به خواستگاری دختری رفته که برادرش عضو بسیج بوده و حدود پنج ماه است که به اسارت متجاوزین بعثی عراق درآمده است. وقتی پسر به خواستگاری دختر می رود، خانواده دختر به پسر جواب می دهند که ما از دین و اخلاق و یا هر جور دیگر از شما راضی هستیم، و خود دختر نیز همین طور، ولی برای انجام این پیوند، باید صبر کنی تا اسیر جنگی ما (برادر دختر) از عراق برگردد. و این امر باعث انجام نگرفتن ازدواج شده است. از آن جایی که خانواده دختر و پسر، و خود آن ها (دختر و پسر) حزب اللهی هستند و به تأخیر افتادن ازدواج آن ها، به علت اسیر بودن یکی از افراد خانواده دختر می باشد، و این هم به جنگ، و جنگ هم به ایدئولوژی ما - اسلام - بستگی دارد، شاید بتوان این مطلب را به عنوان يك مسأله شرعی مورد سؤال قرار داد که آیا از نظر شرعی، درست هست که خانواده دختر صبر کنند تا اسیر آن ها از اسارت آزاد شود؟ قابل تذکر است که خانواده دختر به امام خمینی اعتماد زیادی داشته و جواب شما،

مسأله را حل می نماید. به امید روزی که پیوند این پسر و دختر انقلابی و حزب الهی، به صورتی اسلامی انجام پذیرد.

بسمه تعالی، اختیار با پدر دختر است، مگر آن که دختر میل به ازدواج داشته باشد و پسر حاضر نباشد صبر کند، و پدر اگر فعلاً موافقت نکند، خوف آن باشد که بعداً خواستگاری که کفو دختر باشد پیدا نشود، در این صورت ولایت پدر ساقط است.

[سؤال 10209] 5690

بسمه تعالی

با درود به امام عزیز، و با سلام به رزمندگان جبهه های اسلام، خدمت امام امت:

من دختری هستم که در خانواده ای زندگی می کنم که پدرم بسیار مخالف انقلاب و دولت و همه کس است، ولی برادرها و مادرم همه با من هم عقیده اند و حتی يك برادرم اسیر، و يك برادرم هم پاسدار اسلام است. به هر حال می خواستم از حضور جناب عالی بپرسم در موقع ازدواج پدرم مخالف است که با يك فرد حزب الهی و معتقد به انقلاب و امام ازدواج کنم و می گوید: تا من زنده ام حق ندارد با چنین اشخاصی ازدواج کند. ولی واقعاً منطقی نیست؛ چون عقیده من با پدرم متضاد است و مسلماً نمی توانم با شخصی که پدرم می خواهد، ازدواج کنم. به هر حال می خواستم بدانم اجازه پدر تا چه حد مورد قبول است؟ در صورتی که الآن يك فرد حزب الهی و از هر نظر خوب آمده، ولی پدرم مخالفت می کند و می گوید: اگر می خواهی ازدواج کنی، به من کاری نداشته باش. به هر حال وظیفه من در این میان چیست؟ یا باید تا پدرم زنده است ازدواج نکنم، یا باید بدون اجازه پدر دست به این کار بزنم. لطفاً جواب را برایم بنویسید. از خدا امید پیروزی و نصرت شما را خواهانم.

بسمه تعالی، اجازه پدر دختر شرط است، مگر آن که پسر، کفو عرفی و شرعی دختر باشد و دختر بترسد که اگر با آن پسر ازدواج نکند دیگر شوهر خوبی پیدا نکند، در این صورت پدر حق منع ندارد.

ص: 37

جماران، دفتر آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

با کمال احترام و ادب، استدعا دارد مقرر فرمایند نظر مبارک را اعلام دارند. چنانچه خواستگار دختر کبیره و باکره، فاقد صلاحیت اخلاقی و تقوای اسلامی باشد، اذن ولی در نکاح، شرط واجب و لازم است یا خیر؟

بسمه تعالی، اذن پدر یا جد پدری، در ازدواج دختر باکره شرط است، ولی اگر پسر، کفو عرفی و شرعی دختر باشد و دختر بترسد که اگر با او ازدواج نکند، دیگر شوهر خوبی پیدا نکند، پدر یا جد حق منع از ازدواج آنان ندارند.

بسمه تعالی

محضر حضرت آیت الله العظمی، قائد اعظم، مرجع اعلی، الامام الخمينی، دام ظلّه الشریف، السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

در مسأله ای که در ذیل استفتا می شود، لطفاً حکم شرعی را بیان فرمایید، مورد ابتلا است. مسأله این است که اگر دختر بالغه رشیده را برای بالغ رشید، بدون اذن پدر دختر عقد کند و بعد از اجرای عقد، از پدرش اذن طلب نماید ولیکن پدر اذن ندهد. با این که دختر و پسر هر دو کفو شرعی و عرفی بوده و دختر به این پسر میل تام دارد و هر چند از پدر اذن می طلبد، ممانعت می کند و پدر می گوید که من نسبت به ازدواج با این پسر اصلاً اجازه نخواهم داد. و دختر می گوید: من به غیر از این پسر با کسی دیگر ازدواج نخواهم کرد آیا در این صورت اذن پدر لازم است یا نه؟ و در فرضی که اذن پدر لازم باشد، از پسر ابراء مدت می خواهد یا نه؟ بیان بفرمایید. أجرکم علی الله

بسمه تعالی، ازدواج دختر باکره منوط به اجازه پدر است، مگر آن که با میل

دختر به ازدواج، پدر از ازدواج وی با کفو عرفی و شرعی او ممانعت کند و خوف آن باشد که کفو دیگری برای خواستگاری دختر پیدا نشود، که در این صورت ولایت پدر ساقط است، و در موردی که ولایت پدر ساقط نیست، صحت عقد مشروط به اجازه پدر است، و اگر پدر اجازه نکند دختر نمی تواند آثار عقد صحیح را مترتب نماید و احوط آن است که با طلاق در عقد دائم، و با ابراء مدت در عقد متعه، از هم جدا شوند گرچه این احتیاط واجب نیست.

[سؤال 10212] 5542

2. وقتی که يك برادر پاسداری به يك خواهر مؤمن و متعهد پیشنهاد ازدواج می دهد و هر دو هم موافق به این ازدواج هستند، ولی پدر و مادر و برادر و خواهر، اعلام مخالفت شدید می کنند. در آن صورت وظیفه چیست؟ لطفاً به طور واضح تشریح فرمایید. آیا در این صورت اجازه پدر و مادر و برادر شرط است؟

بسمه تعالی، در ازدواج دختر باکره، اذن پدر شرط است، مگر آن که با میل دختر به ازدواج، پدر رضایت به ازدواج او با کفو شرعی و عرفی وی ندهد و خوف آن باشد که کفو دیگری برای خواستگاری دختر پیدا نشود، که در این صورت ولایت پدر ساقط است.

[سؤال 10213] 5693

بسمه تعالی 1361 / 12 / 2

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی، امام خمینی، دامت برکاته، السلام علیکم

احتراماً؛ نظر به این که در توضیح المسائل اجازه پدر را برای ازدواج دخترش شرط فرموده اید، ولی در تحریر الوسیله، جلد دوم، اجازه پدر را در صورت خودداری از اجازه برای دختری که به سن رشد شرعی رسیده باشد شرط، مقرر فرموده اید. مستدعی است نظر عالی را در مورد دختری که کبیره و رشیده است و می خواهد

ص: 39

ازدواج بکنند، ولی پدر دختر اجازه نمی دهد، بیان فرمایید که به کدام يك از دو نظریه مذکور عمل شود.

بسمه تعالی، ازدواج دختر باکره، باید با اجازه پدر باشد. بلی اگر پسر، کفو عرفی و شرعی دختر باشد و دختر میل به ازدواج دارد و بترسد که اگر با او ازدواج نکنند، دیگر شوهر خوبی برای او پیدا نشود، پدر نمی تواند او را از ازدواج منع کند.

[سؤال 10214] 5694

بسمه تعالی 3 / 8 / 1361

حضور محترم امام امت، آیت الله خمینی، دام ظلّه

آیا دختر بدون اذن پدر می تواند شخصاً اقدام به ازدواج نماید، در صورتی که سه شرط حاکم باشد: 1. میل به ازدواج؛ 2. هم کفو بودن دو طرف؛ 3. احتمال این که اگر این شخص را رد کند، هم کفو دیگری برای او پیدا نخواهد شد. پدر دارای صلاحیت اخلاقی نیست و تعهد به اجرای احکام الهی نیز ندارد. خداوند شما را مؤید و منصور بدارد. به امید برقراری حکومت اسلامی در سراسر جهان

بسمه تعالی، ازدواج دختر باکره، منوط به اجازه پدر است؛ ولی اگر با میل دختر به ازدواج، پدر از ازدواج وی با کفو شرعی و عرفی ممانعت کند و خوف آن باشد که کفو دیگری برای خواستگاری دختر پیدا نشود، در این صورت ولایت پدر ساقط است و دختر می تواند بدون اجازه پدر ازدواج کند.

[سؤال 10215] 2458

3. البته مسائل رسومات محلی در این مناطق هنوز پا برجا است، لذا بعضی از پدران، ازدواج را به دختران خود به زور تحمیل می کنند و از کسانی که عرفاً هم تا و هم شأن ایشان می باشند باز می دارند، آیا این دختر 15 یا 17 ساله و بیشتر، در صورتی

ص: 40

که با عقل خود کار کند، می تواند ازدواج کند به دور از اجازه پدر؟ چون پدر، هدفش تحمیلی است و این دختر هم می گوید که باید طبق موازین اسلام باشد و او دختر را باز می دارد، در این صورت اگر دختر ازدواج کند، بدون این که پدر قبول کند، چطور می باشد؟

بسمه تعالی، ازدواج دختر باکره منوط به اجازه پدر است؛ ولی اگر با میل دختر به ازدواج با کفو شرعی و عرفی خود، پدر مخالفت نماید و خوف آن باشد که کفو دیگری برای خواستگاری دختر پیدا نشود، در این صورت ولایت پدر ساقط است.

[سؤال 10216] 5695

بسمه تعالی 16 ذی القعدة 1401 ق

محضر مبارك رهبر انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله العظمی، امام خمینی، دام ظلّه العالی، احتراماً؛ به عرض می رساند:

يك دختر و پسر با شناخت همدیگر، قصد ازدواج دارند؛ اولاً: دختر نیاز به ازدواج دارد. ثانیاً: پسر نیاز به ازدواج دارد. ثالثاً: پسر دارای شرایطی نیست که در اسلام ازدواج با او حرام یا مکروه باشد، مثلاً شارب الخمر یا تارك الصلاة باشد، بلکه از نظر تقوا زیانزد خاص و عام است.

با چنین خصوصیتی، پدر دختر - با وجود چندین بار مراجعه - اجازه ازدواج نمی دهد. آیا در صورت اجازه ندادن پدر، اجازه او در مورد ازدواج چنین دختری ساقط می شود یا خیر؟

بسمه تعالی، ازدواج دختر باکره، موقوف بر اجازه پدر است؛ ولی در صورت میل دختر به ازدواج، اگر پدر از اجازه ازدواج او با کفو شرعی و عرفیش امتناع ورزد و خوف آن باشد که کفو دیگری برای خواستگاری دختر پیدا نشود، اجازه او اعتبار ندارد.

ص: 41

حضرت امام خمینی

به فرض اگر دختر بالغ و مسلمانی و پسری بالغ و مسلمان یکدیگر را خواسته و بدون اجازه پدر دختر، با هم ازدواج نموده باشند، آیا عقد آن ها باطل است یا نه؟ آیا عدم رضایت پدر دختر موجب ابطال عقد ازدواج آن ها می شود یا نه؟ آیا دختر مذکور بدون طلاق از آن پسر جدا می شود یا نه؟ پسر حاضر به طلاق نیست.

بسمه تعالی، عقد دختر باکره بدون اذن و اجازه پدر باطل است، مگر این که پسر، کفو عرفی و شرعی دختر باشد و دختر بترسد که اگر با او ازدواج نکند، دیگر شوهر خوبی پیدا نکند.

بسمه تعالی

دفتر امام، بخش شهرستان ها، برادر حجت الاسلام حسن قدیری، سلام علیکم، احتراماً به عرض می رساند: این جانب عضو سپاه پاسداران هستم. در رابطه با ازدواج به مسأله ای برخوردیم مبنی بر این که خواهری را در نظر گرفتیم و این خواهر در مورد ازدواج کاملاً موافقت داشته و هیچ مانعی از نظر ازدواج کردن با بنده ندارد. و به حد بلوغ رسیده است و دیپلم هم دارد. مادرش راضی است، برادرش نیز با ازدواج ما موافق است؛ ولی پدرش ناراضی است و دلیل ناراضی را هم فرموده اند به علت بودن بنده در سپاه می باشد و به طور کل راضی نمی باشند. به چه صورت می توان ولایت پدر را در این مورد که دختر آماده برای ازدواج می باشد ساقط کرد؟

بسمه تعالی، ازدواج دختر باکره موقوف است به اذن و اجازه پدر دختر. بلی، اگر دختر میل به ازدواج داشته باشد و پسر کفو عرفی و شرعی او باشد و دختر بترسد که اگر با او ازدواج نکند شوهر خوبی برای او پیدا نشود، پدر نمی تواند منع کند.

بسمه تعالی

محضر مبارك آيت الله العظمى، امام خمينى، دام ظلّه العالى على رؤوس الانام

دختری اجازه عقد نکاح خود به شخصی را داد و به قلم و امضای خود، کسی را از طرف خودش، برای اجرای عقد نکاح وکیل ساخت و امضا کرد و هنوز هم اعتراف می کند که خودش نکاح را قبول کرده است، و نوشته وکالت نامه هم از خودش می باشد، و عقد در خانه ناکح انجام گرفته است. و حالا دختر می گوید من از ترس اقرار نمودم و نوشته دادم. و ناکح می گوید که پدر و برادر منکوحه، در حضور شش نفر گواه و نکاح خوان - که هفتمی بود - همراه دختر بودند پیش از اجرای عقد نکاح، از برادر بزرگ و بالغ دختر که حاضر بود، پرسید که آیا پدرت و شماها از این عقد راضی هستید؟ برادر دختر جواب داد که پدرم اجازه داده و من هم راضی هستم. و بر این مطلب چند نفر شاهد هست. و مدتی بدین منوال بدون عروسی گذشت و بعداً يك رنجش میان پدر دختر و ناکح پیدا شد، و پدر دختر می گوید: من خبر نداشتم و الآن هم راضی نیستم. حکم این نکاح را بیان بفرمایید.

بسمه تعالی، اگر شرعاً ثابت شود که پدر، عقد را اجازه نداده، حکم به بطلان عقد می شود و در غیر این صورت عقد محکوم به صحت است.

بسمه تعالی

حضور محترم اعضای دفتر امام خمینی

پس از عرض سلام و آرزوی موفقیت و پیروزی برای شما، مسأله ای را برایتان مطرح می کنم که در حل این مشکل به همکاری شما و رهنمود حضرت امام خمینی نیازمندم:

دختری 20 ساله هستم و با پسری از فامیل قرار ازدواج گذاشتیم، اما به دلیل این که

ص: 43

هنوز خدمت سربازی را پشت سر نگذاشته، ناچار شدیم صبر کنیم تا مدت سربازی او تمام شود. در این بین - چون ما نمی خواستیم گناهی کرده باشیم - از روی رساله یکی از مراجع که مقلد ایشان هستیم با عربی صحیح صیغه موقتی خواندیم، فقط به این دلیل که به یکدیگر محرم باشیم، نه به دلیل دیگری. وقتی این موضوع را با یکی از نزدیکانم در میان گذاشتم، گفتند که این صیغه درست نیست؛ چرا که باید حتماً اجازه پدر باشد (البته همان طور که می دانید، مطلقاً از لزوم اجازه پدر در این باره صحبتی نشده). از چندی پیش تا به حال که این موضوع را شنیده ام، از این که مبادا گناهی کرده باشیم شدیداً رنج می برم و بعد از این تکلیف ما چیست؟ از شما درخواست و تمنا می کنم که به محض مشاهده این نامه، موضوع را با حضرت امام در میان گذاشته و پاسخ آن را هرچه زودتر برای من ارسال فرمایید و بگویید که من چه کنم؟ لازم به تذکر است که چون این پسر از فامیل ما است، من نمی خواهم که فعلاً کسی از بستگانم (پدر، مادر و یا دیگران) از این موضوع با خبر شود. ولی این اطمینان را هم دارم که به خواست خدا حتماً با هم ازدواج خواهیم کرد.

بسمه تعالی، اگر پدر شما عقد را اجازه دهد، صحیح است و گرنه باطل است.

[سؤال 10221] 5700

بسمه تعالی 28 شوال 1402 ق

محضر مبارک حضرت زعیم ائمة الاسلامیه، سیدنا و مولانا، امام الخمینی، اطال الله عمره الشریف

معروض خدمت سرکار، به عنوان استفتا این است چون که يك رساله عملیه موسوم به زبدة الاحکام طبع مطبعة الاداب النجف الاشرف، از قبیل سرکار به دست ما رسیده بود و حالاً هم در دست ما موجود است. در مسائل اولیاء العقد (مسأله 1) چنین تحریر فرموده اید که ما عین عبارت را نقلاً نوشته ایم: «وَأَمَّا إِذَا كَانَتْ بَكَرًا، ففیه أقوالٌ

ص: 44

والأحوط استئذان منهما، نعم لا إشكال في سقوط اعتبار إذنهما إن منعها عن التزويج بمن هو كفو لها شرعاً و عرفاً، مع مئيلها» بناءً و عملاً بر این عبارت، يك دختر بالغه رشیده و يك پسر عاقل و بالغ رشید، عقد ازدواجی را بدون اذن صریح ولی، جاری نموده اند و بعد از اجرای عقد نکاح شرعی، بعضی از اشخاص مسأله را مورد بحث و نزاع قرار داده، قیل و قالی در صحت عقد کرده، و بطلان آن را ریشه و بنیاد فساد قرار داده اند لهذا صحیح شدن و نشدن را تفصیلاً تحریر فرموده و با مهر شریف مزین فرمایید. جواب این مسأله مورد حاجت را بیان فرمایید.

بسمه تعالی، اگر پدر اذن در عقد دختر باکره نداده و بعد از عقد آن را اجازه نکرده، عقد صحیح نیست و با اجازه پدر صحیح می شود.

[سؤال 10222] 5701

بسمه تعالی 1361/9/2

حضور حضرت امام خمینی؛ امید است سالم و تندرست بوده و خداوند به عمر شریفتان بیفزاید، از حضورتان چند سؤال داشتم:

1. چون شما در امر ازدواج شرط اجازه پدر در مورد دختر باکره را واجب دانستید؛ سؤالم این است که اگر دختر باکره ای پدر نداشته باشد، اجازه چه کسی شرط است و آیا اجازه اش همانند اوامر پدر است یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر پدر و جد پدری ندارد، اجازه خودش کفایت می کند و اجازه دیگران شرط نیست.

2. شما در رساله فرمودید که اگر دو نفر با هم راضی و خانواده ایشان نیز راضی باشند، طبق شرایط، این دو می توانند همدیگر را عقد کنند یا وکیل بگیرند؛ در حالی که ارگان های نظامی اگر این نوع زن و شوهری که بدون مدرک هستند را ببینند می گیرند. لطف کنید فتوا را در رابطه با نظام کشور اسلامی ما بگویید.

بسمه تعالی، اگر عقد مطابق با ضوابط شرعی انجام بگیرد، صحیح است؛ ولی مراعات مقررات دولت اسلامی لازم است.

3. آیا پولی که در قبال ازدواج - که مبلغی به اندازه يك یا دو هزار تومان و یا بیشتر - به عنوان شیرینی

ص: 45

دریافت می کنند و اگر ندهند، طلب محسوب می کنند آیا حلال است یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر در ضمن عقد شرط شده باید بپردازد؛ و گرنه منوط به رضایت دهنده پول است.

[سؤال 10223] 5782

2. حدود 8 سال پیش عمه شوهرم که از داشتن فرزند محروم بوده است، دختری را از پرورشگاه به فرزند قبول کرده است؛ حال که فرزند به سن بلوغ رسیده، تکلیف مرد (پدر) چیست؟ آیا محرم است یا نامحرم؟ و ازدواج این دختر به چه صورت است؟

بسمه تعالی، دختر نسبت به مرد (پدرخوانده) نامحرم است و اگر پدر ندارد یا معلوم نیست، بعد از بلوغ و رشد اختیار با خود او است.

[سؤال 10224] 5702

بسمه تعالی 1361 / 6 / 4

مرجع عالی قدر و رهبر کبیر انقلاب مقدس اسلامی، حضرت آیت الله العظمی الامام خمینی، دامت برکاته، سلام علیکم، از درگاه حضرت احدیت تقاضا داریم وجود مبارك حضرتت را در نهایت صحت و سلامت و عافیت و در اوج افتخار و عظمت، لااقل تا طلوع فرج مولایمان حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نگه داشته و از جمیع حوادث مصون و محفوظ نگه دارد.

امام عزیز! دختری هستم در حدود 25 سال سن و در حدود دیپلم سواد دارم و اینک در يك نهاد انقلابی افتخاراً خدمتگزارم. قریب به دو سال است که از فیض وجود پدر بی بهره شده ام و می خواهم با مردی که در همان نهاد خدمت می کند و در حدود 40 سال سن دارد ازدواج کنم. متأسفانه مادر و برادر 28 ساله ام با این وصلت مخالف هستند و دلیل مخالفت آن ها تفاوت سنی ما است، در حالی که از نظر این جانب این مشکلی نیست؛ چرا که فرد مذکور را از نظر ایمان و روش زندگی قابل توجه می دانم، مخصوصاً که می دانم در امر دین و عرفان مرا یاری می کند و راهنما

ص: 46

است و دیگر این که او برایم شناخته شده است.

گو این که به آن ها گفته ام که از نظر شرع و طبق فتوای مرجع اشکالی در امر ازدواج ما نیست، اما ایشان نمی پذیرند. و دلیل دیگر این که پیامبر گرامی اسلام و حضرت خدیجه و امیرالمؤمنین و حضرت فاطمه علیهاالسلام با هم از نظر سنی فرق زیاد داشته اند، لذا این مهم نیست، پذیرا نیستند، و می گویند حرف مردم را چه بگوییم و چه کنیم؟!

امام بزرگوار! اینک که به عنوان ولی فقیه، اطاعت از جناب عالی واجب است، تقاضا دارم که اگر موضوع ازدواج ما اشکال شرعی ندارد و اگر اجازت می فرمایید، حکمی بفرمایید تا مادر و برادرم را موظف به اجرا کند.

بسمه تعالی، در فرض مرقوم، اختیار ازدواج و حق انتخاب همسر با خود شما است و رضایت برادر و مادر شرط نیست.

[سؤال 10225] 5703

بسمه تعالی 1361 / 10 / 29

محترماً به عرض می رساند، نظر به این که این جانب مقلد امام هستم نظر آن جناب را در باره چند مسأله خواستم:

1. دختری که پدر و پدر بزرگ نداشته باشد، می تواند (اختیار آن را دارد) ازدواج موقت بکند (متععه شود).

بسمه تعالی، مانع ندارد.

[سؤال 10226]

2. اگر پدر داشته باشد، ولی در شهری دیگر که به آسانی نمی شود با او تماس گرفت می تواند بدون اجازه متعه شود؟

بسمه تعالی، اگر طوری است که اجازه گرفتن از او ممکن نیست، اشکال ندارد. ولی اگر تماس با او ممکن است ولو مدتی طول بکشد یا سخت باشد، بدون اجازه نمی تواند صیغه شود.

ص: 47

محضر مقدس حضرت مستطاب، آیت الله العظمی، امام خمینی، دامت برکاته

محترماً معروض می دارد: فرضاً زید با دختری به نام سمیه ازدواج کرده، پدر دختر رضایت نداده و مرجع قضایی با توجه به مسأله 2376 مندرج در توضیح المسائل امام، حکم به بطلان عقد داده است. ولی زید با استفاده از قسمت دوم مسأله 2377، با عبارت: «... و نیز اگر دختر باکره نباشد، در صورتی که بکارتش به واسطه شوهر کردن از بین رفته باشد، اجازه پدر و جد لازم نیست» و با استفاده از حالت زن بودن سمیه، به دفتر اسناد رسمی مراجعه و او را به عقد خود در آورده است. آیا این ازدواج به دلایل زیر محکوم به بطلان نیست؟

منظور از عبارت «در صورتی که بکارتش به واسطه شوهر کردن از بین رفته باشد» این است که ازدواج شرعی، با رعایت همه جهات واقع شده و سپس طلاق واقع شده، یا شوهر فوت کرده باشد و زن بیوه باشد، که در این صورت ازدواج دوم صحیح بوده و اذن پدر و جد بر اساس فتوای امام لازم نیست، و یا زنی که ازدواجش باطل شده، با اذن پدر با مرد دیگر غیر از زید ازدواج کند و سپس طلاق بگیرد، یا بر اثر مرگ شوهر بیوه شود، که در این صورت اگر به عقد زید در آید، به فتوا عمل شده است؛ در صورتی که در موارد زیر، خلاف فتوا عمل گردیده است:

1. عدم اذن پدر در ازدواج، با وجود صدور حکم بطلان عقد زید با سمیه.

2. اجرای عقد برای بار دوم بین زید و سمیه، بدون اجازه پدر دختر، و بدون اجرای صیغه طلاق یا مرگ زید. یعنی فقط بر اساس رفع بکارت، که اساس فتوا بکارت نیست، بلکه ازدواج هر دختری برای بار اول با اذن پدر منظور است.

بنا بر جهات معروض، عقد دوم نیز باطل به نظر می رسد و با توجه به جهات مختلف و مضرات خانوادگی و اجتماعی، نظر مبارك آن مرجع عالی قدر را برای تنفیذ

عملی مسأله 2376 خواستار است. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، اگر قبلاً با دخول ولو به نحو زناى محرّم، ازالۀ بکارت شده، صحت عقد بعدی منوط به اجازه پدر نیست.

[سؤال 10228] 5705

بسمه تعالی 18 / 7 / 1361

محضر مرجع عالی قدر، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

هرگاه دختر باکره ای با عقد و ازدواج بدون اذن پدر ازاله بکارت شود و بعداً با توجه به این که اذن پدر در ازدواج دختر باکره شرط است، با طلاق احتیاطی (طلاق خلعی) از آن مرد جدا شود؛ چنانچه آن زن دوباره با همان مرد ازدواج کند، آیا صحت عقد دوم منوط به اذن پدر دختر است؟

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، در فرض مرقوم، ازدواج دومی صحیح است و اذن پدر شرط نیست.

[سؤال 10229] 5706

بسم الله الرحمن الرحيم

مولانا ما تقولون في رجل أراد أن يعقد على بكر بغير إذن أبيها، فرجع إلى تحرير الوسيلة فوجد أنكم تقولون بالاحتياط، فرجع في هذه المسألة إلى من يقول بالجواز، فدخلت بها بعد العقد على مهر معيّن وبعد ذلك أخبرت بأنكم تشترطون إذن الأب في تزويج البكر، فأصبحت ثيباً فعقدت عليها ثانيةً على مهر معيّن آخر ولم أدخل بها بعد العقد الثاني، أفتونا مأجورين:

1. صحة العقد الأوّل وفساده؟

2. هل تستحق عليّ مهر المثل أو مهر المسمى؟

3. هل يثبت عليه كفارة أو أمثال ذلك؟

ص: 49

4. ما هو حد البذل في الطلاق الخلعي، وهل يحقّ للزوج أن يطلب أضعاف مهر المسمّى.

بسمه تعالی، یصحّ العقد الثانی و یشبّ المهر المعین فیہ، ولا کفّارة لذلك، ولا حد للبذل فی الطلاق الخلعي.

[سؤال 10230] 5707

بسمه تعالی 1361 / 6 / 25

محضر شریعت گستر، حضرت آیت الله العظمی، امام خمینی، روحی فداه

با عرض سلام، جسارتاً خاطر مبارک را به مراتب زیرین معطوف، و با پوزش از تصدیع، معروض می دارد:

کلیه ازدواج های دخترهای باکره ای که تا کنون بدون اذن پدر واقع، و بنا به فتوای صریح آن پیشوای عالی قدر و حکم قطعی دادگاه های مدنی خاص باطل گردیده، به محض صدور حکم بطلان، بلافاصله دختر و پسر بدون اذن پدر، تجدید ازدواج کرده اند و با این توجیه که چون بکارت از بین رفته است، نیازی به اجازه پدر نیست از فتوای آن حضرت، به عنوان راه حل شرعی سوء استفاده و با این حیلۀ شیطنی، عملاً اذن پدر در دختر باکره نیز ساقط، و احکام دادگاه ها در این قبیل مسائل بلا اثر شده علاوه بر این که این امر مغایر با مفهوم مسأله 2377، در رسالۀ عملیۀ آن حضرت می باشد؛ زیرا در قسمت اخیر این مسأله که عین آن ذیلاً در پرانتز نقل می شود (و نیز اگر دختر باکره نباشد، در صورتی که بکارتش به واسطۀ شوهرکردن از بین رفته باشد، اجازه پدر و جد لازم نیست) استنباط این است که هر دختری باید یک بار با اجازه پدر، شوهر اختیار کند. بنابر این وقتی ازدواجی باطل گردیده، در حکم دختر غیر باکره ای است که بکارتش به واسطۀ شوهرکردن از بین نرفته پس بنا بر مفهوم این مسأله، بار دوم نیز نیاز به اذن پدر دارد.

مضافاً چنانچه سوابق این قبیل ازدواج ها - که در اثر اغفال دختران معصوم، بدون اذن پدر انجام گردیده - بررسی شود، اکثراً پس از مدت کوتاهی، به عدم توافق اخلاقی

ص: 50

و جدایی این قبیل زوجین و متلاشی شدن کانون خانواده‌ها منتهی می‌شود، و حاصل آن اشاعه مفاسد اخلاقی و اجتماعی است. و از طرفی، پدری که با خون دل، دختری را بزرگ کرده و بهتر از هر کس در صلاح اندیشی صاحب نظر می‌باشد، انتظار دارد که در انتخاب داماد و سرنوشت دخترش، به خصوص در نظام جمهوری اسلامی، دخالت داشته باشد و سلب این اختیار از طرف علمای اعلام یا حکام محترم شرع، به معتقدات مردم و آبروی جمهوری اسلامی لطمه وارد می‌کند و خانواده‌های دختردار را غمگین، و دچار دغدغه خاطر می‌سازد.

علی‌هذا استدعا دارد نظر مبارك را نسبت به صحت یا بطلان این قبیل ازدواج‌های توأم با حيله، که به طور معروض، عملاً خنثی‌کننده اثرات حکم شرعی این مسأله می‌باشد، ذیلاً مرقوم فرمایند.

بسمه تعالی، پدر و جدّ پدری بر دختر غیرباکره ولایت ندارند و اجازه آن‌ها در ازدواجشان معتبر نیست.

[سؤال 10231] 5708

بسمه تعالی

در ازدواج با باکره فرموده‌اید: احوط باید به اذن پدر باشد. بعداً نقل شد که فتوا به این موضوع داده‌اید. بنابراین اگر باکره نباشد ولی عدم باکره بودن مستند به زنا باشد آیا ازدواج بدون اذن پدر صحیح است یا خیر؟

بسمه تعالی، بعید نیست عدم الحاق به بکر لکن احتیاط در آن ترك نشود.

[سؤال 10232] 5709

بسمه تعالی

ما با هم ازدواج نموده ایم و پدر این جانب به عنوان این که اجازه عقد نداده به دادگاه شکایت و رأی به ابطال عقد واقع شده گرفت. مجدداً در تاریخ 1361/5/6 نامه ای به دفتر محترم امام در تهران تقدیم داشته و تقاضای کسب تکلیف نموده با دستوری که

ص: 51

در ذیل نامه از طرف دفتر محترم امام نوشته شده و تقدیم می گردد بنا بر احتیاط طلاق جاری و مجدداً به ازدواج هم درآمده ایم با توجه به این که این جانبان پسرعمه و دختردایی بوده و همدیگر را دوست داشته و با توجه به این که بعد از ازدواج آمیزش حاصل و به احتمال زیاد زوجه حامله می باشد تقاضا داریم امام عزیز و رهبر محبوب انقلاب چون پدری دلسوز با اجازه به ازدواج، ما دو نفر را در پناه عدل اسلامی به زندگی امیدوار فرمایند عندالله خالی از اجر نخواهد بود.

بسمه تعالی، اگر قبل از عقد دوم دخول محقق شده عقد ازدواج دوم صحیح است و احتیاج به اذن و اجازه پدر ندارد.

[سؤال 10233] 5710

بسمه تعالی 1361 / 7 / 18

محضر مبارك مرجع عالی قدر حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

هرگاه دختر باکره ای با عقد و ازدواج بدون اذن پدر، از او ازاله بکارت شود و بعداً با توجه به این که اذن پدر در ازدواج دختر باکره شرط است، با طلاق احتیاطی (طلاق خلعی) از آن مرد جدا شود، چنانچه آن زن دوباره با همان مرد ازدواج کند، آیا صحت عقد دوم منوط به اذن پدر دختر است؟

بسمه تعالی، در فرض مرقوم، ازدواج دومی صحیح است و اذن پدر شرط نیست.

[سؤال 10234] 5711

بسمه تعالی 1361 / 5 / 30

حضور مبارك حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، روحی فدا، با عرض سلام

دختر باکره ای بدون اجازه پدر، شوهر اختیار نموده و به واسطه شکایت پدر که علت آن، فقدان صلاحیت اخلاقی پسر بوده ازدواج آن ها باطل شده؛ ولی بلافاصله مجدداً بدون اذن پدر و مادر، با همان پسر ازدواج نموده. آیا ازدواج دوم

ص: 52

با همان پسر صحیح است یا باطل؟

بسمه تعالی، اگر در وقت ازدواج دوم، هنوز دختر باکره بوده، اعتبار اذن پدر به قوت خود باقی است؛ و اگر باکره نبوده، ولایت پدر ساقط بوده است.

[سؤال 10235] 5712

بسمه تعالی

جماران، دفتر آیت الله العظمی، امام خمینی، مدّ ظلّه

با احترام و عرض ادب، استدعا دارد مقرر فرمایند در پاسخ، نظر مبارک را اعلام فرمایند. در رساله های آن حضرت اذن پدر در ازدواج دختر کبیره و باکره، احتیاط واجب است. آیا این شرط حتمی و لازم است یا خیر؟ به خصوص اگر خواستگار فاقد تقوا و اخلاق اسلامی بوده، و متجاهر به فساد اخلاق باشد، و کفو دختر هم نباشد. تکلیف پدر چیست؟

بسمه تعالی، ازدواج دختر باکره بدون اذن پدر دختر، صحیح نیست.

[سؤال 10236] 5505

2. دختر و پسری که فقط قصد درس خواندن دارند، اگر بدون اجازه پدر و مادر، به عقد غیر دائم همدیگر درآیند و فقط برای درس خواندن، بدون هیچ قصد دیگری، آیا اشکال دارد؟

بسمه تعالی، ازدواج دختر باکره ولو موقت باشد، منوط به اجازه پدر است.

[سؤال 10237] 5909

3. ازدواج منقطع با دختران باکره با اذن ولی یا در صورت فقدان ولی برای تمتع و زناشویی منع شرعی دارد یا خیر؟

بسمه تعالی، با اذن پدر یا جدّ پدری دختر و با نبود آن ها با اذن خود دختر مانع ندارد.

ص: 53

بسمه تعالی 10 / 9 / 1358

به پیشگاه زعیم عالی قدر، امام امت، مرجع عالم تشیع، آیت الله العظمی امام خمینی، متّع الله المسلمین بطول بقائه

این بنده ضعیف، عاجزانه از محضر مبارک آن رهبر و پیشوا استفتا می نماید در خصوص این مسأله: «دختری که به حد بلوغ رسیده و رشیده است، یعنی مصلحت خود را تشخیص می دهد، اگر بخواهد شوهر کند، چنانچه باکره باشد بنابر احتیاط واجب باید از پدر یا جدّ پدری خود اجازه بگیرد و اجازه مادر و برادر لازم نیست».

اگر این دختر بخواهد متعه شود و با رعایت کامل حفظ بکارت به عقد موقت فردی که بسیار شدید مورد علاقه اوست درآید، آیا در این صورت، نظر مبارک حضرت عالی چیست؟ و آیا اجازه پدر باز شرط است یا خیر؟

بسمه تعالی، اجازه پدر شرط است.

بسمه تعالی 25 / 10 / 1361

دختری است از هر نظر مورد قبول این جانب؛ یعنی مؤمن، مسلمان، حزب اللهی و پایدار به انقلاب و جمهوری اسلامی است و قصد ازدواج با وی را دارم و هم خودش و هم پدر و مادرش رضایت دارند؛ ولی تا پایان دوره آموزش موقعیتم ایجاب نمی کند که وی را عقد کنم. آیا می شود بین ما توسط خودمان صیغه عقد موقت تا زمان عقد دائم خوانده شود؛ برای این که اگر منزلشان رفته و صحبتی و نگاهی به یکدیگر کردیم، از نظر شرعی اشکال نداشته باشد؟

خواهشمند است در این مورد راهنمایی ام فرمایید؛ هر چند که نامه ها زیاد و ممکن است فرصت جواب دادن به آن نباشد، ولی استدعا دارم در این مورد پاسخ فرمایید.

بسمه تعالی، با اذن پدر مانع ندارد.

بسمه تعالی

خدمت پدر عزیزم، آیت الله خمینی

پس از عرض سلام و آرزوی سلامتی شما از درگاه ایزد یکتا؛ مسأله ای بود که می خواستم خدمت آن پدر عزیز، عرض کنم و آن این که من دختری 18 ساله هستم، که مدت هشت ماه است خانواده ام به یکی از افراد فامیل، قول ازدواج مرا داده اند و این ها بارها آمده اند و گفته اند که اجازه بدهید صیغه بخوانیم، تا این ها محرم باشند و بتوانند با هم حرف بزنند. اما خانواده من - با این که تحصیل کرده اند - قبول نمی کنند و می گویند: اگر پسر می خواهد، بیاید و برود، ولی ما نمی گذاریم صیغه بخوانید. و من، خود حاضر نیستم و می گویم که گناه دارد. و دیگر آن که خانواده پسر می گویند: در شرایط فعلی عقد کردن رسم ما نیست، وگرنه عقد می کردیم. و خود پسر می گوید: من باید در باره زندگی آینده خودم حرف بزنم. ولی خانواده اجازه نمی دهند، و با این که می گویند: بیاید و برود ولی می گویند صیغه نه، به من هم می گویند: تو اصلاً جلو نیا.

خواهشمندم تکلیف مرا مشخص کنید. آیا می شود بدون اجازه پدر و مادر، صیغه محرمیت برای يك مدت معین، با شرایط معین بخوانیم یا نه؟ و اگر ممکن است، بگوئید که از نظر شرعی ما دو نفر چه کار کنیم که گناهی - از نظر نگاه - مرتکب نشویم و اشکال نداشته باشد؟

بسمه تعالی، بدون عقد بر یکدیگر، محرم نیستند و عقد باید با اجازه پدر دختر باشد.

بسمه تعالی

با اهدای سلام به خدمتتان، سؤالی شرعی داشتم:

خانمی از آشنایان ما دخترش را در سن سه سالگی صیغه موقتی با پدر من کرده، تا این که خودش به پدرم محرم شود. بدیهی می باشد که بعد از صیغه، برادر من نیز به آن

دختر محرم می شود. حال با توجه به این که دختر سنش کم بوده و قادر به فکر کردن هم نبوده، پس وکیل او پدرش می باشد و پدر او با يك چنین چیزی مخالف است و راضی به این صیغه نیست، صیغه باطل است یا نه و برادر من می تواند با این دختر ازدواج کند؟ در ضمن دختر هم به این صیغه راضی نمی باشد و ما با آن خانم نسبت فامیلی نیز نداریم. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، در فرض سؤال، اگر پدر دختر به عقد راضی نبوده و بعداً هم اجازه نکرده، عقد باطل است.

[سؤال 10242] 5827

5. متعنه دختر بالغه رشیده بدون اجازه پدرش چه صورتی دارد؟ آیا عقد به عمل می آید یا نه؟

بسمه تعالی، صحیح نیست.

[سؤال 10243] 1152

5. ازدواج موقت با دختری که باکره است و صیغه خوانده اند و غرض فقط صرف دوست بودن و از تنهایی درآمدن است - بدون شهوت و بدون استفاده از امیال جنسی - آیا اجازه والدین طرفین ضروری است یا خیر؟

بسمه تعالی، بدون اجازه پدر دختر صحیح نیست.

[سؤال 10244] 5717

بسمه تعالی 1361 / 8 / 9

با سلام به محضر حضرت آیت الله خمینی، رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران

سؤالی است که استدعا دارم جواب آن را بفرمایید. از لطفتان سپاسگزارم.

چون حضرت امام، اذن پدر را در باکره احتیاط واجب می فرمایند، و در بعضی موارد هست که پسر و دختر به هم علاقه دارند، و یا این که لازم می بینند قبل از ازدواج، بیشتر با هم آشنا شوند و این معاشرت ها حرام نباشد. و چون تحصیل اذن پدر به

ص: 56

واسطه شرم و حیا و موانع دیگر مشکل است، امام اجازه می فرمایند که این احتیاط ترك شود و بدون اذن ولی، صیغه محرمیت جاری گردد یا خیر؟

بسمه تعالی، ازدواج دختر باکره منوط به اجازه پدر است، و فرقی بین ازدواج دائم و منقطع نیست.

[سؤال 10245] 5718

بسمه تعالی 1361 / 8 / 8

با درود به رهبر کبیر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی و نایب بر حق امام عصر و مرجع تقلید خویش، خواستم مسأله ای را که برایم پیش آمده و مرا گیج کرده است، به حضور شما عرض نمایم.

من بیشتر اوقات خانه دایی ام می روم؛ چون ایشان راننده است و همیشه در این شهر و آن شهر می باشد و من هم مجبورم که شب ها پیش زن و بچه اش بخوابم و از آن ها سرپرستی کنم و وسایل مورد نیازشان را در اختیارشان قرار دهم و چون يك اتاق دارند، بایستی حتماً همگی پیش هم بخوابیم. و ایشان دارای دختری می باشند هم سن من، یعنی به رشد بلوغ رسیده است و می ترسم که احساسات نوجوانی ما را به گناه اندازد. آیا به نظر شما می توانیم صیغه عقد موقت بین خود بخوانیم، و پدر و مادر هم هیچ گونه اطلاعی نداشته باشند؛ زیرا در چنین مواقعی، پدرها خیلی لجاجت می کنند و فکرای سوء در باره ما می کنند و در ضمن اگر صیغه عقد بخوانیم هیچ گونه نزدیکی با هم نخواهیم داشت. تو را به خدا هرچه زودتر جواب نامه را بفرستید.

بسمه تعالی، پدر دختر باید اجازه بدهد، ولی اجازه پدر پسر لازم نیست.

[سؤال 10246] 5719

بسمه تعالی

السلام علیکم، خدمت آقایان دفتر امام، محترماً به عرض می رسانم:

این جانب دختری هستم متولد سال 1341 و دیپلمه، و مایلیم با جوانی که متولد

ص: 57

سال 1339، دیلمه و پاسدار کمیته مرکزی می باشد ازدواج کنم. ما خودمان شخصاً به توافق کامل برای این ازدواج رسیده ایم، ولی پدر من با این امر الهی، به مخالفت برخاسته است و مانع ازدواج من با این شخص می باشد. پدرم مخالفتش به این علت است که ایشان پاسدار، و در حقیقت باید بگویم حزب الهی و شخصی با ایمان می باشد. و در ضمن یادآور شوم که مادرم موافق با این ازدواج می باشد، و تنها مانع ما برای ازدواج، پدر می باشد. حالا شما بگویید تکلیف و وظیفه شرعی ما، در برابر این موضوع چیست؟ و در ضمن خانواده ایشان (پسر) کاملاً راضی هستند. با تشکر فراوان، خواهشمندم که پس از نوشتن جواب، مهر دفتر امام را نیز در آخر به آن اضافه فرمایید، تا بتوانیم به دیگران، شرعی بودن کار خود را که از طرف دفتر اعلام می شود ثابت کنیم.

بسمه تعالی، ازدواج دختر باکره موقوف است بر اجازه پدر.

[سؤال 10247] 5720

بسمه تعالی

محضر محترم حضرت امام خمینی، روحی له الفداء

با توجه به بخش مسائل متفرقه توضیح المسائل، سؤال 94 به شرح زیر، نظر مبارك امام در این مورد، فتوا می باشد یا این که احتیاط واجب می فرمایید؟

1. دختر و پسرهای امروزه که در مدارس و دبیرستان ها و دانشگاه ها و مؤسسات با هم معاشر هستند و برای محرمیت، صیغه برای خودشان یا پدر و فرزندانشان قصد دارند جاری کنند که این معاشرت ها حرام نباشد، چون حضرت عالی اذن پدر را در باکره، احتیاط واجب می فرمایید و در این موارد چه بسا هست که پدرها راضی نمی شوند و یا آن که نمی شود اذن گرفت، اجازه می فرمایید که این احتیاط ترك شود و بدون اذن ولی، صیغه جاری گردد یا خیر؟ و دیگر آن که بعضی موارد هست که پسر و دختر، به هم علاقه دارند و تحصیل اذن از پدر، به واسطه شرم و حیا و موانع دیگر

ص: 58

مشکل است. آیا ترك احتیاط در این صورت جایز است یا خیر؟

بسمه تعالی، شرطیت اذن پدر در صحت ازدواج دختر باکره، فتوا است نه احتیاط.

[سؤال 10248]

2. حال که بدون اذن خواستن از پدر، عقدی صورت گرفته، نظر مبارك در مورد صحت یا بطلان عقد چیست؟

بسمه تعالی، عقد مذکور باطل است؛ مگر این که بعد از عقد، پدر آن را اجازه نماید.

3. در صورت بطلان عقد، در مورد مهریه چگونه عمل شود؟

بسمه تعالی، در صورتی که دخول محقق شده باشد و دختر عالم به بطلان عقد نبوده، مهر المثل را حق دارد.

[سؤال 10249] 5721

بسمه تعالی

سلام علیکم، مرجع عالی قدرم حضرت امام خمینی با آرزوی سلامت شما از درگاه خداوند متعال، استدعا دارم چنانچه امکان دارد به سؤالات این جانب پاسخ بفرمایید:

1. حضرت عالی در پاسخ سؤالی که طی آن پرسیده شده بود که آیا اذن پدر در مورد باکره را می توان ترك کرد؟ فرموده بودید: «اذن پدر ساقط نمی شود. بلکه اخیراً شرط می دانم به حسب فتوا»؛ لطفاً بفرمایید منظور از «اخیراً» به طور دقیق چه تاریخی است؟ (از چه تاریخی اذن پدر برای باکره، از احتیاط واجب به فتوا تغییر یافته است؟)

بسمه تعالی، ازدواج دختر باکره، باید با اذن و اجازه پدر او باشد و حکم از اول چنین بوده است و زمان تغییر به فتوا را نظر ندارم.

2. مکلفی که مدتی اعمال خود را بدون تقلید انجام داده است و حالا مقلد شده است، برای بررسی صحت یا عدم صحت اعمال گذشته اش (اعمالی که در زمانی که تقلید نمی کرده منظور است)، آیا

ص: 59

بایستی تحقیق کند که زمان انجام عمل فتوای مجتهدی که وظیفه اش تقلید از او بوده و یا فتوای مجتهدی که فعلاً باید از او تقلید کند، چه بوده است؟

بسمه تعالی، لازم نیست و چنانچه عمل مطابق فتوای فعلی بوده، صحیح است.

[سؤال 10250]

3. اگر مردی به دختر باکره ای که مقلد نیست و مسائل تقلیدی را نمی داند، بگوید: «برای عقد دائم اجازه پدر لازم است، ولی برای عقد موقت اجازه پدر لازم نیست»، و دختر به حرف او اعتماد کند، به لحاظ آن که او را آدمی مذهبی می داند و فکر می کند که وی به مسائل فقهی آگاه است و بدون اذن پدر - بر اساس این حرف - صیغه عقد موقت جاری می شود. آیا این عقد موقت صحیح است یا باطل؟ پدر دختر، بعد از اطلاع مخالفت شدید ابراز کند.

بسمه تعالی، بدون اجازه پدر دختر، عقد صحیح نیست.

[سؤال 10251] 7087

2. آیا ازدواج با معلولین، در صورتی که پدر و مادر راضی نباشند، صحیح است؟

بسمه تعالی، ازدواج دختر باکره باید با اذن پدر او باشد.

[سؤال 10252] 5722

بسمه تعالی 15 / 11 / 1361

این جانبه دوشیزه 24 ساله، معلم، در حدود يك سال است که تصمیم گرفته ام به خاطر رضای خدا - نه به خاطر احساسات - با یکی از جانبازان ازدواج کنم؛ چون به این نتیجه رسیده ام که جهاد ما دختران، همین است که این سربازان و پاسدارانی که به خاطر ما معلول شده اند را پرستاری کنیم. دو ماه است که یکی از اقوامان، که خودش هم معلول انقلاب است، جانبازی را که در درگیری با منافقان از نخاع کمر معلول شده به من معرفی کرده است، و اکنون بعد از يك سال و سه ماه، دکتر اجازه ازدواج به او داده است و من هم به خاطر حقی که این جانبازان بر ما دارند، قبول کرده ام و با پاسدار

ص: 60

مورد نظر صحبت نموده و موافقت طرفین حاصل شد. اما پدرم راضی نمی شود. درضمن پدرم مخالف انقلاب است. حالا از شما خواهشمندیم که ما را راهنمایی فرمایید. آیا در این شرایط، ما بدون اذن پدرم می توانیم ازدواج کنیم یا نه؟ لطفاً جواب را در این نامه مرقوم فرمایید. والسلام

بسمه تعالی، ازدواج دختر باکره، باید با اذن پدر باشد و بدون اذن صحیح نیست.

[سؤال 10253] 5723

بسمه تعالی 1361 / 3 / 13

حضور محترم امام عزیز سلام عرض می کنم از خداوند متعال سلامتی و طول عمر شما را خواهانم ان شاء الله تعالی خدا شما را تا انقلاب مهدی برای ما نگهدارد. می خواستم چند جمله ای برای امام عزیز عرض کنم. امام! دخترهایی هستند که می خواهند با معلولین ازدواج کنند ولی پدر و مادرشان اجازه این کار را به آن ها نمی دهند من هم یکی از آن دخترها هستم اما متأسفانه پدرم و مقدار خیلی کمی مادرم مخالف هستند از شما می خواستم اعلام کنید و به مردم بگویید که عیب نیست ازدواج با معلول ها و به پدر و مادرها بگویید که اجازه بدهند که دخترهایشان با معلولین ازدواج کنند. دوم این که امام! دستور دهید که افراد مسئول جدی تر و با پشتکار بیشتر این مواد مخدر را ریشه کن کنند و افراد و عوامل این کار را به سزای عملشان برسانند. در موقعی که جوانان عزیز ما با خونشان از اسلام عزیز دفاع می کنند عده ای از عوامل اجنبی و سودجو جوان های ما را به فساد می کشند. امام! از شما عاجزانه خواهش می کنم دستور دهید هرچه زودتر این کار را انجام دهند. مطلب سوم این که از شما سؤالاتی داشتم: سرودها و آهنگ ها که در رادیو و تلویزیون می گذارند که بعضی از آن ها خیلی شاد است حرام است؟ چگونه می توانیم استعدادها را بشناسیم؟ چگونه می توانیم مراحل اولیه خودسازی را طی کنیم؟ آیا معامله چیزی که می دانیم از آن

ص: 61

استفاده حرام می کنند حرام است؟ اگر هست پس چرا کشور ایران کشمش را به خارج صادر می کند در حالی که می دانیم از آن شراب درست می کنند؟ متشکرم. امام عزیز بیا به قم ما قمی ها منتظرت هستیم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، ازدواج دختر موقوف است به اجازه پدر او و موسیقی مطرب حرام است و صداهای مشکوک مانع ندارد و معامله برای استفاده حرام جایز نیست.

[سؤال 10254] 5724

بسمه تعالی

خدمت امام امت، خمینی بت شکن، دامت افاضاته، السلام علیکم ورحمة الله

این جانب دختری 24 ساله، اهل تجریش هستم. با توجه به رهنمودهای رهبر عزیز، و دستورات شرع مقدس اسلام، حاضر شدم با یکی از جانبازان انقلاب، که افغانستانی و عضو سازمان نیروی انقلاب اسلامی افغان می باشد و در جبهه حق علیه باطل - منطقه دهلران - دو پای خود را از دست داده است ازدواج کنم، و چون تصمیم گرفته ام به غیر از جانبازان، همسر دیگری انتخاب نکنم، خواستگاران دیگر را جواب کرده و در این مورد رضایت پدر و مادر خود را خواسته، موافقت نکردند. و علت مخالفت پدر و مادرم، علاوه بر جانباز بودنش، مسأله افغانی بودنش است و عامل این مخالفت، دوستان و آشنایانی است که پدرم را تحریک کرده، و گفته اند که افغانی ها، دزد و آدم کش هستند، و باید در کشور خود می ماندند و با ابرقدرت شرق می جنگیدند. از این جهت مخالفت می کنند. و چون من با خدای خود عهد کرده ام که خدمتگزار جانبازان انقلاب باشم. فتوای امام را در این مورد خواستارم. با تشکر فراوان و توفیق باری تعالی و دعای خیر شما

بسمه تعالی، باید با اجازه پدرتان ازدواج کنید.

ص: 62

بسمه تعالی

سلام علیکم، با درود فراوان به رهبر کبیر انقلاب، امام خمینی، و با درود به رزمندگان مبارز اسلام، و با سلام به شهیدان انقلاب اسلامی ایران، می خواهم مشکلی را با شما در میان گذاشته و از شما کمک بخوام. امیدوارم که ما را در این مشکل یاری فرموده و راه حل مناسبی را برایم بگویید.

من دختری 20 ساله هستم که مدت يك سال پیش، یکی از برادران معلول از من خواستند که با ایشان ازدواج کنم و من خیلی خوشحال شدم که می توانم کاری را انجام دهم که خداوند آن را دوست می دارد. ولی متأسفانه پدر و مادرم با این کار مخالفت کردند. البته مادر می گوید: من چطور می توانم با فامیل رفت و آمد کرده و بگویم دخترم با يك معلول ازدواج کرده است. و آن برادر معلول نیز چندین بار با پدرم حرف زده است، تا شاید پدرم را قانع کند، ولی متأسفانه جواب آن ها منفی می باشد. خود من نیز می خواهم با يك معلول ازدواج کنم. از شما می خواهم مرا راهنمایی کنید که آیا من می توانم بدون اجازه پدر و مادرم، با این برادر ازدواج کنم؟ در ضمن، خودم به خدمت در شغل معلمی، در اطراف میانه مشغول می باشم و می توانم با سعی و تلاش بیشتر، زندگی خود و این برادر را تأمین کنم. خواهش می کنم مرا راهنمایی کرده و جوابی برای من بفرستید. والسلام

بسمه تعالی، بدون اجازه پدر نمی توانید با او ازدواج کنید و بدون اجازه عقد باطل است.

بسمه تعالی 1361 / 3 / 27

دفتر محترم حضرت امام خمینی، أدام الله ظلّه العالی علی رؤوس المسلمین

ضمن عرض سلام و تحیات وافره

به پیوست، نامه خانمی که می خواهد با برادری که دو پا و يك دست خود را از

ص: 63

دست داده، ازدواج کند ولیکن خانواده این خواهر مخالفت می کنند و خواهش کرده که این موضوع را به اطلاع برسانند که آیا می شود بدون اجازه خانواده، اقدام به ازدواج نمود یا نه؟ ارسال می شود، خواهشمند است پاسخ نامه فوق را به آدرس این خواهر ارسال نمایند. با آرزوی توفیق برای شما

بسمه تعالی، در ازدواج دختر باکره، اذن پدر یا جد پدری شرط است و اذن سایر افراد خانواده معتبر نیست.

[سؤال 10257] 5803

2. وقتی يك دختری می خواهد با يك معلول انقلاب ازدواج کند، ولی مخالفت پدر و مادر مانع از این کار می شود، آیا در این صورت جلب رضای والدین واجب است یا نه؟

بسمه تعالی، در ازدواج دختر باکره، اذن پدر شرط است.

[سؤال 10258] 5727

بسمه تعالی

خدمت مسئولین محترم دفتر امام، دامت برکاته

محترماً معروض می دارم که من دختری هستم که در یکی از دهات جرقویه، به شغل معلمی مشغول هستم و تصمیم گرفته ام با یکی از جانبازان انقلاب اسلامی ازدواج کنم. می خواستم بینم اجازه پدر و مادر شرط است یا نه؟ متشکرم

بسمه تعالی، اجازه پدر شرط است و بدون اجازه او، عقد صحیح نیست.

[سؤال 10259] 5728

بسمه تعالی 1361 / 11 / 11

برادران محترم مسئول دفتر امام خمینی، دام ظلّه

پس از عرض سلام و آرزوی سلامت و طول عمر با عزت برای امام چندی قبل نامه ای ارسال داشته و ضمن آن خصوصياتی از پدرم نقل کردم و

ص: 64

خواستم بفرمایید، با این گفته ها آیا او کافر است یا نه؟ پاسخ دادید:

کسی که منکر خدا یا رسالت خاتم الانبیاء صلوات الله علیه و آله باشد، و یا یکی از ضروریات دین مبین اسلام را منکر شود، محکوم به کفر و نجاست است و بر فرزندان ولایت ندارد و... برادران گرامی سؤال من این است:

من می خواهم بنا به توصیه امام، و برای به جا آوردن ذره ای از وظایف خطیر و اسلامی، با يك پاسدار معلول ازدواج کنم، ولی پدرم رضایت نمی دهد و مدت ها این ازدواج به تعویق افتاده است. اگر او بر من ولایتی نداشته باشد، به نظر شما آیا می توانم بدون اجازه او، اقدام به ازدواج با پاسداری معلول بنمایم؟ و یا اصولاً هر ازدواج دیگری را، بدون اجازه او انجام دهم؟

بسمه تعالی، بدون اذن پدر، نمی توانید ازدواج کنید.

[سؤال 10260] 5729

بسمه تعالی

1. دختری که می خواهد با يك مجروح ازدواج کند ولی پدر و مادرش اجازه نمی دهند، تکلیفش چیست؟ آیا می تواند مخالفت آنان را نادیده بگیرد یا باید به امر آنان باشد؟

بسمه تعالی، دختر بدون اذن پدر نمی تواند ازدواج کند.

2. آیا به ظرف یا لباسی که برای انسان هدیه می آورند خمس تعلق می گیرد؟ (از زمانی که آورده اند آیا باید سال قرار دهند؟)

بسمه تعالی، هدیه خمس ندارد.

3. آیا گوش دادن به آهنگ هایی (سرودها) که در حال حاضر در رادیو و تلویزیون اجرا می شود، فعل حرام است؟ چون به هر حال موسیقی در آن ها به کار رفته؛ مثلاً برنامه خانواده را که از رادیو گوش می دهیم، برنامه تربیتی دارد، آشنایی با قرآن و تفسیر و حدیث و... که برنامه های خوبی هستند و شنیدنشان مفید است، ولی در بین پخش این برنامه ها، موسیقی و آهنگ است؛ اگر تماماً بشنویم، فعل حرام است و اگر در موقع موسیقی و شعار که توأم با موسیقی است خاموش کنیم، بعد یادمان می رود

ص: 65

دوباره روشن کنیم و از شنیدن آن مطالب محروم می گردیم؛ تکلیف چیست؟ چرا باید هنوز این موسیقی و غنا از رادیو (تلویزیون) جمهوری اسلامی پخش شود؟ آیا کسی نیست رسیدگی کند؟

بسمه تعالی، موسیقی مطرب حرام است و صداهاى مشکوک مانع ندارد.

4. آیا پوشیه زدن دخترها بدون اجازه مادر یا پدر جایز است، حتی اگر به مجادله و دعوا بکشد.

بسمه تعالی، لازم نیست پوشیه بزنید؛ حجاب شرعی کافی است.

5. آیا زنی که بچه شیر می دهد مثلاً 5 دقیقه به طلوع آفتاب مانده از خواب بیدار می شود، بچه هم همان وقت بیدار شده و گرسنه است، در این جا زن باید اول نمازش را بخواند یا بچه را سیر کند؟ (اگر نماز بخواند، ممکن است بچه بی تاب شود و اگر بچه را شیر دهد، نمازش قضا می شود).

بسمه تعالی، اگر می تواند جمع کند و اگر ممکن نیست و بچه بی تاب می شود بچه را شیر دهد.

6. آیا برای درمان درد، جایز است به دکتری که به اسلام و انقلاب و حتی شخص امام اعتقاد ندارد و بدگویی می کند، مراجعه شود؟ (البته تنها دکتر متخصصی است که به او دسترسی هست) از نظر شرع مقدس وظیفه ما چیست؟

بسمه تعالی، برای معالجه مانع ندارد؛ مگر این که رفتن نزد او ترویج ضد انقلاب باشد.

[سؤال 10261] 5730

بسمه تعالی

خدمت نایب بر حق امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و رهبر عظیم الشان و پدر دلسوز مستضعفین جهان، سلام عرض می کنم.

امام! با عرض پوزش و با توجه به کمی وقت شما، دست از مقدمه چینی برداشته و سر اصل مطلب می روم. پدر بزرگوارم! من دختری دیپلمه هستم و در خانواده ای به سر می برم که بر آن، مادیات حکومت می کند، نه معنویات. در چنین خانواده ای که شامل نه فرزند و والدین هست، تنها این حقیر است که - ان شاء الله - طرفدار انقلاب می باشد و متأسفانه الباقی... چون نمی توانم به جبهه بروم و با مرگ سرخ خود، دفتر سیاه زندگی را ببندم و نهایتاً به لقاء الله بیوندم، تصمیم گرفتم جهادی دیگر اختیار کنم و آن ازدواج با يك برادر معلول است، ولی می دانم که خانواده من شدیداً با این تصمیم، مخالفت خواهند کرد، ولی من پیه کتک خوردن و نیش و کنایه شنیدن را به تنم

ص: 66

مالیده ام؛ چون فکر می کنم تحمل این سختی ها در راه خدا - ان شاء الله - عبادت خواهد بود. ولی نگرانی عمده من این است که مبادا مادرم از ناراحتی سخته کند. بزرگوارا! به من بگوئید که آیا من از نظر شرعی می توانم با توکل به خدا، دست به چنین عملی بزنم. امام! من تا حدی گریز از عذاب الهی را در این جهاد می بینم و به این دلیل آن را حیاتی می شمارم. امام! من در جمع خانواده از نظر معنوی، باید حالت حیوان را داشته باشم. آن ها به معنویت اسلامی توجه ندارند. پدر بزرگوار ما جوانان! مرا راهنمایی کنید؛ زیرا شدیداً به آن نیاز دارم. دیگر عرضی ندارم. خداوند پرچم خونین انقلاب اسلامی ایران را، با دست مبارك شما به حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بدهد. برایمان دعا کنید. از آخرت می ترسم، راهنمایی کنید.

بسمه تعالی، ازدواج دختر باکره، منوط به اجازه پدر است.

[سؤال 10262] 5731

بسمه تعالی

با سلام به پیشگاه امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و درود بر نایب او، امام خمینی

این جانب یکی از جانبازان انقلاب می باشم که بر اثر اصابت گلوله به نخاع کمر، دچار معلولیتی به صورت فلج از دو پا گردیده ام و از نظر جنسی نیز دچار نقص شده ام. بدین ترتیب که دیگر توانایی بچه دار شدن را ندارم. و از طرفی خواهری داوطلب ازدواج با این جانب شده اند، لکن پدر این خواهر، در مورد این امر رضایت ندارد. با توجه به این که قصد این خواهر از این کار، فقط خدمت به اسلام می باشد، نه هیچ چیز دیگر؛ لذا نظر امام عزیز را در مورد این که آیا اذن پدر لازم است یا خیر، خواهانم، ضمن این که این مسأله تنها در رابطه با این جانب نمی باشد و خواهران زیادی داوطلب ازدواج با معلولین می باشند، و پدر یا مادر آن ها رضایت نمی دهند. امام عزیز لطف کرده و فتوای کلی در این رابطه بدهند. من الله التوفیق

بسمه تعالی، ازدواج دختر باکره، بدون اذن پدر صحیح نیست.

ص: 67

بسمه تعالی

امام و رهبر بزرگوارم! سلام علیکم ورحمة الله

امام عزیزم! ضمن سلام، دستان پر مهر و محاسن شما را از دور می بوسم و به این نامه حسرت می خورم که شما را زیارت می کند، در حالی که من تا به حال سعادت زیارت شما را به دست نیاورده ام و نمی دانم این سعادت نصیبم می شود یا نه؟

موضوع مهمی که می خواهم عرض کنم این است که پسر عمه ام - که مدت نه سال در خانه ما مشغول تحصیل بوده، و نیز پسری متدین و اسلامی است - از من خواستگاری نموده، ولی چون من او را برادری برای خودم به حساب آورده ام، حاضر به قبول نشدم. در مقابل، مادرم به خاطر این که مرا مجبور به قبول کند، تمام خواستگارانم را جواب رد داده و اصلاً با ازدواجم با دیگران مخالفت می کند. حال من مردد بر سر دو راهی قرار گرفته ام، نمی دانم قبول کنم یا نه؟ تنها فکری که به نظرم رسید این بود که از محضر شما امام بزرگوارم - که با تمامی وجود و در همه امور، گوش به فرمانت هستم - کسب تکلیف نمایم. امیدوارم که با استفاده از کلام خداوند متعال، مرا از این تردید و دو دلی نجات دهید. ضمناً توضیح بفرمایید که آیا در صورت قبول، آیه های اول سوره مجادله شامل حالم می شود یا نه؟

بسمه تعالی، اگر پدرتان هستند و با این ازدواج موافقت دارند، با ترتیبی که نوشته اید خوب است موافقت نمایید و اگر هم نیستند مناسب است خودتان موافقت کنید ان شاء الله موفق باشید.

بسمه تعالی 1361 / 2 / 26

1. اگر شخصی پدر نداشته باشد و تحت تکفل مادر باشد، برای ازدواج یا صیغه موقت و دائم عقد، اذن چه کسی بر او واجب است؟ آیا اجازه اجداد شرط است یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر دختر است و جد پدری دارد باید با اجازه او عقد کند.

2. آیا می شود جهت این که دو نفر مسلمان میانشان به نزاع نکشد، دروغ گفت؟

بسمه تعالی، در فرض سؤال، مانع ندارد.

[سؤال 10265]

3. آیا اذن پدر شرط صیغه عقد موقت برای دختران است؟ اگر تنها با رضایت مادر باشد چطور؟ در صورتی که پدر با عقد دائم موافق، ولی با صیغه عقد موقت مخالف باشد؛ می شود برای مدت کوتاهی با فرد مورد نظر صیغه محرمیت خواند؟

بسمه تعالی، عقد باید با اجازه پدر باشد و فرقی بین عقد دائم و عقد موقت نیست.

[سؤال 10266] 5734

بسمه تعالی

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی حاج آقا پسندیده دامت برکاته

محترماً به عرض مبارك می رساند، شخصی مدت 9 سال است خانواده خود را ترك نموده است، مدت سه سال در زندان بوده و در اواخر سال 54 از زندان آزاد شده لیکن کسی او را ندیده است از اواخر سال مزبور تا کنون که مدت 6 سال می گذرد مفقود و دارای 5 فرزند می باشد که یکی از فرزندان او دختری می باشد که موقع ازدواج او می باشد و جد پدری هم ندارد و مادر آن ها زندگی خود را ترك نموده است آیا دختر نامبرده می تواند با شرایطی که پدر او مفقود شده و از او اثری نیست ازدواج نماید یا خیر؟

بسمه تعالی، در صورت حاجت دختر تزویج مانع ندارد.

[سؤال 10267] 6038

4. آیا اگر زن و شوهری طلاق بگیرند، باز هم باید دختر برای ازدواج از پدرش اجازه بگیرد یا خیر؟ در صورتی که آن پدر را نتوان پیدا کرد باید چه کرد؟

بسمه تعالی، اجازه پدر در ازدواج دختر باکره شرط است. بلی در صورت

ص: 69

نیاز دختر به ازدواج اگر پدر غایب است و تحصیل اجازه ممکن نیست اجازه معتبر نیست.

[سؤال 10268] 769

12. عادة سيّنة في بلادنا أنّ الشابّ يخطب الفتاة من أهلها فيرفض الأهل فتخرج الفتاة مع الشابّ ويتزوّجها بالعقد الدائم ويدخل بها ثمّ بعد مدّة يصالح أهلها فهل يكون النكاح قبل الصلح شرعياً؟

بسم الله تعالى، قد مرّ أنّ العقد على الباكر موقوف على إذن أبيها.

[سؤال 10269] 398

2. اگر يك دختر بخواهد با يك شخص مورد نظر خود كه واقعاً اسلامی است ازدواج كند - فرق نمی كند چه پاسدار، چه جانباز و چه حزب اللهی - اگر با مخالفت پدر و مادر رویه رو شد، آیا حق ازدواج را ندارد یا دارد؟

بسمه تعالی، ازدواج دختر باکره موقوف است به اذن پدر.

[سؤال 10270] 5827

7. متعة دختر نابالغ كه رشیده هم نباشد بدون اذن ولی او چه صورتی دارد؟ آیا عقد به عمل می آید؟ و اگر دخول واقع شد، ولی افضاء نشد، آیا حرام ابدی نمی شود؟

بسمه تعالی، عقد باطل است و حرام ابدی نمی شوند.

[سؤال 10271] 5735

بسمه تعالی

با تبریک به مناسبت پیروزی رزمندگان اسلام در جبهه خرمشهر

آیا اگر کسی به خواستگاری دختری آمده باشد که غریب باشد و مسلمان باشد و دختر پسر را خواسته باشد می تواند بدون اجازه پدرش با او ازدواج کند؟ اگر نمی شود از شما خواهشمندم که چند نصیحت به پدر من بکنید از شما خواهشمندم يك

ص: 70

روحانی خوب برای ما بفرستید.

شما را به امام مهدی عجل الله فرجه الشریف قسم می دهم به خواسته های ما فوری جواب دهید.

بسمه تعالی، ازدواج دختر باید با اجازه پدر دختر باشد و بدون اذن و اجازه او صحیح نیست.

معتبر نبودن اجازه و اذن ولی در ازدواج پسر بالغ رشید

[سؤال 10272] 5736

بسمه تعالی 1362 / 1 / 21

خدمت روح خدا، فرزند فاطمه زهرا علیهاالسلام، سلام علیکم

این بنده ضعیف و حقیر، فرزند شما، که محل خدمت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است عرض کوچکی در مورد ازدواج خدمت شما دارم.

بنده حدود یک سال و نیم است که در سپاه می باشم. قبل از رفتن به جبهه - حدود هفت ماه پیش - مسأله را به پدر و مادرم گفتم؛ آن ها گفتند: برو جبهه و برگرد؛ رفته و برگشتم؛ الآن حدود نه ماه است که به این ها همین مسأله را می گویم و آن ها به بهانه های واهی به عقب می اندازند.

حال خودم خواستم به این مسأله اقدام کنم و کردم و یک خواهری را پیدا کرده ام که الحمد لله خواهری مذهبی می باشد و امیدوار هستم که وقتی به خانه ام آمد با سوادش کنم؛ ولی پدر و مادرم اگر مسأله را بفهمند غوغا خواهد شد. اولاً خواهند گفت که می خواهی یک نفر غریب را بگیری که شدیداً مخالف این مسأله هستند؛ زیرا که آن ها می گویند: باید صد در صد از ولایت خودمان بگیری یا فلان دختر فامیل را بگیری. دوم خواهند گفت که دختر فقیر می خواهی بگیری؟ سوم خواهند گفت که می خواهی دختر بی سواد بگیری؟ زیرا که این ها دختری می خواهند همشهری شان

ص: 71

باشد، پول دار باشد، با سواد و نام خانواده دختر بلندآوازه باشد؛ اگر این بلندآوازه گی در زمان طاعت هم بود اشکالی ندارد برایشان. حال از محضر آن امام بزرگوار می خواهیم که برایم تکلیف شرعی این مسأله را بگویید.

1. آیا این ها می توانند در انتخاب همسر برای بنده دخالت و یا مخالفت کنند و یا تأکید کنند که فلانی را باید بگیری؟

2. آیا به نظر شما با چنین دختری که این مشخصات و مسائل را دارد ازدواجمان شرعی خواهد بود؟

3. اگر در این مسأله، پدر و مادر مخالفت کردند وظیفه ما چیست؟

4. با بودن برادر بزرگ تر و خواهر کوچک تر که هر دو مجرد می باشند، این کار ما درست خواهد بود؟

5. در ضمن این ها با جبهه رفتن و به سپاه آمدن بنده شدیداً مخالف بودند که بدون اجازه این ها این کار را انجام دادم.

در ضمن اگر این ازدواج از لحاظ شما ایرادی ندارد، از محضر مبارکتان تقاضا مندم که وقتی را برای عقدمان مشخص فرمایید تا به دیدار آن چهره نورانی نایل گردیم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، اختیار ازدواج در دست خود شما است و پدر و مادر در ازدواج پسر ولایت ندارند؛ ولی تا می توانید رضایت آن ها را تحصیل نمایید.

[سؤال 10273] 5737

بسمه تعالی 1361 / 11 / 26

دفتر محترم امام خمینی، روحی فداه

با عرض سلام خدمت آن برادران عزیز، از آن جا که ما بندگان خدا موظف هستیم مشکلاتمان را تحت رهبری ولی فقیه زمانمان حل کنیم و مطیع فرمان و حکم ولی

ص: 72

فقیه یا نماینده او باشیم، در مشکلی که دارم شما را - که نماینده امام هستید - مدیون می‌کنم که مسأله ام را حل بفرمایید و جواب دهید. و خواهشمندم سریع تر به آن رسیدگی کنید.

دختر 22 ساله ای هستم حدود يك سال است که توسط رابطی که ایشان شهید شدند با پاسداری برای ازدواج آشنا شدم. ما با هم صحبت کردیم و به توافق رسیدیم، ولی چون خانواده من مذهبی نیستند، خانواده ایشان مخالفت داشتند. من مخالفت شدید خانواده ایشان را نمی‌دانستم و فکر می‌کردم مسأله مان به ازدواج ختم می‌شود. این بود که بدون این که پدرم بدانند، با ایشان محرم شدم و خود را زن ایشان حساب کردم، البته هنوز دختر هستم. در این مدت ما به هم علاقه مند شدیم و تقریباً ساعات زیادی را با هم گذرانیدیم. ایشان و من هر دو منتظر بودیم و او هم تلاشش را برای رضایت خانواده اش کرد که به خانه مان بیایند، ولی آن‌ها راضی نشدند و کاملاً با ازدواج با دختری که خانواده اش نمازخوان نباشند، مخالفت می‌کردند. پس از ماه‌ها انتظار، که برای من بسیار سخت می‌گذشت؛ چون در میان همسایه‌ها هم مجبور شدیم که بگوییم محرم هستیم و به زودی ازدواج می‌کنیم، یعنی من که يك مربی تربیتی هستم، در نظر همسایه‌ها طور دیگری معرفی شدم.

خلاصه در این مدت من خیلی عذاب کشیدم و در فشارهای روحی سختی بودم. از طرفی جو خانواده برایم زجردهنده بود و گفته‌اند که زودتر ازدواج کنم. سرانجام پس از این همه مکافات - که البته آزمایش‌های الهی است - وقتی ناراحتی ام را به این پسر گفتم، ایشان بدون خبر و رضایت من، چون از دست من هم ناراحت شده بودند، رفتند و استخاره کردند و بعد گفتند که استخاره بد آمده و نمی‌توانند دیگر کاری کنند.

البته بعد هم بسیار پشیمان بودند که استخاره کرده‌اند و فشارهای خانوادگی و رفتار من مجبورشان کرده بود. ولی من نمی‌توانم چنین مسأله‌ای را قبول کنم. خدا می‌داند برایم بسیار سنگین و گران تمام شده است. خواهشمندم مرا راهنمایی کنید و احکام شرعی را بفرمایید و بگویید آیا رضایت پدر و مادر در ازدواج پسرشان لازم است یا نه؟

و مهم تر از آن این که آیا می توانیم خلاف این استخاره عمل کنیم، یا استخاره، استخاره پس از عمل بوده، یعنی ایشان تصمیمش را به ازدواج با من گرفته و بعد استخاره کرده است؟ و به این هم توجه داشته باشید که ما به هم علاقه مندیم و برای من مطرح شدن شوهری دیگر، خیلی سخت است. مسأله ما فقط مسأله خانواده بوده، که تقصیر هیچ کدام از ما هم نیست. شما عزیزان را محرم اسرارم دانستم. احکام شرعی را بفرمایید و سعی در مخفی داشتن نامم کنید. اجر شما با خدا و التماس دعا، خداحافظ؛ خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی، خمینی را نگه دار

بسمه تعالی، اجازه پدر و مادر در ازدواج پسر شرط نیست، و استخاره الزام نمی آورد و به این استخاره ترتیب اثر ندهید. ولی در صحت عقد شما اجازه پدرتان شرط است.

[سؤال 10274] 5738

بسمه تعالی 1361 / 11 / 7

دفتر محترم استفتائات حضرت امام خمینی، مدّ ظلّه الشریف علی رؤوس المسلمین، پس از سلام حضور آن برادران گرامی؛ خواهشمند است نظرات خود را که همانا مطلع نمودن این جانب از دستورات شرع مقدس اسلام می باشد در موارد زیر بیان فرمایید:

جوانی هستم متولد سنه 1342 ه.ش. با توجه به شرایط موجود، تصمیم به امر ازدواج گرفته ام (دانشجوی رشته پزشکی و عضو دائم سپاه...) و متأسفانه در این راه مواجه با مخالفت پدر و مادر خود - که آن ها را بر خود عزیزتر می دانم - گشته ام. به دلیل پرهیز از اطالۀ کلام، تنها نظرات ایشان را - که در ازای مخالفت خود بیان می دارند - عرض کرده، نظرات شما را در خصوص آن ها جویا می گردم.

1. می فرمایند سن فردی که به بنده معرفی شده است در مقایسه با سن خودم زیاد است. (ایشان ظاهراً متولد 1343 می باشند).

ص: 74

2. می فرمایند از لحاظ ظاهر مناسب نیستند. در این مورد، به اعتراف خودشان، يك بار هم ایشان را ندیده اند.

3. بیان می دارند که چون ایشان فرزند یکی از شهدای گران قدر انقلاب می باشند؛ لذا از بستگان شخصیت های جمهوری اسلامی محسوب می گردند، که مناسب حال ما نمی باشند.

4. بیان دیگرشان این است که ما باید خودمان، فردی مناسب برای تو انتخاب نماییم، البته بنده هم حرفی ندارم و لیکن دلیلی هم بر عدم تناسب فرد معرفی شده، نمی بینم.

در انتها باید عرض کنم که ملاك های ایمان، تقوا، حجب و عفت موجود در ایشان، مورد تأیید والدین محترم بنده هم می باشد. و نکته ثانی این که ایشان را چند تن از دوستان مورد وثوق کامل، به ما معرفی نموده اند و همگی به اتفاق، بر متناسب بودن و کفو بودن فرد مورد نظر، نظر مساعد دارند. تقاضا دارم ما را در موارد فوق الذکر راهنمایی فرمایید، که به یاری خداوند متعال، همگی بر اساس رضای او و احکام شرع مقدس تصمیم گیری نماییم. والسلام

بسمه تعالی، رضایت پدر و مادر در ازدواج پسر شرعاً معتبر نیست، اگر چه بهتر است رضایت ایشان را تحصیل کنید.

[سؤال 10275] 5739

بسمه تعالی

دفتر امام بزرگوارمان آیت الله العظمی امام خمینی، پس از سلام توفیق شما را در کارهایتان از پروردگار بزرگ خواستارم.

این جانب ساکن شهرستان زاهدان مدتی است با يك خانواده آشنا و در نتیجه تمایل پیوند با آن خانواده را گرفتم، اما با يك دندگی پدرم مواجه شدم و هرچه به پدرم گفتم تمام حرف هایش نه بود، من هم قصد ازدواج فقط با همین دختر را دارم و پدرم

ص: 75

به هیچ عنوان رضا به این کار خیر نیست، تکلیف من از نظر شرعی چیست و چه کار باید بکنم؟ منی که تا به حال نخواسته ام موجبات ناراحتی پدرم را فراهم کنم و این يك امر بسیار مهم است و سرسری نباید گرفت و حتی کارمان به جایی رسیده که پدرم آن خانواده را تهدید می نماید که مراد نمایند و چون من از امام بزرگوار تقلید می کنم موظف هستم از آن جناب کسب تکلیف نمایم. خداوند نگهدار همه تان باشد.

بسمه تعالی، رضایت پدر در ازدواج پسر بالغ عاقل شرط نیست ولی سعی کنید بدون رضایت پدر اقدام به ازدواج نکنید.

[سؤال 10276] 5740

بسمه تعالی

دفتر امام خمینی، دامت برکاته

جوانی بیست و سه ساله می باشم. حدود دو سال است که تصمیم به ازدواج گرفته ام، اما با اختلاف سلیقه ای که بین من و مادرم وجود دارد هنوز نتوانسته ام ازدواج کنم. دو نفری را که تا کنون خودم انتخاب نموده ام، با انواع و اقسام ایرادها - از قبیل این که: قدش کوتاه و یا بلند است - رد کرده است؛ گاهی اوقات می گوید تا 30 سالگی نمی خواهد ازدواج کنی. من ملاک های انتخابم همان ملاک های مکتب اسلام (اخلاق، ایمان، تقوا...) است اما مادرم ملاکش قیافه خوب و سر و زبان خوب دختر است. ضمناً برای هم چشمی با قوم و خویش ها می خواهد حتماً جشن باشکوهی گرفته شود؛ با توجه به این که من احساس می کنم که ازدواج در حال حاضر بر من واجب است و ضمناً درآمدی به آن صورت ندارم. وظیفه من را بیان فرمایید.

بسمه تعالی، رضایت مادر در ازدواج معتبر نیست.

[سؤال 10277] 6097

2. حدود دخالت مادر شوهر در زندگی زناشویی پسر و عروسش چیست؟

بسمه تعالی، حق دخالت ندارد.

ص: 76

حضرت امام خمینی دام ظلّه، سؤال ذیل را یکی از خواهران مسلمان نموده است و چون جواب روشنی نداشتیم از محضر امام تقاضای جواب داریم.

به تشخیص دکتر، خانمی از بچه دار شدن محروم است و با توافقی که این خانم با همسر خود نموده، کودک پسری را از پرورشگاه می آورند و به تمام اقوام و آشنایان می گویند که مرد (همسر این خانم) زنی را برای بچه دار شدن صیغه نموده و بعد از این که زن صیغه شده بچه دار شد، مرد صیغه را فسخ و بچه خود را برای پرورش به خانه خود آورده و تمام این موضوع را زن و شوهر به خاطر کتمان گفتند.

حال ده سال از این واقعه گذشته است و چون مرد پایه و اصول مذهبی ندارد، برایش مهم نیست، اما همسر ایشان ناراحت است. زیرا تمام اقوام خانم و همسرشان به چشم فرزندی به این کودک نظر داشته و از لحاظ حجاب در حد مقرر شرع مراعات می کنند. دیگر این که خود خانم هم مجبور است مانند مادر رفتار داشته باشد و از لحاظ حجاب هم باید چنین رفتار کند. روزی هم که این بچه را از پرورشگاه آوردند، زن و شوهر پیمان بسته اند که این قضیه را تا آخر عمر به کسی نگویند. حال این خانم در ناراحتی وجدانی است و این بچه هم به اندازه ای حساس است که پذیرش گفتن حقیقت را ندارد. دیگر این که خانم به عنوان فرد مسلمان مسئول می باشد، زیرا تنها خودش نیست، بلکه اقوام هم، مانند فرزند با این بچه رفتار می کنند به خصوص از لحاظ امور اسلامی و حجاب.

این خانم دست یاری به سوی این هفته نامه دراز نموده است از این رو به حکم وظیفه اسلامی و انسانی خود در تهران با فقها در میان گذاشته ایم، اما جواب ها مغایر

است و نمی توان نتیجه ای گرفت.

ناگفته نماند که خانم مادری دارند 80 ساله که همسرش فوت نموده و تمامی فقها راه را در این می دانند که مادر خانم را به صیغه این پسر ده ساله در آورند. تا این جا نظرها یکی بوده، اما در مورد نحوه صیغه نظرها مختلف است. گروهی می گویند: «باید هم مادر بداند و هم کودک تا صیغه انجام گردد» و بر طبق گفتار خانم امکان گفتن نیست. گروهی دیگر می گویند: «می توان وکالتی از بچه گرفت، ولی مادر خانم باید بداند تا صیغه انجام گیرد». نظر سوم آن است که باید عمل آمیزش (زناشویی) هم انجام گیرد که محال است. چون جواب این امر با شرایط فوق مشکل و خارج از امکان در تهران بود. از آن حضرت مسئلت داریم که بدین مهم پاسخ گویند.

طول عمر و سلامتی شما را از خداوند منان خواستارم

بسمه تعالی، صیغه کردن برای پسر ده ساله که پدر و جد پدری او معلوم نیست، باطل است و از نظر شرع حکم اولاد ندارد و تا به حد بلوغ نرسیده از جهت حجاب تکلیفی نمی آورد.

[سؤال 10279] 5742

بسمه تعالی

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، دامت برکاته

مستدعی است به سؤال زیر پاسخ دهید:

کسانی که بچه ای را به عنوان فرزند قبول می کنند، راه های محرم شدن به چند صورت است؟ اگر مثلاً بین پسر خوانده و مادر خوانده یا بین دختر خوانده و پدر خوانده، صیغه محرمیت جاری شود آیا به نزدیکان درجه اول نیز، چه سببی و چه نسبی محرم می شوند یا باید بین تك تك آن ها صیغه محرمیت خوانده شود؟

در ضمن، آیا صیغه محرمیت در زمان کودکی قابل اجرا است یا حتماً باید پس از بلوغ خوانده شود؟ در خاتمه ذکر نمایم که صیغه محرمیت چگونه باید

ص: 78

خوانده شود؟ با تشکر از شما

بسمه تعالی، صیغه محرمیت صیغه ازدواج موقت است و مادرخوانده اگر شوهر دارد نمی تواند با آن پسر صیغه مذکور را بخواند و در هر صورت، تا پسر و دختر ذکر شده بالغ و رشید نشده اند، بدون اذن ولی شرعی آن ها عقد صحیح نیست.

[سؤال 10280] 5743

بسمه تعالی 1361 / 9 / 16

دفتر محترم امام امت

این جانب کارمند بهداری مشهد می باشم، خواهشمند است در موارد زیر از لحاظ شرعی یاری ام دهید.

چون مدت پنج سال از ازدوایم می گذرد و خداوند متعال نخواست است بچه ای به ما ارزانی دارد، علی هذا به اتفاق خانمم تصمیم گرفته ایم از پرورشگاه کودکی را به فرزند قبول کنیم. البته چون من مادرم را در کوچکی از دست داده ام و دارای مادر ناتنی می باشم و برای جلوگیری از این مسأله که در آتیه، موقعی که کودک بزرگ می شود نمی خواهم از جانب کسی، به خصوص مادر ناتنی ام - که حتماً می دانم به او می فهماند بچه اصلی ما نیست - ضربه ای ببیند، می خواهیم طوری وانمود کنیم که همه فکر کنند خانمم حامله شده و بچه، مال خودمان است و همه فکر کنند که معالجه شده ام. البته ما می خواهیم دو کودک - یکی پسر و یکی دختر - از پرورشگاه بگیریم. علی هذا از آن دفتر محترم خواهشمندم مرا راهنمایی کنند که بدون این که کسی متوجه شود، چطور دختر و پسر را نسبت به خودم و خانمم محرم کنم؛ به طوری که اگر قرار است صیغه کسی شوند و یا صیغه کنند آن ها، بدون اطلاع آن افراد باشد؟ چون اگر يك نفر بداند، احتمال این که مابقی افراد نیز بدانند بسیار زیاد است و این ها همه بدان خاطر است که خودم در موقعی که فهمیدم مادر اصلی من فوت نموده

ص: 79

(در سن 1/5 - 2 سالگی) ضربه بسیار شدیدی خوردم و متأسفانه چون خدا نخواسته من بچه دار شوم، حالا که تصمیم گرفته ایم بچه ای را به فرزند قبول کنیم، می خواهیم حداقل گرفتاری ها و ناراحتی هایی را که من تمام عمر گریبان گیرم شده نداشته باشند.

با تشکر فراوان و طول عمر برای امام عزیز

بسمه تعالی، حکم فرزند شما و خانم را پیدا نمی کنند و تا صغیر هستند، نمی توانید با عقد، نسبت به آنان ایجاد محرمیت نمایید.

[سؤال 10281] 5744

بسمه تعالی 1363 / 10 / 19

محضر مبارك رهبر كبير انقلاب، آیت الله العظمی امام خمینی، ارواحنا فداه

محترماً به عرض می رساند:

1. بسیاری از خانواده های بی فرزند، دختر یا پسری را به فرزند می پذیرند. این خانواده ها برای محرم شدن با این فرزندخواندگان درصدد عقد آن ها برای کسی که موجب محرمیت شود، برمی آیند؛ آیا مجتهد یا وکیل او می تواند برای عقد این گونه بچه های بدون ولی، اِعمال ولایت نماید؟

بسمه تعالی، می توانند این کار را انجام دهند.

2. در مواردی که رد مظالم را بدون اجازه پرداخته اند، اجازه بعد از پرداخت کافی است یا باید مجدداً با اجازه پرداخت نمایند؟

بسمه تعالی، چنانچه به این قصد پرداخته اند که بعداً اجازه بگیرند، کافی است.

3. در رد مظالم اگر پرداخت کننده فقیر باشد، می توان به او اجازه داد که خودش بابت رد مظالم، قبول نماید و یا باید حتماً دستگردان نمود؟

بسمه تعالی، به خود آن شخص نمی توان داد.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار، خدایا خدایا رزمندگان ما را نصرت و یاری فرما، زیارت کربلا نصیب ما بگردان

ص: 80

[سؤال 10282] 5745

بسمه تعالی 1361 / 11 / 7

محضر انور حضرت آیت الله العظمی و رهبر عظیم الشان، حضرت امام خمینی، مدّ ظلّه العالی، سلام علیکم

این جانب به عقد (فقط عقد) شخصی درآمدم که چون وی دانشجو بود و از اهالی شیراز نبود و با شرایطی که برای ما به وجود آورد، فرصت تحقیق کامل از وی و خانواده اش - که از اهالی لنگرود و ساکن قم هستند - را نداشتیم و چون مهریه نیز کم و فقط 14 سکه بود لذا با توجه به فرمایشات جناب آقای صانعی که حق طلاق با اجازه شوهر، با زن هم می تواند باشد، یک شب قبل از عقد - در حالی که من و او و مادرم و پدرم و خدا حاضر بودند - شرط کردم که در صورتی به ازدواج حاضریم که او به من وکالت دهد که حق طلاق با من هم باشد و او نیز قبول کرد؛ اما در روز عقد، این شرط را رد کرده بود و چون من در منزل نبودم، از این موضوع اطلاع پیدا نکردم و عقد صورت گرفت، در حالی که به خدا قسم نمی دانستم که او زیر قولش زده و شرط بنده را قبول نکرده است. لذا خواهشمند است بفرمایید: آیا با این شرایط، این عقد شرعاً صحیح بوده است یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر به وکیل خود در عقد، وکالت مطلق داده اید، عقد صحیح است و اگر وکالت داده اید که شما را با شرط مذکور عقد کند که اگر بدون شرط عقد کند وکالت به او نداده اید، عقد فضولی است.

[سؤال 10283] 5746

بسمه تعالی 1362 / 5 / 1

دفتر حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

پس از سلام، خواهشمند است جواب مسائل ذیل را مرقوم فرمایید:

ص: 81

1. زنی، مردی را وکیل نموده جهت اجرای صیغه عقد موقت؛ ولی مرد، صیغه عقد دائم را اجرا می کند و به زن هم نمی گوید، مگر بعد از مدتی زندگی کردن. آیا این عقد، صحیح است یا خیر؟

بسمه تعالی، عقد، فضولی است؛ اگر زن اجازه کند، صحیح و الا صحیح نیست و با هم محرم نیستند.

2. شخصی در سفر حج، قبل از شروع مناسک، جنب می شود و غسل را فراموش می نماید. بعد از پایان اعمال و آمدن به شهر خود، یادش می آید. وظیفه این شخص چیست؟

بسمه تعالی، حج، صحیح است؛ ولی باید برای طواف و نمازهای عمره و حج و نساء، مراجعت نموده، انجام دهد و در صورت عدم امکان، باید نایب بگیرد.

3. منزلی جهت سکونت عالم محل، به وسیله مؤمنین خریداری شده است و وقف گردیده و عالم، متدین و عامل به وظایف اسلامی است و منزل مذکور، نیاز به تعمیر دارد. آیا از زکات فطره می توان جهت تعمیر آن اقدام نمود یا خیر؟ و چنانچه از زکات فطره نشود، از سهم امام علیه السلام اجازه می فرمایند یا خیر؟

بسمه تعالی، در صورتی که عالم محل، تمکن از تعمیر خانه ندارد، زکوات فطره را به او بدهند تا صرف تعمیر خانه نماید.

[سؤال 10284] 5747

بسمه تعالی 1361 / 4 / 1

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، سلام علیکم

رهبر بزرگ انقلاب اسلامی خواهشمند است بفرمایید: اگر پدری در جبهه باشد و همسرش دخترش را بدون اجازه او شوهر بدهد، در صورتی که شوهر دختر فاسد باشد، آیا پدر حق به هم زدن عقد را دارد یا خیر؟

بسمه تعالی، عقد دختر باکره منوط به اجازه پدر است و مادر در این باره ولایت ندارد و اگر پدر اجازه نکند، دختر نباید خود را تسلیم شوهرش کند و تمکین نماید، و احوط آن است که با طلاق از هم جدا شوند و آنچه ذکر شد، در موردی است که شوهر کفو باشد و اگر از او جدا شود، خوف دارد همسر مناسب پیدا نشود.

ص: 82

بسمه تعالی

در صورتی که ولیّ دختر بالغه رشیده، راضی به اصل ازدواج دخترش با شخصی باشد، لکن نسبت به خصوصیات ازدواج - از قبیل مقدار مهر و یا کیفیت جشن و تعیین زمان عقد و زمان عروسی و غیره - که دختر با پسر توافق نموده اند مخالفت می کند و به نحوه توافق آن ها رضایت نمی دهد، آیا اگر بدون رضایت و اذن ولیّ شرعی نسبت به خصوصیات مذکوره، عقد بین آن ها واقع شود، صحیح و قابل ترتیب اثر است یا نه؟

بسمه تعالی، با فرض راضی نبودن پدر نسبت به خصوصیات مورد توافق پسر و دختر، اگر باز به اصل ازدواج آن ها راضی است، عقد صحیح است؛ وگرنه صحت عقد، موقوف به اجازه پدر است.

بسمه تعالی 1358 / 10 / 20

حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

1. دختر باکره ای هنگام اجرای صیغه عقد دائم اظهار داشته: پدر و جد پدری ندارم. و عقد جاری شده اما بعد معلوم شده است اظهار زوجه دروغ است، ولیّ دارد؛ آیا این عقد چه صورت دارد، صحیح است یا خیر؟

بسمه تعالی، صحت عقد موقوف است به اجازه پدر یا جد پدری دختر.

2. سؤال شده در عقد دائم و یا منقطع غیر از زوجین و حضور آن ها شاهد دیگر لازم است یا خیر؟

بسمه تعالی، شاهد لازم ندارد.

بسمه تعالی

خدمت مبارك حضرت آیت الله العظمی، امام خمینی، دام ظلّه

پس از عرض سلام، خواستم مسأله شرعیه ای را سؤال نمایم، که اگر دختری بالغه و رشیده و باکره، مقلد کسی باشد که ازدواج بالغه رشیده باکره را، بدون اذن پدرش

تجویز می نماید و پسری هم که بالغ است، مقلد مجتهدی است که می گوید در نکاح اذن پدر زوجه، شرط در صحت نکاح است. این دو با هم ازدواج نمایند و پدر دختر هم راضی به این ازدواج نباشد. حکم این ازدواج در صورتی که از روی نسیان باشد یا عمداً و یا جهلاً باشد، چیست؟ و حکم آن را، هم در حالی که قبل از دخول باشد و هم اگر بعد از دخول باشد، بیان بفرمایید. والسلام

بسمه تعالی، پسر نمی تواند ترتیب آثار ازدواج صحیح بر این تزویج دهد مگر در صورتی که پدر دختر عقد آنان را اجازه دهد. بلی، چنانچه دخول شده باشد بعید نیست که بتوانند مجدداً بدون اذن پدر ازدواج نمایند هرچند احتیاط نباید ترك شود.

[سؤال 10288] 5751

بسمه تعالی

محضر مبارك آیت الله العظمی امام خمینی، دام ظلّه العالی

1: زید دختر بکر را که باکره رشیده می باشد بدون اذن پدرش عقد کرد. بعد از این عقد تکلیف این زن و مرد چه می باشد؟ جواب مرحمت بفرمایید، محل ابتلا است.

بسمه تعالی، ازدواج دختر باکره موکول به اجازه پدر است.

2. دست و پا که از مقتولی مانده و غسل دادن ممکن نیست، آیا تیمم لازم است؟ و بر فرض لزوم، کیفیت آن چگونه است؟

بسمه تعالی، نسبت به دست جدا شده از مقتول مسلمان، احوط استحبابی تیمم دادن است و در کیفیت آن احوط آن است که زنده به دست خودش آن را تیمم دهد و با دست جدا شده هم در صورت امکان تیمم دهد.

[سؤال 10289] 5752

بسمه تعالی 1361 / 9 / 20

دفتر محترم امام بزرگوار و رهبر کبیر انقلاب در قم با درود فراوان به رهبر کبیر انقلاب و دعا به جان امام عزیز، محترماً به عرض می رساند:

ص: 84

آیا از نظر اسلامی و فتوای امام، کسی که برای یکی از اقارب - همانند برادر یا خواهر یا فرزندانشان و همچنین عمو و عمه و دایی و خاله - اجرای صیغه عقد بنماید اشکال دارد و یا محکوم به صحت است؟ متمنی است جواب مسأله را مرقوم فرمایید.

بسمه تعالی، اگر به وکالت از آن ها برای آن ها عقد اجرا کرده صحیح است و الاً فضولی و موقوف به اجازه آن ها است.

[سؤال 10290] 5753

بسم الله الرحمن الرحيم

بنت باكره اكرهت على القبول في عقد النكاح بالإغراء وغيرها. وقد تمّ العقد بمحضر جملة من المؤمنين. فإن كانت البنت لازالت غير راضية بالزوج، فهل يبقى العقد صحيحاً؟ وكذلك المهر الحاضر الذي كتب بالعقد بأنه سلّم إلى أهلها، لم يستلم.

فهل يجب على العاقد في حالة بطلان العقد أن يسلم نصف المهر أم على المصالحة؟ وإن كان العاقد قد أعطى بعض الهدايا إلى ذويها، هل تُعطى له إذا طالب بها؟ والسلام

بسم الله الرحمن الرحيم، إن أجري العقد عليها بمباشرة أبيها أو جدّها أو بالوكالة من أحدهما وكان الزوج في نظر وليّها كفواً لها، فالعقد صحيح وليس لها الخيار فيه، وإلاّ فالعقد في مفروض السؤال فضولي، موقوف على إجازتها ولا عبرة بكتابة استلام المهر، بل على فرض صحّة العقد، يجب على الزوج تسليم المهر إليها، وعلى فرض بطلان العقد، لا موضوع للمهر، وفي الهدايا يكون لمهديها الرجوع فيها، ما دامت باقية بعينها، بشرط أن لا تكون قرابة بين المهدي والمهدى له وإلاّ فليس له الرجوع فيها.

[سؤال 10291] 5754

بسمه تعالی

اگر مردی با دختر باکره ای - بدون اذن پدرش - ازدواج کرد و از او اولاد پیدا کرد. اگر بعد از اولاد آوردن، پدر دختر آن عقد را اجازه دهد در حلّیت کافی است یا خیر و

ص: 85

آیا فرق است بین اولاد آوردن و قبل از پیدا شدن حمل یا خیر؟

بسمه تعالی، با اجازه پدر، صحیح می شود و فرقی نیست.

[سؤال 10292] 5755

بسمه تعالی 2 / 4 / 1361

حضرت امام خمینی

دختر و پسری عقد دائم را خودشان با قرائت صحیح از روی رساله امام خمینی خوانده اند و بر اساس همین عقدی که جاری نموده اند مدت ها با یکدیگر هم بستر و هم آغوش شده و روابط محرمانه زناشویانه داشته اند، ولی پسر برای حفظ بکارت دختر جهت عروسی که در جامعه معمول است، از دخول خودداری کرده است؛ اما با هم هم خوابی بسیار داشته اند. بعد از چند ماه يك روز دختر می خواسته به جایی برود، چون پسر با رفتن دختر بدان جا موافق نبوده است، با استناد به رساله امام مبنی بر این که خروج زن از منزل بدون اجازه شوهر صحیح نیست، از دختر می خواهد که بدان جا نرود، ولی دختر با اظهار این که بعضی از احکام را قبول ندارد، از منزل خارج و به جایی که می خواسته می رود؛ و به دلایلی از قبیل پیشنهاد پسر مبنی بر این که در منزل، آقایان در اتاقی جدا و خانم ها در اتاقی دیگر (به هنگام میهمانی ها) جداگانه بنشینند تا موازین شرعی بین افراد نامحرم رعایت شود، این مسائل به اطرافیان و فامیل های خانواده دختر خوش نمی آید و به مرور زمان کار به جایی می کشد که يك روز دختر به دادگاه مراجعه می کند و اظهار می دارد که من (زوجه) عقد دائم را برای این خواندم که به زوج محرم بشوم و با زوج به عقد دائم شرعی با مهریه يك صد و پنجاه هزار تومان زن و شوهر شده ایم؛ ولی حالا چون زوج حاضر به طلاق نیست، در صورتی به او تمکین می نمایم که همه مهریه و نفقه ایام گذشته مرا نقداً فی المجلس بپردازد؛ و پسر می پذیرد که مهریه و نفقه ایام گذشته او را فی المجلس بپردازد. بعد از حدود يك ماه که از این قضیه می گذرد، دوباره دختر با راهنمایی و دیکته دیگران که او را علیه زوج

ص: 86

تحریر می نمودند، به دادگاه مراجعه می نماید و اظهار می دارد که چون هنگام جاری نمودن عقد، قصد انشا و معنای کلمات را نمی دانستم، لذا عقد باطل است و خود را زن او نمی دانم و تقاضای اعلام بطلان عقد را دارم.

آیا این عقد را می توان باطل اعلام نمود؟ او (دختر) بعد از تقاضای مهر و نفقه، یک بار هم از دادگاه مجدداً تقاضا نموده است که چون از نظر نفقه در مضیقه هستم، خواهش می کنم هرچه زودتر شوهرم را برای دریافت نفقه، به دادگاه جلب نمایید و نفقه مرا از وی دریافت و به من (زوجه) بدهید؛ و پیرو همین موضوع، پسر مبلغ نفقهٔ مربوطه را به دادگاه تحویل می دهد (چون دختر هنوز در منزل پدرش است).

از محضر حضرت امام خمینی تقاضا می شود نظر و فتوای حضرتشان را به این جانب ابلاغ فرمایند که حکم در مورد مسأله فوق چیست؟ آیا عقد صحیح است؟ و یا می شود آن را باطل اعلام نمود؟

ضمناً چون خانوادهٔ دختر هم، آن ها را زن و شوهر می دانستند و به یکدیگر محرمشان می دانستند، بر همین اساس قبل از بروز اختلاف، یک روز مادر دختر یعنی همسر پدر دختر، در حضور دخترش اقدام به بوسیدن آن پسر (زوج آن دختر) می نماید و این هم عملی بر اساس یک عقد صحیح بوده است که مادر دختر انجام داده بوده است و حالا بعد از چندین ماه یکباره تازه مسلمان شده اند و همان عقد را باطل می دانند و...! به امید پیروزی جهانی اسلام، منتظر جواب از امام خمینی

بسمه تعالی، در فرض سؤال، اگر با اذن پدر عقد واقع شده یا بعد از عقد اجازه داده، عقد صحیح است و باید رعایت حقوق زوجیت را بنمایند و زن در صورت نشوز حق نفقه ندارد.

[سؤال 10293] 5756

بسمه تعالی 1361 / 4 / 6

محضر با سعادت قائد اعظم، زعیم عالی قدر امام امت، آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

برادری که دو عیال و چند اولاد اناث داشته عیال دوم وضع حمل و دختر به دنیا آمده پدر و مادر می خواهند نوزاد را در سر راه گذارند برادر او که دارای یک پسر 5 ساله بود دختر برادر را قبول می نماید شناسنامه به نام خود و عیالش به دختر گرفته و او را تا 15 - 16 سالگی بزرگ و به تحصیل می گذارد. پس از 15 سال برادر که دختر را می خواست به سر راه بگذارد او را مطالبه می نماید آیا شرعاً دختر به عمو که شناسنامه برای او گرفته نامحرم است و اگر پدرش دختر را بگیرد مخارج 16 ساله دختر به عهده چه کسی است؟

دختر که در مدارس با شناسنامه ای که عمو گرفته سابقه تحصیل دارد در صورت ابطال شناسنامه سرنوشت تحصیلی او چه خواهد شد و دختر که شرعاً به حد بلوغ رسیده اظهار می نماید که من حاضر نیستم به خانه پدرم که اکنون مرا فرزند می خواند بروم و اگر جبراً ببرند خودکشی می نمایم. شرعاً تکلیف عمو که 16 سال زحمت کشیده و خرج کرده و بزرگ نموده چیست؟

بسمه تعالی، دختر بر عموی خود محرم است ولی شرعاً فرزند او محسوب نمی شود و پدر نمی تواند دختر بالغه عاقله را الزام به بازگشت نزد خودش نماید و هر گاه دختر از نزد عمو خارج شود کسی ضامن مخارج گذشته نیست.

يك نفری دارای دوزن می باشد که یکی از این دوزن را طلاق داده و آن زنی که طلاق داده يك پسر دارد. بعداً همین زن می رود به مرد دیگر ازدواج می کند و دختر به وجود می آورد. این پسر و دختر که از مادر یکی و از پدر دو تا می باشند از روی ندانستن مسأله با هم ازدواج می کنند. آیا ازدواجشان حلال است یا خیر؟ اگر ازدواج درست نیست، باید مهری را بدهد یا خیر؟

بسمه تعالی، ازدواج مذکور باطل است و با فرض این که جاهل بوده اند و دخول شده، مهر المثل ثابت است.

با عرض سلام خدمت رهبر کبیر انقلاب، روح الله الموسوی الخمینی و با آرزوی طول عمر برای ایشان، سخن را آغاز می کنم:

باری امام عزیز! به خاطر این مزاحم کار شما شدم که می خواستم مسأله ای کاملاً ضروری را از شما سؤال کنم؛ و آن این بود که می خواستم بدانم آیا نوه خواهر به برادر، محرم است یا خیر؟ یعنی این که دختر دختر خواهر به برادر محرم است؟

بسمه تعالی، محرم هستند.

12. پدر من با دختر خاله اش - که مادر من است - ازدواج کرده است و دایی من هم با دختر خاله اش - که عمه من است - ازدواج کرده است و ما با پسر آنان هم پسر عمه ایم و هم پسر دایی؛ می خواستم بینم در این صورت من بر دختر دایی ام که دختر عمه ام است محرمم یا که نامحرم؟ و ازدواج بین ما اشکالی دارد یا خیر؟

بسمه تعالی، ازدواج با دختر عمه و دختر دایی اشکال ندارد.

بسمه تعالی

به حضور رهبر عالی قدر مسلمانان جهان و نایب برحق امام زمان، حضرت امام خمینی، مدّ ظلّه، سلام ای امام امت، ای یاور مستضعفان جهان و ای نور چشم ملت شهید پرور ایران جان به فدایت این ملت عزیز ایران و این رزمندگان اسلام، همیشه پشتیبان اسلام و قرآن و شما هستید و نمی گذاریم - ان شاء الله - دشمنان اسلام، نفس بکشند و راحت باشند و ان شاء الله حق مظلوم را از ظالم می گیریم و تا آخرین قطره خون و تا آخر عمر، در برابر ظالم و دشمنان اسلام خواهیم جنگید و یا همه مان شهید می شویم و یا پیروزی نهایی را به دست می آوریم. ای امام کاش تو را می دیدم و پایهای تو را می بوسیدم. من يك سؤال دارم، خواهش می کنم از لطف و بزرگی خود جواب بفرمایید:

من يك برادر دارم که ناتنی است، یعنی از پدر با هم هستیم و اما از مادر نه، او يك دختر دارد که عاشق برادر من - یعنی برادر خودم که می شود عمومی دختر - شده، آیا این دختر محرم است یا نامحرم؟ لطفاً به این سؤال جواب بفرمایید.

بسمه تعالی، اگر دو برادر شما از جهت پدر یا مادر یا هر دو، با هم برادر باشند، دختر یکی از آن ها با دیگری نمی تواند ازدواج کند و چنانچه از طرف هیچ يك از پدر و مادر، برادر نباشد، ازدواج دختر یکی با دیگری اشکال ندارد.

بسمه تعالی 15 / 4 / 1361

با عرض سلام، از حضور محترم شما خواهش می کنم سؤالات مرا پاسخ بدهید.

1. آیا دایی و عمومی ناتنی (که از پدر، یکی و از مادر، جدا هستند یا برعکس از مادر، یکی و از پدر، جدا هستند) جزو محارم می باشند؟

بسمه تعالی، جزو محارم هستند.

ص: 90

2. در مسأله ریا: اگر شخصی برای جلب توجه خلق عملی انجام بدهد ریا محسوب می شود؛ اما آیا کسی که مثلاً نمازش در خلوت، سی دقیقه طول می کشد، اگر جلوی دوستش یا در بین مردم نیز همان سی دقیقه نمازش طول بکشد، آیا این ریا است؛ با توجه به این که نمازهای معمولی ممکن است ده دقیقه بیشتر طول نکشد؟ و این شك برای من زیاد پیش می آید که در میان مردم و یا در مسجد، مثلاً اگر بخواهم نمازی بخوانم، جدا از نمازهای یومیه احساس می کنم و شك می کنم که ریا است و این عمل را انجام نمی دهم و مثلاً اگر در صف اتوبوس ایستاده باشم و فقیری از کنارم رد شود، به دلیل این که نکند اگر به او پول بدهم دیگران من را نگاه می کنند و این ریا می شود، این کار را نمی کنم. لطفاً در این زمینه توضیح بدهید.

بسمه تعالی، ریا راجع به قصد است؛ اگر قصد نشان دادن به غیر نداشته باشد ریا نیست.

3. در مسأله غیبت تا آن جا که من می دانم امر غیبت در صورتی انجام می گیرد که شخصی که از او غیبت می کنیم راضی نباشد؛ اما اگر شخصی خودش مثلاً بداند که قدش کوتاه است و از این بابت ناراحتی نداشته باشد، اگر پشت سرش حرف بزنند و بگویند قدش کوتاه است، آیا این غیبت محسوب می شود؟

بسمه تعالی، نسبت به صفات ظاهر - که همه از آن آگاهی دارند - اگر قصد هتك و تحقیر نداشته باشد، اشکال ندارد.

4. آیا غیبت در مورد اشخاص بیگانه نیز هست؟ مثلاً - اگر من و دوستم در اتوبوس نشسته ایم و شخص غریبه وارد می شود و وضع ناجوری دارد و من به دوستم عیب او را می گویم، آیا این غیبت است؛ در حالی که ممکن است ما ایستگاه بعدی پیاده شویم و آن شخص را دیگر اصلاً نبینیم؟ لطفاً توضیح بدهید.

بسمه تعالی، اگر عیب آشکار نیست، ذکر آن در غیاب شخص غیبت است.

5. وقت مخصوص نماز عصر و نماز عشا را بر طبق ساعت بیان بفرمایید. لطفاً دقیقاً ساعتش را با ذکر تاریخ همان روز بیان کنید.

بسمه تعالی، اول مغرب و نصف شب را مشخص نمایید؛ قبل از مغرب، به مقدار ادای نماز عصر، مخصوص عصر و قبل از نصف شب، به مقدار ادای نماز عشا، مخصوص نماز عشا است.

خداوند متعال سایه حضرت مستطاب عالی را تا انقلاب حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بر سر مستضعفین جهان قائم بدارد، آمین، بحق محمد و آله الطاهرين.

بسمه تعالی

خدمت آن برادری که این نامه را می خواند

با سلام و درود فراوان به پیشگاه آن برادر گرامی؛ امیدوارم که حالتان خوب باشد و در راه خدمت به خدا و خلق خدا همواره کوشا باشید.

باری برادر عزیزم! این دومین نامه ای است که برایتان می نویسم؛ در حالی که هنوز جوابی دریافت نکرده ام. امیدوارم که این نامه را خوانده و به من کمک کنید. جریان را برایتان توضیح می دهم.

جریان از این قرار می باشد که آقای با خانمی ازدواج می کنند و از آن خانم، صاحب دختری می شود؛ بعد از مدتی خانمش فوت می کند. این آقا با خواهر خانم خود - یعنی خاله دخترش - ازدواج می کند؛ از آن خانم هم صاحب فرزند پسری می شود. البته در این مدت، دختر اولش نیز ازدواج کرده و صاحب یک دختر شده است. حال این پسر می خواهد با آن دختر که نوه آن آقا می شود ازدواج کند. آیا این عمل درست است یا نه؟ خواهشمندم با در نظر گرفتن همه جوانب، جواب را هرچه سریع تر بفرستید.

بسمه تعالی، محرم یکدیگر هستند و نمی توانند با هم ازدواج کنند.

بسمه تعالی 1361 / 12 / 19

حضور محترم رهبر کبیر انقلاب حضرت امام خمینی دامت افاضاته، از لحاظ فقهی مشکلی برایم پیش آمده، لذا از آن مرجع عالی قدر خواهشمندم مشکل را حل نمایند.

پدرم با زنی ازدواج کرد که دارای خواهرانی بود، از آن زن پسرانی تولد یافتند که آن خواهران خاله های پسران می شدند، اما آن زن اول فوت کرده و پدرم مادر مرا

گرفت که مشکل من در این است که آیا خاله آن برادران ناتنی من نسبت به من که از مادر دوم هستم محرم هستند یا خیر؟

در ضمن مادر من قبلاً زن پدر آن خواهران بود که فرزندی به دنیا نیاورده، بعداً پدرم همین مادرم را گرفت که حاصلش ماییم که پسران زن دوم ایشان هستیم همان طور که قبلاً ذکر گردید آیا خاله برادران ناتنی من نسبت به ما محرم هستند یا خیر؟ از خداوند طول عمر و عزت بیشتر برای آن رهبر عنایت فرماید.

بسمه تعالی، محرم نیستند.

[سؤال 10301] 6181

2. بر فرض مذکور در مسأله فوق بچه ای که از چنین زن و مردی متولد شده چگونه است؟ و آیا بر عمه و مادر پدرش محرم است یا خیر؟ و همچنین اگر دختر باشد، عمو و پدر بزرگ بر او محرم می شوند یا خیر؟

بسمه تعالی، با جهالت پدر و مادر حکم ولد حلال را دارد، و در هر صورت در محرمیت فرقی با سایرین ندارد.

[سؤال 10302] 5987

2. اگر نعوذ بالله شخصی با زنی زنا کند و دختری به وجود بیاید، می تواند با آن دختر ازدواج کند یا خیر؟

بسمه تعالی، جایز نیست.

[سؤال 10303] 5987

3. شخصی با زنی زنا کرد و دختری از زن متولد شد که معلوم نیست مال شوهر زن است یا نه؟ اگر پسر این شخص با دختر آن زن ازدواج کند، درست است یا خیر؟

بسمه تعالی، دختر اگر از آن مرد نباشد، پسر آن مرد می تواند با آن دختر ازدواج کند.

ص: 93

بسمه تعالی

ضمن عرض سلام، از شما سؤالی دارم که امیدوارم هرچه زودتر جوابم را بدهید.

بنده، دایی دارم که هم دایی ناتنی من است و هم پسرعموی من. این موضوع به این صورت است که مادر بزرگ من، شوهرش فوت کرد و بعد مادر بزرگم به عموی من شوهر کرد و پسری به دنیا آمد که این پسر، هم دایی من یعنی برادر مادرم است و هم پسر عموی من. آیا به من که خواهرزاده او می شوم محرم است یا نه؟ امیدوارم که منظور مرا متوجه شده باشید. در ضمن این را بگویم که در موضع بالا، پدر ما جدا است و فقط مادر یکی است. به امید این که جوابم را هرچه زودتر بدهید تا مرا نیز از سرگردانی نجات دهید. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، محرم است.

بسمه تعالی

استاد عزیز! به عرض می رسانم که این جانب به يك اشكال بسیار بزرگی برخوردم که حل کردن این موضوع برای من بسیار مشکل است. باری در زمان های قدیم، خانمی با آقایی ازدواج می کنند؛ در طی این چند سال، این خانم بچه دار نمی شد و به این صورت، سه بار از همدیگر طلاق می گیرند ولی بعد از مدتی چون این ها هنوز همدیگر را دوست دارند، به رجوع همدیگر تن می دهند. ولی چون این خانم سه طلاقه است و همه می دانیم که در دین اسلام حرام است، پس از مدتی يك نفر، واسطه و (مُحَلِّل) این دو نفر می شود و این خانم را عقد می کند و يك هفته تحت اختیار این آقا (محلل) قرار می گیرد. خلاصه پس از مدتی طلاقش می دهد و به عرض برسانم که قبل از طلاق، این آقا (محلل) خانم را در بیمارستان معالجه می کند و طلاقش می دهد و این خانم بعد از مدتی به شوهر اولی خود رجوع می کند.

این جا من متذکر شوم که این آقای محلل که این خانم را به عقد خود درآورد، قبلاً

زن و بچه دار بود. الآن همین آقای واسطه (محلل) دارای چند پسر بزرگ است و این خانم هم دارای چند دختر بزرگ است. که حالا مسأله این جا است آیا امکان دارد پسر بزرگ این آقای محلل با دختر بزرگ این خانم ازدواج کند یا خیر؟

از شما خواهش می کنم خیلی واضح، این موضوع را هم برای من و هم برای دیگران شرح دهید که همه از این موضوع آگاه شوند. خیلی ممنون و متشکرم

بسمه تعالی، در فرض مرقوم، بین پسرهای واسطه و دخترهای زن، محرمیت نیست و ازدواجشان اشکال ندارد.

[سؤال 10306] 5765

بسمه تعالی

مردی با زن بیوه ای ازدواج کرده و این زن بیوه دختر بزرگی دارد. در زمانی که زن هنوز همسر آن مرد است آیا پسر آن مرد می تواند با دختر آن زن ازدواج کند؟

بسمه تعالی، مانع ندارد.

[سؤال 10307] 5766

بسمه تعالی 1361 / 9 / 28

دفتر محترم حضرت آیت الله العظمی امام خمینی

حضور شما برادران سلام عرض می کنم و سعادت و سلامت شما برادران که به اسلام و مسلمین خدمت می کنید را از درگاه ایزدمنان خواهانم.

اولاً استدعا دارم حتماً سلام گرم من را که از راه دور می فرستم، به امام عزیز برسانید. هر چند بنده این قدر مشتاق دیدار امام بودم، ولی خداوند توفیق واصل شدن به دیدار امام را تا کنون به این جانب نداده است؛ ولی امیدوارم هرچه زودتر - از هر راهی که پروردگار بزرگ قسمت بفرماید - بتوانم حتی برای يك بار رهبر عزیز را ببینم.

ثانیاً موضوعی را که اینک می خواهم مطرح کنم، وظیفه خود دانستم که به فتوای امام در این مورد عمل نمایم؛ و خواهشمندم جواب این مسأله را کتباً برای بنده - هر

ص: 95

طور شده - ارسال فرمایید. حدود هفت سال پیش خواهرم با مردی که قبلاً همسر داشته ولی يك سال قبل از ازدواج خواهرم با آن مرد، وی فوت نموده ازدواج می کند و وقتی این مرد با همشیره من ازدواج کرده، از همسر قبلی خود فقط يك دختر داشته که در آن زمان هفت یا هشت ساله بود و اکنون هفت سال از ازدواج خواهرم با آن مرد می گذرد و خواهرم حال دارای چهار فرزند است و آن دختری که از همسر قبلی اش داشته، به سن 14 - 15 سالگی رسیده است. ضمناً تا کنون این دختر با مادر بزرگش بوده و بعضی اوقات، به دیدن پدر و زن پدرش می آمده است. حال سؤال بنده این است که آیا من اگر خواسته باشم با این دختر ازدواج نمایم، می توانم یا نه؟ یعنی آیا این ازدواج، از نظر شرعی و اسلامی اشکال دارد؟ خواهشمندم فتوای امام در این مورد را با توضیح بیشتر برای بنده ارسال دارید.

بسمه تعالی، می توانید با آن دختر ازدواج نمایید.

[سؤال 10308] 2032

2. آیا فرزند پسر که از زن اول می باشد، با مادر زن دوم محرم است یا نه؟ و آیا به همین فرض می تواند با خواهر زن پدر خود ازدواج کند؟
بسمه تعالی، در فرض اول، محرم نیست؛ و در فرض دوم، ازدواج مانع ندارد.

[سؤال 10309] 5767

بسمه تعالی 1361 / 11 / 6

حضور محترم رهبر کبیر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

با آرزوی توفیق از درگاه ایزد متعال برای حضرت عالی، و پیروزی اسلام بر کفر جهانی، و پیروزی رزمندگان اسلام در پناه جمهوری اسلامی ایران علیه استکبار جهانی به سرکردگی امریکای جهان خوار و سرسپردگی صدام خائن، و آرزوی

ص: 96

سلامتی برای رهبریت انقلاب، این حقیر از آن رهبر کبیر انقلاب، تقاضای حل يك مسأله شرعی را دارم؛ امیدوارم ما را در این امر یاری فرمایند.

در خویشاوندی ما مردی هست که همسرش چندین سال پیش فوت نموده است و از آن مرحومه، چهار دختر به جا مانده است. پس از فوت همسر اولش، زن دیگری اختیار نمود و حالا قصد دارد یکی از دخترانشان را - که از همسر اولش می باشد - به عقد و ازدواج برادر زن جدیدش درآورد، در صورتی که زن دومی آن مرد، دارای چند دختر و پسر می باشد. در صورت عقد، آن دختر هم خواهر پسرها و دخترها می شود، و هم زن دایی آن ها. آیا این امر از نظر شرعی صحیح است که دختری که چند خواهر و برادر از نامادری، و چند خواهر و برادر تنی دارد به عقد برادر زن پدرش - که هم دایی برادر و خواهرانش، و هم نادایی اش می شود - در آید. از پیشگاه رهبریت تقاضا نمودیم لطف فرمایند و هرچه زودتر با فتوای خود، ما را در این امر یاری کنند؛ چون امکان دارد هرچه زودتر، این عقد انجام گیرد، لذا بنابر این شد که اول کسب تکلیف نموده، بعد مبادرت به این کار شود.

بسمه تعالی، ازدواج در مورد سؤال، اشکال ندارد.

[سؤال 10310] 3208

6. اگر کسی با محارم خود، بدون اطلاع ازدواج کند و بچه ای بیاورند و بعد معلوم شود که محرم بوده، چه حکمی دارد؟

بسمه تعالی، باید از هم جدا شوند و بچه هایی که در زمان جهل پیدا شده، حکم ولد حلال را دارند.

[سؤال 10311] 5768

بسمه تعالی 15 / 10 / 1358

خدمت مرجع و رهبر عالی قدر آیت الله العظمی امام خمینی پس از عرض سلام، به حضور جناب عالی باید عرض کنم: مدتی است که موضوعی مرارنج می دهد، به

ص: 97

همین دلیل خواستم با ایجاد مزاحمت جریان را با شما در میان بگذارم و جوابم را دریافت نمایم. وقتی که من کودکی بسیار خردسال بودم مادرم از پدرم جدا شد و پدرم همسر دیگری گرفت و من از کوچکی در خانواده مادر دوم خود پرورش یافتم. حالا که بزرگ شده ام، متوجه شده ام که مادر اصلی من کیست، ولی هیچ کس نمی داند که من به این موضوع پی برده ام و شوهرم می گوید: امکان دارد دایی های ناتنی ات به تو نامحرم باشند. من که از کوچکی در آغوش آن ها بزرگ شده و حتی آن ها را بیشتر از دایی های اصلی خود دوست دارم، آیا باید در مقابل آن ها حجابم را حفظ نمایم و آن ها به من نامحرمند یا خیر؟

بسمه تعالی، محرم نیستند.

2 - رضاع

اشاره

[سؤال 10312] 5769

بسمه تعالی

در باب شرایط شیر دانی که علت محرم شدن است، در مسأله 2474 از توضیح المسائل می فرمایید: «ولی چنانچه از موقع زاییدن زن شیرده بیشتر از دو سال گذشته باشد و شیر او باقی باشد و بچه ای را شیر دهد، آن بچه به کسانی که گفته شد محرم می شود». در فرض مذکور، اگر چنانچه از زاییدن زن شیرده، بیشتر از دو سال گذشته و شیر او هم باقی نمانده و خشک شده است ولی بعد از گذشتن سه سال یا شش سال از زاییدن زن شیرده، پستان خود را به بچه دخترش به مکیدن می دهد و شیر او می جوشد و طفل شیرخواری که تازه متولد شده، از آن شیر می خورد و تمام شرایط نشر حرمت را هم دارد، آیا آن دختر به شوهرش حرام می شود یا نه؟

بسمه تعالی، اگر همان شیر ولادت است در فرض مسأله، حرمت ثابت می شود، ولی اگر احراز نشود که شیر مستند به شوهر است، موجب حرمت نیست.

ص: 98

2. آیا این حرام بودن تا ابد برقرار است یا این که بعد از حرام شدن، توسط عقد مجدد با هم محرم می شوند.

بسمه تعالی، حرمت حاصل از شیر دادن ابدی است و با عقد، حرمت برطرف نمی شود.

بسمه تعالی 1358/9/23

حضور محترم حضرت آیت الله العظمی نایب الامام، امام خمینی، دام ظلّه

پس از عرض سلام، بفرمایید: زن شوهرداری پسر بچه ای را شیر غیر زایمان بدهد، در صورتی که آن پسر بچه به اندازه محرم شدن، شیر آن

زن را بخورد، بفرمایید: آیا این پسر بچه، به این زن محرم است یا خیر؟

بسمه تعالی، شیر اگر از غیر ولادت باشد موجب نشر حرمت نمی شود.

بسمه تعالی

ریاست محترم دفتر امام خمینی

ضمن عرض سلام، سؤالی است که می خواستم جوابش را فوری برای ما بدهید.

از نظر محارم رضاعی (شیمیایی و فیزیکی) چرا بچه باید شیر را مستقیماً از پستان مادر بخورد؟

بسمه تعالی، حکم الهی است.

بسمه تعالی

خدمت زعیم عالی قدر حضرت نایب الامام روح الله الموسوی الخمینی سلام عرض می کنم، امیدوارم که حال شما امامم در پناه امام

زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) همیشه سلامت

باشد رهبر عزیز برای این جانب سؤالی پیش آمده که از شما بزرگوارم تقاضای جواب کاملی را دارم که می خواستم عرض کنم.

من سه ماهه بودم که در جوار ما کودکی به دنیا آمد که بعد از يك ماه پدربزرگ این کودک دار فانی را وداع گفت در نتیجه خبر را طوری به مادر این بچه گفتند که موجب بیماری شدید مادر از لحاظ روانی و خشک شدن شیر او گشت این بچه از نخوردن شیر مادر رو به مریضی گشت که به دکتر مراجعه کرده دکتر معالج این چنین تشخیص داد که باید از شیر مادر استفاده کند.

مادر این جانب همچنان که من سه ماه بودم شیرش از حد زیاد تجاوز می کرد طوری شده بود که مجبور به دور ریختن شیر می گشت و تصمیم به شیر دادن این کودک گرفت و مادر این جانب نه از راه سینه بلکه از راه دوشیدن در ظرفی به کودک شیر می رساند لذا از شما امام عزیز و رهبر بزرگ و انقلاب اسلامی ایران تقاضا دارم که آیا امکان دارد که بنده، ایشان را به همسری خویش در بیاورم یا نه؟

امام عزیز در ضمن به رساله شما رجوع کردم ولی متأسفانه نتوانستم پاسخی نسبت به این مورد بیابم ولی در ضمن نامه ای تحت همین عنوان به دفتر سرکار عالی فرستادم در جواب قید کرده بود که محرمیت حاصل نیست ولی با این حال باز هم تقاضا دارم مرا بیشتر از این ها روشن تر سازید «البته چیزی که کمی مهم است این است که کودک تقریباً هشت ماه از شیر مادر من تغذیه کرده است» امیدوارم که هرچه زودتر امام زمان تمام انسان های روی زمین را خوشحال سازند با ظهورشان در صحنه.

بسمه تعالی، مانع ندارد و رضاع موجب حرمت حاصل نشده است.

[سؤال 10317] 5773

بسمه تعالی

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، سلام عرض می نمایم. پس از عرض سلام و احوال پرسی، امیدوارم که حالتان خوب باشد و خداوند متعال به شما طول عمر عطا بفرماید؛ ان شاء الله تعالی، يك مسأله برایمان پیش آمده که از هر کس

ص: 100

سؤال کرده ایم، نتوانسته اند جوابمان را بدهند.

مسأله این است: اگر کسی شیر زن خود را بخورد، آیا زن به مرد حرام می شود یا خیر؟

بسمه تعالی، حرام نمی شود.

[سؤال 10318] 5774

بسمه تعالی

1. در رساله عملیه حضرت امام در احکام شیردادن مسأله 2472 فرموده اند: «اگر زنی بچه دختر خود را شیر دهد، آن دختر به شوهر خود حرام می شود. و همچنین اگر بچه ای را که شوهر دخترش از زن دیگر دارد شیر دهد، ولی اگر بچه پسر خود را شیر دهد، زن پسرش که مادر آن طفل شیرخوار است بر شوهر خود حرام نمی شود». آیا شیری که باعث سلب محرمیت می شود شیر کامل است - به طوری که در مسأله 2474 آمده است - یا این که يك دفعه شیر دادن باعث آن می گردد که زن بر شوهر خود حرام شود؟

بسمه تعالی، يك دفعه شیر دادن، موجب نشر حرمت نمی شود و احکام شیر دادنی که موجب محرمیت است، در رساله ذکر شده است.

2. آیا این حرام بودن تا ابد برقرار است و یا این که بعد از حرام شدن توسط عقد مجدد با هم محرم می شوند.

بسمه تعالی، حرمت حاصل از شیر دادن ابدی است و با عقد حرمت برطرف نمی شود.

[سؤال 10319] 5775

بسمه تعالی 1361 / 3 / 24

دفتر امام خمینی، ضمن تقدیم عرض سپاس و تشکر از فعالیت های آن برادران و امید پیروزی های بیشتر برای رزمندگان اسلام در جبهه های حق علیه باطل بدین وسیله به اطلاع می رسانم که این جانب، زنی هستم که به خاطر برخورد با مسأله ای شرعی که برای من گنگ و مبهم است، از شما تقاضای جوابی برای

ص: 101

سؤال های ذیل دارم تا این مشکل برای من حل شود.

در رساله حضرت امام خمینی در مسأله 2472، احکام شیر دادن آمده: «اگر زنی بچه دختر خود را شیر دهد، آن دختر به شوهر خود حرام می شود». من یک چنین شرایطی را در 23 سال پیش برخورد نموده ام و با نداشتن شناخت اسلامی و آگاهی از این جور مسائل، به این موضوع، اهمیت ندادم؛ تا این که در تاریخ 61 / 3 / 20 در رساله امام خمینی متوجه این موضوع شدم و بلافاصله آن جریان 23 سال پیش را به یاد آوردم و این مشکل برای من پیچیده تر شد. در ضمن، در آن موقع من چهارده سال داشتم و نه تنها من، بلکه مادر من هم شناخت اسلامی و سواد خواندن و نوشتن را نداشت و الآن دارای چهار فرزند هستم و 25 سال تمام با هم (با شوهر) زندگی می کنیم. وضعیت شناخت و شرایطی که در 23 سال پیش داشتم:

1. نداشتن سواد خواندن و نوشتن و داشتن سن کم و آگاهی نداشتن از مسائل شرعی.

2. در آن موقع من در بستر بیماری بودم و عمل جراحی داشتم (جراحی سینه) که حتی چرك از سینه هایم بیرون می آمد و سن بچه من بیش از دو یا سه ماه نبود.

3. شوهر مادر من، پدر من نبود (پدر ناتنی). با وجود این، یک مرتبه از لحظه ای که مادرم مشغول شیر دادن به دخترم بود، تذکر داده است ولی من به علت این که در این جور مسائل شناخت نداشتم، توجه به حرفش ننمودم و فکر کردم که این حرف پدر ناتنی فقط به خاطر غذا است نه شرعاً.

توجه: بقیه غذای بچه را از شیر خشک تهیه نمودم.

در ضمن، مادر من بیش از پنج یا شش مرتبه بیشتر به دخترم (بچه ام) شیر نداده است. ضمناً اگر لازم می دانید، چون این مسأله، عمومیت دارد، در رسانه های گروهی به اطلاع عموم برسانید.

بسمه تعالی، در فرض مرقوم، که شرایط رضاع محرم متحقق نشده، حرمت حاصل نیست.

بسمه تعالی

يك مردی زنش را در حالت حمل طلاق داد و بعد از عدّه، دختری زایید. آن مرد آن دختر كوچك را از مادر ربود یا خود مادر از آغوشش دور كرد. بعداً والد، آن دختر مذكوره را در قبيله خود از شیر يك زن، تقریباً سه دفعه سیراب کرده و بعد از آن سه دفعه، سیراب شدن بعضی می گوید: دو دفعه یا سه دفعه شیر دادن دیده ام و زیاد از آن معلوم نیست. آیا عقد ما بین آن دختر مذکور و پسر زن مذکور که به آن دختر شیر داده چه حکمی دارد؟ مفصلاً جواب را تحریر فرمایید.

بسمه تعالی، در فرض مرقوم، محرمیت حاصل نیست و ازدواج مانع ندارد.

بسمه تعالی 1361 / 3 / 25

محضر آیت الله العظمی امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی ایران

زن شیر دهی يك پستان خود را به بچه ای (که شیر مادرش کم و یا بعضی مواقع ممنوع از خوردن شیر مادر می باشد) به مدت يك الی دو ماه اختصاص داده باشد به طوری که توسط شیر زن مرضعه انبات لحم و عظم در بچه شده باشد آیا محرمیت حاصل می شود؟

بسمه تعالی، اگر شرایط دیگر موجود بوده محرمیت حاصل می شود.

بسمه تعالی

محضر مبارك نايب الامام، روح الله الموسوی الخمينی، پس از عرض سلام، سلامتی آن بزرگ مرد تاریخ را از درگاه ذات باری تعالی خواستارم و امیدوارم در سایه رهبری آن جناب، اسلام و کشور اسلامی، از خطرات مصون و محفوظ بماند.

این جانب دختری شانزده ساله هستم که قبل از تولد من، مادرم دختری به دنیا

آورده بود که اینک فوت کرده است همزمان با تولد آن دختر، خاله ام پسری به دنیا آورده بود که روزی دو مرتبه صبح و عصر مادرم به او شیر می دادند. ضمناً کودک در بین شیرینی که مادرم به او می داد، خوراکی های دیگری از قبیل شیر مادرش و قند آب و غیره می خوردند. آشنایان می گفتند: این بچه از وقتی شیر خاله اش را خورده است کمی چاق شده است. می خواستم بینم: آیا این پسر به این جانب محرم است یا خیر؟ از راهنمایی های شما بی نهایت متشکرم.

بسمه تعالی، اگر بین پانزده شیر از مادر خود نیز شیر می خورده و یک شبانه روز شیر که بین آن هیچ غذای دیگر نخورده باشد، نخورده و رشد بچه مستند به شیر خاله تنها نیست؛ رضاع محرم حاصل نشده است.

[سؤال 10323] 5779

بسمه تعالی

با توجه به شرح زیر، آیا من با خواهر رضاعی ام ازدواج کرده ام که دختر عمویم هست؟

طبق گفته مادر و زن عمویم (مادر زنم)، در سه ماهگی به مدت یک شب و دو روز از زن عمویم شیر خوردم. در بین این مدت، چیزهایی از قبیل سوسه - که از چهل گیاه تشکیل می شود - با آب و شکر مخلوط کرده، به اندازه نصف نعلبکی در صبح، و نصف نعلبکی در شب، به من می دادند، و نیز یک داروی من در آوردی آن روز، که پوست حلزون و موش را ساییده، با مقداری شکر و آب، به اندازه یک قاشق غذاخوری، دوبار در تمام مدت فوق، و همچنین نصف نخود چربی خوک به من داده اند. لازم به تذکر هست زن عمویم به علت پرهیز، و کافی نبودن شیر، پس از شیر خوردن، آب جوش شیرین در بعضی از اوقات به من می دادند. و حال بنده دارای دو فرزند می باشم؟

بسمه تعالی، اگر غذای بچه، در آن یک شبانه روز، منحصر به شیر زن نبوده، احکام رضاع مترتب نیست.

ص: 104

محضر مبارك حضرت آيت الله العظمى امام خمينى، دام عزه

محترماً به عرض مى رساند: زنى دختری را در ایام رضاع، به مظنه قوی، مدت چهار ماه، روزی يك مرتبه شیر داده و بقیه شبانه روز را به غذا و شیر گاو و شیر مادرش می گذرانیده. آیا این نحوه شیردادن موجب نشر حرمت می شود یا خیر؟ و آیا شهادت آن زن که مورد وثوق می باشد و مظنه قوی دارد که همه روزه شیر می داده، مثبت مقدار مزبور هست یا خیر؟ بالجمله، ازدواج بین این زن با اولاد مرضعه مزبوره صحیح است یا باطل؟ خواهشمند است تکلیف آنان را بیان و اعلام فرمایند.

بسمه تعالی، در فرض مزبور، رضاع موجب نشر حرمت محقق نشده و ازدواج مانع ندارد و تا یقین به تحقق رضاع با شرایط معتبر حاصل نشود، حکم رضاع ثابت نمی شود.

محضر مبارك رهبر انقلاب و مرجع عظیم الشان جهان تشیع، حضرت آيت الله العظمى، امام خمينى، دامت برکاته

این جانب سربازی از لشکریان اسلام، و از جان گذشتگان در راه اسلام، که در نیروی دریایی بندرعباس خدمت می کنم برایم مسأله ای شرعی پیش آمد، که لازم دانستم با حضرت امام در میان بگذارم. این جانب متأهل، و دارای يك فرزندی پانزده ماهه می باشم و موضوع، شیردادن این بچه می باشد. در ابتدای به دنیا آمدن این بچه، مادرش با کمبود شیر مواجه می گردد، که بنا به کم اطلاعی، مادر خانم این جانب به عنوان کمکی، بچه ام را در روزهای متوالی، و بیش از چندین و حتی پانزده مرتبه، شیر می دهد. البته این بیش از پانزده مرتبه بدین صورت که در هر دو روز يك مرتبه، و یا

احیاناً هر روز و روزی يك مرتبه بوده است، و در ما بین نیز شیر خشك یا شیر خانمم را نیز خورده است. با مراجعه به عده ای از روحانیون و غیره، جوابی جز حرام بودن خانم حقیر بر بنده نشنیده ام و در رساله امام نیز جز این نیست. حال با وجودی که در وهله اول کسی هستم که سخت پایبند مسائل اسلامی هستم و دوم این که مدت دو سال است که ازدواج کرده و هیچ گاه به صورت زیادی در خانه نبوده ام، و مدتی در سپاه پاسداران، و حالا نیز در ارتش خدمت می کنم. و اگر موضوع جدایی پیش بیاید، ضربه هولناکی است که بر پیکر سه نفر - من، خانمم و فرزندم - وارد می شود. و مهم تر از همه این که اگر خانم حقیر، از موضوع جدایی با خبر شود، ممکن است دست به کارهای خطرناک بزند؛ چون با شناختی که نسبت به او دارم، ممکن است این کار انجام شود، و دیگر این که با در نظرگیری موقعیت حقیر که همه امید و آرزوهای این جانب در تشکیل يك خانواده گرم و صمیمانه و اسلامی، از بین می رود. کانون کوچکی را که الآن دارا می باشم، از دست می دهم. مستدعی است با راهنمایی از محضر مبارك امام عزیز، آن پدر مهربان، حقیر را ارشاد کنید.

بسمه تعالی، اگر بچه فقط روزی يك بار یا حداکثر دوبار، از مادر بزرگش شیر می خورده و بقیه شبانه روز از مادر خودش شیر می خورده، چنین شیر دادنی، موجب حرام شدن زن شما بر شما نیست.

[سؤال 10326] 5782

بسمه تعالی 1361 / 8 / 1

حضور رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران و مرجع عالی قدر عالم تشیع، پس از سلام و عرض ادب و ارادت به حضورتان؛ چند سؤال شرعی برایمان پیش آمده که به حضورتان معروض می داریم:

1. پدر این جانب چون از داشتن مادر در بدو تولد محروم شده است، او را دایه ای شیر داده که خود دارای چند فرزند بوده، 2 پسر و 4 دختر، یکی از این پسران که پدرم

ص: 106

با او شیر خورده به مدت دو سال است که دار فانی را وداع گفته، ولی پسر دیگر، مانده و دارای فرزند هم می باشد. حال می خواهیم بدانیم که این پسر مانده، عموی ما به حساب آمده و محرم است یا خیر؟ و اگر تا به حال از او حجاب نکرده ایم، چه صورتی دارد؟

بسمه تعالی، در صورتی که صاحب شیر، یعنی شوهر زن شیرده، پدر پسر دیگر هم باشد، عموی شما است از جهت رضاع و از محارم است.

2. حدود 8 سال پیش عمه شوهرم که از داشتن فرزند محروم بوده است، دختری را از پرورشگاه به فرزند قبول کرده است؛ حال که فرزند به سن بلوغ رسیده، تکلیف مرد (پدر) چیست؟ آیا محرم است یا نامحرم؟ و ازدواج این دختر به چه صورت است؟

بسمه تعالی، دختر نسبت به مرد (پدر خوانده) نامحرم است و اگر پدر ندارد یا معلوم نیست، بعد از بلوغ و رشد اختیار با خود او است.

3. از شغل بنگاه اتومبیل که عده ای به آن اشتغال دارند، پولی که به دست می آید حلال است یا حرام؟ مادر شیرده و یا زن باردار می تواند از آن پول استفاده کند یا نه؟

بسمه تعالی، با رعایت ضوابط شرعی، حق الزحمه یا سود معامله حلال و استفاده از آن جایز است.

4. عقیقه حکم واجب دارد برای نوزاد یا نه؟

بسمه تعالی، واجب نیست.

5. نذر کرده ایم که يك سفره حضرت عباس پهن کنیم در جای مشخصی، ولی حال که شما می فرمایید جبهه ها را تقویت کنید، می شود پول سفره را به حساب جنگ زدگان پردازیم؟

بسمه تعالی، در صورتی که نذر با صیغه نبوده، اختیار با خودتان است.

6. سقط بچه ای که آلت تناسلی اش نشان دهنده پسر بودنش باشد، از روی عمد، چه دیه ای به پول ایران دارد؟ و اگر بعد از 10 روز از عده ماهانه گذشته باشد، سقطش به پول ایران چقدر است؟

بسمه تعالی، دیه نطفه پانزده مثقال طلای مسكوك است و اگر خلقت طفل کامل شده و روح در او دمیده، دیه اش مثل انسان بزرگ است.

سلامتی و سعادت مندی جناب عالی را در خدمت به اسلام و مسلمین از خداوند متعال خواستاریم. والسلام علی عباد الله الصالحین

بسمه تعالی

دفتر امام خمینی، ضمن عرض سلام و تشکر، لطفاً این جانب را راهنمایی بفرمایید.

بنده به علت بیماری از داشتن فرزند محروم. حال تصمیم گرفتم بچه ای به عنوان فرزند از شیرخوارگاه بیاورم. دختر یا پسر از نظر محرمیت به من یا همسرم چگونه است؟

بسمه تعالی، اگر از راه شیردادن با شرایط یکی از عناوین موجب محرمیت حاصل شود مثل این که خواهر زن یا خواهر مرد با شرایط بچه را شیر دهند محرم می شوند.

بسمه تعالی 1359/9/28

محضر مقدس حضرت امام خمینی، با عرض سلام؛ متمنی است نظر شریف را در مورد این مسأله بیان فرمایید:

کودکی پس از این که مادرش او را به دنیا آورده، پس از ده روز مادرش وفات نموده و خاله کدک وی را برده و نگهداری نموده و شیر داده است. خاله پس از این که کدک به حد بلوغ رسیده، دختر خود را به آن کدک که خواهرزاده اش بوده تزویج نموده تا ثروت و دارایی شان به علت ازدواج دخترش با کس غیر، نصیب دیگری نشود و فعلاً مدت چهار سال است که ایشان ازدواج نموده و زندگی زناشویی دارند. این ازدواج از نظر شرع صحیح می باشد یا خیر؟ آیا پسر با آن دختر خواهر رضاعی نمی شود؟ والسلام علینا و علی عباد الله الصالحین

بسمه تعالی، اگر رضاع موجب نشر حرمت به شرحی که در رساله مذکور است، متحقق شده، ازدواج مزبور باطل است و در صورت شك در آن، ازدواج محکوم به صحت است.

بسمه تعالی

به نام خدا، پاسدار خون شهیدان و با درود فراوان به رهبر کبیر انقلاب اسلامی، امام خمینی و به تمام شهدای انقلاب اسلامی ایران و با درود و سلام به تمام روحانیت مبارز، آیت الله منتظری و علی اکبر هاشمی رفسنجانی و سید علی خامنه ای و...

غرض از نوشتن نامه خدمت دفتر امام و مزاحمت برای آن محضر مقدس، این بود که يك سؤال خدمت جناب عالی داشتم که به چند تن از برادران روحانی مراجعه کردم ولی جواب صحیح نشنیدم. ولی یکی از روحانیون فرمودند که چون مقلد امام هستید باید از ایشان سؤال فرمایید و سؤال به این نحو است: من يك عمو دارم که با برادر بزرگم هم شیر بوده اند، و عمویم از شیر مادرم خورده و به او محرم شده. می خواستم بدانم که دختر همین عمویم به من محرم است یا نه و آیا من می توانم با او (دختر عمویم) ازدواج کنم یا نه؟

بسمه تعالی، چنانچه با شرایط، شیر خورده است، نمی توانید با دختر او ازدواج نمایید.

بسمه تعالی 1361/9/8

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی رهبر بزرگ انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی، دام ظلّه، پس از عرض سلام، با نهایت ادب به عرض می رسانم:

دختری داشتم که سیزده روز بعد از ولادت، او را از ما ربودند. الحال که نه سال از این قضیه می گذرد، در خانه خواهر عیالم او را پیدا کرده ایم. شوهر خواهر عیالم بچه ندارد و بر آن ها بسیار دشوار است که این دختر را از خودشان جدا کنند. با وجود این که ثابت شده شوهر خواهر عیالم از هیچ عمل زشتی امتناع ندارد و ما اطمینان نداریم که این دختر در منزل ایشان باشد، وظیفه شرعی ما چیست؟ آیا می توانیم

بچه

را از دست آن‌ها بگیریم؛ با وجود این که ما را تهدید می‌کنند که اگر اقدام به این عمل نمودید، به شما اذیت جبران‌ناپذیر می‌دهیم؟ و در مدت نه سال آیا حق گرفتن نفقهٔ بچه را از ما دارند یا خیر؟ استدعا دارم وظیفهٔ شرعی ما را تعیین فرمایید.

اضافه از این، عروس برادر نگهدار بچه، شیرداده به این بچه، آیا به این مرد محرم است یا خیر؟

بسمه تعالی، رسیدگی به این قضیه، موکول است به دادگاه‌های صالحه در جمهوری اسلامی و اگر ثابت شود که بچه از آن‌ها نیست، حق مزاحمت ندارند و نفقه ای که داده اند را حق ندارند مطالبه کنند. و اگر شیر دادن به بچه با شرایط بوده و از آن مرد، شیر حاصل شده، بچه نسبت به آن مرد، فرزند رضاعی می‌شود و محرم او است.

[سؤال 10331] 5787

بسمه تعالی

حضرت مستطاب مروّج الاحکام، زعیم عالی قدر، مرجع شیعیان جهان، حضرت امام خمینی، دام ظلّه العالی

در موضوع رضاع اگر بعد از برادر و خواهر رضاعی، اولادی به ثمر برسد، آیا ممکن است با هم ازدواج کنند یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر منظور این است که مرضعه یا صاحب شیر اولاد پیدا کرده اند، حکم برادر و خواهر رضاعی را دارند و نمی‌توانند با هم ازدواج کنند.

[سؤال 10332] 5788

بسمه تعالی

حضور محترم رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران

زن و شوهری هستیم که بچه دار نمی‌شویم؛ ما قصد داریم بچه ای چند روزه

ص: 110

بیاوریم و بزرگش کنیم؛ می خواستم بپرسم که چگونه این بچه (دختر یا پسر) به من و شوهرم محرم می شود؛ با توجه به این که نه من خواهری دارم و نه شوهرم؟

با آرزوی توفیق جناب عالی، والسلام

بسمه تعالی، اگر ولیّ ندارد، راهی برای محرم شدن با عقد نیست؛ بلی اگر زن، مادر دارد و بچه پسر باشد، در صورتی که با شرایط، او را شیر دهد بر زن محرم می شود؛ و همچنین اگر بچه دختر باشد و مادر مرد او را شیر دهد، بر مرد محرم می شود.

[سؤال 10333] 5789

بسمه تعالی 1362 / 3 / 18

محضر مبارک امام خمینی، مدّ ظلّه العالی، با آرزوی سلامتی و طول عمر برای آن امام بزرگوار

آیا حسین می تواند نوه پسر خاله اش را به نام سهیلا به ازدواج خویش در آورد در حالی که با دخترخاله خویش محرم می باشد؟ (خواهر حسین و دختر خاله اش، خواهر رضاعی می باشند و هر دو از مادر حسین شیر خورده اند). ضمناً این مسأله با روحانیون مختلفی در میان گذاشته شده، اما جواب هر يك با دیگری مغایرت دارد و از طرفی، هر دو فامیل مایل به ازدواج این دو نفر بوده و تنها مسأله محرمیت مطرح می باشد. خواهشمند است راهنمایی های لازم را مبذول دارید.

1. فاطمه و معصومه خواهر می باشند.

2. طاهره و صدیقه هر دو خواهر رضاعی می باشند - زیرا هر دو در يك زمان با رعایت مسأله شرعی، از فاطمه شیر خورده اند - که در نتیجه، حسین، محرم طاهره می باشد.

3. مهدی از فاطمه شیر نخورده و بزرگ تر از طاهره می باشد.

آیا حسین می تواند سهیلا (نوه پسر معصومه) و یا دختر مهدی را به ازدواج

ص: 111

خویش در آورد؟ ازدواج حسین با سهیلا از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

بسمه تعالی، بین پسر و دختر مشارالیهما در فرض مرقوم، محرمیتی نیست و ازدواجشان اشکال ندارد.

[سؤال 10334] 5790

بسمه تعالی 1358 / 10 / 30

خدمت زعیم عالی قدر حضرت آیت الله العظمی امام خمینی

سلام گرم این جانب را از راه دور بپذیرید.

جان نثار عرض کوچکی داشتم که خدمتتان عرض می کنم. يك ماه قبل از این که من به دنیا بیایم دختری در همسایگی ما به دنیا آمده و وقتی که من به دنیا آمده ام، مادرم به آن دختر شیر می داده است. همان طور که خودتان می دانید، من و آن دختر، خواهر و برادر رضاعی هستیم و شرایط در این مورد کامل است. بعد از يك سال در خانواده آن دختر، دختری دیگر به دنیا آمد؛ حالا من و آن دختر «دختر دومی» تصمیم به ازدواج داریم. می خواستم بدانم که آیا من می توانم با آن دختر ازدواج کنم یا نه؟

با امید این که هرچه زودتر این انقلاب به پیروزی کامل خود برسد.

بسمه تعالی، مانع ندارد.

[سؤال 10335] 5791

بسمه تعالی

محضر مبارك مرجع تقلید معظم، حضرت آیت الله خمینی

لطفاً در صورت امکان، به مسأله زیر پاسخ گوئید:

اگر خواهر مردی از يك زن شیر خورده باشد، آیا آن مرد می تواند با دختر آن زن ازدواج نماید؟ در ضمن، آن زن شیردهنده، دختر دایی این مرد است.

بسمه تعالی، در فرض مرقوم، نسبت محرمیتی بین آن مرد و دختر آن زن شیردهنده متحقق نیست و ازدواج مانع ندارد.

ص: 112

2. دو خواهر و برادر رضاعی هستند که یکی از آن‌ها مدت چهارماه پی در پی شیر دیگری را خورده است. آیا به جز آن خواهر و برادر، خواهرهای آن خواهر نمی‌توانند با برادرهای این برادر ازدواج کنند؟

بسمه تعالی، ازدواج آنان مانع ندارد.

بسمه تعالی 3 / 5 / 1361

با عرض سلام خدمت اولیای محترم دفتر امام و آرزوی موفقیت و پیروزی برای شما عزیزان و طول عمر برای رهبر عالی قدر حضرت آیت الله امام خمینی چند سؤال دارم که امیدوارم جواب بدهید.

1. اگر طفلی در کودکی از پستان زنی غریبه شیر خورده باشد، زمانی که بزرگ می‌شود با فرزندان آن زن (منظور زنی که از او شیر خورده است) خواهر و برادر رضاعی می‌شود. آیا برادر و خواهرهای همان طفل هم که از آن زن شیر خورده است، با آن بچه‌های زن، خواهر و برادر رضاعی حساب می‌شوند یا این که فقط همان طفل؟

بسمه تعالی، فقط با همان طفل محرم می‌شوند.

2. ما فتوای جدید امام را که از يك سال پیش فتوا داده‌اند، از کجا باید به دست بیاوریم به طور کامل؟

بسمه تعالی، اگر در رساله‌ها نیست استفتا نمایید.

3. آیا يك شخص مسلمان، موقع نماز درست است که در گردش صلیب باشد با این که قبول دارد که يك شخص دیگر را به جای حضرت عیسی علیه السلام به صلیب کشیده‌اند و فقط برای زیبایی می‌اندازد یا این که باید در بیاورد؟

بسمه تعالی، نماز صحیح است.

4. گوش دادن به سرودهایی که معنا و مفهوم از آن شنیده می‌شود هر چند که موسیقی داشته باشد امام گفته‌اند که اشکالی ندارد؛ اما زمانی که مفهوم و معنا از آن درک نکنی و موسیقی زیبایی باشد، آیا گناه دارد؟ مانند سرود الله واحد.

بسمه تعالی، موسیقی مطرب حرام است و صداهای مشکوک مانع ندارد.

5. آیا در نماز جماعت، پشت سر پیشنماز اهل تسنن (سنی) نماز بخوانی اشکال دارد؟ و اگر که ندانی و میان نماز متوجه بشوی که شخص، سنی است اشکالی دارد؟

بسمه تعالی، در مورد تقیه اشکال ندارد.

[سؤال 10338] 5793

بسمه تعالی 1361 / 11 / 2

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، رهبر کبیر انقلاب اسلامی، پس از عرض سلام

زنی به دختر برادر خود ده روز تمام شیر داده است. برادر این دختر، خواستگار دختر آن زن (دختر عمه خود) شده است. ازدواج این دختر با این پسر (پسر دایی و دختر عمه) چه صورتی دارد؟ خلاصه، شیر دادن عمه به دختر برادر مانع ازدواج دختر عمه و پسر دایی می شود یا خیر؟ این پسر برادر از عمه خود اصلاً شیر نخورده و فرزند اول برادر آن زن است و دختری که از آن زن شیر خورده، فرزند چهارم برادر آن زن است.

بسمه تعالی، اشکال ندارد.

[سؤال 10339] 5794

بسمه تعالی

محضر مبارك رهبر انقلاب و امید مستضعفان جهان حضرت امام خمینی، دام ظلله العالی، معروض می دارد:

دو پسر از يك زن شیر می خورند که برادر رضاعی می شوند. آیا خواهر که بعد از یکی از این پسرها به دنیا می آید؛ می تواند با پسر دیگر آن زن که بعد از پسر اول به دنیا آمده ازدواج کند یا نه؟ لطفاً جواب فرمایید.

بسمه تعالی، در فرض سؤال، اگر دختر و پسر با هم خواهر و برادر رضاعی نباشند، ازدواجشان با هم مانع ندارد.

ص: 114

بسمه تعالی

حضور محترم رهبر کبیر انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی

1. اگر مادر حسین از شیری که به حسین می دهد، به زهرا بدهد تا صدق رضاع بکند، آیا حسین که برادر رضاعی زهرا است می تواند با یکی از خواهرهای زهرا ازدواج کند؟

بسمه تعالی، مانع ندارد.

[سؤال 10341]

2. یکی از برادران حسین آیا می تواند با یکی از خواهران زهرا ازدواج کند؟

بسمه تعالی، مانع ندارد.

[سؤال 10342] 5796

بسمه تعالی

قم، دفتر امام خمینی، مسأله ای درباره ازدواج:

دختر عمه ای دارم، می گویند: با او ازدواج کن. مادرش شیر زیادی به من داده است، ولی مدت آن معلوم نیست. و من با او احساس خواهری می کنم و هیچ احساس همسری نمی کنم. آیا ازدواج کردن با او صحیح است؟

بسمه تعالی، اگر شرایط رضاع موجب نشر حرمت - که در رساله مذکور است - محرز نیست، اشکال ندارد.

[سؤال 10343] 2408

2. آیا خویشاوندان نزدیک می توانند به بچه شیر بدهند؟ مثل شیر دادن عمه به برادرزاده؟

بسمه تعالی، حرمت تکلیفی ندارد؛ لکن باید احکام رضاع مراعات شود که در رساله ذکر شده است.

[سؤال 10344] 5797

بسمه تعالی

با درود فراوان به رهبر کبیر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی و شهدای اسلام و سلام بر اعضای دفتر محترم امام که خالصانه و ایثارگرانه در راه اعتلای حق خدمت می کنند.

حقیر يك سؤال شرعیه داشتم که از دو روحانی در شهر خودمان پرسیده ام، ولی متأسفانه دو جواب مختلف به من ارائه داده اند؛ لذا سؤال را می نویسم و خواهشمندم در اسرع وقت جوابش را بنویسید.

راه مَحْرَم شدن زن برادر چیست؟ به رساله امام، مسأله 2493 مراجعه کرده ام و به احکام شیردادن نیز همان طوری که در مسأله 2493 گفته مراجعه کرده ام ولی چیزی دستگیرم نمی شود و حتی به روحانی نشان داده ام همین مسأله را، گفته که نمی دانم؛ لذا تقاضا می کنم که دقیق بنویسید تا ان شاء الله مسأله ای پیش نیاید.

بسمه تعالی، اگر دختر شیرخواره ای را به عقد خود با مراعات مقررات شرعی درآورید، سپس زن برادر شما آن دختر را در يك شبانه روز یا پانزده بار پشت سر هم شیر بدهد، در این صورت زن برادر بر شما محرم می شود.

[سؤال 10345] 1335

10. انسان می تواند نوزاد دختری را برای خود صیغه کند و زنی هم - همچون زن برادرش، زن دایی اش و یا هر زن دیگر - آن را شیر دهد و چون مادر زن آن می شود، بر آن مرد که دختر را صیغه کرده، محرم دائمی می شود و اگر شرایط آن را بگویید متشکرم.

بسمه تعالی، اشکال ندارد و محرم دائمی می شود و شرایط آن در رساله مذکور است.

ص: 116

[سؤال 10346] 5798

بسمه تعالی

زنی به علت ندانستن مسأله در حدود چهار ماه به نوه دختری خود شیر داده است حکم این مسأله چگونه است؟

بسمه تعالی، اگر مادر زن به نوه خود که از شوهر [فعلی] دختر او است با شرایط شیر دهد نکاح دختر و شوهرش باطل می شود، و بر هم حرام ابدی می شوند.

[سؤال 10347] 7377

5. طبق مسأله 2472 توضیح المسائل جناب عالی، «اگر زنی بچه دختر خود را شیر دهد، آن دختر به شوهر خود حرام می شود». اگر بر اثر بی اطلاعی از مسأله، تقریباً 20 بار شیر داده و بعد از اطلاع، نداده باشد چه حکمی دارد؟

بسمه تعالی، حرام می شود؛ مگر آن که شرایط معتبره در شیردادن - که در رساله هست - موجود نباشد.

[سؤال 10348] 5799

بسمه تعالی 30 / 9 / 1361

حضور مبارك رهبر كبير انقلاب اسلامي ايران، امام خميني، سلام عرض مي كنم

ضمن آرزوی سلامتی برای وجود مبارك رهبر گرامی، برای این جانب بر اثر ناآگاهی، مشکلی به شرح زیر در خصوص زندگی خانوادگی ام پیش آمده که می خواهم از حضور مبارك، کسب تکلیف نمایم.

این جانب فردی مسلمان و شیعه می باشم که سه سال گذشته با دختری هم دین و مذهب خودم ازدواج نموده ام و مدت 16 ماه گذشته، صاحب دختر بچه ای شدیم.

ص: 117

دختر بچه در حال، زنده است. در مرحله اول، مدت يك هفته شیر مادر خودش را خورده و گاه گاهی هم شیر از مادر بزرگش، یعنی مادر عیال این جانب و بعد از يك هفته، مادر بچه ام مریض شد و برای معالجه، وی را از ایلام غرب به کرمانشاه بردیم و دختر ما مدت چهار شبانه روز از پستان مادر بزرگش - که مادر عیال این جانب می باشد - مرتب شیر خورده، بدون آن که در مدت چهار شبانه روز، از شیر کسی دیگر یا شیر خشک و یا غیره خورده باشد و بعد از چهار شبانه روز از شیر مادر خودش خورده و باز از شیر مادر بزرگش به مدت سه روز استفاده نموده و عیال بنده هم شیر خودش را به خواهر شیرخواره اش داده. و این کار از روی ناآگاهی نبوده است.

در تاریخ 28 / 9 / 61 داشتیم از رساله رهبر کبیر استفاده می کردم که به مسأله 2472 برخورد کردم؛ چون به طور کامل برایم روشن نبود، تقاضای کسب تکلیف دارم.

بسمه تعالی، در فرض مرقوم، زن شما بر شما حرام شده است.

[سؤال 10349] 5800

بسمه تعالی

حضور مستطاب رهبر کبیر انقلاب، حضرت امام خمینی، دام ظلّه العالی

پس از عرض تحیت، سلامتی و صحت آن حضرت را از خداوند تبارک و تعالی مسئلت می نمایم. غرض از این نوشتار، تقاضایی است در رابطه با تشریح واضحی از مسأله 2472 رساله شریفه آن مقام؛ چرا که این مسأله در قریه دغاغیه و نظایر آن متداول است. به طور مثال در مورد خود فدوی، مادر همسرم به فرزند نام شیر داده و بنا به حکم مذکور، همسرم بر من حرام است. و چون این قضیه همان طور که معروض داشتم در اکثر نواحی عرب نشین تعمیم دارد؛ لذا مستدعی است در رابطه این مسأله ما را از فرمایشات و بیانات خود مستفیض بفرمایید.

بسمه تعالی، اگر مادر همسر به فرزند شخص شیر دهد و شرایطی که در رساله - برای شیر دادنی که موجب حرمت می شود - بیان شده، موجود باشد؛ همسر شخص بر او حرام می شود.

ص: 118

خواهشمند است به سؤال ذیل به طور کامل و ساده پاسخ دهید.

1. با توجه به این که در کتاب واجب و حرام، از علی مشکینی، صفحه 135، مسأله 312 نوشته که اگر مادر زنتان به فرزند شما شیر دهد، عیالتان بر شما حرام است؛ آیا موضوع صحت دارد یا نه؟

2. اگر چنانچه این موضوع صحیح است، این کار برای چند مرتبه و چه مدت باید انجام گرفته باشد، تا زن بر مرد حرام شود؟

3. آیا برای حرمت، بیست مرتبه شیر دادن مادر زن به نوه اش کافی است؟

بسمه تعالی، اگر با شرایط معتبره - که در رساله عملیه ذکر شده است - شیر داده باشد، حرام می شوند و شرایط شیر دادن را می توانید در توضیح المسائل و غیر آن ببینید.

فرزند خوانده

با نام او شروع می کنیم که آرامش دهنده قلب ها است و تسکین دهنده دل ها (أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ)، خدمت پدر بزرگوار و پیر جماران، رهبر انقلاب، امام خمینی سلام عرض کرده و امیدوارم که در کمال صحت و سلامت باشید. غرض از مزاحمت، يك مسأله شرعیه است و آن به قرار زیر است:

ما حدود نه سال پیش فرزندی که چهل روز بیشتر نداشت، به خانه آورده ایم و او را بزرگ نموده ایم و چون پدر این فرزند قبل از به دنیا آمدن طفل فوت نموده و به دلیل این که مادر این فرزندان با پنج کودک نمی توانست امورات خود را بگذرانند، ما یکی از

این بچه ها را تقریباً به فرزندى قبول کردیم. در ضمن وکیل و وصی هم ندارد.

البته لازم به تذکر است که در آن موقع، این طفل يك خواهر دوقلو هم داشته است. حال این بچه، به نه سالگی رسیده است و ما در خانه، خواهر هجده ساله ای داریم و مادری. می خواهیم سؤال کنم که چگونه می شود این بچه به ما محرم شود؟

بسمه تعالی، در فرض سؤال، راهی برای محرمیت نیست؛ مگر آن که بچه اگر پسر باشد، بعد از بلوغ شرعی، با ازدواج محرم شوند.

[سؤال 10352] 3530

2. اگر زن و شوهر مسلمانی طفل شیرخوار پسر و دختری را به فرزندى قبول نمایند، شرعاً این بچه ها فرزند آن ها می شوند یا خیر؟

بسمه تعالی، شرعاً فرزند آن ها محسوب نیست و آثار فرزندى مترتب نمی شود.

[سؤال 10353] 5803

بسمه تعالی

به نام الله، پاسدار حرمت خون شهیدان و صالحان، با درود فراوان به امام امت، و با سلام به شهیدان و معلولین و مجروحین انقلاب اسلامی، ضمن عرض سلام، از پیشگاه امام امت می خواهیم که ما را در مورد این مسائل راهنمایی کنند، خیلی ممنون.

1. وقتی شخصى مسئولیت بچه ای را از پرورشگاه به عهده می گیرد، تا او را به عنوان بچه خودش بزرگ کند، زمانی که این بچه - چه پسر باشد و چه دختر - بزرگ می شود، آیا برای والدین نامحرم نمی شود؟ و یا وقتی يك پسر و يك دختر می آورد، این دوتا علاوه بر این که به پدر و مادر نامحرم می شوند برای همدیگر هم نامحرم می باشند. خواهش می کنم در این مورد ما را راهنمایی بفرمایید.

بسمه تعالی، تنها بزرگ کردن بچه، سبب محرمیت نمی شود و همچنین پسر و دختری که پیش يك خانواده بزرگ می شوند، نسبت به هم محرم نیستند.

ص: 120

2. وقتی يك دختری می خواهد با يك معلول انقلاب ازدواج کند، ولی مخالفت پدر و مادر مانع از این کار می شود، آیا در این صورت جلب رضای والدین واجب است یا نه؟

بسمه تعالی، در ازدواج دختر باکره، اذن پدر شرط است.

ما دو تا دوست هستیم که می خواهیم با يك معلول ازدواج کنیم. البته معلولی که ضایعات نخاعی داشته باشد. و در این جا با مسأله بچه روبه رو می شویم که در سؤال بالا- مطرح شد. از شما خواهش می کنیم که ما را در این مورد هرچه بهتر و بیشتر راهنمایی کنید. خیلی متشکرم.

[سؤال 10354] 6556

9. فرد مسلمانی که دارای همسر می باشد به خاطر خدا بچه ای را از سر راه یا بچه یتیمی را می آورد منزل بزرگ می کند. این بچه اگر پسر باشد بعد از چند سال به حد بلوغ می رسد؛ تکلیف محرم یا نامحرم بودن این بچه به همسر فرد مسلمان چه صورتی دارد؟ آیا مرد می تواند همسر خود را با آن بچه در منزل بگذارد و به سر کار برود؟ آیا راهی دارد که با همسر این فرد مسلمان نوعی محرمیت پیدا کنند که بشود اعتماد نمود؟

بسمه تعالی، پسر خوانده بر زن محرم نیست ولی اگر مادر آن زن بلامانع باشد و به عقد پسر درآید یا اگر زن، دختر یا نوه داشته باشد و پسر او را عقد کند، زن بر او محرم می شود.

[سؤال 10355] 6556

10. سؤال بعدی مربوط به دختر بچه است؛ اگر دختر بچه را بیاورد منزل بزرگ نماید، تکلیف مرد با این دختر بچه چه می شود؟ آیا این دختر بچه که قبل یا بعد از حد بلوغ در این منزل است آیا با بودن مرد این خانواده منافات با اسلام ندارد؟ چه راهی دارد که بشود از طریق اسلام محرم باشد؟ و با دیدن مثلاً موی سر این دختر بچه، مرد مرتکب فعل حرام نمی شود؟ آیا می تواند این دختر بچه را به صیغه خود درآورد، مثلاً برای 13 سال و بعد از 13 سال او را شوهر دهد به میل خود دختر؟

بسمه تعالی، دختر خوانده بر مرد محرم نیست مگر این که به عقد مرد یا پدر

ص: 121

یا پسر یا نوه او در آید و در هر صورت، زندگی کردن با رعایت حجاب شرعی اشکال ندارد.

[سؤال 10356] 5804

بسمه تعالی

بچه ای را به پسرخواندگی قبول کرده ام، فرموده اند که باید خواهر همسر به فرزند ما شیر بدهد تا او به عنوان پسر خواهر همسر در میان ما زندگی کند، لذا خواهر همسر این جانب چندی قبل ازدواج نموده و تا او بچه دار بشود زمانی طولانی می خواهد که در آن موقع هم فرزند ما بزرگ شده و نمی تواند شیر او را بخورد. خواهشمند است مرا که در راه خدا و برای رضای او قدمی برداشته ام راهنمایی کنید که سخت نگران می باشم؛ چون نمی خواهم از يك طرف ثواب کرده و از طرفی دیگر گناه و این که زن من همیشه در زندگی ناراحت باشد و حس کند که بچه او به او نامحرم است. منتظر راهنمایی شما هستم.

بسمه تعالی، پسر خوانده، محرم نیست و بدون این که یکی از اسباب محرمیت - مثل شیر دادن با شرایطی که در رساله هست - حاصل شود، محرم نمی شوند.

[سؤال 10357] 5805

بسمه تعالی 10 / 11 / 1361

دفتر امام خمینی؛ سلام علیکم، با فرارسیدن پنجمین سالگرد پیروزی انقلابمان، موقع را مغتنم شمرده و ضمن عرض تبریک، سلامتی و سعادت همگی شما را از خدای بزرگ خواستارم و خواهشمندم که به سؤالات زیر پاسخ فرمایید:

1. کسانی هستند که فاقد فرزندان و لذا نوزادی را از طفولیت گرفته و بزرگ کرده اند.

الف. این فرزند اگر دختر باشد به پدرخوانده اش و اگر پسر باشد به مادرخوانده اش محرم است یا خیر؟

ص: 122

ب. پس از فوت پدر یا مادر، این فرزندخوانده حق ارث هم دارد یا خیر؟

بسمه تعالی، محرم نیست و ارث نمی برد.

2. در توضیح المسائل راجع به آداب وضو گرفتن زن ها توضیح داده نشده و لذا طریقه درست وضو گرفتن زن ها چگونه است؟ و اصولاً چه فرقی با وضو گرفتن مردها دارد؟

بسمه تعالی، در کیفیت و مقدار واجب فرق ندارند.

3. هنگامی که مردها وضو می گیرند اگر احیاناً دست طوری قرار گرفت که آب وضو به طرف آرنج سرازیر شود، اشکالی در وضو ایجاد می شود یا خیر؟

بسمه تعالی، اشکال ندارد.

4. آیا برای تعیین سال (جهت محاسبه و پرداخت همیشگی خمس و سهم امام) در ابتدا لازم است تمام وسایل زندگی را از نظر قیمت محاسبه کرده و جمعاً مشخص شود؟ در این مورد، قیمت خرید اجناس باید حساب شود یا قیمت فعلی آن ها؟ در هر دو صورت، ممکن است انسان تسلط نداشته باشد و دقیقاً مشخص نشود، زیاد یا کم شود؛ به هر حال، آیا ایجاد اشکال می شود یا خیر؟

بسمه تعالی، آنچه در زاید بر مصارف زندگی در بین سال، سر سال باقی بماند خمس دارد و می توانند نزد یکی از وکلای مسلم الوکاله این جانب حساب کنند.

5. بعضی از دختر خانم های آموزگار، حقوق دریافتی شان را کلاً پس انداز می کنند و چون فعلاً در خانه پدر و مادر هستند احتیاجی به خرج کردن پول ندارند؛ از طرفی قصد تهیه خانه هم ندارند و فقط مقداری از این پول را جهیزیه تهیه می کنند؛ آیا این ها هم باید سال مالی داشته باشند یا خیر؟ آیا به پس انداز آن ها یا جهیزیه شان خمس و سهم امام تعلق می گیرد یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر در بین سال جهیزیه تهیه کرده باشند خمس ندارد، ولی اگر پول پس انداز نموده، باید خمس آن را بدهد.

[سؤال 10358] 5806

بسمه تعالی 1361 / 4 / 14

حضور محترم کارکنان دفتر امام خمینی، سلام عرض می کنم

از این که وقت گران بهای شما را می گیرم معذرت می خواهم؛ زیرا که مسأله ای برایم به وجود آمده و من می خواهم با شما که منبع اصلی جواب گویی مسائل شرعی هستید در میان بگذارم. خواهشمندم که این مسأله مهم شرعی مرا به حضور امام

ص: 123

عالی قدرمان برسانید و از زبان مبارک ایشان، جواب مسأله مرا بدهید.

حدود هشت سال است که ما بچه دار نمی شویم. روزی به حرم مطهر شاه عبدالعظیم رفته بودیم و بچه ای که سرش کلاه سبز گذاشته بودند دست خدام آن جا بود و ما از آن جا که بچه نداشتیم، برای رضای خدا آن بچه را گرفتیم و به خانه آوردیم. و اما بچه، پسر است و بعد از هفت روز که به خانه آورده بودیم تازه نافش افتاد و من با هزار زحمت و رنج و با شیر خشک و غذا او را بزرگ کرده ام و اینک وارد پنج سال شده است. آیا وقتی بزرگ شد، به من محرم می شود؟ و اگر نمی شود، مرا راهنمایی کنید که اگر صیغه ای باشد که ما به هم محرم شویم، به من پیشنهاد بفرمایید.

ضمناً من خواهر یکی از شهدای خونین انقلاب اسلامی هستم و روز و شب مشتاق آنم که خداوند به من سعادت عنایت کند تا به پیشگاه امام عظیم الشانمان مشرف شوم. از شما خواهشمندم که به من و خانواده ام و چند تن از دوستان اجازه بدهید و از امام وقت بگیریید تا من و خویشان به این آرزوی دیرینه خود برسیم. باور کنید از این که مشتاق دیدار امام هستم، هر شب خواب آن بزرگوار را می بینم. ای کاش هرچه زودتر رؤیای من به بیداری مبدل شود.

بسمه تعالی، فرزند خوانده محرم نیست؛ مگر آن که پس از بلوغ مادر شما اگر بلامانع باشد، به عقد او درآید تا بر شما محرم شود.

[سؤال 10359] 5807

بسمه تعالی 1362 / 2 / 25

حضور محترم رهبر کبیر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی، مدّ ظلّه

پس از تقدیم عرض سلام، سلامتی شما را از درگاه خداوند متعال خواهان و خواستارم، و امیدوارم که خداوند بر عمر و عزت شما بیفزاید.

سؤال این جانب این است که بنده مدت چندین سال است که ازدواج نموده ام و خداوند به بنده اولاد نداده است. تصمیم گرفتم که بروم از بچه های بی سرپرست بیاورم، ولی هرچه فکر کردم دیدم اگر پسر بیاورم، بر خانم، و اگر دختر بیاورم، بر

ص: 124

خودم نامحرم می باشد. از آن امام عزیز خواهش می کنم جواب این مسأله را، با خط و امضای خود مرقوم فرمایند. و در ضمن پدری دارم که صدسال از عمرش می گذرد و آرزوی دیدار شما را از نزدیک دارد، امیدوارم که این خواسته های ناقابل ما را با خط و امضای آن رهبر عزیز مرقوم بفرمایید. بیش از این که مزاحم اوقات پربهای شما نمی شوم.

بسمه تعالی، آوردن بچه بی سرپرست و تربیت او مانع ندارد، لکن همان طور که مرقوم شده، محرم نیست.

3 - قرابت زناشویی و آنچه که به آن ملحق است

محرم شدن معقوده پدر بر پسر و بالعکس

[سؤال 10360] 5808

بسمه تعالی 1362 / 1 / 7

محضر مبارک رهبر کبیر انقلاب امام عزیز و کبیرمان حضرت امام خمینی مدّ ظلّه العالی، سلام علیکم

امیدوارم سلام گرم مرا بپذیرید که ان شاء الله می پذیرید. بدین وسیله مشکل خود را مطرح می نمایم:

ما با خانواده ای رفت و آمد خیلی نزدیک داشتیم در گذشته (ولی اکنون کمتر شده) بر همین اساس خانواده مذکور دختری دارند که در آن زمان بیش از هفت یا هشت سال بیشتر نداشته و برای آن که مادر ایشان به پدر ما محرم شود صیغه محرمیت دختر مذکور را برای پدر ما خوانده اند. اکنون با گذشت هفت یا هشت سال قصد آن را داشتیم که با دختر مذکور ازدواج نمایم و با توجه به این که استخاره نمودیم (به وسیله یکی از برادران روحانی) و ایشان فرمودند هرچه زودتر باید بشود و یکی دو مرتبه هم خوابی دیدم و به وسیله یکی از برادران روحانی سپاه تعبیر شد بر این که هرچه زودتر

ص: 125

باید انجام پذیرد، بنابر این تفصیل، از آن مقام معظم تقاضا دارم که تکلیف این جانب را در مورد این مسأله روشن بنمایید.

ضمناً درخواست دارم دو دعا در حق بنده بنمایید: اول این که سعادت ملاقات شما نصیب بنده گردد. دوم این که مرگ مرا شهادت در راه خدا قرار دهد. والسلام

بسمه تعالی، اگر با نظر ولیّ شرعی دختر، عقد او با پدر شما خوانده شده محرم شما است و نمی توانید با او ازدواج نمایید.

[سؤال 10361] 294

4. چنانکه زن پدر به پسر شوهرش که از زن قبلی است محرم است. آیا مادر زن پدر نیز به این پسر محرم است؟

بسمه تعالی، محرم نیست.

[سؤال 10362] 5809

بسمه تعالی 1362 / 1 / 14

محضر مبارك آيت الله العظمى امام خميني

با سلام بر آن امام بزرگوار و با درود بر شهیدان گلگون کفن انقلاب اسلامی، متمنی است در خصوص استفتای زیر فتوای خود را مرقوم فرمایید.

برادر این جانب چند سال پیش همسری از خانواده ای اختیار نمود که فقط دارای يك خواهر می باشد پس از چندی به دلیل رفت و آمد برادرم به منزل خانواده همسر و وجود خواهر زن در منزل، پدرم برای محرمیت برادرم با خواهر زن، خواهر زن برادرم را به مدت يك ساعت صیغه شرعی محرمیت نموده و طلاق داده است و لذا ایشان اسماً به خانواده ما غیر از پدر محرم می باشد. این جانب مدت مدیدی است که در فکر ازدواج با خواهر زن برادرم می باشم متمنی است بفرمایید رابطه این جانب با خواهر زن برادرم چگونه است و آیا امکان ازدواج با ایشان می باشد؟

بسمه تعالی، در فرض مسأله ازدواج شما با او صحیح نیست.

ص: 126

بسمه تعالی

دفتر استفتائات امام خمینی رهبر کبیر انقلاب، سلام علیکم، خواهشمند است نظر حضرت امام را در مورد مسأله زیر بیان فرمایید:

دختری پدر و مادرش فوت کرده است و می خواهد با خواهر و شوهر خواهرش زندگی کند، برای این که به شوهر خواهرش مادام العمر محرم شود، آیا می تواند به مدت نیم ساعت یا يك ساعت صیغه پدر شوهر خواهرش شود؟ (صیغه فقط برای محرم شدن) یا خیر؟ سن دختر در حدود 10 سال می باشد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، مانع ندارد ولی اگر جد پدری دارد باید با اجازه او باشد و اگر ندارد خود او باید رشیده باشد و باید زوجیت را جدّاً قصد کند ولو برای این مقصد.

بسمه تعالی

دفتر امام خمینی، ضمن عرض ارادت و التماس دعا، خواهشمندم به سؤالات این جانب در موارد ذیل پاسخ دهید:

1. اگر دو خواهر فرزندان دختر خود را به عقد غیر دائم شوهران یکدیگر (صیغه چند ساعتی) در آورند، آیا پسران آن ها در آینده می توانند با دختران خاله خویش ازدواج نمایند؟ یا به طور کلی، دختر خاله با پسر خاله در این صورت، محرم یکدیگر هستند یا خیر؟

بسمه تعالی، در فرض مسأله، هیچ يك از پسر خاله ها نمی توانند با دختر خاله ای که به عقد پدرشان درآمده ازدواج کنند، ولی ازدواج با خواهران او مانع ندارد.

2. به تازگی در بین خانم ها حجابی معمول گردیده که از يك روسری گشاد، مانتوی گشاد و شلوار تشکیل گردیده؛ آیا به نظر امام با این لباس می توان نماز گزارد؟

بسمه تعالی، در حجاب، لباس خاصی معتبر نیست، هر چند پوشیدن چادر بهتر است؛ ولی باید از پوشیدن لباسی که جلب توجه نامحرم کند احتراز نمایند.

[سؤال 10365] 5812

بسمه تعالی

محضر مبارك امام امت و رهبر عظیم الشان و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی، سلام علیکم

این جانب مسأله شرعی برایم پیش آمده است که از حضور امام عزیزمان استدعا دارم که مرا مستفیض نموده و جواب آن را کتباً به این جانب ارسال نمایند.

بنده، دختر خاله ای دارم که تمایل به ازدواج با ایشان را دارم، ولی با وجود این مسأله می گویند امکان ندارد. شرح حال بدین قرار است: والدین دختر خاله ام در طفولیت ایشان در خانه ای مستأجر بوده اند. پدر ایشان و صاحبخانه برای محرمیت بین خود و همسر دیگری هر کدام دختر دیگری را برای خودش صیغه می نمایند؛ بعد از آن چون با پدر و مادر من روی يك خانه بوده اند، باز مبادرت به چنین کاری می نمایند و در سن دو سالگی دختر خاله ام و خواهرم را برای پدرم و خودشان صیغه می نمایند، بدون این که خودشان راجع به مسأله آگاهی داشته باشند و یا همسرانشان را آگاه نمایند؛ چون فکر می کردند فقط صیغه محرمیت است و نمی دانستند که این عمل باعث می شود که هیچ کدام از افراد خانواده ما نتوانند با هم ازدواج نمایند. همچنین در سن هشت الی نه سالگی باز ایشان را برای فرد دیگری صیغه نموده اند. پدر دختر فوت نموده است و مادر من هم حال که نسبت به مسأله آگاهی یافته است، چون نمی دانسته چنین جریانی پیش می آید، اظهار نارضایتی می نماید.

بسمه تعالی، در فرض مرقوم، دختر خاله مورد نظر، نامادری شما حساب می شود و بر شما محرم است و ازدواج شما با او حرام است.

ص: 128

بسمه تعالی

با سلام خدمت رهبر کبیر انقلاب، خمینی بت شکن و با درود بر شهیدان گلگون کفن انقلابمان، غرض از مزاحمت، يك مسأله عمده فامیلی و خانوادگی است که بدین شرح می باشد:

در زمان طفولیت پدر و مادر ما، پدر بزرگ های ما با هم رفت و آمدهای زیادی داشتند و در پی این آمد و رفت ها مادر بزرگم (مادری) از لحاظ حجاب و پوشش، در سختی و ناراحتی بود و بنابراین برای رفع این ناراحتی در فکر چاره ای بودند تا این که برادرزاده پدر بزرگم (پدري) که يك روحانی بود پیشنهاد کرد: دختر کوچک خانواده مادر بزرگم را برای پدر بزرگم صیغه محرمیت بخوانند تا بدین وسیله راحت تر رفت و آمد کنند. بعدها دخترهای دیگری در خانواده مادر بزرگم به دنیا آمدند؛ همین طور مادرم؛ و آن دختر صیغه شده که هم اکنون خاله بزرگمان است ازدواج کرد و صاحب فرزندان شد و مادرم همین طور؛ و حالا بنا بر گفته های همان روحانی که پیشنهاد صیغه خواندن را کرده بود، تمام ما بچه ها با هم و دختر خاله هایمان (بچه های خاله بزرگ) محرم هستیم و همین طور نسل اندر نسل، این محرمیت محفوظ می ماند و ما موظفیم که این موضوع را به نسل های آینده نیز تذکر دهیم تا در این مورد، اشکالی از نظر فامیلی رخ ندهد. و نمونه دیگر این است که همان آقای روحانی (شوهر عمه) با ما رفت و آمد زیادی داشت و باز این مسأله برای مادرم از لحاظ حجاب، باعث ناراحتی می شد و باز طبق گذشته عمل کردند؛ بدین ترتیب که کوچک ترین دختر خانواده ما را به عنوان واسطه صیغه خواند و آن دختر که بنده باشم، به فرزندان عمه ام محرم می باشم و حالا همگی ما از حضور جناب عالی تقاضا داریم تا فتوای خود را در این مورد بفرمایید؛ و در ضمن آیا چنین چیزی می تواند صحت داشته باشد یا خیر؟ و اگر ما همه به هم محرم می باشیم، این محرمیت تا چه حدی جایز است و آیا از نظر

ص: 129

ازدواج مانعی وجود دارد یا خیر؟

تذکر: پدربزرگ ما (پدری و مادری)، همین طور مادربزرگ (مادری) و آقای روحانی همگی فوت شده اند. در ضمن از حضور امام عزیز، تقاضای يك استخاره دارم. لطفاً نتیجه استخاره، سوره و آیه های مربوط را در نامه تذکر دهید.

بسمه تعالی، هر دختری که صیغه مردی شود، آن دختر بر پدر و فرزندان آن مرد محرم است و دیگر ازدواج آنان صحیح نیست. ولی فرزندان آن دختر، بر فرزندان آن مرد محرم نیستند و ازدواج بین آنان مانع ندارد.

[سؤال 10367] 5609

2. سؤال دیگری که همیشه در جمع بچه ها مطرح است، این است که با صیغه محرمیت (با توجه به بی اشکال بودن وجه و کفین در مقابل نامحرم) تا چه اندازه باید حجاب داشت؟ آیا حتماً باید حجاب داشت؛ یعنی موی سر را پوشاند و چادر به سر کرد؟ و آیا با صیغه محرمیت، آن مردی که از صیغه محرم می شود، باز هم يك غریبه است؟ به عنوان مثال، محرم شدن به مرد با صیغه پدرش شدن به مدت کوتاه باز هم به عنوان يك غریبه است؟

بسمه تعالی، با فرض این که عقد صحیح شرعی شده، با فرزند او محرمیت حاصل شده است.

[سؤال 10368] 5814

بسمه تعالی 1358/7/1

محضر مبارك حضرت آیت الله امام خمینی، رهبر عالی قدر ایران

به عرض عالی می رسانم: پسری با دختری ازدواج می کند و قبل از تصرف و دخول به او از دنیا می رود یا کشته می شود؛ آیا پدر آن پسر که محرم دختر بوده، حال که پسرش قبل از دخول به آن دختر مرده، محرمیت او باقی است یا تمام می شود؟

بسمه تعالی، محرمیت باقی است.

ص: 130

دفتر استفتای امام

دختری را شوهر داده ام به مردی که پسر دایی شوهرم می باشد و دختری ده ساله دارم. چطور می شود که پسر دایی شوهرم با دختر ده ساله ام محرم شود به دلیل این که پسر دایی شوهرم دائم می خواهد در منزل ما، به زنش سر بزند، آیا می توانیم دختر ده ساله را به پدر داماد، صیغه چند ساعته کنیم و یا این که راه دیگری دارد خودتان راهنمایی کنید.

بسمه تعالی، اگر دختر از شوهر فعلی شما نیست، با شرایط معتبره می تواند به عقد دایی شوهر شما در آید، و محرم پسر دایی شوهر شما می شود.

[سؤال 10370] 294

3. در ازدواج دختر - اعم از دائم یا موقت - مادر دختر به داماد محرم می شود، چه آمیزش حاصل شده باشد یا نه. آیا همین دختر به پدر شوهرش - در صورت عدم آمیزش و جدایی از شوهر - محرم است یا خیر؟

بسمه تعالی، محرم است.

[سؤال 10371] 5816

بسمه تعالی 1362 / 2 / 20

خدمت رهبر عالی قدر، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، با سلام، سلامتی و طول عمر آن بزرگوار را از خداوند متعال خواستارم، غرض از مزاحمت این بود که اخیراً مشکلی برای این جانب پیش آمده است که خواستار راهنمایی می باشم:

مدتی است که تصمیم گرفته ام با دخترخاله ام ازدواج نمایم و لیکن با يك مشکلی برخورد نموده ام؛ چون پدر بزرگ من که او نیز روحانی می باشد و در شهرستان زندگی می کند، هنگامی که دختر خاله ام بچه بوده، او را به صیغه خود در آورده تا با مادر بچه

ص: 131

که خاله ام باشد محرم بشود و پس از چند ساعت، صیغه را فسخ نموده است و این برای من مسأله ای به وجود آورده که آیا دختر خاله ام با من محرم می شود یا خیر؟ در ضمن، کسانی که شاهد بر قضیه بوده اند - به جز يك نفر - می گویند: ما نمی دانیم کدام دختر خاله ات به صیغه پدر بزرگ درآمد؛ آیا آن کسی که من می خواهم یا خواهران دیگرش. لذا از آن مقام و مرجع تقلید، تقاضای راهنمایی دارم. والسلام

بسمه تعالی، اگر معلوم است که با کدام يك از دختر خاله عقد برای محرمیت خوانده شده، با همان دختر خاله محرم هستید و نمی توانید با او ازدواج کنید؛ و اگر معلوم نیست که عقد با کدام يك بوده، با هیچ کدام از آن ها نمی توانید ازدواج کنید، ولی با هیچ کدام محرم نیستید.

[سؤال 10372] 5817

بسمه تعالی 17 / 10 / 1358

پس از عرض سلام، امیدوارم حالتان خوب باشد و با این همه گرفتاری که دارید، وقت جواب دادن به نامه این حقیر را نیز داشته باشید.

مسأله ای برایم پیش آمده که بستگی تام به زندگی من و او دارد.

علاقه ای شدید بین من و دختر خاله ام به وجود آمده و سه یا چهار سالی است که ادامه دارد، و اسم آن را می توان عشق گذاشت، ولی مسأله ای مانع ازدواج من و او می شود. هنگامی که او دختر بچه ای بیش نبوده، به وسیله پدر بزرگم که هم اکنون فوت کرده، و به ولایت پدرش، صیغه پدرم شده و بلافاصله همان موقع صیغه را پس می خوانند. این عمل گویا به خاطر این بوده است که خاله ام که مادر او می شود، به پدرم تقریباً محرم شود و چون در يك منزل زندگی می کرده اند، او نخواهد رو بگیرد و از این حرف ها... حال می گویند این صیغه جاری شده، مانع ازدواج من و اوست. اگر جواب مرا هرچه زودتر بدهید، خیلی متشکر می شوم.

بسمه تعالی، در فرض مذکور، محرمیت حاصل است و نمی توانید با هم ازدواج کنید.

ص: 132

محضر مبارك وليّ فقيه، امام امت، حضرت آيت الله العظمى آقاى خمينى، مدّ ظله، با تقدیم سلام و دعاگویی

پسری دارم که متأهل شده است. آیا عروس بنده به پدر خانم بنده محرم می شود یا خیر؟ مستدعی است جواب را به آدرس ذیل مرقوماً و ممهوراً ارسال فرمایید.

بسمه تعالی، اگر خانم شما مادر داماد است، پدر خانم شما با عروس شما محرم هستند.

محضر مبارك امام الامة، زعيم الملة، حضرت آيت الله العظمى امام خمينى، دام ظله

محترماً چه می فرمایید در این مسأله: جدّه دختر صغیره از طرف جدّ او به عاقد عالم به شرایط صحت عقد می گوید: نوه مرا برای زید صیغه محرمیت بخوانید در غیاب زید؛ در صورتی که زید غایب، و جدّ و جدّه عالم به شرایط صحت عقد نبوده و نمی باشند و حتی از تعیین مهریه و بذل مدت صحبت نشده، و مدت ها زید و جدّه طفل صغیر و مادر او به علم محرم بودن، از یکدیگر پرهیزی نداشته و فعلاً که مدت ها گذشته این دختر کبیر شده و با پسر زید می خواهد ازدواج کند، متمنی است در ذیل نامه مرقوم فرمایید صیغه محرمیت صحیح بوده است یا خیر؟ والسلام علیکم

بسمه تعالی، در فرض مرقوم، عقد محکوم به صحت است و ازدواج دختر مشاؤالیهها با پسر زید جایز نیست.

2. عروسی که شوهرش شهید شده، تا چه مدت با پدر شوهرش محرم است. این مسأله بعد از ازدواج وی چه صورتی دارد؟

بسمه تعالی، پدر شوهر با عروس همیشه محرم است.

تهران، دفتر محترم حضرت امام خمینی، دام ظلّه العالی، سلام علیکم، مسأله شرعی ای پیش آمده؛ لطفاً جواب مرقوم نمایید.

دو مرد، شوهر دو خواهر هستند، یکی از آن ها دختر دیگری را با اجازه پدر دختر و همسرش که خاله دختر است، در سن دو سالگی برای محرم شدن خواهر همسرش به مدت ده سال متعه می نماید. (هدف مدت متعه، برای قابل شدن دختر برای تمتع بوده، ولی هیچ گونه تمتعی انجام نشده) پس از گذشتن زمان متعه، آیا پسر مرد مُتَمَتَّع می تواند با این دختر که حالا بیست ساله است ازدواج نماید یا نامادری پسر محسوب می شود؟ اگر امام فتوایی دارند با ذکر فتوا جواب مرقوم نمایید.

خداوند بر عمر و سلامت و عزت آن رهبر عظیم و مرجع تقلید شیعیان جهان بیفزاید، ان شاء الله.

بسمه تعالی، نمی توانند با هم ازدواج کنند.

2. دامادهای شوهرم آیا به من محرم هستند یا نه؟

بسمه تعالی، محرم نیستند.

محرم شدن مادر دختر معقوده

3. با صیغه انقطاعی چند ساعت و یا چند روز با دختر 2 ساله با مادر آن دختر محرمیتی حاصل می شود که نتوان آن مادر را ازدواج کرد یا نه؟

بسمه تعالی، اگر با شرایط عقد شده با مادر معقوده محرمیت حاصل می شود هر چند مدت کم باشد.

بسمه تعالی

آیا بعد از طلاق دادن زن موقت یا دائم، مادر زن باز هم با داماد محرم می باشد یا خیر؟
بسمه تعالی، ازدواج موقت طلاق ندارد و مادر زن با داماد محرم است حتی بعد از جدایی.

[سؤال 10380] 2294

2. مسأله صیغه محرمیت بین نمازخوان ها غالباً رواج دارد و یکی از زنان مؤمن با داشتن شوهر، برای محرم شدن بچه کوچک خود را به مرد جوانی صیغه کرده و خود که زن جوانی است به آن مرد جوان محرم گردیده، به طوری که کاملاً با روی باز روبه روی این آقا می نشیند.
آیا این عمل شرعی است؟

بسمه تعالی، اگر متصدی عقد، پدر یا جد پدری صغیره باشد و با شرایط عقد شود، محرمیت می آورد.

[سؤال 10381] 5822

بسمه تعالی 5 / 11 / 1361

حضور محترم حضرت آیت الله امام خمینی، رهبر عالی قدر مستضعفین جهان

در جلد سوم رساله نوین، صفحه 82، محارم سببی چنین نوشته شده است: «مسأله 1: این که معمول شده که برای محرم شدن با زنی، دختر کوچولویش را برای یکی - دو ساعت عقد موقت می کنند، خالی از اشکال نیست؛ به جهت این که در صحت چنین عقدی اشکال است».

آیا بنا بر این که تنها اجرای عقد برای محرمیت کافی نیست. اکنون من می توانم با دختر خاله خود که در پنج سالگی برای محرمیت به عقد موقت يك ساعت پدرم درآمده، ازدواج نمایم؟

ص: 135

بسمه تعالی، نمی توانید با او ازدواج کنید و آنچه از رساله ذکر شده نقل کردید صحیح نیست.

[سؤال 10382] 5823

بسمه تعالی 1360 / 3 / 25

محضر مبارك رهبر كبير انقلاب، امام خمینی، دامت برکاته

محترماً معروض می دارد: پدری دختر يك ساله خود را به عقد موقت فردی درمی آورد و صرفاً غرض این است که خانمش محرم آن مرد بشود؛ آیا این محرمیت حاصل می شود یا نه؟

بسمه تعالی، اگر این عمل به صلاح دختر باشد صحیح است و محرم می شوند.

[سؤال 10383] 7135

4. دختر صغیره ای را که جهت محرمیت عقد می کنند آیا باید مقداری از سن بلوغ را هم در عقد بیاورند یا اگر صرفاً دختر يك ساله را چند ماهه عقد کنند محرمیت حاصل می شود؟

بسمه تعالی، با قصد جدی تحقق ازدواج در هر سنی باشد صحیح است.

محرم شدن دختر زن معقوده

[سؤال 10384] 155

2. دختر پسر زن و زن پسر زن به انسان محرم است یا خیر؟

بسمه تعالی، دختر پسر زن محرم است ولی زن پسر زن محرم نیست.

[سؤال 10385] 1347

2. بنده همسری اختیار کرده ام که زن پدر دارد، آن زن پدر يك مادر مسن و يك دختر 14 ساله دارد، اشتباه ما این بود که در موقع عقد، يك ساعت قبل از آن فراموش

ص: 136

کردیم که آن دختر را صیغه بخوانیم که مادرش به من محرم شود، لذا به همان صورت نامحرم ماندیم که این مسأله باعث می شود که من با آن خانواده نتوانم صمیمی باشم، می خواستم بدانم اگر راهی وجود دارد که بنده به زن پدر همسرم محرم شوم لطفاً راهنمایی کنید.

بسمه تعالی، می توانید با عقد کردن مادر او با زن پدر همسر محرم شوید و تا وقتی عقد باقی است با او محرم هستید؛ مگر این که دخول با مادر او محقق شود که در این صورت بعد از مدت عقد هم محرمیت باقی است.

[سؤال 10386] 5824

بسمه تعالی 16 / 12 / 1361

با سلام و درود به امام امت و امت شهیدپرور و سلام به مسؤل محترم دفتر امام، مسأله ای برای ما پیش آمده که از حضورتان تقاضای جواب را داریم و آن مسأله این است:

بیست سال پیش خانواده ای پسر بچه يك ماهه ای را از خانواده ای جهت نگهداری تحویل گرفتند که همسر شخص تحویل گیرنده، به آن پسر بچه شیرهم نداده که مادر رضاعی او به حساب آید و حالا سرپرست خانواده فوت نموده و آن پسر بچه يك ماهه حالا بیست ساله شده است. آیا از نظر شرعی پسر بیست ساله با خانم شخص مرحوم می تواند زندگی کند یا نه؛ یعنی برای آن خانم محرم هست یا نامحرم؟ جهت این که مسأله و مشکلی از نظر محرم بودن پیش نیاید، مادر زن را صیغه بچه کرده بودند که او هم حالا مرحوم شده است. از شما خواهشمند است جواب مسأله را برای ما ارسال فرمایید و بیان نمایید این که آیا از نظر شرعی راه حلی برای این مشکل هست یا نه؟
والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، اگر مدت صیغه، گذشته و دخول به مادر زن ذکر شده هم نشده است، محرم نیستند.

ص: 137

2. زنی دختری دارد؛ مردی زن را به عقد ازدواج خود در می آورد و پس از مدتی زن را یا طلاق می دهد و یا آن که زن از دنیا می رود. در این موقع مرد، دختر آن زن - که از شوهر قبل بوده است - را به عقد خود در می آورد و زندگی را با وی ادامه می دهد. آیا چنین عقدی درست است؟

بسمه تعالی، اگر دخول به مادر شده، جایز نیست دختر او را عقد کند و ازدواج با دختر او باطل است.

زنا، آثار و توابع آن

بسمه تعالی

با عرض سلام، از دفتر امام خمینی، رهبر عالی قدر تقاضا می کنم به دو مسأله شرعی زیر جواب مرقوم فرمایند.

1. در رژیم گذشته، در تاریکی شب به زن شوهرداری تجاوز شده است و زن بعد از مدتی به شوهرش گفته است. حالا آن زن و شوهر چه باید بکنند که هم باعث ریختن آبروی آن ها نشود و دستور شرع را هم انجام دهند؟

بسمه تعالی، بر شوهر تکلیفی نیست و زن اگر راضی بوده، باید توبه کند و آبروی خود را حفظ کنند.

2. شوهری با پافشاری زنش در چند سال قبل، نطفه 35 یا 40 روزه را ساقط یا کورتاژ می کنند و بعد می فهمند که باید طلا دیه بدهند. اولاً چند مثقال طلا باید دیه بدهند؟ ثانیاً فقر مالی و گرانی طلا را چه بکنند و آیا ارفاقی درباره آن ها می کنید؟

بسمه تعالی، دیه بر مباشر سقط است و در فرض مذکور که علقه نیست دیه، 15 مثقال رایج طلا است.

از خداوند بزرگ، موفقیت و سلامتی شما را آرزومندم.

بسمه تعالی

جوانی در حال مستی با زن شوهرداری زنا کرده، فعلاً آن زن از شوهرش جدا شده و عده اش تمام است. آیا آن جوان حالا می تواند با آن زن ازدواج کند؟ در صورتی که در حال مجامعت عالم نبوده که این عمل موجب حرمت ابدی است. لطفاً جواب مسأله را مرحمت فرمایید.

بسمه تعالی، حرمت ابدیه ثابت است.

بسمه تعالی 3 / 8 / 1358

محضر مبارك حضرت آيت الله العظمى امام خمينى مد ظله

1. اگر برادر مردی یا یکی دیگر از اقوام نزدیک با زن برادرش (نعوذ بالله) زناى محصنه کند آیا آن زن به برادرش حرام نمی شود؟ همچنین زنا به وسیله سایر اقوام مرد یا زن؟

بسمه تعالی، زنا باعث حرمت زن به شوهرش نمی شود.

2. در توضیح المسائل مسأله 2406 آمده است که: «اگر با مادر یا خواهر یا دختر کسی ازدواج نماید و بعد از ازدواج، با آن شخص لواط کند، آن ها بر او حرام نمی شوند». آیا اگر بعد از این ازدواج طلاقى پیش آمد، در عده می شود رجوع کرد؟ اگر عده گذشت، می شود عقد مجدد کرد؟

بسمه تعالی، در فرض مذکور، رجوع و عقد مانع ندارد.

3. پیرو مسأله قبل اگر - نعوذ بالله - لواط با برادر زن بعد از طلاق یعنی در عده انجام شد باز می توان رجوع کرد؟ و اگر بعد از گذشتن عده، با برادر آن زن، لواط شد، می شود عقد مجدد کرد یا خیر؟

بسمه تعالی، رجوع مانع ندارد؛ ولی در صورتی که لواط بعد از عده بوده، حرمت ابدیه ثابت می شود.

4. پیرو مسأله يك، اگر نعوذبالله مردی با شخصی لواط کرده و آن شخص، با زن لواط کننده زنا کند، آن زن به شوهرش حرام نمی شود؟

بسمه تعالی، گذشت که زنا باعث حرمت زن بر شوهرش نمی شود.

5. متعه دختر بالغه رشیده بدون اجازه پدرش چه صورتی دارد؟ آیا عقد به عمل می آید یا نه؟

بسمه تعالی، صحیح نیست.

6. متعه دختر نابالغ که رشیده هم نباشد، بدون اذن ولی شرعی او چه صورتی دارد؟ آیا عقد به عمل می آید یا نه؟

بسمه تعالی، باطل است.

7. متعه دختر نابالغ که رشیده هم نباشد بدون اذن ولی او چه صورتی دارد؟ آیا عقد به عمل می آید؟ و اگر دخول واقع شد، ولی افضاء

نشد، آیا حرام ابدی نمی شود؟

بسمه تعالی، عقد باطل است و حرام ابدی نمی شوند.

8. اگر در عقد شرط شده باشد که اگر مرد زن دیگری بگیرد، اجازه طلاق به دست زن است، [آیا] مرد می تواند زن دیگری بگیرد ولی به

زن خودش اطلاع ندهد؟ یا می تواند صیغه کند و به زنش اطلاع ندهد؟

بسمه تعالی، مانع ندارد

[سؤال 10393] 5828

بسمه تعالی

محضر مبارك حضرت مستطاب آیت الله العظمی امام خمینی، دام ظلّه العالی

با تقدیم عرض سلام

فدوی در زمان طاغوت مثل سایر جوان ها چون مسائل حیات بخش اسلامی برای بنده مطرح و توجیه نشده بود، تحت تأثیر هوای نفس و فریب شیطان، با يك خانم شوهردار روابط نامشروع پیدا کرده بودم؛ آن خانم از شوهر خود طلاق گرفت و من با این که حق ازدواج با او را نداشتم، با او ازدواج کرده و چندین سال را با او به سر برده که حاصل از این ازدواج نامشروع، يك طفل به سن دو سال و نیم است؛ اکنون که به

کتاب احکام اسلامی و فتوای حضرت عالی توجه پیدا کرده و در جریان واقع شده ام، اطلاع یافته ام که قطع نظر از حرمت آن روابط، ازدواج بنده با ایشان شرعی نبوده و فعلاً نیز به سر بردن بنده با او نامشروع است؛ این موضوع را با خانم مذکوره در میان گذاشته ام و حرمت و نامشروع بودن این زیستن را به ایشان تذکر داده ام؛ او معتقد است تا از حضرت امام دستخطی صادر نشود که این ازدواج حرام است، حاضر به انفصال و جدایی نمی شوم. اینک حقیقت موضوع به عرض حضور مبارک می رسد؛ استدعا دارم ذیلاً حکم این موضوع را صادر فرمایید تا مورد اطاعت و عمل طرفین قرار گیرد. در ضمن، این جانب حاضریم برای تأمین آینده زندگانی آن خانم و بچه، یک دستگاه خانه که دارم تملیک بچه و مادرش نمایم؛ گرچه آن خانم کارمند دولت و حقوق بگیر نیز می باشد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، زنا با زن شوهردار موجب حرمت ابدیه است؛ بنابراین این ازدواج زانی با آن زن باطل است و باید از هم جدا شوند؛ و با جهل به مسأله، بچه حکم ولد حلال را دارد.

[سؤال 10394] 339

3. اگر مردی، اول با زن شوهردار زنا کند - در حالی که خواهر شوهر آن زن هم در منزلش می باشد - و بعد در زمان طاعت، کار به دادگاه بکشد و دادگاه، زن زناکار را مجبور کند به طلاق، مردی که با آن زنا کرده، مدتی باز با آن زنا کند و بعد آن را عقد کند، آیا حکمش چیست؟ بچه آن ها چه می شود؟ آیا قانون می تواند درباره این شخص، حکم اجرا کند؟ آیا می شود منزلش رفت؟ نماز هم نمی خواند.

بسمه تعالی، زنا با زن شوهردار، موجب حرمت ابدی آن زن بر زانی می شود و بعد از طلاق شوهر، ازدواج آن ها با هم باطل است؛ و در صورت اعتقاد [به] صحت عقد، بچه ها حکم ولد حلال را دارند.

ص: 141

بسمه تعالی

حضرت امام دو مسأله در نظر است. با نظر لطف پاسخ دهید.

1. اگر زن و مردی از احکام دین، بی اطلاع و جاهل باشند و وقتی زن در عده طلاق رجعی است، با هم زنا کنند و بعد از انقضای مدت عده، با هم ازدواج نمایند و بعداً بفهمند که زنا در طلاق رجعی باعث حرمت می شود، آیا اینان باید از هم جدا شوند، در صورتی که هر دو بازگشت و توبه نموده اند و فرائض دینی را انجام می دهند؟

2. اگر زنی به شوهرش بگوید: مهرم حلال و گردنم آزاد و شوهر را ترك کند، اما قبل از قرائت صیغه طلاق، زنا بدهد و بعد از طلاق و انقضای مدت عده، با مرد زانی ازدواج نماید و هر دو نیز از حرمت ابدی بی اطلاع باشند و در موقع ارتکاب جرم نیز جاهل باشند و بعداً نیز توبه نمایند، آیا اینان باید عقدشان را به هم بزنند و کانون خانوادگی خود را از هم بپاشند؟ لطفاً به این سؤالات جواب بدهید.

بسمه تعالی، در هر دو مسأله، بر یکدیگر حرام ابدی هستند و باید فوراً از هم جدا شوند و نیازی به طلاق ندارد.

[سؤال 10396] 5453

6. با توجه به این که در رساله آن حضرت ذکر شده که اگر کسی با زنی غیر خاله و عمه نزدیکی کند دختر آن زن بر او حرام می باشد (عقد باطل می باشد)، تکلیف کسی که از چنین جریانی اطلاع دارد که فردی ضمن انجام آن عمل با زنی با دخترش ازدواج کرده است، چیست؟ با توجه به این که ممکن است در صورت گفتن به نزاع بکشد.

بسمه تعالی، تکلیفی ندارد.

[سؤال 10397] 5830

بسمه تعالی 1361 / 12 / 15

حضور محترم کلیه برادران حاضر در دفتر بت شکن زمان، خمینی کبیر، برای من

ص: 142

روشن نمایید که منظور امام از مسأله 2395 چیست؟

مسأله 2395 - اگر با دختر عمه یا دختر خاله خود ازدواج نماید و پیش از آن که با آنان نزدیکی کند با مادرشان زنا نماید عقد آنان اشکال ندارد.

از خداوند بزرگ، موفقیت و سلامتی شما را آرزومندم.

بسمه تعالی، مقصود در این مسأله این است که اگر عقدی صحیح واقع شد و بعد از آن عمل حرامی انجام شد آن عمل موجب بطلان عقد صحیح نمی شود.

[سؤال 10398] 5831

بسمه تعالی

در توضیح المسائل ستون زن هایی که ازدواج با آنان حرام است مسأله 2396 مطرح شده، ولی در این قسمت در مورد این که اگر يك کسی ندانسته چنین کاری را انجام بدهد و از آن ها هم بچه هایی به وجود بیاید و عمل طلاق هم صورت گرفته باشد و در این صورت مسأله به چه صورت است آیا بچه های این پدر حلال هستند یا حرام و گناه این بچه ها چیست و چون این مسأله برایم خیلی مهم است در شهرمان به يك روحانی مراجعه کردم و سؤالم را مطرح کردم در پاسخ گفتند گناهی است که پدر کرده و پسر او مقصر نیست و همچنین از طریق تلفن با این دفتر تماس گرفتم در پاسخ فرمودند که چون ندانسته این کار را کرده پس بچه های او زنازاده نیستند ولی چون من می خواهم با پسر او ازدواج کنم و موضوع حلال یا حرامی است می خواهم بدانم آیا این پسر با این مشخصات زنازاده است جواب ها مراقانع نکرده اند از حضور شما تقاضا دارم جواب کامل مرا به آدرس زیر بفرستید.

در پایان پیروزی کامل اسلام و مسلمین و سلامتی امام را از خداوند متعال خواستارم.

بسمه تعالی، زنازاده نیست و ازدواج با او اشکال ندارد.

ص: 143

بسمه تعالی

سراغ دارم که از روی نادانی و در زمان طاغوت شخصی دختر زنی را که با او جماع کرده است به همسری انتخاب کرده و الآن دارای فرزند هم هست آیا همچنان مسأله ای چه باید بشود آیا باید زن را طلاق داد و مدتی که زنش بوده است زنا کرده است؟ این جانب سخت در فکر این مسأله هستم.

ضمناً ای امام بزرگوار هر طوری که باشد فکر مرا در حل کردن این مسأله آزاد بفرمایید زیرا مردم از من و امثال من همچنان مسأله هایی را می خواهند.

بسمه تعالی، اگر با مادر دختری زنا کند بعداً نمی تواند دختر را عقد کند و اگر عقد کند باطل است ولی چنانچه قبل از زنا با مادر دختر را عقد کند زنا بعد از عقد موجب بطلان عقد نمی شود.

بسمه تعالی 1361 / 11 / 9

با عرض سلام به پیشگاه منجی عالم بشریت، دوازدهمین پیشوای شیعیان، حضرت بقیه الله الاعظم، امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ارواحنا له الفداء. و با درود و سلام به محضر مبارك امام امت، رهبر کبیر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران به عرض می رسانم که این جانب در مسأله ای از آن مرجع تقلید مسلمین می خواستم استفتایی کنم:

1. اگر کسی (مردی) بدون زن، با زنی بیوه که شوهر ندارد (شوهر مرده) نعوذ بالله از روی ناآگاهی، عمل زنا را انجام دهند و پس از آن، پشیمان شده و در درگاه خداوند رحمان و رحیم توبه کنند و آن زن از قبل، فرزند دختری داشته باشد و پس از مدتی آن مرد بخواهد دختر آن زن را بگیرد و یا پس از آن مدت، دختر او را گرفته باشد، آیا مانعی دارد یا خیر؟

ص: 144

2. آیا درباره قبول توبه آن ها و یا برای گرفتن آن دختر باید کفاره ای بدهند یا خیر؟

بسمه تعالی، دختر کسی را که با او زنا کرده نمی تواند بگیرد و اگر گرفته باید از هم جدا شوند و بر یکدیگر حرام ابدی هستند.

[سؤال 10401] 5834

بسمه تعالی

اول سلام بر توای رهبر عالی قدر روح الله موسوی خمینی و سلام بر توای نور چشم ملت ایران، آرزوی موفقیت شما را از درگاه خداوند متعال خواستارم.

این جانب که این نامه را خدمت شما نوشتم چهارده سال قبل ازدواج کردم. وقتی که با آن دختر می خواستم ازدواج کنم، به من قول دادند که چند وقت بماند بعد ازدواج کن. بعد این ها پشیمان شدند. من هم نادان بودم با آن دختر زنا کردم. بعد راضی شدند بعداً مادر آن دختر من را گول زد با آن هم يك دفعه زنا کردم. بعد با آن دختر ازدواج کردم و الآن چهارده سال از این مسأله می گذرد. از این زن هفت دختر دارم همه آن ها در خانه هستند و زنم هم باردار است. چون قبل از انقلاب دسترسی به رساله شما نداشتم و مقلد شما بودم جاهل به مسأله بودم از آن موقع که زن گرفتم از کارهای زشت توبه کردم و بعداً خمس و زکات مالم را دادم. و همیشه وصیت نامه دارم و آن را ماه به ماه یا کمتر یا بیشتر تجدید می کنم. و حالا که رساله شما را گرفتم و مطالعه کردم؛ دیدم دیگر هیچ ندارم؛ افتادم در لجن گناه و معصیت. اول از خدا، دوم از جناب عالی راه نجاتی می خواهم.

البته لازم به ذکر است که همسر من می گوید: من رفتم پیش مادرم، مادرم قسم یاد کرد که من با شوهر شما نزدیکی نکردم.

بسمه تعالی، اگر زنای با مادر، قبل از عقد با دختر باشد، عقد باطل است و باید جدا شوند.

ص: 145

بسمه تعالی

محضر مقدس حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، دام ظلّه العالی

زنی با مردی ازدواج کرده و بعد از چند سال که فعلاً دارای بچه هستند، فهمیده اند که زوج با مادر زنش قبل از ازدواج زنا کرده و حکم را نمی دانستند. اکنون باید چه کنند؟

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، به احتیاط واجب باید از هم جدا شوند و حرام ابدی هستند.

12. مسأله ای را سؤال کردند که در رساله توضیح المسائل نیافتیم، مجبوریم از حضرت آیت الله جواب را بخواهیم؛ ان شاء الله که می بخشید و سؤال این است: اگر شخصی بعد از ازدواج و بعد از نزدیکی با همسر خود که دختر خاله و یا دختر عمه اش می باشد با مادر همسرش - یعنی با عمه اش یا خاله اش که مادر همسرش می باشد - زنا کند، آیا همسرش به خودش حرام می شود یا خیر؛ یعنی عقدشان باطل می شود یا نه، فقط مرد گناهکار است؟

بسمه تعالی، زنا بعد از عقد موجب بطلان عقد نمی شود.

بسمه تعالی

پیشگاه مبارک زعیم عالی قدر جهان تشیع حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، دام ظلّه، از پیشگاه امام خواهش می کنم به چند سؤال من پاسخ دهند:

اولین سؤال من درباره این است که: شما در رساله خودتان گفتید که پسر می تواند با دختر برادر خود و دختر با پسر برادر خود عروسی کند.

دومین سؤال من درباره این است که: شما باز گفته اید که اگر پسری با دختر عمه

خود عقد کرد، اگر به عمه خود دخول کند، هیچ اشکالی در عروسی او با دختر عمه اش نیست.

سومین سؤال من درباره این است که: شما باز گفته اید که زن به هیچ وجه بدون اجازه شوهر حق ندارد از خانه خارج شود. خواهشمندم کمی بیشتر توضیح دهید و اگر شما این ها را نگفتید بفرمایید در روزنامه آن را تکذیب کنند. تا همه مسلمانان ایران با خبر شوند. دیگر عرضی نیست.

بسمه تعالی، ازدواج پسر با دختر برادر و دختر با پسر برادر باطل است و زنای با مادر دختر، اگر قبل از عقد با دختر است موجب حرمت ابدیه و بطلان عقد است؛ ولی اگر زنا بعد از عقد باشد عقد را باطل نمی کند. و چنین نسبتی که مرقوم داشته اید صحت ندارد. و زن بدون اذن شوهر نباید از خانه خارج شود، مگر در واجبات.

[سؤال 10405] 5837

بسمه تعالی 18 / 1 / 1361

برادر مسئول و محترم، پس از تحیت و سلام و عرض تبریک بابت پیروزی رزمندگان در جبهه شوش و دزفول و فرارسیدن سال نو به شما امیدوارم که حالتان خوب باشد.

نظر به این که در رساله توضیح المسائل امام خمینی، در مسأله شماره 2395 راجع به ازدواج می گوید: «اگر با دختر عمه یا دختر خاله خود ازدواج نماید و پیش از آن که با آنان نزدیکی کند با مادرشان زنا نماید، عقد آنان اشکال ندارد»؛ من به این مسأله شك و اشکال دارم. از مسئولین محترم خواهش می کنم که این مسأله را به صورت کتبی با پست برای ما بفرستید. بار دیگر از جواب دادن به این مسأله سپاس گزارم.

بسمه تعالی، مقصود این است که عمل حرام، موجب باطل شدن عقد سابق نمی شود.

ص: 147

بسمه تعالی

دفتر مرجع تقلید شیعیان جهان، امام خمینی

ضد انقلاب شایعات و تبلیغات گسترده ای در سطح استان کهگیلویه و بویر احمد و استان خوزستان در مورد مسأله 2395 توضیح المسائل امام پخش کرده اند و می گویند: «امام در رساله گفته: هر کس با عمه و خاله خود زنا نماید، اشکال ندارد که دختر آن ها را به همسری خود چه قبل از عقد و چه بعد از عقد درآورد و در اصل امام نوشته که زنا اشکال ندارد» حرف آن ها از قول توضیح المسائل است. و این حرف به شدت در روستاها بر سر زبان است و بر روی آن بحث می شود و منجر به دعوا و گاهی اسلحه کشیدن به روی همدیگر شده است. خواهشمند است در این مورد مسأله را بازتر کنید تا در رسانه های گروهی برای عموم مردم گفته شود و ضربه دیگری را به سربازان بدون یونیفرم صدام وارد کنیم. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، منظور این است که عمل حرام، موجب باطل شدن عقد سابق نمی شود و مغرضین از هرگونه خلاف کاری کوتاهی نمی کنند.

بسمه تعالی 1361 / 1 / 24

برادران مسئول پاسخ گویی به سؤالات مذهبی دفتر امام، سلام

ضمن عرض سلام امیدوارم که حال شما و جمیع رزمندگان داخلی و خارجی اسلام خوب و در پناه صاحب الزمان محفوظ و پیروز بوده باشید.

این جانب از شما سؤالی دارم رساله توضیح المسائل امام خمینی را مطالعه می کردم رسیدم به مسأله 2395 که نوشته است اگر با دختر عمه یا دختر خاله خود ازدواج نماید و پیش از آن که با آنان نزدیکی کند با مادرشان زنا نماید عقد آنان اشکال ندارد در مسأله بعدی نوشته است اگر با زنی غیر از عمه و خاله خود زنا نماید احتیاط

واجب است با دخترشان ازدواج نکنند. سؤال: زنا کردن با عمه و خاله خود از نظر اسلام حرام است چطور عقد اشکال ندارد؟ خواهش می‌کنم به طور واضح جواب را برایم بنویسید تا من هم بتوانم به ملت این حومه بفهمانم که روی این مسأله بد تعبیر نکنند.

بسمه تعالی، منظور این است که عمل حرام موجب بطلان عقد سابق نمی‌شود.

[سؤال 10408] 5840

بسمه تعالی

پس از سلام، توفیق شما را از خداوند متعال خواهانم

غرض از مزاحمت، اشکالی است که راجع به مسأله 2395 رساله عملیه امام خمینی، برای این جانب و بعضی اشخاص پیش آمده. صورت مسأله به شرح زیر است: «اگر با دختر عمه یا دختر خاله خود ازدواج نماید و پیش از آن که با آنان نزدیکی کند بامادرشان زنا نماید، عقد آنان اشکال ندارد».

اولاً، مگر عمه یا خاله بر انسان محرم نیستند؟! اگر محرمند، زنا با آنان حرام است، چطور ممکن است عقد آنان اشکال نداشته باشد؟! و چگونه می‌شود که انسان باز آن چنان رویی داشته باشد که بعد از زنا با مادر دختر - که خاله یا عمه است - با دختر او که زنش نیز هست نزدیکی کند؟!.

بسمه تعالی، منظور این است که عقد بر دختر خاله و دختر عمه از جهت زنا با مادرشان که بعد از عقد شده، باطل نمی‌شود.

[سؤال 10409] 5841

بسمه تعالی 1361 / 10 / 28

دفتر مرجع تقلید شیعیان جهان، روح الله الموسوی الخمینی

ضمن عرض تبریک پیروزی به رهبر بزرگ اسلام و رزمندگان جبهه های جنگ

ص: 149

حق علیه باطل، به خصوص آنان که در هر لباس به کشور جمهوری اسلامی ایران خدمت می کنند.

عرض می شود: ما عشایر و کشاورزان چهارمحال و بختیاری از نظر سواد خیلی عقب هستیم. از نظر کم سواد خودمان با پاره ای از مسائل روبه رو شده ایم و خیلی هم درباره این مسأله بحث شده است و بعضی از اشخاص می گویند که این مسأله از توضیح المسائل امام نمی باشد و آن مسأله این است: مسأله 2394 می فرماید: «اگر انسان پیش از آن که دختر عمه یا دختر خاله خود را بگیرد، با مادر آنان زنا کند، دیگر نمی تواند با آنان ازدواج کند». این مسأله از نظر ما خیلی خوب و درست است. مسأله دیگر، مسأله 2395 می فرماید: «اگر با دختر عمه یا دختر خاله خود ازدواج نماید و پیش از آن که با آنان نزدیکی کند با مادرشان زنا نماید، عقد آنان اشکال ندارد». از نظر ما این مسأله، خیلی مشکل است! از مرجع تقلید تقاضا مندم که این مشکل را حل نماید و جواب صحیح زیر همین ورقه با مهر مرجع تقلید بفرستد تا بعضی از مردم به این مشکلات برخورد نکنند. اگر این مسأله از توضیح المسائل امام نیست، دستور فرمایید از کتاب حذف شود.

دعای خیر تمامی مظلومان بدرقه راه آن رهبر انقلاب و امید مستضعفان باد

بسمه تعالی، حکم همان است که از رساله نقل کرده اید و اشکال ندارد و منظور این است که عمل حرام اگر بعد از عقد واقع شده، موجب باطل شدن عقد سابق نمی شود.

[سؤال 10410] 5842

بسمه تعالی

زنی از زنا حامله شده و شخصی با آن زن به همین حال ازدواج کرده، آیا عقد او صحیح است یا خیر؟

بسمه تعالی، صحیح است.

ص: 150

بسمه تعالی

خدمت پیشوای امت مسلمان و شیعه اثنا عشر، حضرت آیت الله العظمی، رهبر عالی قدر، امام خمینی، با عرض سلام، به استحضار می رساند:

آقای دارای گرفتاری خانوادگی می باشد. ایشان قبل از ازدواج در این خانواده با خواهر اولی رابطه نامشروع برقرار کرد. خواهر اولی، شوهر کرد و او با خواهر دومی نیز رابطه دوستی برقرار کرد و بعداً به رابطه نامشروع کشیده شد. سپس با او ازدواج نموده است و فعلاً دارای یک فرزند پسر می باشد. به هم علاقه زیادی دارند. از محضر جناب عالی تقاضای راهنمایی را دارند که آیا این ازدواج شرعی است و می توانند ادامه زندگی دهند؟

بسمه تعالی، ازدواج صحیح است.

بسمه تعالی

دفتر امام خمینی، قسمت مسائل شرعی، با درود فراوان به رهبر کبیر انقلاب و شهیدان راه حق و کلیه رزمندگان سپاه اسلام

من زنی هستم که پس از طلاق از شوهر اولم پس از چندین سال با آقای آشنا شدم و از روی ناآگاهی و نادانی با مرد مزبور عمل زنا انجام دادم و پس از مدتی به عقد همین مرد در آمدم و صاحب سه فرزند می باشم. خواهش می کنم مرا از نظر شرعی راهنمایی فرمایید تا از این عذاب الهی که مرا عذاب می دهد نجات پیدا کنم. و ضمناً جواب بدهید که آیا عقد به هم می خورد و ما برای یکدیگر حرام می شویم یا نه؟

بسمه تعالی، در فرض سؤال، شما بر آن مرد حرام نشدید و ازدواج مذکور محکوم به صحت است.

[سؤال 10413] 5845

بسمه تعالی

سلام و درود به رهبر کبیر انقلاب امام خمینی، دامت بقیانه

پس از عرض سلام، سؤال من راجع به مسأله ای است که در جلد سوم رساله نوین در مورد محارم سببی آمده است و طبق آن خواهر زن و شوهر خواهر تا در همسریت یکدیگر قرار دارند محرم می شوند گویا در مورد این مسأله فتوای تازه ای داده شده است. عده ای می گویند که خواهر زن محرم است حتی مو و بدن او را ببینند. و عده ای می گویند که نامحرم است و این اشتباه شده است. لذا حقیر جواب آن را به طور واضح خواستارم که خواهر زن و همچنین شوهر خواهر محرمند که مو و بدن زن را نگاه کنند یا خیر؟

بسمه تعالی، خواهر زن محرم نیست.

[سؤال 10414] 5846

بسمه تعالی

خدمت پدر بزرگوارم سلام، با سلام به رهروان راه الله و با درود بر شهیدان به خون خفته. پس از عرض سلام سلامتی شما را از درگاه خداوند متان خواهانم.

پدر جان، ان شاء الله که این نامه به دست شما برسد تا هرچه زودتر به حرف ما رسیدگی کنی. پدر جان، من دختری هستم 17 ساله، از شما يك سؤال دارم و ان شاء الله به سؤال ما رسیدگی و پاسخ خواهی داد. پدر در رساله دوم خانواده در یکی از صفحات این رساله شما درباره محارم نوشته بودید که شوهر خواهر با خواهر زن خود محرم است تا مدتی که خواهر بمیرد و بعد خواهر زن با شوهر خواهر نامحرم می شود. سؤال این است که آیا این مطلب صحیح است یا نه؟

ص: 152

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار، خدایا خدایا رزمندگان ما را نصرت و یاری فرما

بسمه تعالی، محرم نیستند و آنچه در رساله مرقوم در این جهت نوشته شده صحیح نیست.

[سؤال 10415] 5847

بسمه تعالی

خدمت برادران مسئول در دفتر رهبر کبیر انقلاب و مرجع عالی قدر عالم تشیع، سلام علیکم، ما برادران شما در جبهه غرب، شبی در حال تفحص کتاب رساله نونین جلد سوم (مسائل خانواده) در صفحه 82 در بند 5 از محارم سببی دچار اشکال و اختلاف عقیده شدیم، لذا بهتر دیدیم که از شما عزیزان یاری طلبیده و پرسیم که: آیا خواهر زن محرم است؟ آیا شوهر خواهر محرم است؟ خواهشمند است به طور واضح و روشن توضیح فرمایید.

بسمه تعالی، خواهر زن و شوهر خواهر محرم نیستند و باید حجاب واجب اسلامی در این دو مورد نیز مانند سایر موارد مواجهه با نامحرم مراعات شود.

[سؤال 10416] 5848

بسمه تعالی 1361 / 10 / 23

با سلام و درود بیکران بر برادران حزب اللهی و با درودی که از ته قلبم برمی خیزد خدمت پیرجماران، خمینی بزرگ

غرض از مزاحمت، سؤالی است که مدتی برای من مطرح شده و آن سؤال، راجع به محرمیت می باشد: مسلم است که من طبق مسأله 2390 رساله حضرت عالی نمی توانم تا زمانی که خواهرم در قید حیات است به عقد شوهر خواهرم درآیم. آیا در مورد حجاب هم شوهر خواهرم به من محرم است یا نه؟ و آیا اگر من با لباس مرتب

ص: 153

و پوشیده، فقط بدون روسری و چادر نزد شوهر خواهرم - که البته همه خانواده آن را به عنوان برادر بزرگمان قبول داریم - حاضر شوم،
دچار گناه در بارگاه الهی می شوم یا نه؟

از این که جواب مرا بدهید و مرا از این نگرانی راحت سازید، صمیمانه سپاس گزارم. به امید سلامتی و راحتی و طول عمر برای امام امت و
همه امت حزب الله

بسمه تعالی، شوهر خواهر نامحرم است مثل سایر نامحرم ها و باید رعایت حجاب شرعی نسبت به او بشود.

[سؤال 10417] 3302

2. آیا نگاه نمودن به خواهر زن بالغه که هنوز شوهر ننموده است، حلال است؟

بسمه تعالی، خواهر زن نامحرم است.

[سؤال 10418] 5849

بسمه تعالی 1 / 10 / 1361

دفتر امام خمینی، قسمت استفتائات

با درود فراوان به رهبر کبیر انقلاب اسلامی، امام خمینی و سلام به تمامی رزمندگان اسلام در کلیه جبهه های نبرد حق علیه باطل و با
درود فراوان به روان پاک شهیدان انقلاب اسلامی ایران و با درود و سلام به کلیه مسئولین جمهوری اسلامی ایران و شما برادران عزیز که در
راه ترویج دین انسان ساز اسلام کوشش می کنید و امیدوارم که موفق باشید.

برادر عزیز! من يك سؤال دارم و این سؤال را با عدة زیادی از افراد در میان گذاشته ام ولی به نتیجه نرسیده ام. سؤال این است: اگر من با
دختری ازدواج کردم، آیا خواهران این دختر هم به من محرم می شوند یا نه؛ یعنی خواهر زن به شوهر خواهر محرم است یا نه؟ طبق فتوای
امام خمینی پاسخ دهید.

بسمه تعالی، خواهر زن محرم نیست.

ص: 154

مسئولین محترم پاسخ به نامه های واصله به دفتر امام، مدّ ظلّه العالی

با درود بی حد و حصر به رهبر کبیر انقلاب و به امید پیروزی حق بر کلیه جبهه های باطل و با درود بر شما مسئولین متعهد و همچنین درود بر رزمندگان اسلام

برادران ارجمند! تقاضا می شود در صورت امکان، به يك سؤال تقریباً ابهام برانگیز از نظر این جانب پاسخ فرمایید.

1. آیا خواهر زن در صورت حیات داشتن خواهر بر داماد محرم می باشد؟

بسمه تعالی، محرم نیستند.

[سؤال 10420]

2. آیا داماد می تواند با خواهرزن خود ازدواج نماید؟ (داماد: شوهر خواهر). اگر نمی تواند دلیلش چیست؟

بسمه تعالی، جمع بین دو خواهر در ازدواج صحیح نیست.

[سؤال 10421] 5851

بسمه تعالی 1361 / 11 / 5

محضر محترم دفتر حضرت امام خمینی، با سلام و درود بر امام خمینی، برای این جانب مسأله ای پیش آمده است، که صحیح دانستم با آن دفتر تماس گرفته و پاسخ صحیح و فتوای دقیق امام را دریافت نمایم.

آیا نگاه کردن مرد به موی خواهر زنش، تا وقتی خواهر دیگر همسر او است، در صورتی که روسری سرش است، اما یا کنار می رود، یا مقداری از مویش دیده می شود، جایز است یا خیر (محرم موقت)؟ خواهشمندم توضیحات لازم را مبذول دارید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، جایز نیست.

بسمه تعالی

بعد از طلاق و جدایی از زن اول که در عقد دائم بوده، پس از چه مدّت می توان با خواهر او ازدواج نمود؟

بسمه تعالی، اگر طلاق بائن است بعد از طلاق، و اگر رجعی است بعد از گذشتن ایّام عدّه.

لواط، آثار و نوابع آن

بسمه تعالی 17 / 12 / 1361

خدمت برادر محترم سلام

اگر کسی با هم جنس خود عمل لواط انجام داده باشد، البته در دوران کودکی از حدود نه یا ده سالگی و اکنون بخواهد با خواهر، مادر یا دختر آن شخص ازدواج کند آیا می تواند، یا این که برای او حرام ابدی است؟ چون که مقلد امام هستم می خواستم از آن مرجع تقلید کسب تکلیف کنم.

بسمه تعالی، اگر دخول واقع شده ولو به کمتر از ختنه گاه خواهر و مادر و دختر مفعول بر فاعل حرام ابدی است.

بسمه تعالی

اگر دو پسر بچّه در حدود هشت تا ده ساله مثلاً با هم جمع شوند و بعداً فاعل، خواهر مفعول را بگیرد و قبلاً مقلد یکی از مراجع بوده و ایشان جایز می داند اگر به حد تکلیف نرسد، می تواند با خواهر مفعول ازدواج کند و همچو مسأله ای واقع شده و ازدواج کرده و اما حال از آن مجتهد برگشته و مقلد امام شده، آیا باید زنش را طلاق بدهد؟ نظر به این که امام در رساله خودشان می فرماید که حتی اگر دو پسر بچّه هم این

کار را انجام دهند، نمی تواند با خواهر مفعول ازدواج کند، تکلیف این شخص چیست؟ آیا باید جدا شود یا نه؟ والسلام علیکم

بسمه تعالی، اگر معلوم است که دخول، محقق شده، خواهر مفعول بر فاعل حرام است و طلاق ندارد.

[سؤال 10425] 5855

بسمه تعالی

حضور محترم حضرت آقای حاج سید روح الله الموسوی الخمینی

پس از عرض سلام، خواهشمندم به سؤال زیر جواب بفرمایید؛ شخصی بالغ با شخصی بالغ عمل لواط انجام داده و بعد از ده سال چون مسأله را نمی دانسته اند لواط کننده با خواهر لواط دهنده ازدواج کرده و اکنون که دو فرزند دارند، مسأله را دانسته اند؛ تکلیف چیست؟ آیا عقد صحیح است یا خیر؟ و آیا لواط کننده لازم است برای پاك سازی خود را به امام و یا حاکم شرع معرفی بکند که حد لازم را بر او جاری بکنند یا بین خود و خدایش توبه بکند کافی است؟

بسمه تعالی، عقد باطل است و معرفی لازم نیست و اولاد حکم حلال را دارد.

[سؤال 10426] 5856

بسمه تعالی 1361 / 11 / 30

سلام به رهبرمان امام خمینی، امیدوارم که همیشه سلامت باشید و از خداوند می خواهم که شما را برای ما نگهدارد؛ آمین یا رب العالمین.

من سؤالی از شما دارم که کتبی می نویسم و از شما هم می خواهم که جوابم را هرچه زودتر کتبی بدهید. سؤال من این است که هفت سال پیش ازدواج کردم و بعد از دو سال شوهرم به من گفت که طبق رساله و مسأله 2405 ما بر هم حرام هستیم و نمی بایست ازدواج می کردیم و الآن هم باید هرچه زودتر از هم جدا شویم؛ چون من

ص: 157

در سن پانزده سالگی با برادرت لواط کرده و نمی دانستم که نباید با تو ازدواج کنم و حال باید بگذاری تا بچه مان بزرگ شود و بعد من و تو از هم جدا شویم.

ای امام! به جز جدایی راهی برای ما نیست؟ برای شما نوشتم تا جوابم را بدهی و اطمینان کامل داشته باشم و بعد جدا شوم. ما الآن سه بچه داریم. یک دختر 5 ساله و دو پسر دو قلوی سه ساله. خواهش می کنم جواب را هرچه زودتر بنویسید و ما را راهنمایی کنید. متشکرم، اگر بد نوشته ام به خوبی خودتان ببخشید.

بسمه تعالی، اگر آنچه نوشته اید ثابت است باید فوراً از هم جدا شوید، و نیازی به طلاق ندارد، و بر یکدیگر حرام ابدی هستید، ولی بچه ها حکم ولد حلال دارند مگر بچه هایی که بعد از علم به حرمت، نطفه آن ها منعقد شده باشد.

[سؤال 10427] 5857

بسمه تعالی

محضر حضرت آیت الله العظمی خمینی مدّ ظلّه العالی

1. بچه نابالغ که هنوز منی ندارد هر دو تا با همدیگر خدای نخواستہ لواط کنند منظور لواط نبوده بلکه بازی کردن بوده این ها که بالغ شدند می توانند خواهر همدیگر را بگیرند. شما امر بفرمایید.

بسمه تعالی، خواهر مفعول به فاعل حرام است.

2. غذایی که از حلال تهیه شده آن را در ظرف غضب شده بخورد. اشکال دارد یا ندارد؟ شما امر بفرمایید.

بسمه تعالی، غذا حلال است و تصرف در ظرف حرام است.

[سؤال 10428] 5858

بسمه تعالی 1 / 3 / 1983

محضر مبارك رهبر كبير انقلاب اسلامی جهان، امید مستضعفین جهان، خصوصاً مرجع عالی قدر شیعیان جهان، ولی فقیه، نایب الامام، حضرت آیت الله العظمی امام

ص: 158

خمینی، دام ظلّه العالی، بعد از قدم بوسی، فتوای جناب عالی را درباره این مسائل لازم داریم.

1. دو مرد بالغ مرتکب فعل لواط شده اند، ولی مقدار حشفه دخول نشده؛ آیا در این صورت فاعل می تواند خواهر و دختر مفعول را در ازدواج بگیرد یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر دخول محقق شده، ولو به کمتر از ختنه گاه نمی تواند آن ها را بگیرد.

2. در بعضی از مناطق پاکستان رواج شده که در رکعت دوم در تشهد نماز واجبه و مستحبه بعد از شهادتین - یعنی شهادت توحید و رسالت - شهادت ثالثه یعنی شهادت «علی ولی الله» می خوانند آیا شهادت «علی امیرالمؤمنین» پس از شهادتین مستحب است یا جزء مسائل نماز نیست؟

بسمه تعالی، باید تشهد نماز به همان طور که وارد شده و متعارف است خوانده شود.

[سؤال 10429] 5859

بسمه تعالی 1361 / 9 / 25

سلام بر رهبر بزرگ اسلام، حضرت آیت الله امام خمینی

من تقریباً یازده یا دوازده ساله بودم که با پسر همسایه مان که از من کوچک تر بود لواط کردم، امیدوارم که خداوند مرا ببخشد، اکنون می خواهم با خواهر او عروسی کنم و هم من به دختر علاقه دارم و هم او به من؛ چون با هم بزرگ شده ایم و سه بار هم استخاره کردم خوب آمده حالا شما بفرمایید چه کنم؟

بسمه تعالی، اگر یقین دارید به دخول - ولو به کمتر از ختنه گاه - خواهر او بر شما حرام است و ازدواج با او باطل است؛ و در صورت شك، ازدواج محکوم به صحت است.

[سؤال 10430] 5860

بسمه تعالی

محضر مقدس امام خمینی، با درود فراوان به رهبر کبیر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی و نایب بر حق مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

ص: 159

در ایام کودکی یعنی حدود 8 الی 9 سالگی، دو تا بچه با یکدیگر لواط کرده اند و بعد از چند سال، خواهر مفعول را برای فاعل خواستگاری کرده و مدت 5 سال این دختر در گفت و گوی پسر بوده است و میان مردم و اهل قبیله دو طرف پخش شده که فلانی برای فلانی است و هنگام عقد، من از جریان ایشان اطلاع پیدا کرده و گفته ام که بر طبق مسأله 2405 از رساله امام، این دختر بر شما حرام است و من تا اندازه ای مانع کار ایشان شده ام.

خواهشمندم هرچه زودتر جواب مسأله ما را بدهید که شاید بتوانم يك قدمی در راه رضای خدا بردارم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، اگر یقین به دخول - ولو به کمتر از ختنه گاه - داشته باشند، ازدواج باطل است؛ و اگر یقین ندارند، ازدواج مانع ندارد.

[سؤال 10431] 5861

بسمه تعالی

حضور محترم دفتر استفتائات امام خمینی، ارواحنا فداه

در حدود 7 یا 8 سال پیش من با برادر دختری عمل لواط انجام داده ام؛ در آن زمان که چیزی نمی فهمیدم و نابالغ هم بودم. با توجه به مسأله 2405 و 2406 رساله امام اگر کسی شك کند که به اندازه ختنه گاه داخل شده یا نه؟ و یا در صورتی که از روی ندانستن مسأله با خواهر مفعول ازدواج بکند و بعد از ازدواج مسأله را بفهمد، آیا این دختر بر او حرام است یا خیر؟

از شما خواهشمندم این دو مسأله مهم را برای من روشن کنید به طوری که دیگر برای من شك و شبهه ای نماند.

بسمه تعالی، اگر دخول واقع شده، ولو به کمتر از ختنه گاه، خواهر مفعول بر فاعل حرام است؛ هر چند از روی جهل باشد.

ص: 160

بسمه تعالی

حضرت عالی در توضیح المسائل در مسأله 2405 فرموده اید: «مادر و خواهر و دختر پسری که لواط داده بر لواط کننده حرام است، اگرچه لواط کننده و لواط دهنده بالغ نباشند، ولی اگر گمان کند که دخول شده یا شك کند که دخول شده یا نه بر او حرام نمی شود». خواهشمندم در این مورد کمی توضیح دهید.

از خداوند متعال، توفیق و عمر بیشتر امام کبیر را مسئلت دارم

بسمه تعالی، اگر معلوم است که دخول واقع شده ولو به کمتر از ختنه گاه، خواهر و مادر و دختر لواط دهنده بر فاعل حرام ابدی است و اگر شك در دخول حتی به مقدار مذکور باشد، حرمت ثابت نیست.

بسمه تعالی 14 / 3 / 1361

ای امام من حدود 13 سال پیش بچه بودم با پسری و خواهر آن لواط کردم بعداً بدون در نظر گرفتن این مسأله چون ندانسته بودم عاشق آن دختر شدم حال آیا آن دختر بر من حرام شده است؟

بسمه تعالی، اگر دخول نسبت به آن پسر متحقق شده ولو به مقدار حشفه خواهر او بر شما حرام ابدی است.

بسمه تعالی

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی، سید روح الله الموسوی الخمینی

بعد از سلام و دست بوسی، استدعا دارم به سؤالم پاسخ دهید، قبلاً از محبت شما سپاس گزارم. با کمال معذرت باید عرض کنم که حدود يك سال و نیم است دختری را خواستگاری کرده ام و در گذشته مرتکب عمل خلاف اسلام با برادر وی شده، در

ص: 161

صورتی که اصلاً از عواقب آن اطلاع نداشته و اکنون که اطلاع یافته ام، نادم و پشیمان هستم. و حال استدعا دارم با این که بر هم زدن این موضوع باعث کینه و دشمنی دائم والدین می شود، مرا راهنمایی کنید و هر دستوری که اسلام می فرماید صادر کنید، تا خود اجرا کنم.

بسمه تعالی، نمی توانید با او ازدواج کنید و اگر ازدواج کنید، باطل است و بر شما حرام ابدی است.

[سؤال 10435] 5865

بسمه تعالی 18 / 1 / 1360

محضر مبارك امام امت، خمینی عزیز، متّع الله المسلمین بطول بقائه الشریف

در رساله عملیه آن حضرت، مسأله شماره 2405 آمده: مادر و خواهر و دختر پسری که لواط داده، بر لواط کننده حرام است.

1. آیا خواهر لواط دهنده باید ابوینی باشد یا فرق نمی کند؛ ابی، امی، ابوینی؟

بسمه تعالی، فرق نمی کند.

[سؤال 10436]

2. اینک با توجه به این که در زمان طاغوت، فساد بر همه جا چیره بوده و خیلی از مردم از وجود چنین حکمی بی خبر بوده و هستند و الآن ازدواج هایی هم شده، آیا با توجه به جهل به حکم و شرایط کثیف زمان طاغوت و پاشیدگی ای که در بعض خانواده ها پیش می آید و هزاران نابسامانی و دلزدگی نسبت به انقلاب و اسلام و همه چیز را در بردارد، جناب عالی اجازه می دهید آنچه که در گذشته بوده نادیده گرفته شود که عفا الله عما سلف باشد و لطف شریعت سهله و سمحه و رفع عن امتی... ما لا یعلمون این جا را شامل شود؟

بسمه تعالی، حکم همان است که در رساله ذکر شده و اختصاص به زمان خاصی ندارد و قابل عفو نیست.

ص: 162

بسمه تعالی

محضر حضرت آیت الله العظمی نایب الامام، امام خمینی، دامت برکاته

محترماً به عرض می‌رساند: شخصی با برادر همسرش قبل از ازدواج لواط نموده و بعد از چند سال با خواهر ایشان ازدواج نموده است و در شرایط فعلی دارای دو فرزند می‌باشد و جاهل به مسأله بوده و به طور کلی قبل از ازدواج اطلاعی از این مسأله نداشته و اخیراً که رساله را مطالعه می‌نموده، به این مسأله برخورد کرده است. فاعل یقین دارد که دخول شده؛ اما مفعول یقین دارد - به طوری که قسم می‌خورد - دخول نشده است. حال با در نظر گرفتن شرایط فرهنگ حاکم بر جامعه قبل از انقلاب که جوانان بی اطلاع از این مسائل بودند و در حال حاضر، وضعیت زندگی و جوّ فعلی خانوادگی متفاوت شده، نظر شریف را در امر حلّ این مسأله مرقوم فرمایید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، اگر فاعل یقین به دخول دارد، باید از همسر خود اجتناب کند و از او جدا شود و اگر شك دارند، ازدواج محکوم به صحت است.

بسمه تعالی

اگر کسی در اثر جهل به حکم شرعی با خواهر کسی که با او لواط نموده ازدواج نماید، و بعد از گذشت چندین سال با چند فرزند اکنون متوجه حرمت ازدواج شده باشد، با در نظر گرفتن حیثیت فرد، اکنون تکلیف شرعی چیست؟

بسمه تعالی، اگر دخول محقق شده به لواط دهنده - ولو به کمتر از ختنه گاه - عقد ازدواج باطل است، و باید از هم جدا شوند، و با فرض جهل، بچه‌ها حکم حلال زاده دارند.

بسمه تعالی

حدود سیزده سال پیش به علت خصومتی که بین دو پسر پیش می آید یکی از آن ها از روی انتقام با دیگری لواط می کند، در آن موقع پسری که با او لواط شده می گوید که عمل (دخول) انجام نشده ولی شخص فاعل می گوید که این کار انجام شده؛ پس از یازده سال که از این موضوع می گذرد، شخص فاعل با خواهر مفعول ازدواج می کند و صاحب فرزند هم می شوند، ولی اکنون این مسأله برایشان پیش آمده که آیا این زن و شوهر ازدواجشان با هم حرام بوده یا نه؟ تکلیف چیست؟

خدایا، خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار، از عمر ما بکاه و به عمر او بیفزای

بسمه تعالی، اگر دخول نشده یا معلوم نیست که دخول شده باشد، ازدواج اشکال ندارد؛ ولی اگر دخول معلوم است، ازدواج با خواهر مفعول باطل است و باید از هم جدا شوند.

بسمه تعالی

سرپرست محترم دفتر مرجع عالی قدر شیعیان جهان و رهبر کبیر انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی، ضمن سلام و با درود بر امام امت، خمینی بت شکن و قلب پرتوان امت شهید پرور و مجاهد ایران و با سلام و درود به روح پرفتوح شهدای گلگون کفن انقلاب اسلامی و مخصوصاً جنگ تحمیلی صدام کافر، با عرض معذرت از این که مزاحم اوقات شریف می شوم.

اگر پسر هفده ساله ای که خودش تمایل به ازدواج نداشته باشد و با زور و کراهت پدر و مادرش با یک دختری ازدواج نماید و بعد بفهمد که قبلاً با برادر نامبرده، عمل قبیح لواط انجام داده - در حالی که طبق فتوای حضرت امام اگر قبل از ازدواج این عمل انجام پذیرد، حرام همیشگی می شود - آیا جایز است این زن را در خانه خودش نگه

دارد و اگر اولادی هم داشته باشند حلال زاده است یا حرام زاده؟

بسمه تعالی، باید از هم جدا شوند و بر یکدیگر حرام ابدی هستند و بچه، حکم ولد حلال را دارد.

[سؤال 10441] 5870

بسمه تعالی 1361 / 5 / 31

این جانب چند سالی است دختری را برای ازدواج در نظر گرفته ام، و دختر و خانواده وی هم با ازدواج ما موافقت کرده اند، ولی من در زمان گذشته از روی نادانی و جو حکومت طاغوت با برادر آن دختر لواط کرده ام، و حالا سخت پشیمانم، اکنون با مسأله ای در رساله برخورد کردم که وقتی آن را به دقت خواندم متوجه شدم نمی توانم با این دختر ازدواج کنم. لطفاً بفرمایید تکلیف من چیست؟

بسمه تعالی، اگر یقین دارید که به برادر آن دختر دخول کردید، دختر بر شما حرام ابدی است و نمی توانید با او ازدواج کنید؛ و برای حفظ آبرو می توانید با خودداری از ازدواج با آن دختر، موضوع را کتمان کنید.

[سؤال 10442] 5871

بسمه تعالی 1361 / 7 / 18

دروود به رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران، امام خمینی، پس از عرض سلام، سلامتی امام امت و شما روحانیان عزیز را از درگاه خداوند متعال خواستارم.

در کودکی و در سن پنج سالگی با پسری عمل لواط انجام دادم و بعداً با خواهر او مرتکب عمل منافی عفت شدم حال آیا می توانم این دختر را به عقد خودم در بیاورم یا نه؟

بسمه تعالی، اگر یقین دارید هنگام عمل شنیع لواط، دخول انجام گرفته، خواهر مفعول بر شخص فاعل حرام ابدی است و نمی تواند با او ازدواج کند.

ص: 165

2. در توضیح المسائل مسأله 2406 آمده است که: «اگر با مادر یا خواهر یا دختر کسی ازدواج نماید و بعد از ازدواج، با آن شخص لواط کند، آن ها بر او حرام نمی شوند». آیا اگر بعد از این ازدواج طلاق پیش آمد، در عده می شود رجوع کرد؟ اگر عده گذشت، می شود عقد مجدد کرد؟

بسمه تعالی، در فرض مذکور، رجوع و عقد مانع ندارد.

بسمه تعالی

به نام خداوند یاری دهنده خردها و اندیشه ها

«مسأله 2405. مادر و خواهر و دختر پسری که لواط داده بر لواط کننده حرام است اگر چه لواط کننده و لواط دهنده بالغ نباشند؛ ولی اگر گمان کند که دخول شده یا شك کند که دخول شده یانه، بر او حرام نمی شوند». با توجه به این مسأله، به سؤالاتم جواب بدهید:

1. اگر پسری با پسری دیگر لواط انجام بدهد، اما دخول نکند، آیا خواهر و مادر و دختر آن پسر بر لواط کننده حرام است یا نه؟

2. اگر پسر لواط کننده شك یا گمان کند که دخول شده یا نه، آیا حرام می شود یا نه؟

3. چرا پسری که لواط کرده نمی تواند با خواهر یا دختر و یا مادر پسری که لواط داده ازدواج کند و اگر ازدواج کند چه می شود و اگر ازدواج کرد و بعد متوجه شد چه باید بکند؟

بسمه تعالی، حکم همان است که از رساله نقل کرده اید و با شك در دخول یا یقین به عدم دخول، ازدواج مانع ندارد و در صورتی که ازدواج حرام است، اگر ازدواج کنند باطل است و حکم اجنبی را دارند.

بسمه تعالی

به نام خدا پاسدار حرمت خون شهیدان

در سال 1353 با يك نفر عمل ننگین لواط انجام داده ام و چون مسأله را نمی دانستم و اطلاعی از مسائل نداشته ام در سال 61 با خواهر او ازدواج کرده ام و در يك شب که در پای منبر يك روحانی بودم که این مسأله را گفت: اگر کسی چنین عملی بکند ازدواج با خواهر لواط دهنده حرام است واقع قضیه این است که نمی دانم دخول محقق شده یا نه؟ در این صورت آیا می توانم با خواهر آن شخص ازدواج کنم یا نه؟

بسمه تعالی، اگر شك در دخول داشته باشد ازدواج مانع ندارد ولی در صورت یقین به دخول مقداری از ختنه گاه، ازدواج فاعل با خواهر مفعول حرام و باطل است.

[سؤال 10446] 5874

بسمه تعالی 1361 / 6 / 1

حضور محترم رهبر انقلاب اسلامی ایران و سیدالعلماء و المجتهدین، سید روح الله موسوی خمینی، دامت افاضاته الشریف

پس از عرض سلام؛ سلامتی وجود شریفتان را از درگاه خداوند تبارک و تعالی خواهانم و آرزو دارم که خداوند وجود شریفتان را از گزند روزگار حفظ بفرماید و تا انقلاب مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) طول عمر به شما عطا بفرماید تا از وجودتان اسلام و مسلمین بهره برداری کنند.

این جانب يك سؤال بسیار مهمی برایم پیش آمده که در رساله آن را نیافتم، به همین علت قصد کردم تا آن را از شما به طور مستقیم سؤال کرده و با دستخط شریف جواب آن را بنویسید.

من بر سر دوراهی رسیده ام. من و یکی از دوستانم همیشه با هم بودیم، اما چون

ص: 167

مهر و محبت ما خدایی نبود به دره گناه عظیم و کبیره ای افتادم و خواستم از او کناره بگیرم که دیدم این کارم حسد را به وجود می آورد. امتحان هم کردم و هر دفعه حسدم بیشتر می شد. فکر کردم که با او فقط سلام علیکی داشته باشم؛ ولی باز دیدم با این کار نیز به وسیله مهر و محبتی که با هم داریم، نزدیک تر می شویم و شیطان هم بیشتر فریاد پیروزی را سر می دهد. بعد فکر کردم که از او به طور کلی کناره گیری کنم، باز مشکلی پیش رویم آمد که بیش از سه روز دوری روا نباشد و نماز قبول نباشد. چه کنم؟ از شما خواهش می کنم مرا راهنمایی فرمایید.

بسمه تعالی، اگر از با هم بودن به گناه می افتید باید از هم جدا شوید.

4 - ازدواج در عده و تکمیل عدد

اشاره

[سؤال 10447] 5875

بسمه تعالی 1361 / 8 / 12

دفتر استفتای امام خمینی مدّ ظلّه العالی

این جانب به علت ناآگاهی از مسائل شرعی، با مردی که مسلمان بود و نماز نمی خواند، صیغه موقت خواندم. مرد صیغه را بلد نبود، ولی من گفتم که من به این شکل می گویم، تو هم این را بگو و او هم عمل کرد. مدت، يك ساعت بود؛ ولی کاری که داشتم، در مدت يك ساعت تمام نشد؛ لذا چون فکر می کردم که تمديد مدت، دیگر احتیاج به صیغه خواندن ندارد، مجدداً بدون خواندن صیغه با مرد تماس گرفتم و متأسفانه بین ما نزدیکی صورت گرفت. و اما پس از ده روز که از این مسأله گذشت، من با مردی که بسیار مؤمن بود، به طور دقیق - طبق رساله - عقد موقت شدم و اکنون متوجه این شده ام که آیا آن صیغه قبلی باعث اشکال در صیغه بعدی هست یا خیر؟ توضیح این که: من هنگام عقد اول باکره نبودم. ضمن التماس دعای فراوان، خواهشمندم تکلیف مرا بیان فرمایید. والسلام علیکم ورحمة الله

بسمه تعالی، اگر عقد اول، صحیح هم واقع نشده باشد، نظر به این که شما به

ص: 168

خیال صحت عقد با آن مرد همبستر شدید، باید عده نگهدارید و عقد دوم اگر در زمان عده عقد اول واقع شده، باطل است.

[سؤال 10448] 5876

بسمه تعالی

با عرض سلام و عذرخواهی قبلی، جواب مسأله ای را از دفتر امام می خواستم که بدون مقدمه و اتلاف اوقات شریفتان، مطرح می کنم البته برای گرفتن جواب درست و حکم کامل، احتیاج به توضیح زیادی دارد که بنده سعی می کنم خلاصه عرض کنم.

1. مردی که ظاهراً خود را عابد و صالح جلوه داده و سمت مرّبی و استادی دختر مسلمانی را به عهده داشته، از اعتماد قبلی خانواده دختر نسبت به خودش سوء استفاده کرده و با داشتن دو زن و چندین بچه، به دختر اظهار علاقه می کند. دختر ابتدا به هیچ وجه راضی به ازدواج با او نمی شود؛ ولی او با اظهار بدبختی های دروغین در زندگی گذشته اش و توجیه مسأله تعدد زوجات در اسلام، او را راضی می کند و در ضمن از او می خواهد برای حفظ آبروی او با کسی صحبت نکند تا او کم کم حقیقت را به پدر دختر می گوید و رضایت می خواهد.

از طرفی پیش پدر دختر می رود و با انواع دروغ ها و تهمت ها به دختر، وانمود می کند که دختر منحرف است و به استادش نیز (همان مرد) اظهار عشق کرده و می گوید با او ازدواج کند! در ضمن به پدر می گوید: تو با دختری صحبت نکن؛ چون اگر او بفهمد من حرف های او را به تو گفتم، خودش را می کشد! به هر حال پدر باز هم سخت مخالفت می کند، اما بعد که فکر می کند دختر قلباً راضی است، با کراهت وکالت می دهد تا مرد مذکور غیباً پیش عاقدی برود و دختر را به عقد دائم خود درآورد. این ها مدتی عقد کرده باقی می ماند؛ بعدها که حيله های این نامرد آشکار می شود، دختر راضی به این ازدواج نمی شود و پدر دختر هم می گوید: من هم آن موقع که برای

ص: 169

وکالت رضایت دادم، قلباً راضی نبودم و رضایت دخترم را در نظر داشتم؛ حالا که این مرد را شناختم اصلاً راضی نیستم.

این دختر خانم تصمیم قاطع دارد که اگر عقدش صحیح بوده طلاق بگیرد. در صورتی که بین این دو نفر باید صیغه طلاق جاری شود، مدت عدّه این خانم مطرح می شود. این ها نزدیکی به معنای دخول کامل نداشته اند؛ اما بنا به گفته پزشک، پرده بکارت «مختصری» صدمه خورده؛ آیا در این صورت، عدّه لازم است و اگر جواب مثبت است، چه مدت؟

در صورتی که بکارت کاملاً سالم باشد و دکتر دیگری این را بگوید، آیا ایشان باید بعد از طلاق عدّه نگهدارند؟ اگر ایشان در مدت عدّه، به عقد دیگری درآید، ولی به هیچ وجه تا مدت اتمام عدّه، نزدیکی نداشته باشند، آیا این کار حرام است؟

بسمه تعالی، اگر به قدر حشفه داخل کرده باشد، ولو این که پرده بکارت سالم مانده باشد، حکم مدخول بها دارد که باید پس از طلاق، عدّه نگهدارد و مدت آن سه طهر است؛ و عقد در حال عدّه باطل است، و اگر با علم به حرمت باشد، ولو این که نزدیکی انجام نگیرد موجب حرمت ابدی می شود.

2. وکالتی که آن مرد با ریا و تدلیس به دست آورده و عقدی که به این صورت انجام داده، آیا صحیح است یا خیر؟ اگر صحیح نیست، روابط این دو در زمان به اصطلاح محرمیت چه حکمی دارد؟

در ضمن باید ذکر شود که هیچ گونه سندی - نه در شناسنامه و نه در ورقه ای از طرف عاقد - مبنی بر این که عقدی صورت گرفته وجود ندارد؛ تنها ادّعی آن مرد است که می گوید: من با وکالت پدر غیباً دختر را به عقد دائم خودم درآوردم و طلاقش هم نمی دهم؛ اوزن شرعی من است.

بسمه تعالی، اگر در اصل وقوع عقد شرعی توافق دارند، در فرض سؤال، عقد محکوم به صحت است و راه جدایی طلاق است؛ ولی چنانچه در اصل وقوع عقد اختلاف داشته باشند، باید به محاکم صالحه مراجعه کنند.

خداوند متعال سایه حضرت مستطاب عالی را تا انقلاب حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بر سر مستضعفین جهان قائم بدارد، آمین، بحق محمد و آله الطاهرين.

خانمی که در عده طلاق بوده است با عدم علم به حرمت مؤبد به عقد دیگری درآمده است؛ حکمش چیست؟

بسمه تعالی، عقد ازدواج در حال عده غیر، سبب حرمت ابدی است. بلی، در صورتی که زن و مرد جاهل باشند به این که زن در عده است و یا جاهل باشند به این که عقد در حال عده جایز نیست و دخول هم محقق نشده باشد، حرمت ابدی پیدا نمی شود و فقط عقد باطل است و بعد از گذشت عده می توانند با هم ازدواج کنند.

ملحقات به ازدواج در عده

حضور محترم رهبر انقلاب آیت الله العظمی امام خمینی، دام عزه

همان طوری که در نامه گذشت، شرح حال خود را کتباً به عرض رساندم. شوهر اول من، بعد از آنی که در دادگاه حاضر شد به کلی منکر شد و گفت: «بنده در وقت طلاق دادن به هیچ وجه از حال شما اطلاعی نداشتم و شما در ایام عادت نبودید». فعلاً بنده از شوهر دوم يك بچه دارم. تکلیف بنده را معین فرمایید که آیا در این صورت که شوهر اول منکر شده که «شما در ایام عادت نبودید»، می توانم با شوهر دوم زندگی نمایم یا خیر؟

بسمه تعالی، انکار شوهر اول اثر ندارد. شما اگر می دانید که در ایام عادت طلاق واقع شده، طلاق و نکاح با شوهر دوم باطل است و در صورت تحقق دخول بعد از عقد با دومی، بر او حرام ابدی هستید.

بسمه تعالی

خدمت برادر محترم، پس از عرض سلام، برادر، از شما خواهش می‌کنم جواب مسأله ای را که مطرح می‌کنم، به طور کامل برای من بنویسید:

حدود نه سال پیش مردی مرا صیغه کرد؛ البته این صیغه، دائمی بود و می‌گفت که بعد عقد می‌کنم و در موقع صیغه، ما شهودی نداشتیم و بعد از چند ماه، این مرد بنای ناسازگاری گذاشت و به من خرجی نمی‌داد و می‌گفت: می‌گذارم و می‌روم و بعد از شش ماه بی‌خبر گذاشت و رفت و من نه مدرکی از او داشتم و نه آدرسی داشتم و هیچ يك از اقوامش را هم به من معرفی نکرد و دیگر خبری هم از او نشد و ضمناً در آن موقع من حامله بودم و بعد که بچه به دنیا آمد، چون شناسنامه نداشت و من هم خرجی نداشتیم، بچه را به پرورشگاه گذاشتم. بعد از دو سال، یکی از اقوام من او را دیده بود و به کلانتری برد و آن جا به دست پاسبان آن جا سپرده بود که نگهدارند و بعد آمد تا مرا ببرد. وقتی رفتیم به کلانتری، دیدیم او را آزاد کرده بودند. وقتی از پاسبان پرسیدیم و شاکی شدیم، گفت که آن مرد گفته که او زن من نبوده و این ها دروغ می‌گویند و من این را نمی‌شناسم و بالاخره با حقه فرار کرده بود. در ضمن، به آن فامیل ما هم این را گفته بود که من این زن را نمی‌شناسم و او زن من نبوده و حاشا کرده بود و بعد از چند وقت هم یکی از همسایه ها را دیده بود و همین را گفته بود که او زن من نبوده و من او را نمی‌شناسم و دوباره حاشا کرده بود و من بلا تکلیف مانده بودم؛ تا این که از آقایی این مسأله را پرسیدم. ایشان گفت که این صیغه باطل شده؛ چون متارکه کرده و خرجی نداده، خود به خود باطل می‌شود و من هم شوهر کردم. اکنون مدت دو سال است که شوهر کرده ام و حالا دوباره به شك و تردید افتاده ام و برایم مسأله ای شده؛ با دفتر امام در تهران، تلفنی تماس گرفتم و پرسیدم؛ آن جا گفتند که شما حق این که شوهر بکنید نداشتید و باید طلاق بگیرید و در آن خانه حرام است بمانید و بعد به ما گفتند: اگر شما به دفتر امام در قم نامه بنویسید بهتر است و مسأله شما را جواب

ص: 172

می دهند. حالا از شما خواهش می کنم هرچه زودتر جواب این نامه را بدهید و مرا از نگرانی در بیاورید. متشکرم

بسمه تعالی، اگر شما با او ازدواج دائم کرده اید و صیغه دائم خوانده شده، ازدواج دوم شما باطل است و بر شوهر جدید حرام ابدی هستید و باید از او جدا شوید و نیازی به طلاق ندارد و همچنین اگر صیغه ازدواج موقت خوانده شده و مدت آن باقی بوده یا در اثنای عده، ازدواج با دومی نموده باشید. ولی اگر صیغه موقت بوده و بعد از گذشت مدت و ایام عده، ازدواج با دومی نموده اید، ازدواج دوم صحیح است.

[سؤال 10452] 5880

بسمه تعالی 1358/9/3

مسئول محترم پاسخ دادن به سؤال های شرعی دفتر حضرت امام خمینی

احتراماً؛ به عرض رسانده و امید جواب دارم.

این جانب در تیر ماه سال جاری با خانمی سی ساله ازدواج نمودم و بعد از ازدواج متوجه شدم که خانم مزبور سه سال در عقد شرعی و قانونی پسر دایی اش بوده و بعد از طریق دادگاه خانواده طلاق گرفته و برای ازدواج مجدد، شناسنامه خود را عوض نموده است. یک ماه پس از ازدواج به مسأله 2836 رساله امام برخوردارم، مبنی بر باطل بودن این گونه طلاق ها که توسط دادگاه های خانواده انجام شده زیرا قوانین آن از مجلسین منحل و غیر قانونی گذشته بوده است. چون از نظر زناشویی و صاحب اولاد شدن در شبهه هستم، مستدعی است بفرمایید: این ازدواج شرعاً صحیح است یا نه؟ و اگر از نظر شرعی اشکال دارد بفرمایید: تکلیف حقیر چیست؟ مضافاً این که خانم مزبور در ازدواج با من باکره بوده و توسط خودم تصرف شده است و از هنگام وقوف بر مسأله فوق هیچ گونه تماس جنسی با وی نداشته ام و اولادی هم در میان نیست.

بسمه تعالی، در صورتی که طلاق با اذن زوج و وکالت او نبوده، ازدواج دوم باطل و در فرض تحقق دخول، زن بر شما حرام مؤبد است.

ص: 173

بسمه تعالی

محضر محترم مسئول دفتر امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

پس از ابلاغ عرض سلام به عرض می رساند:

اگر چنانچه کسی يك دختری را عقد نماید و فرد دیگری بیاید این دختر را برای خودش عقد نماید، بدون این که شوهر اولی طلاق دهد و این شوهر دومی از آن دختر، صاحب اولاد شود وظیفه چیست؟ آیا عقد محکوم به صحت است یا نه و آیا این اولاد حلال زاده است یا نه؟ لطفاً جواب را مرقوم فرمایید.

بسمه تعالی، اگر عقد اول با شرایط و صحیح واقع شده، عقد دوم باطل است و با تحقق دخول، زن و مرد دوم بر هم حرام ابدی می شوند؛ ولی با فرض جهل، بچه حکم ولد حلال را دارد.

ازدواج مجدد

بسمه تعالی 1358/7/3

محضر مبارك رهبر كبير انقلاب اسلامی ایران وضعیت بنده به این شکل است که هرچه همسرم برای ما بهانه گرفت و منزل را ترك کرد؛ ما بهانه او را برطرف کردیم. بسا جلسات که گرفته شد تا بلکه سازش کند، اما متأسفانه سازش نکرد در نتیجه همه به من گفتند تو بایستی فکری به حال خود و فرزندانت بکنی. تا مجبور به ازدواج مجدد شدم. ازدواج مجدد بنده هم با ورود موكب همایونی و فرخنده شما به ایران صورت گرفت. ولی چون بدون اجازه از دادگاه خانواده و زن اول ازدواج کردم؛ فعلاً زن اول باز این کلمه را بهانه کرده و از من شکایت نموده است. اکنون دادگاه من و زن دوم و عاقد را، هر کدام به شش ماه زندان محکوم کرده است. آن جناب در رساله شریفه در مسائل 2835 - 2837 فرموده اید: این قوانین غیر قانونی و غیر شرعی است و

ص: 174

آن ها را حرام دانسته اید. حقیر هم از ابتدا مقلد آن جناب بوده ام. تکلیفم چیست؟ اگر زندان بروم چون کارمند اداره آموزش و پرورش شهرضا هستم ممکن است از کار برکنار و ناراحتی های دیگری برایم فراهم شود. آیا مسائل مذکور به حال خود باقی است؛ یعنی عمل به آن ها حرام است و این قانون خانواده لغو می گردد یا این که باید به آن ها عمل کرد؟ منتظر جواب و اوامر آن جناب می باشم.

بسمه تعالی، ازدواج صحیح است و قوانین مخالف اسلام، نباید اجرا شوند.

[سؤال 10455] 5883

بسمه تعالی 1361 / 10 / 27

محضر حضرت امام خمینی، مرجع تقلید و رهبر بزرگ انقلاب اسلامی ایران

در مسأله 2836 توضیح المسائل حضرت عالی نوشته شده که طلاق و یا امر به طلاق به وسیله قانون خانواده باطل می باشد، اگر چنانچه مردی با داشتن يك زن با چند فرزند با اجازه قانون خانواده با زن دیگری (دختر) ازدواج مجدد نموده و از زن دوم دارای فرزند شده باشد، خواهشمند است حکم خدا را بیان فرمایید و اگر خدای ناکرده اشکالی داشته باشد چاره آن چیست؟ آیا عقد زن دوم درست است یا خیر؟ و آیا فرزند حاصل از زن دوم ارث می برد یا خیر؟

بسمه تعالی، در فرض مرقوم ازدواج دوم صحیح و فرزند از زن دوم حلال زاده است و ارث می برد.

5 - کفر

ازدواج با بهایی

[سؤال 10456] 5884

بسمه تعالی 1361 / 11 / 29

محضر مبارك زعيم عالی قدر بنیان گذار جمهوری اسلامی، حضرت آیت الله

ص: 175

با کمال احترام به عرض آن رهبر عالی قدر و حامی ضعفا می رساند، آیا شخص مسلمان می تواند طبق دستور و آیین مقدس اسلام با احکام ازدواج اسلامی با دختر بهایی عقد ازدواج نماید و دختر مسلمان می تواند طبق آیین و شرایط اسلامی با عقد و نکاح اسلام به وسیله عالم عاقد با مرد بهایی که حاضر شده با این شرایط عقد نکاح نماید ازدواج نماید یا خیر؟ استدعای بذل توجه را دارم، جواب مسأله را مرقوم و ارشادمان فرمایید.

بسمه تعالی، ازدواج مرد بهایی با زن مسلمان و بالعکس ازدواج مرد مسلمان با زن بهایی جایز نیست و باطل است.

[سؤال 10457] 5885

بسمه تعالی 18 / 10 / 1361

قم، دفتر آیت الله العظمی امام خمینی، دامت برکاته

یک جوان مسلمان با یک دختر بهایی ازدواج کرده؛ هم عقد بهایی کرده اند و هم عقد اسلامی؛ در صورتی که جوان، به عقد بهایی معتقد نبوده و دختر هم به عقد مسلمانی آیا این ازدواج چطور است؟ و ثمره و اولادهای این جوان مسلمان و این دختر بهایی و یا بالعکس - دختر مسلمان و جوان بهایی - چه می شود؟

بسمه تعالی، عقد مزبور باطل است و بچه ها در صورت جهل، حکم بچۀ حلال را دارند و ملحق بمسلمان هستند.

ازدواج با اهل کتاب

[سؤال 10458] 5886

بسمه تعالی

فردی قصد دارد با یک دختر غیر مسلمان آلمانی که اهل کتاب است ازدواج کند. سؤال کرده با توجه به این که شیعه جعفری است آیا می تواند با این دختر ازدواج کند؟

ص: 176

بسمه تعالی، ازدواج موقت مسلمان با زن کتابیه مانع ندارد؛ ولی ازدواج دائم صحیح نیست.

[سؤال 10459] 5159

4. ازدواج با زنانی که معلوم نیست اهل کتاب می باشند به طور دائم یا موقت، در بلاد کفر چگونه است؟

بسمه تعالی، با زن کتابیه می تواند ازدواج موقت نماید.

[سؤال 10460] 5887

بسمه تعالی 1361 / 5 / 26

حضور معظم رهبر عالی قدر، امام خمینی، دامت برکاته

عقد دائم دو نفر اهل کتاب (مسلمان و مسیحی) در صورتی که هر دو نفر در دین خود باقی بمانند، صحیح است یا خیر؟ و در صورتی که مجاز است، شرایط آن را توضیح دهید. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، ازدواج دائم مسلمان با غیر مسلمان - ولو این که کتابی باشد - باطل است.

[سؤال 10461] 5888

بسمه تعالی 1361 / 6 / 2

دفتر محترم امام خمینی، محترماً معروض می دارم:

این جانب برادری دارم که می خواهد با يك دختر مسیحی ازدواج کند. تکلیف ما با این خانواده چه می باشد؛ با توجه به این که ما نمی توانیم ایشان را ارشاد کنیم و به دین اسلام راهنمایی کنیم؛ چون این کار انجام شده و اثری نداشته است؟ آیا رفت و آمد با این خانواده اشکال شرعی ندارد؟

بسمه تعالی، ازدواج مسلمان با دختر مسیحی به صورت دائم باطل است.

ص: 177

بسمه تعالی

1. در مورد معاشرت مسلمان با اهل کتاب (مسیحی)، آیا يك مسلمان می تواند با مسیحیان امروزی معاشرت داشته و ضمن انتظار همدردی و همکاری از ایشان، آنان را افرادی مؤمن بداند؟ آیا مسیحیان امروز جزو اهل کتاب هستند یا جزو کفار و اگر از کفار نمی باشند پس تفسیر آیه 98 سوره البینه که در مدینه نازل گردیده و ربط آن آیه با این موضوع چه می باشد؟

2. اکثر مسیحیان دنیا به خصوص مسیحیان غرب را اعتقاد بر این است که مسیح علیه السلام فرزند خدا می باشد و از آسمان به زمین آمد و بدین جهت آنان حضرت مریم و مسیح علیه السلام و پروردگار را در يك مقام جا می دهند و از سه خدا یاد می کنند. آیا اینان را باید مسیحی به آن صورت که حضرت مسیح علیه السلام می خواسته بدانیم و یا این اعتقاد اینان کفر است و تماس با آنان تماس با کافران است و درخواست کمک از آنان درخواست هم رزم شدن با کفار است؟

3. با توجه به سؤالات بالا آیا صلاح است مسلمانان ایرانی مقیم خارج سعی به جلب کمک آنان و جلب کمک از کلیساها بنمایند. و آیا این معنی بیعت ما با کفار می باشد یا نه؟

بسمه تعالی، مسیحی ها از اهل کتاب هستند و روابط با آن ها بر اساس ضوابط و موازین اسلامی مانع ندارد.

بسمه تعالی 18 / 3 / 1361

آقایان محترم، به جواب سؤالات زیر، هرچه سریع تر نیاز دارم.

1. يك مرد یهودی در چه شرایطی می تواند با دختر مسلمان ازدواج کند؟ آیا مردی یهودی حتماً باید به دین مقدس اسلام برگردد؟

بسمه تعالی، زن مسلمان نمی تواند با مرد یهودی ازدواج کند.

2. در صورتی که چنین مرد یهودی برای اولین بار قبلاً با يك دختر یهودی ازدواج کرده و او را طلاق دهد و از او فرزند پسری شش ساله داشته باشد، آیا بعد از این که پدر مسلمان شد، حق دارد فرزند را از مادر یهودی بگیرد و در آغوش اسلام پیروانند یا مادر می تواند اقدام قانونی کند و فرزند را از پدر بگیرد و در دین یهود بزرگ کند؟

بسمه تعالی، در فرض مرقوم، پدر مسلمان، فرزند را از مادر یهودی بگیرد.

ازدواج با غیر اهل کتاب

[سؤال 10464] 5891

بسمه تعالی 6 / 2 / 1362

محضر مقدس حضرت امام، مدّ ظلّه العالی

پس از اهدای تحیات خالصانه، به عرض می رسد که شخص مسلمانانی دخترش را به ازدواج کمونیستی در آورده و معّم محضرداری صیغه ازدواج را جاری نموده است؛ مستدعی است حکم الله را مرقوم فرمایید.

بسمه تعالی، ازدواج دختر مسلمان با مرد کافر باطل است.

[سؤال 10465] 812

2. دستور در مورد عمل نکاح با زن های غیرصاحب ادیان رسمی که دارای کتاب آسمانی نمی باشند چگونه است؟ و آیا می شود در صورت تمایل زوج، بدون صیغه نکاح و تنها با رضایت طرفین، عمل مقاربت انجام داد یا نه؟

بسمه تعالی، مقاربت بدون عقد زناشویی زنا و حرام است و ازدواج با غیر اهل کتاب، ولو این که موقت باشد باطل است.

[سؤال 10466] 5892

بسمه تعالی

با عرض سلام و تقاضایی کوچک از دست اندرکاران دفتر امام

تقاضای من چیز کوچکی است و آن جواب دادن به يك سؤال کوچک مذهبی

ص: 179

می باشد و چون جواب این سؤال خیلی برایم حیاتی است، در صورت امکان جواب را با صلاح دید امام برایم بنویسید وگرنه خودتان جواب بدهید.

آیا يك دختر مسلمان می تواند با يك مردی که کمونیست است و خدا را قبول ندارد در صورتی که و پدر و مادر این پسر مسلمان می باشند، ازدواج نماید یا خیر؟ اگر خیر، دلیل را مختصراً توضیح دهید. قبلاً از زحمات شما مراتب تشکر و قدردانی را ابراز می دارم.

بسمه تعالی، ازدواج زن مسلمان با مرد کافر جایز نیست و کافر کفو مسلمان نمی باشد.

ازدواج و ارتداد یکی از زوجین

[سؤال 10467] 5893

بسمه تعالی

محضر مبارك زعيم عالی قدر و قائد عظيم الشأن حضرت آيت الله العظمی الامام خمینی دامت برکاته

اگر زنی از شوهرش کراً ناسزا بشنود به این معنا که جسارت به پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم و سایر ائمه و امامزاده ها باشد، آیا چنین زنی در خانه برای چنین مردی حلال است یا خیر؟

بسمه تعالی، مجرد سب و ناسزا گفتن به پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم یا امام در حکم ارتداد نیست و موجب حرام شدن زن بر شوهر نمی شود.

[سؤال 10468] 5894

بسمه تعالی 10 / 12 / 1360

شوهرم مرا به زور و تهدید به خارج از شهر می برد تا من نتوانم در تظاهرات ها شرکت کنم. خدا را گواه می گیرم که تمامی این ها را که می نویسم عین حقیقت است و

ص: 180

بعضی اوقات به جان تهدید می کرد و به زور به خارج از شهر (که پدر و مادر و دیگر اقوامشان که یکی از دیگری فاسدتر و بدترند) می برد و برای این که روح مرا عذاب دهد بدترین ناسزاهای را نثار انقلاب و مردم انقلابی می کرد بعد از مدت سه سال که از پیروزی انقلاب می گذرد هنوز از ناسزاگویی ها و بدگویی های او کاسته نشده بلکه خروارها زیاده تر شده است و من به گفته امام عزیزم و از جان بهترم که می گفت هر کس به من ناسزا گفت شما چیزی نگویید برای حفظ وحدت عمل می کردم و دم نمی زدم خدا گواه است که در دل من چه می گذرد و هر لحظه که شوهر من دهان باز کرده ناسزایی به امام خمینی و امامان علیهم السلام و اسلام می گوید به اندازه چند سال مرا عذاب می دهد. اکنون مدت چند ماه است (ببخشید که این ها را بر روی کاغذ می آورم) که وجود خدا را انکار می کند و می گوید خداوند اصلاً وجود ندارد و اصلاً اسلامی وجود ندارد و باز برای سومین بار می گویم خدا گواه است چه حالی دارم این دو سه ماه و وقتی که به رساله امام خمینی مراجعه کردم او را مرتد یافته ام و اکنون مانده ام که چه کنم از طرفی وجود دو بچه بی گناهم را و از طرفی تکلیف شرعی من. نمی دانم چه کنم؟ مرا راهنمایی فرمایید.

بسمه تعالی، اگر منکر خدا یا رسول یا یکی از ضروریات دین است حکم مرتد و کافر دارد و باید از او جدا شوید.

[سؤال 10469] 5895

بسمه تعالی 1360 / 12 / 9

دفتر امام خمینی، سلام علیکم، پس از عرض سلام از فرسنگ ها راه دور خدمت رهبر و خدمتگزاران اسلام، به استحضار می رسانم که وظیفه شرعی من ایجاب نموده تا مطالب زیر را به خدمت شما برسانم.

مدت سه ماه است که ازدواج نموده ام. در اوایل ازدواج، همسرم اظهار می داشت که همه مسلمان هستیم؛ ولی از آن موقع تا کنون که مروری از زمان می گذرد، هدفش

ص: 181

عوض شده و می گوید که مگر عقیده آزاد نیست؛ هدف و عقیده من کمونیستی است. لذا خواهشمندم که بفرمایید تکلیف شرعی من درباره این زن چیست؟ هرچه سریع تر روشن فرمایید. از پروردگار متعال، طول عمر رهبر کبیر انقلاب امام خمینی را خواستاریم.

بسمه تعالی، اگر جداً کمونیست است که منکر خدا یا رسول یا ضروری دین باشد، محکوم به ارتداد و کفر است و باید از او جدا شوید.

[سؤال 10470] 5896

بسمه تعالی

پس از عرض سلام و ادب می دانم گرفتاری دارید و خیلی از امور هست ولی من هم بایستی به وظایف شرعی خود عمل کنم و چاره ای ندارم. من یک مسلمانم و تا اندازه ای که می توانم به وظایف دینی خود عمل می کنم و همسری دارم که به تمام مقدسات مذهبی ناسزا می گوید، تقاضا دارم وظایف شرعی مرا تعیین نمایید که چگونه با کسی که به پیغمبر و ائمه اطهار و مقدسات مذهبی فحش های ناروا و مستهجن می دهد ادامه زندگی دهم؟

بسمه تعالی، اگر از روی عمد و اختیار کلمات کفر می گوید مرتد است و باید فوراً از او جدا شوید و احتیاج به طلاق ندارد و در صورت مرتد ملی بودن او اگر در ایام عده توبه نکرد عقد شما منفسخ شده است.

[سؤال 10471] 5897

بسمه تعالی 1360/8/9

پیشگاه مبارک زعیم عالی قدر حضرت آیت الله العظمی امام خمینی

با عرض سلام و آرزوی سلامت برای آن مقام شامخ، اجازه می خواهم سؤال شرعی خود را مطرح سازم و استدعای پاسخ نمایم.

اگر زن و مرد مسلمانی با یکدیگر ازدواج دائم نمایند و پس از چند سال مرد از

ص: 182

اسلام خارج و به یکی از ادیان صاحب کتاب (مثل زرتشتی یا کلیمی و یا مسیحی) وارد شود؛ آیا تکلیف زن که مسلمان باقیمانده است، چیست؟ می تواند با شوهرش ادامه زندگی دهد و یا بایستی طلاق بگیرد؟

بسمه تعالی، اگر مرد مسلمان بوده و مرتد شده؛ نکاح باطل است.

[سؤال 10472] 5898

بسمه تعالی 1361 / 9 / 14

حضور مبارك دفتر امام خمینی، دامت برکاته

1. مسأله ای شرعی مربوط به زن و شوهر دارم که خواهشمندم نظر مبارك را بیان فرمایید.

شوهر خدا را انکار می کند و می گوید قیامت و عدل و امامت وجود ندارد و به هیچ يك از قوانین الهی و اسلامی عقیده ندارد و قرآن و پیامبر را انکار کرده و ناسزا می گوید. آیا زن می تواند طلاق بگیرد یا نه؟ و زن هم راضی به طلاق است، آن ها دارای دو فرزند می باشند؛ یکی پسر که کبیره است و یکی هم دختر که از نظر شرعی، کبیره می باشد. نظر مبارك را در این مورد مرقوم فرمایید.

بسمه تعالی، در فرض مذکور، طلاق لازم نیست و زن باید فوراً از چنین شوهری جدا شود و بر او حرام است.

2. صفات سلبيه و ثبوتیه را معنا نمایید.

بسمه تعالی، صفاتی که در خداوند متعال هست - مثل علم و قدرت - آن ها را صفات ثبوتیه و آنچه در او نیست - مثل ترکیب یا داشتن جسم - آن ها را سلبيه می گویند و برای تفصیل و توضیح مطلب، به کتاب های مربوطه مراجعه نمایید.

[سؤال 10473] 5899

بسمه تعالی 1361 / 9 / 16

با درود به رهبر انقلاب اسلامی که این انقلاب را تا کنون جهت رسانیدن پیام اسلام به تمام جهان پیش برده اند، تقاضا دارم مرقوم فرمایید که حکم شرعی من

ص: 183

در مورد مشکل اخیر چیست؟

نزدیک دو سال پیش به عقد محضری فردی از افراد دور فامیل درآمدم. مدتی بعد و قبل از شروع زندگی مشترک، ایشان دستگیر شدند و اکنون پانزده ماه است که در زندان هستند. اخیراً که پرونده شان به جریان افتاده، به گفته بازپرس ایشان، او با منافقین فعالیت و همکاری داشته. حال با توجه به مسأله نفاق ایشان آیا عقد باطل می شود یا خیر و باید از نظر شرعی تقاضای طلاق بکنم یا خیر؟

به هر حال به حکم شرع - در شرایط بالا - وقتی چنین فردی آزاد شود، می توانم با او زندگی کنم؟

بسمه تعالی، در فرض مرقوم، عقد باطل نیست، مگر یقین به ارتداد او باشد.

[سؤال 10474] 221

4. بنده شوهری دارم که با انقلاب رابطه خوبی ندارد، در عین حال ضد انقلاب هم نیست که دست به بمب گذاری و ترور بزند و یا با افرادی که این کارها را انجام می دهند رابطه داشته باشد، ولی نماز نمی خواند در خانه هم به من و بچه ها بدی می کند آیا من به این مرد حرام هستم؟

بسمه تعالی، مجرد آنچه ذکر کردید موجب حرمت شما به او نمی شود و لازم نیست طلاق بگیرید.

[سؤال 10475] 5900

بسمه تعالی

با تقدیم عرض سلام، محضر مبارك قائد عظیم الشان و زعیم عالی قدر، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، دام ظلّه العالی، در مقام زحمت برآمدم:

اگر زنی از شوهر خود کلمات کفر آمیزی بشنود لفظاً و عملاً؛ از قبیل توهین به حضرت محمد صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام و امام رضا علیه السلام و سید احمد بن موسی علیه السلام و

ص: 184

قرآن کریم، و منکر خدا و نماز و روزه و معاد باشد و واجبات دین اسلام را قبول نداشته باشد، آیا این زن به چنین مردی - در صورت ثابت شدن اعمال فوق بر زن و مشاهده چنین اعمالی در همه حالات روحی مرد - حلال است یا خیر؟

بسمه تعالی، در فرض مرقوم، بر چنین شوهری حرام است و باید فوراً از او جدا شود و نیاز به طلاق هم نیست.

[سؤال 10476] 5901

بسمه تعالی

زنی هستم که شوهرم طبق مسأله 2447 و 2448 رساله، مرتد است و 39 سال سن دارم و در این مسأله آمده که باید عده نگهدارد من نمی دانم چگونه؟

ضمناً از لحاظ اخلاق خانوادگی مرا فوق العاده اذیت می کند و زندگی برایم تنگ شده است. ضمناً چون او روحیه نفاق دارد، جلو افراد اظهار انکار خدا و معاد و نماز را نمی کند، اما در خانه، حتی فحش و ناسزا به پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه - صلوات الله علیهم - می گوید. با توجه به قوانین جدید و دادگاه ها، من چگونه این کار را بکنم و شواهد زیادی بر ارتداد او دارم. از محضر امام تقاضای فتوا در این مورد را دارم، تا وظیفه و تکلیف الهی من روشن بشود. البته حرف های زیادی در رابطه با زندگی من و شوهرم وجود دارد که به علت کمبود وقت امام، آن ها را متذکر نشدم. فقط عمده مطلب آن را در این جا آوردم و تقاضای تعیین تکلیف دارم.

بسمه تعالی، اگر شما یقین به ارتداد او پیدا کنید، دیگر محرم او نیستید، و نمی توانید با او زندگی نمایید.

[سؤال 10477] 5902

بسمه تعالی 1361 / 10 / 5

ضمن عرض سلام و آرزوی سلامتی شما از درگاه خداوند تبارک و تعالی و با آرزوی مستمر پیروزی رزمندگان کفر ستیز اسلام در جبهه های نور علیه ظلمت

ص: 185

حقیر ضمن پوزش از مزاحمت، خواستار پاسخی قاطع مانند همیشه در مورد مشکل خود بوده و چشم انتظار پاسخ جناب عالی هستم.

این جانب زنی هستم مسلمان و در خانواده ای مسلمان به دنیا آمده ام و در دامن پر برکت اسلام تربیت یافتیم. حدود يك سال و اندی پیش با شخصی ازدواج نمودم ولیکن بعد از گذشت مدتی به نکته ای اساسی و تکان دهنده پی بردم و آن نکته این بود که در موقع نماز حاجت شوهرم سجاده نماز را از زیر پایم کشید و گفت: این چه حرکتی است که انجام می دهی و نماز و دین بی فایده و بی معنا است! و این حرکات ابلهانه را (به قول خودش) انجام مده. بعد من ضمن تشریح مبانی شریعت مقدس اسلام خواستم فلسفه دین را تا حدودی که می دانستم برایش توضیح دهم، ولی انگار مانند دیواری بود که برایش صحبت می کردم و در ضمن صحبت من، پدر و مادر او به طرفداری از او برخاسته و ضمن فحاشی به این شریعت الهی، موجب درگیری شدند. باز بعد از گذشت مدتی که به دیدار اقوام خود رفته بودم، در موقع مراجعه ملاحظه نمودم که چند مرد نامحرم - که به قول شوهرم از اقوامش بودند - در اتاق من مشغول قمار بودند و اثاثیه اتاق به هم ریخته بود. من چون خود را در مقابل آن ها ناتوان دیدم بازگشتم. بعد از گذشت این ماجرا در شبی که بسیار سرد بود، در موقع روشن کردن بخاری اتاقم - به منظور گرم کردن خود و طفلی که در شکم داشتم - پدر شوهرم با عجله بخاری را خاموش و به گوشه ای پرت کرد و گفت: چرا آن قدر به خودت می رسی و مگر ما می توانیم این نفت را استفاده کنیم؟! با این که آن مقدار نفتی که در بخاری بود را از خانه پدرم آورده بودم. باز هم بعد از گذشت مدتی آن مرد هنوز بی دین بود. من هرچه خواستم او را راهنمایی و به راه راست هدایت نمایم قبول نمی کرد و هنوز کفر می گفت؛ تا این که من از خانه آن مرد - البته با اجازه او - خارج شدم و به خانه پدرم مراجعت کردم. بعد از گذشت مدتی که در خانه پدرم اقامت داشتم، او دیگر به دنبال من نیامد؛ چون قرار بود به دنبالم بیاید. ولی با کمال تأسف

چند ماه بعد نامه ای از دادگاه آورده بود و مرا به دادگاه احضار نمود و متأسفانه با این که من جزئیات زندگی خود را برای مسئول دادگاه تشریح نمودم، رأی به نفع او صادر شد؛ ولی ضمن پی گیری این موضوع، پرونده به مقامات عالی قضایی رجوع شد که هنوز جوابی از آن ها دریافت نکرده ام. از جناب عالی خواستارم که به سؤالات این جانب پاسخ کامل و قاطع عنایت فرمایید.

آیا من می توانم با آن مرد که از راه راست منحرف شده و اصول اسلام را منکر گردیده است زندگی کنم یا نه؟

و نیز آیا تکلیف شرعی من با شخصی که بعد از گذشت يك سال، نه به دیدن من و نه به دیدن فرزند خردسالش نیامده، چیست؟

و اسلام در مورد شخصی که قرآن را در موقع مسافرت که برای رفع بلا در جلوی او می گیرند به گوشه ای پرت می کند و به قرآن کریم ناسزا می گوید، چه می گوید، و نظر جناب عالی در مورد این شخص چیست؟

خواهشمندم که این جانب را راهنمایی نموده و جواب قاطعی در مورد این مطالب به من بدهید. چشم انتظار جواب شما هستم. با موفقیت روز افزون قوای اسلام و طول عمر شما، من الله التوفیق

بسمه تعالی، چنانچه منکر خدا یا رسول خدا یا یکی از ضروریات دین باشد، محکوم به ارتداد است و باید از او جدا شوید.

[سؤال 10478] 5903

بسمه تعالی

دفتر محترم امام، ضمن عرض سلام و پوزش از مزاحمت، استدعای دقت کافی و پاسخ گویی مشکلی را داشتم.

خواهری هستم در شرایط سنی و شغلی: سی و شش سال و کارمندی با سه هزار تومان حقوق؛ حدود بیست و يك سال است که ازدواج کرده ام و دارای سه

ص: 187

فرزند - 1. پسری 17 ساله 2. دختر 14 ساله 3. پسر 7 ساله - می باشم.

مشکلی که دارم، دانستن زندگی کردن من از لحاظ شرعی، با مردی است که مشروب می خورد و نماز و روزه و به طور کلی، هیچ يك از دستورات خدا را انجام نمی دهد و فقط مسلمان شناسنامه ای است. گاه می گوید: خدایا مرا ببخش. گاهی می گوید: بهشت و جهنم همین جا است و هنگامی که انسان فوت کرد، دیگر تمام شده و تقریباً به معاد عقیده ندارد. از لحاظ اخلاقی هم هیچ خوب نیست؛ یعنی وقتی مشروب می خورد، فحاشی می کند به طوری که به من نسبت ناسزا و ناروا می دهد. چون اخیراً من یکی - دو تا از کتاب های آقای دستغیب، به خصوص گناهان کبیره را خوانده ام، در گنجی عجیبی فرو رفته ام و تصمیم به جدانشدن دارم. حتی چند ماهی است که با او طوری رفتار کرده ام که تماس زناشویی هم نداشته ام؛ چون خوانده ام زنی که با مرد شراب خوار تماس داشته باشد، به زنا رفته. البته در این مدت چند سال، دو بار خواستم جدا شوم و تقاضای طلاق هم داده ام، ولی چون قاضی هایی که از طرف رژیم ملعون سابق در رأس کار بودند، شراب خواری را عیب ندانسته، در جواب می گفتند: دلایل توقیع کننده نیست. البته او هیچ حاضر نیست که جدا شود. مهم تر از همه، بچه ها را به من نمی دهد. خلاصه ناراحتی من از این است که در پیشگاه خداوند به خاطر زندگی کردن با چنین مردی مسئول نباشم؛ و گرنه اگر بدانم از لحاظ شرعی، مسئولیتی برایم نیست، به خاطر منحرف نشدن بچه ها باز هم ناراحتی ها را تحمل می کنم.

دیگر این که قبل از انقلاب و اوایل زندگی، مرا هم از کارهای دینی منع می کرد، ولی اکنون هیچ جلوگیری از کارهای من نمی کند و فقط غیر مستقیم، نارضایتی خودش را از رفتن به جلسه دینی و راهپیمایی و نماز جمعه و دعای کمیل نشان می دهد. از این نظر هم می خواستم بدانم آیا باید در این موردها به حرف چنین شوهری گوش کرد یا اطاعتش واجب نیست؟

ص: 188

در ضمن، در اثر دادخواست دادن و کشمکش، قباله نامه ام هم گم شده و چیزی در دست ندارم، ولی هیچ چشم داشتی به حق و حقوق ندارم. فقط استدعای عاجزانه دارم جواب را طوری لطف بفرمایید که اگر لازم بود جدا شوم، در دادگاه مورد استفاده قرار گیرد. با خواهش از خدای بزرگ، در جزای خیر برای شما.

بسمه تعالی، تا کفر و ارتداد، به وجه شرعی ثابت نشود، زوجیت به حال خود باقی است و احکام آن مترتب است.

[سؤال 10479] 5904

بسمه تعالی 10 / 9 / 1361

حضور محترم رهبر کبیر انقلاب و امام عزیزتر از جانم

سلام خود را از جوار امام هشتم، شهر شهادت، به حضورتان تقدیم می دارم.

با عرض معذرت، از حضور شما امام عزیز خواهشمند است در مورد مشکل خانوادگی، تکلیف شرعی من و فرزندانم را روشن نمایید.

زنی هستم 56 ساله و خانه دار که مدت 40 سال است که ازدواج کرده ام و مادر هشت دختر می باشم، که چهار تن از دخترانم ازدواج کرده اند و چهار تای دیگر مجرد و در منزل می باشند. شوهری دارم بازنشسته اداره دارایی که مدت 40 سال است که معتاد به تریاک و مشروبات الکلی است و نه نماز می خواند و نه روزه می گیرد و حتی منکر روز قیامت می باشد و تقریباً مدت ده سال است که اختلافات ما شدیدتر شده و در این مدت ده سال اخیر به هیچ وجه خرجی من و بچه هایش را نمی پردازد، و دوتن از دخترانم - که معلم و مجرد می باشند - خرج زندگی را می پردازند و حتی از شوهرم نیز، مانند میهمان پذیرایی می کنند و مدتی است که شوهرم به من تهمت زنا می زند و بسیار مرا معذب و ناراحت می کند، و فرزندانم که بسیار انقلابی و با ایمان هستند، از داشتن چنین پدری رنج می برند و به من می گویند که اگر از نظر شرع اشکالی ندارد، طلاق بگیر. و من الآن حیران مانده ام که چه کنم؟ آیا از این مرد جدا شوم و یا این که در

ص: 189

منزل او باقی بمانم؟ اگر طلاق بگیرم به کجا بروم؟ فرزندانم را چه کنم؟ البته همه آن‌ها کبیر می‌باشند و فقط کوچک‌ترین دخترم پانزده ساله است. آیا می‌شود در منزل شوهرم باقی بمانم و طلاق نگیرم و لیکن اطاعت او را نکنم؟ بارها به شوهرم گفته‌ام که تو می‌توانی زن دیگری بگیری، و او نیز گاهی به من می‌گوید: از منزل من بیرون برو، تو زن فاسق و بدکاره‌ای هستی، من تو را نمی‌خواهم. در صورتی که تمام فامیل و آشنایان، گواهی به پاکی من می‌دهند. در ثانی منزلی که ما در آن زندگی می‌کنیم، شوهرم به صورت اشتراکی، با دامادم خریداری کرده است، و نه دامادم امکان مالی دارد که بقیه سهم منزل را بخرد و نه شوهرم. می‌ترسم طلاق گرفتن من نیز، باعث آبروریزی فرزندانم گردد. و دیگر این که هر چند وقت یک بار، شوهرم نان و یا شیر می‌خرد و به منزل می‌آورد؛ با توجه به این که او خمس و زکات مالش را نمی‌پردازد، خوردن آن‌ها بر من و فرزندانم حلال است یا نه؟ شوهرم حتی به فرزندانمان می‌گوید: از منزل من بیرون بروید و شما آزادید که هر کجا که می‌خواهید، بروید. ولی چنانچه از او اجازه نگیرند، می‌گوید: شما به پدرتان احترام نمی‌گذارید. و مدتی است که فرزندانم با پدرشان فقط سلام و علیک می‌کنند، و با او صحبتی نمی‌کنند؛ چون هر وقت با او صحبت می‌کنند، او از انقلاب بدگویی کرده، و به من فحش می‌دهد، که در این صورت فرزندانم بسیار ناراحت می‌شوند، و ترجیح می‌دهند که سکوت کنند.

لطفاً تکلیف شرعی من و فرزندانم را روشن نمایید؟ و همچنین، بر خورد فرزندانم با پدرشان چگونه باید باشد؟

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، اگر منکر قیامت است، محکوم به کفر است و باید از او جدا شوید، مگر بدانید که منکر خدا و رسول او نیست، که در این صورت اختیار طلاق در دست اوست، و شما و فرزندان، باید او را ارشاد و راهنمایی کنید.

بسمه تعالی

با درود به رهبر کبیر انقلاب، امام خمینی، و با سلام به شهیدان و رزمندگان اسلام، و با آرزوی طول عمر امام، سؤال خودم را شروع می‌کنم، امید است جواب قانع کننده ای را دریافت دارم.

من زنی هستم بیست و پنج ساله که حدود هشت سال است ازدواج کردم با مردی که هم اکنون سی و پنج سال دارد و هنوز خداوند به ما فرزندی عطا ننموده است. در موقع ازدواج به ظاهر مسلمان بود و از باطنش اطلاعی نداشتم، اما حال پی به باطنش بردم، و حتی از ظاهر کردن آن هم ابایی ندارد. منظورم این است که نمازی می‌خواند، ولی در مورد دیگر احکام اسلام توجه چندانی نداشت، اما فعلاً چندی است که نماز را کنار گذاشته، به طوری که من فکر می‌کردم جاهل به مسأله است و یا کاهل نماز می‌باشد. اما اخیراً همان را به طور کل رها کرده، به صورتی که وقتی از او به طور جدی سؤال می‌کنم که آیا نماز نخواندن و این اخلاق جدیدی که پیدا کرده ای، نادانی است، یا با غرض، یعنی این که قبول نداری؟ چون اگر قبول نداشته باشی، بنا به گفته امام - که من مقلد او هستم - تو مرتد خواهی بود. جواب می‌دهد: بلی، من قبول ندارم. حتی بهشت و دوزخ را همین جا می‌داند و چون فقط با خاله و شوهر خاله اش، و دوستان همکارش - که فاقد اعتقاد اسلامی هستند - رابطه دارد، به انقلاب بدبین است و همه تقصیر را به گردن انقلاب و من - که زن او هستم و از این لحاظ، یعنی امور دینی، اوامر را گوش نداده و مطابق میل او که همانا مثل خودش شدن است، نشدم - انداخته است و می‌گوید: هر کاری می‌خواهی بکن، اگر دوست داری با من زندگی کنی، پس بساز. و دیگر نسبت به من بسیار بی تفاوت و بی توجه است و می‌گوید: تو مرا درک نمی‌کنی، و باید از من پشتیبانی کنی؛ چون من هستم که نان تو را می‌دهم. یعنی منظورش این است که هر چه هم به ناحق بگویند، من بگویم حق

ص: 191

با توست، ولی من این کار را نمی‌کنم.

حال از شما می‌خواهم تکلیف شرعی مرا معلوم کرده و پاسخ دهید که من می‌توانم با این مرد - که به طور عملی عقیده اش تغییر کرده - ادامه زندگی دهم یا نه؟ با تشکر فراوان و به امید پیروزی کامل اسلام بر کفر

بسمه تعالی، اگر خدا یا رسول خدا یا یکی از ضروریات دین را جداً انکار می‌کند، مرتد است و شما باید از او جدا شوید و با او نامحرم هستید، و نیازی به طلاق هم نیست.

[سؤال 10481] 1335

5. شوهر عمه من ضد این انقلاب است و شراب هم می‌خورد اما خود عمه من فردی است مسلمان و انقلابی؛ از لحاظ شرع، عمه من بر شوهرش محرم است یا نه؟

بسمه تعالی، محرم است.

[سؤال 10482] 5906

بسمه تعالی

اگر مؤمنی ازدواج کند و بعد از ازدواج متوجه شود که همسر وی، بی‌دین است تکلیف چیست؟

بسمه تعالی، اگر کافر نیست، ازدواج صحیح است.

[سؤال 10483] 5907

بسمه تعالی

اگر مؤمنی مسلمان زاده‌ای را به همسری برگزیند و بعداً معلوم شود که همسر وی علی‌رغم اقرار به اسلام، عامل به احکام ضروری نمی‌باشد، تکلیف چیست؟

بسمه تعالی، اگر منکر نیست اشکال ندارد.

ص: 192

[سؤال 10484] 5908

بسمه تعالی

اگر مؤمن یا مؤمنه ای با دیگری ازدواج کند و بعداً معلوم شود که همسر وی ناصب اهل بیت علیهم السلام است تکلیف چیست؟

بسمه تعالی، ازدواج مسلم با ناصبی صحیح نیست و باید جدا شوند.

ازدواج با اهل تسنن

[سؤال 10485] 5909

بسمه تعالی

رهبر عظیم الشان و مرجع عالی قدر حضرت آیت الله العظمی خمینی، مدّ ظلّه العالی و روحی فداک، محترماً؛ از آن مقام منیع استدعا می شود به حقیر که مقلد آن حضرت هستم در موارد معروضه زیر کمک کنید:

1. ازدواج برادران و خواهران اهل تشیع با برادران و خواهران اهل تسنن و بالعکس برادران و خواهران اهل تسنن با برادران و خواهران اهل تشیع آیا منع شرعی دارد یا خیر؟

بسمه تعالی، حکم مسأله در رساله مذکور است.

2. اگر ولیّ دختر باکره ای به عللی مصراً به ازدواج دائم با جوانی اجازه ندهد و طرفین نیز به هر وسیله شده ازدواج نمایند، در صورت وقوع و اجرای صیغه عقد دائم بدون حضور و اجازه ولیّ، این ازدواج شرعاً چه صورتی خواهد داشت؟

بسمه تعالی، موقوف است به اجازه پدر یا جدّ پدری دختر.

3. ازدواج منقطع با دختران باکره با اذن ولیّ یا در صورت فقدان ولیّ برای تمتّع و زناشویی منع شرعی دارد یا خیر؟

بسمه تعالی، با اذن پدر یا جدّ پدری دختر و با نبود آن ها با اذن خود دختر مانع ندارد.

بسمه تعالی

محضر حضرت آیت الله العظمی خمینی

دختر شیعه را مردی سنی دزدی کرده برده به دین خود تربیت کرده سنی شده این را به طریق خود عقد کرده که سنی ها عقد می کنند و دختر چند مدت زن سنی بوده يك وقت این دختر از خانه مرد سنی فرار می کند برمی گردد به وطن خود دین سنی را رها می کند دوباره دین شیعه را اختیار می کند و يك مرد شیعه با این ازدواج می کند حالا عقد سنی درست است یا عقد شیعه؟ شما امر بفرمایید.

بسمه تعالی، اگر دختر با طیب خاطر به عقد اول تن داده عقد دوم باطل است.

ازدواج غیر هاشمی با هاشمیه

[سؤال 10487] 6968

4. نظر ایشان راجع به ازدواج سید با غیر سید، خصوصاً دختران سید چیست؟

بسمه تعالی، به رساله مراجعه نمایید.

ازدواج با شرابخوار

[سؤال 10488] 5911

بسمه تعالی 6 / 6 / 1361

ازدواج با فردی که شراب خوار بوده و هست چه حکمی دارد؟

بسمه تعالی، کراهت شدید دارد و مذموم است.

ص: 194

[سؤال 10489] 5912

بسمه تعالی

شخصی دختر پنج ساله را صیغه کرده دوباره خواهر بزرگ آن را صیغه کرده و دخول کرده صیغه خواهر دوم صحیح است یا نه شما بیان فرمایید.

بسمه تعالی، اگر صیغه خواهر اولی سر آمده یا آن که مدت را به او بخشیده بعداً با خواهر دومی ازدواج کرده ازدواج مزبور صحیح است.

[سؤال 10490] 6346

4. در صیغه متعه ذکر مهر را شرط فرموده اید اگر چیز غیر متمول مثل شراب و مال غصبی ذکر کند آیا مثل عقد دائم متعه نیز صحیح است و مهر المثل لازم می شود یا عقد متعه باطل است؟ بیان فرمایید.

بسمه تعالی، اگر غیر متمول باشد عقد متعه باطل است.

[سؤال 10491] 646

5. دختر و پسری قرار است سه ماه دیگر عقد دائم شوند و مهر عقد هم معلوم است و در این مدت سه ماه می خواهند صیغه محرمیت بخوانند. آیا این صیغه، باز هم مهر دارد؟

بسمه تعالی، مهر عقد دائم، مربوط به عقد متعه قبلی نیست و عقد متعه قبلی برای خود جداگانه باید حساب شود.

[سؤال 10492] 5453

3. آیا صیغه (ازدواج موقت) برای حدود دو سه ساعت (به اندازه رابطه جنسی برقرار کردن) از نظر اسلام درست می باشد یا خیر؟

بسمه تعالی، صحیح است.

ص: 195

بسمه تعالی

محضر مبارك امام، دام ظلّه

در عقدنامه عبارتی است؛ بیان فرماید آیا از آن، عقد دائم استفاده می شود یا عقد موقت؟ و آن عبارت این است: طبق خطبه عقد دائمی دستور اسلام به مرحله 99 ساله انجام شد.

بسمه تعالی، در عقد ازدواج اگر مدت ذکر شود - ولو این که طولانی باشد - عقد متعه حساب می شود.

بسمه تعالی 1361/7/29

محضر مبارك رهبر كبير انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی، با تقدیم تحیّت و عرض ادب و دست بوسی به استحضار مبارك می رساند: خواهشمند است بیان فرمایند قبل از انقضای مدت نکاح منقطع برای زوجینی که قصد ازدواج دائم را دارند، نیازی به بذل و ابراء مدت می باشد یا خیر؟ والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، تا مدت نکاح منقطع تمام نشده یا آن را زوج نبخشیده، ازدواج دائم صحیح نیست.

2. یکی از دوستانم در رژیم گذشته با پسری ازدواج کرد که چون جزو دستگاه رژیم گذشته بود در ایران نمی تواند به سر ببرد، از طرفی این دو نفر فقط عقد یکدیگر هستند آن هم مدت دار و به مدت نود و نه سال. این دختر دیگر نمی خواهد با شوهرش پیمان داشته باشد. آیا يك طرفه می تواند طلاق بگیرد یا خیر؟ در صورت عدم امکان، آیا اگر شوهرش حاضر بشود بگوید بخشیدم؛ این عقد باطل است یا خیر؟ لازم به تذکر است که این دختر هنوز هیچ گونه رابطه ای با شوهرش نداشته است و

همچنان باکره است. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، عقد مدت دار طلاق ندارد و تا مدت تمام نشده یا شوهر، آن را نبخشیده؛ به حال خود باقی است و اگر شوهر بگوید مدت را بخشیدم عقد به هم می خورد.

[سؤال 10496] 5915

بسمه تعالی

حضور محترم امام امت دامت افاضاته

احتراماً برادری با يك زن مشرك (مسیحی کاتولیک) ازدواج کرده و پس از سال ها حالا می خواهد حکم این ازدواج را بدانند، الآن هم صاحب چهار فرزند می باشند این خانم حاضر نیست ترك مذهب خودش را بکند و این برادر هم به امید این که می تواند او را عوض کند با او ازدواج کرده و ایشان الآن امریکا هستند. چنانچه بخواهند طلاق دهند بنا به قانون امریکا بچه ها و تمام مایملک این برادر به زن متعلق می شود. آیا این برادر می تواند به این زندگی ادامه دهد؟ چنانچه غیر از این است حکم آن را بفرمایید.

بسمه تعالی، می تواند آن زن را به عقد موقت ازدواج کند.

[سؤال 10497] 7159

2. آیا وجود شاهد و نوشته، در مسأله صیغه موقت ضروری است؟ و شرایط کلی درست بودن صیغه موقت چیست؟

بسمه تعالی، اگر مقرراتی دولت اسلامی در این باره دارد، باید مراعات شود و شرایط صحت عقد در رساله مذکور است.

[سؤال 10498] 5916

بسمه تعالی

محضر حضرت آیت الله العظمی خمینی مدّ ظلّه العالی

1. شخصی زن را صیغه می کند قرار می گذارد که وطی از دبر می کنم زن هم راضی

ص: 197

می شود این صیغه صحیح است یا باطل است و جایز نیست؟

بسمه تعالی، مضر به صحت عقد نیست.

2. در توضیح المسائل در مسأله 889 فرموده اید مرد و زن هر دو اگر در جایی خلوت باشد نماز هر دو باطل است ولی نفرمودید در حال ناچاری هم باطل است یا صحیح؟

بسمه تعالی، باطل نیست و فرقی بین دو صورت نیست و در توضیح هم نوشته شده باطل نیست.

3. اگر کسی به مرغ دخول کند، هم مثل حیوان های دیگر نجس می شود یا نه؟

بسمه تعالی، نجس نمی شود بلکه حرام هم نمی شود و در حیوانات دیگر نیز نجس نمی شوند و لکن بهائم حرام می شوند.

[سؤال 10499]

4. شخصی زن را صیغه يك ساعته قرار می گذارد يك دفعه در اول دخول می کند دفعه دوم بعد از 55 دقیقه دخول می کند ده دقیقه طول می کشد آن پنج دقیقه که زیاد شده حلال است یا حرام؟

بسمه تعالی، حرام است.

[سؤال 10500]

5. شخصی يك ساعته صیغه می کند يك ساعت که تمام شد زن بگوید يك ساعت دیگر راضی هستم راضی بودن زن صحیح است یا این مرد باید دوباره صیغه بخواند؟

بسمه تعالی، بدون عقد جدید جایز نیست.

[سؤال 10501]

6. يك زن يك ساعت به چهار نفر صیغه می شود در آخر يك غسل می کند این طور صیغه ها صحیح است؟ شما بیان فرمایید.

بسمه تعالی، يك غسل کفایت می کند و اگر زن یائسه باشد صیغه ها هم مانع ندارد.

ص: 198

محضر مبارک مرجع تقلید شیعیان جهان، حضرت امام خمینی

با سلام به حضور اقدس حضرت عالی، تقاضای عاجزانه دارم جواب مسأله زیر را برایم بنویسید.

1. پدرم فوت کرده است؛ مادرم جوان است و می خواهد شوهر داشته باشد؛ اگر با وجود شرایط زیر صیغه موقت کند صحیح است یا نه؟
و شرط بهتر و شرعی کدام است؟

بسمه تعالی، مانع ندارد.

[سؤال 10503]

2. اگر بیست سال صیغه موقت شود و بچه دار شدند، وضعیت ارث فرزند و مرد و زن چگونه است؟

بسمه تعالی، در ازدواج موقت، بین زن و شوهر توارث نیست و احتیاط آن است که شرط توارث نکنند؛ ولی بچه از هر دو طرف ارث می برد و بالعکس.

3. مادرم از شوهر قبلی چهار فرزند صغیر دارد که بنده برادر بزرگ و ولی آن ها هستم؛ آیا مادرم به بهانه مادر بودن می تواند مرد جدید را به این خانه بیاورد و با او در همین خانه بخواهد؟ و اگر می شود، حق مالکیت صغیرها چه می شود؟

بسمه تعالی، حق ندارد.

4. آیا بنده می توانم از طرف چهار فرزند پدرم که صغیرند، اجازه شوهر کردن به طریق فوق را به مادرم در خانه خودمان بدهم؟

بسمه تعالی، شما اگر ولایت شرعی بر صغار ندارید، نمی توانید اجازه دهید.

[سؤال 10504]

5. چون مادرم فرزند شیرخواره ندارد، بهتر نیست شوهر کند؟ چون 45 ساله است

و امکان بچه دار شدن زیاد است. و آیا زن با این سن می تواند صیغه موقت، با مدت بالا انجام دهد؟

بسمه تعالی، اشکال ندارد.

[سؤال 10505] 536

2. اگر در ازدواج موقت، مرد و زن قصد ازدواج دائم داشته باشند و این امر را مقدمه قرار دهند (به جای دوران نامزدی که وجه شرعی داشته باشند) اگر بعد از مدتی یکی از آن دو پشیمان شود، مجاز به ترك است یا خیر؟

بسمه تعالی، اشکال ندارد؛ ولی تا مدت ازدواج منقطع باقی است زن باید از شوهر خود تمکین کند.

[سؤال 10506] 5918

بسمه تعالی

محضر مبارك مستطاب آیت الله العظمی و المرجع الدینی الاعلی و رهبر عالی قدر، امام خمینی، دام ظلّه العالی، چه می فرمایید درباره این مسأله:

زید زنی را به زوجیت منقطع تزویج نموده است هشت سال از زمان زوجیت باقیمانده او را ابراء می کند، به شرط این که با عمرو و بکر ازدواج نکند؛ آیا این ابراء مشروط صحت دارد یا خیر؟ و بر فرض صحت، آیا شرط ضمن ابراء لازم الوفا است یا خیر؟ و در صورت لزوم وفا، آیا حرمت ازدواج با عمرو و بکر تکلیفی است و یا عقد ثانی باطل می باشد؟ متمنی است مشروحاً بیان فرمایید. اجرکم علی الله.

بسمه تعالی، ابراء مدت صحیح است و شرط در آن باطل و بی اثر است.

ص: 200

[سؤال 10507] 5919

بسمه تعالی

خدمت مستطاب حجت الاسلام والمسلمین آیت الله العظمی حضرت امام خمینی مدّ ظلّه العالی

پس از عرض سلام به عرض می رساند به دنبال اعلام نظریه پزشک قانونی در مورد زنی مبنی بر این که «مبتلا به جنون نیست، ولی در جاتی از عقب افتادگی روانی و نقص عقل در وی مشهود بوده» که اختیار سرپرست را جهت نامبرده ضروری می نماید، زیرا قادر به اداره امور خود نیست، دادگاه برای مشار الیها اختیار قیم و سرپرست کرده است. اینک با عرض مراتب از پیشگاه مبارك حضرت آیت اللهی تمنا دارد امر فرموده نظر خود را اعلام دارند که اولاً- آیا این مقدار از عقب افتادگی و عدم رشد در صورتی که ثابت شود حین عقد موجود بوده موجب حق فسخ عقد ازدواج برای زوج می گردد یا خیر؟ و ثانیاً در صورتی که ثابت شود اولیاء مشار الیها با علم و عمد اقدام به تزویج نامبرده نموده اند، و زوج از این موضوع اطلاعی نداشته، ضرر و زیان وارده بر زوج به عهده کیست؟

بسمه تعالی، در فرض مسأله، زوج حق فسخ ندارد و اگر تدلیسی در بین نبوده کسی ضامن نیست.

[سؤال 10508] 5920

بسمه تعالی

محترماً؛ معروض می دارد: این جانب در تاریخ 1356/ 5/ 10 با آقای ازدواج کردم. دو روز بعد از ازدواج، در تاریخ 1356/ 5/ 12 شوهرم در اثر تصادف با اتومبیل دچار ضربه مغزی گردید و مطابق مدارک، تا فروردین 1357 ایشان در بیمارستان و در

ص: 201

منزل بستری بود. چون بهبود کامل پیدا نکرد ایشان را برای معالجه به يك کشور خارجی اعزام کردم؛ ولی با کمال تأسف در آن جا نیز معالجه نشد و ضربه فوق الذکر لاعلاج تشخیص داده شد. اکنون که متجاوز از دو سال از تصادف می گذرد، ایشان به هیچ وجه قادر به کار نمی باشد و حالت جنون پیدا کرده و تعادل مغزی و فکری ندارد. غیر از حرف های رکیک و کتک زدن من کاری انجام نمی دهد. مرکز پزشکی قانونی طبق نامه شماره نیز تأیید کرده است که ایشان قادر به اداره امور خود نمی باشد. بنا به دلایل فوق الذکر و با توجه به این مسائل که جنون ایشان لاعلاج تشخیص داده شده است، از آن مقام مستدعی است بعد از تحقیق صحت عرایض فوق ترتیبی اتخاذ شود تا حاکم شرع حکم به جدایی ما بدهد.

بسمه تعالی، اگر مرد مجنون شده، زن حق دارد عقد خود را فسخ کند.

[سؤال 10509] 5921

بسمه تعالی 1361 / 9 / 30

مقام معظم و مرجع عالی قدر شیعیان جهان و رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران، حضرت امام خمینی؛ خواهشمند است جواب را ذیلاً مرقوم فرمایید که مورد حاجت مبرم است.

اگر مردی با زنی (دوشیزه) به عنوان این که او زنی سالم است ازدواج نمود؛ بعد معلوم شد بر طبق گواهی پزشکی قانونی آن زن از نظر عقلی و فکری عقب مانده بوده، حتی قادر به اداره امور شخصی خود نیست، آیا حالت چنین زنی باعث فسخ عقد نکاح می باشد یا خیر؟ و اولیای دختر ملزم به پرداخت خسارات ناشی از مخارج عقد و عروسی می باشند یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر عقب ماندگی عقلی و فکری در حد دیوانگی نباشد و در ضمن عقد ازدواج، سلامت از جهت ذکر شده، شرط نشده حق فسخ ثابت نیست. مگر آن که صحت به نحو اشتراط یا توصیف در عقد ذکر شده یا

ص: 202

عقد مبنی بر آن واقع [شده] باشد به طوری که تدلیس صدق کند، و تدلیس سبب شده باشد که شوهر گول بخورد.

[سؤال 10510] 5922

بسمه تعالی 1361 / 10 / 27

محضر مبارك حضرت مستطاب، حجت الاسلام و المسلمین، جناب آقای پسندیده، دامت برکاته

شخصی جوان با دختری جوان ازدواج نموده، بدون این که ابتدا دختر را رؤیت نموده باشد. پس از مدتی متوجه شده است دختر به مرض پیسی مبتلا بوده؛ یعنی بدن و پیشانی او که مخفی نگاه می داشته لك لك سفید و به قول ما پیسی دارد.

با کمال احترام، از جناب عالی می خواهم جواب مسأله را در ذیل ورقه مرقوم بفرمایید. موفقیت حضرت عالی را از خداوند متعال خواهانم.

بسمه تعالی، اگر اصل پیسی و این که قبل از عقد وجود داشته محرز شود، شوهر حق فسخ عقد ازدواج را دارد.

[سؤال 10511] 6211

2. اگر پس از دو سال که از ازدواج زن و شوهر می گذرد عقیم بودن مرد اثبات گردد آیا زن حق فسخ عقد را دارد؟ مسأله مهریه چه می شود؟

بسمه تعالی، حق فسخ ندارد و مهریه ثابت است.

[سؤال 10512] 3547

3. شخصی سفیه که گاه گاهی هم حالت جنون پیدا می کند با زنی ازدواج کرده و مدتی زن در خانه آن مرد زندگی کرده و دو فرزند از او پیدا کرده. بعد از آن مدت 12 سال است که آن زن از خانه مرد بیرون رفته و هیچ گونه معاشرتی با او نداشته و ندارد و به هیچ عنوان راضی نمی شود در خانه مرد بیاید و زندگی کند و مدعی طلاق است. آیا اجازه می فرمایید زن را طلاق دهند؟ تکلیف مهریه زن از چه قرار است؟ در ضمن مرد

ص: 203

مذکور قبل از ازدواج همین حالت را داشته است.

بسمه تعالی، اگر زن عیب مرد را می دانسته و با این حال اقدام به ازدواج کرده، تا مرد به اختیار او را طلاق ندهد زوجیت باقی است و در هر حال مهریه خود را حق دارد.

[سؤال 10513] 5923

بسمه تعالی 1361/9/9

محضر مقدس حجت الاسلام و المسلمین حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی، چه می فرمایند. در مورد مسائل ذیل:

1. تشخیص جنون عارض بر احد زوجین، آیا بر عهده پزشک و متخصصین است یا با تشخیص حاکم شرعی؟ و در صورتی که نظر طبیب متخصص مبنی بر جنون اعلام گردید، آیا حاکم شرعی می تواند آن را رد نماید؟

بسمه تعالی، در موارد اختلاف، میزان، ثبوت به طریق شرعی است.

[سؤال 10514]

2. اگر جنون زوجه پس از عقد ثابت و قیّم هم برای او تعیین گردید، آیا زوج می تواند همسر خود را فقط طلاق دهد و یا می تواند نکاح را فسخ کند؟ توضیحاً اضافه می نماید دادگاه، حکم نموده که جنون زوجه متصل به صغر بوده است.

بسمه تعالی، اگر ثابت شود که جنون زوجه از پیش از عقد بوده و زوج از آن، هنگام عقد اطلاع نداشته، حق فسخ برای زوج ثابت است.

[سؤال 10515] 5924

بسمه تعالی 1361/2/21

محضر مبارک رهبر کبیر انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

در صورتی که زوج مدعی عدم بکارت زوجه، و زوجه مدعی بکارت باشد،

ص: 204

تکلیف چیست؟ و آیا هر دو مدعی شمرده می شوند، با این که یکی از آن دو مدعی دیگری منکر است؟

بسمه تعالی، قول زوجه مقدم است، مگر آن که خلاف آن، به وجه شرعی ثابت شود.

[سؤال 10516] 5925

بسمه تعالی

اگر زنی ادعا کند که شوهر او عتین است، و این ادعا ثابت شود، به شوهر جهت «مقاربت» چه مقدار فرصت می دهند؟

بسمه تعالی، بعد از ثبوت عنن اگر زن به حاکم شرع مراجعه کرد تا يك سال - از زمان رجوع به حاکم - به مرد مهلت داده می شود.

[سؤال 10517] 5926

بسمه تعالی

1. آیا دوست نداشتن یا شش سال در خانه شوهر نبودن موجب طلاق می شود؛ در صورتی که شوهر علاقه به همسرش دارد و حاضر است هر زمانی که همسرش به خانه برگردد، با اخلاق اسلامی با او زندگی کند و به هیچ وجه حاضر به طلاق نمی باشد.

2. حکمی از طرف دادگاه مدنی خاص، جهت تمکین زن از شوهرش صادر شده و این حکم از طرف دادگاه تجدید نظر و از طرف دیوان عالی کشور تأیید گردیده است. پس از این که حکم به زن ابلاغ شده زن به خانه شوهر برنگشته، آیا از نظر شرعی، دادگاه یا مأمور اجرا می تواند زن را وادار به آمدن به خانه شوهر کند.

3. زنی شش سال قبل، بعد از ازدواج پنج روز در خانه شوهر مانده است و بعد از پنج روز با ادعای عنین بودن شوهر، خانه او را ترك نموده است و تقاضای طلاق کرده است. عنین بودن شوهر ثابت نشده و سالم تشخیص داده شده است؛ لذا دادگاه حکم

ص: 205

تمکین داده است. زن بعد از حکم ادعا کرده که شوهرش را دوست ندارد. شوهر هم به هیچ وجه حاضر نیست زنش را طلاق بدهد و می گوید به همسرش علاقه مند است. آیا دادگاه می تواند بدون رضایت شوهر، او را طلاق حرجی بدهد؟ با توجه به این که شوهر کوچک ترین خلاف در مورد همسرش نداشته و حاضر است بعد از این هم با او به خوبی و خدایسندانه زندگی کند.

بسمه تعالی، بر زن واجب است از شوهر اطاعت کند و تمکین نماید و اختیار طلاق با شوهر است؛ و اگر زن مدعی عنین بودن شوهر باشد، می تواند به دادگاه شرعی مراجعه کند تا اگر پس از يك سال از مراجعه به حاکم شرع ناتوانی شوهر ثابت شد، زن حق فسخ نکاح دارد.

[سؤال 10518] 5927

بسمه تعالی 1361 / 11 / 27

حضور محترم مرجع عالی قدر و رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

در صورتی که زوجه مدعی عنین بودن زوج خود شود، طریق اثبات آن چیست؟ و حکم شرعی کدام است و حاکم محکمه محل رجوع چه تکلیفی از لحاظ شرعی در این ترافع دارد؟ والسلام علی من اتبع الهدی. با تقدیم احترام

بسمه تعالی، زن می تواند به حاکم شرع مراجعه کند و حاکم شوهر را تا يك سال مهلت می دهد، اگر نتوانست در خلال مدت با آن زن یا با زن دیگری نزدیکی کند، زوجه می تواند عقد را فسخ نماید و خود را آزاد سازد.

[سؤال 10519] 5928

بسمه تعالی 1360 / 7 / 18

دفتر محترم امام خمینی، دامت افاضاتهم

احتراماً؛ با تقدیم عرض سلام، و طلب طول عمر برای امام به استحضار می رساند:

ص: 206

این جانب در حدود يك سال قبل، با پسر عمویم ازدواج نمودم. از اول زندگی مشترکمان، اعمالی از ایشان سر می زد که يك آدم سالم انجام نمی داد، و چون هدفم ادامه زندگی بود، صبر و حوصله نموده و توجهی نمی کردم، تا این که تدریجاً این اعمال شدت گرفت و کم کم جنونش آشکار شد، به طوری که يك شب بدون هیچ گونه سبب و علت و اختلافي، این جانب را از خانه اش بیرون کرد و من به خانه پدرم رفتم. دو شب بعد به خانه یکی از همکارانش می رود و می گوید من مهمان شما هستم و شب را آن جا می ماند و می خوابد و از ساعت دو بعد از نیمه شب، به بهار خواب حیاط آن ها رفته و با صدای بسیار بلند، شروع به هذیان گفتن و حرف های نامعقول زدن می کند، به طوری که اکثر همسایگان و اهالی محله بیدار می شوند و دور او جمع می گردند و به پدرش تلفنی اطلاع می دهند و پس از آمدن پدر و برادرانش، با زحمت زیاد در اول آفتاب با اتومبیل، او را به خانه پدرش می برند، و بعداً برای معالجه به تهران می روند و جنونش کاملاً آشکار می گردد و در سطح شهر منتشر می شود. بنده هم به قصد به هم زدن عقد در خانه پدرم اقامت کردم و تصمیم خود را به اطلاع وی و بستگانش رساندم. ضمناً مادر وی سال ها است که دیوانه می باشد. استدعا دارم با توجه به مراتب بالا، به سؤالات ذیل پاسخ مرحمت فرمایید:

1. آیا این جانب شرعاً مطلقه و آزاد هستم یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر مجنون است و عقد را فسخ کرده اید، از او جدا هستید و بعد از عده می توانید شوهر کنید.

2. طلا و جواهر و ملبوس زنانه، که در مراسم ازدواج از طرف داماد و بستگانش به من اهدا شده، با متارکه به این جانب تعلق می گیرد، یا باید به آن ها پس بدهم؟

بسمه تعالی، در صورتی که عین آن موجود است، می توانند پس بگیرند.

[سؤال 10520] 3381

4. اگر کسی دختر باکره را به عقد دائم در آورد و بعد از دخول ٲیبه درآمد، حق فسخ

ص: 207

دارد یا خیر؟ اگر حق فسخ دارد، باید تمام مهر را بدهد یا مثل؟

بسمه تعالی، در موارد ثبوت خیار فسخ، حق فسخ با دخول ساقط نمی شود و در صورت تحقق دخول، مهر را باید بپردازد.

[سؤال 10521] 5929

بسمه تعالی 1361 / 3 / 31

پیشگاه مبارك امام امت، رهبر مستضعفان جهان بشریت دامت توفیقانکم

در نهایت احترام به استحضار عالی می رساند این جانبه نظر به این که مدت سه ماه با شوهرم زندگی کرده ام، و شوهرم این جانبه را مبتلا به بیماری برص (جلدی) نموده است و دادگاه شهرکرد حکم فسخ نکاح را صادر کرده است، حضرت عالی در مورد مهریه و کسوه و نفقه و ایام عده شرعیه چه می فرمایید؟ خواهشمند است جواب را کتبی بنویسید تا ما آگاه شده، مسائل شرعیه را به نحو احسن انجام دهیم. قبلاً از الطاف و عنایات خاصی که در این مورد مبذول می فرمایید، بی نهایت تشکر می کنم.

بسمه تعالی، فسخ نکاح اگر بعد از دخول واقع شده، زن حق مطالبه تمام مهر را دارد، ولی در مورد فسخ، نفقه ایام عده بر عهده شوهر نیست.

[سؤال 10522] 5930

بسمه تعالی

محضر مقدس حضرت آیت الله العظمی، امام امت و راهنمای حق و حقیقت، مولانا و مقتدانا، آقای خمینی، دام ظلّه العالی علی رؤوس المسلمین

با کمال احترام از مقام عالی، مسأله شرعیه زیر را استفتا می نمایم و تقاضا دارم فتوای عالی مشروحاً اعلام گردد که مورد احتیاج است. این جانب دختری را خواستگاری نمودم و با موافقت پدر او و تعیین صداق، عقد ازدواج واقع گردید. پس از انجام مراسم عروسی، در اولین شب به مشکلی برخورد نمودم که دختر آلت و حالت زنانه در او منتفی است و از این جهت موجبی برای انجام وظایف زناشویی

ص: 208

حاصل نشد. و بعد از آن، به طوری که گفته شده قاعده زنانه در او منتفی بوده است. حال با فقدان صفت خاص و آلت زنانه، که این جانب مهریه را در مقابل آن تعیین و تملیک او قرار داده ام، مالک مهریه می شود یا خیر؟

ضمناً مشارالیها به هیچ نحوی حاضر به معاینه دکتر نمی شود. به چه نحو و طریقی می توان موضوع را ثابت نمود؟ نظریه و فتوای عالی مورد استدعا است؟

مَتَّعَ اللَّهُ الْمُسْلِمِينَ بِطَوْلِ بَقَائِكُمْ الشَّرِيفِ

بسمه تعالی، اگر یکی از عیوب مجوز فسخ - که در رساله ذکر شده است - در زن هست، شما می توانید ازدواج را فسخ کنید و با فسخ قبل از دخول، مهریه ساقط می شود.

[سؤال 10523] 5931

بسمه تعالی

محضر مبارک آیت الله العظمی رهبر عالی قدر امام خمینی مدّ ظلّه العالی، احتراماً معروض می دارد و مستدعی است به مسائل ذیل جواب عنایت فرمایید که مورد احتیاج است.

1. در صورتی که پدر و برادران دختری او را شوهر دهند و از وجود عیبی از قبیل پیسی و سوختگی و کچلی آن دختر مطلع باشند و به شوهر نگویند اولاً مجرد کتمان عیب تدلیس می باشد یا خیر و ثانیاً بر فرض تدلیس، مدلس شخص دختر است یا بستگان او ثالثاً مدلس ضامن مهر می باشد یا خیر و رابعاً بر فرض ضمان مدلس اگر طلاق قبل از دخول واقع شود نصف مهر به عهده مدلس می باشد یا نه؟

بسمه تعالی، مجرد نگفتن عیب تدلیس نیست.

2. آیا احکام فضولی در صداق و مهر زوجه جاری می باشد یا خیر، به این معنا که اگر ملک دیگری را صداق قرار دهند و بعداً صاحب ملک اجازه دهد صحیح است، یا خیر؟

بسمه تعالی، صحیح است.

3. در وقف و حبس فضولیت جریان دارد یا خیر؟

ص: 209

بسمه تعالی، در وقف و حبس جاری نیست.

4. اصرار به مخالفت احتیاطات وجوبی بدون مراجعه به غیر مستلزم فسق است یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر بدون حجت اصرار به مخالفت می کند معامله عدالت با او نمی شود علی الاحوط.

5. هدایایی که بستگان شوهر به عنوان کرایه زبان به زن می دهند هبه معوضه می باشد یا خیر؟

بسمه تعالی، هبه غیر معوضه است.

6. ابراء و صلح به امضای ذیل ابراءنامه و صلح نامه بدون انشا لفظی محقق می شود یا خیر؟

بسمه تعالی، مجرد امضا کفایت نمی کند.

[سؤال 10524] 5932

بسمه تعالی

من پسری دارم که در ضمن تحصیل تحت تعقیب ساواک قرار گرفت، اولین باری که به وسیلهٔ مأمورین مورد آزار و اهانت قرار گرفت خیلی غیر منتظره بود، به تشخیص دکتر همان ناراحتی ها باعث بیماری او شده، مدتی به ضعف اعصاب دچار بود، پس از معالجه به تحصیل خود ادامه داد و اکنون سالم است. حال که تصمیم به ازدواج گرفته و از من خواسته که در این مورد اقدام کنم، آیا لازم است به خانوادهٔ دختر راجع به این بیماری او بگویم؟ البته با گفتن این موضوع امکان دارد خانوادهٔ دختر به شك بیفتند و این ازدواج انجام نپذیرد آیا اگر نگویم مسئول نیستم؟

امیدوارم که در پرتو عنایات حق موفق و مؤید باشید؛ ان شاء الله، خدا نگهدار

بسمه تعالی، گفتن سابقه کسالت لازم نیست ولی تدلیس جایز نیست.

[سؤال 10525] 5933

بسمه تعالی 1358/8/8

دفتر امام خمینی، استدعا دارد به مسائل زیر طبق فتوای امام پاسخ فرماید:

1. اگر شخصی به عنوان این که شخص سالمی است دختری را از خانواده ای به عقد خود درآورد و بعد از عقد معلوم شود که شخص مزبور، خانواده و دختر را فریب

ص: 210

داده و هروئینی و معتاد است، چه صورت دارد و تکلیف دختر بیچاره با این انسان گرگِ صفت چه می باشد؟

2. يك شخص معتاد به هروئین با يك دیوانه چه فرقی دارد؟ در صورتی که دیوانه به ناموس خود خیانت نمی کند ولی شخص معتاد حاضر است برای يك مقدار گرد ناموس خود را بفروشد و دختر بدبختی را به فحشا و پلشتی بکشاند. خواهشمند است به این موضوع هرچه زودتر جواب مرقوم فرمایند؛ زیرا پای شرافت و ناموس دختران معصوم در میان است.

بسمه تعالی، اگر عدم اعتیاد در ضمن عقد، شرط یا عقد مبنی بر آن واقع شده باشد، زن حق فسخ دارد.

[سؤال 10526] 5934

بسمه تعالی

رهبر عالی قدر مرجع کبیر جهان تشیع حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی، با عرض سلام و اهدای تحیات، از خداوند متعال مسئلت می نماید که وجود مقدس آن حضرت را از بلیّات مصون و سایه مبارک را بر سر مسلمین مستدام بدارد. ضمناً معروض این که جواب مسائل زیر را لطفاً مرقوم فرمایید:

1. زنی و مردی با هم ازدواج نمودند. بعد از ازدواج، زن متوجه شد که شوهرش معتاد است. آیا زن می تواند عقد ازدواج را فسخ کند یا نه؟

بسمه تعالی، اگر در ضمن عقد شرط نشده یا عقد مبنی بر آن واقع نشده، حق فسخ ندارد.

2. مردی زنش را طلاق داد و زن پس از انقضای مدت عدّه طلاق با مرد دیگری ازدواج کرد. پس از ازدواج برای زن معلوم شد که شوهر سابقش در زمان عدّه طلاق فوت شده است؛ تکلیف این زن چیست؟

بسمه تعالی، ازدواج صحیح است و از زمان بلوغ خبر فوت شوهر اول زن باید عدّه وفات بگیرد.

ص: 211

بسمه تعالی

تهران، دفتر امام خمینی

ضمن سلام و دست بوسی اگر کسی به تدلیس، زنی به کسی بدهد و موقعی که عروسی کرد روز بعد فهمید که زوجه مرض واگیری کهنه دارد و او را برد خانه پدرش و دکتر گفته خوب شدنش طول می کشد و زوج با وجود عیب احتیاطاً صیغه طلاق را هم جاری کرد آیا زوجه حق مهر را دارد یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر دخول واقع شده زوجه تمام مهر را حق دارد.

بسمه تعالی

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، دام ظلّه العالی، پس از ابلاغ سلام، سلامتی شما را از خداوند مسئلت دارم.

شخصی صاحب زن و فرزند، به داعی كلك و خدعه، با ارائه شناسنامه المثنی که در آن ثبت ازدواج نشده، دختر باکره 17 ساله ای را خواستگاری کرده است. دختر یاد شده به داعی ازدواج با شرط ارتکازی مجرد مرد، پس از تحقیق لازم با مرد مذکور ازدواج می کند. سپس مراسم عقد، عروسی و بالاخره ازاله بکارت به واسطه عمل زناشویی انجام می گیرد. بعد معلوم می شود که مرد، زن و بچه دارد. با توجه به این که چنانچه دختر می دانست که آن مرد معیل است با وی ازدواج نمی کرد و با در نظر گرفتن این جریان:

1. آیا عدم شرط ارتکازی موجب فسخ عقد می شود؟

2. آیا زن می تواند با همان لحاظ، تقاضای طلاق کند؟

3. بر فرض عدم جواز فسخ، آیا زن می تواند تقاضای کل مهریه را دفعتاً بکند؟

4. آیا این عمل از ناحیه مرد، موجب تعزیر نیست؟

بسمه تعالی، زن حق فسخ ندارد و نمی تواند مرد را به طلاق اجبار کند، ولی

می تواند تمام مهریه خود را به قراری که در عقد ذکر شده، مطالبه نماید و چیزی بر مرد نیست، مگر آن که تدلیس کرده باشد، که در این صورت حاکم شرع می تواند او را مؤاخذه کند.

[سؤال 10529] 5937

بسمه تعالی 1361 / 10 / 25

دفتر محترم امام خمینی

احتراماً؛ خواهشمند است به مسأله شرعی این جانب پاسخ دهند.

مسأله بدین شرح است که پس از جاری شدن صیغه عقد، پس از يك ماه مشخص گردید که دختر دروغ گفته است؛ یعنی این که سن خود را با بردن شاهد به دادگاه در زمان جمهوری اسلامی، پنج سال تقلیل داده است؛ لکن با رجوع به مدارك تحصیلی و سال ورود به مدرسه مشخص گردیده سن واقعی ایشان غیر از سنی است که در شناسنامه قید شده است؛ و در حال حاضر سن دختر، چهار سال از پسر بزرگ تر می باشد و اینک پسر راضی به تشکیل خانواده نمی باشد.

خواهشمند است نظر خود را راجع به مهریه و هزینه هایی که پسر متحمل شده و دختر اینک در خانه پدر می باشد و تصرف نگردیده و با توجه به این که در ابتدای زندگی چنین دروغی گفته، به چه امیدی می توان به تقوای چنین شخصی اعتماد کرد و چرا باید دروغ بگوید؟! خواهشمند است تکلیف شرعی را مشخص نمایند.

بسمه تعالی، با این مقدار، پسر حق فسخ پیدا نمی کند و اگر قبل از دخول او را طلاق دهد، مهر نصف می شود.

[سؤال 10530] 5938

بسمه تعالی

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، دام عزه

محترماً معروض می دارد: اگر دختر را به پسر با چادر، سر به زیر نشان دهند، به

ص: 213

طوری که صورت دختر دیده نشود و پسر از واسطه‌ها بپرسد که دختر عیب و نقصی نداشته باشد و واسطه‌ها بگویند: عیب و نقصی ندارد و خیلی هم دختر زیبایی است و سر به زیری دختر از خجالت است ولی بعد از عقد، پسر ببیند که چشم‌های دختر چپ و چابیدگی در ابرو دارد؛ آیا عقد صحیح است یا نه؟ و اگر پسر عقد را پس بخواند، از مهریه چیزی به دختر تعلق می‌گیرد یا نه؟ (ناگفته نماند پسر در اول کار به واسطه‌ها می‌گوید: من دختر متدینه و با حجاب می‌خواهم و بعد معلوم بشود که دختر نسبت به احکام بی‌اعتنا بوده و از دبیرستان هم پاک‌سازی شده است). به فرض این که در موقع دیدن پسر و دختر، صیغهٔ محرمیت خوانده باشند، چه حکمی دارد؟

بسمه تعالی، عقد ازدواج صحیح است، ولی اگر وصف کمال یا عدم نقص، در ضمن عقد شرط شده، یا عقد مبنی بر آن واقع شده، در صورت تخلف، شوهر حق فسخ دارد و در غیر این صورت، حق فسخ ثابت نیست. و در فسخ قبل از دخول، مهر ساقط است و بعد از دخول، تمام مهر ثابت است؛ و در طلاق قبل از دخول، نصف مهر و بعد از دخول، تمام مهر ثابت است.

[سؤال 10531] 5939

بسمه تعالی

حضرت مستطاب، آیت الله العظمی، امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

این جانب با توصیف و تعریف زنی، دخترم را به عقد دائمی برادر زن وی در آوردم، بدون این که من و یا دختر، قبلاً این جوان را دیده، و یا شناختی از حال او داشته باشیم. بعد از اجرای عقد به وسیلهٔ یک روحانی در محل، قبل از ثبت در دفتر اسناد، برای من و دخترم ثابت و معلوم گردید که آن صفات کمالیه را - که خواهر مذکوره اش، قبل از اجرای عقد، ذکر و شرح داده بود که در تهران نامبرده صاحب چندین مغازه است، و خودش شخصاً، مدیر مدرسه و آموزگار است، و صاحب حیثیت و شخصیت و شرافت و آبرو است - فاقد است و خودش بدون شغل می‌باشد.

ص: 214

بعد از اطلاع از حالات نامبرده، دخترم حاضر به زندگی کردن با این شخص، که فاقد آن صفات است، نیست و در دفتر ازدواج حضور به هم نرسانید، و به امضای دفتر رضایت نداده و نمی دهد. آیا این جانب می توانم این عقد را فسخ نمایم یا نه؟ لطفاً عنایت فرموده، جواب مرقوم فرمایید.

بسمه تعالی، اگر عقد مبنی بر وجود صفات کمالیه در زوج، واقع شده و بعد از عقد معلوم شد که زوج آن صفات کمالیه را ندارد، زوجه می تواند عقد را فسخ کند و خود را از قید زوجیت آزاد نماید، و نیاز به طلاق از طرف شوهر ندارد.

[سؤال 10532] 5940

بسمه تعالی 1362 / 2 / 31

محضر مقدس حضرت آیت الله، امام خمینی، مدّ ظلّه العالی، محترماً بعد از سلام، مستدعی است نظر مبارک خود را در موارد زیر بیان فرمایید:

شخصی زن بیوه ای را عقد دائم نموده است و پس از تصرف و چند روزی زندگی مشترک، زن دچار حالت بیهوشی گردیده و مدتی از طرف شوهر، به دکترهای متعددی مراجعه و اقدامات لازم معمول گردیده، و بهبودی حاصل نشده است و ناچاراً از اهل روستایی که زن در آن زندگی می نموده و همچنین از پدر شوهر اول زن تحقیق به عمل آمد و معلوم شد که زن قبلاً نیز دچار همین بیماری بوده و به همین علت شوهر اول، او را طلاق داده است.

اینک چون زندگی با او مشکل است و هر دقیقه ممکن است در خانه تنها مبتلا به بیهوشی شده و پیشامد ناگواری رخ دهد، قصد طلاق شده است؛ لذا مستدعی است مرقوم فرمایید آیا رضایت زن در این مورد لازم است یا خیر؟ همچنین چون قبلاً خود زن و کسان او، بیماری نامبرده را در موقع خواستگاری به شوهر دوم نگفته اند و موضوع را کتمان کرده اند، آیا صداق ایشان لازم است پرداخت شود؟ و اگر لازم باشد، به چه نحو باید پرداخت شود؟ و خسارت وارده - که موضوع بیماری را مکتوم

ص: 215

نموده اند - باید به چه نحوه برای شوهر جبران شود؟

بسمه تعالی، بیماری بیهوشی موجب حق فسخ نیست، و اختیار طلاق با شوهر است، و سکوت از ذکر بیماری مذکور، موجب ضمان خسارت یا صداق نمی شود.

[سؤال 10533] 5941

بسمه تعالی 1362 / 1 / 15

دفتر محترم حضرت امام خمینی

از معظم له مسأله ای که مورد ضرورت و محتاج به پاسخ است سؤال می شود:

مردی دختری را ازدواج کرده است که عیوبی داشته است که قبل از عقد ازدواج آشکار نکرده. است چشم مرد 60% نابینا است، که توسط عینک پنهان کرده و بعد از عقد ازدواج دختر فهمیده است. حال دختر می تواند عقد را به هم بزند یا خیر؟ اگر می تواند عقد را به هم بزند، نصف مهر را می تواند بگیرد یا نمی تواند؟

بسمه تعالی، در مورد سؤال نمی تواند عقد را فسخ کند.

[سؤال 10534] 5942

بسمه تعالی 1361 / 9 / 16

دفتر حضرت امام خمینی، مدّ ظلّه العالی، پس از عرض سلام، سلامتی وجود مقدس امام عظیم الشان را از خداوند متعال مسئلت دارم. از مقلدین حضرت امام هستیم. خواهشمند است در مسأله زیر مرا راهنما باشید.

چنانچه مرد دارای عیبی غیر از عیوب مندرج در مسأله 2381 باشد، شرعاً باید در هنگام ازدواج و عقد به زن اعلام دارد یا خیر؟

با آرزوی موفقیت و سر بلندی جمهوری اسلامی ایران، به رهبری حضرت امام، در ظلّ توجهات حضرت ولی عصر علیه السلام

بسمه تعالی، اعلام لازم نیست.

ص: 216

بسمه تعالی

1. اگر مردی در عقد شرط کند که زن باکره باشد ولی بعد از عروسی معلوم شود که زن باکره نیست و زن با اعتراف کردن به گناه خود و با توبه کردن بخواهد مهریه 150 هزار تومانی خود را به 14 سکه طلا به نیت 14 معصوم و 20 هزار تومان کم کند و بقیه مهر را ببخشد مرد می تواند قبول کند و با هم زندگی کنند؟ و آیا پدر و مادر حق فهمیدن این کار را دارند؟

بسمه تعالی، مانع ندارد.

[سؤال 10536]

2. چون زن می خواهد که پدر و مادرش از این گناه با خبر نباشند ولی دفتر ازدواج هم چون سن زن 17 سال است پدر او را می خواهد، اگر می شود کاری کنید که دفتر ازدواج قبول کند.

بسمه تعالی، در ثبت در دفتر ازدواج باید مقررات مراعات شود.

[سؤال 10537] 5944

بسمه تعالی 2 / 11 / 1358

به نام خداوند بخشنده و مهربان

حضور محترم رهبر انقلاب، حضرت آیت الله امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

این جانب طلبه هستم و در قم ساکن می باشم. ازدواج کرده ام و بعد از عروسی متوجه شده ام زنم باکره نبوده؛ چون نشان هایی را که در عرف مردم مرسوم است، پس از زناشویی ندیده ام. لذا به پزشک بانوان مراجعه شد تا مراتب معلوم گردد و چون پول پزشک را خانواده زنم داده اند و پزشک گفته است که آثارش مخفی است، آیا من می توانم گفته پزشک را قبول کنم که زنم قبل از زناشویی باکره بوده است؟ از حضور محترم جناب عالی می خواهم که جوابم را بفرمایید و اگر جوابم به باکره نبودن زنم

ص: 217

می باشد، چه مقدار از مهریه باید کم شود؟ و تفاوت مهریه باکره و غیر باکره چگونه بر من معلوم شود؟ با تشکر و موفقیت در راه اهداف اسلام، خداحافظ

بسمه تعالی، مهریه همان است که در عقد ازدواج تعیین شده و فرقی بین باکره و غیر آن نیست، بلی اگر در عقد شرط بکارت شده، یا عقد مبنی بر شرط بکارت بوده و شوهر به طریق معتبر شرعی عدم بکارت را اثبات نماید، می تواند عقد را فسخ کند.

[سؤال 10538] 5945

بسمه تعالی

محضر مبارك رهبر كبير انقلاب، ابراهيم زمان حضرت آيت الله العظمى امام خمينى دامت توفيقاته، سلام عليكم

لطفاً پاسخ سؤالات زیر را مرقوم بفرمایید:

1. حکم ازدواج خواهران با برادرانی که به طوری معلول شده اند که مقطوع النسل گردیده اند چیست؟

بسمه تعالی، اختیار با طرفین است و در صورت توافق اشکال ندارد و اگر دختر باکره است باید با اجازه پدرش باشد.

2. حکم جوراب پوشیدن خانم ها را بیان فرمایید.

بسمه تعالی، پوشیدن ساق پاها از نامحرم به وسیله جوراب یا چادر یا لباس دیگر واجب است.

[سؤال 10539] 5946

بسمه تعالی 1361 / 2 / 24

ریاست محترم دفتر امام خمینی، ادام الله عمره، سلام عليكم، درود و سلام بی پایان به رهبر كبير انقلاب اسلامى حضرت امام خمينى و شهيدان صدر اسلام خوشا به حال ما که در دورانی زندگی می کنیم که صراط مستقیم الهی نصیب ما گردیده و حکومتی بر

ص: 218

ما مسلط است که تنها خواهان زندگی شرافتمندانه می باشد، این جانب روزی برای همسر قرآن خوانده و ترجمه کردم، او شروع کرد به گریه کردن و گفت: من گذشته های بسیار تلخی دارم و مرتکب گناه شده ام، حال من با همسر چگونه رفتار کنم؟
بسمه تعالی، توبه قبول است و لازم نیست مطلب را به کسی اظهار کنید به خصوص اگر مفسده داشته باشد.

[سؤال 10540] 5947

بسمه تعالی

با دعا برای سلامتی امام کبیرمان و همچنین دعای خیرمان بدرقه راه رزمندگان سخت کوشمان.

دختری در سن پنج یا شش سالگی با پسری از فامیل کار منافی عفت انجام داده که البته باکره می ماند، اکنون بزرگ شده و می خواهد ازدواج کند و به خاطر این مسأله از ازدواج عاجز است؛ (زیرا فکر می کند باید این مسأله را با مردی که می خواهد ازدواج کند بگوید تا زندگی با صدقاتی را آغاز کند، و از طرفی نمی تواند بگوید، و به همین خاطر نمی تواند ازدواج کند) لطفاً وی را راهنمایی فرمایید؟

بسمه تعالی، لازم نیست مطلب را بازگو کند؛ بلکه لازم است خودداری کند.

ص: 219

مقدار مهریه و مهر السنه

[سؤال 10541] 5948

بسمه تعالی

سلام به تن پاك حسين عليه السلام، با سلام و درود فراوان بر رهبر كبير انقلاب اسلامي امام خميني، امیدوارم که این سلام گرم صمیمانه ام را که از اعماق قلبم سرچشمه گرفته است و با يك دنیا شوق اشتیاق به حضورت ای امام بزرگوار تقدیم می دارم و امیدوارم این سلام را از یکی از فرزندان شما بپذیرید.

پدر عزیزم تنها چیزی که مرا به نوشتن نامه وا می دارد این همه علاقه و شوق اشتیاقی است که نسبت به راه شما که راهی جز خدا، قرآن و الله نیست دارم و به خاطر همین امر من همیشه گوش به فرمان سخنان شما هستم امام عزیز و بزرگوار من می گویم که اگر خواستم ازدواج بکنم که هیچی از پسر نخواهم حلال است یا نه؟

بسمه تعالی، اختیار مهریه با طرفین است و به هر طور دختر و پسر با هم قرارداد کنند حلال است و هر چه کمتر باشد بهتر است و مستحب است از مقدار مهر السنه بیشتر نباشد.

[سؤال 10542] 5949

بسمه تعالی

تهران، دفتر حضرت امام خمینی، دام ظلّه

در صورتی که در مهر عقد نکاح، پدر دختر اصرار بر قرار دادن مهریه 150 هزار تومانی یا شیربها دارد و دختر و پسر با توجه به ارزش های انقلاب اسلامی به این کار رضایت ندارند، تکلیف از نظر شرع مقدس اسلام چیست؟

بسمه تعالی، در مقدار مهر، رضای خود پسر و دختر معتبر است و پدر دختر نمی تواند آن ها را الزام کند.

ص: 220

بسمه تعالی

آیا در تعیین مقدار مهریه توافق دختر و پسر شرط است یا آن که والدین آن ها هم حق اعمال نظر دارند؟

بسمه تعالی، بستگی به توافق دختر و پسر دارد.

بسمه تعالی 1361 / 12 / 24

حضور مبارك حضرت آیت الله العظمی امام خمینی مدّ ظلّه العالی

احتراماً زنی به زوجیت مردی درآمده، مهریه او در قباله در ستون مربوطه مبلغ (هیچ) و یک جلد کلام الله مجید و یک آینه و شمعدان ذکر شده است. اکنون مرد در مقام طلاق زوجه است. مقرر فرمایید اعلام گردد زوجه مستحق مهریه هست یا خیر؟ و به عرض مبارك می رساند که زوجه به هنگام اجرای صیغه عقد چند بار شفاهاً و کتباً از تعیین مهریه صرف نظر کرده و بر همین مبنا ازدواج صورت گرفته است. نظر مبارك را اعلام فرمایند.

بسمه تعالی، در فرض مرقوم که مهریه در ضمن عقد فقط یک جلد کلام الله مجید و آینه و شمعدان قرار داده شده، زن زاید بر آن چیزی بابت مهریه استحقاق ندارد.

بسمه تعالی

حضور رهبر کبیر انقلاب اسلامی، امام خمینی، با سلام و درود خدمت امام عصر حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، و سلام و درود خدمت آن رهبر عزیز و امید مستضعفان جهان، خواهشمند است در مسائل زیر ما را راهنمایی بفرمایید:

1. این جانب ذره ناچیزی از این امت امام هستم و با تمام وجود به اسلام و رهبری

آن امام عزیز معتقدم و در جهاد سازندگی کوشش می‌نمایم تا رسالتم را انجام دهم؛ اما پدر و مادری دارم که هر دو بالای پنجاه سال سن دارند و فرائض دینی را انجام می‌دهند، اما اعتقاد راسخی به جمهوری اسلامی ندارند، ولی ضدیت نمی‌کنند. الآن این جانب تصمیم به ازدواج گرفته‌ام، اما آن‌ها می‌گویند: باید پنجاه - شصت هزار تومان خرج کنی و بالای صد هزار تومان مهریه تعیین نمایی، و این جانب در مقابل آن‌ها مقاومت کرده‌ام. خواهشمند است نظر خودتان را در این مورد بفرمایید.

بسمه تعالی، زیاد قرارداد مهریه اشکال ندارد، ولی هرچه کمتر باشد بهتر است.

2. حکم موسیقی‌هایی که الآن از رادیو و تلویزیون پخش می‌شود را بفرمایید.

بسمه تعالی، موسیقی مطرب حرام است و صداهای مشکوک مانع ندارد.

3. حکم بهره‌ای که بانک‌ها می‌دهند چیست و اگر در زمان طاغوت آن بهره را گرفته‌ایم و خرج کرده‌ایم، چه باید بکنیم؟ و آیا در حال حاضر می‌توان بهره را گرفت و به حساب رزمندگان واریز نمود؟

بسمه تعالی، بهره پول، ربا و حرام است و گرفتن آن جایز نیست و آنچه گرفته‌اید را در صورت یأس از شناسایی صاحبش از طرف او به فقیر صدقه دهید.

[سؤال 10546] 5953

بسمه تعالی 10 / 11 / 1358

محضر قائد اعظم و رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران، امام خمینی، دامت برکاته

با عرض معذرت و پوزش از گرفتن وقت حضرت عالی، خواهشمند است پاسخ سؤال زیر را مرقوم فرمایید:

مسأله‌ای که اکثر جوانان در موقع ازدواج با آن روبه‌رو هستند؛ قرار دادن مهریه زیاد، از طرف والدین دختر می‌باشد. با توجه به این که کراراً از وعاظ و سخنرانان مذهبی شنیده‌ایم که قرار دادن مهریه زیاد خلاف اصول اسلامی است. نظر حضرت عالی در مورد زیاد بودن مهریه چیست؟

بسمه تعالی، در اسلام حدی برای مهریه، به نحو لزوم معین نشده، ولی

ص: 222

مستحب می باشد که مخارج ازدواج و همچنین مهریه را کم کنند و نیز مستحب است، مقدار مهریه از مهرالسنة که پانصد درهم است زیادت نباشد.

[سؤال 10547] 5954

بسمه تعالی 1361 / 6 / 21

دفتر محترم امام خمینی، لطفاً به سؤالات این جانب جواب دهید.

1. در مورد مقدار مهریه از حضرت امام سؤال شود که آیا پدر و یا مادر پسر می توانند مهریه بنویسند و یا این که باید خود پسر برای همسرش مهریه بنویسد؟ و تعدادی که پسر می نویسد، آیا همان وقت باید آن مقدار پول یا طلا و یا ملك را داشته باشد؟ چون در بعضی موارد گفته می شود که در موقعی که خطبه عقد جاری می شود، اگر پسر مهریه ای را که نوشته موجود نداشته باشد، زن و مرد بر هم حرام هستند و از نظر اسلام بهترین مهریه چقدر است و از چه تعدادی که تجاوز کرد گناه محسوب می شود؟

بسمه تعالی، مالك بودن مقدار مهریه در حین عقد لازم نیست و می تواند پدر یا مادر و یا خود پسر مهریه را به ذمه بگیرد و مهریه هر مقدار باشد مانع ندارد، ولی بهتر است از مقدار مهرالسنة تجاوز نکند.

2. برای رفتن به جبهه در حال حاضر اجازه پدر و مادر شرط است یا نه؟

بسمه تعالی، مادامی که جبهه ها نیاز به نیرو دارد، شرکت در جبهه دفاع واجب است و اجازه والدین شرط نیست.

[سؤال 10548] 5955

بسمه تعالی 1361 / 11 / 13

با حمد به پیشگاه باری تعالی، و سلام حضور برادر مسئول در دفتر امام خمینی

محترماً معروض می دارد: در مورد يك مسأله شرعیه كه ذیلاً مطرح و تقدیم می گردد، خواستار جواب و پاسخ و فتوای امام عزیز در این مورد می باشد. خواهشمند

ص: 223

است - چون امر خیری تا عید در این مورد در نظر است - در مورد پاسخ تسریع فرمایید.

در مورد مهریه، که تأکید در این مورد به میزان مهر السنه، در حدود پانصد درهم می باشد، تقاضا منند است میزان آن را به پول امروز مشخص فرمایند، که ان شاء الله نظر امام عزیز در این مورد رهگشا برای این جانب و بسیاری از جوانان اسلام باشد.

بسمه تعالی، مقدار مهر السنه 5/262 مثقال نقره مسكوك است و قیمت آن را از بازار تحقیق کنید.

[سؤال 10549] 559

5. بفرمایید مهر السنه به پول روزگار ما دقیقاً چه مقدار است؟ در شهر ما شایع است که مهر السنه شصت و پنج هزار تومان است.

بسمه تعالی، مهر السنه پانصد درهم است و قیمت آن به پول رایج، با مراجعه به اهل خبره مشخص می شود.

[سؤال 10550] 2418

2. مهر السنه در زمان ما چه قدر به حساب می آید آیا در يك عقد ازدواج می شود هم مهر السنه را به حساب آورد و هم مبلغ دیگر و چیز دیگر را به آن ضمیمه نمود یا خیر؟

بسمه تعالی، مانع ندارد و مقدار مهر السنه 5/262 مثقال نقره مسكوك است و قیمت آن را از اهل خبره سؤال کنید.

[سؤال 10551] 5956

بسمه تعالی 10 / 3 / 1361

دفتر استفتانات حضرت امام خمینی، سلام علیکم، امیدوارم در پاسداری اسلام عزیز بیش از پیش موفق و مؤید و منصور باشید، استدعا می شود که به سؤالات زیر پاسخ فرمایید:

ص: 224

1. مرسوم است که بعضی از دختر خانم ها به عنوان اجرای احکام دین مقدس اسلام در موقع ازدواج مهریه خود را يك جلد كلام الله مجید قرار می دهند، آیا این مسأله جنبه اسلامی دارد یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر قیمت آن معین شود مانع ندارد.

2. قسمتی از فرش نجس شده، در تطهیر آن چه فرقی دارد با آب قلیل بشوئیم یا با آب جاری (آب لوله کشی شهر حکم جاری را دارد)؟ آیا در هر دو حال می بایست آن قسمت از فرش را فشار داده و غسل آن را بیرون بریزیم یا فقط در تطهیر به وسیله آب قلیل؟

بسمه تعالی، در آب جاری جدا شدن غسل از محل نجس کافی است و لازم نیست بیرون ریخته شود و در آب قلیل باید غسل را بیرون بریزند.

[سؤال 10552] 5957

بسمه تعالی

پیشگاه مبارك زعيم عالی قدر، قائد عظيم الشان، حضرت آيت الله العظمی امام خمینی، دامت برکاته، خداوند سایه بلندپایه آن جناب را علی رؤوس الانام مستدام بدارد.

محترماً؛ معروض می دارد: این جانب در موقعی که پدرم برای این جانب مجلس عقد گرفت مقداری اراضی و مجاری و خانه به عنوان صداقیه داده است. عیال این جانب در ازای ارقام مذکور، اقراری داده و راضی به ازدواج شده است و طبق قانون در دفتر ازدواج پول نوشته شده است. در حال حاضر پدرم نادم شده است و اظهار می دارد که زوجه شما فقط پول می خواهد. استدعا دارم مقرر فرمایید: چنانچه شرعاً زوجه این جانب حق پول دارد قبول کنم و جواب مثبت به نامبرده داده شود.

بسمه تعالی، آنچه عقد بر آن واقع شده؛ همان صدق و ملك زن است.

[سؤال 10553] 5958

بسمه تعالی

احترماً؛ استدعا دارد نظریه شرعی و فتوای خود را نسبت به فتوکپی نکاح نامه ای

ص: 225

که به پیوست می باشد اعلام فرمایند که مورد حاجت است.

ضمناً، یادآور می شود که از حضرت آیت الله منتظری و حضرت آیت الله خاتمی امام جمعه محترم یزد طی نامه ای که فتوکپی هر دوی آن ها به پیوست می باشد استفتا شده، که چون مفاد سند روی کاغذ نوشته شده بوده، مورد قبول واقع نگردیده است. از این نظر اصل سند نکاح نامه را ارسال داشته تا نظریه شرعی و فتوای خود را نسبت به آن اعلام فرمایند.

این جانب مبلغ اصل صداق - یعنی 450/000 ریال بابت وجه مهریه و 50/000 ریال بابت وجه التزام سند مذکور - را طی دو فقره چک داده ام که در پرونده دادگستری موجود می باشد. استدعا دارد بیان فرمایند که آیا شرعاً زوجه این حق را دارد که با توجه به مفاد سند علاوه بر مبلغ مرقوم، خانه و باغ را مطالبه نماید یا خیر؟

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، تنها نام بردن چیزی در قباله کافی نیست. آنچه که عقد مبنی بر آن خوانده شده و یا آن که در ضمن عقد تصریح بدان شده معتبر است.

[سؤال 10554] 5959

بسمه تعالی

محضر مقدس فقیه عالی قدر، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، دامت برکاته

احتراماً؛ به عرض می رساند: در مورخه 17 / 11 / 59 قبل از صیغه عقد، زوج متعهد و ملتزم می گردد که يك صد و پنجاه متر از قطعه زمین مشاع را در دفترخانه اسناد رسمی بابت مهریه ما فی القباله نکاحیه واگذار نماید. ولی بعداً در تاریخ 17 / 12 / 59 يك ماه بعد از جریان نامبرده در بالا، با حضور زوج و زوجه و خویشاوندان طرفین صورت جلسه ای تنظیم می شود و زوج و زوجه موافقت می نمایند که مهریه به مبلغ وجه عندالمطالبه تبدیل گردد و طبق همان صورت جلسه که در تاریخ 17 / 12 / 59 تنظیم شده صیغه عقد خوانده و در دفتر ازدواج ثبت و به

ص: 226

امضای طرفین رسیده است. مستدعی است مقرر فرمایند: زوج تعهد زمین نامبرده بالا را مدیون است یا تعهد جدیدی که قائم مقام آن می شود و در قبالة نکاحیه نوشته شده است؟ و یا زوج هر دو تعهد را مدیون است؟ متمنی است طبق شرع انور به سؤال در ذیل این ورقه جواب دهید.

بسمه تعالی، چیزی که عقد بر آن واقع شده مهریه است و باید همان داده شود.

شرط نبودن ذکر مهر در عقد دائم

[سؤال 10555] 5960

بسمه تعالی

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی امام خمینی دام مجده، السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته، با کمال احترام بعد از تقدیم سلام و خواهان سلامتی و طول عمر با برکت و عزت استفتا می شود.

1. اگر زوج قصد پرداخت مهریه را ندارد و به زبان می گوید می پردازم آیا عقد باطل است یا نه، آیا فرزند آن ها مشروع و حلال زاده است یا نه؟

2. اگر زوج متعهد شود عند القدرة می پردازم لیکن می داند که هیچ گاه قدرت پرداخت پیدا نخواهد کرد حکم آن چه صورت می شود فرزند آن ها چه صورت پیدا می کند.

3. در فرض بالا اگر عقد را خود زوج جاری کند یا وکیل بگیرد با توجه به نیت، حکم مسأله فرق می کند یا نه؟ چون معمولاً عقد را يك روحانی اجرا می کند و معمولاً اطلاع دارد آیا حکم فرق می کند یا نه؟

بسمه تعالی، در همه فروض ذکر شده عقد صحیح است و فرزند آن ها حلال زاده است.

ص: 227

بسمه تعالی

در بلاد کشمیر مرسوم است که برای ازدواج يك ورقه به نام وکالت نامه می نویسند و بر آن اسم ناکح و منکوحه و وجه مهریه و اسم وکیل عقد را درج می کنند و از منکوحه و ناکح امضا می گیرند و چند شاهد امضا نموده، سپس نزد وکیل می برند و اوصیغه عقد را جاری می کند. بنابر آن در يك معامله، در وکالت نامه آن وجه مهریه مثلاً یکهزار و چهارصد و يك روپیه نوشته شد و برای شهود و منکوحه چهارده هزار و يك روپیه خوانده شد. و چون منکوحه سواد نداشت، مهریه مقرر را که به زبان شنیده امضا می کند. وکیل هم صیغه را از روی نوشته که کمتر از مقرر لسانی بوده جاری می کند. چون دختر از این ماجرا مطلع می شود، از ازدواج مُنکر می شود. بیان فرمایید:

در همچو معامله ای شرعاً تکلیف چه خواهد بود؟ آیا صیغه عقد صحیح خواهد بود یا خیر؟ آیا این دختر احتیاج به طلاق دارد یا خیر؟
بیّنوا توجروا

بسمه تعالی، عقد صحیح است و اگر مهر مورد توافق طرفین نبوده و زن آن را اجازه نکنند، مهرالمثل ثابت می شود.

شیربها و بعض وجوه دریافتی

بسمه تعالی

محضر مقدس رهبر عظیم الشان انقلاب اسلامی ایران، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی مدّ ظلّه العالی

احتراماً با عرض ادب این جانب استدعای عاجزانه دارم به سؤال زیر توجه فرمایید، بدین وسیله به حضور آن رهبر کبیر عرضه می دارم که این کمینه زنی بودم در زمان حیات پدرم با شخصی ازدواج نمودم و پدر بنده مقدار يك حبه آب و زمین که 30 جریب الآن در حال حاضر می باشد از شوهر بنده به عنوان شیربها به تصرف خود

ص: 228

درآورد و این مقدار زمین تحت کشت برادران بنده است، چون بنده در حال حاضر محتاج هستم آیا به نظر شریف این کمینه می توانم حق خود را از نظر دستور اسلام و رهبری آن امام بت شکن ادعا نمایم؟ آیا این زمین که پدر بنده از شوهر به عنوان شیربها گرفت حق بنده است یا از برادران است که زمین را در دست دارند. استدعای عاجزانه دارم مرقوم فرمایید که اگر این زمین مذکور را که به عنوان شیربها گرفته شد بنده حق دارم دعوی حق خود را نمایم، و اگر هم به دستور اسلام حق دار نیستم آن را مرقوم فرمایید. حالیه تقاضامندم حکم شرعی این سؤال را بفرمایید تا دستور اسلام شرعاً اجرا شود.

بسمه تعالی، اگر شیربها به پدر دختر داده شده و او [به] برادران دختر بخشیده و تحویل آن ها داده مال برادران است.

[سؤال 10558] 5963

بسمه تعالی

1. دوشیزه به عقد کسی درآید و قبل از این که عروسی صورت بگیرد بعد از چند روز از وقوع عقد، داماد پشیمان شده و عقد را به هم زده و طبق قانون شرع به پرداخت نصف قبالة محکوم شده؛ آیا اثاث و شیربها یا خرج مطبخ را که داماد پرداخت کرده، حق پس گرفتن آن ها را دارد یا خیر؟

بسمه تعالی، آنچه که در قبال انجام کاری پرداخت شده اگر کار انجام نگرفته، بازگشت دارد و گر نه برگشت ندارد و آنچه که به عنوان هدیه و بخشش پرداخت شده اگر به حال خود موجود است و طرف مقابل ذی رحم نیست، می تواند در آن رجوع نماید و پس بگیرد.

[سؤال 10559]

2. در قسمت شیربها یا خرج مطبخ که حضرت امام در جلد دوم تحریر الوسیله فرموده منظور از تلف شدن شیربها یا خرج مطبخ فقط برای خرج عروسی است یا هر

ص: 229

خرج دیگر را شامل است؟

بسمه تعالی، آنچه که به عنوان هدیه برای هر منظوری باشد پرداخت می شود اگر به حال خود در دست طرف باقی نباشد، دهنده حق رجوع و پس گرفتن ندارد.

3. اگر برادر عروس امانتی علی حده از اثاث عروسی از برادر داماد بگیرد و بعد از به هم خوردن عقد، آن اثاث امانت را پس ندهد، در شرع جایز است یا خیانت؟

بسمه تعالی، چیزی که به رسم امانت از کسی گرفتند، هر وقت صاحب امانت مطالبه کند باید برگردانند.

[سؤال 10560]

4. مبلغ شیربها یا خرج مطبخ به هیچ عنوان خرج عروسی نشده؛ زیرا قبل از جلسه عروسی عقد به هم خورده.

بسمه تعالی، میزان همان است که در بالا ذکر شد ولی اگر مالی را برای مصرف به خصوصی در اختیار طرف گذاشتند و در آن مصرف خرج نشده، می توانند پس بگیرند.

[سؤال 10561] 5964

بسمه تعالی

1. کسی در گرفتن شیربهای دختر زیاده روی می کند و جهیزیۀ مناسب هم به دختر نمی دهد، مثلاً مبلغ 25 هزار تومان به عنوان شیربهای دختر تقدماً می گیرد و از همین پول مذکور، مبلغ پنج هزار تومان را مثلاً برای جهیزیۀ عروسی مصرف می کند و باقی پول که بیست هزار تومان می باشد را پدر دختر به عنوان شیربها می گیرد؛ البته این مبلغ مذکور، غیر از مهر و علاوه بر آن است. آیا این پول که به عنوان شیربها می گیرد، حلال هست یا حرام؟

بسمه تعالی، اگر شیربها را در مقابل عملی مثل سعی در ازدواج می گیرد، یا با رضایت به او می بخشند، حلال است.

ص: 230

2. طلبه ای در اثر تحصیل علوم دینی به مرض صداع و اعصاب گرفتار می شود و در معالجه آن زحمت زیاد کشیده، اما فایده نبخشیده است و مدت شش سال است که به این مرض گرفتار می باشد؛ و لذا نمی تواند در تحصیل، به طور معمول زحمت بکشد؛ مثلاً يك هفته درس می خواند و يك هفته دیگر مشغول مداوا می باشد و یا از شدت درد قادر به مطالعه نیست، و خلاصه، به مقدار قدرت خود زحمت می کشد. او با این وضع شهریه هم می گیرد و به غیر از شهریه هیچ راه درآمد دیگری ندارد تا امرار معاش نماید و عائله مند هم می باشد و این را هم یقین دارد که با این وضع نمی تواند کار کند؛ آیا این شهریه گرفتن برای او جایز هست یا خیر؟

بسمه تعالی، در فرض مذکور، جایز است.

3. شخصی جاهل به مسأله ظهار است، ولی در حضور دو مرد و يك زن به زنش می گوید: پشت تو مثل پشت مادرم و خواهرم باشد؛ به خداوند و رسول اکرم صلی الله علیه و آله قسم که من دیگر با تو همبستر نمی شوم و این جمله را هم چند بار تکرار کرده است؛ اما عدالت آن دو مرد معلوم نیست و این کلام از جهت دعوائی که در بین آن ها بوده، در حال قهر و غضب گفته شده؛ آیا این زن برای این مرد حرام شده یا خیر؟

بسمه تعالی، حرام نشده است.

[سؤال 10562] 6003

3. اگر در متن عقد ازدواج گفته شود که مهر، يك صد هزار تومان و شیربها، بیست هزار تومان باشد و مراد، این باشد که شیربها را قبل از عروسی، به پدر و مادر دختر بدهند که برای او جهیزیه و نحو آن فراهم کنند، آیا شیربهای مذکور، جزء مهر می باشد و به طلاق قبل از دخول، تنصیف می گردد یا حکم دیگر دارد؟

بسمه تعالی، در فرض مسأله، جزء مهر محسوب نیست.

[سؤال 10563] 5965

بسمه تعالی

شخصی دختری را با ارتکاز ذهنی بکارت بدون اشتراط در متن عقد به ازدواج درآورده است؛ لکن بناء خارجی متعاقدين بر آن بوده است و بعد از دخول معلوم شده که قبل از عقد، به گفته زوج توسط حمل بار سنگین زوال بکارت شده است ولی

ص: 231

زوج شك دارد که توسط حمل بار سلب بکارت شده و یا سبب چیز دیگر است. یعنی در علت شك است. لذا شب اول زفاف مطلب را به پدر زوجه اطلاع داده، و او گفته: «من برای دخترم مهریه نمی خواهم، مطلب مسکوت عنه باشد تا آبرویم ریخته نشود» و با این حرف زوج ساکت شده و از طرفی هم اطمینان پیدا کرده که سبب زوال، حمل بار است. در نتیجه نه ماه با هم زندگی کرده اند؛ ولی حالا می خواهد طلاق بدهد و ادعا می کند: این دو علت باعث شد من عقد را فسخ نکنم. همچنین می گوید: «زوجه اگر می دانسته به توسط حمل بار بوده، چرا قبل از عقد به من اطلاع نداد تا عقد نکنم». زوجه هم می گوید: «من درست یقین نداشتم که بکارت سلب شده. بلی، احتمالش را می دادم. همچنین خجالت باعث شده که مطلب را فاش نکنم و فقط به عیال برادرم گفتم. و اگر پدرم مهریه را بخشیده، از خودش این عمل را کرده و به من خبر نداده و من مهرم را نبخشیده ام».

حالا بیان بفرمایید نسبت به مهریه و شیربهای پرداخت شده تکلیف چیست؟

در ضمن شیربها چیزی است که در محل مرسوم است و به پدر زوجه می بخشند به داعی کمک به خرج عروسی و تهیه جهیزیه از برای دخترش. و فرض این است که عین پول یا خرج شده و یا تبدیل به جهیزیه شده است.

بسمه تعالی، شیربها را در فرض مذکور حق ندارید مطالبه کنید. و زوجه نیز مهریه را استحقاق دارد و اختیار طلاق با شوهر است.

[سؤال 10564] 5701

3. آیا پولی که در قبال ازدواج - که مبلغی به اندازه يك یا دو هزار تومان و یا بیشتر - به عنوان شیرینی دریافت می کنند و اگر ندهند، طلب محسوب می کنند آیا حلال است یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر در ضمن عقد شرط شده باید بپردازد؛ و گرنه منوط به رضایت دهنده پول است.

ص: 232

بسمه تعالی

شخصی که دختر کسی را برای فرزند خود نامزد کرده و پیش از عقد کردن، آن دختر از دنیا رفته است. آیا می توان مالی را که پدر دختر از داماد خود قبل از عقد گرفته است پس گرفت یا خیر؟ جواب را واضح بفرمایید.

بسمه تعالی، اگر مهریه بوده و قبل از عقد دختر فوت کرده یا در مقابل عملی داده اند که انجام نشده می توانند پس بگیرند.

بسمه تعالی 1361 / 6 / 1

حضور مبارك حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، دام ظلّه العالی

پس از اهدای سلام و تحیت

پدری می خواهد برای فرزند خود زن بگیرد. پدر دختر و یا کسی که اختیار عقد با او است مبلغی پول، مثلاً از چهل هزار تومان تا يك صد هزار تومان بر حسب قدرت طرف از وی می خواهد یا صورتی می دهد که داماد اشیایی برای جهیزیه دختر تهیه نماید و تحویل پدر دختر و یا کسان وی نماید تا دختر با خود به خانه شوهر ببرد و در صورتی که این عمل انجام نشود این وصلت انجام نمی گیرد؛ آیا این پول و یا این اشیا را زن مالک می شود یا خیر؟ در صورتی که پس از انجام وصلت زن بمیرد و یا طلاق بگیرد، این وجهی که بابت پول برای جهیزیه گرفته شده و یا صورت اشیایی که کسان زن خواسته اند تا داماد خریداری کند و تحویل کسان زن دهد و زن با خود به خانه شوهر ببرد. کسان زن که ورثه او باشند حق ادعای آن اشیا را دارند یا در موقع اخذ طلاق زن، حق مطالبه آن جهیزیه را دارند یا خیر؟ مستدعی است حکم الله را در این مسأله بیان فرمایید. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، پول یا اشیایی که داماد داده، اگر جزء مهریه است، نمی تواند

پس بگیرد و اگر از مهریه نیست تا عین آن باقی است، پس گرفتن آن اشکال ندارد.

[سؤال 10567] 5968

بسمه تعالی

محضر حضرت آیت الله العظمی خمینی مدّ ظلّه العالی

دختری که پدر ندارد و در منزل عموی یا عمه یا خاله یا خالو یا برادر یا کسی دیگر بزرگ می شود و کار هم می کند مرسوم است هر وقت دختر به بلوغ رسید او را عروس می کنند و چند مبلغ پول به نام گله می گیرند آیا هر وقت دختر خانه شوهر رفت گله را می تواند از آن کس مطالبه کند؟ شما امر بفرمایید.

بسمه تعالی، حق مطالبه ندارد لکن اگر به رضایت چیزی به او بدهند یا در مقابل عملی قرار داده شود گرفتن آن مانع ندارد.

[سؤال 10568] 5969

بسمه تعالی 1361 / 1 / 19

دفتر مبارک استفتائات حضرت امام، مدّ ظلّه

نظر به این که در اکثر مناطق ایران مرسوم است که هنگام ازدواج، مبلغ خیلی زیادی مثلاً دویست هزار تومان به عنوان شیربها از طرف داماد می گیرند، شرعاً چه صورتی دارد؟

بسمه تعالی، در شیربها تفصیلی است که در رساله عملیه ذکر شده است.

[سؤال 10569] 5970

بسمه تعالی 1361 / 3 / 8

محضر مبارک رهبر کبیر انقلاب، مرجع تقلید شیعیان جهان، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، آدام الله ظلّه

در کشور ما مرسوم است که صاحبان دختر، مبلغی در حدود سی الی چهل هزار

ص: 234

تومان پول را به نام گله از داماد می گیرند و این مبلغ مذکور را پدر و مادر دختر تصرف می کنند. البته مهریه دختر را علی حده تعیین می کنند. آیا تصرف مبلغ مزبور، مجوز شرعی دارد یا خیر؟ خواهشمند است حکمش را بیان فرمایید.

بسمه تعالی، اگر با رضایت داماد گرفته شود مانع ندارد.

[سؤال 10570] 5971

بسمه تعالی 1361 / 10 / 13

به نام خدا، پاسدار حرمت خون شهیدان، سلام علیکم، دفتر محترم امام امت، خمینی کبیر، رهبر انقلاب، با درود و سلام بر امام زمان، برپا کننده عدل و عدالت و منجی عالم بشریت، و سلام بر امام امت، خمینی کبیر، و درود و سلام بر تمامی شهیدان راه حق و عدالت، و سلام بر تمامی رزمندگان جبهه حق علیه باطل و کفر جهانی، و سلام بر شما برادرانی که شب و روز در پیش برد اهداف مقدس جمهوری اسلامی کوشش می کنید. سؤالاتی چند خدمت شما عرضه می دارم و خواهشمندم که جواب را همراه با امضا و مهر آن دفتر به آدرس نامبرده ارسال دارید.

1. آیا مقدار پولی که پدر عروس به عنوان «شیربها» یا پیش کش از داماد می گیرد، صحیح است یا نه؟

اگر صحیح است به چه مقدار؟ و اگر مخالف شرع مقدس اسلام است، به چه مقدار؟ مکروه است یا حرام؟

2. روستایی است در بیرجند که هر کس می خواهد ازدواج کند، عده ای از مردم می گویند که باید حتماً کَلّ ده را غذا بدهد؛ یعنی به درب هر منزل يك ظرف غذا ببری، ولی فکر نمی کنند که این جوان این همه هزینه مخارج را از کجا تأمین نماید و از آن گذشته اگر جوانی پدر نسبتاً پولدار هم داشته باشد، به فرزندش آن قدر که باید بدهد، نمی دهد. جوان مجبور می شود یا داماد نشود و یا اگر خواسته باشد داماد شود، باید از همان اول تشکیل زندگی از کسی قرض بگیرد و بعد از مدت ها هم نتواند قرض خود

ص: 235

را ادا نماید. در صورتی که این روستا هم نسبتاً بزرگ است و جمعیت آن 170 خانوار می باشد و تقریباً 25 الی 30 هزار تومان خرج همان يك روز می شود و هیچ فکر نمی کنند که این يك وعده غذا برای آن کسی که می خورد، هیچ دردی را دوا نمی کند، ولی آن جوانی که این هزینه هنگفت را خرج می کند و می خواهد خانواده تشکیل بدهد، چه سختی هایی، و چه دردها و رنج هایی که متحمل نمی شود. جوانی که این هزینه هنگفت را خرج می کند، می تواند دست کم 10 هزار تومان آن را لوازم خانوادگی بگیرد تا يك عمر خود او و زن و فرزندان او از آن استفاده نمایند و یا پنج هزار تومان آن را به حساب امام و یا علمای دیگر، و یا به حساب جنگ زدگان و یا جنگ بریزد.

برادران محترم به این سؤالات بنده حقیر وجداناً پاسخ دهید؛ چون که عده زیادی به موجب این اشکالات از تشکیل دادن کانون پر مهر و محبت خانواده محروم هستند و شاید افرادی به علت فقر مالی داماد نشوند. در خاتمه توفیق شما را در راه خدمت به اسلام و مسلمین خواستاریم. ناگفته نماند این نامه را از یکی از روستاهای بیرجند نوشته ایم. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، کم کردن مخارج ازدواج امر مطلوب و مرغوبی است، بلکه اگر مخارج موجب اسراف یا مفاسد دیگر باشد، باید ترك شود. و شیربها تابع قراردادی است که در ضمن عقد می شود.

[سؤال 10571] 862

2. پدر مبلغی به نام شیربها از داماد می گیرد آیا مجاز است یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر با رضایت می دهد مانع ندارد.

[سؤال 10572] 6667

2. پول نقدی که قبل از عقد جهت تهیه جهیزیه به خانواده زن داده می شود چگونه است و از آن کیست؟ گاهی پدر داماد می گوید که این مبلغ را برای ما هرچه می شود

ص: 236

بخرید. با این قید، این پول مال کیست؟

بسمه تعالی، اگر پول را به کسی نبخشیده، باقی بر ملك مالك اول است.

حق مطالبه مهریه و تمکین زوجه

[سؤال 10573] 5972

بسمه تعالی

اگر زوجه غیر مدخوله تمکین نکند و اصرار بر طلاق داشته باشد، و در اثر طلاق ندادن زوج، تمکین خود را معلق به پرداخت تمام مهریه نماید (و معلوم باشد که این تعلیق بهانه است، چون زوج قادر به پرداخت نیست، و بر فرض پرداخت هم زوجه حاضر به تمکین نخواهد شد) آیا در این صورت نفقه زوجه واجب است یا نه؟

بسمه تعالی، اگر در ضمن عقد شرط مؤجّل بودن تمام یا قسمتی از مهر نشده حقّ دارد تا دریافت مهر تمکین نکند، و در این مورد استحقاق نفقه به حال خود باقی است.

[سؤال 10574] 3716

2. آیا زوجه دوم حق گرفتن مهریه را در صورتی که هیچ اثری از تعیین مهریه نیست، دارد؟

بسمه تعالی، اگر ثابت است که [زن دوم] از شوهر مهریه خود را طلبکار است و مقدار آن نیز معین است می تواند مطالبه کند و نزاع باید در محکمه شرعیه حل و فصل شود.

[سؤال 10575] 5973

بسمه تعالی

محضر مبارك رهبر كبير انقلاب، مرجع اعلاى مسلمين، حضرت آيت الله العظمى خمينى، أدام الله ظلّه العالی علی رؤوس المسلمين

ص: 237

1. هر گاه در صداق نامه‌ی زوجه نوشته شده است که مثلاً مبلغ ده هزار تومان صداق است که تماماً بر ذمه زوج یا پدر زوجه است که وقت مطالبه‌ی زوجه به وی پردازد، آیا در صورت مفروضه، زن می‌تواند بگوید تا مهر مراندھی تمکین نمی‌کنم و بفرض این که بگوید، آیا اگر مانع از جماع قبلاً گردد، نفقه طلب دارد و مستحق نفقه است یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر بعد از عقد تمکین نکرده، می‌تواند تا گرفتن مهر خود تمکین نکند و در این صورت، استحقاق نفقه دارد.

2. در جاهایی که رسم است زن مدتی در عقد است و در خانه پدرش می‌باشد و غیر از جماع، آن هم مخصوصاً قبلاً زوج سایر استمتاع را از زن می‌برد، البته نه همیشه بلکه گاهی، لیکن زن از مقاربت خاصه قبلاً ایما می‌کند، آیا در این صورت می‌تواند مطالبه نفقه هم بکند یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر متعارف است و عقد، مبنی بر آن است، حق نفقه دارد.

3. در صداق نامه می‌نویسند که مرد باید پنج من زمین بخرد یا یک خانه بسازد برای صداق و قیمت می‌شود مثلاً هزار تومان. آیا چون زوج در آن حال زمین و خانه را نداشته، مهر باطل است و مبدل و برگشت به مهر المثل می‌شود یا خیر؟ و اگر صحیح است لیکن تا حال خریده نشده، آیا قیمت روز نوشته شده - یعنی همان هزار تومان - را بدهکار است یا باید زمین به قیمت حال قیمت شود؟ و اگر قیمت زمین‌ها مختلف باشد، باید حد وسط را در نظر گرفت یا خیر؟

بسمه تعالی، مهر باطل نیست و باید زمین یا خانه تهیه کند؛ و در خصوص قیمت، اگر تعارفی در بین نیست مصالحه نمایند.

4. دختر بالغه رشیده با مردی ازدواج نموده بدون اطلاع پدرش و پدر بعد از اطلاع، اجازه نکرده است و پدر هم در بلد نبوده و در شهر دیگری بوده، لیکن امکان این که از سوی وی، زوجین با اطلاع گردند بوده است. چون حضرت امام استیذان از ولی را احتیاط دارد و مرد حاضر به طلاق نیست، آیا به این احتیاط امام، قاضی می‌تواند حکم به عدم صحت عقد نماید؛ خاصه این که پدر هم غایب بوده به نحوی که ذکر شد، یا چون مقلد می‌تواند در احتیاطات، به مجتهد دیگری رجوع کند و مرد می‌گوید رجوع می‌کنم - و خاصه در موردی که مرد، عامی هم هست که احتمال عدم دقت درباره تقلید صحیح وی می‌رود و درباره فروج و دماء هم احتیاط لازم است - حکم به صحت باید کرد؟ و زن هم حال حاضر نیست با مرد زندگی کند. بفرمایید: اگر اصلاح ممکن نشود، وظیفه قاضی چیست؟ و اگر مرد گفت: من از مجتهد

دیگری تقلید می کنم چه باید کرد؟ یعنی اشکال مرتفع می شود و می شود حکم به زوجیت کرد به مجرد گفته او یا خیر؛ چون در مظان جلب نفع است؟

بسمه تعالی، عقد مزبور باطل است و دادگاه حق طلاق ندارد؛ ولی خود طرفین اگر بکارت دختر زایل شده، می توانند ثانیاً بدون اجازه پدر باهم ازدواج کنند.

[سؤال 10576] 5974

بسمه تعالی

احتراماً؛ به استحضار می رساند عیال این جانب کارمند بوده و به قرار اطلاع، کلیه اموال و اثاثیه ام را با همکاری چند تن از بستگانش، در غیابم سرقت نموده، و نیز فرزند خردسالم را رها، و مهریه دویست و پنجاه هزار تومانی خود را به اجرا گذاشته، و من قدرت پرداخت آن را تقدماً ندارم. با توجه به این که من از ابتدا به چنین مهری راضی نبودم، لکن با توجه به سخنان فریبده خانواده اش، از قبیل این که ما مهر را نخواهیم گرفت، مهر را چه کسی گرفته، ما به خاطر سنگینی و سربلندی دخترمان در بین اقوام، این مهر را تعیین می کنیم، و جملات فریبده دیگر، این جانب به چنین ازدواجی تن دادم. حال با عنایت به مطالب فوق استدعا می شود موارد زیر را اعلام و ابلاغ نمایید:

1. با توجه به مطالب فوق پرداخت مهریه وی از نظر شرع چه صورتی دارد؟

بسمه تعالی، مهریه ای که قرار داده اند را ضامن هستید و باید به او بپردازید، و اگر قدرت ندارید باید به شما مهلت دهند.

2. در صورت عدم مراجعه به محل انتخابی مسکونی، نفقه به او تعلق می گیرد یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر شرط مسکن برای زن نشده، باید به مسکنی که شوهر اختیار کرده، برود و اگر تخلف کند استحقاق نفقه ندارد.

3. با توجه به این که فرزند خردسال و شوهر شرعی اش احتیاج به سرپرستی دارد و این جانب راضی به سر کار رفتن وی نیستم اما وی توجهی نمی نماید از نظر شرع چه صورت دارد؟

بسمه تعالی، اگر در ضمن عقد شرط نشده که زن به کار خود مشغول باشد یا عقد مبنی بر این شرط واقع نشده، برای خارج شدن از منزل باید از شوهر اجازه بگیرد و اگر بدون اجازه برود

ناشره است.

ص: 239

3. بعد از این که شخصی زنی را برای خود عقد کرد، قبل از تصرف - طبق فتوای حضرت آیت اللهی - زن حق دارد که تمکین نکند تا مهر خود را بگیرد. بعد از تصرف و تمکین زن، آیا زن این حق را دارد که تمکین نکند تا مهر خود را بگیرد یا خیر؟

بسمه تعالی، بعد از تمکین، حق امتناع ندارد.

بسمه تعالی 1361 / 5 / 17

محضر مبارك رهبر كبير انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

در تحریر الوسیله، جلد دوم، مسأله یازده فرموده اید: «بل لها أن تمتنع من التمکین و تسلیم نفسها، حتّی تقبض مهرها الحالّ». ما در دادگاه با زنانی مواجه می شویم که می گویند: ما از شوهرمان تمکین نمی کنیم و خود را تسلیم وی نمی کنیم؛ چون مهرمان را نداده اند، و مطالبه می کنیم و نمی دهد. آیا این مسأله شامل حال زنانی می شود که قبلاً تمکین کرده اند و چه بسا از شوهر خود بچه هم پیدا کرده اند و یا فقط شامل زنانی می شود که شوهر برای اولین بار می خواهد با آن ها نزدیکی کند؟ خیلی محل ابتلاء است، زود جواب مرحمت فرمایید.

بسمه تعالی، اگر قبلاً تمکین کرده، حق امتناع ندارد.

استحقاق تمام یا نصف مهریه در صورت طلاق یا فوت

بسمه تعالی 1361 / 10 / 5

محضر مبارك حضرت امام خمینی، مدّ ظلّه العالی، متمنی است دستور فرمایند، در ارسال جواب استفتانات، جهت جلوگیری از اطالة دادرسی؛ تسریع نموده و جواب اعلام دارند.

1. در عقدنامه‌ها مکتوب است که زوج به زوجه وکالت ضمن عقد خارج لازم داده که با توجه به شروط مندرج در آن و اثبات در مرجع صالحه خود را مطلقه نماید. و این طلاق بائن بوده و در صورت توافق کتبی طرفین در زمان عده قابل رجوع است. حال اگر یکی از موارد مندرج محقق شد و زوجه با وکالت مأخوذه طلاق بگیرد و گرفت. آیا حق اخذ مهریه هم دارد؟ در ضمن، بائن بودن طلاق از چه باب است؟ دیگر این که آیا در این موارد زوج بدون رضایت زوجه می‌تواند رجوع کند؟ در صورت مثبت بودن جواب؛ آیا نقض غرض نمی‌شود؟

بسمه تعالی، اگر زوجه مدخول بها بوده، تمام مهر و اگر غیر مدخول بها بوده، نصف مهر بعد از طلاق باید داده شود. و طلاق رجعی با شرط، بائن نمی‌شود و چنانچه طلاق رجعی بوده، شوهر می‌تواند در عده رجوع کند، هر چند بدون رضایت زن باشد.

2. در بعضی عقدنامه‌ها غیر از شروط چاپی مندرج حین عقد، شرط یا شروط دیگری بین زوجین منعقد می‌گردد؛ از آن جمله شرط می‌کنند: اگر زوج به زوجه، ظرف شش ماه از قرار ماهیانه یک هزار تومان نفقه نپردازد؛ زوجه به وکالت بلاعزل می‌تواند خود را مطلقه نماید. این شرط محقق می‌شود و طبق شرط مذکور، زوجه از دادگاه درخواست رأی طلاق با اخذ مهریه یا بدون اخذ آن می‌نماید. دادگاه طبق وکالت سابق با عدم رضایت فعلی زوج، حکم طلاق صادر و زوجه مطلقه می‌شود. آیا با این کیفیت زوج حق رجوع به زوجه مطلقه - بدون رضایت زوجه - را دارد یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر طلاق رجعی است می‌تواند رجوع کند.

3. در عقدنامه‌ها شرط ضمن عقد شده که اگر زوج بدون رضایت زوجه همسر دیگری اختیار نماید، زوجه وکیل و وکیل در توکیل غیر، بلاعزل باشد که خود را مطلقه نماید. حال اگر زوجه بدون عذر موجه از زوج تمکین ننماید و موضوع عدم تمکین در دادگاه به اثبات رسیده و منتهی به دادنامه قطعی بر عدم تمکین و نشوز زوجه صادر گردد و زوج بخواهد به علت عدم تمکین و نشوز زوجه ازدواج مجدد نماید و یا به علت مذکور ازدواج مجدد هم کرده باشد. زوجه می‌تواند با وکالت مأخوذه ضمن عقد خود را مطلقه نماید؟ یا این که وکالت مأخوذه در مورد ازدواج مجدد زوج، به علت عدم تمکین زوجه، از این امر (طلاق زوجه) مستثنا می‌باشد.

بسمه تعالی، اگر بنحو مطلق، شرط توکیل در طلاق شده، استثنا نمی‌شود.

5. دختری را کسی به عقد خودش درآورده و با آن دختر قبل از عروسی ملاعبه می کند و آن دختر قبل از دخول حامله می شود و بعد از این منجر به طلاق می شود، آیا این دختر مهر کامل حق دارد؟ و بعد از طلاق عده دارد یا نه؟
بسمه تعالی، با طلاق قبل از دخول، مهر نصف می شود و تا وضع حمل باید عده نگهدارد.

3. اگر کسی زن ثیبی را به عقد خود درآورد و قبل از دخول طلاق دهد، آیا تمام المهر را بپردازد یا نصف المهر؟
بسمه تعالی، در فرض مسأله، نصف مهر را باید بپردازد.

پیشگاه مبارک رهبر عالی قدر امام خمینی، محترماً به عرض مبارک رهبر انقلاب می رسانم این جانب از عشایر ایل زایی جزء استان کرمان در سال 1356 با يك سیده ازدواج کردم. مبلغ 12000 هزار تومان مهریه معین کرده و مبلغ 45000 تومان پول نقد از حقیر گرفته اند برای خرید اجناس دختر تا این که دختر در خانه پدرش فوت کرد و به تصرف این جانب نرسید. در ثانی يك قالی دادم که آن قالی را هم پدر دختر تصرف کرد من 2 انگشتر طلا و 1 النگو طلا و يك ساعت و تعدادی لباس و چمدان بردم برای پوشیدن دختر باز هم آن ها را ندادند استدعا دارم از مقام عظیم الشان رهبر انقلاب فتوای دینی مرقوم بفرمایید.

بسمه تعالی، با فرض این که زن بعد از عقد و قبل از دخول فوت کرده، نصف مهریه را مستحق است و اموالی که با پول نقد شوهر صرف در تهیه جهیزیه شده ملك خود شوهر است مگر هبه کرده باشد و اموالی که در

حين فوت ملك زن است به ورثه او كه از جمله شوهر است مى رسد و سهم شوهر نصف است.

[سؤال 10583] 991

2. اگر پدری يك دانگ خانه مسكونی خود را صداق عروسش كرد و پسرش قبل از عروسی فوت كرد. آیا نیم دانگ خانه از مهریه عروس - چون عین آن باقی است - به پدر بر مى گردد یا به پسر، كه در این صورت پدر در ارث شريك مى گردد؟
بسمه تعالی، در فوت شوهر قبل از دخول، نصف مهر به شوهر بر مى گردد و جزو تركه او محسوب است.

[سؤال 10584] 5978

بسمه تعالی

با سلام خدمت رهبر عزیز، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، دام ظلّه العالی

پس از عرض سلام و آرزوی سلامتی و طول عمر برای شما، می خواهیم يك مسأله ای را برای ما روشن کنید.

مسأله این است كه: فرزند من چند ماه پیش در حمله فتح المبین توسط بعثیان كافر به آرزوی دیرینه خود یعنی شهادت، رسید. همسر وی نیز دختر باكره می باشد كه هنوز به خانه شوهر نیامده و در منزل پدر به سر مى برد. حال می خواستیم ببینیم آیا به چنین همسری از حقوق شهید چیزی مى رسد؟ و همچنین می خواستیم ببینیم كه از مهر چقدر مى رسد. و همچنین از اموال شهید ارث مى برد؟ و اگر اموالی از شهید و خانواده او نزد عروس و خانواده اش به رسم امانت سپرده شده كه در موقع عروسی به منزل داماد بیاورد، می توانیم مطالبه و استرداد نماییم؟

بسمه تعالی، نصف مهریه را حق دارد و از اموال شهید ارث مى برد و آنچه را شهید به او بخشیده، ملك او است و نمی توانند پس بگیرند و دیگران اگر چیزی به او داده اند، تا عین آن باقی است می توانند پس بگیرند و حقوقی

ص: 243

که به خانواده شهید داده می شود، از کسی است که به حسب مقررات به او می رسد.

[سؤال 10585] 3452

2. آیا خانمی که خودش دادخواست طلاق بدهد و در دادگاه محکوم شود می تواند تقاضای گرفتن مهریه را بنماید؟

بسمه تعالی، مهریه را حق دارد.

[سؤال 10586] 5979

بسمه تعالی

حضور محترم حضرت امام خمینی مدّ ظلّه العالی

محضر مبارکتان را آگاه می سازم مبنی بر این که در زیر نامه این جانب در خط مبارکتان آمده است که تمام مهر را مستحق است هر چند عیب مرتفع نشده باشد. امام عزیز و گرامی لازم به یادآوری است که از طرف دادگاه، نامبرده را به پزشکی قانونی معرفی کردیم و فتوکپی آن به پیوست ارسال می گردد و در گواهی نیز آمده است که الآن امکان دخول نیست و درآمدی نیز ندارم که بخوادم همسر دیگری انتخاب کنم. و با نامبرده نیز زندگی برایم میسر نیست. از محضر مبارکتان استدعامندم بفرمایید که آیا شرایط فسخ به نامبرده تعلق می گیرد یا نه؟ و اگر نمی گیرد چه مقدار حقوق به وی تعلق می گیرد، از محبت های امام عزیز کمال سپاس گزاری را دارم.

بسمه تعالی، با فرض تحقق دخول، تمام مهر را استحقاق دارد و در صورت وجود شرایط فسخ می توانید فسخ کنید.

[سؤال 10587] 5980

بسمه تعالی 1360 / 11 / 29

محضر مبارك حضرت آيت الله العظمى امام خمينى، مدّ ظلّه العالی

بيان فرماييد با در نظر گرفتن اين که (تملك الزوجة، المهر بأجمعه بمجرد العقد)

ص: 244

اگر زفاف واقع نشده و طلاق هم از طرف زوج واقع نشده که مهر تنصیف شود؛ آیا زوجه می تواند تمام مهر را از زوج مطالبه کند و در صورت عدم پرداخت مهر، به وسایل قانونی متوسل شود و مهر را تماماً بگیرد یا نمی تواند؟

بسمه تعالی، زن مهریه را به عقد مالک می شود و می تواند مطالبه کند، ولی بدون تمکین استحقاق نفقه ندارد.

[سؤال 10588] 5981

بسمه تعالی 1361 / 1 / 14

محضر مبارك حضرت آيت الله العظمى، قائد عظيم الشأن و رهبر كبير انقلاب اسلامى ايران، حضرت امام خمينى، دام ظلّه العالى، پس از تقديم سلام و عرض ارادت، سلامتى وجود مبارك حضرت مستطاب عالى را از خداوند متعال - همواره - تقاضا دارم، و بعد؛ لطف فرموده، پاسخ اين مسائل را مرحمت فرماييد:

1. مردى زنى را به عقد دائم عقد مى كند و پس از دوروز كه زوجه را ملاقات مى كند، عقد را فسخ مى كند و اظهار مى دارد: اين زوجه را نديدم و صيغه خواندم؛ و آن طورى كه وصف و تعريف كردند نبود و اين زوجه، براى من قابل قبول نيست و مسامحه بردار هم نيست و الاً عقد را فسخ نمى كردم. اولياى زوجه مى گویند: چون صيغه عقد را خوانديد، بايستى نصف مهریه را بپردازيد؛ زوج در جواب مى گوید: اين در صورتى است كه مرد، زن را ديده باشد و الاً اگر زن را ندیده، و توصيف و تعريف، شنیده باشد كه پس از رؤيت، مطابقت نداشته باشد، نصف مهریه را حق ندارد. در اين مورد، حكم چگونه است؟

بسمه تعالی، اگر موجبی برای فسخ نباشد، مهریه ساقط نیست؛ و به طلاق قبل از دخول، مهر تنصیف می شود؛ و مواردی که شوهر حق فسخ دارد، در رساله ذکر شده است.

2. زنى سؤال مى كند كه من با مرد پيرى ازدواج كردم و مهریه من بيست هزار تومان است؛ آیا من با اين مهریه، مستطيع هستم و حال آن كه به غير از اين مهریه، چيز ديگرى ندارم و بعد از شوهر، كسى كه

ص: 245

خرج مرا عهده دار شود ندارم؟

بسمه تعالی، در صورتی که تمام احتیاجات زن، به توسط همسر او رفع می شود و وجه مذکور برای مخارج حج او کافی است، مستطیع است.

3. زیاد سؤال می کنند که این آوازهای رادیو و تلویزیون، همه آن ها استماعش اشکال ندارد و هیچ کدام موسیقی نیست و ما می توانیم همه این صداها و آهنگ ها را گوش دهیم؟

بسمه تعالی، موسیقی مطرب حرام است و صداهاى مشکوک، مانع ندارد.

4. عکس زن که کاملاً مشخص و پیدا باشد و صورت زن نمایان شود در عکس و در معرض و دسترس و نظاره همه مردها قرار گیرد چگونه است و این که بین مردم معروف است که عکس زن برای مردی که او را نمی شناسد اشکال ندارد بیان فرمایید.

بسمه تعالی، چنانچه صاحب عکس شناخته نشود و در دیدن مفسده نباشد نگاه کردن به عکس جایز است.

[سؤال 10589] 5982

بسمه تعالی

دفتر امام خمینی، حفظه الله تعالی، سلام علیکم بما صبرتم ورحمة الله وبرکاته، ضمن عرض سلام و آرزوی توفیق حضرات و شما خدمتگزاران صدیق و پیروزی هرچه زودتر اسلام عزیز بر استکبار جهانی، بدین وسیله محترماً؛ سؤالی شرعی را مطرح می نمایم و امیدوارم برادران پاسخ گوی سؤال - از آن جایی که این مسأله، در واقع سرنوشت زندگی دو نفر را مشخص خواهد نمود - دقیقاً سؤال را خوانده و جواب را کتباً عنایت نمایید.

قریب به 27 سال پیش - تقریباً در سال 1334 - مرد و زنی به عقد یکدیگر درآمده و سپس ازدواج می نمایند؛ پس از ازدواج مشخص می گردد که نوزادی از آن ها متولد نخواهد شد. در این رابطه، دفعات متعددی به دکترهای متخصص - متخصص های غدد جنسی در اصفهان و تهران - مراجعه می نمایند و حتی مراجعات چندی نیز به متخصصین داروهای طبی و داروهای گیاهی داشته اند و جواب تمام پزشکان منفی بوده است.

ص: 246

البته این نکته قابل تذکر و توجه است که عیب و نقص، از جانب مرد و شوهر می باشد. پزشکان متخصص، با آزمایشات مکرر و معاینات پزشکی به شوهر اطلاع داده اند که شما در واقع نطفه ندارید و دارای فرزند نمی شوید و زن نیز به این امید که شاید - ان شاء الله - در آینده در اثر معالجات، نطفه دار و نتیجتاً فرزنددار گردند، مانده و به زندگی ادامه داده است؛ لکن تا کنون همان گونه که قبلاً بیان گردید، جواب و نتیجه مثبت مشاهده نشده است. در این رابطه، چند سؤال برای ما مطرح است که تقاضا نمودیم دقیقاً به این سؤالات جواب فرمایید:

1. آیا زن با توجه به مسائل و موضوعات فوق الذکر، بدون رضایت شوهر (خواه شوهر، راضی باشد یا راضی نباشد) می تواند طلاق بگیرد یا خیر؟ و اگر با میل خود، خواست طلاق بگیرد، مسأله مهریه چگونه خواهد بود؟ آیا باید از طرف شوهر به زن، تماماً پرداخت گردد یا باید نصف پرداخت گردد و یا اساساً لازم نیست مهریه ای به زن پرداخت شود؟

بسمه تعالی، طلاق بدون اذن شوهر باطل است و بعد از تحقق دخول، تمام مهر را باید بدهد.

2. آیا شوهر می تواند با اجازه زن، برای مدتی - مثلاً یک سال - زنی دیگر را صیغه یا عقد نماید؟ این سؤال را از آن جهت مطرح نمودم که در واقع، برای مرد اتمام حجت شده باشد.

بسمه تعالی، ازدواج زن دیگر - موقت یا دائم - جایز است و باید رعایت مقررات دولت اسلامی بشود.

3. اگر زن با میل خود، خواست کما فی السابق، با توجه به این که می داند از شوهر، فرزنددار نخواهد شد بنشیند و به زندگی خود ادامه دهد، در این جا مسأله شرعی این موضوع چگونه خواهد بود؟ آیا زن، گناهکار نخواهد بود؛ با توجه به این که اگر طلاق بگیرد، می تواند از شوهر دیگر - ان شاء الله - بچه دار شود و مرتکب معصیت نخواهد بود در دنیا و آخرت؟ و در واقع، مسأله آخرتی مطلب چگونه خواهد بود؟

بسمه تعالی، صبر زن با شوهر مذکور اشکال ندارد.

امیدوارم که در پرتو عنایات حق موفق و مؤید باشید؛ ان شاء الله، خدا نگه دار

بسمه تعالی

محضر مقدس و مبارک رهبر کبیر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

زنی هستم که شوهر خود را از دست داده ام و دارای قطعه زمینی هستم که در صداقم قرار داشته و فعلاً متصرف و از طریق کشت و زرع با آن امرار معاش می نمایم؛ و از طرفی فاقد محل سکونت بوده و از حیث مسکن در مضیقه قرار گرفته ام. آیا جایز است در زمینی که از طریق صداق، در ملکیت این جانبه قرار داده شده، دو اتاق برای سکونت خود بسازم یا خیر؟

بسمه تعالی، اشکال ندارد.

بسمه تعالی 1361 / 5 / 2

تهران، دفتر محترم حبر اعظم، رهبر کبیر انقلاب اسلامی جهان، امام خمینی

احتراماً؛ ضمن درود فراوان بر پیامبران راستین خدا از آدم تا خاتم صلی الله علیه و آله و نثار سلام و تحیت بر ائمه برحق و سلام بر خمینی بت شکن، خاطر عالی متصدیان و مسئولین محترم دفتر امام را به سؤال ذیل، معطوف می دارد.

اگر زن بدون خواسته و رضایت مرد، با استفاده از نفوذ در دادگاه های آریامهری و توانایی اجیرنمودن وکیل زبردست در آن دادگاه های کذایی - با وجود داشتن مرد، مدارک متعدد و کافی و شرعی و قانونی، از قبیل دعوت رسمی و ارسال چند مرد عادل و بی نظر، برای دعوت زن به زندگی، و مدارک و ادله زیاد دال بر عناد و سرپیچی زن از مراجعت به زندگی و منزل مرد - غیباً حکم طلاق گرفته باشد، آیا:

1. وصول مهریه نامبرده با توجه به نکات فوق و معیل بودن مرد، به چه نحو و صورتی خواهد بود؟

ص: 248

2. آیا صدور حکم طلاق غیابی، بدون حضور و رضایت مرد، شرعی است؟

استدعا دارد رأی و نظریه دفتر مرجعیت بزرگ اسلامی را امر به ابلاغ فرمایند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، مهریه، ملك زن است و شوهر نمی تواند دوباره آن را به خود برگرداند؛ ولی طلاقى که بدون اذن شوهر و بدون مجوز شرعى انجام گرفته، باطل است.

[سؤال 10592] 5985

بسمه تعالی 11 / 4 / 1361

حضور محترم نمایندگان امام در قم، پس از عرض سلام و درود و طلب رحمت خدا و آرزوی توفیق بیشتر در انجام وظایف سنگینی که به عهده دارید. مزاحمتان گشتم تا به چند سؤالی که فهم آن از رساله برایم مقدور نگشت پاسخ بفرمایید.

1. آیا مرد می تواند به قولی که به همسرش داده، علی رغم توانایی بر انجام آن، عمل نکند؟ دلیل او این باشد که اگر مرد در عقد نکاح قصد داشته باشد مهریه را ندهد، عقد صحیح است و این حکم را دلیلی برای وفا نکردن به قول خود قرار دهد تا توجیه شرعی هم کرده باشد؟

بسمه تعالی، از صفات مؤمن وفاء به وعده است، و در هر صورت شوهر نمی تواند از اصل پرداخت مهریه امتناع ورزد.

2. وظیفه شرعی يك زن در برابر شوهرش که با استفاده از احکام اسلام مبنی بر اطاعت زن از شوهر، همسر را از دیدار بستگانش و آشنایانش باز می دارد - به این دلیل که آن ها اثراتی می گذارند که باعث می شود علاقه زن به آن ها زیاد شود و به خاطر این علاقه نتواند برخی از حرف هایشان را رد کند، در حالی که آن ها مسلمانند و کافر هم نیستند و نماز و روزه شان هم سرجایش است - چه می باشد؟

بسمه تعالی، خروج زن از منزل شوهر برای غیر واجبات، منوط به اجازه شوهر است.

3. آیا به این دلیل که کودک باید دو سال کامل شیر بخورد می توان از همخوابی با شوهر اجتناب کرد؟ چون در آن صورت احتمال حاملگی مجدد و قطع شیر هست.

ص: 249

بسمه تعالی، در فرض مرقوم، در صورت درخواست شوهر، زن حق امتناع ندارد.

4. آیا ادکلن های خارجی مردانه و زنانه که انسان نمی داند در آن ها الکل هست یا نه، نجس هست و انسان به واسطه استفاده از آن بدنش نجس می شود یا نه؟

بسمه تعالی، محکوم به طهارت است.

5. ظروف و دستکش های پلاستیکی اگر نجس شود، مثلاً به مدفوع کودک آغشته گردد؛ آیا با آب کشیدن آن ها و برطرف شدن نجاست، تطهیر می شوند یا نه؟

بسمه تعالی، پس از زوال عین نجاست با آب کشیدن پاک می شود.

6. اگر انسان نذری کرده باشد، مثلاً روزه گرفتن ده روز اول ماه قریان و فراموش کرده باشد که آیا قید زمان را مطرح کرده یا نه و منظورش هر سالی که شد، بوده است یا حتماً اولین سال بعد از ادای نیت مرادش بوده، در صورتی که در اولین سال فرا رسیدن آن ماه به واسطه کسالت نتواند آن را ادا کند؛ آیا می تواند این روزه ها را در سال های بعد در همان ماه بگیرد و یا می تواند روزه ها را در هر روزی قضا کند و آیا باید کفاره بدهد؟

بسمه تعالی، در فرض مرقوم، کفاره واجب نیست، ولی سال بعد روزه ها را بگیرد و نیت ادا و قضا نکند.

[سؤال 10593] 5986

بسمه تعالی 1361 / 4 / 8

درود بر روان پاک شهیدان اسلام، درود بر امام امت، سلام بر امت بیدار و همیشه در صحنه حزب الله، برقرار باد پرچم پر افتخار اسلام.

برای من يك مسأله پیش آمد، که لازم شد شما را در جریان بگذارم و شما رهنمودی در این باره بفرمایید.

اگر کسی زنی را عقد کند و او را در خانه نیاورد و بعد بخواهد او را طلاق دهد، چگونه با وی رفتار می شود؟ آیا پول پس داده می شود یا نه؟ آن مقدار پول که به او داده اند، سی هزار تومان است، و پشت قباله شصت تومان می باشد با توجه به هفت عیب هایی که در رساله ذکر شده، دارای هیچ کدام نمی باشد، فقط پیر و فرسوده است، و حدود 34 سال تکمیل سن دارد. از جناب عالی خواهشمندیم که جواب را ارسال

ص: 250

فرمایید. الله اکبر، خمینی رهبر، با تشکر از امام امت، خمینی کبیر

بسمه تعالی، اگر طلاق قبل از تحقق دخول انجام گیرد، نصف مهریه ای که در ضمن عقد برای زن قرار دادند، به او بر می گردد.

[سؤال 10594] 5987

بسمه تعالی 11 / 3 / 1361

1. اگر مرد جوانی با دختر جوانی طبق سنت دین مبین اسلام ازدواج نماید و در عقد شرط نکنند که دختر باکره باشد، ولی طبق معمول، فرض بر این است که دختر باکره باشد و دیگر لازم نمی دانند که شرط کنند و عقد می بندند. این فرد جوان با فرض

این که دختر، باکره است؛ مهر زن و تمام چیزها را قرارداد کرد. بعد از ازدواج معلوم شد که دختر باکره نیست و مدت دو - سه سال، باز هم معمولی با هم زندگی کردند، ولی شوهر از این ازدواج ناراضی و از زن متنفر است. آیا حق طلاق دارد؟ و اگر داشته باشد، زن حق گرفتن مهریه را دارد یا نه؟

بسمه تعالی، در فرض سؤال، زن حق دارد تمام مهریه را مطالبه کند و اختیار طلاق با شوهر است، ولی مراعات مقررات دولت اسلامی هم لازم است.

2. اگر نعوذ بالله شخصی با زنی زنا کند و دختری به وجود بیاید، می تواند با آن دختر ازدواج کند یا خیر؟

بسمه تعالی، جایز نیست.

3. شخصی با زنی زنا کرد و دختری از زن متولد شد که معلوم نیست مال شوهر زن است یا نه. اگر پسر این شخص با دختر آن زن ازدواج کند، درست است یا خیر؟

بسمه تعالی، دختر اگر از آن مرد نباشد، پسر آن مرد می تواند با آن دختر ازدواج کند.

4. اگر فردی ابزار کار خریده و می خواهد با آن امرار معاش نماید، آیا این ابزارها سر سال خمس دارند یا خیر.

بسمه تعالی، ابزار کار، در حکم سرمایه است و خمس دارد.

ص: 251

[سؤال 10595] 5988

بسمه تعالی

نایب الامام، حجت الاسلام متّع الله المسلمین بطول بقائکم

چه می فرمایید در این مسأله شرعیه: بین مرد و زنی در مورد دخول، نزاع است. مرد مدّعی عدم دخول و زن خلاف آن را مدعی است و بعد از طلاق، چون زوجه مطلقه بوده؛ خود را در مهرنامه شوهر دوم ثبیه معرفی کرده است. در صورتی که بکارت باقی است. و حال زوجه نسبت به ادعای خود نسبت به دخول شوهر اول باقی است و شوهر دوم ممکن است برای وصول تمام مهریه از شوهر اول، ادعای زوجه خود را تأیید کند در این مورد آیا قول شوهر اول بر عدم دخول مقدم است یا ادعای زن بر رد آن.

بسمه تعالی، زن حق مطالبه تمام مهر را دارد، مگر آن که نزد حاکم شرع طرح دعوی کنند و در این صورت قول مرد، با قسم مقدم است و می تواند قسم را با اقامه بیّنه از خود دفع کند.

نقش پدر نسبت به مهریه همسر فرزند

[سؤال 10596] 5989

بسمه تعالی

آیا پسر حق مطالبه صدق زوجه اش را از پدر و مادرش دارد یا خیر؟
بسمه تعالی، بر پدر و مادر لازم نیست صدق [زوجه] فرزند را بدهند.

[سؤال 10597] 5990

بسمه تعالی 16 / 3 / 1361

دفتر آیت الله العظمی امام خمینی، رهبر کبیر ایران، دامت برکاته

سؤال می شود شخصی با مشخصات زیر:

ص: 252

جوانی 23 ساله: شغل درجه دار ژاندارمری، دارای زن، بدون اولاد در اثر تصادف با ماشین وفات نموده. زن متوفی از پدر شوهرش مطالبه مهریه می نماید. در صورتی که از متوفی مالی به جا مانده پدر شوهر هم فقیر و بی چیز است؛ آیا خانم (زن متوفی) می تواند از پدر شوهرش مهریه بستاند؟

بسمه تعالی، پدر شوهر ضامن مهریه نیست.

تفاوت ارزش مهریه تعیین شده با نرخ فعلی

[سؤال 10598] 5991

بسمه تعالی

حضرت آیت الله العظمی امام خمینی رهبر مستضعفان جهان

محترماً به عرض می رسانم نظر به این که خود را موظف به رعایت موازین شرعی می دانم، لذا از مقام والای مرجعیت با همه گرفتاری ها و مشکلاتی که در همه زمینه ها متوجه ایشان می باشد، انتظار راهنمایی دارم.

در سند ازدواج بنده نوشته شده يك جلد كلام الله مجيد و تعداد چهارصد عدد سكه يك پهلوی طلا به ارزش يك میلیون و پانصد هزار ريال که تعداد صد عدد آن در موقع عقد تسلیم شده و سیصد عدد دیگر به ارزش يك میلیون ريال به ذمه شوهرم باقی است. شوهرم در اثر تصادف با ماشین فوت نموده است، از شوهرم يك باب منزل مسکونی و يك عدد ماشین باقیمانده و گویا دوازده ساعت آب در زادگاهش دارد که من سندی از آن در دست ندارم، حال با توجه به عرض حال، مرقوم فرمایید که آیا مهریه من سکه های معین شده قبلی باید باشد یا طبق ارزش آن ها در آن زمان می باشد. در ضمن از حضور آن مقام ولایت می خواهم که راهنمایی ام کنید که چگونه می توانم قیم بچه ام باشم؟ والسلام علی عبادالله الصالحین

بسمه تعالی، اگر در مثل مورد سؤال متعارف است که سکه را منظور بدانند یا قیمت را اصل بدانند باید بر طبق همان عرف محل عمل نمایند و اگر

ص: 253

متعارفی در این باره در بین نیست با توجه به این که میزان ارزش تعیین شده از قیمت سکه ها کمتر است در مقدار تفاوت باید مصالحه نمایند.

[سؤال 10599] 1270

3. وقتی که خواستند مرا عقد کنند قرار شد مهریه مرا خانه قرار دهند، ولی چون داماد منزل شخصی نداشت، آقای عاقد گفتند نمی شود و آن موقع یعنی در سال 1355 مبلغ 200 هزار تومان که قیمت يك منزل نسبتاً خوب بود مهریه من کردند. بعدها شوهرم همیشه می گفت هر وقت خانه خریدم به جای مهریه ات به نام تو می خریم، تا این که سال گذشته در خارج از تهران در جاده ورامین منزلی قرار شد بخریم و برای تهیه پول آن من مجبور شدم که تمامی طلاهایم را حتی حلقه ازدوایم را بفروشم به این امید که خانه به اسم من خواهد بود و مهریه ام نقد می شود، ولی وقتی که خانه را قولنامه کردیم شوهرم به نام خودش قولنامه کرد (متذکر می شوم که قیمت آن 215 هزار تومان بود که مبلغ پنجاه هزار تومان آن از فروش طلاهای من تأمین می شد) وقتی که به او اعتراض کردم گفت حالا تا روز محضر خیلی مانده و بالاخره روز محضر آمد و او خانه را به نام خودش کرد. وقتی که به او گفتم مگر نه این که مهریه من عند المطالبه

است و من هم طلب آن را کرده بودم چرا چنین کردی؟ در جواب گفت: قیمت خانه ترقی می کند، هر وقتی که خواستی طلاق بگیری نمی آیند که خانه مرا بفروشند مهریه تو را بدهند، آن وقت قسط بندی می کنند و ماهی 500 یا 1000 تومان به تو می دهند آیا شرعاً چنین است؟ و یا هر وقت پولدار شدم و نخواستم دیگر چیزی بخرم آن وقت به تو می دهم. دیگر این فکر را نمی کند خانه ای که در سال 55، دویست هزار تومان بود الآن چقدر قیمت دارد؟

بسمه تعالی، اگر در ضمن عقد پول، مهریه قرار داده شد فقط همان پول را استحقاق دارید و نسبت به خانه خریداری شده به نسبت پولی که در تهیه قیمت آن پرداخت می کنید مطالبه کنید.

ص: 254

بسمه تعالی

محضر مقدس حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

1. در مهرنامه زنی نوشته شده زوج مبلغ هفتاد تومان پول بابت ملك و خانه به عنوان مهریه به زوجه خود بدهکار است. اکنون بعد از گذشتن سال های متمادی آیا همان هفتاد تومان را بدهکار است یا ملك و خانه را؟

بسمه تعالی، با فرض این که پول خانه و ملك مهریه شده همان پول را حق دارد، ولی اگر ملك و خانه مهر شده و به مبلغ مذکور تقویم نموده اند باید ملك و خانه داده شود.

2. اگر شخصی از عواید بین سال زمین موروثی را باغ کرد به قصد این که از میوه اش استفاده کند، نه به قصد تجارت، آیا نمود درختان و زیادی قیمت باغ خمس دارد یا نه؟ در صورتی که در توضیح المسائل مسأله 1771 مرقوم فرموده اید: فقط باید خمس میوه را بدهد.

بسمه تعالی، درختانی که از عواید تهیه شده و میوه، در زاید بر مؤونه سال خمس دارد.

بسمه تعالی 1360/7/23

حضور مبارك حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، دامت برکاته العالی، به عرض می رساند:

1. اگر خانمی مدتی قبل به عقد کسی درآمده با مهریه رایج آن روز، که به حساب امروز مبلغ قابل توجهی نیست، در صورت طلاق اگر دادگاه صلاح بداند، آیا می شود به پول رایج امروز بر آن افزود و یا نه؟ در صورت منفی بودن جواب، طریق افزودن مهریه چیست؟ با توجه به این که زوجه در منزل زوج، قصد تبرع داشته یا بدون درخواست زوج کار می کرده.

بسمه تعالی، زن همان مهر تعیین شده را استحقاق دارد.

2. در صورت امتناع زوج از طلاق، اگر دادگاه صلاح را در متارکه بداند، آیا می تواند بدون اذن زوج،

زوجه را مطلقه نماید یا نه؟ و اگر جواب منفی است، در چنین بن بست هایی طریق حلش چگونه است؟

بسمه تعالی، اختیار طلاق با شوهر است.

3. اگر زوجه در رژیم قبلی مطلقه شود و زوج الآن ادعا می کند که طلاق، بدون اذن بوده، در صورت اثبات آیا طلاق قبلی باطل است یا نه؟

بسمه تعالی، طلاق بدون اذن شوهر باطل است.

[سؤال 10602] 1753

10. در عقدنامه های سابق مثلاً نوشته اند صدق باقی یا مهریه ده تومان که صد ریال است حالیه زوج همان ده تومان را باید بپردازد یا ده تومان فعلی را یا در مسأله تفصیلی است؟

بسمه تعالی، میزان پول رایج فعلی است مگر خصوصیتی قید شده باشد.

[سؤال 10603] 5994

بسمه تعالی

محضر مبارك رهبر عالی قدر و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی، پس از اهدای سلام و تحیات وافره، و آرزوی بقای وجود با برکت تا انقلاب مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، جواب مسائل زیر را بیان فرمایید:

1. شخصی حدود سی سال قبل با زنی ازدواج کرده و مبلغ دوست تومان مهر قرار داده است و الآن می خواهد طلاق بدهد. در مدت مزبور زن به خیال این که خانه مال خود و شوهرش می باشد، زحمت فراوانی را متحمل شده. آیا زوج می تواند بدون حق الزحمه با پرداخت مهر تعیین شده، زنش را مطلقه نماید یا باید حق الزحمه زوجه را بپردازد؟

بسمه تعالی، زن بیش از مهر تعیین شده حق ندارد و در مقابل خدمات که انجام داده، چنانچه با دستور زوج بوده و قصد تبرّع نداشته، اجرة المثل را می تواند مطالبه کند.

ص: 256

2. در قباله ازدواج، ماده 8 قانون حمایت خانواده، چهارده مورد ذکر شده، که در موقع اجرای عقد یا در ضمن عقد لازم دیگر زوجین شرط می کنند که اگر یکی از این چهارده مورد محرز شود، زوجه از طرف زوج، وکیل و وکیل در توکیل غیر است که خود را مطلقه نماید. نوعاً این موارد به زوجین تفهیم می شود، ولی بعضاً زوجین بدون تفهیم پای ورقه را که این موارد نوشته شده است امضا می کنند. در صورت دوم اگر یکی از این موارد ثابت شود، زوجه می تواند خود را مطلقه نماید یا باید موارد چهارده گانه به زوجین تفهیم شود؟

بسمه تعالی، مجرد امضا و تفهیم موارد کافی نیست و باید در ضمن عقد شرط شود و یا عقد مبنیاً علیه واقع گردد.

3. راننده اتومبیل خود را به تمام معنا از لحاظ ترمز و چرخ تجهیز می نماید، ولی موقع رانندگی، چرخ ماشین در می آید و ماشین چپ می شود و شخصی کشته می شود. آیا راننده باید دیه پردازد یا خیر؟

بسمه تعالی، در فرض مسأله، مصالحه نمایند علی الاحوط.

4. زوجه با زوج شرط کرده در صورت ثابت شدن یکی از موارد چهارده گانه مذکور در سند نکاحیه، از طرف زوج وکیل است خود را مطلقه نماید. آیا می تواند با بذل مقداری از مهریه خود را مطلقه نماید، یا باید تمام مهریه را بذل کند؟

بسمه تعالی، در فرض ثبوت حق طلاق برای زوجه، باید در اجرای طلاق طبق وکالت مشروطه عمل نماید.

5. زوجین شرط کرده اند اگر چنانچه زوج محکوم به زندان شد و این محکومیت مغایر با حیثیت و شؤون خانوادگی باشد، زوجه از طرف زوج وکیل و وکیل در توکیل غیر است که خود را مطلقه نماید. زوج در سال 1359 در رابطه با اعتیاد به مواد مخدر دستگیر و محکوم به دو سال زندان شده و بعد از سه ماه با عفو از زندان آزاد می شود. الآن زن می تواند با ادعای این که محکومیت 3 سال قبل، مغایر با حیثیت و شؤون است، خود را مطلقه نماید یا خیر؟

بسمه تعالی، موارد مختلف است؛ اگر شرط وکالت در طلاق منوط به مجرد محکومیت زوج بوده، حق طلاق برای او ثابت است.

6. زوجه از زوج تمکین نمی کند، حاکم حکم تمکین می دهد، باز تمکین نمی کند، آیا حاکم شرع می تواند زوجه را به عنوان مرتکب به گناه، تعزیر نماید یا نه؟

بسمه تعالی، می تواند او را به تمکین اجبار نماید.

حضرت احدیت عمر آن رهبر را طولانی فرماید و وجودش را از گزند حوادث محفوظ داشته و مقام رهبریش را از سر ما کوتاه نگرداند. ان شاء الله تعالی

استفتا از قائد اعظم، حضرت امام خمینی

با توجه به اصل حرمت ربا تردیدی در بعضی از مواد قانون مدنی کشورمان، با اوضاع و احوال کنونی امت مسلمان ایران (به شرح ذیل) پدید آمده است:

1. مهریه بانویی فرضاً در سی سال پیش دو بیست تومان تعیین گردیده است و شوهر آن بانوی محترمه پس از سی سال به علی او را طلاق می دهد. اکنون آن زن بیوه محترمه مسلمان که سال های جوانی خود را با آن مرد سپری کرده، فقط مستحق دریافت دو بیست تومان فعلی است. و دو بیست تومان سی سال پیش تقریباً برابر با دو بیست هزار تومان حالیه است. او نمی دانسته و یا نمی توانسته که موقع ازدواج، به جای دو بیست تومان مهریه، فرضاً بگوید بیست مثقال طلا، که امروز بتواند بیست مثقال طلایش را به بیست هزار تومان بفروشد. آیا حق زن که مقام والایی در دین مبین اسلام دارد، در این مورد رعایت شده است؟

بسمه تعالی، قدرت خرید پول میزان نیست، بلکه هر چه که در ضمن عقد، مهریه قرار داده شد، همان را زن استحقاق دارد.

2. فردی به حق کسی تجاوز کرده و پولی را که فرضاً بنا بوده ده سال پیش بدهد، نداده و پس از طی مراحل گوناگون آخرالامر فرضاً در دادگاه محکوم به پرداخت همان پول به انضمام هزینه های دادرسی شده است، ولی این پول، پول ده سال پیش نیست و تقریباً ده صدم آن است؛ به عبارت دیگر واقعاً مدیون يك دهم پول را می دهد، نه اصل را، و فرض آن است که توانایی پرداخت تمام بدهیش را نیز دارد و امثالهم. این گونه تنزل ارزش پول در صدر اسلام و قرن های بعد از آن هم سابقه و نظیر نداشته و این پدیده ای است بسیار جدید و نو. اگر آن پیشوای مسلمین جهان مصلحت می دانند در این مهم تعمقی بسزا فرمایند.

بسمه تعالی، اگر فصل خصومت در محاکم صالحه انجام گرفته، آنچه را که حاکم بدان حکم

کرده، طلبکار همان را استحقاق دارد و قدرت خرید میزان نیست، ولی اگر فصل خصومت در محاکم صالحه نشده طلبکار حق دارد اصل طلب خود را مطالبه نماید.

[سؤال 10605] 6395

2. مهریه من که در سال 1340 موقع ازدواج من هفت هزار تومان است آیا همان مقدار الآن حساب می شود یا به میزان روز؟

بسمه تعالی، مقدار مهریه همان است که در عقد قرار داده شده و با اختلاف ارزش پول و قدرت خرید تغییر پیدا نمی کند.

[سؤال 10606] 5996

بسمه تعالی 7 ربيع الثانی 1403 ق

محضر مقدس رهبر کبیر انقلاب اسلامی و مرجع عالی قدر، حضرت آیت الله العظمی و مولانا الاعظم، امام خمینی، دام ظلّه العالی، السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

مصدّع اوقات گران بهای آن مرجع عالی قدر می گردد که در مهریه نامچه بانویی چنین نوشته شده: «مهر: يك جلد كلام الله مجید که هدیه آن يك هزار ریال و يك جام آینه و يك جفت شمع دان به ارزش شش هزار ریال و طلاجات مقدار پنجاه مثقال و مقدار پانصد عدد سکه طلا يك پهلوی، که حسب الاقرار كلام الله و مقدار پنجاه مثقال طلا رسیده، فقط مقدار پانصد عدد يك پهلوی طلا بر ذمه زوج است عند المطالبه تسلیم نماید. مقدار پانصد عدد يك پهلوی طلا به ارزش يك میلیون و دوست و پنجاه هزار ریال تعیین گردید»؛ حالا با در نظر گرفتن جملات مرقوم که عیناً از مهریه نامچه نوشته شد، آیا زوج بابت مهریه، مقدار طلای مرقوم یا قیمت فعلی آن را بپردازد؟ و یا مبلغ مرقوم را که در آن تاریخ بر مقدار طلا- تعیین گردیده بپردازد؟ البته قیمت فعلی طلا نسبت به آن تاریخ ترقی زیاد نموده است. لطفاً نظر مبارك را ذیلاً مرقوم و مهمور بفرمایید. متّعنا الله و الاسلام بطول بقاء وجودكم الشريف

بسمه تعالی، در فرض مرقوم، سکه های یاد شده بر عهده زوج است و در

ص: 259

صورت تعذر تسلیم عین سکه ها، میزان قیمت روز پرداخت بدهی است، مگر آن که زوجه راضی به قیمت کمتر شود.

[سؤال 10607] 5997

بسمه تعالی 1361 / 6 / 25

محضر مقدس حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، رهبر عزیز ایران، مدّ ظلّه العالی، پس از عرض سلام، امید است در پناه خدای بزرگ از سلامت کامل بهره مند بوده باشید. محترماً سؤالی به شرح آتی به استحضار می رسد:

زوجین به یمن پیروزی انقلاب اسلامی، و ضرب سگّه طلا- - بهار آزادی - مهریه را به تراضی، تعدادی سگّه بهار آزادی تعیین و در عقدنامه قید شده و سردفتر هم برای اخذ حق التحریر به مبلغی تقویم کرده است. زوج در اواخر سال 1360، به فیض شهادت نایل گشته و فعلاً وژات در مقام تصفیه حساب هستند، و زوجه مطالبه سگّه ها را دارد و اظهار می نماید: مقصود ما (زوجین) مهریه به سگّه بوده و الا سگّه ها به بهای آن روز تعبیر و در عقدنامه به ریال نوشته می شد و نیازی به ذکر سگّه نبود. استدعا دارد نظریه محترم را برای روشن شدن قضیه و به کار بستن، ذیلاً مرقوم فرمایید.

با آرزوی طول عمر و توفیقات بیشتر

بسمه تعالی، اگر سکه و قیمت هر دو ذکر شده، چنانچه متعارفی معمول باشد، بر طبق همان متعارف عمل نمایند و گرنه مصالحه نمایند.

[سؤال 10608] 5998

بسمه تعالی 1361 / 5 / 25

محضر مبارک حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، رهبر کبیر جمهوری اسلامی، دام بقاؤه، احتراماً؛ به عرض مبارک می رساند:

فرزندم در حالی که دانشجو بود، به واسطه تصادف ماشین کشته شده و از او طفل صغیری باقیمانده. ماترکش منحصرأ یک باب خانه و یک دستگاه ماشین ژیان می باشد

ص: 260

و خانه هم در قبال يك صدو هشتاد هزار تومان وامی که موقع خرید گرفته، در رهن بانکی می باشد. خانم پسر متوفایم کارمند آموزش و پرورش و حقوق بگیر است. مهریه وی سیصد سکه طلا به ارزش يك صد هزار تومان بر ذمه پسر باقی است. حال خانم مذکور از من که ولی قهری صغیر هستم مطالبه سیصد سکه طلا به ارزش امروز - يك میلیون و پنجاه هزار تومان - می نماید که تمام ماترك متوفی جواب آن را نمی دهد و برای صغیر دیگر چیزی نمی ماند. با تقدیم يك برگ رو نوشت مصدق مهر نامه ذیلاً حکم الله را مرقوم فرمایند که باید به زوجه پسر، مورد مطالبه زوجه - سیصد سکه طلا به ارزش فعلی (يك میلیون و پنجاه هزار تومان) - پرداخته شده و یا این که يك صد هزار تومان ارزشی که در مهرنامه تعیین گردیده است؟ توضیح آن که قیمت ماشین ژیان مانده از متوفی با قروض متفرقه متوفی برابری دارد.

بسمه تعالی، اگر متعارفی در بین هست، باید به همان متعارف عمل شود و در صورتی که متعارفی نیست، بنابر احتیاط مصالحه نمایند.

[سؤال 10609] 6366

2. اگر مهریه همسر قابل پرداخت است، به قیمت سال 1356 است یا به قیمت امروز؟

بسمه تعالی، اگر متعارفی در بین نیست، باید مصالحه کنند.

[سؤال 10610] 5999

بسمه تعالی 18 / 10 / 1361

محضر مبارك حضرت آیت الله امام خمینی

پس از عرض سلام، کارمندی هستم که چند سال قبل ازدواج نمودم. زمان عقد به نظر پدر همسر، معادل مهریه او را به تعدادی سکه طلا تبدیل، و چون در توان پرداخت آن بودم، قبول و بر ذمه خود گرفتم.

اکنون پس از پنج سال قیمت سکه طلا حدود 14 برابر شده و تهیه آن در حال و

ص: 261

آینده نیز برایم غیر ممکن و محال است. لذا بفرمایید تعهد بدهی من در چه زمانی محرز شده و ذمه من به چه میزان مشغول است؟ چه تهیة این مقدار از سگه، در حال و آینده برای این جانب تعهد به امر محال، و غیر قابل انجام است. والسلام

بسمه تعالی، اگر تعدادی سگه در قرارداد مهریه در ضمن عقد ذکر شده، همان را بدهکار هستید، هر چند قیمت آن اضافه شده باشد.

[سؤال 10611] 6000

بسمه تعالی 1362 / 1 / 11

حضرت آیت الله العظمی، امام خمینی

پس از سلام، دوشیزه 12 ساله ای را در مقابل يك دانگ خانه و مبلغی وجه، به عقد دیگری در می آورند. به علت اشکال قانونی کمی سن دختر، صاحب خانه (پدر داماد) سندی به مبلغ دو هزار تومان، به پدر دختر می دهد تا سن دختر 18 سال تمام شود و يك دانگ خانه را به دختر واگذار نماید، و بعد سند مذکور را از پدر دختر گرفته و باطل نمایند. سال ها گذشته و به علت بی توجهی طرفین، خانه به دختر منتقل نگردیده و صاحب خانه (پدر داماد) فوت می نماید. خواهشمند است حضرت امام بفرمایند این بانو، يك دانگ خانه را، یا دو هزار تومان وجه را طلبکار است؟ از حضور امام امت تقاضا می شود در این امر ما را یاری فرمایند. دعاگوی حضرت امام

بسمه تعالی، اگر مهریه در ضمن عقد، خانه معین شده، باید خانه را به او بدهند؛ مگر در صورتی که با رضایت دختر معامله و تبدیل به پول شده باشد.

[سؤال 10612] 2223

3. اگر شخصی مثلاً 6 سال قبل ازدواج کرده و مهریه زنش را نوشته اند يك هزار سکه طلا (آن روز سکه در حدود 200 تومان یا کمتر بوده است) اگر حالا بخواهند از هم جدا شوند یا این که شوهر بخواهد مهریه عیالش را بپردازد (و حالا سکه در حدود

ص: 262

4/000 تومان است) در این مورد به خصوص تکلیف چیست؟ و در صورتی که شوهر وُسع مالی هم نداشته باشد چطور؟

بسمه تعالی، همان سکه ها که مهر شده را ضامن است و تبدیل به قیمت، مربوط به رضایت طرفین است.

[سؤال 10613] 5973

3. در صداق نامه می نویسند که مرد باید پنج من زمین بخرد یا يك خانه بسازد برای صداق و قیمت می شود مثلاً هزار تومان آیا چون زوج در آن حال زمین و خانه را نداشته، مهر باطل است و مبدل و برگشت به مهر المثل می شود یا خیر؟ و اگر صحیح است لیکن تا حال خریده نشده، آیا قیمت روز نوشته شده - یعنی همان هزار تومان - را بدهکار است یا باید زمین به قیمت حال قیمت شود؟ و اگر قیمت زمین ها مختلف باشد، باید حد وسط را در نظر گرفت یا خیر؟

بسمه تعالی، مهر باطل نیست و باید زمین یا خانه تهیه کند؛ و در خصوص قیمت، اگر تعارفی در بین نیست مصالحه نمایند.

[سؤال 10614] 6001

بسمه تعالی 1361 / 8 / 10

زوج آقای... و زوجه دوشیزه... صداق مبلغ پنجاه و نه هزار و سیصد ریال، که در عوض اشیای مفصله ذیل تعیین شده:

1. چهار ساعت آب و ملك مزرعه قائم، با کلیه توابع ولواحق شرعیه و عرفیه، مشاعاً که يك ساعت آن مربوط به صلح والده زوج است، و بقیه به عهده خود زوج بهای مبلغ پنجاه هزار ریال.

2. خانه مسکونی سه دانگ، مسبوق به صلح والده زوج به زوج، بهای مبلغ هفت هزار و پانصد ریال.

3. مس و فرش، هر يك شش کیلو؛ بهای يك هزار و دویست ریال.

ص: 263

4. سه تا نتاج به عنوان زیرزبانی؛ بهای ششصد ریال.

جهیزیه زوج پنج دست لباس گرم؛ بهای يك صد و پنجاه تومان.

موارد فوق در قبالة نکاحیه نوشته شده است، که چندین سال قبل، عقد ازدواج طبق آن واقع گردیده و بعد که خواستند عقد ازدواج را در دفتر رسمی ثبت نمایند، به علت موانع قانونی از ثبت آب و ملک، در قبالة رسمی قیمت آن روز ثبت گردیده است. آیا زوج به تأدیة آب و ملک و سایر اشیا مسطوره فوق مکلف است، یا به پرداخت قیمتی که در قبالة رسمی ثبت گردیده است؟ مستدعی است جواب را ذیلاً مرقوم فرمایید.

بسمه تعالی، اگر به وجه شرعی معامله ای واقع نشده، باید عین آنچه عقد بر آن واقع شده را بدهند.

[سؤال 10615] 6002

بسمه تعالی 1361 / 11 / 17

دفتر محترم استفتای حضرت امام، مدّ ظله

پس از ادای احترام؛ این جانب در تیرماه 1357 ازدواج نمودم و مهریه زوجة را مبلغ يك هزار سکه پهلوی طلا (هر يك تمام پهلوی) قرار دادم، باینکه بهای آن بیش از سیصد هزار تومان نبود؛ ولی به علت انقلاب اسلامی و تغییر بنیادی کشور، بهای هر سکه پهلوی تا حدود چهار هزار تومان بالا رفت و زوجة این جانب مبادرت به صدور اجرائیه نموده. چون این کار در دادگستری به علت نبودن قانون صریح، بلا تکلیف مانده، خواهشمندم راهنمایی فرمایید که مهریه زوجة، بر طبق بهای سکه پهلوی در زمان ازدواج تقدیم گردد یا طریق دیگری؟

این جانب فاقد قدرت مالی نیز می باشم. ضمناً رونوشت قسمت صداق و قرارداد به شرح زیر است:

مبلغ يك هزار سکه پهلوی (هر يك تمام پهلوی) به انضمام يك جلد کلام الله

ص: 264

مجید، به هدیه يك هزار ریال تماماً بر ذمه زوج مرقوم باقی است؛ عندالمطالبه کارسازی زوجه مزبور نماید. خواهشمند است نظر شرعی را - به علت بلا تکلیف بودن پرونده - اعلام فرمایید. والسلام علیکم

بسمه تعالی، اگر سکه مهریه شده، عین سکه را ضامن هستید و چنانچه بخواهید قیمت آن را بدهید، باید با رضایت زوجه تعیین شود. بلی در صورتی که قدرت ندارید، باید به شما مهلت بدهند و تا قدرت پیدا نکرده اید، حق مطالبه ندارند.

اجاره مهریه

[سؤال 10616] 6154

2. در زمان طاعوت دادگاه های به اصطلاح حمایت خانواده هنگام طلاق علاوه بر اصل مهریه به خاطر گذشت زمان پولی را به عنوان «اجاره مهریه» از داماد جبراً می گرفتند. اگر مهریه ای عین پول باشد و شرعاً نیز وقت وصول مهریه معین نشده باشد آیا جایز است که اجاره مهریه بر اصل مهریه افزوده گردد؟

بسمه تعالی، پول اجاره ندارد و گرفتن زیادی حرام است.

تقبل مهریه از طرف پدر داماد

[سؤال 10617] 6003

بسمه تعالی

محضر مبارك رهبر عالی قدر، آیت الله العظمی امام خمینی، ادام الله ظلله علی رؤوس المسلمین، احتراماً؛ استدعا می شود جواب مسائل ذیل را مرقوم فرمایید.

1. آیا پدر داماد، می تواند ملکی از اعیان مملوکه خود را، بدون این که ابتدا به پسر خود ببخشد، به صداق و مهر عروس خود در آورد؟

بسمه تعالی، مانع ندارد.

ص: 265

2. اگر زن در متن عقد ازدواج، شرط کند که علاوه بر مهر، مبلغی را به پدر و یا مادر او بدهند، این شرط، صحیح و لازم الوفا می باشد یا خیر؟

بسمه تعالی، واجب الوفاء است.

3. اگر در متن عقد ازدواج گفته شود که مهر، يك صد هزار تومان و شیربها، بیست هزار تومان باشد و مراد، این باشد که شیربها را قبل از عروسی، به پدر و مادر دختر بدهند که برای او جهیزیه و نحو آن فراهم کنند، آیا شیربها مذکور، جزء مهر می باشد و به طلاق قبل از دخول، تنصیف می گردد یا حکم دیگر دارد؟

بسمه تعالی، در فرض مسأله، جزء مهر محسوب نیست.

سلامتی و سعادت مندی جناب عالی را در خدمت به اسلام و مسلمین از خداوند متعال خواستاریم. والسلام علی عباد الله الصالحین

[سؤال 10618] 6004

بسمه تعالی

محضر مبارك رهبر عالی قدر انقلاب، آیت الله العظمی امام خمینی، ارواحنا فداه

احتراماً؛ استدعا می شود به مسأله ذیل جواب دهید که مورد احتیاج است.

آیا پدر داماد می تواند از اعیان ملك خود چیزی را به صدق عروس خود در آورد بدون این که ابتدا آن را به فرزند خود ببخشد، یا نمی تواند این کار را بکند؟

خداوند شما را برای مسلمین پایدار بدارد.

بسمه تعالی، می تواند. اگرچه احتیاط غیر واجب این است که ابتدا به فرزند ببخشد.

حکم مهریه در صورت بطلان عقد

[سؤال 10619] 5720

3. در صورت بطلان عقد، در مورد مهریه چگونه عمل شود؟

بسمه تعالی، در صورتی که دخول محقق شده باشد و دختر عالم به بطلان عقد نبوده، مهر المثل را حق دارد.

ص: 266

[سؤال 10620] 5931

2. آیا احکام فضولی در صداق و مهر زوجه جاری می باشد یا خیر، به این معنا که اگر ملك دیگری را صداق قرار دهند و بعداً صاحب ملك اجاره دهد صحیح است، یا خیر؟

بسمه تعالی، صحیح است.

[سؤال 10621] 6005

بسمه تعالی

زمینی که متعلق خمس بوده پدر داماد مهریه عروس خود نموده و به عروس در موقع عقد نگفته اند. بعد از وقوع عقد، آن زمین را وکیل عروس فروخته است بعد از فروختن، پدر داماد گفته: «من خمس این زمین را نداده ام». بنابراین خمس این زمین که فروخته شده به عهده پدر داماد است یا به عهده خود عروس؟ بر فرض این که بر عهده عروس باشد؛ آیا پدر داماد نسبت به آن مقدار از زمین که خمس بوده، ضامن است و باید به عروس خود بدهد، چون عقد بر تمام زمین واقع شده یا خیر؟ در هر صورت خمس به قیمت فروش لازم است یا قیمت خرید؟

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، پدر داماد ضامن خمس است و بر فرض ثبوت صدق او، قرارداد مهر و معامله مترتبه، موقوف به اجازه حاکم شرع است، اگر اجازه دهد، پول فروش خمس دارد و اگر اجازه نکند، خمس به قیمت فعلی باید داده شود. و هر کس ید بر مال مورد خمس پیدا کرده نیز ضامن است، و پدر داماد ضامن مهریه نیست و چنانچه مهریه اجازه نشود، زن حق فسخ مهریه خود را دارد و در صورت فسخ، مهرالمثل ثابت است.

ص: 267

8. اگر زنی به اختیار خودش مهریه اش را که بسیار سنگین است به شوهرش ببخشد و حلال کند ولی این مطلب جایی ثبت نشده و این بخشش بدون اجبار شوهر باشد، آیا در روز قیامت بخشش به این صورت ملاک است یا باید در دفتر ثبت اسناد قید گردد؟

بسمه تعالی، ثبت لازم نیست و بخشش صحیح است.

حکم مهریه در صورت ظهور عیب و نقص در زوجه

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

1. اگر پس از عقد نکاح، نقص یا عدم کمالی در زوجه دیده شود و قبل از عقد، شرطی ولو به نحو مقاوله در این باب نشده باشد، آیا موجب کسر مهر می شود؟

بسمه تعالی، از مهر چیزی کسر نمی شود.

2. اگر مدعی در جلساتی حضور پیدا کرد و اقامه بیّنه نمود، ولی منکر حضور پیدا نکرد که دلایل خود را اقامه کند و حرف خود را بزند، آیا قاضی می تواند حکم غیابی صادر کند؟ و اشاره بفرمایید که موارد حکم غیابی کجا است؟

بسمه تعالی، بعد از اعلام به منکر مانع ندارد.

هدایای ازدواج

بسمه تعالی

با سلام حضور محترم کارکنان دفتر امام و گشایندگان و هدایت کنندگان مشکلات

امت حزب الله. اجر و پاداشتان با خدای بزرگ و با سلام حضور محترم پدر بزرگوار و رهبر بزرگ شیعیان

من از شهر شهیدپرور و از شهر خون و شهادت و ایثار، با شما سخن می گویم و امیدوارم سلام و پیام مرا از راهی دور پذیرا باشید. سخنم را کوتاه می کنم و اصل مطلب را برایتان می گویم. ولی ای خواننده محترم، من سخنم را به این شرط می نویسم که شما نیز پاسخ گوی سؤالاتم باشید و سرسری از مطالب رد نشوید، بلکه در مقابل حرف هایم پاسخی برایم بنویسید تا مشکل مرا حل کنید. با سپاس فراوان.

من دختری هستم که در سال 1360 با یکی از جانبازان انقلاب و یکی از مشتاقان حزب الله و سربازی از سربازان امام زمان ازدواج نمودم. اولین شرط شوهرم چنین بود که من همیشه به جبهه خواهم رفت و با شروع زندگی با شما، وضع تغییری نخواهد کرد و من هر لحظه آماده شهادتم. من نیز که خواستار بوم به طریقی دین خود را نسبت به امام و انقلاب ادا کنم، قبول نمودم و با ایشان ازدواج نمودم. حدود دو ماه عقد کرده بودم و حدود شش ماه نیز با ایشان زندگی مشترک داشتم. یعنی جمعاً هشت ماه. تا این که در حمله رمضان همسرم به درجه رفیع شهادت رسید. با این که مرگ او ضربه روحی و عاطفی سختی به من وارد ساخت، ولی فیض عظیمی را نیز - همان طور که قرآن می فرماید - به من داد. اما کوله بار سرخ و پر مسئولیت ایشان را بر عهده خویش نهادم و سوگند خوردم که ادامه دهنده راه وی باشم. خلاصه بعد از چهلیم شوهرم؛ چون متأسفانه فرزندی از ایشان نداشتم، به خانه پدری ام نقل مکان کردم. بعد از يك ماه که گذشت، قرار شد اموال شهید را تقسیم کنند. و این کار صورت گرفت و طبق قانون و حکم شرع اموال به من که همسر ایشان می باشم تعلق گرفت.

در اوایل، مادر شوهرم با مهربانی همه چیز را می پذیرفت، ولی کم کم وضع عوض شد و مادر شوهرم روی خشونت را به من نشان داده و می گوید به چه حقی تو باید اموال پسر مرا ببری و از این حرف ها، بگذریم.

ای خواننده محترم، من تو را نمی شناسم و شما هم مرا نمی شناسید. ممکن است

شما از درد سنگین من با خبر باشید؛ زیرا درد من، درد همه است، یعنی اکثر همسران شهدا. حال با کوهی از گرفتاری برخورداره ام و نمی دانم چه کنم و تکلیفم چیست؟

1. در مورد ری گشون، ری گشون پول ها و هدایایی هستند که رسم است به عنوان تبریک ازدواج عروس و داماد به آن ها هدیه می دهند. این هدایا یا پول هستند یا جنس، حال نمی دانم که این پول ها و اجناس، متعلق به چه کسی هستند. شاید بفرمایید که از حاکم شرع بپرسید، حاکم شرع می فرماید: باید هرچه خانواده داماد داده اند و هرچه خانواده عروس داده اند، آن ها را از هم جدا کنید و هر کدام سهم خودشان را ببرند. دو تن دیگر از علما، می فرمایند: این هدایا را به عنوان شروع زندگی به پسر و دختر می دهند؛ پس حال، کسی حق ندارد آن ها را از شما بگیرد حتی این پول ها خمس هم ندارند.

من مانده ام، چه کنم، با کدام قانون رفتار کنم! مرا راهنمایی کنید و پاسخم دهید. من از شما خواستارم، تمنا دارم و خواهشمندم که مرا بی جواب نگذارید. به خدا برادران هیچ کس نیست کارم را انجام بدهد، به هر کسی کاری بگویم با یک اخمی پاسخ می دهد. همه خودشان را از این موضوع، کنار کشیده اند. یکی می گوید هر چیز داری به آن ها بده و حرف نزن. یکی دیگر می گوید این ها حق خودت هستند. خلاصه حرف ها زیادند؛ ولی از شما تمنا دارم از روی قانون قرآن و اسلام، مرا راهنمایی کنید.

بسمه تعالی، به حسب عرف محل، هرچه برای زن آورده اند اختیارش با خود او است.

2. آینه عروس و تشك و لحاف عروسی به چه کسی تعلق دارند؟ به همسر شهید یا مادر شهید؟ من که سؤال کرده ام و می گویند: این ها جزو نقدینه مهریه حساب می شوند. باز هم از شما سپاس گزارم، اگر پاسخم را بدهید.

بسمه تعالی، اگر جزء مهر نیست و به زن بخشیده نشده؛ جزء ترکه شهید محسوب است.

3. در مورد لباس های شهید، آیا من حق دارم از آن ها مقداری بردارم یا خیر و آیا حتی لباس های شهید جزو اموال محسوب می شوند یا این که آن ها را نباید به حساب بیاوریم؟

بسمه تعالی، لباس های شهید، مثل بقیه اموال او جزء ترکه او می باشد.

به امید این که پاسخم را بدهید و مرا از گرفتاری درآورید. من مطیع و مقلد امام بزرگوارمان هستم و دلم می خواهد مطلب صحیح را از ایشان بشنوم؛ زیرا حرف های حاکمان شرع با هم تطابق نمی کند و موضوع این است که متأسفانه، يك حالت خصومت بین من و مادرشوهرم وجود دارد. نه من، بلکه اکثر همسران شهدا این گونه هستند. آن ها به ما این طور وانمود می کنند که ما همسران خود را کشته ایم. روزی هزار بار تحت این زخم زبان ها قرار می گیرم. با من قطع رابطه کرده اند و هیچ کس از آن ها به دیدنم نمی آید. با این وجود، صبر را پیشه خود ساخته ام و در تمام مصائب از خداوند متعال طلب یاری و مدد می جویم. در این میان شما را یافتم و می دانم که دل همسری داغدار را بی پاسخ نمی گذارید. به امید جواب دادن به سؤالاتم و رهانیدن من از این افکار که شب و روز عذابم می دهند. وقت با ارزش شما را بیش از این نمی گیرم و از یکایک شما سپاس گزارم.

دست پدر بزرگوارم را از راهی دور می بوسم و برایشان طول عمر و سلامتی را خواستارم

4. آیا در اسلام خرید و فروش عروسك اسباب بازی گناه دارد و حرام است یا نه؟ زیرا در کتاب گناهان کبیره از آیت الله دستغیب آمده است که این معامله حرام است. از نظر شما چگونه است؟

بسمه تعالی، مانع ندارد، اگرچه ساختن مجسمه ذی روح جایز نیست.

جهیزیه

[سؤال 10625] 6008

بسمه تعالی 1361 / 9 / 15

محضر مقدس آیت الله العظمی نایب الامام، خمینی سلامتی شما را از خداوند متعال خواستارم.

مسأله از این قرار می باشد پسری با دختری ازدواج نموده و صد هزار تومان مهریه به دختر داد و دختر مقداری جهیزیه در خانه پسر آورد و بعد از چندی پسر از دنیا رحلت نمود و دختر کلیه مهر را گرفت آیا دختر حقی دارد جهیزیه را از خانه پسر ببرد یا ندارد؟

بسمه تعالی، جهیزیه ای که دختر با خود آورده ملك خود او است و می تواند با خود ببرد مگر آن که تمليك به دیگری نموده باشد.

ص: 271

3. آیا خانمی که دارای دو فرزند باشد و فرزندش را برای شوهرش بگذارد و با کلی اثاثیه و طلا آلات فرار کند می تواند تقاضای استرداد جهیزیه را نماید؟

بسمه تعالی، جهیزیه ای که زن با خودش آورده ملك او است و می تواند برگرداند.

9. جهیزیه که زن به خانه شوهر می برد و از شوهر در کاغذی امضا می گیرند که در تحویل تو است، آیا این امضا دادن، حق ملکیت برای شوهر ایجاد می کند یا خیر؟ یا این که فقط این اموال در اختیار او است و باید عوض استهلاك آن را بپردازد؟

بسمه تعالی، مجرد امضا موجب ملکیت نمی شود و اگر اجازه در تصرف بوده، استهلاك را کسی ضامن نیست.

بسمه تعالی

پیشگاه مبارك حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، دامت برکاته

محترماً به عرض می رساند: این جانب ساکن خرم آباد لرستان بدین وسیله مسأله زیر را پرسش می نمایم که ذهن مردم مسلمان روشن گردد.

مثلاً پسری برای خواستگاری دختر شخصی می رود، صاحب دختر، اول مطابق جهیزیه ای که می خواهد به دختر خودش بدهد و حتی بیشتر از آن، از داماد پول می گیرد. چنانچه جریان طلاق رجعی پیش بیاید؛ زن ادعای جهیزیه نموده و اگر پدر دختر - به طرزى که در محل دهات مرسوم است - به دخترش گاو یا گوسفندی بدهد؛ آن وقت زن مطالبه همان گاو و یا گوسفند با منافع و ازدیاد آن ها را می کند.

اگر چنانچه مرد بعد از طلاق شرعی بخواهد رجوع کند و در بین عده شرعی سه ماه و ده روز صیغه طلاق خوانده نشود، زن ادعای مهریه بیشتر از مهریه اول را می کند.

و مرد هم به هیچ عنوان توانایی بیشتر کردن مهریه را ندارد؛ لذا از حضور مبارك، خواهشمند است جواب فرماید تا مؤمنین و مؤمنات به طور کلی از نظر شرعی روشن شوند و خدای نخواستہ کسانی که از مسأله شرعی بی اطلاع هستند، نا آگاهانه عمل ننمایند.

بسمه تعالی، جهیزیه اگر به دختر تمليك شده، به او اختصاص دارد و نساءات و نتاج هم تابع عین است و ملك دختر می شود و در صورت طلاق اگر در بین عدّه رجعیه مرد رجوع کند زن حق مطالبه مهر جدید ندارد و اگر بعد از عدّه بخواهند عقد جدید کنند، اختیار تعیین مهر جدید با خود زن و شوهر است.

[سؤال 10629] 5563

10. جهیزیه در حال حاضر با توجه به شرایط انقلاب چگونه باید باشد؟

بسمه تعالی، رعایت اقتصاد مطلوب است.

[سؤال 10630] 5575

2. جهیزیه ای که در حال حاضر مورد رضای خدای تبارك و تعالی می باشد و اسلام آن را حلال بدانند، چه می تواند باشد؟ آیا یخچال، کولر، بخاری، ظرف چینی، اجاق گاز، فرش، گلدان و... می تواند جزو جهیزیه باشد و این جهیزیه حلال باشد؟

بسمه تعالی، هرچه مورد احتیاج و تهیه آن برای جهیزیه متعارف است، مانع ندارد.

[سؤال 10631] 5575

3. آیا من که هنوز ازدواج نکرده ام، می توانم از حالا جهیزیه ای را که اسلام قبول دارد، تهیه نمایم؟

بسمه تعالی، اشکال ندارد.

ص: 273

5. آیا داشتن چند دست لباس از نظر اسلام اشکال دارد یا خیر؟ و همچنین لباس‌ها ایرانی باشد؛ ولی اگر پارچه خواستم بخرم و پارچه خارجی بود و خودم هم بدوزم اشکال دارد یا خیر؟

بسمه تعالی، اشکال ندارد و بهتر است میانه روی مراعات شود.

بسمه تعالی 10 / 6 / 1361

حضور مرجع عالی قدر و رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران، امام خمینی، مدّ ظلّه

به عنوان مقلد شما خواهشمندم حکم شرعی مسأله زیر را در ذیل ورقه مرقوم فرمایید:

در صورتی که به واسطه اختلاف زناشویی بین زن و شوهر، زن مجبور به اقامت در منزل پدری خویش باشد و تعیین تکلیف زندگی آن‌ها توسط دادگاه مدنی خاصّ در جریان و مدت‌ها به طول بینجامد، اگر زن احتیاج به جهیزیه و لوازم شخصی خودش - که لیست آن به امضای شوهر رسیده و در نزد شوهر به امانت است - داشته باشد، آیا زن می‌تواند اقدام به استرداد اموال خویش کند یا باید تا تعیین تکلیف نهایی وضع زناشویی از طرف دادگاه صبر نماید؟ والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، هرچه که ملک زوجه است، اختیار آن با خود زوجه است و می‌تواند اقدام به استرداد آن نماید.

[سؤال 10634] 6011

بسمه تعالی

حضرت امام خمینی، سلام علیکم

اگر قبل از عقد مرد پذیرفته باشد که زن ادامه تحصیل دهد و محل آن معین نشده باشد (البته به این صورت که مرد متوجه این مسأله نبوده و از طرف دختر به این مسأله اشاره ای نشده) پس از عقد اگر دختر در یکی از دانشگاه های خارج از تهران و یا خارج از کشور قبول شود آیا از نظر شرعی حق دارد بدون اجازه و رضایت شوهر خود برای ادامه تحصیل از تهران خارج شود. اگر اجازه دارد تکلیف مرد که متوجه این موضوع نبوده و راضی نیست که همسرش برای مدت 7 الی 8 سال ادامه تحصیل دهد و آن ها نتوانند تشکیل زندگی دهند چیست؟

اگر در این مورد دو طرف به توافق نرسیدند و دختر حاضر نشد نرود و مرد نیز راضی نشد و کار به طلاق کشید آیا مرد باید تمام مهر را بپردازد یا نصف آن را.

(در حال حاضر مرد دانشگاه می باشد (در تهران) و در حدود 2 سال از درس وی باقی است و دختر هم در خانه پدر می باشد).

بسمه تعالی، اگر مرد در وقت قبول شرط طولانی بودن مدت تحصیل زن را در فرض مزبور نمی دانسته شرط در این جهت نافذ نیست و زن حق ندارد خارج شود. و بر فرض ثبوت طلاق قبل از دخول مهریه نصف می شود و اگر بعد از دخول است تمام مهر را باید بدهد.

[سؤال 10635] 6012

بسمه تعالی

اگر دختری با پسری قبل از عقد شرط کند که بعد از عقد (دائم) مدتی خانه پدرش

ص: 275

باشد، آیا در این مدت برای خروج از منزل باید از پدر اطاعت کند یا از شوهر؟ چون در بعضی موارد اطاعت از شوهر ممکن است به نزاع با پدر کشیده شود.

بسمه تعالی، باید بر طبق شرط شرعی عمل شود، و با فرض شرط شوهر باید صبر کند، و در این فرض شوهر می تواند خروج زن را از منزل پدرش اجازه ندهد.

[سؤال 10636] 6013

بسمه تعالی 8 / 9 / 1402 ق

نظر مبارك امام را در مسائل ذیل خواستار است:

1. در رابطه با مسأله ازدواج تردیدی نیست که مهریه حاضر و غایب و آنچه از مهریه تهیه می شود از قبیل جهازی که معمولاً داماد برای عروس می خرد ملك زن است، و همچنین مسکن و مصرف و لباسی که بر شوهر واجب است به صورت اباحه تصرف برای زن است، نه به صورت تمليك.

لکن آیا طلاجاتی که شوهر حسب قراردادش برای عروس تهیه می کند به صورت تمليك است تا مانند مهریه جزو دارایی زن باشد، یا در حکم مسکن و مصرف و لباس است تا در صورت جدایی به مرگ یا طلاق به خود شوهر برگردد؟

بسمه تعالی، موارد مختلف است اگر جزو مهریه آمده و یا آن که در ضمن عقد بر مرد شرط شده که آن را برای زن تهیه و به او تسلیم کند، ملك زوجه است وگرنه تابع قصد شوهر در موقع تسلیم است.

[سؤال 10637]

2. در کتب فقهی می خوانیم شرطی که مخالف با کتاب الله باشد جایز نیست. بنابراین زنی که حین العقد با شوهرش شرط می کند که در زندگی او زن دیگری اختیار نکند حسب القاعدة باید این شرط او فاسد و باطل باشد. با این که سال گذشته در بعضی از مطبوعات خصوص این مسأله را از محضر امام سؤال کرده بودند و ایشان در جواب

ص: 276

فرموده بودند عیب ندارد، لطفاً وجه جواز آن را بیان فرمایید.

بسمه تعالی، صورت استفتا را ارسال دارید تا روشن شود.

3. جلوگیری از حمل زنان به وسیله داروهای فعلی و همچنین اسقاط جنین پیش از ولوج روح چه حکم دارد؟

بسمه تعالی، اسقاط جنین ولو قبل ولوج روح باشد حرام است و دیه دارد و جلوگیری موقت اگر موجب نقص عضو و قطع نسل نشود اشکال ندارد.

[سؤال 10638] 6014

بسمه تعالی 1361 / 5 / 20

محضر مبارك زعيم عالی قدر، امید مستضعفان جهان، امام امت حضرت آیت الله خمینی دامت برکاته

از نظر شرعی و قانونی اجازه ازدواج مجدد به زوج داده می شود. حال اگر زوج اقدام به ازدواج مجدد کند آیا اختیار طلاق که حق مرد است نسبت به زوجه (همسر اول) سلب می شود؟

منظور این است زن اول می تواند خود را مطلقه نماید یا دادگاه (حاکم شرع) طلاق بدهد، ضمن این که زوج حاضر به طلاق دادن نیست و قصد هیچ گونه آزار و اذیت را نسبت به زوجه ندارد و دخالت پدر و مادر زوجه (همسر اول) برای دادگاه محرز است که مانع از تمکین زوجه نسبت به زوج می شوند. از آن جا که آن امام امت و رهبر مستضعفان جهان حلال مشکلات و مسائل شرعی مسلمین می باشید نسبت به این مسأله حقیر را راهنمایی فرمایید.

بسمه تعالی، اختیار طلاق در دست شوهر است، بلی اگر در ضمن عقد نکاح شرط وکالت در طلاق برای زن یا دادگاه شود شرط نافذ است و به مقتضای وکالت می توانند عمل کنند.

[سؤال 10639] 3356

3. اگر کسی که در سپاه پاسداران خدمت می کند بخواهد ازدواج کند و در ضمن

ص: 277

عقد، شرط شود که شب ها باید در خانه باشد، وظیفه سپاهی در برابر این شرط و انجام وظیفه در سپاه چه صورت و حکمی دارد و چه باید بکند؟

بسمه تعالی، اگر شرط شده که در منزل بماند، باید به شرط وفا کند. بلی با رضایت همسر می تواند خارج شود.

[سؤال 10640] 6015

بسمه تعالی

حضور مبارك حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

استدعا دارد نظر مبارك را در مورد ذیل ابلاغ فرمایند:

علی الرسم در مذاکرات مقدماتی بین خانواده زوجین درباره مهریه و سایر شروط، توافق هایی می شود، لیکن در موقع اجرای صیغه عقد نکاح و ثبت قبالة ازدواج احياناً در آن شروط، من جمله در نوع و مقدار مهریه تغییراتی داده می شود. استدعا دارد نظر عالی را در این که آیا یکی از طرفین می تواند با عدول از مندرجات عقدنامه و شروط ضمن العقد به استناد مذاکرات قبلی که ممکن است در نوشته ای عادی منعکس شده باشد ادعای جدیدی بنمایند، مرقوم فرمایید. با تقدیم تحیت و احترام

بسمه تعالی، آنچه در ضمن عقد با رضایت طرفین قرارداد شده، نافذ است و نیز اگر عقد، مبنی بر شرط واقع شده باشد، شرط بنایی مذکور هم نافذ است و غیر آن نفوذ ندارد.

[سؤال 10641] 6016

بسمه تعالی

حضور مستطاب آیت الله العظمی امام خمینی، مرجع عالی قدر و دانشمند و فقیه اهل بیت عصمت و طهارت، از شما تقاضای فتوای مسأله حیاتی زیر را دارا هستم:

دختری با پسری ازدواج کرده اند. در هنگام ازدواج دختر در آموزش و پرورش معلم بوده است. پیش از عقد، شوهر با وی شرط کرده که از کارش استعفا دهد و این

ص: 278

شرط نوشته شده و عده ای از جمله خود دختر و پدرش امضا کرده اند.

در ضمن شوهر توانایی دارد که به طور معمول و معروف جامعه، نفقه و خرجی او را تأمین کند و اکنون نیز نسبت به ادامه کار او رضایت ندارد. آیا با این شرایط، خانم مذکور شرعاً می تواند بدون توافق شوهر به شغل معلمی خویش در آموزش و پرورش ادامه دهد؟

بسمه تعالی، شرط مذکور اگر در ضمن عقد بوده، نافذ است و زن بدون اجازه شوهر نباید از خانه خارج شود، هر چند شرط نشده باشد.

[سؤال 10642] 6003

2. اگر زن در متن عقد ازدواج، شرط کند که علاوه بر مهر، مبلغی را به پدر و یا مادر او بدهند، این شرط، صحیح و لازم الوفا می باشد یا خیر؟

بسمه تعالی، واجب الوفاء است.

[سؤال 10643] 6017

بسمه تعالی 1361 / 9 / 25

محضر مبارک نایب حضرت ولی امر ارواحنا فداه، حضرت آیت الله امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

دختر بالغه و عاقله و رشیده، با اذن پدر و مادرش، قرار ازدواج موقت هفتاد روزه ای با مردی به مبلغ 250000 تومان می گذارد و صیغه هم جاری می گردد. در حالی که عملاً قرار بر این است در این مدت عمل نزدیکی و زناشویی انجام نشود، و باز قرار است بعد از انقضای مدت هفتاد روز، با همان مهریه، عقد دائم شرعی و عرفی فی ما بین جاری گردد. در میان همان مدت هفتاد روز، زوج مذکور اظهار عدم تمایل به زوجه اش نموده و بدون عمل زناشویی کنار می رود. آیا نسبت به مهریه فوق - بعضاً یا کلاً - به دختر بدهکار است، یا نه؟ لطفاً جواب فرمایید. توضیح این که دختر مقلد حضرت عالی می باشد.

ص: 279

بسمه تعالی، با فرض این که عقد مبنی بر شرط ازدواج بعد از انقضای مدت واقع شده، لازم است ازدواج کنند و اگر مرد حاضر به ازدواج نشد، باید تمام مهری که در ضمن عقد تمتع مقرر شده را بپردازد. بلی اگر در اثنای مدت عقد منقطع، مدت را ببخشد، مهریه نصف می شود.

[سؤال 10644] 6018

بسمه تعالی

دفتر استفتائات حضرت امام خمینی، در قم

احتراماً؛ مردی زنی را به مدت یک ماه، و مبلغ یک هزار تومان، با شرط عدم دخول متعه نموده، تا پس از یک ماه، به عقد دائمش در آورد. پس از یازده روز مرد منصرف شد و به جای مبلغ فوق، مبلغ دو هزار و پانصد تومان تقدیم کرده است و زن هم به این کار راضی شد و تا هنگام فسخ، غیر مدخوله بود. شرعاً چه صورتی دارد؟

بسمه تعالی، اشکال ندارد.

[سؤال 10645] 6019

بسمه تعالی 15 صفر المظفر 1403 ق

محضر مقدس رهبر عظیم الشأن حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، متّع الله المسلمین بطول بقائه، به شرف عرض عالی می رساند: با تقدیم فتوکی قرارداد ازدواج، استدعا دارم نظر مبارک را در این مسأله، مرقوم و مزین فرمایید.

چون شوهرم خانه تهیه نکرده و از طرفی وسیله انتقال خانه پدر شوهرم فراهم شده، آیا این کمینه مغروره به قاعده المغرور یرجع الی من غرّ، حق مطالبه دو دانگ خانه را از پدر شوهرم دارم یا نه؟ برای مزید اطلاع، اجرای صیغه عقد هم با شرط ذکر شده در قرارداد، حاصل گردیده. ادام الله ظلکم علی رؤوس الأنام

بسمه تعالی، با فرض این که شرط شده، حق مطالبه دارد و مورد قاعده غرور نیست.

ص: 280

بسمه تعالی

سلام علیکم، خواهشمند است سؤالات زیر را جواب دهید:

1. دختری بوده که با پسری عقد کرده و روابطی داشته اند و در زمان عقد، قرارداد این بوده که پسر، عضو سازمان منافقین نشود؛ البته دختر هم طرفدار سازمان بوده و همین طور پسر، ولی شرط این بوده که پسر، عضو سازمان نشود. بعد از مدت ها که پسر و دختر زندانی می شوند و معلوم می شود که پسر در اثر رفت و آمد، عضو سازمان شده بوده و اکنون دختر که مدت زندانی او به سر آمده و آزاد شده، در آن جا به او گفته شده که عقدتان باطل است، زیرا پسر به قول خودش وفا نکرده و عضو سازمان شده و تو می توانی با شخص دیگری ازدواج کنی، با توجه به این که این پسر و دختر یکدیگر را دوست دارند و نیز با توجه به این که آن ها عقد کرده و روابطی داشته اند، عقد آن ها چه صورتی پیدا می کند؟

بسمه تعالی، عقد باطل نیست.

2. اگر زن شوهرداری بخواهد دستگاہ جلوگیری از حاملگی در داخل دهانه رحم بگذارد، اگر این دستگاہ را دکتر مرد بگذارد چه صورتی دارد و اگر دکتر زن باشد چه صورتی؟

بسمه تعالی، جایز نیست و فرقی بین دکتر مرد و دکتر زن در این جهت نیست.

3. آیا کلاً این دستگاہ را گذاشتن، شرعی است یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر دستگاہ به وسیله کسی که جایز نیست لمس یا نظر به عورت او کند گذاشته می شود و مستلزم لمس و نظر است حرام است، و در غیر این صورت مانع ندارد؛ مگر این که موجب عقیم شدن یا نقص عضو شود.

4. اگر شخصی مدیر یا مسئول کاری باشد، مثلاً مدیر دبستان یا راهنمایی یا دبیرستان باشد و در مدیریت، کارهایی انجام دهد که احتمالاً شرعاً صحیح نباشد، مثلاً برای انتخاب نماینده دبیران، شورا بگذارد و شورا نماینده را انتخاب نماید، با توجه به این که همه افراد دبیران، مکتبی نمی باشند و معیارهایی که در نظر گرفته می شود معیارهای شورای اسلامی نباشد، آیا رفتار این مدیر را می توان به مسئول بالاتر گفت و یا حتی به شخص دیگری که مسئول نمی باشد ولی می تواند حرف ها را به مسئول

ص: 281

بالا تر برساند؟ آیا این عمل، غیبت می باشد یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر مخالف موازین شرعی عمل شده، می توانند گزارش کنند.

[سؤال 10647] 6021

بسمه تعالی

با عرض سلام به پیشگاه امام امت، خمینی

با توجه به استفتائات جدید که حضرت عالی طلاق های رژیم گذشته که توسط دادگاه حمایت خانواده، با حکم عدم سازش و از روی اکراه زوج یا بدون اذن او انجام می گرفت را باطل اعلام فرموده اید، معروض می دارم: این جانب بعد از پیروزی انقلاب (سال 1359) از طریق دادگاه حمایت خانواده شهرستان بیرجند و استان خراسان با ارائه مدارک و استشهادهای همسایگان و آشنایان مبنی بر عدم سازش همسرم توانستم از دادگاه حمایت خانواده استان، حکم عدم امکان سازش بگیرم؛ ولی چون نامبرده حاضر به طلاق دادن نبود، از وکالتی که ایشان در ضمن عقد به من داده بودند، با واگذاری چهل هزار تومان از هفتاد هزار تومان مهریه ام خودم را مطلقه نمودم. حال بفرمایید: این طلاق از نظر شرع مقدس اسلام صحیح است یا خیر؟ اگر نیست، وظیفه من نسبت به گذشته و آینده چیست؟ چون اگر بخواهم دوباره اقدام کنم، ایشان به هیچ وجه حاضر به طلاق دادن نیستند. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته، التماس دعا

بسمه تعالی، اگر در ضمن عقد ازدواج یا ضمن عقد لازم دیگر، شرط شده که زن، وکیل در طلاق خودش باشد و طلاق با سایر شرایط مقرر انجام گرفته باشد، محکوم به صحت است؛ وگرنه، طلاق در فرض سؤال، باطل است و زوجیت به حال خود باقی است.

[سؤال 10648] 6022

بسمه تعالی 1361 / 4 / 23

محضر مبارک قائد اعظم و رهبر معظم، آیت کبرا و فرمانده کل قوا، حضرت امام خمینی، روحی فدا و متع الله المسلمین بطول بقائه، پس از عرض سلام، امید است

ص: 282

وجود مبارك، قرين عافيت بوده، از درگاه حضرت احديت، طول عمر، صحت جسم، موفقيت بيش از پيش در راه به ثمر رساندن و هرچه پربارتر نمودن انقلاب اسلامي را تا ظهور حضرت مهدي (عجل الله تعالى فرجه الشريف) خواستارم. آمين رب العالمين

اماما! محترمه اي است كه حدود پنج سال است شوهرش او را ترك گفته و مفقودالاضر گرديده و تا كنون هيچ گونه اطلاعي از وي در دست ندارد. نامبرده در تاريخ 1358 / 1 / 26 يك بار تقاضاي طلاق از دادگاه عمومي را نمود كه از طريق جرايد، سه بار شوهرش را به دادگاه دعوت كردند، ولي سرانجام شوهر وي شناخته نشد و در دادگاه حاضر نگريد و دادگاه غياباً حكم طلاق را صادر كرد. از آن جايي كه اين متدينه، مقلد آن حضرت مي باشند، از مراجعه به دفترخانه و گرفتن طلاق خودداري ورزيدند. اينك اين بانوي محترمه به دادگاه مدني خاص مراجعه کرده اند. نظر به اين كه در عقدنامه شرابطي قيد گرديده كه يكي از آن ها اين است: (هرگاه يكي از زوجين زندگي خانواده را ترك كند، زن يا شوهر مي توانند از دادگاه تقاضاي صدور گواهي عدم امكان سازش كند)، دادگاه بر آن شد تا از يكي از طرفين اجرائ صيغه عقد سؤال كند كه آيا اين شرابط، ضمن عقد قيد گرديده يا خارج عقد؛ كه حجت الاسلام والمسلمين جناب آقاي نصيري در اين رابطه پاسخي داده اند كه فتوكچي آن پيوست مي باشد. استدعا دارد بيان فرماييد كه آيا بر اساس اعلام جناب آقاي نصيري - كه يكي از متعاقدين بودند - دادگاه مي تواند مبادرت به صدور اجازه طلاق غيابي صادر نمايد؟ و در صورت عدم اجازه، با توجه به اين كه براي جناب آقاي نصيري كه يكي از علماي شهر هستند، محرز است كه حدود پنج سال است شوهر ترك خانه را نموده، آيا كافي است يا بايد دادگاه از حين اعلام زوجه، چهار سال صبر نمايد و در اين بين نيز توسط جرايد، اعلام شده و سپس تصميم مقتضي اتخاذ گردد؟

بسمه تعالى، اگر محرز باشد و يا آن كه به وجه شرعي ثابت شود كه زن در ضمن عقد، شرط کرده كه وكيل در طلاق خود باشد، مي تواند در فرض مرقوم، در محضر عدلين، خود را مطلقه سازد؛ وگرنه بايد صبر كند.

بسمه تعالی

محضر رهبر عالی قدر، امام خمینی

در عقد ازدواجی که زوج با میل و رضایت و آگاهی، در حین عقد، اشتغال به کار زوجه را می دانسته و شغل وی در سند ازدواج قید گردیده و به امضای طرفین عقد رسیده است، آیا زوج می تواند از ادامه اشتغال زوجه جلوگیری نماید؛ در صورتی که در ضمن عقد، شرطی بر این که شوهر بتواند مانع از کار زن گردد، قید نگردیده است؟ مضافاً به این که شغل زوجه، مخالف با شؤون اجتماعی و مخالف با شرع مقدس اسلام نمی باشد. مستدعی است نظر مبارك حضرت آیت الله العظمی امام خمینی را در این قسمت مرقوم فرمایید که مورد حاجت است. مزید تشکر است.

بسمه تعالی، با فرض این که عقد مبنی بر اشتغال زوجه واقع شده، شوهر حق منع او را از آن اشتغال ندارد.

[سؤال 10650] 6801

2. اگر دو نفر قبل از ازدواج در مورد يك مسأله (مثلاً فعالیت زن در اجتماع با شرایط صحیح) به توافق برسند ولی بعد از ازدواج یکی از طرفین (مثلاً مرد) مسأله به توافق رسیده شده را زیر پا بگذارد و خلاف آن عمل کند و دستور دهد، در این جا تکلیف طرف مقابل (مثلاً زن) چیست؟

بسمه تعالی، اگر در ضمن عقد، شرط نشده و عقد مبنی بر آن نبوده، وفا واجب نیست.

[سؤال 10651] 6024

بسمه تعالی 1361 / 9 / 15

استفتای مسأله شرعی از محضر مقدس مرجع عالی قدر شیعه و پناه و ملجأ مظلومان، حضرت امام خمینی، دام ظلّه:

ص: 284

چنانچه زنی در هنگام عقد، شغل خود را به شوهر گفته و در عقدنامه ذکر شده و در مدتی که در منزل شوهر به سر برده است، به شغلش ادامه می‌داده، بعد از چند ماه که به واسطه عدم رفتار اسلامی و توافق اخلاقی با هم متارکه نموده و زن در منزل پدر به سر می‌برد و در طی زمانی که در حال متارکه بوده اند، کوچک‌ترین نفقه و خرجی از طرف شوهر نرسیده، شوهر طی نامه شکایتی عدم رضایت خود را از کار کردن زن اعلام داشته، اولاً: فعلاً با هم زندگی مشترکی ندارند که تضييع حقی از او شده باشد؛ و ثانياً: برای امرار معاش، زن مجبور به ادامه شغل می‌باشد؛ چون کوچک‌ترین درآمدی ندارد. لذا با توجه به مسائل فوق و این که زن مری امور تربیتی و دینی می‌باشد، آیا می‌تواند عدم رضایت مردی که دارای چنین شرایطی است و هیچ‌گونه صلاحیت اخلاقی و دینی ندارد، از نظر اسلامی ارزشی داشته باشد و از کار کردن زن جلوگیری کند؟ در خاتمه متمنی است حکم الله و نظر مبارك را در این مورد مرقوم فرمایید. خداوند سایه مبارك را مستدام فرماید.

بسمه تعالی، اگر در ضمن عقد، شرط اشتغال برای زن شده یا عقد، مبنی بر این شرط واقع شده، زن می‌تواند به شغل خود ادامه دهد و شوهر نمی‌تواند مانع شود.

[سؤال 10652] 6025

بسمه تعالی 12 / 3 / 1361

محضر رهبر کبیر انقلاب، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، دامت برکاته

چنانچه در عقدنامه رسمی که به امضای زوج با سواد و روحانی و زوجه با سواد رسیده، شرط شده باشد که زوجه وکیل است که چنانچه زوج بدون اجازه وی همسر دیگری اختیار نماید خود را طلاق بدهد، در صورتی که در موقع اجرای صیغه نکاح تلفظ به شرط مذکور نشده باشد و زوج هم نسبت به آن شرط تخلف کند و بدون اجازه زوجه خود، همسر دیگری اختیار نماید، آیا برای زوجه اول وکالت در طلاق

ص: 285

ثابت است؟ لطفاً نظر مبارك مرقوم فرمایند.

بسمه تعالی، اگر عقد مبنی بر شرط وکالت مذکور باشد، زوجه وکالت دارد.

[سؤال 10653] 5503

2. آیا می شود هنگام عروسی با دختری، شرط کند که مثلاً تو باید تا آخر عمر مادرم به او خدمت کنی، یا مثلاً باید تا مدت زیادی، زندگی مشترکی با مادر و پدرم داشته باشی، یا این که مثلاً باید لباس و غذا و احتیاجات زندگی مرا فراهم نمایی؛ با این که در رساله نوشته شده که نمی شود زن را مجبور به کار منزل نمود؟

بسمه تعالی، در عقد می توانند شرط کنند، ولی شرط وقت عروسی اثر ندارد.

[سؤال 10654] 6026

بسمه تعالی

احتراماً؛ به طوری که در اسناد نکاح نامۀ مربوط به رژیم گذشته ملاحظه می شود، شرایطی بر خلاف دستورات شرع چاپ گردیده و در اجرای صیغۀ عقد نکاح، هرگز عاقد آن ها را قرائت نمی کند. حال، زوجه به برخی از شرایط، استناد و تقاضای طلاق نموده و دادگاه - علی رغم تذکر بر این که شرایط باطل است - اعلام نماید شرایط مورد استناد تحقق یافته، و زوجه می تواند خود را به طلاق خلع، مطلقه نماید.

اولاً. در صورتی که شرایط باطل باشد، حکم معتبر است یا خیر؟

ثانیاً. در صورتی که شرایط تحقق نیافته باشد، در این مورد هم تذکر داده شود حکم چه صورتی خواهد داشت. با توجه به این که دو نفر شهود - حاضر در مراسم اجرای صیغۀ عقد نکاح - تصدیق نموده اند که شرعاً شرایطی در هنگام اجرای صیغۀ عقد نکاح، قرائت و تفهیم نگردیده است.

بسمه تعالی، اگر در ضمن عقد، شرط ذکر نشده و عقد مبنی بر شرط مورد توافق طرفین واقع نشده، شرط نافذ نیست.

ص: 286

2. در قباله ازدواج، ماده 8 قانون حمایت خانواده، چهارده مورد ذکر شده، که در موقع اجرای عقد یا در ضمن عقد لازم دیگر زوجین شرط می کنند که اگر یکی از این چهارده مورد محرز شود، زوجه از طرف زوج، وکیل و وکیل در توکیل غیر است که خود را مطلقه نماید. نوعاً این موارد به زوجین تفهیم می شود، ولی بعضاً زوجین بدون تفهیم پای ورقه را که این موارد نوشته شده است امضا می کنند. در صورت دوم اگر یکی از این موارد ثابت شود، زوجه می تواند خود را مطلقه نماید یا باید موارد چهارده گانه به زوجین تفهیم شود؟

بسمه تعالی، مجرد امضا و تفهیم موارد کافی نیست و باید در ضمن عقد شرط شود و یا عقد مبنیاً علیه واقع گردد.

بسمه تعالی

توقیراً، به طوری که مستحضر هستید، در زمان حکومت رژیم منحوس پهلوی در اسناد نکاح نامه پس از چاپ عین ماده 8 قانون منسوخ حمایت خانواده، 14 شرط و یک تبصره دیگر نیز چاپ شده بود. حال استدعا دارد اعلام فرمایند: شرایط و ماده و تبصره چاپی مذکور شرعاً صحیح بوده و یا باطل است؛ به ویژه این که وکیل عاقد، اختیاری در قبول شرایط از طرف زوج نداشته؟

ضمناً جواب فرمایید: در صورت باطل بودن شرایط، آیا اصل عقد نکاح نیز باطل است یا خیر؟ با توجه به این که دو نفر شهود حاضر در مراسم اجرای صیغه عقد نکاح، تصدیق نموده اند که شرعاً شرایطی در هنگام اجرای صیغه عقد نکاح قرائت و تفهیم نگردیده.

بسمه تعالی، تا شرایط، در ضمن عقد ذکر نشده و یا عقد مبنیاً علیه واقع نشده اثری ندارد و مجرد چاپ آن ها در عقدنامه کافی نیست و اصل عقد نکاح صحیح است.

5. هنگامی که شوهرم برای خواستگاری من آمده بودند، قرار بر این شد که اجازه بدهند من درس علوم اسلامی را بخوانم و حالا بعد از يك سال و چند ماه که از ازدواجمان می گذرد می گویند: نه تو نباید درس بخوانی. این جا تکلیف من چیست؟ و هدف از درس خواندن من، آگاهی پیدا کردن به اسلام و عمل کردن به آن است؛ ان شاء الله.

بسمه تعالی، با فرض این که شرط شده، زن می تواند به درس خواندن خود ادامه دهد.

بسمه تعالی 10 / 9 / 1361

برادر مسئول محترم دفتر استفتای حضرت امام، مدّ ظلّه العالی

با نهایت ادب و درود به روان پاک شهیدان گلگون کفن، معروض می دارد: چنانچه شوهری به همسرش در ضمن عقد، حق ادامه تحصیل داده باشد و زن دو سال بعد به اتفاق فرزند خردسال، ضمن ترك خانه و اعلام شکایات واهی متعدد منتهی به منع پیگرد - و اخیراً تقدیم دادخواست طلاق به دادگاه، بدون توجه به دعوت شوهر و راهنمایی معتمدان - در منزل پدرش زندگی کند و مرد هفت ماه از دیدن تنها فرزندش محروم باشد، آیا ادامه تحصیل زن با استفاده از شرط مذکور، مشروط به تمکین زن از شوهر است یا خیر؟ ثانیاً اخذ تأییدیه از امام جماعت محل سکونت، برای ادامه تحصیل نامبرده چه حکمی دارد؟ مستدعی است عریضه تقدیمی را مزین به حکم شرعی فرمایند. به امید پیروزی لشکریان اسلام بر کفر و استکبار جهانی

بسمه تعالی، با فرض این که حق ادامه تحصیل در ضمن عقد شرط شده، زن می تواند ادامه تحصیل دهد؛ لکن در وظایف زناشویی باید کاملاً از شوهر تمکین نماید، وگرنه استحقاق نفقه ندارد، علاوه بر این که معصیت کار است.

بسمه تعالی

محضر حضرت امام خمینی، دامت برکاته

دختری است طلبه. چندین سال درس می خواند و بعد خواستگاری برای او می آید و در ضمن عقد با شوهرش شرط می کند که باید درس را بخوانم، و شوهر هم با این شرط حاضر به ازدواج می شود. بعد از چند وقتی شوهر به او می گوید: «راضی نیستم بروی درس». زن می گوید: «می روم» و رفت. چون در ضمن عقد شرط کرده بود که باید درس بروم و شوهر نیز قبول کرده است. با این شرایط اگر زن بدون اذن شوهر به درس برود ناشزه و معصیت کار است یا نیست؟

بسمه تعالی، اگر در ضمن عقد شرط کرده، می تواند بر طبق شرط درس بخواند و ناشزه نیست.

بسمه تعالی 8 / 11 / 1358

خدمت ریاست محترم دفتر امام خمینی، دامت برکاته

پس از سلام، این جانب به عرض می رسانم: زن و شوهری وقتی می خواستند به عقد یکدیگر درآیند، زن شرط کرد که در محضر بنویسند که: من نیز حق طلاق دارم. مرد نیز قبول کرد، محضردار عقد این دختر و پسر را خواند، ولی پس از خواندن عقدنامه و گرفتن رضایت نامه، شرط مزبور را ننوشت و اظهار داشت که من با قانون کار دارم. بنده جواب دادم که این دو نفر با این شرط با هم ازدواج کردند و نیز حضرت امام خمینی، دامت برکاته، از طریق رادیو و تلویزیون فرموده است که زن می تواند شرط نماید که من نیز حق طلاق دارم؛ باز گوش نداد. حتی داماد نیز به محضردار گفت که فتوای امام را شنیدم که فرموده: زن می تواند شرط نماید که من نیز حق طلاق دارم. باز محضردار ننوشت. اما ننوشتن شرط مزبور موجب نارضایتی شده است. آیا محضردار حق دارد که شرط مزبور را ننویسد یا نه؟ چون طرفین با این شرط به

ص: 289

ازدواج رضایت داده بودند و شرط مزبور که محضردار نوشته موجب نارضایتی شده؛ آیا این عقد از نظر اسلام درست است یا نه؟

لذا استدعا دارم جواب نامه را کتباً مرقوم فرمایید که در باره موضوع ما کسی با خبر نشود. خواهش دارم هرچه زودتر جواب این نامه را مرقوم بفرمایید.

بسمه تعالی، در هر صورت عقد صحیح است و اگر به این نحو شرط شده که زن حق طلاق داشته باشد شرط باطل است و شرط صحیح این است که در ضمن عقد شرط کنند که زن وکیل شوهر باشد در طلاق.

[سؤال 10661] 6031

بسمه تعالی

محضر مبارك رهبر عالی قدر، امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

در صورتی که دختری می تواند حین عقد ازدواج شرط نماید که اولاً شوهرش حق ازدواج با غیر را نداشته باشد و ثانیاً حق طلاق داشته باشد، مستدعی است دستور فرمایند نحوه شرط شرعی را مرقوم فرمایند.

از خداوند متعال، طول عمر و صحت و سلامت و موفقیت آن زعیم بزرگ را مسئلت می نماید.

بسمه تعالی، شرط نمودن این که شوهر حق ازدواج با غیر را نداشته باشد یا ازدواج با غیر نکند و همچنین شرط این که زن حق طلاق داشته باشد باطل است. بلی اگر به این نحو شرط کنند که زن، وکیل شوهر باشد که چنانچه شوهر ازدواج با دیگری کند، خود را طلاق دهد صحیح است.

[سؤال 10662] 6032

بسمه تعالی

دفتر محترم امام خمینی با سلام

خداوند متعال سایه مقام روحانیت متعهد را از سر ضعف کم نکند، حجج محترم

ص: 290

جالسین عقد با ژرف نگری ضمن عقد اختیار مکان مطلق را به زوجه تقویض نموده زوج هم قبول کرد. در خرداد ماه هذیه السنه که زوجه در 7 ماهگی حاملگی بوده زوج بدون دیناری او را روانه خانه پدرش می نماید. پدر تمام نفقه ایام حمل و مخارج وضع حمل و نفقه بعد از حمل را تا کنون تحمل کرده. از طرفی چون آب آشامیدنی اقامتگاه زوج از چاه و تصفیه هم نیست دو روز پس از وضع حمل آثار انگل از دهان زوجه ظاهر و سرانجام به گواهی پزشکان و مطلعین قریب دو کیلو انگل از زوجه خارج شد و چون طفل از شیر مادر تغذیه می کند سلامتی هر دو در خطر است حالیه زوج نه نفقه می دهد نه مخارج وضع حمل را پرداخت می کند و چون قلدر و بستگان عدیده دارد با تهدید و ارباب زوجه را تحمیل به مکانش می نماید در صورتی که زوجه هم اختیار مکان دارد و هم سلامتی خود و طفلش در معرض خطر است. مضافاً اثاثیه امانی که پدر زوجه به زوج طبق رسید داده تصاحب کرده تکلیف زوجه و حکم اسلامی چیست؟

بسمه تعالی، شوهر باید شرط مکان که در ضمن عقد شده عمل نماید ولی زن حق ندارد بدون اجازه مرد از خانه خارج شود مگر این که در ضمن عقد شرط نماید.

[سؤال 10663] 6033

بسمه تعالی

نظر مبارك امام را در مسأله زیر خواستار است.

اگر در حین عقد نکاح، شرط کنند که اختیار سکنا به دست زن باشد، آیا چنین شرطی صحیح و واجب الوفاء است، یا نه؟

بسمه تعالی، صحیح و لازم الوفاء است.

[سؤال 10664] 6034

بسمه تعالی 1361 / 7 / 20

زنی با شخصی ازدواج کرده و ضمن ازدواج شرط نموده که سکونت در جنب پدر

ص: 291

و مادر و محل سکونت ایشان بوده باشد و حالیه که زن حامله است، شوهر مزبور الذکر امتناع می نماید؛ در این برهه انتظار است که جهت رفاه زن و عموم مردم کتباً مرقوم فرمایید. و دو نفر دختر بچه صغیر از شوهر ماضی نیز دارد و شوهر از سرپرستی و حضانت آن ها ناراضی است که دو نفر دختر بچه غیر از مادر سرپرستی ندارند. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، اگر در ضمن عقد زواج بر شوهر شرط شده که محل سکونت زن را در محله خاصی تهیه کند، واجب است بر طبق شرط عمل نماید.

[سؤال 10665] 5827

8. اگر در عقد شرط شده باشد که اگر مرد زن دیگری بگیرد، اجازه طلاق به دست زن است، آیا مرد می تواند زن دیگری بگیرد ولی به زن خودش اطلاع ندهد؟ یا می تواند صیغه کند و به زنش اطلاع ندهد؟

بسمه تعالی، مانع ندارد.

[سؤال 10666] 6035

بسمه تعالی 1360 / 6 / 17

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی امام خمینی مدّ ظلّه العالی

احتراماً؛ پاسخ سؤال زیر را مرقوم فرمایید تا در مواقع حاجت حجت گردد.

شخصی در ضمن عقد نکاح شرطی می کند و بعد طلاق می دهد و مجدداً رجوع می کند؛ آیا شرط در ضمن عقد با رجوع به زوجیت به حال خود باقی است یا خیر؟ این شرط اگر در ضمن عقد خارج لازم قید شده باشد؛ آیا همین حکم را دارد یا خیر؟

ادام الله ظلکم علی رؤوسنا و رؤوس المسلمین ان شاء الله

بسمه تعالی، در فرض مسأله عمل به شرط در هر دو صورت لازم است.

ص: 292

حقوق زن و شوهر نسبت به یکدیگر

[سؤال 10667] 6036

بسمه تعالی

محضر مقدس حضرت امام، امید مستضعفان ایران، با نهایت احترام معروض می دارد:

بفرمایید از نظر شرع و قانون مقدس اسلام اگر شوهر، شاغل بودن زن را صلاح نداند و شاغل بودن زن باعث از هم پاشیدن زندگی زناشویی شوهر شود، بفرمایید از نظر شرع و قانون اسلام شوهر حق ممانعت او را دارد یا نه؟

بسمه تعالی، اشتغال زن اگر موجب تصبیح حقوق زناشویی شوهر نباشد مانع ندارد ولی بیرون رفتن زن از خانه شوهر منوط به اجازه شوهر است.

[سؤال 10668] 1270

4. آیا مرد می تواند به خاطر خصومتش با خانواده زنش مانع رفتن همسرش به منزل پدرش بشود؟

بسمه تعالی، خروج زن از منزل موقوف بر اجازه شوهر است.

[سؤال 10669] 7158

5. از لحاظ شرع مقدس آیا افرادی که به لحاظ مأموریت و خدمت برای جمهوری اسلامی به شهرهایی دور از خانه و زندگی می روند و دور از همسر، آیا از لحاظ شرعی اشکالی دارد؟ در صورتی که این دوری طوری باشد که نتواند در ماه حداقل يك بار به خانه بیاید و با رضایت همسر هم نباشد، چه صورتی دارد؟

بسمه تعالی، در عمل به وظائف محوله رضایت همسر معتبر نیست.

ص: 293

بسمه تعالی

با سلام و درود فراوان به رهبر و امام عزیز و بزرگوار

این جانب در بسیج مسجد محل در هفته يك شب پاسداری می دهم، مدتی قبل ازدواج کردم. بعد از ازدواج همسرم با رفتن من به بسیج مخالفت کرده و علت آن این بوده است که مادر همسرم او را مدیون کرده بود. غرض از نوشتن این نامه هم همین مسأله بوده که آیا همسرم با وجود این که مدیون شده است، آیا می تواند به من اجازه بدهد که به فعالیت خود در بسیج ادامه بدهم یا خیر؟

بسمه تعالی، شما در انتخاب شغل اختیار دارید و همسر شما و مادر او در آن دخالتی ندارند.

بسمه تعالی

حضور محترم دفتر امام خمینی، مدّ ظله، پس از عرض سلام و آرزوی تندرستی و موفقیت، لطفاً به سؤالات این جانب پاسخ لازم و کافی را بدهید:

1. مدت دو ماه و اندی می شود که شوهرم مرا ترك کرده و با وجود داشتن دو دختر هجده و شانزده ساله و يك پسر بیست و يك ساله، برای ما خرجی نگذاشته است. البته من مقداری پس انداز دارم؛ ولی این مقدار را برای روز مبادا گذاشته ام. آیا از جهت شرعی این اجازه را دارم که از وسایل خانه که مربوط به شوهرم است، بفروشم و امرار معاش کنیم؟

بسمه تعالی، بدون مراجعه به محکمه شرعی، حق چنین کاری را ندارید.

2. یکی از دوستانم در رژیم گذشته با پسری ازدواج کرد که چون جزو دستگاه رژیم گذشته بود در ایران نمی تواند به سر ببرد، از طرفی این دو نفر فقط عقد یکدیگر هستند آن هم مدت دار و به مدت نود و نه سال. این دختر دیگر نمی خواهد با شوهرش پیمان داشته باشد. آیا يك طرفه می تواند طلاق بگیرد یا خیر؟ در صورت عدم امکان، آیا اگر شوهرش حاضر بشود بگوید بخشیدم؛ این عقد باطل است یا

خیر؟ لازم به تذکر است که این دختر هنوز هیچ گونه رابطه ای با شوهرش نداشته است و همچنان باکره است.

بسمه تعالی، عقد مدت دار طلاق ندارد و تا مدت تمام نشده یا شوهر، آن را نبخشیده؛ به حال خود باقی است و اگر شوهر بگوید مدت را بخشیدم عقد به هم می خورد.

3. آیا در نظر امام چادر بهتر پاسخ گوی حجاب لازم است یا مانتو و روسری؟

بسمه تعالی، به هر نحو، مقدار واجب پوشیده شود کفایت می کند و چادر بهتر است.

4. آیا اگر زن و شوهری طلاق بگیرند، باز هم باید دختر برای ازدواج از پدرش اجازه بگیرد یا خیر؟ در صورتی که آن پدر را نتوان پیدا کرد باید چه کرد؟

بسمه تعالی، اجازه پدر در ازدواج دختر باکره شرط است. بلی در صورت نیاز دختر به ازدواج اگر پدر غایب است و تحصیل اجازه ممکن نیست اجازه معتبر نیست.

[سؤال 10672] 44

2. آیا پدر خانواده می تواند همسر و بچه هایش را که مرتکب خلاف های جزئی و کلی دینی و اجتماعی و خانوادگی می شوند، تنبیه نماید؟ در غیر این صورت اگر به هیچ وجه نتواند آن ها را متنبه نماید، ترك و یا طرد آن ها جایز است یا خیر؟ از نظر شرع و قانون چه صورتی دارد؟

بسمه تعالی، قطع رحم جایز نیست و تنبیه اولاد به مقداری که موجب دیه نشود و متعارف باشد، مانع ندارد، ولی زدن زن جایز نیست.

[سؤال 10673] 6647

3. کسی زن خود را مجبور کند به کار صحرائی مثل چوپانی یا دهقانی یا درو کردن یا گلیم بافی یا قالی بافی، آیا زن می تواند از شوهر خود مزد بگیرد؟ شما امر بفرمایید.

بسمه تعالی، حق دارد اجرت بگیرد.

[سؤال 10674] 6039

بسمه تعالی

1. اگر زن بدون اجازه شوهر کار کند و حتی دستمزدش را به مصارف خانوادگی

ص: 295

برسانند؛ آیا در نظر اسلام صلاح است یا خیر؟ وضع و تکلیف شوهر چه خواهد بود؟

بسمه تعالی، کار کردن زن منوط به اجازه شوهر نیست؛ ولی خروج زن از خانه بدون اجازه شوهر جایز نیست.

2. با آن که زن کار می کند و بعضی از مشکلات زندگی را با پول خود برطرف می نماید؛ آیا حق دارد که سهمی از اختیارات شوهرش را در امور اخلاقی و مدیریت خانوادگی سلب نماید؟

بسمه تعالی، حقوق شوهر سلب نمی شود.

3. آیا شوهر می تواند با تشخیص دادن دخالت غیر منطقی اطرافیان همسرش، وی را از معاشرت با آنان منع نماید؟

بسمه تعالی، اگر مستلزم خارج شدن زن از منزل یا ورود دیگران در خانه شوهر است، می تواند از خروج زن از خانه و ورود دیگران ممانعت نماید.

4. آیا کسی که مدت 25 سال زادگاهش را ترک کرده و حتی يك بار هم به آن جا نرفته و ملك و زمین های ارثی از پدرش در 25 سال پیش به وی رسیده و در این مدت او هیچ گونه زحمتی برای آنان به عمل نیاورده، حق دارد تمام وسایل ارثی با بهره و سود او را دریافت نماید؟

بسمه تعالی، ملکیت سهم الارث با نرفتن به محل و طول زمان سلب نمی شود و همچنین عواید و منافع آن تابع اصل ملك است.

5. پدری وصیت نموده و یکی از فرزندان را وصی خود قرار داده و مقداری پول جهت مخارج حج تعیین کرده و با آن که پدر مستطیع بوده پول را در اختیار وصی قرار داده و وصی از رفتن حج امتناع نموده و می گوید: جهت نماز و روزه، پول به مصرف رسیده است. تکلیف الباقی وارث ها در این امر چه خواهد بود؟

بسمه تعالی، بر عهده وصی است که حج را انجام دهد.

به امید پیروزی لشکر حق بر باطل، والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

[سؤال 10675] 5608

3. در هر يك از این صور اگر با عدم رضایت شوهر روبه رو شود (یعنی شوهر بگوید من راضی نیستم که صورت خودت را بپوشانی) چه صورت دارد؟

بسمه تعالی، مرد حق ندارد در این جهت زن را تکلیف کند.

ص: 296

با سلام و درود به بندگان صالح خداوند، خصوصاً شهدای انقلاب اسلامی و عرض ادب خدمت نایب بر حق امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، چند دقیقه ای تصدیق اوقات می کنیم.

زنی معلم است و این امر را يك فريضة شرعی می داند و از طرفی هم شوهرش عقیده و اصرار دارد که کارش بیرون از خانه، مانع از رسیدگی و تربیت کردن صحیح فرزندانش می شود و می بایست یا وقت خود را صرف کارش نماید و یا تربیت و سرپرستی فرزندانش، تکلیفش چیست؟ خداحافظ شما تا ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

بسمه تعالی، خارج شدن زن از منزل باید با اجازه شوهر باشد؛ ولی شوهر نمی تواند او را وادار به رسیدگی به فرزندان نماید.

3. آیا انجام فريضة باید به اجازه شوهر باشد یا با توجه به حدیث «طلب العلم فريضة على كل مسلم ومسلمة» زن می تواند بدون اجازه شوهر به تحصیل ادامه دهد یا خیر؟ حق شوهر در این مورد چیست؟ همچنین در مورد جهاد سوادآموزی، آیا فراگرفتن دانش منوط به اجازه شوهر می باشد؟ اگر شوهری مانع تحصیل همسرش باشد چه حکمی برای زن مترتب است؟

بسمه تعالی، تحصیل و سوادآموزی زن موقوف به اجازه شوهر نیست، ولی خارج شدن زن از منزل باید با اجازه شوهر باشد، مگر در واجبات.

دفتر محترم حضرت امام خمینی، احتراماً؛ به عرض مبارك می رساند که:

ما زنان ایرانی مقیم پونه، در تاریخ ششم محرم الحرام 1403 تشکیل شورای

اسلامی داده ایم؛ چون ضد انقلاب و منافقین در این شهر رخنه کرده و با کمال بی شرمی شایعه پراکنی و بدگویی به امام عزیز، خمینی کبیر و بدنام کردن جمهوری اسلامی پرداخته اند. متأسفانه مردان ما و انجمن اثنی عشری مهر سکوت بر لب زده و هیچ گونه عکس العملی از خود نشان نمی دهند. ما زنان تصمیم گرفتیم که زینب گونه پیام خون شهدا و گفته های امام عزیزمان را به گوش مردم مستضعف هند برسانیم؛ چون انجمن اثنی عشری اجازه نداد که دانشجویان اسلامی هم در امامباره بیایند و راه این از خدا بی خیران را سد کنند. (امامباره، حسینیه بزرگی است که حاجی محمد جواد اصفهانی برای ایرانیان مقیم پونه هندوستان وقف نموده است). متولیان این امامباره هم متأسفانه از اسلام و انسانیت بویی نبرده اند. با دانشجویان عزیزی که می آمدند و دعای کمیل و ندبه می خواندند و رزمندگان اسلام و امام عزیز را دعا می کردند، از در مخالفت درآمدند و تصمیم گرفتند که دانشجویان را از آن جا که سنگر اسلام شده بیرون کنند. و گفتند که بایستی رأی گیری کنیم. بعد هم همین انجمن اثنی عشری به درب خانه يك يك از این مردم مستضعف رفته و از آن ها خواستند که بر علیه دانشجویان اسلامی رأی بدهند. چون اعضای این انجمن از طاغوتیان هستند و با دین و اسلام مخالف هستند؛ دانشجویان را از امامباره بیرون کردند. این عمارت بدون استفاده افتاده و پایگاه ضد انقلاب شده است، ولی دانشجویان باید برای انجمن اسلامی خودشان هر ماه سه هزار روپیه اجاره پردازند. آیا این بی انصافی نیست؟! از شما می خواهیم با فرستادن يك نفر با شخصیت به محل، به ندای حق طلبانه ما پاسخ داده و مردم را به راه راست هدایت کنید. شورای اسلامی زنان، به سفارت و کنسول گری جمهوری اسلامی نامه نوشته است که هرگونه نشریاتی جهت تبلیغ اسلام در دسترس دارند به آدرس شورای اسلامی زنان بفرستند تا ما هم بتوانیم به نوبه خود برای اسلام عزیز تبلیغ نماییم. ناگفته نماند که قبل از انقلاب، دبستانی برای ایرانیان مقیمی بوده که فارسی درس می دادند و بعد از انقلاب بسته شده است. اکنون به گفته

امام عزیز که می گویند: حتی پیرزنان و پیرمردها هم باید سواد داشته باشند؛ ما به کمک خواهران دانشجوی اسلامی می خواهیم مدرسه را باز کنیم، ولی انجمن اثنی عشری مخالفت می کند و می گوید هر کس می خواهد فارسی یاد بگیرد، برود ایران. ضمناً چون کسی نیست که به مسائل ما پاسخ بدهد؛ خواهش داریم جواب مسائل ما را مرقوم فرمایید.

1. تکلیف زنی که مردش مجبورش کند که نماز نخواند و حجابش را بردارد، چیست؟

بسمه تعالی، اطاعت شوهر در امر به ترک نماز و حجاب واجب، جایز نیست.

2. زنی که بی حجاب است و حاضر نیست که با حجاب شود، آیا می تواند عضو شورای اسلامی باشد؟

بسمه تعالی، عضو شورای اسلامی باید متعهد به اسلام و عامل به دستورات دینی باشد.

3. آیا حسینیه ای که در قدیم از طرف شخص مسلمانی وقف شده، مسلمانان حق دارند در آن بنشینند و درباره اسلام و جمهوری اسلامی بحث و گفت و گو نمایند. اگر متصدیان این حسینیه بخواهند جلوی تبلیغات اسلامی را بگیرند و بگویند که محل نمازگزار است، تکلیف چیست؟

بسمه تعالی، استفاده از حسینیه موقوفه، تابع مقررات وقف است و کسی حق ندارد از استفاده مطابق با جهت و مصلحت وقف ممانعت کند.

4. فرق بین ایرانی مسلمان مقیم، با يك دانشجوی مسلمان پیرو خط امام چیست؟ تکلیف ما زنان که پیرو خط امام و قرآن هستیم، با کسانی که بین ما و دانشجویان متعهد به اسلام تفرقه می اندازند ولو شوهر یا فرزندان باشند چیست؟

بسمه تعالی، بین مسلمانان از زن و مرد فرقی نیست و همه موظف هستند از اسلام و رهنمودهای آن تبعیت کنند و از تفرقه که موجب ضعف و شکست می شود حذر کنند.

5. آیا صلاحیت شورای اسلامی زنان یا مردان متعهد در خارج از کشور، کمتر است از يك انجمنی که بر مردم تحمیل شده و در دوران منحوس پهلوی برای شاه معدوم سر و دست می شکسته و هنوز هم امیدوار است که بچه او به کشور بازگشته و سلطنت نماید؟

بسمه تعالی، هر کس از زن و مرد در حدود توان خود با مراعات ضوابط اسلامی، موظف است در خدمت به اسلام و معرفی آن و توحید صفوف مسلمین کوشا باشد.

3. اگر شوهر راضی نباشد، زن می تواند برای جبهه خدمت کند؛ از قبیل خیاطی، بافندگی، عزیمت به جبهه و غیره؟

بسمه تعالی، در صورتی که بدون اجازه شوهر از منزل خارج نشود، مانع ندارد.

7. مرد حق دارد به زنش بگوید موهای خود را کوتاه نکن یا خیر؟

بسمه تعالی، حق ندارد؛ ولی باید مراعات حال شوهر را بنماید.

بسمه تعالی 1361 / 6 / 29

دفتر مخصوص امام خمینی، رهبر عالی قدر و کبیر کشور جمهوری اسلامی ایران

محترماً به استحضار آن مقام می رسانم: از نظر شرع مقدس اسلام، به دو مسأله برخورد نموده ام که برای این جانب لاینحل می باشد. خواهشمندم در حل آن این جانب را یاری نمایید و جواب را کتباً پاسخ گو باشید.

1. آیا در قانون شرع مقدس اسلام، زن می تواند بدون اجازه شوهر از منزل خارج شود؟

2. آیا در قانون شرع مقدس اسلام، زن می تواند بدون اجازه شوهر در مؤسسه ای مشغول کار باشد؟

سلامتی و سعادت مندی جناب عالی را در خدمت به اسلام و مسلمین از خداوند متعال خواستاریم. والسلام علی عباد الله الصالحین

بسمه تعالی، کار کردن زن در بیرون منزل اگر منافعی با حقوق زناشویی شوهر نباشد، با حفظ حجاب، اشکال ندارد؛ ولی خروج زن از منزل منوط به اجازه شوهر است.

بسمه تعالی

حضرت آیت الله حاج آقا سید روح الله الموسوی الخمینی، السلام علیکم، از محضر آن بزرگوار سؤالی داشتم تا در مورد مسأله ای که برای این فرزند حقیرتان پیش آمده، از لحاظ شرعی کسب تکلیف نمایم. ان شاء الله با راهنمایی شما از این سردرگمی بیرون آیم.

در مورد مسأله کار کردن زن، وقتی شوهر قلباً ناراضی بوده ولی برای حفظ مصالح زندگی مخالفتی نمی نماید، آیا زن می تواند کار کند؛ در صورتی که پدر زن به خاطر کمبودهای زندگی اصرار زیادی در این امر دارد؟ البته آن قدر دستشان تنگ نیست که نتوانند در حد ابتدایی نزدیک به متوسط، زندگی را تأمین نمایند و خود زن هم به خاطر نارضایتی شوهر، راضی به کار کردن نیست؛ چون در این صورت، اسلام و شرع اسلام را بهتر رعایت می کند؛ اما برای این که احترام پدرش حفظ شود و از داماد خود روگردان نشوند، نمی داند که چه بکند؟ خواهشمندم این سؤال مرا صریح - طوری که دیگر سؤالی برایم پیش نیاید و نگرانی نداشته باشم - جواب فرمایید که آیا در این شرایط، رضایت شوهر واجب تر است بر زن یا رضایت پدر؟ و اصولاً آیا زن باید رضایت شوهر را در همه مسائل زندگی به دست آورد یا نه؛ به خصوص که شوهر، شخصی مؤمن و متقی است؟ از لطف پدرانۀ شما بی نهایت سپاسگزارم.

بسمه تعالی، کار کردن زن اگر مستلزم بیرون رفتن از خانه نیست و موجب تضییع حق شوهر نمی شود، مانع ندارد؛ ولی اگر باید از خانه بیرون برود یا حق شوهر از بین می رود، بدون اجازه شوهر جایز نیست.

بسمه تعالی 1361 / 10 / 27

محضر مقدس رهبر کبیر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، مرجع عظیم الشان، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی، با تقدیم سلام و درود به

پیشگاه مقدس حضرت عالی و سلام و درود به روان پاک شهیدان اسلام، خواهشمند است جواب سه سؤال زیر را مرقوم فرمایید:

همسر من مالک نیم دانگ از شش دانگ خانه مسکونی پدرم می باشد و فعلاً هم مستأجر دیگری هستیم. پدرم شدیداً اصرار دارند که نیم دانگ همسرم را خریداری نموده و قیمت آن را به وی بپردازند، ولی چون با پول آن حتی ارزان ترین و کوچک ترین خانه قابل استفاده را هم نمی توان تهیه نمود، همسرم موافق نیست.

1. آیا من که اختیار همسرم را دارم، می توانم او را مجبور سازم که نیم دانگ خانه اش را بفروشد و پولش را دریافت دارد تا رضایت پدرم حاصل شود؟

بسمه تعالی، حق ندارید و شوهر، اختیار همسرش را ندارد و طرفین، حقوق متقابل ای دارند که باید عمل کنند.

2. آیا اگر همسرم راضی به فروختن نیم دانگ خانه اش شد، پدر همسرم حق دارند به او اجازه ندهند و یا سند آن را که نزد خودشان است، در اختیار وی قرار ندهند؟

بسمه تعالی، حق ندارند.

[سؤال 10684]

3. آیا در صورتی که مجاز باشم که همسرم را مجبور به فروختن نیم دانگ خانه اش بنمایم، پدر همسرم حق دارند سند آن را در اختیار من نگذارند؟

بسمه تعالی، شما حق ندارید او را مجبور کنید.

[سؤال 10685] 1074

2. بگویید زن شوهر دار مسلمان چگونه باید تقلید کند؟ و می تواند عقیده دیگری به جز اسلام داشته باشد و در این صورت سزایش چیست؟

بسمه تعالی، زن در تقلید، مستقل است؛ ولی در امور زناشویی باید از شوهر اطاعت کند و بدون اجازه شوهر نمی تواند از منزل خارج شود.

ص: 302

بسمه تعالی

محضر مبارك حضرت آيت الله العظمى، حجة الكبرى، رهبر انقلاب اسلامى، امام خمينى، دام ظلّه العالى، با درود به شهدای اسلام، و با آرزوى موفقيت رزمندگان كفر ستيز اسلام در جبهه هاى نبرد با استكبار جهانى. به عرض عالى مى رساند كه:

خواهرى با آقايى، در ژانويه 1977 ازدواج نمود و بعد از عروسى معلوم گشت كه شوهرش تارك الصلاة و دائم الخمر است. هر وقت كه داخل خانه مى شود، در حال مستى زنش را كتك مى زند، و گاهى بطرى مشروب را به خانه مى آورد و به زنش اصرار مى كند كه با او مشروب بخورد، و نماز و روزه را ترك نمايد، و در صورت امتناع، زنش را مورد ضرب و شتم قرار مى دهد. روزى با دوستان وارد خانه شد كه همه آن ها مشروب خورده بودند، و به زنش دستور داد كه از دوستانش پذيرايى كند و به خاطر امتناع زنش را كتك زد. از روزى كه اين خواهر ازدواج کرده است تا به حال - كه سال ششم آغاز گرديده - نان و نفقه هم از ناحيه شوهر دريافت نكرده است.

لازم به يادآورى است كه اين خواهر از شخص نامبرده، دخترى شش ساله هم دارد، ولى چون دختر بچه ديده است كه پدرش مادرش را كتك مى زند از پدر ترس دارد. اين قضيه با آقاي سيد شبيه الحسن رضوى هندی كه بنا به دعوت خوجه جماعت لندن، از طريق سازمان تبليغات تهران، به عنوان عالم محل تشریف آورده اند، در ميان گذاشته شد. ايشان گفتند كه امام امت دستور صادر فرمايند، تا اين كه بنده طبق آن دستور عمل كنم. لذا خواهشمند است كه آن اميد مستضعفين جهان و رهبر كبير مسلمانان و مرجع تقليد شيعيان، تكليف اين خواهر را روشن فرمايند.

بسمه تعالی، اگر بودن زن در منزل شوهر مزبور حرج است، مى تواند از منزل او برود و در جای دیگر زندگی کند، ولى اختيار طلاق در دست شوهر است و تا او را طلاق نداده، نمى تواند به ديگرى شوهر نمايد.

ص: 303

محضر مبارک حضرت امام خمینی، رهبر و مرجع عالی قدر اسلام

با تقدیم عرض سلام خالصانه، استدعا دارم اعلام فرمایند:

اگر دختری که در دبیرستان مشغول تحصیل است، به عقد جوانی درآید ولی هنوز در خانه پدر به سر برده و جشن عروسی نگرفته و کمترین آرایش و تغییری در صورت و رفتارش نداده و با حجاب اسلامی رفت و آمد می نماید، به دبیرستان رفتن او از نظر شرعی بلاشکال است یا خیر؟ تقاضا دارم نظر مبارک را ذیلاً مرقوم فرمایند. مزید دعاگویی است.

بسمه تعالی، اگر با رضایت شوهر از منزل خارج می شود مانع ندارد.

5. اگر همسر این جانب زدن مقنعه را برای حجاب سر و صورت بر من واجب کند - در حالی که روسری بلند، تیره و ضخیم نیز حجاب باشد - مسأله چگونه است؟

بسمه تعالی، بهتر است از شوهر در این باره اطاعت کند.

بسمه تعالی

محضر مقدس حضرت آیت الله العظمی امام خمینی متع الله المسلمین بطول بقاءه

1. بانوانی که قصد شرکت در جلسات دینی از قبیل قرآن، دعای ندبه، دعای کمیل و نماز جمعه را دارند ولی با منع شوهران مواجهند باید از گفته آن ها اطاعت کنیم یا خیر؟

بسمه تعالی، خروج از منزل منوط به اجازه شوهر است.

2. وظیفه کسی که روز جمعه می خواهد نماز ظهر بخواند صبر کردن تا گذشتن وقت نماز جمعه است

یا نه؟

بسمه تعالی، صبر کردن لازم نیست و نماز جمعه واجب تخییری است.

3. آیا حاکم می تواند شخصی را مجبور به پرداخت خمس کند یا پرداخت به خود خمس دهنده واجب است؟

بسمه تعالی، ولی امر می تواند بدهکار خمس را الزام به پرداخت آن نماید.

4. اشیایی که از قبیل فرش و غیره مورد احتیاج شخص بوده و تهیه کرده ولی پس از چند بار مصرف دیگر احتیاجی به آن نیست آیا خمس آن را باید پرداخت کند یا نه؟

بسمه تعالی، اگر از ارباب مکاسب به حساب مؤونه تهیه شده هر موقع که از مؤونه بودن خارج شده خمس دارد.

5. اگر شخصی در سر سال خمسی پول خود را که سرمایه اوست داده و سرمایه اش فرضاً ده هزار تومان بوده در سال دیگر وقت حساب دو هزار تومان کسر دارد در سال سوم دو هزار تومان از سال دوم کمتر دارد در سال چهارم موجودی فعلی او به ده هزار تومان رسیده آیا باید خمس مازاد در سال سوم را که شش هزار تومان است بدهد یا چون اصل سرمایه اش ده هزار تومان بوده خمس دارد؟

بسمه تعالی، ضرر سال قبل از ریح سال بعد جبران نمی شود و ریح سال بعد در زاید بر مؤونه خمس دارد.

6. اهمیت نماز جمعه و اخبار که در مذمت ترك و توییح تارك آن وارد شده آیا مخصوص زمان حضور است یا زمان ما را نیز که به فتوای آن حضرت واجب تخییری است شامل می شود؟

بسمه تعالی، در حال حاضر نماز جمعه واجب تخییری است و آثار واجب تعیینی بر آن مترتب نیست.

7. در تحریر الوسیله در مسأله شماره 4 مربوط به نماز آیات فرموده اید: «یختص الوجوب بمن فی بلد الآیة» ولی به بنده می گویند که به وسیله تلفن از دفتر سؤال کردیم گفته اند که اگر در شهری خورشید گرفت به مردم شهرهای دیگر لازم است نماز آیات بخوانند تقاضای جواب دارم.

بسمه تعالی، حکم همان است که در تحریر الوسیله مرقوم است.

[سؤال 10690] 6048

بسمه تعالی

اعضای دفتر امام خمینی

زنی 36 ساله هستم که دارای شش فرزند می باشم. دخترم را شوهر داده ام و الآن بچه بزرگم که پسر است چهارده ساله می باشد. هفت سال پیش شوهرم مرد و مرا

ص: 305

بدون خرج و محتاج گذاشت. دو سال بعد از فوت شوهرم، برادرش که دارای زن و فرزند می باشد، به خاطر محرم بودن و کمک به ما، مرا صیغه دائمی کرده؛ اما خانه ما با خانه شوهرم فرق می کند و من بعضی از مواقع که می خواهم جایی بروم، مثلاً با مادر و زن برادرم و یا دخترم - که در خانه شوهر است - به دکتر بروم، دسترسی به شوهرم ندارم تا از او اجازه بگیرم. بعد از این که او را می بینم تا من بخواهم به او بگویم، او می گوید: «من راضی نیستم» و بگو و مگو می کنیم و ناراحتی ایجاد می شود. من می دانم که باید از او اجازه بگیرم؛ ولی نمی توانم.

مرا در این مورد راهنمایی کنید.

بسمه تعالی، خروج زن از خانه باید با اجازه شوهر باشد.

[سؤال 10691] 6049

بسمه تعالی

خدمت امام عزیزتر از جانم سلام عرض می نمایم.

اگر از برنامه زندگی من خواسته باشی، هیچ خوب نیست. این همه دعا کردیم که خدایا امام عزیز ما را به وطن برگردان که بلکه خفقان تمام شود؛ ای امام عزیز من يك زن نسبتاً مسلمان هستم که نمی توانم هیچ نفسی بکشم:

1. شوهر من اجازه از خانه بیرون رفتن را نمی دهد و هیچ گونه دستور خدا را عمل نمی کند؛ مسلمان است، ولی خودش را يك کافر نشان می دهد. هر چیز که علیه اسلام است من در او می بینم. با این انقلاب، هیچ خوب نیست؛ ولی هیچ کاری از دست او ساخته نیست که بر علیه انقلاب انجام دهد.

2. به من می گوید: مسجد نرو، من راضی نیستم؛ بهشت زهرا نرو؛ نماز جمعه نرو. من يك زنی هستم توی خانه و شوهرم هیچ حساب سال ندارد؛ من با لباس خمس نداده، نماز می خوانم. من نمازم درست نیست. چه کنم؟ قالی می بافم، دلم می خواهد هیچ گونه خلاف اسلام کار نکنم. من يك کلاس سواد دارم، بعد از عم جزء قرآن هم تا

ص: 306

سورة «عبس و تولی» خواندم ولی با چه برنامه ای! بعد پرسیدم، گفته اند که باید بی اجازه شوهر از خانه بیرون نروی؛ هرچه او می گوید تو گوش دهی. با شنیدن این حرف به مرگ خودم راضی شدم و می خواست روحم از تنم جدا شود. آن قدر دلم می خواهد که با سواد شوم و قرآن بخوانم که تنها آرزوی من همین است. صحبت زیاد است ولی وقت شما را بیشتر از این نمی گیرم. به من می گوید: خانه پدر و مادرت نرو. شما من را راهنمایی کنید تا ببینم چه باید کرد. و من می خواهم از این کارکرد خود به جبهه کمک کنم به هیچ وجه اجازه نمی دهد. جواب نامه هرچه زودتر برسد. به امید عمر طولانی امام عزیز و به امید پیروزی تمام مسلمین جهان. ای امام عزیز، من از دست منافقین جگرم خون شد.

بسمه تعالی، بیرون رفتن زن از خانه شوهر در غیر واجبات باید با اجازه شوهر باشد و شما تا علم ندارید که در آنچه از شوهر برای شما از لباس و غذا و غیره تهیه می شود خمس هست، برای شما حلال است و شما در اموال خود اختیار دارید و شوهر شما حق دخالت در آن را ندارد.

[سؤال 10692] 6050

بسمه تعالی

من يك دختر دیپلمه هستم که چند ماه است به عقد برادر پاسداری در آمده ام و بسیار مایلیم که به شغل شریف معلّمی بپردازم و در جهت اسلام گامی بردارم. به همین منظور، در تربیت معلم شرکت کرده و قبول شده ام؛ حالا ایشان راضی نیست که من در شهر دیگری یا روستا به تحصیل و یا خدمت مشغول شوم. البته باید متذکر شوم که پدر من راضی است و صحبت تحصیل من در زمان نامزدی، بین پدر و مادر ما بوده است؛ ولی مستقیماً بین ما قراری نشده است. حال وظیفه من چیست؟ آیا اجازه شوهر در زمان عقد برای تحصیل، شرط است؟

بسمه تعالی، برای خارج شدن از منزل باید شوهر اجازه دهد.

ص: 307

محضر مبارك رهبر كبير انقلاب اسلامي، نايب الامام، امام خميني، دامت افاضاته

1. احتراماً؛ نظر مبارك آن مرجع عالی قدر در مورد ارتباط کارمندان زن - به طور کلی - با مسئولین مرد، خصوصاً در آموزش و پرورش چه می باشد؟ با در نظر گرفتن تجرد و تأهل و داشتن فرزند و رضایت شوهر و شرایط کنونی جامعه، سخنان فوق چه صورتی پیدا می کند؟ در تمامی موارد آیا کار کردن در بیرون جایز است؟ کدام يك مستحب و خدا پسندانه تر است؟ در صورت مجاز نبودن کار برای زن در بیرون در برخورد با مسئولین، آیا حقوقی که تا کنون دریافت نموده حلال است یا خیر؟ در صورت حلال نبودن خمس آن از چه طریقی باید پرداخت گردد؟

بسمه تعالی، زن بدون رضایت شوهر نباید از منزل خارج شود، و در هر صورت، اجرت کار او حلال است و خمس دارد.

2. در صورت باقیماندن دو سال به پایان تحصیلات، حضور در دانشکده، بعد از انقلاب فرهنگی - با توجه به تعهدی که قبلاً برای خدمت در آموزش و پرورش داده شده - برای تکمیل دوره لیسانس، چه حکمی دارد؟

بسمه تعالی، چنانچه بر خلاف قرار و مقررات نباشد مانع ندارد.

محضر مبارك مرجع عالی قدر تقلید، امام خمینی، ائده الله تعالی، سلام علیکم

1. خواهشمند است نظر شریف را در رابطه با تقدم هر يك از وظایف زیر مشخص فرمایید.

الف. تقدم بین وظایف تربیت فرزند و ادامه تحصیلات دانشگاهی برای خواهرانی که قبل از ازدواج به دانشگاه می رفته اند؟

بسمه تعالی، موارد مختلف است، و خروج زن از منزل باید با اجازه شوهر

باشد، و چنانچه فرزند سرپرستی ندارد، گاهی نگهداری او بر مادر لازم می شود.

[سؤال 10695]

ب. تقدم بين وظائف تربيت فرزند و تدريس در مدارس دخترانه برای خواهرانی که قبلاً تدریس می کرده اند؟

بسمه تعالی، در حکم مسأله قبل است.

2. لطفاً وظیفه شرعی يك زن متأهل را در برابر پدر و مادرش بیان فرمایید؟

بسمه تعالی، وظیفه خاصی ندارد و برای خارج شدن از منزل باید شوهر راضی باشد.

3. آیا خلف وعده مرد به زن و دروغ گفتن به او جایز است؟ در چه صورت؟

بسمه تعالی، خلف وعده حرام نیست؛ و دروغ گفتن جایز نیست.

[سؤال 10696] 708

6. آیا بدون اجازه شوهر می توانم به مسجد یا به دعای کمیل یا نماز جمعه یا زیارت یا بهشت زهرا و امثال این ها بروم؟ اگر رضایت نداشته باشد اشکال دارد؟

بسمه تعالی، خارج شدن زن شوهردار از منزل باید با اجازه شوهر باشد.

[سؤال 10697] 6039

3. آیا شوهر می تواند با تشخیص دادن دخالت غیر منطقی اطرافیان همسرش، وی را از معاشرت با آنان منع نماید؟

بسمه تعالی، اگر مستلزم خارج شدن زن از منزل یا ورود دیگران در خانه شوهر است، می تواند از خروج زن از خانه و ورود دیگران ممانعت نماید.

[سؤال 10698] 6053

بسمه تعالی 1361 / 2 / 20

محضر مبارك زعيم عالی قدر، حضرت آيت الله العظمی امام خمینی، دام عمره

مصدعاً؛ به عرض می رساند: این جنبه زن شوهرداری هستم که به لحاظ قلت

ص: 309

معیشت و داشتن وام بانکی در آمدمان تکافوی مخارج روزانه را نمی نماید. با توجه به این که فعلاً امکانات استخدام برایم موجود است، تقاضا دارد اعلام فرمایند که آیا از نظر شرعی بلامانع است یا خیر؟

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، استخدام بلامانع است؛ ولی با اجازه شوهر باید از منزل خارج شوید.

[سؤال 10699] 6054

بسمه تعالی

برادران عزیز دفتر امام خمینی، مدّ ظلّه العالی، سلام علیکم

می دانم که این نامه خدمت امام بزرگمان نخواهد رفت، لذا از قلم فرسایی در مورد عظمت و بزرگی ایشان و ابراز ارادت و کوچکی خودم نسبت به وی صرف نظر می کنم. گرچه قلم من که سهل است، زبان و قلم بزرگان امت ما نیز از این مطلب قاصر و ناتوان است. لذا با دعا برای طول عمر ایشان تا ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و آرزوی این که بتوانم شاگرد و سرباز کوچکی در خط ایشان باشم مسائلم را مطرح می کنم تا ان شاء الله وقت شما عزیزان را نیز نگیرم. ولی تقاضا می کنم سلام مرا به امام بزرگوارمان برسانید و از ایشان بخواهید تا برای من و خانواده ام دعای خیر بفرمایند.

1. با توجه به پیام تاریخی امام به مناسبت بازگشایی مدارس که تك تك آحاد مردم را مسئول دانستند؛ آیا مرد می تواند از کار همسرش به عنوان کارمند شاغل در وزارت آموزش و پرورش به دلایل نزدیک بودن وضع حملش و این که به زودی مسئول بچه داری و خانه داری خانواده وی خواهد شد جلوگیری کند؟ اگر استعفای زن باعث کمبود کادر مسلمان و مؤمن و متخصص آموزش و پرورش شهرستان محل سکونتشان شود و با توجه به این که خود زن نیز به استعفا رضایت دارد، چه باید بکند؟

بسمه تعالی، خروج زن از خانه شوهر موکول به اجازه شوهر است.

ص: 310

2. آیا شخص می تواند وسیله ای مثل موتور سیکلت را که از طریق مساجد و با نرخ دولتی خریداری کرده، به دلیل بی پول شدن و نیاز به پول پیدا کردن، در بازار مسلمین به نرخی بیش از آنچه که خریده بفروشد؟ مثلاً ده هزار تومان خریده، هجده هزار تومان بفروشد؟ با توجه به این که خریدار راضی بوده، حتی بیست هزار تومان بدهد و نیز با توجه به این که اصولاً در بازار کمتر از این نرخ خرید و فروش نمی شده است، اگر نه، تکلیف کسی که این کار را کرده است چیست؟

بسمه تعالی، اگر به حد اجحاف نرسد با مراعات مقررات دولت اسلامی مانع ندارد.

[سؤال 10700] 6055

بسمه تعالی 17 / 4 / 1361

پیشگاه قائد عظیم الشان و نایب الامام، دامت برکاته، سلام علیکم

اماما! قاندا! این جانب بانویی هستم 27 ساله و کارمند آموزش و پرورش، دارای همسر و یک دختر 5 / 2 ساله، که همسرم نیز کارمند آموزش و پرورش می باشد. چندی قبل به دنبال دعوت ستاد جذب نیرو از کلیه داوطلبین اعزام به کردستان، در یک سمینار یک روزه شرکت کردم و تا حدودی به موقعیت حساس و نیاز مبرم استان کردستان به نیروهای فرهنگی - که تا حدودی بتوانند انقلاب فرهنگی را به مردم غم دیده و ماتم زده و اسیر دست گروهک های دمکرات، کومله و فدایی و منافقین انتقال دهند - پی بردم و در پایان سمینار، موافقت خود را جهت همکاری اعلام داشتم، به این امید که حتماً موافقت همسرم را نیز می توانم جلب نمایم، و حتی در امتحانی که

مدتی بعد از داوطلبین گرفته شد شرکت کردم؛ و لیکن بعد از آن، نه رئیس اداره آموزش و پرورش ناحیه حاضر شد با من مصاحبه کند - به بهانه این که فعلاً در اصفهان به شما نیاز بیشتری هست - و نه همسرم با رفتن موافقت نمود و من ماندم بر سر دوراهی که چه کنم؟ از یک طرف، نیاز کردستان و دعوت مکرر ستاد برای اعزام نیرو و ندای هل من ناصر ینصرنی شهیدان در خاک و خون غلطیده کردستان، و از طرف دیگر مخالفت همسرم؛ و چون نتوانستم وظیفه را بشناسم، بنا را بر این نهادم که مطلب را با شما در میان گذاشته تا هر گونه که شما تکلیف نمایید، همان گونه عمل نمایم.

ص: 311

باشد که بدین وسیله خشنودی و رضایت الله و رستگاری دنیوی و اخروی خود را تأمین نمایم.

بسمه تعالی، اگر شوهر شما موافقت نکند و مسئول امور آموزش و پرورش دستوری در این باره صادر نکرده باشد، شما تکلیفی در رفتن به کردستان ندارید؛ بلکه با مخالفت شوهر جایز نیست.

[سؤال 10701] 5985

2. وظیفه شرعی يك زن در برابر شوهرش که با استفاده از احکام اسلام مبنی بر اطاعت زن از شوهر، همسر را از دیدار بستگانش و آشنایانش باز می دارد - به این دلیل که آن ها اثراتی می گذارند که باعث می شود علاقه زن به آن ها زیاد شود و به خاطر این علاقه نتواند برخی از حرف هایشان را رد کند، در حالی که آن ها مسلمانند و کافر هم نیستند و نماز و روزه شان هم سرجایش است - چه می باشد؟

بسمه تعالی، خروج زن از منزل شوهر برای غیر واجبات، منوط به اجازه شوهر است.

[سؤال 10702] 6056

بسمه تعالی

خدمت مرجع عالی قدر، حضرت امام خمینی، دام ظلّه العالی

خانمی هستم که قبل از انقلاب فرهنگی، در یکی از دانشکده های فنی تهران در رشته مهندسی مکانیک به تحصیل مشغول بوده ام و در حدود 90 واحد از 140 واحد آن موقع را گذرانده ام. هم اکنون متأهل و دارای فرزندی نیز هستم. با توجه به بازگشایی دانشگاه ها و امکان ادامه تحصیل در رشته های مفیدتر برای خواهران، لطفاً نظر مبارك را در رابطه با ادامه تحصیل و یا رها کردن تحصیل بیان فرمایید.

بسمه تعالی، زن برای خارج شدن از منزل باید از شوهر اجازه بگیرد و چنانچه اجازه بدهد، ادامه تحصیل مانع ندارد.

ص: 312

بسمه تعالی 1361/9/25

خانم من که به خانه من آمد - در حدود بیست سال پیش - بزرگ شده تهران و خیلی معتقد نبود. با زحمت زیاد هدایتش کردم. فعلاً نتیجه ازدواجمان شش اولاد است (سه تا بزرگ - پسرها پاسدار و یک دختر بزرگم بحمدالله مکتبی هستند - و سه تا کوچک از سه ساله تا سیزده سال داریم). خودم دو مرتبه به جبهه رفتم و بدون تظاهر، آنچه از دستم بر می آید تبلیغ می کنم. پنج ماه است خانم، زندگی را برایم حرام کرده. آزادی زن در رژیم سابق اثر گذاشته بود. می گویم این کار را نکن؛ می گوید: آزادم؛ پیغمبر صلی الله علیه و آله و رهبر، آزادم کرده. برای کمک به جبهه، به کمیته می رود و به من نمی گوید و بچه کوچک در میان آب و آتش می ماند. من که مجبورم به سر کار بروم؛ می گویم من اجازه ندادم بیرون بروی. جواب می گوید: تو شوهر من نیستی. آیا شرعاً جایز است بدون اجازه من - نسبت به عرایض فوق - بیرون برود یا نه؟ لطفاً جواب را در ذیل نامه بفرمایید.

بسمه تعالی، زن بدون اجازه شوهر حق ندارد از منزل خارج شود.

بسمه تعالی 1361/9/13

حضور محترم رهبر و مرجع و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام خمینی، مدّ ظله، با سلام فراوان خواهشمند است فتوای آن حضرت را راجع به شاغل بودن زن با نارضایتی همسرش، با عنایت به این که زن، تعهد کار کردن در زمان ستم شاهی سابق به آن دولت غیر قانونی را داده است، ذیل این ورقه مرقوم بفرمایید.

بسمه تعالی، خارج شدن زن از منزل باید با رضایت شوهر باشد، مگر این که در وقت عقد شرط کرده باشند.

بسمه تعالی

شخصی دختری را به عقد نکاح دائم ازدواج نموده، ولی در خانه پدرش هست و شوهر، او را به خانه خود نبرده و تصرف نکرده و بکر است و آن دختر می خواهد مدرسه برود برای تحصیل علم، و شوهر اجازه نمی دهد. آیا جایز است دختر، بی اجازه شوهر برای دانش آموزی به مدرسه برود یا خیر؟

بسمه تعالی، برای خارج شدن از منزل باید از شوهر اجازه بگیرد، مگر این که در متن عقد شرط شده باشد.

بسمه تعالی 1361 / 7 / 26

محضر مقدس رهبر مستضعفان جهان، آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

احتراماً؛ نظر مبارک امام را در این مسأله بیان فرمایید:

عقد پسرودختری به صورت عادی خوانده شده است. عاقد قبل از اجرای صیغه گفتند: چون امام فرموده اند: ازدواج غیر رسمی خلاف مقررات دولت است، باید رسمی کنید و احتیاطاً قبل از عروسی رسمی کنید و چون سن پسر از لحاظ شناسنامه به حد قانونی نرسیده، محضر عقد رسمی جاری نمی کند. استدعا دارد بیان فرمایید که باید حتماً عقد رسمی جاری شود یا این که اگر عروس به خانه شوهر برود و هر موقع سن آن ها به حد قانونی رسید، سند محضری رسمی جاری شود کفایت می کند؟

بسمه تعالی، اگر عقد خوانده شده، زن و شوهر هستند و با مطالبه شوهر، زن باید به خانه شوهر برود.

بسمه تعالی

حضرت مستطاب، زعیم عالی قدر و امام امت و رهبر رشید انقلاب مقدس اسلامی ایران، امام خمینی، دامت برکاته

با کمال احترام، معروض می‌دارد این جانب در چند سال قبل دختری را به همسری برگزیدم و مهریه و خطبه عقد آن دختر با اجازه پدرش، به وسیله یکی از روحانیون خوانده شد. در حال حاضر که می‌خواهم عیالم را به منزل خود ببرم، پدرش امتناع می‌ورزد و می‌گوید: من عقد آخوندی را قبول ندارم. تقاضا دارم اگر این دختر خانم، همسر قانونی و شرعی حقیر است و پدرش حق ندارد چنین مطلبی را بیان دارد، نظریه حضرت معظم را در این باره بیان نمایید.

بسمه تعالی، در فرض مذکور دختر شرعاً زن شما است و حق دارید او را به خانه خود ببرید، ولی در مقابل، دختر حق دارد مهریه خود را از شما مطالبه کند و یا برای محکم کاری، مطالبه محضری شدن عقد و مهریه خودش را بنماید.

[سؤال 10708] 6062

بسمه تعالی

1. آیا زن تابع مرد است یا مرد باید از زن تبعیت نماید؟

بسمه تعالی، عنوان تبعیت در بین نیست و هر يك بر دیگری حقوقی دارد که باید مراعات شود.

[سؤال 10709]

2. زن می‌تواند بدون اجازه شوهر مسافرت برود و یا زیارت ائمه برود و ادعا کند من مخارج از شوهر نمی‌گیرم و لازم به اجازه شوهر نیست و بدون اجازه گرفتن از شوهر هر کجا بخواهم می‌توانم بروم. آیا درست است یا خیر؟ و همین‌طور آیا زن بدون اجازه شوهر می‌تواند در مجالس روضه و مسجد یا مجالس مذهبی دیگر شرکت نماید یا خیر؟

بسمه تعالی، زن بدون اذن شوهر نباید از منزل خارج شود، مگر در واجبات.

ص: 315

3. اگر زنی مدت ده سال یا بیشتر از شوهر در هیچ امری اطاعت ننمود، تکلیف آن مرد چیست؟ در صورتی که مرد در هر امری با او حاضر است زندگی کند، حد شرعی آن را توضیح فرمایید.

بسمه تعالی، اگر از حقوق واجبهٔ مرد سرپیچی نموده ناشزه است و استحقاق نفقه ندارد.

بسمه تعالی

محضر مبارک امام خمینی، سلام علیکم، این جانب به عرض می‌رسانم:

مدت سه سال است ازدواج کرده‌ام و عیالم به من حریف است و یک پسر هم دارم؛ این عیال در خانه با من سازگار نیست و از فرمان من سرپیچی می‌کند و حتی اگر میلش نباشد، غذا هم برایم درست نمی‌کند؛ از شما امام می‌خواهم سؤال کنم که آیا می‌توانم این زن را بدون طلاق رهاش کنم یا نه؟ اما ما! می‌دانم گرفتاریت زیاد است، لیکن از شما می‌خواهم مرا راهنمایی فرمایید.

لازم به توضیح است که خودم هم لکنت زبان دارم و بر اثر این سرنوشت، مبتلا به مرض سردرد شده‌ام. اما ما! پیش از این که این زن را عقد کنم، به ما نگفتند این دختر ضعف اعصاب دارد، و ما گفتیم که بنده لکنت زبان دارم، و از طرفی برای این که ما نفهمیم، دختر را هرچه زودتر به عقد ما درآوردند و بنده آدم ضعیف و لاغری هستم که توانایی کار کردن ندارم؛ از شما می‌خواهم مرا راهنمایی فرمایید.

از خداوند متعال، توفیق و عمر بیشتر امام کبیر را مسئلت دارم

بسمه تعالی، بدون طلاق، زوجیت به حال خود باقی است و باید از عهدهٔ وظایف زن و شوهری برآید و هرکدام به وظیفه‌ای که نسبت به دیگری دارید عمل کنید.

بسمه تعالی

اگر شخصی دختری را به عقد خود درآورده و بنا بر این باشد که دختر مدت يك سال در خانه پدر بماند، در این صورت حق شوهری از گردن دختر برداشته می شود یا خیر؟ و در این صورت، امر شوهر واجب تر است یا پدر و مادر، در حالی که نفقه خور پدر است؟ والسلام علیکم ورحمة الله

بسمه تعالی، تمام حقوق زوجیت ثابت است و در غیر آن، اختیار با خود دختر است.

بسمه تعالی

مگر اسلام برای زن و مرد آزادی یکسانی مقرر نکرده؛ چطور مرد هر کجا که می خواهد برود می رود ولی زن باید از او اجازه بگیرد، اگرچه درباره برنامه اسلامی و برای اسلام باشد.

بسمه تعالی، خارج شدن زن شوهردار از خانه باید با اجازه شوهر باشد، مگر در واجبات و در مقابل، مرد وظایفی راجع به زن خود دارد که زن آن وظایف را ندارد.

بسمه تعالی 1361 / 10 / 4

حضور مستطاب مرجع عالی قدر، امام خمینی

توقیراً؛ استدعا دارد جواب فرمایید: آیا زنی که احتیاج مبرم به شرکت در جلسات مذهبی دارد تا مسائل ضروری خود را یاد بگیرد و مواجه با عدم رضایت همسر گردید، آیا می تواند بدون کسب رضایت همسر خود شرکت کند یا خیر؟

بسمه تعالی، زن برای خارج شدن از منزل باید از شوهر اجازه بگیرد، مگر در واجبات.

حضور محترم آیت الله العظمی امام خمینی

لطفاً توضیح فرمایید که آیا با وجود آن که صلۀ رحم در اسلام واجب می باشد اگر شوهری به زنش اجازه صلۀ رحم ندهد تکلیف آن زن چیست؟

بسمه تعالی، زن بدون اجازه شوهر نمی تواند از منزل خارج شود و اگر صلۀ رحم موقوف بر خارج شدن از منزل نباشد اجازه شوهر لازم نیست و صلۀ رحم واجب را نمی تواند جلوگیری و زن برای آن می تواند خارج شود.

حضور محترم رهبر کبیر انقلاب، آیت الله العظمی جناب آقای حاج سید روح الله خمینی، دام بقاؤه، پس از تبلیغ سلام و عرض ادب

زن و شوهری هستیم که دارای چهار فرزند پسر بودیم که یکی از آن ها در حمله فتح المبین شهید شد و شوهر من اجازه داده بود که من برای کمک به جنگ زده ها و برای جبهه، نصف روز بروم در محلی که برای دوخت لباس جنگ زده ها و جبهه اقدام می نمایند کمک کنم و در بعضی اوقات در مراسم شهدا شرکت کنم و مدتی است که مشغول این عمل می باشم. اخیراً شوهرم می گوید که دیگر راضی نیستم خانه داری را رها کنی و بروی. آیا اطاعت از شوهرم واجب است؟ و در صورت وجوب، اگر در خانه تنها بمانم فکر شهادت فرزندم مرا رنج می دهد و ممکن است برای سلامتی من مضر باشد. آیا در این صورت هم اطاعت از او لازم است؟

بسمه تعالی، در غیر واجبات، خروج زن از منزل منوط به اجازه شوهر است، و با امید بستن به الطاف خداوند متعال نسبت به شهید و بازماندگان او خاطر خود را تسلی دهید. ان شاء الله موفق باشید.

محضر مقدس رهبر کبیر انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، ادام الله عمره الشریف، محترماً معروض می دارد:

زن مسلمانی که در آموختن مسائل دین احساس مسئولیت می نماید، آیا می تواند بدون رضایت شوهر خود، برای یادگیری مسائل و معارف اسلام از منزل خارج شود؟

بسمه تعالی، اگر از مسائلی باشد که تحصیل آن بر زن واجب است و یادگرفتن منوط به خروج از منزل باشد، اجازه لازم نیست، و در غیر این صورت باید اجازه بگیرد.

سلام علیکم، خواهش می کنم به این سؤالات پاسخ دهید:

1. اطاعت کردن از شوهر در چه مواقعی لازم و ضروری است و در چه موقع، ضروری و واجب نیست؟

بسمه تعالی، اطاعت واجب فقط در امور مربوط به استمتاع است و بدون اجازه شوهر نباید از خانه خارج شود، مگر این که در ضمن عقد شرط کرده باشد یا برای کار واجبی بخواهد از منزل خارج شود.

2. اگر گناهی از شوهر سر بزند و همسر او بخواهد او را راهنمایی کند، آیا این حق را دارد یا ندارد؟ و اگر زن را به کار خطا دعوت کند، آیا این جا زن باید از شوهرش اطاعت کند یا نه؟ آیا زن باید آنچه که اسلام می گوید انجام دهد یا هرچه شوهر می گوید باید انجام دهد؟ و اگر همسر آمد شوهرش را امر به معروف کرد و شوهر بگوید که تو نباید کاری به کار من داشته باشی و خودم می دانم و بس، وظیفه زن در این جا چه می باشد؟

بسمه تعالی، با شرایط باید او را امر به معروف و نهی از منکر نماید.

3. آیا گناهایی که زن انجام می دهد، بر گردن شوهر او است؛ یعنی روز قیامت زن باید جواب

گناهانش را بدهد یا نه شوهر باید جواب بدهد؟

بسمه تعالی، بر عهده خود زن است.

[سؤال 10719]

4. اگر شوهر به زن بگوید: بیا برویم مهمانی و زن يك بار که به مهمانی رفت و دید مجلس و مهمانی، مجلس گناه است، به شوهر بگوید که دفعه بعد اگر بخواهی به چنین مهمانی ها و مجلس هایی بروی من با تو نمی آیم و این جا شوهر بگوید که نه تو باید هر کجا من گفتم بیایی، زن در این جا چه وظیفه ای دارد؟ آیا باید در مجلس مهمانی که پر از گناه است، به خاطر اطاعت کردن از شوهر برود یا نه؛ این جا شوهر مطرح نیست و خدا مطرح است که زن به عنوان این که در مقابل خداوند مسئول است، در آن مجلس ها شرکت نکند؛ چون دستور خداوند است که از گناه دوری کنید و تقوا را پیشه خود سازید؟

بسمه تعالی، در فرض مرقوم، نباید از شوهر اطاعت کند و جایز نیست به مهمانی مزبور برود.

5. هنگامی که شوهرم برای خواستگاری من آمده بودند، قرار بر این شد که اجازه بدهند من درس علوم اسلامی را بخوانم و حالا بعد از يك سال و چند ماه که از ازدواجمان می گذرد می گویند: نه تو نباید درس بخوانی. این جا تکلیف من چیست؟ و هدف از درس خواندن من، آگاهی پیدا کردن به اسلام و عمل کردن به آن است؛ ان شاء الله.

بسمه تعالی، با فرض این که شرط شده، زن می تواند به درس خواندن خود ادامه دهد.

[سؤال 10720] 6071

بسمه تعالی 1361 / 2 / 14

محضر مبارك امام امت، مرجع عالی قدر شیعه، آدام الله ظلّه العالی، ان شاء الله، سلام علیکم، قبلاً از پیشگاه با عظمت و پربرکت و با شکوه آن رهبر عزیز، به خاطر فراهم نمودن اسباب تصدیع پوزش می طلبم؛ چون ناچار بودم که سؤالات را به علت حساسیت جو، فقط از آن امام بزرگوارم جو یا شوم.

ص: 320

1. آیا زن مجاز است بدون اجازه شوهر از منزل خارج شود و یا به میهمانی و گردش و یا حتی برای خرید بیرون برود؟

بسمه تعالی، جایز نیست، مگر در واجبات.

[سؤال 10721]

2. آیا زن می تواند وقتی شوهر اجازه صحبت و برخورد و غذا خوردن زن را در سر يك سفره با نامحرم نمی دهد شرکت کند؟

بسمه تعالی، اگر زن مواظب و وظایف شرعی خود باشد، شوهر نمی تواند او را منع کند.

[سؤال 10722]

3. صحبت و شوخی و خندیدن با مردی که با مادر آن زن شوهردار صیغه محرمیت خوانده اند، در صورتی که شوهر زن راضی نباشد چه صورت دارد؟

بسمه تعالی، رضایت شوهر در این جهت اعتبار ندارد؛ ولی زن باید مراعات وظیفه شرعی خود را بکند.

4. پوشیدن جوراب نازک که از زانو به پایین کاملاً حجم و زیبایی پا دیده می شود - چه مشکلی و چه به رنگ بدن که نازک است - در خیابان و یا کلاس درس که نامحرم است چه صورت دارد؟

بسمه تعالی، اگر بدن او را نامحرم می بیند جایز نیست.

[سؤال 10723]

5. آیا زن شوهردار که قبلاً با مردی محرم شده، یعنی صیغه پدرش شده تا به او محرم باشد، در صورتی که شوهرش راضی نیست می تواند با پیدا بودن موی سر و گردن و مقداری از بدن و زانو به پایین، در جلوی آن مرد ظاهر شده و بنشیند و بگویند و بخندند؟

بسمه تعالی، حکم این مسأله ظاهر شد از مسائل قبل؛ ولی زن باید ملاحظه کند که مفسده ایجاد نشود.

ص: 321

6. مسأله 2437 در مورد نگاه کردن - «مرد وزنی که با یکدیگر محرمند، اگر قصد لذت نداشته باشند، می توانند غیر از عورت به تمام بدن یکدیگر نگاه کنند» - در مورد کدام محرم است؟ آیا با توجه به سؤال پنجم، این مسأله در مورد زنی که مشخصاتش را در سؤال پنجم مطرح کردم با آن مرد، مصداق دارد؟

بسمه تعالی، بین محارم در این جهت فرقی نیست.

[سؤال 10724]

7. امر و نهی به زنی که شوهرش راضی نیست چه صورت دارد؟ آیا زنی که می داند وقتی مردی به او دستور می دهد که مثلاً فلان کار را انجام بدهید، شوهرش راضی نیست، می تواند انجام بدهد یا نه؟ مثلاً اگر مردی به زن من دستور می دهد که برو و برایم فلان چیز را بخر و من راضی نیستم، زن مجاز است از آن مرد اطاعت کند؟

بسمه تعالی، رضایت شوهر در این جهت معتبر نیست؛ ولی زن برای خارج شدن از منزل باید از شوهر اجازه بگیرد.

[سؤال 10725] 6072

بسمه تعالی 1361 / 8 / 20

تهران، مسئول دفتر امام در جماران، دامت توفیقاته، سلام علیکم

احتراماً؛ به عرض می رساند:

آیا زن در منزل شوهر در اطاعت شوهر نمی باشد؟ آیا بدون اجازه شوهر در نماز جمعه می تواند شرکت کند یا خیر؟ نتیجه را اعلام فرمایید. مزید تشکر است

بسمه تعالی، خروج زن از خانه، در غیر واجبات باید با اذن شوهر باشد.

[سؤال 10726] 6073

بسمه تعالی 1361 / 8 / 23

محضر مقدس رهبر عالی قدر انقلاب، پس از عرض سلام، تقاضامندم به سؤالات ذیل جواب بدهید.

ص: 322

1. شرکت زن ها در مسائل اجتماعی - مثل عضو سپاه پاسداران شدن یا شرکت در راهپیمایی ها و در نماز جمعه و انتخابات - چه حکمی دارد و به حد و جوب هم می رسد؟ و در صورتی که به حد و جوب برسد، با نهی شوهر چگونه می شود؟ و آیا فرقی بین این موضوعات از جهت حکم هست یا نه و اگر فرق دارد معین کنید؟

بسمه تعالی، موارد مختلف است و به حسب حال اشخاص هم ممکن است فرق کند و اگر در موردی به موجب اقتضای ضرورت واجب شد، نهی شوهر مانع نیست.

[سؤال 10727]

2. اصولاً اطاعت زن از شوهر خود تا چه حدودی هست؟ مثلاً اگر مردی به زن خود هیچ گونه اجازه خروج از منزل را ندهد و از روی خودخواهی یا عدم اطلاع از دین، به زن خود امر و نهی کند، زن در این گونه موارد چه وظیفه ای دارد؟ و باز وظیفه زن در قبال شوهر ضد انقلاب خود چیست؟

بسمه تعالی، خروج زن از منزل در غیر موارد وجوب منوط به اذن شوهر است و در غیر استمتاع و امور مربوطه به آن واجب نیست دستورات شوهر را اطاعت کند و اگر شوهر مرتکب خلافی می شود، زن غیر از امر به معروف و نهی از منکر وظیفه ای ندارد.

[سؤال 10728] 6074

بسمه تعالی 12 / 2 / 1358

حضرت حجت الاسلام و المسلمین امام خمینی، مدّ ظلّه العالی، محترماً؛ به عرض می رساند:

عیال این جانب مدت هشت ماه است که این جانب را در سن کهولت با حال مریضی بدون اجازه ترك نموده است. به اتکای آن که من باید در حسینه و مجالس روضه بروم؛ آیا شرعاً عیال عقدی این جانب می تواند بدون اجازه و رضایت این جانب

ص: 323

که شوهر شرعی او می باشم خانه را ترك نماید یا آن که بدون اجازه این جانب به زیارت اماکن مقدسه برود؟ تمنا دارم برای روشن شدن ذهن عیال این جانب، مسأله و دستور شرعی آن را مرقوم فرمایید.

بسمه تعالی، خروج زن از منزل و لو برای زیارات مستحبه باید با اذن شوهر باشد و در واجبات اذن شوهر معتبر نیست.

[سؤال 10729] 7407

6. خروج زن از منزل بدون اجازه شوهر در چه مواردی جایز است؟ و آیا شوهر می تواند مانع خروج زن پزشك خود که متخصص زنان و زایمان است و برای معالجه بیماران مجبور است در بعضی از شب ها خانه خود را ترك نماید، بشود؟

بسمه تعالی، کار کردن زن در بیرون منزل اگر منافعی با حقوق زناشویی شوهر نباشد، با حفظ حجاب، اشکال ندارد ولی خروج زن از منزل برای غیر واجبات منوط به اجازه شوهر است و در موردی که معالجه بیمار در بیرون منزل بر پزشك زن واجب شود، شوهر او حق ممانعت او را ندارد.

[سؤال 10730] 6075

بسمه تعالی

تهران، دفتر امام خمینی، بعد از سلام؛ آیا از نظر شرعی و قانونی کار کردن خانم کارمند در اداره بدون رضایت شوهرش جایز است یا نه؟ بسمه تعالی، اشتغال به کار با مراعات حجاب شرعی برای زن اشکال ندارد؛ ولی خروج زن از خانه منوط به اجازه شوهر است.

[سؤال 10731] 6076

بسمه تعالی 1361 / 5 / 11

با سلام به محضر دفتر مبارك امام، ادام الله ظله

اول: با توجه به این که وظیفه و مسئولیت زن در جامعه و نظام اسلامی شیعی،

ص: 324

تربیت فرزند و نسلی مهذب و اداره خانواده است، آیا در حال حاضر، با توجه به نیازهای جامعه، ضروری است که در کنار این وظیفه، در مراکز فرهنگی و درمانی مشغول به خدمت شود - مانند دبیری و معلمی یا پرستاری و پزشکی که لازمه اش رفتن به دانشگاه و غیره می باشد - یا خیر؟

دوم: این که رفتن به جبهه برای کارهای امدادی و فرهنگی - در صورت نیاز - دارای اشکالی نیست؟ با تشکر

بسمه تعالی، شرکت زن در خدمات فرهنگی و اجتماعی و رفتن به دانشگاه، با مراعات کامل حجاب شرعی مانع ندارد؛ ولی خروج زن شوهردار از منزل، منوط به اجازه شوهر است.

[سؤال 10732] 5546

2. آیا زن بدون توافق مرد، می تواند در ارگان های انقلابی فعالیت کند؟

بسمه تعالی، اصل کار با مراعات حجاب واجب و سایر ضوابط شرعی، مانع ندارد، ولی خروج زن از منزل، منوط به اجازه شوهر است.

[سؤال 10733] 6077

بسمه تعالی 1361 / 10 / 13

حضرت امام خمینی، دامت برکاته

محترماً این جانب مدت پنج سال است که با خانمی ازدواج نموده ام؛ زمانی که با هم ازدواج کردیم، ایشان شاغل بودند ولی حالا به دلیل داشتن دو فرزند خردسال و همچنین داشتن امکانات مالی مخالف کار ایشان در خارج از منزل می باشم؛ لذا آیا شرعاً این جانب می توانم از کار ایشان در خارج از خانه، ممانعت به عمل آورم یا خیر؟

بسمه تعالی، خارج شدن زن از منزل شوهر باید با اجازه شوهر باشد مگر این که در ضمن عقد شرط کرده باشند که زن بتواند خارج شود.

ص: 325

بسمه تعالی

حوزه علمیه قم، استدعا دارد مسأله زیر را از نظر شرع مقدس اسلام حل و در صورت امکان و داشتن فتوای شرعی اعلام فرمایید.

این جانب فرد مسلمانی هستم. همسرم شاغل است، لیکن بنده با کار کردن ایشان مخالف هستم و ایشان نمی پذیرد. آیا می توانم شرعاً از کار کردن ایشان جلوگیری نمایم؟

بسمه تعالی، خارج شدن زن از منزل باید با اجازه شوهر باشد، مگر این که در ضمن عقد شرط کرده باشند که زن بتواند خارج شود.

6. اگر زنی و یا دختری میل به تحصیل و یادگیری فنون دیگر را داشته باشد، آیا راضی نبودن شوهر و یا پدر به این امور، مانع از انجام آن ها خواهد بود؟

بسمه تعالی، تحصیل علم یا فنون دیگر مانع ندارد؛ ولی زن بدون اذن شوهر نمی تواند از خانه خارج شود.

2. با آن که زن کار می کند و بعضی از مشکلات زندگی را با پول خود برطرف می نماید؛ آیا حق دارد که سهمی از اختیارات شوهرش را در امور اخلاقی و مدیریت خانوادگی سلب نماید؟

بسمه تعالی، حقوق شوهر سلب نمی شود.

بسمه تعالی

در مورد این مسأله که زن باید در عمل زناشویی از شوهر خود تمکین کند، آیا این موضوع حدی دارد یا این که به طور نامحدود - البته در مواقعی که عذر شرعی نداشته

باشد - هر گاه شوهر خواست، زن باید انجام دهد؟

بسمه تعالی، هر گاه شوهر بخواهد زن باید تمکین کند.

[سؤال 10738] 708

4. در مورد خرجی که شوهرم به من می دهد، سؤالی دارم. او ماهی 13 هزار تومان درآمد دارد و ماهی 1200 تومان به من می دهد. البته بیشتر چیزها را خودش می خرد و بعضی از چیزهای متفرقه را من می خرم. مطابق اسلام چقدر باید به من بدهد؟ آیا می شود بدون اجازه شوهر پول یا کمکی به جبهه یا به کسی بکنم؟ اگر او بفهمد یا اگر یادم رفت به او بگویم اشکالی دارد؟

بسمه تعالی، در مالی که شوهر به شما می دهد، باید با اجازه او تصرف شود.

[سؤال 10739] 6080

بسمه تعالی

محضر مبارك رهبر انقلاب اسلامی

ضمن عرض سلام، سؤالی داشتم که امید پاسخ گویی از آن جناب را دارم.

آیا زن که به خانۀ شوهر رفته، می تواند از خرج خانه ای که شوهر به وی می دهد و او اضافه می آورد، به کسی دیگر یا پدر و مادر خود بدهد البته بدون آن که شوهرش بفهمد؟ متشکرم

بسمه تعالی، اگر شوهر به او آن را تملیک نکرده، بدون اجازه شوهر نمی تواند به دیگران بدهد.

[سؤال 10740] 4805

3. آیا زن حق دارد بدون اجازه شوهر، تصمیمات خانوادگی در مورد اطرافیان خود بگیرد و بدون اجازه شوهر به مرحله اجرا گذارد؟

بسمه تعالی، اختیار خانه و اموال شوهر و ولایت بر اولاد با شوهر است.

ص: 327

5. آیا می توانم بدون اجازه شوهرم برنج یا حبوبات یا نظیر آن ها به جبهه یا به کسی کمک کنم یا طلائی که مال من است می توانم بفروشم و پولش را برای خودم بردارم یا این که بخواهم طلایم را به جبهه بدهم؟ اگر او رضایت نداشته باشد؛ آیا اشکال دارد؟

بسمه تعالی، در اموال خودتان می توانید تصرف کنید؛ ولی تصرف در اموال شوهر باید با اجازه او باشد.

بسمه تعالی 1361 / 6 / 27

حضور محترم عزیز عزیزان و افتخار فقیهان و نور چشم عالمان و مرجع تقلید شیعیان و رهبر انقلاب اسلامی ایران و امید محرومان و مستضعفان جهان، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

محترماً به استحضار می رساند: این جانب دارای مقادیری سکه و زینت آلات طلا می باشم که مقداری از آن ها از جمله تعدادی از سکه های طلا و چند زنجیر و مدال های کوچک را خانواده همسر و بقیه طلاها را پدر و مادرم هنگام عقد ازدواج به من هدیه کرده اند. مقداری را نیز هنگام تولد فرزندانم، اقوام اهدا کرده اند. اکنون مایل هستم آن ها را تقدیم حضور مرجع و امامم بنمایم تا به نحو احسن در جهت انقلاب به مصرف برسد. عنایت فرموده بفرمایند: اگر در این زمینه با همسر مشورت نکنم و یا در صورت مشورت، با مخالفت ایشان روبه رو گردم، آیا شرعاً اجازه دارم اقدام نمایم؟

محترماً به عرض می رساند که من و همسر شاغل هستیم و خانواده های ما از لحاظ مادی تأمین هستند.

در پایان، با تشکر فراوان تقاضامندم مفتخر فرموده پاسخ نامه را با خط مبارکشان مرقوم فرمایند. والسلام علی عباد الله الصالحین، در صورتی که جواب مثبت بود،

موقوف بفرمایند این طلاجات از چه طریق ارسال گردد؟

بسمه تعالی، طلاجات و زینت آلاتی که ملك زن است، اختیار آن با خود زن است و اجازه شوهر شرط نیست.

[سؤال 10743] 7314

8. زن از اموال خودش بدون اذن شوهر می تواند چیزی را بخرد و یا بفروشد؟

بسمه تعالی، زن می تواند با مال خودش خرید و فروش نماید.

[سؤال 10744] 1350

4. حدود كمك به همسر در منزل چقدر است؟ آیا همسر می تواند انتظار داشته باشد که شوهر، بچه داری و آشپزی هم بکند، با توجه به سلامت جسمی همسر؟

بسمه تعالی، حدود وظایف زن و شوهر در رساله ذکر شده است.

[سؤال 10745] 7011

3. آیا کوتاه کردن مو برای خواهران به دلیل جلوگیری از ریزش مو و رفع موخوره و در کل برای بهتر رعایت کردن اصول بهداشتی، از نظر شرعی اشکال دارد یا خیر؟

بسمه تعالی، اشکال ندارد در فرض مرقوم.

[سؤال 10746] 6082

بسمه تعالی

دفتر محترم حضرت امام خمینی، دام ظلّه العالی

محترماً به عرض می رساند: جوانی با دختری عقد دائم نموده؛ پس از عقد و قبل از این که دختر را به خانه بیاورد، تحت تأثیر عواملی سوء ظن برایش حاصل شده که این دختر باکره نیست. از جایی که مسأله ناموس از همه چیز مهم تر و انسان را بیشتر تحت تأثیر قرار می دهد، موضوع را در نامه ای محرمانه برای پدر خانمش می فرستد که این دختر این عیب را دارد و ادامه زندگی ما امکان پذیر نیست. از طرفی پدر خانم، این نامه محرمانه که به او می رسد نمی تواند طاقت بیاورد و پس از چند روزی آن را افشا کرده

ص: 329

و با خویشان خود در میان می گذارد. بعداً جلسه ای از معتمدین تشکیل می گردد و جوان، خواستار روشن شدن مسأله می شود؛ پدرخانم در جلسه حاضر نگردیده است. جریان به دادگاه می کشد، پس از دادخواست و دادنامه ها، به وسیله پزشک متخصص معلوم می شود که سوء ظن جوان بی جا بوده است. از آن تاریخ جوان به وسیله اقوام و معتمدین محل، از پدرخانم تقاضای تشکیل زندگی و ادامه آن را می نماید؛ پدرخانم به طور کدخدامنشی حاضر نمی شود؛ ناچار به صورت اظهارنامه، از طریق دادگاه صلح مکرراً از پدرخانم تقاضای تشکیل زندگی را می نماید. باز هم چون پدرخانم کارمند دادگاه می باشد، حاضر نمی شود؛ بلکه اظهار می دارد تا خاتمه پرونده و حتی حکم شرعی به هیچ وجه حاضر نمی شوم.

چون این دختر در روستا بدون سرپرست مشغول خدمت آموزگاری می باشد و برای این جوان خوشایند نیست، تقاضامند است تکلیف شرعی این دختر و پسر و پدر دختر را به طور واضح ذیلاً مرقوم فرمایند. و آیا با این که این جوان از نامه محرمانه خود پشیمان و حاضر بر ادامه زندگی می باشد، شامل مجازات می شود یا خیر؟ کیفیت آن را مرقوم فرمایند. آیا پدرخانم می تواند از تشکیل زندگی آن ها جلوگیری کند یا خیر؟ مجدداً از محضر مبارك استدعا دارد جواب را به طور واضح، ذیلاً مرقوم فرمایند.

بسمه تعالی، اگر عقد واقع شده، شوهر می تواند زن خود را به منزلش ببرد و پدر دختر حق مزاحمت ندارد؛ و رسیدگی به اتهام اگر باشد، موکول به دادگاه است و ربطی به پدر دختر ندارد.

[سؤال 10747] 6083

بسمه تعالی

این جانب دانشجوی رشته پرستاری سال اول هستم، هنوز يك ترم بیشتر نگذرانده بودم که انقلاب فرهنگی شد و دانشگاه تعطیل گشت. فعلاً شوهر کرده و صاحب يك دختر هستم، همسرم با درس خواندن من موافق نیست و می گوید «این امر واجب

ص: 330

کفایی است، و اگر نه ماه آینده کنکور انجام شود به اندازه کافی نیرو استخدام می شود» ولی شنیده ام «یکی از بزرگان» دانشجویان شاخه پزشکی و پرستاری را به بهانه بچه دار بودن از ترك تحصیل نهی کرده اند. خواهشمند است نظر حضرت امام را در این مورد بفرمایید؟

بسمه تعالی، اگر در ضمن عقد شرط نکرده اند که زن به درس خواندن ادامه دهد باید برای خارج شدن از منزل برای درس از شوهر اجازه بگیرد، و بدون اذن شوهر نمی تواند خارج شود.

[سؤال 10748] 6084

بسمه تعالی

شوهر من مردی است نا آگاه که با تمام خوبی هایش احساس مسئولیت نمی کند، ولی من که مشتاق فرمان امام هستم، آیا می توانم به بهانه هایی که او راضی شود (مثل خرید و صلۀ رحم) به جهاد سازندگی بروم. این کار از نظر شرعی چه صورتی دارد؟

بسمه تعالی، این کار را نباید بکنید.

[سؤال 10749] 6085

بسمه تعالی

آیا زن با ادعاء تنفر از شوهر می تواند خانه را ترك گوید یا خیر؟

بسمه تعالی، بدون اذن یا رضای شوهر نمی تواند خانه را ترك گوید.

[سؤال 10750] 6086

بسمه تعالی

من دختری را عقد کرده ام، او هنوز در خانه پدرش می باشد و قالی بافی می کند، ولی امکان دارد در اثر زیادی کار عقیم بشود. آیا می توانم شرعاً مانع کار او بشوم یا خیر؟

بسمه تعالی، می توانید او را به منزل خود ببرید.

ص: 331

2. آیا شوهر مجاز است که همسر و فرزند خود را به مدت دو سال در شهر دیگری بدون سرپرست رها کند و خود به علت شغل اداری در شهر دیگری به کار اشتغال ورزد؟ و آیا با سالی سه و یا چهار بار سرکشی به آنان و ارسال نفقه و خرجی، شوهر هیچ گونه تکلیف و وظیفه شرعی دیگری در قبال همسر و فرزندش ندارد و ادامه این وضعیت از نظر احکام الهی و شرع مقدس، جایز می باشد؟

بسمه تعالی، اگر نفقه و امنیت عائله را تأمین نمایید، اشکال ندارد خود به مسافرت بروید؛ ولی حق ندارد زن را تنها به حال خود مدتی واگذارد به نحوی که زن، نه به صورت زن با شوهر درآید و نه به صورت زن بی شوهر و مطلقه.

بسمه تعالی 5 / 11 / 1360

محضر مبارك رهبر كبير انقلاب اسلامي حضرت آيت الله العظمى امام خميني، مدّ ظله العالی

مردی با زنی ازدواج می کند و می داند که کارمند است و در قباله نکاح هم که معمولاً شغل زوجین نوشته می شود، نوشته که زوجه کارمند است. آیا همین توجه زوج به کارمند بودن زوجه و ذکر شدن در قباله نکاح در تحقق شرط ضمن عقد کفایت نمی کند؟ و آیا این شرط و اشتراط نیست؟

بسمه تعالی، کفایت نمی کند.

2. آیا شوهر می تواند با اجازه زن، برای مدتی - مثلاً يك سال - زنی دیگر را صیغه یا عقد نماید؟ این سؤال را از آن جهت مطرح نمودم که در واقع، برای مرد اتمام حجت شده باشد.

بسمه تعالی، ازدواج زن دیگر - موقت یا دائم - جایز است و باید رعایت مقررات دولت اسلامی بشود.

[سؤال 10754] 5982

3. اگر زن با میل خود، خواست کما فی السابق، با توجه به این که می داند از شوهر، فرزنددار نخواهد شد بنشیند و به زندگی خود ادامه دهد، در این جا مسأله شرعی این موضوع چگونه خواهد بود؟ آیا زن، گناهکار نخواهد بود؛ با توجه به این که اگر طلاق بگیرد، می تواند از شوهر دیگر - ان شاء الله - بچه دار شود و مرتکب معصیت نخواهد بود در دنیا و آخرت؟ و در واقع، مسأله آخرتی مطلب چگونه خواهد بود؟

بسمه تعالی، صبر زن با شوهر مذکور اشکال ندارد.

[سؤال 10755] 7277

5. شخصی زن و بچه دارد، علاقه دارد يك خانواده بی سرپرست را اداره کند به خاطر این که به فساد کشیده نشوند؛ در صورتی که بتواند آن دو خانه را اداره کند و عدالت را تا سرحد امکان رعایت کند، اگر زن اول از این کار ناراضی باشد، از نظر شعائر اسلام: الف. گناه است؟ ب. مکروه است؟ ج. اشکال ندارد؟ توضیح این که آن خانواده دو فرزند پسر کوچک دارند و يك دختر بزرگ که شوهر کرده است.

بسمه تعالی، لازم است مقررات دولت اسلامی در این باره مراعات شود.

[سؤال 10756] 6088

بسمه تعالی 13 / 1 / 1361

با عرض معذرت و پوزش از این که وقت عزیز و شریف امام بزرگوار را می گیرم، استدعا دارد با پاسخ به مشکل زندگی این جانب، مرا از لغزش و نگرانی نجات دهید.

این جانب مدت سه سال است با خانمی ازدواج نموده ام. از ابتدای امر متوجه غیرطبیعی بودن همسرم شدم و بلادرنگ به پزشک متخصص مراجعه نمودم. پس از معاینات مکرر و حتی در اتاق عمل، زیر بی هوشی اعلام کردند که همسرم فاقد مهبل و

ص: 333

فاقد رحم می باشد و اگر مایل به ادامه زندگی هستید می بایستی يك عمل جراحی پلاستیک نیز انجام گیرد. این جانب پس از مذاکره با پدر و مادر دختر به آن ها قول دادم که از برهم پاشیده شدن زندگی، که با هزار امید و آرزو تشکیل یافته جلوگیری نمایم و امید و آرزوی او را به باد ندهم و خدای ناکرده سرافکنده نگردد؛ چون هر چه باشد رضای خداوند در این امر بوده است. ولی با آن ها شرط نمودم که چون تنها فرزند خانواده ام هستم، ناچارم برای باقیماندن نسل پدری جبراً اقدام به ازدواج نمایم و ایشان قبول کردند. تذکر می دهم این مسأله برای دومین بار در این خانواده واقع شده است. اکنون بعد از دو سال زندگی کاذب زناشویی - که بنا به تشخیص پزشک برای ادامه زندگی بایستی جبراً عمل جراحی پلاستیک انجام گیرد تا روابط زناشویی امکان یابد - چنان با این جانب رفتار می کند مثل این که اشکال، از جانب من می باشد. بنده تنها برای رضای خاطر پروردگار هیچ گونه اعتراضی ننمودم و از خداوند شرمنده بودم اگر این دختر مظلوم قرار گیرد، و همیشه احترام او را داشته ام؛ خدا شاهد است.

اکنون بعد از مدت دو سال ناچاراً برای احراز حق شرعی و قرآنی خود برآمده و به دادگستری مراجعه نموده ام که اجازه ازدواج مجدد دریافت دارم؛ ولی متأسفانه همسرم برخلاف قول خود گفته است که اجازه نمی دهم و به رئیس دادگاه می گوید: حق مرا بدهد و مرا طلاق دهد؛ در صورتی که به هیچ وجه حاضر نبوده ام او را طلاق دهم که خدای ناکرده وضعی برایش پیش آید که ناامید و سرافکنده شود. با این وجود، امام بزرگوار! خواهش می کنم بفرمایید با وصف این که خود این خانم و پدر و مادرش از ابتدا به این مسأله علم داشته اند و خود دختر اعتراف نموده که هیچ وقت عادت ماهانه در خود ندیده و این مسأله برای دومین بار در خانواده اتفاق افتاده، یعنی دختر دوم و خانم من که دختر پنجم است رابطه جنسی با او امکان ندارد چون فاقد مهبل و رحم می باشد، آیا این عقد نکاح درست است و ایشان نسبت به مهریه خود محق می باشد که درخواست حق خود را نموده و اگر به بنده اجازه ازدواج مجدد ندهد، آیا

طلاق دادن ایشان برای بنده اشکال شرعی دارد یا خیر؟

بسمه تعالی، عقد صحیح است و زن حق مطالبه مهریه خود را دارد و اختیار طلاق با شوهر است و در مفروض سؤال، اشکال ندارد و تجدید ازدواج با مراعات مقررات دولت اسلامی بلامانع است.

[سؤال 10757] 6089

بسمه تعالی

محضر مبارك حضرت آیت الله امام خمینی، دامت برکاته

مردی اظهار داشته عیال ندارم و زنی را صیغه نموده است. بعد معلوم شده دروغ گفته است. عیال قبلی او از کسی که صیغه را خوانده شکایت کرده است. آیا از نظر شرع و قانون جرم و گناهی دارد. در حالی که زن صیغه ای ادعای خرجی و معاش زندگی را ندارد. حتی درباره فرزند؛ چون بعضی از مردم و اداره ها پاك سازی نشده، به حال قبلی باقی می باشد. جواب مسأله را مرقوم فرمایید. اجرکم علی الله

بسمه تعالی، دروغ مرد جایز نبوده، ولی عقد دوم صحیح است و مجری صیغه مجرم نیست و زن اول حق مزاحمت ندارد.

نشوز

[سؤال 10758] 6090

بسمه تعالی 1361 / 3 / 26

آیا زن می تواند راجع به نفقه گذشته خودش که بین خودش و شوهرش از نظر تقصیر درگیرند و اصولاً تقصیر شوهرش روشن نشده از شوهر تمکین نکند؟ با وجود این که نفقه فعلی او در اختیار او می باشد، یا خیر؟ لطفاً جواب مسأله را کاملاً روشن نمایید.

بسمه تعالی، نمی تواند تمکین نکند.

ص: 335

بسمه تعالی

ریاست محترم دفتر امام خمینی

احتراماً این جانب زنی دارم که بر خلاف قانون اسلامی ترك مزاجت کرده و دو فرزند خردسال را روی دستم گذاشته و رفته است. از این جهت سخت در گرفتاری و نگرانی افتاده ام هرچند او را می آورم، دوباره بدون اجازه ام برگشت می نماید. آیا قانون اسلامی این اجازه را می فرماید که زن بدون اجازه شوهر ترك مزاجت نماید؟ اینك تمنای صدور حکم دارم.

بسمه تعالی، خارج شدن زن از منزل بدون اجازه شوهر جایز نیست و باید در امور واجبه زناشویی از شوهر اطاعت کند و اگر تخلف کند ناشزه می شود و استحقاق نفقه ندارد.

3. با توجه به این که فرزند خردسال و شوهر شرعی اش احتیاج به سرپرستی دارد و این جانب راضی به سر کار رفتن وی نیستم اما وی توجهی نمی نماید از نظر شرع چه صورت دارد؟

بسمه تعالی، اگر در ضمن عقد شرط نشده که زن به کار خود مشغول باشد یا عقد مبنی بر این شرط واقع نشده، برای خارج شدن از منزل باید از شوهر اجازه بگیرد و اگر بدون اجازه برود ناشزه است.

بسمه تعالی

با سلام و درود به رهبر کبیر انقلاب و رزمندگان جان برکف اسلام

و اما بعد؛ برای شخصی مسأله ای پیش آمده و چون به افراد مختلفی مراجعه کرده و جواب مختلف به ایشان داده بودند؛ به این علت مزاحم وقت شریف شما می شوم.

مسأله بدین ترتیب می باشد که این فرد، با دختری ازدواج می کند و یک روز بعد از جاری شدن صیغه عقد، دختر می گوید که من تو را نمی خواستم. پسر در جواب به او می گوید که اگر حاضر به زندگی با من نیستی بیا برویم طلاق بدهم. ایشان به طلاق رضایت نمی دهد، ولی هرگاه که پسر به ایشان نزدیک می شود دختر می گوید: به من دست نزن؛ چون ازدواج ما یک طرفه است و این ازدواج درست نیست. لطفاً به طور واضح بنویسید که آیا این ها با یکدیگر محرم هستند یا نامحرم، و تکلیف این پسر چیست؟

دوم این که همین پسر هر گاه می گوید: چه تاریخی دوست دارید با هم عروسی کنیم؟ دختر می گوید: چهار سال تا شش سال دیگر.

سوم این که درباره هدیه هایی که پسر برایش تا به حال خریده، گاهی می گوید چرا این مقدار کم؟! و گاهی می گوید این هدیه مال 40 سال قبل است و از این نوع بهانه جویی ها. لطفاً جواب این ها را واضح از نظر اسلام برای ما شرح دهید.

بسمه تعالی، اگر عقد شرعی با اجازه پدر و دختر خوانده شده، زوجیت حاصل است و بر دختر لازم است به این زناشویی تن دردهد.

[سؤال 10762] 1568

3. زنی به علت این که شوهرش سنگین وزن است - (وزن شوهر 120 کیلو و وزن زن 40 کیلو) و حرف های ناسزا از شوهرش می شنود، آن قدر ناراحتی می کشد که اگر گناه نبود خودکشی می کرد - آمادگی ندارد با شوهرش نزدیکی کند، مدت پنج ماه است که از عمل زناشویی خودداری کرده است و شوهرش چند مرتبه به زبان آورده که می خواهد او را طلاق بدهد و این کار را هم نمی کند. سؤال این است که با عدم انجام نزدیکی به شرح فوق، آیا گناهی بر زن مترتب است یا نه؟ و آیا ادامه این وضع با داشتن دو تا بچه در محرمیت آن ها ایجاد اشکال می کند یا نه؟

بسمه تعالی، تا طلاق نداده، محرمیت باقی است و زن در استمتاعاتی که موجب مشقت و حرج بر او نیست باید تمکین کند.

ص: 337

3. آیا به این دلیل که کودک باید دو سال کامل شیر بخورد می توان از همخوابی با شوهر اجتناب کرد؟ چون در آن صورت احتمال حاملگی مجدد و قطع شیر هست.

بسمه تعالی، در فرض مرقوم، در صورت درخواست شوهر، زن حق امتناع ندارد.

بسمه تعالی 1360/2/21

محضر منور رهبر عالی قدر انقلاب اسلامی حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، ارواحنا له الفداء

اگر چنانچه زن از خانه شوهر به خانه پدر یا جای دیگر رفته و شوهر او را دعوت کرده که به خانه و زندگی برگردد، ولی او بازنگشته و اظهار می کند که شوهرم مرا زجر و شکنجه می دهد یا شوهرم مرا از خانه اخراج کرده. در نتیجه شوهر تمکین می خواهد و زن نفقه ایام گذشته را مطالبه می کند. زن نمی تواند به واسطه شهود اثبات کند که شوهرش وی را زجر می داده و یا از خانه اخراج کرده. آیا این مقدار که زن در خانه پدر یا در خانه دیگری باشد و شوهر هم از وی دعوت می کند به خانه برگردد و بر نمی گردد؛ کفایت در نشوز می کند که زن حقی به نفقه نداشته باشد؟ چون نمی تواند اثبات کند که شوهر، وی را زجر و شکنجه داده و یا از خانه اخراج نموده.

با تقدیم احترام، سلامتی و عزت روز افزون شما را از درگاه خداوند منان خواستارم.

بسمه تعالی، در مفروض سؤال مرد باید نفقه زن را بدهد و زن هم باید برگردد به خانه شوهر و نسبت به گذشته، تا نشوز زن اثبات نشود، حکم به ضمان مرد می شود.

بسمه تعالی 1360 / 11 / 19

محضر مبارك حضرت آيت الله العظمى امام خمينى، مدّ ظلّه العالى

بين فقها اختلاف است كه تمكين شرط وجوب نفقه زوجه است بر زوج يا نشوز مانع از وجوب نفقه است. آيا نظر مبارك به کدام يك از اين دو قول است؟ در صورت شك در نشوز و تمكين، آيا نفقه به زوجه تعلق مى گيرد و دادگاه مى تواند زوج را الزام به دادن نفقات گذشته كه مورد شك است، بنمايد؟

بسمه تعالی، تا نشوز زن به وجه شرعى اثبات نشده، استحقاق نفقه دارد.

بسمه تعالی 1361 / 7 / 25

مردى هستم متأهل و ساكن تهران؛ در حال حاضر استاد دانشگاه ادبيات و علوم انساني مى باشم. دو سال است كه ازدواج نموده ام و همسرم اهل تبريز مى باشد. به خاطر مسئوليت هاى شغلى در تهران، امكان سكونت در تبريز را ندارم. از طرفى همسرم نيز ماييل به سكونت در تهران است ولى وابستگى هاى قومى و تعهدات فرهنگى او را وادار نموده كه نتواند در تهران و در منزل شوهرش اقامت گزيند و در اين دو سال، اين دورى ها، ناراحتى هاى بسيار براى ما ايجاد کرده و باعث اختلال فكري و جسمى نزد من و همسرم گرديده است. از آن امام بزرگوار خواهش دارم راه حل شرعى اين مسأله را بيان بفرمايند كه از نظر شرع مقدس اسلام، تابعيت زن از مكان شوهر چه نوع حكمى دارد؟ والسلام

بسمه تعالی، اگر منزل مسكونى شما در تهران موافق شأن همسران باشد، متابعت در سكونا بر او لازم است؛ و در صورت تخلف، ناشزه محسوب مى شود؛ مگر اين كه انتخاب مسكن براى زن در ضمن عقد شرط شده باشد.

بسمه تعالی

محضر مبارك حضرت آيت الله العظمى امام خمينى

با تقديم احترام استدعا مى شود به مسائل ذيل جواب صريح مرقوم داريد.

1. در صورتى كه زن از شوهر خود مطالبه منزل جدا بنمايد و بگويد در منزلى كه پدر و مادر شوهرم باشد حاضر به زندگى نيستم آيا بر شوهر لازم است كه به خواسته زن خود جامه عمل بپوشد يا خير؟ و در صورتى كه مرد به خواسته او جامه عمل نپوشد و زن هم حاضر به زندگى نشود و برود منزل پدرش و بگويد تا منزل جدا نكنى به خانه ات نمى آيم چون براى من زندگى در منزلى كه پدر و يا مادر شوهرم زندگى مى كند مشكل است، آيا زن ناشزه مى شود يا خير، و در صورتى كه زوج تمكّن مالى نداشته باشد و قادر به جدا كردن منزل نباشد وظيفه چيست؟

بسمه تعالی، اگر منزلى كه مرد مى گوید موافق شأن زن باشد زن حق مطالبه غير آن را ندارد و اگر بدون اجازه از آن خارج شود ناشزه مى شود.

2. جهيزيه زن در منزل شوهرش بوده و هر دو در منزل زندگى مى كردند بعدها بين آنان مرافعه شده خواسته اند جهيزيه زن را تحويل بگيرند بعضى از ارقام جهيزيه در خانه موجود نيست زن مى گويد شوهرم برده و مرد هم مى گويد خودشان يعنى زن و اقوام او برده اند و هيچ گونه شاهد در كار نيست آيا مرد به صرف اين كه جهيزيه در خانه او بوده ضامن شناخته مى شود يا خير؟

بسمه تعالی، ضامن نيست و ادعاى زن بايد ثبوت شرعى پيدا كند.

خداوند متعال سايه حضرت مستطاب عالى را تا انقلاب حضرت مهدى (عجل الله تعالى فرجه الشريف) بر سر مستضعفين جهان قائم بدارد، آمين، بحق محمد و آله الطاهرين.

[سؤال 10768] 5994

6. زوجه از زوج تمكين نمى كند، حاكم حكم تمكين مى دهد، باز تمكين نمى كند، آيا حاكم شرع مى تواند زوجه را به عنوان مرتكب به گناه، تعزير نمايد يا نه؟

بسمه تعالی، مى تواند او را به تمكين اجبار نمايد.

ص: 340

بسمه تعالی

سلام علیکم، مسئولان دفتر امام، بنده چند سؤال داشتم که می خواستم از دید اسلام پاسخ بگوئید:

1. آیا شوهر حق دارد به هر دلیلی که باشد زن خود را کتک بزند؟

بسمه تعالی، کتک زدن جایز نیست، مگر در بعضی موارد که شارع اجازه داده است با لحاظ تمام شرایط شرعیه.

2. حدود دخالت مادر شوهر در زندگی زناشویی پسر و عروسش چیست؟

بسمه تعالی، حق دخالت ندارد.

3. قرآن می گوید به پدر و مادر نیکی کنید و حتی به آن ها اُف نگوئید. آیا هرچه مادر در زندگی دخالت کند و پسر برای این که نخواهد او را ناراضی کند حرفی نزند و در اثر دخالت ها زندگیش از هم بپاشد، آیا منظور قرآن چنین بوده است که هرچه او گفت، فرزند اطاعت کند؟

بسمه تعالی، اطاعت واجب نیست، ولی اذیت مادر حرام است.

4. در صورتی که شوهر، زن را بزند - سرخ یا کبود شود - و زن راضی نباشد یا دهان پر از خون شود، مقدار دیه چیست؟

بسمه تعالی، به رساله عملیه مراجعه نمایید.

5. در صورت دیه دادن، دیه به چه کسی می رسد؟

بسمه تعالی، دیه به مضروب می رسد.

[سؤال 10770]

6. آیا زن می تواند از شوهر خود به دادگاه خانواده شکایت کند، بدون این که طلاق بخواهد؟

بسمه تعالی، اگر بر او ظلم شده، می تواند برای دادخواهی به دادگاه شرعی مراجعه نماید.

[سؤال 10771]

7. در اسلام آیا مرد حق دارد زن حامله - 7 ماهه - را کتک بزند؟

بسمه تعالی، کتک زدن جایز نیست، مگر در صورت خودداری زن از تمکین، که تفصیل آن در رساله مذکور است و جهات شرعی باید مراعات شود.

[سؤال 10772] 6098

بسمه تعالی 1361 / 6 / 3

خدمت مرجع عالی قدر، حضرت امام خمینی، دام عزه، سلام علیکم، احتراماً؛ به عرض آن جناب می‌رساند:

اولاً، به کلام الله مجید سوگند یاد می‌کنم که عرایضم مقرون به صحت است؛ ثانیاً، این جانب در آبان ماه سال 1341 با دختری از طبقه سوم ازدواج نموده‌ام که حاصل این ازدواج، سه فرزند است - دو پسر نوزده ساله و نه ماهه و دختری چهارده ساله - و متجاوز از ده سال است که عیالم فراش خود را از من جدا نموده است و بچه‌ها را علیه من تحریک می‌کند و گذشته از این، مدت پنج ماه می‌باشد که از امر زناشویی - هم خوابه شدن - خودداری نموده است و سر ناسازگاری را شروع نموده است و از همه مهم‌تر این که در نماز خواندن سهل انگاری می‌نماید. در پایان، از حضور آن جناب تقاضا دارد که تکلیف این جانب را روشن فرمایند و ارائه طریق فرمایند که چه کنم؟ بقا و طول عمر آن جناب را از خداوند متعال خواستارم.

بسمه تعالی، اگر از وظیفه خود تخلف می‌کنند، او را ولو با رجوع به محاکم صالحه می‌توانید وادار به آن نمایید، و اگر امکان ندارد شما وظیفه ای [نسبت به نفقه او] ندارید و اختیار طلاق با شوهر است.

[سؤال 10773] 6099

بسمه تعالی

حضور مبارک قائد اعظم حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، دام ظلّه العالی، پس از تقدیم سلام محترماً؛ به استحضار عالی می‌رساند:

ص: 342

این جانب دارای دو بچه می باشم، شوهرم در ضمن بد اخلاقی با من و چند دفعه کتک کاری، سرانجام اجباراً مرا از خانه اخراج نموده است. مدت سه ماه است بدون نفقه از طرف زوج در منزل پدرم به سر می برم. نه حاضر است ببرد و نگهداری نماید و نه آزاد می کند؛ لذا از مقام والای آن مرجع معظم تقاضامندم تکلیف کمینه را روشن فرمایید.

بسمه تعالی، می توانید به دادگاه اسلامی شکایت کنید تا شوهر را اجبار به انجام وظیفه شرعی نماید.

[سؤال 10774] 6100

بسمه تعالی 23 ذی الحجه 1402 ق

آیت الله العظمی سید روح الله خمینی، مدّ ظلّه العالی

ما در مسائل ذیل به فتوای شما محتاجیم، جوابش را عنایت فرمایید.

یک مرد، زن خودش را نه نفقه می دهد و نه در خانه خود می آورد و نه طلاق می دهد و می گوید که من زندگانی تو را به این طور ضایع می کنم و شخصی نیست که تو را از عقد من فارغ کند تا وقتی که تو در خانه پدر بمیری. با این حالت اضطراری، زن منکوحه چه تکلیف شرعی ای دارد؟ آیا در این قضیه، می توانیم به وکیل حضرت عالی، جناب مولانا اعجاز حسین، مدیر جامعه دینیّه دارالعلوم جعفریه کربلا خوشاب پاکستان رجوع کنیم؟ و اگر آن مرد از حضور انکار نماید و پیش وکیل شما حاضر نشود، آیا وکیل شما می تواند در غیبت آن مرد حکم بنماید؟

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، اختیار طلاق با شوهر است و او را اجبار به طلاق نمی شود کرد، ولی زن می تواند ولو با رجوع به محاکم، مرد را وادار کند که نفقه واجب او را بپردازد.

ص: 343

بسمه تعالی

مرجع الدینی الأعلى، الإمام الاکبر، سماحة العلامة الحاج آیت الله السید روح الله الخمينی، ادام الله ظلله العالی، لطفاً جواب دو سؤال ذیل را بدهید.

1. هرگاه در میان زن و شوهری دو نفر «حکماً من أهله وحکماً من أهلها» مصالحه کردند و قراردادند که مثلاً مرد از ادای نفقه کوتاهی نکند و فرار و غایب نشود و زن ناشزه نشود و چنین عبارتی را در صورت تخلف نوشته اند:

«در صورت تقصیر مرد 1. زن را حق بود که طلاق شرعی خود را بگیرد؛ 2. و برای این کار زید (مثلاً) از جانب مرد وکیل کرده شد».

بعداً مرد غایب و فراری شد و زن که از نفقه خود محروم مانده بود، پس از مدتی و بعد از مرافعه، خود را که حق دار قرار داده شده بود به سراغ وکیل رفت و زید که وکیل مرد بود او را طلاق داد. آیا این طلاق واقع شده است یا نه؟

بسمه تعالی، اگر مرد راضی شده به حکومت حکمین، و وکالت زید موافق حکومت آن ها بوده، طلاق صحیح است.

[سؤال 10776]

2. معیار نشوز زن چیست؟ آیا اگر از جماع ابا نکند و همبستری و همخوابی را انکار نکند و در امور دیگر غیر از همخوابی و جماع گستاخی کند ناشزه می شود؟ ما به التّشوز را اقلاً بیان فرمایید.

بسمه تعالی، نشوز زن خارج شدن او است از اطاعت مرد در اموری که بر او واجب است، مثل تمکین و ازاله منفرات و خارج نشدن از منزل بدون اذن شوهر و غیر آن ها.

ص: 344

بسمه تعالی

اعضای دفتر امام خمینی، مدّ ظلّه العالی، با اهدای درود

خاطر مبارک را مستحضر می دارد: جان نثار ساکن تهران هستم. جریان از این قرار است که چند سال پیش با آقای ازدواج کرده ام. از وی دارای سه اولاد هستم. حال شوهرم اظهار می دارد که اولاد سوم از من نیست و آبرویم را با این یاوه گویی ها می خواهد بریزد. به آزمون خون مراجعه کرده ام و خون بچه با پدرش درست درآمده، ولی این را هم قبول ندارد. در صورتی که بچه نه ماه در شکمم بود و مرا به زایشگاه برد و بچه را به دنیا آوردم و او حق مخارج زایشگاه را پرداخت و حال که چهارده ماه عمر کرده حال اظهار می دارد: بچه، بچه من نیست. حال سه ماه است دو بچه را از من گرفته و با یک بچه 14 ماهه ما را بیرون کرده که در منزل پدرم زندگی می کنم. حال نه مرا به خانه اش می برد و نه طلاق می دهد و خلاصم می کند. در دادگاه پرونده موجود است و اظهار می دارند: «مربوط به حاکم شرع و مرجع تقلید در قم می باشد». حال سرگردانم و آبرویم در خطر می باشد. پناهنده به محضر مبارک شده و استدعای عاجزانه جهت رسیدگی سریع به این جریان را دارم.

بسمه تعالی، اگر شوهر با زوجه دائمه خود نزدیکی نمود، به نحوی که امکان دارد در اثر آن نزدیکی حمل از نطفه او منعقد شده و فرزند از او باشد، یا آن که در اثنای حمل یا بعد از ولادت فرزند رفتار او قولاً و یا عملاً طوری باشد که حکایت کند از اقرار او به این که فرزند از اوست، دیگر نمی تواند فرزند را از خود نفی نماید؛ در غیر این دو صورت اگر مدعی شود که فرزند از او نیست، دعوی او ثابت نمی شود مگر با اجرای صیغه لعان با مراعات ضوابط شرعی آن که در رساله عملیه مسطور است.

بسمه تعالی

حضرت مستطاب آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

شخصی بعد از ایام حیض، پنج ماه از زوجه خود کناره گیری کرده و نزدیکی نکرده است؛ بعد از مدت مزبوره، حملی ظاهر شده است و حال زوج، نفی ولد می نماید و مدعی است که این ولد از من نیست؛ حکم شرعی را در این مورد بیان فرمایید که مورد لزوم است.

بسمه تعالی، ولد ملحق به او است، مگر نزد حاکم شرع بر وجه شرعی اثبات کند که ولد از او نیست.

بسمه تعالی

چنانچه مردی با اکراه به زنی تجاوز کند و زن حامله شود، در صورتی که با شوهر خود نیز بعد از تجاوز مکرراً همبستر شود و مجامعت نماید اگر، شوهر ادعا کند که یقین دارد فرزند مال او نیست، و ضمناً حاملگی مقارن و همزمان با عمل تجاوز باشد، فرزند ملحق به کدام است؟

بسمه تعالی، اگر از دخول شوهر تا وضع حمل کمتر از شش ماه نباشد ولد ملحق به شوهر است، و دعوای او مسموع نیست.

بسمه تعالی 1358 / 10 / 12

محضر انور حضرت آیت الله امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

به عرض عالی می رسانند: در خصوص دعوای این جانب با همسر سابقم که بعد از دوازده سال زندگی زناشویی به من و دو فرزندم خیانت نموده، به دادگستری مراجعه و شکایتی تنظیم نمودم و دادگاه قبل از کیفرخواست، پس از بررسی مدارک و دلایل

ص: 346

موجود و اقرار نامبرده به این که با شخصی مدت مدیدی روابط نامشروع داشته تا جایی که طی مدارک موجود تصمیم بر قتل این جانب گرفته بودند و نیز اقرار نموده که فرزند پسری از نامبرده به وجود آمده، حکم بر طلاق صادر نمود و وی دو فرزند مربوط به من به نام آریتا نه ساله و رزیتا چهار ساله را به من تحویل داده و پسری به نام آرش را با خود برده و اعتراف نموده که فرزند سومی که همان آرش باشد، از این جانب نیست و من نیز با مدارک زیاد و دلایل قوی که در دست دارم و نیز نسخه پزشک مبنی بر این که نامبرده مقدار زیادی به این جانب کافور خورانده - که هنوز تحت مداوا می باشم - یقین دارم، بلکه مطمئن هستم که این پسر از من نیست؛ اما دادگاه می خواهد این پسر را به من تحمیل کند. امیدوارم امر فرماید دادگاه اسلامی حکم شرعی و قانونی این جانب را تعیین فرماید.

بسمه تعالی، به حسب ظاهر شرع ولد ملحق به شوهر است.

[سؤال 10781] 6106

بسمه تعالی

محضر مبارک مرجع عالی قدر جهان تشیع، رهبر عظیم الشان انقلاب اسلامی ایران، بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، آیت الله العظمی امام خمینی، مدّظله الشریف

مستدعی است حکم الله را نسبت به مسأله مذکوره، مطابق فتوای مبارک بیان نمایید.

1. اگر زن شوهرداری با مرد اجنبی تبانی کند و مدت سنواتی از شوهر اول طلاق نگرفته با آن مرد اجنبی مباشرت کند و دارای چند اولاد شود، حکم این مسأله را بیان نمایید؟

بسمه تعالی، اولاد، ملحق به شوهر است؛ مگر آن که خلاف آن ثابت شود.

2. اگر به زور و تهدید و کتک کاری، طلاق زنی را از شوهرش بگیرند، آیا آن طلاق صحیح است یا باطل؟

بسمه تعالی، طلاق که با وکالت از طرف شوهر یا با اذن حاکم شرع نباشد، باطل است.

ص: 347

3. آیا اگر با حکم دادگاه زمان طاغوت، چنین مجرمینی بخشیده شوند و حکم خدا بلا اثر بماند، عیبی ندارد؟

بسمه تعالی، رسیدگی به این امور، مربوط به دولت اسلامی و محاکم قضایی است.

[سؤال 10782] 6107

بسمه تعالی 1361/9/21

با ستایش خداوند سبحان و با درود بر اولیا و انبیای او و با درود بر امام امت و شما رهروان او و شهدای به خون خفته کربلای ایران

از آن جا که خداوند بر مؤمنین منت نهاد که از خودشان رسولی برگزید تا آیات خدا را بر آنان تلاوت کند و آنان را تزکیه کند و به آنان حکمت بیاموزد و در این زمان هم که امام امت عهده دار این وظیفه شده اند، ما می خواهیم مسأله ای سؤال کنیم و خواهشمندیم هرچه زودتر فتوای امام را بفرستید.

در عشایر و حتی در بعض شهرهای خوزستان و چهارمحال بختیاری، مردم هنگام ازدواج زوجین، صیغه عقد را نمی خوانند (البته در زمان گذشته) و مراسم به این صورت بوده که عده ای از فامیل مرد و عده ای از فامیل زن، دور هم می نشستند و مهریه و شیربها و صورت مجلس را می نوشتند و بعد هم امضایی از دختر و پسر می گرفتند و در آن صورت مجلس، قید می کردند که فلانی می خواهد با فلانی ازدواج کند و این رضایت را بعضی اوقات از دختر و پسر می پرسیدند و بعضی اوقات هم نه (شما بنا را بر این بگذارید که می پرسیدند). حالا بچه هایی که از آن ها به دنیا می آیند حکمشان چیست؟ این را هم متذکر شوم که آن ها اولاً به این مسأله جهل داشتند و دوماً کسی دسترس نبود؛ یعنی از آن ده تا شهر حدود چند روز پیاده روی بدون ماشین بود و اینان اگر اطلاع داشتند، اهمیت مسأله را نمی دانستند. آیا بچه های آنان از حقوق های اجتماعی - مثلاً پیشنهاد بودن، مرجع تقلید بودن و... - محرومند؟ و آیا نسبت حرام زاده بودن به آنان تعلق می گیرد یا نه؟

بسمه تعالی، بچه ها حکم ولد حلال را دارند.

ص: 348

بسمه تعالی

محضر مقدس حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

دختری باکره بدون اذن پدرش شوهر کرده و قبل از اجازه پدر، صاحب اولادی شده. این اولاد بزرگ شده و مالی هم پیدا کرده و فوت شده، آیا ارث این اولاد به پدر می رسد یا به مادر و یا متعلق به حاکم شرع است؟ و آیا این اولاد حکم ولد الزنا را دارد یا نه؟

بسمه تعالی، اگر التفات به اشتراط اذن پدر نداشته اند، حکم ولد حلال را دارد و در صورت التفات، ارث ثابت نیست.

بسمه تعالی 1361 / 3 / 22

تهران، جماران، دفتر حضرت امام خمینی، دامت برکاته، من به نام يك فرد ایرانی خدمت آن امام بزرگوار سلام عرض نموده، بقای عمر امام امت را از خداوند یکتا خواهانم.

منظور از نوشتن نامه و گرفتن وقت گرامی تان این است که تقاضا بکنم مرا در این گرفتاری که برایم پیش آمده، راهنمایی و رهنمون بفرمایید. من استواریکم با سابقه خدمت 14 سال به عنوان این که مذهب اهل حق دارم، از ارتش پاك سازی شدم ولی در پرونده پاك سازی، عنوان دیگری منعکس نموده و مرا از ارتش باز خرید و بیرون کردند. بارها گفته شد که احتمالاً در این پاك سازی هستند کسانی که بی گناه پاك سازی شده باشند، لذا این گونه اشخاص را دوباره به خدمت فرا می خوانیم. من نیز با صبر انقلابی تحمل نموده و حتی چندین بار از طریق قانونی برای دوباره به خدمت اعاده شدن اقدام نموده ولی نتیجه ای نگرفتم. البته مأیوس نشده و از راه مشروع کارکردن به زندگی خویش ادامه دادم، ولی قریباً گرفتاری دیگری برایم پیش آمده که به طور کلی

مرا از ادامه زندگی مأیوس و حتی امیدی به زنده ماندن ندارم؛ لذا به فکر افتادم که به وسیله نامه، گرفتاری خود را در پیشگاه حضرت امام بازگو نموده تا بلکه آن حضرت، مرا رهنمون نموده و به این کالبد بی روح امید دوباره به زندگی بازگشتن را برگرداند.

حضرت امام! همان طوری که قبلاً ذکر نمودم، مذهب من، اهل حق و از طوایف کوران و سنجابی که در غرب استان باختران زندگی می کنند می باشم و مرجع تقلید ما سیدنفرالدین هستند که بارها خدمت امام امت رسیده و سرپرستی بسیج عشایری غرب نیز به عهده ایشان می باشد. من دوازده سال پیش با یک دختر شیعه ازدواج نمودم که قبل از ازدواج، از پیشنهاد وقت درباره مذهب من سؤال و بررسی شد؛ در نتیجه هیچ گونه اشکالی برای این ازدواج ندیدم و ازدواج انجام گرفت و حال دارای سه فرزند می باشیم. پس از پیروزی انقلاب و بازخریدی من، به علت مذهب همسر، پرونده ام دوباره به بررسی افتاده و به این نتیجه می رسند که مذهب من رسمی نیست و مسلمان نیستم و به ایشان گفته بودند تا به حال و در این مدت ازدواج، مرتکب عمل نامشروع شده و بچه های شما حرام زاده می باشند. به این خاطر همسر من متارکه و تقاضای طلاق نمودند. به دادگستری رفته و در دادگاه بخش یک خاص مدنی عرض حال نمودیم. در آن جا نیز به گفته ایشان موافقت و با طلاق ما موافقت نمودند. حال می خواستم از محضر امام بزرگوار و رهبر عالی قدر تقاضا و کسب تکلیف نمایم که آیا مذهب من رسمی نیست و مشرک هستیم و بچه های من نامشروع هستند؟ آیا من می توانم آن ها را به مادرشان واگذار نمایم؛ چون می دانم عاطفه مادری باعث ناراحتی برای مادرش می شود؟ آیا از اموال من چیزی به همسر من می رسد که به ایشان حلال باشد؟

بسمه تعالی، مراعات مقررات دولت اسلامی لازم است و در فرض سؤال، اولاد حکم حلال زاده را دارند و باید مهر زن را بپردازید و واگذاردن بچه ها به مادرشان مانع ندارد و چنانچه بخواهید از اموال خود به آن ها بدهید جایز است.

3. شخص عاقد، وکالت از پسر و دختر می گیرد که عقد جاری نماید و همان شب زوجین زفاف می کنند. عاقد فراموش می کند که اجرای عقد کند. پس از دو روز عاقد متذکر می شود که عقد جاری نکرده و فوری می رود عقد جاری می نماید. آیا عمل زوجین در طول این مدت چه صورت دارد؟ و عاقد که از روی سهو و فراموشی عقد را جاری نکرده، چه حکمی دارد؟ متمنی است جواب مرقوم فرمایید.

بسمه تعالی، چیزی بر عاقد نیست و عمل مقاربت پیش از عقد، اگر به اعتقاد این که وکیل عقد را خوانده و زوجیت حاصل شده، انجام گرفته حکم وطی شبهه را دارد.

2. مردی زنش را طلاق داده اما زن در عده با مرد دیگری که جاهل به قضیه بوده ازدواج کرده است. بعداً ولدی از این زن به دنیا آمده که صلاحیت دارد از اولی یا از دومی باشد. ولد به کدام ملحق است؟ اگر به دومی ملحق باشد با جهل زن به حکم، ولد شبهه است یا زنا؟

بسمه تعالی، اگر در عده رجعیه بوده، مورد قرعه است. و اگر در عده بائنه بوده، ملحق به دوم است و با جهل، ولد شبهه است.

بسمه تعالی

محضر حضرت آیت الله العظمی خمینی مدّ ظلّه العالی

يك زن تا سی و پنج سال اولاد کرده بعد از سی و پنج تا چهل و نه سال نزاایده بعد از چهل و نه سال شوهر زن وفات می کند مدت يك سال زن بیوه بوده، زن به یقین خود ثابت می کند که یائسه هستم چون که چهارده سال اولاد نکرده در سال پنجاه این زن در يك ماه به سه نفر صیغه می شود و اولاددار می شود حالا نمی داند از اول یا

دومی یا سومی است و زن هم دختر زاییده این دختر به کدام یکی محرم است؟

بسمه تعالی، زن در سال پنجاهم یائسه نیست و راجع به ملحق شدن دختر با فرض امکان التحاق به همه مورد قرعه است و عقد اولی صحیح و دو عقد دیگر باطل است و در هر صورت دختر با مرد اول محرم است.

[سؤال 10788] 6111

بسمه تعالی

محضر حضرت آیت الله العظمی خمینی مدّ ظلّه العالی

دو تا زن حامله بوده در بیابان زاییده اند هر دو تا زن مرده يك دختر نوزاد باقیمانده نوزاد دیگر را جانور خورده حالا حسن می گوید از زن من است حسین می گوید از زن من است اگر به حسن بدهد شاید از زن حسین باشد وقتی بالغ شد با پسر حسین ازدواج کند، اگر به حسین بدهد شاید از زن حسن باشد وقتی که بالغ شد با پسر حسن ازدواج کند حالا چه باید کرد بین این ها؟ شما امر بفرمایید.

بسمه تعالی، مورد از موارد قرعه است.

نام گذاری فرزند

[سؤال 10789] 6112

بسمه تعالی

حق نام گذاری فرزند با کیست؟ پدر، مادر یا هر دو؟

بسمه تعالی، از حقوق نیست.

[سؤال 10790] 6988

3. نام گذاری به نام های «رحمان»، «اله»، «الله» و «الهه» برای انسان چه صورت دارد؟

بسمه تعالی، این کار را نکنند و از اسامی انبیا و معصومین برای نام گذاری استفاده نمایند.

ص: 352

5. آیا اسم هایی مانند کورش، داریوش، هوشنگ، بابک و غیره از نظر شرعی برای افرادی که در حال حاضر سن آن ها 30، 40، 50 و... می باشد اشکالی دارد؟

بسمه تعالی، اشکال ندارد.

خواندن اذان و اقامه در گوش بچه

بسمه تعالی 1361 / 10 / 26

آیا واجب است که در گوش بچه کوچک اذان و اقامه بگویند یا نه؟ و اگر کسی این کار را نکرد، در روحیه بچه تأثیر دارد؟

از خداوند، طول عمر شما و پیروزی رزمندگان اسلام را خواستارم. متشکرم

بسمه تعالی، مستحب است نه واجب.

ختنه کردن

بسمه تعالی 1361 / 3 / 20

با سلام و درود بیکران خدمت بزرگ رهبر و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران

پس از تقدیم صمیمانه ترین تبریکات به مناسبت سالروز تولد حضرت بقية الله الأعظم، ارواحنا له الفداء و شکر و سپاس گزاری از خداوند متّان که ما را در زمان رهبری آفرید که ما را به سوی نور هدایت کرد و از تاریکی ها و ظلمت ها نجات داد، موضوع مورد نظرم که خیلی مهم است - به طوری که تمام تفکرات و زندگی مرا تحت الشعاع خود قرار داده - را مطرح می کنم:

من يك پاسدار هستم که حدود بیست و يك سال دارم؛ پدر و مادرم مرا در کودکی ختنه نکرده اند و من الآن گرفتار این مشکل هستم و نمی دانم چه کار کنم؛ لذا تقاضای

عاجزانه دارم علی رغم این همه مشکلاتی که در مقابل شما هست و این مسائل نباید نزد شما مطرح شود، چون من کس دیگری را جهت مطرح کردن این مشکل با او نیافتم کمکم فرمایید. چندی قبل خواستم به جبهه بروم، ولی نمی دانستم در صورت کشته شدن چه تکلیفی دارم؛ لذا با عرض معذرت بی نهایت از این که وقت مبارکتان را گرفتم، خواهش می کنم به چند سؤال زیر پاسخ فرمایید.

1. من در مقابل این مشکل چه باید بکنم؟

2. نماز و طاعات من در این مدت چه شکلی پیدا می کند؟

3. در صورت ختنه کردن اگر مسأله جنابت پیش بیاید، نماز و... به چه شکلی باید به جا آورده شود؟

4. آیا این يك نشانه اسلامی است که يك نفر در صورت نداشتن، مسلمان نیست؟

بسمه تعالی، واجب است خودتان را ختنه نمایید؛ ولی شرط صحت اعمال و عبادات نیست، مگر در طواف کعبه.

[سؤال 10794] 6115

بسمه تعالی

اگر کسی اول ختنه را بر طبق شرع کرده و سپس با گذشت زمان پوست روی قضیب درازتر شده، بر روی حشفه نیز برسد چه حکم دارد؟ اگر متصل به حشفه شود چه حکم دارد؟ و اگر قدری از آن روی حشفه برسد چه حکم دارد؟ و اگر پوست از تمام اطراف، روی حشفه بیاید چه حکم دارد؟

بسمه تعالی، اگر ختنه به طور صحیح شده باشد، دو مرتبه لازم نیست ختنه کند.

[سؤال 10795] 4796

9. فرزندی که ختنه کرده به دنیا می آید آیا باز هم لازم است ختنه شود؟

بسمه تعالی، لازم نیست.

ص: 354

[سؤال 10796] 6116

بسمه تعالی

امام مهربان آیا مسأله عقیقه در اسلام واجب است و اگر واجب است و مثلاً پدری و مادری انجام نداده اند و حالا آن فرد خود بالغ و عاقل شده باید خودش مسأله عقیقه را انجام دهد یا این که از او ساقط است؟

بسمه تعالی، مستحب است.

[سؤال 10797] 6117

بسمه تعالی

می گویند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده: «هر کسی صاحب فرزند پسری شود، باید گوسفند یا چیزی معادل آن خونریزی نماید و پدر فرزند هم نباید از گوشت حیوان ذبح شده بخورد». آیا صحیح است یا نه؟ و اگر پیامبر چنین فرموده، آیا باید حتماً این عمل انجام شود یا می توان پول آن را به جاهای واجب تری کمک نمود؟

بسمه تعالی، واجب نیست و عقیقه مستحب است و فرقی بین پسر و دختر نمی کند.

[سؤال 10798] 5782

4. عقیقه حکم واجب دارد برای نوزاد یا نه؟

بسمه تعالی، واجب نیست.

شیر دادن به فرزند

[سؤال 10799] 6118

بسمه تعالی

این که بعضاً به جای شیر مادر به بچه شیر خشک می دهند چه حکم و شرایطی دارد؟

ص: 355

بسمه تعالی، مانع ندارد و حکم و شرط به خصوصی در آن نیست.

[سؤال 10800] 6411

8. آیا وکیل شهید می تواند همسر شهید را اجبار کند با تهدید به این که باید دو سال بچه را شیر بدهد؟

بسمه تعالی، حق اجبار ندارد.

حق حضانت فرزند در زمان حیات پدر

[سؤال 10801] 6119

بسمه تعالی 4 / 12 / 1361

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی امام خمینی دام ظلّه

خواهشمند است که سؤالات ذیل را واضحاً بیان و جواب فرمایید.

اگر زن از شوهرش طلاق بگیرد یا شوهر او را طلاق بگوید؛ یعنی طلاق از طرف شوهر باشد، فرزندانشان مثلاً دخترانی که از هفت سال به بالا هستند و پسرانی که از دو سال به بالا مثلاً پنج ساله و هشت ساله و دوازده ساله هستند اگر این فرزندان بگویند ما با پدرمان نمی رویم و ما از مادرمان جدا نمی شویم، آیا پدر می تواند بچه ها را اجباراً از مادرشان جدا کرده با خودش ببرد یا خیر نمی تواند؟

در صورتی که از مادر نتواند بچه ها را جدا کند، آیا خرج بچه ها را باید پدر بدهد یا آن که چون با پدرش نرفته و پدر هم مثلاً در این شهر نیست و فقیر هم هست لازم نیست خرج آن ها را بدهد؟ تکلیف این مرد و زن و بچه ها چیست؟

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، در فرض مرقوم پدر حق دارد بچه ها را ببرد، ولی خیلی مطلوب است که با فرزندان و مادرشان مدارا کند و در هر صورت نفقه بچه ها بر عهده پدر است.

ص: 356

بسمه تعالی 6 جمادی الثانی 1403 ق

محضر مقدس زعیم عالی قدر، حضرت مستطاب، آیت الله العظمی، امام خمینی، ادام الله ظلّه العالی، پس از سلام و تحیات وافره، از ایزد منان همواره مسئلت دارد که وجود مبارک، از جمیع بلیّات سماوی و ارضی محفوظ بوده و ان شاء الله تا ظهور صاحب العصر و الزمان، حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - امت متعهد و شجاع اسلام، از آن مقام الهی مستفیض گردند. غرض از تصدیق وقت شریف، استفتای این مسأله بود:

چندی است این حقیر، با بانویی مطلقاً امریکایی، که قبلاً مسیحی بوده، ازدواج کرده ام. ایشان را فرزند ذکوری است چهار ساله. بعد از این که به دین مبین اسلام، مشرف گردیده، شدیداً مورد ایذاء و آزار افراد خانواده، به ویژه شوهر سابقش واقع شده است. من جمله این که این فرزند را از ایشان جدا کرده، و حتی دیگر اجازه دیدن او را هم به ایشان نمی دهند.

با علم به این که بعد از اسلام آوردن این خانم، فرزند ایشان خود به خود مسلمان می شود و ولایت او بر عهده طرف مسلمان است نه کافر، و با توجه به این واقعیت که فعلاً قدرت ظاهری، به دست طرف کافر، یعنی پدر طفل است و او اجازه اعمال این ولایت را به مادر مسلمان طفل نمی دهد، وظیفه شرعی این مادر چیست؟ ایشان - بحمدالله و المنة - عازم است که با حقیر به وطن اسلامی هجرت کند، از این نگرانیم که چه باید بکنیم؟ حکم شارع چیست؟ آیا رهاکردن طفل، و به اختیار پدر کافرش سپردن، برای حقیر و مادر مسلمان طفل، مسئولیت و یا خدای نخواستہ، گناهی در بر دارد؟ اگر آری، ما تا چه حد باید برای پس گرفتن بچه، اقدام کنیم؟

بسمه تعالی، اگر امکان دارد، بچه را از آنان بگیرید و چنانچه ممکن نیست، معذور هستید.

2. طفل به سنی رسیده که در حضانت پدر قرار گرفته است؛ مادر بچه مبلغی به پدر می دهد تا این که حضانت بچه را به مادر واگذار کند و نیز مخارج بچه را مادر متعهد می شود. آیا این نوع قرارداد صحیح است یا نه؟ و در صورت صحت، لازم است و یا این که جایز و در صورت جایز بودن، اگر پدر به حضانت خود برگردد، آیا مادر هم حق مطالبه مبلغی را که در مقابل حضانت، به پدر بچه داده بود، و همچنین مخارج طفل مشترك را دارد یا نه؟

بسمه تعالی، پدر می تواند از تعهدی که نموده برگردد و مادر حق رجوع به مخارجی که نموده ندارد. و پولی که به پدر داده اگر در مقابل واگذاری حق حضانت بوده، ملك پدر نشده و می تواند از او مطالبه کند.

2. در صورتی که چنین مرد یهودی برای اولین بار قبلاً با يك دختر یهودی ازدواج کرده و او را طلاق دهد و از او فرزند پسری شش ساله داشته باشد، آیا بعد از این که پدر مسلمان شد، حق دارد فرزند را از مادر یهودی بگیرد و در آغوش اسلام پیروانند یا مادر می تواند اقدام قانونی کند و فرزند را از پدر بگیرد و در دین یهود بزرگ کند؟

بسمه تعالی، در فرض مرقوم، پدر مسلمان، فرزند را از مادر یهودی بگیرد.

بسمه تعالی

محضر رهبر عالی قدر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، دام ظلّه العالی

در مسأله 2458 رساله عملیه حضرت عالی مرقوم است: «اگر زنی که آزاد و مسلمان و عاقل است دختری داشته باشد، تا هفت سال دختر تمام نشده، پدر نمی تواند او را از مادرش جدا کند». بفرمایید: زنی که کارمند است و صبح ساعت 6 از خانه خارج و ساعت 1 بعدازظهر مراجعت می نماید، آیا این زن، آزاد است یا خیر و

پدر می تواند دختر را از چنین زنی بگیرد یا خیر؛ در حالی که راضی به نگهداری دختر، توسط فردی غیر از مادرش نمی باشد؟ نظر مبارك را مرقوم فرمایید. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، تا هفت سال دختر تمام نشده، حق حضانت و تربیت دختر با مادر است و بدون رضایت او بچه را نمی توان گرفت.

[سؤال 10806] 6122

بسمه تعالی 18 / 7 / 1361

حضور مبارك امام بزرگوار و رهبر عالی قدر، احتراماً؛ به استحضار آن بزرگوار می رساند که:

این جانب از زنی که چند سال پیش طلاقش داده ام، فرزندی دارم که اکنون هفت سال دارد و هر ماه، خرج او را به مادرش تحویل می دهم تا از او نگهداری نماید، ولی اکنون می خواهم فرزندم را تحویل گرفته و خود عهده دار نگهداریش باشم، در صورتی که مادرش از تحویل او به من خودداری می نماید و من هم دیگر نمی خواهم خرج ماهیانه او را بدهم. در این صورت، وظیفه شرعی و اسلامی من چیست؟ آیا می توانم حتماً فرزندم را از دست مادرش که شوهر دیگری در اختیار دارد بگیرم؟ در صورت عدم تحویل مادرش، آیا درست است که خرج و مخارج او را قطع نمایم؟ و یا به طور کلی، هر پدر و یا مادر تا چه سنی برای نگهداری فرزند، وظیفه شرعی دارد؟ خواهشمند است جواب سؤالاتم را شرعاً و قانوناً مرحمت دارند.

بسمه تعالی، حق حضانت فرزند پسر تا دو سال و فرزند دختر تا هفت سال با مادر است و بعد از آن مادر، حق ندارد و پدر می تواند فرزند را تحویل بگیرد؛ ولی در هیچ صورت نمی تواند نفقه بچه را قطع کند، و با تزویج مادر در اثناء مدت حضانت حق حضانت او ساقط می شود، و پدر حق پیدا می کند.

ص: 359

[سؤال 10807] 6123

بسمه تعالی 1361 / 7 / 27

حضرت مستطاب آیت الله العظمی امام خمینی، متّعنا الله بطول بقائه الشریف

در ولایت پدر نسبت به فرزند صغیر خود (پسر بچه بیش از دو سال) چه می فرمایید؟ آیا به حدی است که در صورت تشخیص ضرر، از ملاقات مادر با طفل (زوجه مطلقه خود) و یا بردن او جلوگیری کند یا خیر؟ در حالی که فرزند، مادر را به عنوان مادر نمی شناسد؛ چون از شیرخوارگی جدا بوده است.

بسمه تعالی، حق ندارد از ملاقات مادر و فرزند جلوگیری کند؛ ولی می تواند از سپردن فرزند به دست مادر خودداری نماید.

[سؤال 10808] 6124

بسمه تعالی 1361 / 11 / 25

محضر نایب الامام آیت الله العظمی امام خمینی دام ظلّه العالی علی رؤوس الانام

مستدعی است در مورد مسأله ذیل عنایت فرموده و اظهار نظر بفرمایید. چنانچه دادگاه اسلامی حق حضانت و تربیت اولاد را به پدری داده باشد و مادر هم از پدر جدا شده باشد، آیا مادر حق دارد تقاضای ملاقات فرزندان را بنماید و در صورت امتناع پدر از این امر آیا می توان او را مجبور ساخت تا ملاقات حاصل شود یا خیر؟

بسمه تعالی، حق اجبار ندارد.

[سؤال 10809] 6125

بسمه تعالی

سلام بر شما ای رهبر عزیز! ای آقای ما! ای پدر بزرگ ما! ای رهبری که امریکا و دیگر دشمنان اسلام، از انقلاب شما به ذلت افتاده اند و سلام بر شما که از فرزندان حضرت محمد صلی الله علیه و آله هستید و بالاخره سلام بر شما ای نایب امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

این جانب فرزند خیلی کوچك شما که امیدوارم مرا به فرزندى قبول کنید، از شهر

ص: 360

اهواز این نامه را برای شما می فرستم و چون بسیار مشتاق دیدار چهره نورانی شما هستم، تقاضا می کنم که اگر میسر باشد وقتی را معین کنید تا بتوانم شما را ملاقات کنم.

از این که پیشنهاد مراقبول کنید، از شما تشکر می کنم.

آیا می دانید چرا این را می نویسم که به ملاقات شما بیایم؟ برای این که يك بار به دیدن شما آمده ام و وقتی به حسینیه جماران رسیدم، در را باز کردند و مردم می خواستند بیرون بیایند و من که تازه وارد شده بودم، فقط به اندازه دو دقیقه موفق به دیدار شما شدم و وقتی که بیرون آمدم در را بستند و من در آن جمعیت، فاصله زیادی با مرگ نداشتم؛ و خلاصه مطلب این است که شما را ملاقات کنم. اگر می توانید و اگر میسر است، کاری بکنید که من موفق به دیدار شما بشوم؛ چون ممکن است وقتی که به آن جا برسم، برایم مشکلی پیش آید و برادران سپاه مرا به راحتی نگذارند که به ملاقات شما بیایم. ای امام! آرزوی شهادت دارم؛ برایم دعا کنید.

و اما يك مسأله دیگر: ای امام! من برادری دارم که خیلی بزرگ تر از من است. این برادرم چند سالی بود که در امریکا تحصیل می کرد و بر اثر جو بسیار کثیف، با يك زن امریکایی ازدواج می کنند و حالا يك فرزند پنج الی شش ساله دارد و چون زنش يك مسیحی است و خود برادرم دیگر نمی خواهد آن جا بماند و زنش را طلاق داده است و بر اثر اصرار زیاد مادرم می خواهد به ایران برگردد و ما می خواهیم این بچه را مسلمان بزرگ کنیم، آیا گناه ندارد که فرزند خود را از مادرش جدا کنند و به ایران بیاورند؟

بسمه تعالی، اشکال ندارد.

[سؤال 10810] 6126

بسمه تعالی 10 / 4 / 1360

حضور مبارك رهبر کبیر و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، آیت الله العظمی امام خمینی، دام ظلّه و روحی فداه

درباره حضانت ابوین نسبت به اطفال در مسأله 16 احکام الولادة و مایلحق بها

ص: 361

مرقوم فرموده اید: «الأم أحق بحضانة الولد وتربيته وما يتعلق بها من مصلحة حفظه مدة الرضاع أي الحولين...».

1. آیا احقیقت به حضانت فرزند ذکور تا دو سال و اناث تا هفت سال برای مادر در صورتی است که مادر بخواهد، یا آن که در صورت گذشتن زوجه از حق خود نیز، زوج می تواند او را ملزم به حضانت نماید؟

بسمه تعالی، پدر نمی تواند مادر طفل را ملزم به حضانت ولد نماید.

[سؤال 10811]

2. اگر پدر قدرت حضانت نداشته باشد؛ آیا مادر باید حضانت را بپذیرد یا او هم پس از تمام شدن مهلت مقررّه و یا در فرض اسقاط حق (اگر قابل اسقاط و فقط حق باشد) مانند دیگران است؟

بسمه تعالی، در هر صورت، مادر ملزم به حضانت و نگهداری طفل نیست؛ بلکه رسیدگی به امور طفل بر عهده پدر است و امکان مباشرت شرط نیست، قدرت بر تهیه وسایل و یا اجیر کردن کسی برای نگهداری طفل کافی است.

[سؤال 10812] 6127

بسمه تعالی

آیا محکمه می تواند پدر و مادر ممتنع از حضانت را مجبور نماید که به حق الحضانه عمل نمایند یا خیر؟

بسمه تعالی، صرف حق الحضانه در آن مقدار که فقط حق من له الحضانه است، قابل الزام و اجبار نیست؛ بلکه صاحب حق می تواند از حق خود بگذرد و از حضانت صرف نظر نماید؛ ولی نسبت به حق فرزند در تر و خشك کردن وی و در تربیت و نگهداری و حفظ او اگر من علیه الحق امتناع ورزد، حاکم شرع می تواند او را الزام به رعایت حق فرزند نماید.

ص: 362

بسمه تعالی

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی الامام الخمينی دام ظلّه العالی بعد التحيّة والسلام

اگر عمل به حق الحضانه مستلزم عسر و حرج فوق العاده نسبت به دیگری باشد، مثل این که گرفتن فرزند از مادر بعد از دو سال و رد به پدر باعث مشقت غیر قابل تحمل برای او باشد که این مشقت اضافه بر اصل مشقت فراق است که معمولاً متوجه مادر می شود و یا عمل به حق الحضانه باعث فساد و انحراف اخلاقی و تربیتی باشد و کودک در معرض فساد قرار گیرد، در این صورت باز حق ثابت است یا به حکم حرج و فساد ساقط می شود؟ والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

دادستان کل کشور، یوسف صانعی

بسمه تعالی، در صورت دوم که کودک در معرض فساد دینی یا اخلاقی قرار می گیرد، پدر صلاحیت حضانت را مادام که چنین است ندارد و در صورت اول که مشقت غیرقابل تحمل برای مادر است پدر نباید فرزند را از مادر جدا کند.

روح الله الموسوی الخمينی

بسمه تعالی

محضر مبارك رهبر عالی قدر مسلمین، حضرت آیت الله العظمی خمینی، أدام الله ظلّه الشریف إلى زمان فرج ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، سلام علیکم

1. درباره حق الحضانه، در صورتی که مادر طفل نزد عده ای از متعهدان و متدینین محل، آن را از خود سلب کند و آن ها هم شهادت بدهند، آیا کافی است یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر موجب اطمینان شود، کافی است.

2. در صورتی که پدر طفل شهید شده باشد، و جد - به عنوان یادگار شهید - می خواهد این طفل را

مجاناً نگهداری کند، بلکه حاضر هم هست مبلغی در مقابل حق الحضانة بدهد.

مادر هم مدت پنج ماه است که از این محل رفته، و بچه را به جد داده است. آیا چنین عملی جایز است یا خیر؟

بسمه تعالی، مانع ندارد.

[سؤال 10815] 6130

بسمه تعالی 1362 / 1 / 11

حضور مبارك حضرت مستطاب، آیت الله العظمی، امام خمینی، أدام الله بقائه

با تقدیم سلام و تمنای سلامتی و طول عمر برای آن یگانه رهبر عظیم الشان و مرجع اعلی از درگاه قادر یکتا، استفتائاً مسئلت می شود، يك زن و شوهری که مصلحت خود را در جدایی از یکدیگر می دیدند و عازم بر افتراق بودند، درباره طفلی که بین آن ها به وجود آمده بود، پدر طفل مصلحت دید که او را نزد مادر بگذارد. مادر هم قبول کرد، به شرط آن که پدر شرعاً ملتزم شود که برای همیشه - تا حد بلوغ - نزد او باشد و بدون رضایتش از او گرفته نشود. پدر هم قبول کرد و برای تنجیز این امر، شرط مذکور را به عنوان شرط ضمن العقد، در يك عقد شرعی لازمی، که بین زوج و وکیل زوجه اجرا و منعقد گردید، تضمین و منجز نمودند. سپس صیغه طلاق شرعی زوجه اجرا گردید. الحال پس از انقضای عده طلاق، پدر پشیمان شده و می خواهد طفلش را از مادر بگیرد. آیا بدون رضایت مادر این کار جایز است یا نه؟ متمنی است نظر انور خود را در این باره بیان فرمایید. اطال الله بقاتکم

بسمه تعالی، اگر در ضمن عقد لازمی شرط کرده اند که تا زمان بلوغ، طفل از مادر گرفته نشود، شرط نافذ است و نباید بگیرند.

[سؤال 10816] 6131

بسمه تعالی 1361 / 4 / 15

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی امام خمینی

این جانبه حدود هجده ماه قبل به دنبال اختلافی که با شوهرم داشتم، در يك

ص: 364

شرایط بد و ناراحت کننده، از شوهرم جدا شده و حضانت دختر چهارده ماهه ام را به پدرش واگذار نمودم، به این شرط که هر پانزده روز یک بار برای ملاقات تحویل دهم؛ ولی پدر دخترم تا به حال از اجرای حکم سرباز زده و ملاقات ها طبق حکم دادگاه انجام نشده است. از آن جا که دخترم بزرگ شده و احتیاج بیشتری به محبت مادری دارد و در حالی که پدر دخترم به اتفاق دخترم در شهری تنها زندگی می کند و شست و شوی دخترم را شخصاً انجام می دهد، از این رو من ناراحت و نادم بودم که چرا حضانت دخترم را به پدرش واگذار نموده ام. از دادگاه تقاضای استرداد حضانت دخترم را نمودم. بالاخره پس از هجده ماه دوندگی، دادگاه بدوی سلب حضانت از پدر نمود و حضانت دخترم را به من واگذار کرده است؛ ولی رئیس دادگاه تجدید نظر عقیده دارد که وقتی مادر حضانت دختر را از خود سلب می کند، دیگر قابل برگشت نیست. با توجه به سن دخترم که اکنون 5/2 ساله می باشد، آیا بر طبق فتوای جناب عالی، اگر مادری در یک حالت عصبانیت حق حضانت دختر را از خود ساقط کند، آیا قابل برگشت برای مادر می باشد یا خیر؟

بسمه تعالی، حق حضانت دختر تا هفت سالگی با مادر است و با گذشت و واگذاری به شوهر ساقط نمی شود؛ بلکه دوباره می تواند مطالبه نماید.

[سؤال 10817] 6132

بسمه تعالی

ریاست محترم دفتر حضرت امام، محترماً به عرض می رساند:

این جانب مدت شش سال از ازدوایم می گذرد و دارای یک بچه چهارساله پسر هستم و در این مدت، تمام خرج و مخارج بچه و نگهداری او به گردن من بوده است. اکنون شوهرم می خواهد متارکه کند و دچار بیماری روانی است. لطف کرده بفرمایید: از نظر شرعی این بچه به من می رسد یا نه؟

بسمه تعالی، حق حضانت بچه در سن مذکور، از پدر است.

ص: 365

خدمت معظم حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، روحی له الفداء، با عرض سلام، معروض می دارد:

عیال بنده مدتی است مطلقاً خلعی گردیده و در حال حاضر دختر بچه ای يك ساله از بنده دارد. اظهار می دارد که كودك خردسال را به او ببخشم و از پدری خود استعفا داده و دنبال بچه نروم و حتی بچه را ملاقات ننمایم و هیچ گونه خرجی و هزینه نگهداری به مادرش ندهم. سائل می خواهد بداند آیا این کار از نظر شرعی اشکال دارد یا نه؟ و آیا اگر اشکال دارد، می توانم بچه يك ساله دختر را از مادرش جدا نموده و در پیش مادرم یا عیال جدید نگهداری نمایم؟

حسبنا الله و نعم الوکیل، نعم المولی و نعم النصیر، با کمال احترام

بسمه تعالی، حق حضانت دختر تا هفت سال با مادر است، و نفقه فرزند و ولایت بر او با پدر است، و اگر در اثناء مدت، مادر ازدواج کند حق او ساقط می شود.

دفتر مبارك حضرت آیت الله العظمی، امام خمینی، مدّ ظلّه العالی، جعلت فداكم

زن ناشزه ای که خودش خانه شوهر را ترك، و در خانه پدر خود سکونت اختیار نموده است، آیا می تواند دختر بچه چهار ساله ای که در خانه شوهرش است، با استفاده از حق حضانت، جبراً از شوهر تحویل بگیرد یا خیر؟ در صورت اول، آیا شوهر موظف است که کسوه و نفقه بچه را نیز به مادرش بدهد یا نه؟

بسمه تعالی، نشوز زن موجب سقوط حق حضانت نمی شود، ولی پدر ملزم نیست کسوه و نفقه بچه را، به دست مادر بچه بسپارد.

[سؤال 10820] 6135

بسمه تعالی

آیا همسر شهید می تواند برای همیشه اولاد شهید را پیش خود نگه دارد یا نه؟

بسمه تعالی، حق حضانت فرزندی که پدرش از دنیا رفته تا زمان بلوغ با مادر است.

[سؤال 10821] 6136

بسمه تعالی 1361 / 12 / 19

دروود به رهبر کبیر انقلاب، امام امت بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، خمینی بت شکن، محترماً این جانب در تاریخ 2 / 2 / 61 ازدواج نموده و پس از دو ماه، شوهرم به اتفاق چند تن از دوستان خود به مشهد رفته و در آن جا به علت مصرف زیاد از حد مواد مخدر فوت نموده است.

من هم در آن زمان حامله بودم و چون نمی خواستم این طفل معصوم را از طریق کورتاژ از بین برده و گناهی کرده باشم بچه را نگه داشتم و يك ماه دیگر وضع حمل خواهم نمود، از شما خواهشمندم که وضع مرا در مورد این بچه روشن کنید، خانواده شوهرم صلاحیت اخلاقی ندارند و حتی نمی توانم آنچه از این خانواده در این مدت دیده ام به روی کاغذ بیاورم و از نظر اسلام درست نیست که بچه در دامن آن خانواده پرورش یابد و این وصلت هم که انجام شد بر اثر يك سری اشتباهات پدر و مادر بوده است. در این مدت در خانه پدرم هستم و هیچ گونه خرجی یا کمک از طرف ولی شوهرم ندارم و خودم می خواهم بچه را با تربیت بهینه اسلامی و البته با اجازه قانون، تحویل جامعه بدهم و چون خودم در يك خانواده مذهبی بزرگ شده ام می خواهم که این طفل هم با تربیت اسلامی پرورش یابد. من اول از خدا، بعد از شما کمک

ص: 367

می خواهیم که مرا از بلا تکلیفی نجات دهید.

بسمه تعالی، طفلی که پدر ندارد حق حضانت و تربیت او تا زمان بالغ شدنش با مادر است.

[سؤال 10822] 6138

4. در چه صورت عدم صلاحیت مادر در نگهداری فرزند و در چه صورت عدم صلاحیت پدر شهید در قیمومیت بچه اثبات می شود؟

بسمه تعالی، مربوط به تشخیص مسئولین ذی ربط است.

[سؤال 10823] 6137

بسمه تعالی

شوهر این جانب در سال 1357 به دست مزدوران رژیم طاغوت به شهادت رسیده و از ایشان پسری به یادگار مانده است. اکنون با توجه به مشکلاتی که در زندگی وجود دارد من نمی توانم تنها زندگی کنم، و در خانه پدری، زندگی آن چنان که باید نمی تواند برای من و بچه ام مفید باشد، لذا تصمیم گرفتم با توجه به پیام امام (در باره ازدواج) ازدواج کنم. اکنون چند سؤال دارم:

1. در صورت ازدواج تکلیف بچه ما چیست؟ آیا می توانم بچه ام را با خود ببرم یا این که باید نزد پدر بزرگش باشد.

2. ارثی که از شوهرم به جا مانده است. اکنون همه ما یعنی من، بچه ام و خانواده پدری شوهرم در ساختمانی که متعلق به شوهرم می باشد زندگی می کنیم و از تمام وسایل زندگی مشترکمان اکنون استفاده می شود. آیا صحیح است یا خیر؟ من چون خودم آموزگار بوده ام، از روزی که با هم ازدواج کرده ایم تمامی حقوقم را با حقوق شوهرم روی هم گذاشته و خرج زندگیمان کرده ایم و اکنون که او شهید شده تمامی اموال جزو ارث او به حساب می آید. وضعیت من در این جا چگونه است؟ اگر بخواهم از آن خانه بروم حق دارم چیزی از آن خانه با خودم ببرم یا خیر، نمی توانم

ص: 368

چیزی بردارم؟ اگر می توانم به چه صورت است؟

خواهشمندم جواب نامه مرا خارج از نوبت بدهید؛ چون در موقعیتی قرار دارم که می خواهم هرچه زودتر نظر امام عزیز را در این موارد بدانم. به امید این که قبل از تعطیلات نوروزی جواب به دستم برسد. باز هم خواهش می کنم قبل از این که تصمیمی بگیرم جواب را بنویسید.

در ضمن احسان (فرزندم) از دور، دست آن پدر عزیزش را می بوسد؛ زیرا که او را به جای پدرش گذاشته است. لطفاً سلام او را به امامان برسانید.

بسمه تعالی، شما می توانید طبق موازین شرعی و مقررات دولت اسلامی ازدواج نمایید و نگهداری بچه بعد از رحلت پدر، حق مادر است تا بلوغ او. و آنچه از اموال که مال شماست جایز است در آن تصرف نمایید. و اموال شهید باید بین ورثه تقسیم شود و تصرف در مال مشترك بین صغیر و سایر ورثه باید زیر نظر قیم شرعی و مراعات مصلحت صغیر باشد.

[سؤال 10824] 6129

2. در صورتی که پدر طفل شهید شده باشد، و جد - به عنوان یادگار شهید - می خواهد این طفل را مجاناً نگهداری کند، بلکه حاضر هم هست مبلغی در مقابل حق الحضانه بدهد.

مادر هم مدت پنج ماه است که از این محل رفته، و بچه را به جد داده است. آیا چنین عملی جایز است یا خیر؟
بسمه تعالی، مانع ندارد.

[سؤال 10825] 6411

3. بعد از زایمان، همسرش می تواند برای همیشه اولاد شهید را پیش خود نگهدارد یا نه؟
بسمه تعالی، حق حضانت فرزند بی پدر تا زمان بلوغ با مادر است.

ص: 369

بسمه تعالی

با عرض ادب؛ محترمانه از حضرت عالی خواهشمندم پاسخ سؤالات زیر را مرقوم بفرمایید:

1. آیا همسر يك شهيد نمی تواند محل و احياناً شهرستانی را که خود مناسب می داند برای سکونت خود و فرزندش برگزیند و حتماً باید پدر شهيد در این امر مداخله داشته باشد؟ (باتوجه به این که ولیّ قهری فرزند، پدر شهيد است).

2. آیا قانون شرعی و عرفی در این زمینه وجود دارد که پدر شهيد باید حتماً دو روز در هفته فرزند شهيد را ملاقات کند و احياناً اگر همسر شهيد خواست که يك هفته یا بیشتر به مسافرت برود حتماً باید با اطلاع و صلاحديد پدر شهيد باشد؟

بسمه تعالی، 1 و 2. حق تربیت و نگهداری بچه در فرض سؤال مربوط به مادر است و جد در این امر دخالتی ندارد.

3. حدود وظایف و اختیارات پدر شهيد چقدر است؟ و آیا پدر شهيد می تواند در امور زندگی همسر شهيد دخالت کند و همسر شهيد باید در امور زندگی با او مشورت کند؟

بسمه تعالی، ولایت بر صغیر و امور مالی او با جد پدری است.

4. در چه صورت عدم صلاحیت مادر در نگهداری فرزند و در چه صورت عدم صلاحیت پدر شهيد در قیمومیت بچه اثبات می شود؟

بسمه تعالی، مربوط به تشخیص مسئولین ذی ربط است.

5. شهيد از خود اموالی بر جای گذاشته و در ضمن مقداری هم مقروض است؛ آیا این اموال (که شامل مقداری وسایل زندگی و يك اتومبیل است) به ورثه تعلق می گیرد یا باید به فروش برسد و قرضش ادا شود؟

بسمه تعالی، اول باید قرض او از اموالش ادا شود و اگر وصیتی کرده به آن عمل شود و آنچه باقی بماند به ورثه می رسد.

در پایان سلامتی و طول عمر آن رهبر عزیز را از درگاه خداوند متعال خواهانم و خواهشمندم در این مورد مرا راهنمایی فرمایید.

ص: 370

بسمه تعالی

تهران، مسئول دفتر امام، سلام علیکم

شخصی در ارتش مشغول خدمت بوده و در موقع جنگ شهید شده است. بعد از فوت آن شخص، از طرف دولت مقدار دویست هزار تومان به خانواده آن شخص می دهند. او دارای دو فرزند می باشد و هر دو صغیر می باشند و این بچه ها دارای جد و مادر هستند. اولاً نگهداری بچه ها به عهده چه شخصی می باشد؟ و در ثانی، مادر بچه ها می تواند از این پول سهمی ببرد؟

آیا وقتی که زن شوهر کرد، تکلیف بچه های صغیر به چه صورت است؟ در صورتی که جد پدری در قید حیات باشد. تعیین تکلیف این فرزندان و اموال آن ها با کدام نهاد یا سازمان است؟ آیا جد بزرگ بچه ها می تواند برای دیدن بچه ها مراجعه کند یا حق ندارد؟ من الله التوفیق

بسمه تعالی، مبلغ مزبور، تابع مقررات ارتش جمهوری اسلامی است و به کسی تعلق می گیرد که ارتش طبق مقررات به او می دهد و حق حضانت صغار تا بالغ شوند با مادر - در فرض سؤال - است و با شوهر نمودن زن، حق حضانت وی در فرض سؤال، ساقط نمی شود.

بسمه تعالی 1361 / 7 / 20

خدمت رهبر انقلاب، حضرت امام خمینی، حامی مستضعفان

پس از عرض سلام و درخواست طول عمر و صحت و سلامت برای آن رهبر محبوب که همیشه حامی مستضعفان بوده و هستید.

به استحضار می رساند: این جانب، مادر شهیدی که در مهر ماه سال قبل در جبهه جنگ خوزستان به افتخار شهادت نایل آمده هستم. موقعی که فرزندم به درجه رفیع

ص: 371

شهادت نایل آمد متأهل بود و از او يك فرزند پسر که حالیه چهار ساله می باشد باقیمانده که این بچه به وسیله مادرش نگهداری می شد، ولیکن شهید مذکور طبق وصیت نامه ای که فتوکپی آن ضمیمه است وصیت نموده چنانچه به شهادت رسید و همسرش شوهر اختیار کرد، فرزندش به وسیله پدر و مادر شهید نگهداری شود و چون همسر شهید مذکور، بعد از گذشت شش ماه از فوت شوهرش و بدون اطلاع بنیاد شهید، با شخصی، شوهر نموده و از آن جایی که شوهر ایشان صلاحیت اخلاقی و اسلامی ندارد و با توجه به این که خود شهید هم وصیت نموده که در صورت شوهر کردن همسر نگهداری فرزندم به عهده پدر و مادرم باشد - که فتوکپی وصیت نامه ضمیمه می باشد - دستور فرماید: بچه فرزندم که اکنون چهار ساله و پسر و تنها یادگار آن شهید می باشد، به این جانب مادر شهید تحویل نمایند تا بتوانم تحت سرپرستی پدر شهید و به خواست خداوند متعال در راه خط امام امت و مکتب مقدس اسلام، او را بزرگ نموده و به ثمر برسانم، تا ان شاء الله در آینده فردی مفید و مؤثر برای کشور اسلامی ایران باشد. اجرکم الی الله

بسمه تعالی، در فرض مسأله، حق حضانت و سرپرستی طفل با مادر است و نمی توانند طفل را از او بگیرند و وصیت در این جهت، اثر ندارد؛ ولی ولایت، با جد پدری طفل است.

[سؤال 10829] 6141

بسمه تعالی 1361 / 11 / 17

قم، محضر مبارک نماینده امام خمینی، دامت برکاته

به استحضار می رسانم حقیر اهل و ساکن استان اصفهان می باشم و موضوع سؤال حقیر فرزند این جانب است که در جبهه جنگ حق علیه باطل، به شهادت رسیده است. طبق آیه قرآن (كُتِبَ عَلَيْكُمُ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِن تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ) و مسائل رساله نوین امام وصیت از نظر قرآن و شریعت حائز اهمیت بوده و لازم الاجرا است. و

ص: 372

نیز بعد از پدر، قیمومیت اولاد صغار، با جد پدری می باشد. اینک با توجه به وصیت نامه فرزند شهیدم، و دو مکان بودن حقیر و عیال فرزندانم - که در محل سکونت حقیر نمی باشد - و ممکن است دو نفر صغیرهای بنده لایالی و بی بند و بار عمل آیند مستدعی است حکم شرعی آن را جاری فرمایید. (إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ).

بسمه تعالی، ولایت بر اطفال صغیر متوفی با جد پدری است، ولی حق حضانت و تربیت با مادر است با شرایط مذکوره در رساله عملیه؛ و نمی توانند بچه ها را تا زمانی که مادر حق حضانت دارد، از او بگیرند.

[سؤال 10830] 6411

4. آیا بعد از زایمان اگر نخواهد می تواند بچه شهید را همان موقع تحویل وکیل بچه بدهد یا نه؟

بسمه تعالی، می تواند پرستاری فرزند را به اولیای شرعی او واگذار کند.

[سؤال 10831] 6142

بسمه تعالی

محضر مبارک رهبر و زعیم عالی قدر و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران و امام عظیم الشان، مدّ ظلّه العالی، پس از عرض سلام

داماد این جانب فوت کرده است و دارای دو بچه که یکی پسر دو ساله و یکی هم دختر سه ساله است می باشد. برادرهای دامادم که عموی بچه ها می باشند، می خواهند بچه ها را از دختر بنده بگیرند. ضمناً مادر بچه ها تعهد می کند که کاملاً سرپرستی بچه ها

را عهده دار باشد. آیا در این صورت عموهای بچه ها حق جدا کردن بچه ها را از مادرشان دارند یا این که باید پیش مادرشان باشند؟

بسمه تعالی، عموها حق ندارند.

ص: 373

محضر مبارك حجت الاسلام جناب آقای رسولی، پس از اهدای سلام، به عرض می رساند:

این جانب مدت نه ماه می گذرد که فرزندم در جبهه شوش در حمله فتح المبین شهید شد و فرزند شهیدم دارای يك دختر بچه چهار ساله می باشد. مدت شش ماه از شهادت فرزندم گذشت که همسر فرزندم در شهرستان - که تا روستای محل سکونت ما قریب پانزده فرسخ فاصله است - عروس شده و دختر بچه را پهلوی خود برده است و چون تنها یادگار فرزندم همین يك دختر بچه می باشد و فرزند دیگری ندارد و همین بچه، انیس دلم می باشد می خواهم او را پهلوی خود نگاه دارم، ولی مادر او ممانعت می نماید. خواهشمند است شرعاً و عرفاً جواب این مسأله را بدهید که آیا بچه مذکور به این جانب که پدر بزرگش می باشم تعلق می گیرد و می توانم او را پهلوی خود نگهدارم یا نه؟

بسمه تعالی، حق حضانت فرزند شهید با مادر فرزند است و جد نمی تواند فرزند را از مادر بگیرد.

شوهرم با شهادتش مرا با کودکی 9 ماهه، تنها گذاشت الان فرزندم يك سال و سه ماه دارد و من با پسر، در خانه پدریم زندگی می کنیم. نکته ای که خواستم خدمتتان عرض کنم و مشکل اساسی من است این که دادگاه قیمومیت پسر را به من نداده است؛ به دلیل این که جد پدری او زنده است، با وجودی که خیلی پیر است و از لحاظ اخلاقی نیز، صلاحیت تربیت او را ندارد و دادگاه گفته که اگر ازدواج کنم، قانوناً نمی توانم فرزندم را نگهداری کنم و باید از او جدا شوم، در حالی که نمی توانم دوری

پسرم را، يك لحظه تحمل كنم. از طرفی، بعد از عده دو، سه خواستگار برایم آمده که پاسدار بوده اند. ولی به خاطر این که مبدا از پسرم جدا شوم، به آن ها جواب رد داده ام و از طرف دیگر نیز، احساس می کنم که نمی توانم به این وضع ادامه دهم و باید ازدواج کنم. اما می ترسم که فرزندم را از من بگیرند و بارها خانواده پدریش اظهار کرده اند که اگر ازدواج کنم او را از من خواهند گرفت و مشکل دیگری که دارم حرف ها و تهمت های مردم است، که اغلب پشت سر بیوه زنان جوانی که ازدواج می کنند، می زنند. با وجود این مشکلات، آیا وظیفه شرعی من ایجاب می کند ازدواج کنم یا نه؟ و آیا چاره ای هست که در صورت ازدواج، سرپرستی فرزندم را نیز به عهده بگیرم، یا این که باید فراق فرزندم را بکشم، یا سوز تنهایی را؟ حالا از شما امام امت - که از همه کس بهتر و دلسوزتر نسبت به ما خانواده شهدا هستید - تقاضای کمک می کنم. امیدوارم که خداوند سایه شما را از سر اسلام و مسلمین کوتاه ننماید.

خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی، خمینی را نگهدار

بسمه تعالی، شما ازدواج کنید و پسر خود را به خدا بسپارید. و جد پدری حق ندارد پسر را تا زمان بلوغ از شما بگیرد.

[سؤال 10834] 6145

بسمه تعالی 1361 / 12 / 21

قم، دفتر محترم حضرت امام خمینی، پس از عرض سلام و آرزوی تأییدات و طول عمر برای رهبر کبیر انقلاب و امت شهیدپرور، خواهشمند است بنده را راهنمایی نمایید.

طبق مسأله ای که در جلد دوم تحریر، مسأله شماره 17 و ماده 1171 قانون جمهوری اسلامی وجود دارد، اگر در خانواده ای سرپرست خانواده (یعنی شوهر) فوت نماید، اولاد او آیا به مادرش تعلق می گیرد یا پدر بزرگ آن فرزند که پدرش فوت نموده؟

ص: 375

به امید پیروزی های لشکر اسلام علیه کفر جهانی و نابودی دشمنان اسلام

بسمه تعالی، حق حضانت و تربیت اطفال، با مادر، و ولایت بر آن ها با جدّ پدری است، ولی نمی تواند اطفال را از مادر بگیرد.

اتمام دوران حضانت و مختار بودن فرزند بعد از بلوغ

[سؤال 10835] 6146

بسمه تعالی 1362/2/8

با سلام به پیشگاه امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و با درود به روان پاک شهیدان راه حق و با سلام به پیشگاه امام و رهبر عزیزمان، امام خمینی. امیدوارم که وجود مبارک آن امام عزیز از تمام بلیّات محفوظ بوده باشد و خداوند تبارک و تعالی سایه آن رهبر عزیز را از سر ما کم و کوتاه نفرماید؛ ان شاء الله. و ای امام عزیز! خاطر جمع باش ما مردم کوفه نیستیم و همان طوری که از اول با توییت بسته ایم، ثابت و استوار، گوش به فرمان تو هستیم و امریکای جنایت کار باید بداند اگر تمامی ما را بکشد، یک نفر هم باقی بماند

باز هم ندای خون شهیدانمان را به گوش جهانیان خواهیم رساند و از خون پاک شهیدانمان پاسداری خواهیم کرد. به امید پیروزی حق بر باطل در سراسر دنیا؛ ان شاء الله. باید به عرض برسانم که ما با مشکلی روبه رو شده ایم که احتیاج به آن وجود مبارک داریم:

1. آیا پسر وقتی به سن بلوغ رسید و ازدواج کرد، می تواند از پدر جدا و به اختیار خود زندگی خود را اداره کند؟

بسمه تعالی، اختیار با خود او است.

[سؤال 10836]

2. این جانب در سن 16 سالگی ازدواج نمودم و بعد از دو سال به دلیل عدم رضایت پدر و مادرم در سال 1359 به خدمت مقدس سربازی رفتم و بعد از چند

ص: 376

ماهی از پایان خدمت، خانه ام را از پدر و مادرم جدا کردم و الآن وارد ششمین سال ازدواج شدم که دارای يك فرزند می باشم و پدرم دلش می خواهد که همچون گذشته زیر نظر او کار کنم. در ضمن پدرم دارای دوزن می باشد و هشت فرزند دارد که یکی از آن ها کبیر است و پدرم می خواهد که کار کنیم و سرمایه تمام خانواده زیر نظر او بچرخد.

از يك طرف با همسر ناراحتی می کنیم؛ می گوید: مدت شش سال است با پدرت و مادرت در يك خانه به سر برده ام؛ حالا باید تو هم برای خودت خانه و زندگانی بسازی. و از طرف دیگر اگر با پدرم باشم، نمی توانم آن طور که دلم می خواهد به انقلاب خدمت کنم و عبادت کنم. چون مانع می شوند که به انقلاب خدمت زیاد کنم، حتی جلوگیری می کنند که چرا شما به جبهه می روید یا چرا با سوجدویان به مخالفت برمی خیزید یا مثلاً این جانب پیشنهاد هستم؛ پدرم دوست ندارد و من سر دوراهی مانده ام. آن ها فقط می خواهند همیشه مثل يك نوکر برایشان زحمت بکشی. به طور واضح جواب را بنویسید.

بسمه تعالی، اختیار با خود شما است.

3. این جانب می خواهم به جبهه بروم؛ از طرفی پدر و مادرم مخالفت می کنند که آن را از خودتان کسب تکلیف کرده ام که رضایت پدر و مادرم شرط نیست و از طرفی همسر راضی نمی شود؛ آیا با عدم رضایت همسر می توانم به جبهه بروم یا خیر؟

بسمه تعالی، رضایت همسر اعتبار ندارد.

تربیت فرزند

[سؤال 10837] 5502

2. قسمت اعظم از کارهای اجتماعی بر دوش زنان است و با در نظر گرفتن نیاز انقلاب به نیروی زنان و با توجه به وظیفه زن که تربیت اولاد صالح است و همین طور تماس های نامحرمان که هنوز در طی کار کردن به چشم می خورد، وظیفه يك زن

ص: 377

در جامعهٔ امروزی چیست؟

بسمه تعالی، کوشش زن در تربیت اولاد صالح بهترین خدمت به اجتماع است. و کار کردن زن در خارج منزل با مراعات مقررات و ضوابط شرعی ممنوع نیست.

[سؤال 10838] 6147

بسمه تعالی

چون شوهرم به دین پایبند نیست بچه هایش هم به طور اسلامی تربیت نشده و من تا جایی که توانم بوده کوشش کرده ام ولی فایده ای ندارد بفرمایید من اگر دومرتبه از این مرد بچه دار شوم گناهی ندارد چون دیگر نمی خواهم از این مرد بچه ای داشته باشم و عقیده ام این است که این جور نطفه ها نجس است آیا این عقیده صحیح است یا نه و موجب غضب خدا واقع نمی شوم اگر به این عقیده باشم آیا اگر من مجبور باشم در خانه این مرد زندگی کنم آخرتم تباه است یا نه؟

بسمه تعالی، شما در خانه مراعات تربیت بچه های خودتان را بکنید و مواظب باشید فاسد نشوند و اختیار طلاق در دست شوهر است.

ص: 378

[سؤال 10839] 6148

بسمه تعالی 1361 / 4 / 20

محضر مبارك رهبر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی، حضرت آیت الله العظمی و نایب الامام، امام خمینی، دامت برکاته العالی

پس از سلام و تحیات و تقدیم ادعیه خالصانه خواستار سلامتی وجود مقدس از درگاه حضرت باری تعالی و پیشگاه مقدس حضرت ولی عصر امام زمان علیه السلام بوده، خواهشمند است نظریه مبارک را نسبت به مسائل زیر مرقوم فرمایید.

1. چنانچه زن به علت عدم تمکین و اطاعت، در امر زناشویی و سایر امور شرعی، تمرد و سرپیچی نماید، آیا شرعاً و عرفاً حق خرجی و لباس و غیره را دارد یا خیر و در چه مواردی ناشزه محسوب شود؟

بسمه تعالی، اگر زن نسبت به شوهر، تمکین در امور زناشویی نداشته باشد و یا آن که بدون اجازه از منزل خارج شود، ناشزه است و استحقاق نفقه ندارد.

2. اولاد دختر که حقوق بگیر هست و پدر کارمند بازنشسته می باشد، آیا حق خرجی و لباس برعهده پدر است یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر فقیر شرعی نیست، بر پدر واجب نیست بر او انفاق کند.

3. پسر که سن او در حدود بیست سال است و در امر شرعی و غیره از پدر اطاعت نمی کند، حق خرجی و لباس و غیره از پدر دارد یا خیر؟

بسمه تعالی، میزان در وجوب انفاق بر اولاد، فقر شرعی است؛ اگر فقیر شرعی نباشد، بر پدر انفاق واجب نیست.

خدایا، خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار، از عمر ما بکاه و به عمر او بیفزای

4. آیا خانمی که خودش دادخواست طلاق می دهد و در دادگاه محکوم می شود و حاضر به بازگشت به زندگی خودش نشود و شوهرش هم آمادگی نگهداری او را داشته باشد، آیا می تواند تقاضای نفقه بنماید؟
بسمه تعالی، اگر زن تمکین تام از شوهر خود ندارد استحقاق نفقه ندارد.

محضر حضرت امام خمینی، رهبر انقلاب ایران

استدعای عاجزانه دارم امر مقرر فرمایند: جواب این جانب را مرقوم فرمایند.

من مدت بیست سال با شوهرم زندگانی کردم که حاصل این ازدواج، پنج دختر و یک پسر محصل و دانشجو می باشد.

شوهرم از دو سال قبل به عناوین مختلف با من بهانه جویی و مرا کتک کاری می کند؛ در نتیجه مدت چهار ماه می شود من را از منزل بیرون کرده و بدون تأمین معاش در خانه برادرم به سر می برم و مرا در منزل راه نمی دهد. به همین منظور چندین مرتبه از طریق روحانیان محلی از وی خواسته شده که مرا در خانه خود راه بدهد و با همدیگر زندگانی کنیم؛ ولی اقدامات ایشان در نزد وی مؤثر واقع نشده و اظهار می دارد بایستی تو را طلاق بدهم. امام! من به هیچ وجه حاضر نیستم طلاقم بدهد و شکایتی هم از وی به مقامات ذی صلاح نخواهم داد؛ زیرا نتیجه شکایت بیشتر برای او عقده خواهد شد. آیا سزاوار است با بیست سال زندگانی آبرومند شوهرم مرا از خانه خارج کند. علی هذا استدعا دارد به عرایض ذیل پاسخ فرمایید تا از نگرانی و سرگردانی رهایی پیدا کنم.

1. آیا در حال حاضر که در مملکت ایران به یاری رهبر انقلاب، حکومت اسلامی حکم فرما و بنا به فرمایش امام: حق پیروز است. شوهرم می تواند بدون خواسته من، مرا مطلقه نماید.

2. آیا برابر مقررات تا زمانی که مرا طلاق نداده می تواند مرا از منزل بیرون کند و هیچ نوع مخارجی به من ندهد؟

بسمه تعالی، اختیار طلاق با شوهر است و تا زن را طلاق نداده، در صورتی که زن حاضر به تمکین و اطاعت در حقوق او باشد؛ باید نفقه او را بدهد.

[سؤال 10842] 3013

5. تکلیف شرعی مرد در مورد نفقه و استمتاع از همسر ضد انقلاب و تارك واجبات شرعی و کذا در مورد فرزندان کبیر با صفات مذکوره چیست؟

بسمه تعالی، اگر مسلمان است، حکم سایر زن های مسلمان را دارد و البته او را ارشاد کنید.

[سؤال 10843] 6150

بسمه تعالی 1362 / 2 / 12

مولانا قائد عظیم الشان، امام خمینی، دام ظلّه العالی، در این مسأله چه می فرمایید.

حقیر، چند سال پیش دختری را به همسری خودم اختیار نمودم. بعداً که به عقد در آوردم، دیدم شکمش جراحی شده است. از او سؤال نمودم، گفت: کلیه ام را جراحی نموده ام. حدود سه سال زن من بود و دارای اولاد نشد؛ فهمیدم کلاه سرم گذاشته است و معین شد، همان زمان که حدود چهارده یا پانزده ساله بوده، او را جراحی رحم نموده اند و عقیم گردیده است. به انگیزه عقیم بودنش، مدت نه ماه است که خانه مرا ترك کرده و به شهر اهواز رفته است و هیچ اعتنایی نمی کند و مهریه را از طریق اجرا - با وجودی که برای يك فرد کارگر سیصد هزار تومان زیاد است - به اقساط دارم می دهم. حالیه از امام امت می خواهم آیا این زن تمام مهریه را حق دارد یا خیر؟ و نفقه ایشان در شرع، چه دستوری دارد؟ و اگر او را طلاق دهم، حق عدّه و نفقه ایشان چه است؟

محض خداوند تبارک و تعالی مرا راهنمایی فرمایید. والسلام علیکم

ص: 381

بسمه تعالی، باید مهریه او را بپردازید و اگر از شما تمکین ندارد، نفقه واجب نیست و اختیار طلاق با شما است.

[سؤال 10844] 6151

بسمه تعالی

اگر زن در برابر شوهر خود تمکین نکند و یا خود را برای شوهرش آرایش نکند و اصلاً به این مسائل، کوچک ترین اهمیتی ندهد و پند و اندرز و محبت در طول دو سال و نیم پس از ازدواج و نیز خودداری از همبسترشدن با او مفید واقع نشود، وظیفه شوهر چیست؟ در این صورت، با توجه به این که شوهر بترسد که به گناه بیفتد، آیا می تواند برای جلوگیری از افتادن در گناه:

الف. زنش را کتک بزند؟

ب. او را طلاق دهد؟

ج. بدون رضایت او زن دیگری صیغه نماید؟

بسمه تعالی، اختیار طلاق با شوهر است و باید خود را از گناه نگهدارد؛ و زن اگر تمکین نکند ناشزه است و استحقاق نفقه ندارد.

[سؤال 10845] 6152

بسمه تعالی 10 / 11 / 1361

ریاست محترم دفتر استفتائات حضرت امام، مدّ ظلّه، ضمن عرض سلام و آرزوی طول عمر برای رهبر عظیم الشان، امام خمینی، خواهشمند است نظر و فتوای حضرت امام را در مورد سؤال ذیل کتباً اعلام فرمایید که مورد حاجت است.

آیا نفقه زوجه، از تاریخ انعقاد عقد رسمی و شرعی تا زمان شب زفاف و عروسی، به عهده زوجه می باشد یا خیر؟ والسلام، با عرض تشکر

بسمه تعالی، زوجه اگر تمکین داشته باشد، نفقه او بر زوج واجب است، هر چند او را به منزل خود نبرده باشد.

ص: 382

2. در جاهایی که رسم است زن مدتی در عقد است و در خانه پدرش می باشد و غیر از جماع، آن هم مخصوصاً قبلاً زوج سایر استمتاع را از زن می برد، البته نه همیشه بلکه گاهی، لیکن زن از مقاربت خاصه قبلاً ایا می کند، آیا در این صورت می تواند مطالبه نفقه هم بکند یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر متعارف است و عقد، مبنی بر آن است، حق نفقه دارد.

بسمه تعالی 1361 / 6 / 24

دفتر محترم امام خمینی

محترماً به عرض می رساند: این جانب در تاریخ 1360 / 3 / 28 به طور رسمی به عقد دائم آقای درآمده ام و هنوز هم غیر مدخول بها هستم و به خانه شوهرم نرفته ام و تقاضای نفقه و کسوة ایام گذشته ام را از شوهرم نموده ام و شوهرم اظهار می دارد تا از من تمکین نکنی و به خانه ام نیایی نفقه ات را نمی دهم و من به او می گویم: حاضرم برای تمکین، ولی باید کلیه مهریه ام را تا دینار آخر بدهی تا از تو تمکین نمایم و به خانه ات بیایم، ولی او قبول نمی کند. حال بفرمایید با این که من غیر مدخول بها هستم و مهریه ام را مطالبه می نمایم و هنوز نداده، مستحق نفقه گذشته و حال می باشم یا خیر؟

بسمه تعالی، در فرض مسأله که زن برای گرفتن مهریه تمکین نکرده، نفقه ساقط نمی شود.

بسمه تعالی

حضور اقدس رهبر کبیر انقلاب، حضرت امام خمینی، روحی له الفداء، پس از عرض بندگی و ارادت مخلصانه، لطفاً به دو پرسش ذیل پاسخ عنایت فرمایید:

ص: 383

1. اگر زنی بدون اذن شوهر به خانه پدرش برود؛ آیا بر شوهر واجب است که نفقه او را بدهد؟

بسمه تعالی، ناشزه می شود و تا وضع او این طور است، حق نفقه ندارد.

2. در زمان طاعت دادگاه های به اصطلاح حمایت خانواده هنگام طلاق علاوه بر اصل مهریه به خاطر گذشت زمان پولی را به عنوان «اجاره مهریه» از داماد جبراً می گرفتند. اگر مهریه ای عین پول باشد و شرعاً نیز وقت وصول مهریه معین نشده باشد آیا جایز است که اجاره مهریه بر اصل مهریه افزوده گردد؟

بسمه تعالی، پول اجاره ندارد و گرفتن زیادی حرام است.

[سؤال 10849] 6155

بسمه تعالی

محضر مبارك فقيه عصر و زعيم عالی قدر اسلام و رهبر عظيم الشان مسلمانين، حضرت آيت الله امام خميني، مدّ ظلّه العالی، معروض می دارد:

زن اگر اطاعت از شوهر ننماید و هیچ گونه به سخن او وقعی نگذارد و از خانه خود بدون اجازه شوهر بیرون رود، از يك ماه بیشتر و کمتر، آیا حق نفقه و سکنا دارد یا خیر؟ آنچه حکم الله است مرقوم فرمایند که مورد حاجت است.

بسمه تعالی، در فرض مرقوم حکم به نشوز زن می شود، و حق نفقه و سکنا ندارد.

[سؤال 10850] 6156

بسمه تعالی

تهران، محضر مبارك حضرت آيت الله العظمی امام خمینی

احتراماً پیرو تلگراف مورخ 11 / 12 / 60 در مورد سؤال که همسر دائمی بدون رضایت شوهر با تحریک پسرش که از شوهر اول است از منزل شوهر برود چه صورت دارد تا کنون موفق به پاسخ آن نگردیده ام پاسخ سؤال مورد استدعا است.

بسمه تعالی، خروج زن از خانه شوهر بدون اجازه جایز نیست و در مدتی که از منزل بدون اجازه خارج شده استحقاق نفقه ندارد.

ص: 384

3. آیا در این مدت چهار ماه و ده روز (مدت عدّه وفات همسر)، خرج نفقه می برم؟

بسمه تعالی، نفقه ندارد.

2. در صورت عدم مراجعه به محل انتخابی مسکونی، نفقه به او تعلق می گیرد یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر شرط مسکن برای زن نشده، باید به مسکنی که شوهر اختیار کرده، برود و اگر تخلف کند استحقاق نفقه ندارد.

بسمه تعالی 1361 / 11 / 25

محضر مبارك حضرت امام امت، خمینی کبیر، ادام الله ظلّه العالی، جعلت فداك؛ با تقدیم تحیت به آستانه ملائک پاسبان، بقای عمر مبارک نایب بر حق ولی مطلق را از خداوند تعالی مسئلت می دارم، مستدعی است مقرر فرمایید جواب سؤال های زیر را مرقوم فرمایند.

1. زوجهٔ مختلعه بعداً حاملگی او معلوم شود. آیا در زمان عدّه، مستحق نفقه می باشد یا خیر و نفقه برای حمل است یا حامل؟

بسمه تعالی، در فرض سؤال، حامل مستحق نفقه است تا زمانی که وضع حمل نماید.

2. زوجهٔ متوفی عنها زوجها، در زمان حمل مستحق نفقه می باشد یا خیر؟ در صورت استحقاق، آیا از ترکه میت است یا از سهمیهٔ حمل؟

بسمه تعالی، استحقاق نفقه ندارد، نه از ترکه میت و نه از نصیب حمل.

4. در مورد طرز زندگی کردن زن، البته با توجه به امکانات مالی شوهر، آیا شوهر می تواند هرگونه نظر خود را بر همسرش تحمیل کند؟ مثلاً می تواند او را مجبور به پوشیدن نوع مخصوصی پوشش اعم از لباس یا چادر بنماید یا خیر؟ در مورد نفقه و کسوه شوون زن چیست؟ بسمه تعالی، خصوصیات مسأله در رساله ذکر شده است.

ریاست محترم دفتر امام خمینی، امید مستضعفان جهان

با سلام و درود به رهبر کبیر انقلاب اسلامی و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران

خواهشمند است فتوای امام امت را در مورد مسائل مشروحه ذیل استفتا نموده، ذیل نامه مرقوم و جهت ارشاد و راهنمایی حقیر در انجام تکالیف شرعی ارسال فرمایند.

1. آیا شوهر می تواند زوجه خود را که دچار ناراحتی های عصبی می باشد، مکلف به اقامت در شهر بنماید، با وجودی که می داند مقید کردن همسرش به اقامت و ادامه زندگی در آن شهر با توجه به شرایط اقلیمی و جغرافیایی مناسب حال زوجه بیمارش نبوده و باعث تشدید بیماری وی و از هم پاشیدگی شیرازه کانون خانواده اش می گردد.

بسمه تعالی، اگر برای زن حرجی یا ضرری باشد، شوهر نمی تواند او را تکلیف به ماندن در آن محل نماید، مگر آن که با تهیه وسایل رفاهی ضرر و حرج را از زن رفع نماید.

2. آیا شوهر مجاز است که همسر و فرزند خود را به مدت دو سال در شهر دیگری بدون سرپرست رها کند و خود به علت شغل اداری در شهر دیگری به کار اشتغال ورزد؟ و آیا با سالی سه و یا چهار بار سرکشی به آنان و ارسال نفقه و خرجی، شوهر هیچ گونه تکلیف و وظیفه شرعی دیگری در قبال همسر و فرزندش ندارد و ادامه این وضعیت از نظر احکام الهی و شرع مقدس، جایز می باشد؟

بسمه تعالی، اگر نفقه و امنیت عائله را تأمین نمایید، اشکال ندارد خود به مسافرت بروید؛ ولی حق ندارد زن را تنها به حال خود مدتی واگذارد به نحوی که زن، نه به صورت زن با شوهر درآید و نه به صورت زن بی شوهر و مطلقه.

[سؤال 10857] 6159

بسمه تعالی

آیا علاوه بر نفقه و نیازهای ضروری زن که بر شوهر می باشد نیازهای دیگر زن که جنبه معنوی دارد (از قبیل خرید کتاب، پول برای انفاق به فقرا، هدیه دادن و غیره) نیز بر عهده شوهر است؟

بسمه تعالی، رفع نیازهای مورد سؤال بر شوهر واجب نیست.

[سؤال 10858] 6160

بسمه تعالی

مقام معظم حضرت آیت الله امام خمینی، با نهایت احترام به عرض شما می رسانم:

اگر شخصی زن خود را بدون جهت از يك روز تا دو سال از خانه بیرون کند و زن صورت مجلس نماید و ثابت شود، آیا شوهرش باید خرجش را بدهد یا خیر؟ استدعا دارم شما که مسئولیت اسلام را به عهده دارید جواب بنده را مرقوم فرمایید. ضمناً راجع به اختلاف زن و شوهر قانون اساسی سابق صحیح است یا قانونی که اخیراً مجلس خبرگان تصویب کرده است؟

بسمه تعالی، اگر زن در تمکین شوهر هست، شوهر باید نفقه او را بدهد.

[سؤال 10859] 5103

2. در صورت مکفی بودن درآمد زن، آیا شوهر می تواند شرعاً از پرداخت نفقه به زن خود امتناع ورزد.

بسمه تعالی، نفقه زن بر شوهر واجب است، ولو زن درآمد کافی داشته باشد.

ص: 387

بسمه تعالی

در صورتی که زن درآمد مکفی داشته باشد، آیا شوهر می تواند از پرداختن نفقه به همسر خود امتناع ورزد؟

بسمه تعالی، نفقه زن بر شوهر واجب است، گرچه زن درآمد کافی داشته باشد.

بسمه تعالی 8 صفر 1402 ق

نحمده و نصلی علی رسوله الکریم و آله الطیبین الطاهرین، بعد از آداب و تسلیمات السلام علیکم

چه فرمایند علمای دین حامیان شرع متین و مبین در این مسأله که مردی به این وجه که او از مسائل دین جداً جاهل و قاصر است زن منکوحه خود را اجازه نمی دهد که او در خانه شوهرش داخل بشود و زندگانی بکند و نه به او حقوق زوجیت می کند او را نان و نفقه واجب نمی دهد و می گوید که زنم در خانه پدرش فوت خواهد شد اگر به او گفته شود که اگر تو نمی خواهی که زنت در خانه تو داخل بشود و زندگانی بکند نه حقوق زوجیت که بر تو واجب است ادا کنی و نه او را نان و نفقه او که بر تو واجب است دهی او را طلاق بده در پاسخ می گوید که کسی را جرأت و همت نیست که از من برای زنم طلاق بگیرد در این مسأله مرقومه مذکوره زن منکوحه چه کند؟ و حکم شرع درباره این زن چگونه است؟

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، زن می تواند ولو با رجوع به محاکم شوهر را وادار کند که نفقه و سکنا واجب را به او بدهد ولی اختیار طلاق با شوهر است و بدون اذن و وکالت از شوهر طلاق باطل است.

[سؤال 10862] 6163

بسمه تعالی

مسئول محترم دفتر استفتائات حضرت امام خمینی، روحی له الفداء، لطفاً جواب مسأله مندرج را از فتوای حضرت امام بیان فرمایید.

خانمی از شوهرش در قبال بذل نفقه و مهریه، طلاق خلع گرفته و مصالحتاً حضانت و نفقه دو فرزند مشترکشان را عهده دار شده. با توجه به این که مکلف هستند، بنا به فتوای حضرت امام، حضانت مکلف به عهده کسی نمی باشد؛ و نسبت به نفقه آن ها این که تا چه زمان مادرشان عهده دار بشود، قید نگردیده. تکلیف مادر نسبت به فرزندانش چیست؟ بیان فرمایید.

بسمه تعالی، در فرض مرقوم، حضانت بر عهده مادر نیست و اگر پدر متمکن است، باید نفقه آنان را بپردازد.

[سؤال 10863] 6819

2. شخصی صغیر، غنی است و قیّم شرعی هم دارد؛ اما مادر این صغیر فقیر است و گاه گاهی هم حالات جنونی پیدا می کند. آیا برای قیّم صغیر غنی جایز است که از مال صغیر، نفقه این مادر فقیر را بدهد یا خیر؟ و آیا فرقی بین این که در فقر سالم باشد یا گاهی حال جنونی داشته باشد وجود دارد یا خیر؟

بسمه تعالی، صغیر تکلیف ندارد و وجوب انفاق از او ساقط است.

[سؤال 10864] 6164

بسمه تعالی 13 / 8 / 1361

دفتر محترم امام خمینی، مدّ ظله

با اهدای سلام؛ این جانب آموزگار و در یکی از روستاهای طالقان کرج مشغول

ص: 389

انجام وظیفه می باشم. در رابطه با زندگی و مطالب روز مسائلی برای این جانب مطرح می باشد که شایسته است مسائل مطروحه ذیل را شرعاً و یک به یک پاسخ فرمایید. قبلاً از عنایت آقایان صمیمانه تشکر می کنم.

1. بنده دارای همسر و مادر و یک خواهر و یک برادر صغیر می باشم که بنا به فتوای اخیر امام تأمین معاش مادر و بقیه به عهده این جانب می باشد و این در حالی است که همسر این جانب نیز همکار خودم می باشد و در نتیجه حقوق دریافتی ایشان نیز همراه حقوق دریافتی خودم صرف تأمین زندگی مشترك می گردد. حال آن که مادر و خواهر این جانب بنای ناسازگاری با همسر و حتی خود این جانب را بنا به عللی به پیش گرفته اند و حتی موجبات هتك حرمت و آبروی خود و همسر را فراهم می نمایند که عمده دلیل ناسازگاری آن ها با ما عدم رعایت اصول اساسی اسلام در زندگی از جانب آن ها می باشد و سایر موارد که عموماً مقصّر اصلی بنا به درك حقیر آن ها هستند.

بنا به شرح بالا همسر اظهار می دارد که در حالی که آن ها آبرو و حیثیت ما را لکه دار می کنند. من راضی نیستم که از پول من به مادر و... کمک کنی در این صورت حکم شرعی در خصوص این مطلب چیست؟

بسمه تعالی، در مخارج واجب النفقه که بر عهده شما است باید از مال خودتان بدهید و از مال همسر یا مال مشترك نمی توانید بپردازید مگر با اذن او.

[سؤال 10865]

2. در صورتی که حکم شرعی مبنی بر ادامه کمک ها باشد، میزان آن چقدر است؟ و چه نوع کمکی به آن ها جایز است جنسی یا نقدی؟

بسمه تعالی، نفقه واجب النفقه خوراك و پوشاك و مسكن است به نحو متعارف.

ص: 390

3. در این صورت (تأیید ادامه كمك) اگر آن ها در هتك حرمت نسبت به ما اصرار بورزند آیا وظیفه این جانب نسبت به آن ها به قوت خود باقی است؟

بسمه تعالی، هتك احترام شما بر آن ها جایز نیست ولی موجب سقوط نفقه واجبه نمی شود.

4. این جانب دارای دو برادر ناتنی یکی مادری و یکی پدری می باشم، که هر دو دارای عیال و اطفال می باشند و هر دو دارای زندگی و منزل جداگانه می باشند با توجه به مطلب فوق آیا آن ها نسبت به این مادر و خواهر و برادر صغیر همچون این جانب نسبت به تأمین معاش آن ها دارای وظیفه می باشند؟ در صورتی که جواب مثبت است، میزان و درصد را بیان فرمایید.

5. آیا قیادت و سرپرستی این جانب نسبت به آن ها الزامی است؟ در صورتی که آن ها مایل به این مطلب نباشند، چگونه؟ در حالی که آن ها در منزل مسکونی متعلق به مرحوم پدرم زندگی می کنند و این حقیر برای خود منزل مسکونی جدیدی در همان روستای خودمان بنا نموده ام لازم به یادآوری است که برادر بزرگ تر از خودم که ناتنی و پدری است، مردی متدین و اهل ایمان می باشد و از جانب ایشان و خودم و سایرین نصیحت های فراوانی به آن ها شده است و لیکن همچنان در مواضع باطل خود باقیمانده اند.

بسمه تعالی، 4 و 5، اگر متمکن هستند نسبت به سهم خود وظیفه دارند سرپرستی در حد نفقات واجبه لازم است.

6. حکم امام در خصوص شرکت در جبهه ها واجب کفایی است. علیرغم این مطلب این جانب دارای خصوصیات ویژه ای می باشم که ذیلاً به عرض می رسانم که امید است ان شاء الله تکلیف شرعی برای این جانب معین فرمایید:

الف. علاوه بر سرپرستی مادر و... در صورت تأیید حکم شرعی، حقیر به خاطر بنای ساختمان

مسکونی دارای حدود هشتاد هزار تومان قرض می باشم.

ب. دارای بیماری مزمن تنگی نفس (آسم) می باشم که فعالیت های نظامی برای این جانب مطلقاً امکان پذیر نیست (به جز رانندگی).

ج. مادر و همسرم راضی به رفتن این جانب به جبهه نیستند.

د. از خدمت سربازی بنا به دستور دولت (فارغ التحصیل دانشسرای مقدماتی) معاف شده ام و هیچ گونه آموزش نظامی ندیده ام ضمن این که توانایی آن را (بنا به دلیل تنگی نفس) ندارم.

ه. این حقیر - ان شاء الله - فردی مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی با تمام وجود می باشم و کم و بیش دارای سابقه فعالیت های سیاسی و فرهنگی بوده و هستم.

ضمن تشکر بی پایان، حال با توجه به مطالب بالا حکم شرعی را در خصوص شخص این جانب دقیقاً و بدون ابهام بیان فرمایید.

بسمه تعالی، وجوب شرکت بر شما بستگی به نیاز جبهه ها دارد و تشخیص موکول به مسئولین مربوطه است.

[سؤال 10868] 7377

3. تأمین معیشت چنین خانواده ای و سرپرستی نمودن آنان مقدم است یا رفتن به جبهه جنگ؛ در صورتی که پدر و مادر راضی نباشند؟ و فرزند می تواند از حقوق خویش به این خانواده کمک مالی نماید؟

بسمه تعالی، به پدر و مادر احسان کند و اگر فقیر هستند و فرزند تمکن دارد، باید مخارج آن ها را بدهد. و در خصوص رفتن به جبهه، بستگی به نیاز جبهه ها دارد و تشخیص آن با مسئولین است.

[سؤال 10869] 6165

بسمه تعالی

1. آیا در این ایام پیری و از کارافتادگی، فرزندان ذکور فدوی موظف به تأمین معاش و رفع مشکلات مالی من، از قبیل مخارج روزانه و تهیه لباس و غیره هستند یا خیر؟

2. آیا فرزندان اناث باید از راهنمایی پدران که در حق آنان می نمایم و به راه خیر و

ص: 392

صلاح دنیا و آخرت دعوتشان می کنم و رفتار سبک آن ها را گوشزد می نمایم، پند بگیرند یا بگویند: ما بزرگ و کبیر شده ایم، به تو ارتباطی ندارد؟ بار دیگر از رهبر عظیم الشان، امام خمینی تقاضا دارم که هرچه زودتر به این سؤال حقیر از نظر شرعی و حقوقی پاسخ بدهند. برای دریافت جواب چشم به راه هستم.

بسمه تعالی، اگر پدر نتواند معاش خود را تأمین کند، بر فرزند واجب است نفقه او را بدهد و لازم است اولاد کاری که موجب اذیت پدر باشد، انجام ندهند و بهتر است به صلاح اندیشی های او احترام بگذارند.

[سؤال 10870] 6301

3. آیا شخص بهایی می تواند به فرزندش که 15 سال دارد و هنوز تحصیل می کند و مخارج زندگی ندارد، طبق وظیفه يك پدر مسلمان، احتیاجاتش را بدهد؟

بسمه تعالی، فرزند اگر نتواند احتیاجات خود را تأمین کند بر پدر لازم است احتیاجات او را تأمین نماید.

[سؤال 10871] 6166

بسمه تعالی

حضور محترم مسئول دفتر امام، دامت افاضاته

به عرض حضرت امام، روحی له الفداء برسانید که حضرت امام در رساله احکام، در مبحث صیغه فرموده اند: «زنی که صیغه شده، اگر چه آبستن شود حق خرجی ندارد». از آن حضرت سؤال فرمایید: درست است که اگر زن صیغه شده وقتی آبستن شود حق خرجی ندارد، ولی آیا فرزند وی که بعد از این صیغه متولد می شود، خرجی اش با زن است یا با مردی که زن را صیغه کرده است؟ و اگر مخارج طفل به عهده مرد است، فرزند تا چه سنی حق مخارج زندگی از پدر خود را دارد؟ درباره ارث چه می فرمایند؟

بسمه تعالی، اگر پدر متمکن است، مخارج فرزند تا وقتی خودش نتواند از عهده مخارجش برآید، بر عهده پدر است و از پدر ارث می برد.

ص: 393

2. خرج اولاد تا چه وقت بر پدر واجب است؟

بسمه تعالی، تا وقتی نتواند خود را اداره کند.

بسمه تعالی

در چه صورت تأمین معاش پدر و مادر بر فرزند واجب است؟ و اطاعت از آن ها تا چه حدی لازم است؟

خداوند بر عمر و سلامت و عزت آن رهبر عظیم و مرجع تقلید شیعیان جهان بیفزاید، ان شاء الله.

بسمه تعالی، اگر پدر و مادر نتوانند معاش خود را تأمین کنند، بر فرزند واجب است نفقه آن ها را بدهد؛ و لازم است اولاد کاری که موجب اذیت والدین باشد انجام ندهند و بهتر است به صلاح اندیشی های آن ها احترام بگذارند.

2. اولاد دختر که حقوق بگیر هست و پدر کارمند بازنشسته می باشد، آیا حق خرجی و لباس برعهده پدر است یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر فقیر شرعی نیست، بر پدر واجب نیست بر او انفاق کند.

3. پسر که سن او در حدود بیست سال است و در امر شرعی و غیره از پدر اطاعت نمی کند، حق خرجی و لباس و غیره از پدر دارد یا خیر؟

بسمه تعالی، میزان در وجوب انفاق بر اولاد، فقر شرعی است؛ اگر فقیر شرعی نباشد، بر پدر انفاق واجب نیست.

بسمه تعالی

لطفاً نظر امام را در مورد مسأله زیر بفرمایید.

آیا اگر پدری دارای سه فرزند پسری باشد و پسرها مستقل زندگی کنند و درآمدشان طوری است که کفاف زندگی خودشان را می دهد و چیزی اضافه نمی ماند تا بتوانند به پدر و مادرشان کمک کنند و پدر و مادر هم برای تأمین خرج در مضیقه هستند، وظایف این فرزندان با خصوصیات فوق، در قبال والدین آن ها چیست؟ آیا باید از طریق طلاق دادن زن، به پدر و مادر برسند یا این که راه شرعی دیگری وجود دارد؟ والسلام

بسمه تعالی، طلاق زن واجب نیست؛ و اگر توانایی مالی رسیدگی به والدین را ندارد، تکلیفی در این باره ندارد.

بسمه تعالی

با سلام خدمت امام امت، خمینی عزیزم که الهی به سلامت و در عین عافیت بوده باشید و هیچ گونه ناراحتی نداشته باشید و ان شاء الله در پناه امام زمان محفوظ بوده باشید.

شما در رساله خود نوشته بودید که اگر کسی احتمال دهد که به حرام بیفتد، باید ازدواج کند. من در خانواده ای زندگی می کنم که 12 نفر هستیم؛ خدا ان شاء الله حفظ کند و سلامتی عنایت بفرماید، و پسر بزرگش من هستم و یک برادر دیگرم 17 ساله است. پدرم احتیاج به این پول من دارد و من هم می خواهم ازدواج کنم که متأسفانه پول در اختیار ندارم. اگر من این پول را به پدرم ندهم، مرتکب گناه نمی شوم؟ چون امر پدر و مادر هم واجب است. خواهشمندم مرا در این امر راهنمایی نمایید.

بسمه تعالی، اگر انفاق بر پدر و مادر بر شما واجب شده، پول را باید در نفقه والدین صرف نمایید.

بسمه تعالی

محضر زعیم عالی قدر و مرجع بزرگوار عالم اسلام الامام خمینی دامت برکاته

شخصی که زوجه اش را طلاق داده و بعد از مدتی زوجه شوهر می کند بعد از ازدواج با شوهر دوم حق حضانت او ساقط می شود در صورتی که پدر بچه ادعا کند می خواهم فرزندم را ببرم تا چندی که عملاً نبرده آیا می شود بابت نفقه فرزند چیزی از پدرش گرفت یا خیر؟

بسمه تعالی، نسبت به زمان گذشته نفقه فرزند دین نیست و حق مطالبه ندارند و نسبت به زمان فعلی نفقه بر پدر واجب است و اگر نمی پردازد می توانند او را اجبار کنند با رجوع به حاکم شرع که نفقه او را بدهد.

بسمه تعالی

محضر رهبر عظیم الشان انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی دام ظلّه العالی

معروض این که: شخصی زن خود را با دو تا فرزندش مدت هشت سال به جای خود گذاشته و خودش مسافرت کرده و در این مدت مذکور هیچ گونه خرج برای آن ها نفرستاده بلکه کسی دیگر مخارج این عائله مذکور را داده است به امید این که پدر بیاید مخارجش را بدهد و آیا این شخص مذکور که عائله اش را انداخته نسبت به مخارج فرزندان خود بدهکار است یا نه اگر نیست تکلیف آن شخص که این فرزندان را خرج داده به امید این که مخارجش برایش می رسد چیست؟

بسمه تعالی، اگر زن استحقاق نفقه داشته نفقه او دین است بر عهده شوهر و نفقه گذشته فرزند دین بر عهده پدر نیست و اگر زن به امر و اجازه حاکم شرع نفقه خود و فرزندش را از کسی بر عهده شوهر قرض کرده شخص قرض دهنده می تواند به شوهر رجوع کند.

محضر مبارك رهبر كبير انقلاب اسلامي، حضرت آيت الله العظمى امام خميني، ادام الله ظله، بعد از سلام، چه مي فرماييد در اين مسائل شرعيه كه با شرح ذيل مرقوم مي شود:

1. پدري طفل خود را به ديگري مي دهد كه او را براي خود فرزند قرار داده از او نگهداري نموده و مخارج او را بدهد. و آن ديگري طفل را به همين عنوان نگهداري نموده و مخارجش را مي دهد. بعد از مدتي پدر طفل، طفل را از او مي گيرد. آيا نگهدارنده طفل، حق مطالبه مخارج طفل و مطالبه مزد نگهداري طفل را از پدرش دارد يا نه؟

بسمه تعالی، در فرض مرقوم مخارج را نمي تواند از پدر طفل مطالبه نمايد و مزد هم حق ندارد.

2. طفل به سني رسیده كه در حضانت پدر قرار گرفته است؛ مادر بچه مبلغی به پدر مي دهد تا اين كه حضانت بچه را به مادر واگذار كند و نيز مخارج بچه را مادر متعهد مي شود. آيا اين نوع قرارداد صحيح است يا نه؟ و در صورت صحت، لازم است و يا اين كه جايز و در صورت جايز بودن، اگر پدر به حضانت خود برگردد، آيا مادر هم حق مطالبه مبلغی را كه در مقابل حضانت، به پدر بچه داده بود، و همچنين مخارج طفل مشترك را دارد يا نه؟

بسمه تعالی، پدر مي تواند از تعهدی كه نموده برگردد و مادر حق رجوع به مخارجی كه نموده ندارد. و پولی كه به پدر داده اگر در مقابل واگذاري حق حضانت بوده، ملك پدر نشده و مي تواند از او مطالبه كند.

3. موقع طلاق، زن از شوهر خود مطالبه زحمت هايي را مي كند كه در خانه شوهرش كشيده؛ از قبيل پختن غذای شوهر، شستن لباس شوهر و نگهداري اطفال مشترك. به اين عنوان كه اگر مي دانستم شوهرم طلاق مي دهد، من از اول بدون مزد كار نمي كردم. آيا موقع طلاق، زن اين حق را دارد يا نه؟

بسمه تعالی، زن اگر زحماتی كه در خانه مرد متحمل شده، بدون مطالبه مرد يا به قصد تبرع انجام داده حق مطالبه چیزی در مقابل آن ندارد.

محضر مبارك آيت الله العظمى الامام خمينى، دام ظلّه على رؤوس المسلمين، بعد التحية والسلام، تقاضا مى شود پاسخ سؤال ذيل را مرقوم فرماييد.

آيا بعد از حكم قاضى به انفاق پدر نسبت به فرزندان، اگر انفاق نمود مى توان از او مقدار خرج شده را از باب نفقه گرفت يا چون امر به استدانه نبوده، نمى شود وصول كرد؛ حتى اگر خرج كننده برايش مشكل و در مشقت قرار گرفته باشد؟

دادستان كل كشور - يوسف صانعى

بسمه تعالی، وجوب انفاق پدر نسبت به فرزندان تكليف است و مخالفت آن معصيت است، لكن دين نمى شود و چنانچه خرج كننده به درخواست پدر خرج کرده باشد، پدر ضامن است و در غير اين صورت، ضامن نيست.

بسمه تعالی

هرگاه پدر نتواند مخارج اولاد را بدهد آيا بر مادر واجب است يا خير؟

بسمه تعالی، اگر اولاد جدّ پدرى و جدّ پدر و بالاتر نداشته باشند يا فقير باشند، بر مادر واجب است.

بسمه تعالی

با درود و سلام بر قائد بزرگ اسلام و مرجع تقليد شيعيان جهان، حضرت آيت الله العظمى امام خمينى، دام ظلّه، و با عرض پوزش و معذرت به پيشگاه رهبر انقلاب، امام خمينى، مدت سه سال و نيم است كه شوهرم مرا ترك کرده است و خرجى نداده است. شكايه كردم و دادگاه گفت: تقاضاى طلاق كن. و تمام جهيزيه من را هم جمع

کرده و به منزل مادرش برده است. نه حاضر است من را طلاق بدهد و نه حاضر است خرجی بدهد، حتی تهمت هم به من زده و معتاد هم هست. تکلیف من چیست؟ از شما تقاضا می‌کنم که به من رسیدگی نمایید. با نهایت تشکر و به امید پیروزی بیشتر

بسمه تعالی، رسیدگی موکول است به دادگاه مربوطه در جمهوری اسلامی.

[سؤال 10884] 6176

بسمه تعالی

1. اگر کسی مفقود الاثر شد و اموال منقول و غیر منقول هم دارد و اولاد کبار و صغار هم دارد که بعضی آن‌ها فقیر و بعضی دیگر غنی هستند تا وقتی که موت آن شخص معلوم نشده این اولاد از غنی و فقیر می‌توانند از اموال پدرشان ارتزاق و استفاده کنند یا خیر و بر فرض جواز تصرف، تمام اولاد اعم از اناث و ذکور و کبیر و صغیر باید به طور مساوی استفاده کنند یا به تفاوت و همچنین زوجه آن شخص. و در این صورت که جایز باشد تصرف اگر بعداً معلوم شد که آن شخص فوت شده که قهراً اموال منتقل به وراثت شده اگر هر کدام از ورثه زیاده‌تر از حق خود تصرف و استفاده کرده بودند باید برگردانند یا خیر و در صورت عدم جواز تصرف اگر صغار اولاد فقیر باشند از کجا باید ارتزاق کنند؟

بسمه تعالی، هر يك از کسانی که فقیر هستند و نفقه ایشان بر شخص مفقود الاثر واجب است با مراجعه به حاکم شرع می‌توانند به مقدار نفقه از مال او استفاده نمایند و غیر فقیر چنین حقی ندارد.

2. محارب و مفسد فی الارض فقط کسانی هستند که تجرید و تجهیز سلاح می‌کنند برای ترساندن مردم و ایجاد فساد در زمین یا اگر اشخاصی هم بدون تجهیز سلاح در کشور افساد می‌کنند - مثل قطاع الطریق و آن‌ها که سوء قصد نسبت به بعضی مقامات می‌کنند و آن‌ها که مردم را تحریک می‌کنند که بر ضد انقلاب اسلامی عملی انجام دهند - محارب محسوب می‌شوند؟

بسمه تعالی، محارب و مفسد دو موضوع است و تشخیص آن با محاکم صالحه است.

3. اشخاصی که مؤونه خود را بعد از يك سال می‌فروشند و احتیاج دارند که پول آن را تبدیل به مؤونه

ص: 399

دیگری که محتاج هستند بکنند و اگر بخواهند خمس آن را بدهند برای تحصیل مؤونه ای که لازم و احتیاج دارند آن چهار خمس بقیه وافی نیست برای آن ها و ناچار باید قرض کنند در این صورت خمس ساقط است یا خیر؟

بسمه تعالی، ساقط نیست.

[سؤال 10885] 6177

بسمه تعالی 1361 / 2 / 11

محضر مبارك مرجع عالی قدر، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران و امید مستضعفان جهان

احتراماً؛ ضمن عرض سلام و سپاس بی حد خداوند قادر متعال به خاطر کشف و خنثی نمودن توطئه دشمنان و همچنین به خاطر موفقیت رزمندگان جندالله در جبهه های جنگ و حماسه آفرینی آنان و سلام به روان تمامی شهدای به خون خفته و جاوید انقلاب اسلامی، استدعا دارم فتوای آن جناب در مورد نگهداری مادر مریض عاجز و پیر و بیوه ای که فاقد تحرک از پا می باشد و اکنون برای او زندگی سخت و دشوار است و احتیاج به مراقبت دارد بر عهده کدام يك از فرزندان است که از او نگهداری کنند؟

لازم به توضیح است:

1. این مادر مقدار زیادی موروثی از پدرش داشته که پسر بزرگ به طوری که سایر برادران و خواهران نفهمند از او گرفته و گفته که می باید تا آخر عمر از شما مادر نگهداری کنم و با این لسان، دارایی او را گرفته است.

2. يك عدد دستبند طلا و چیزهای دیگر مربوط به این مادر بوده که پیدا نیست. یکی از پسرها می گوید: دستبند طلا نزد من است ولی از استرداد آن خودداری می ورزد.

3. برادرها می گویند: هر ماه یکی از پسرها شبانه روز نزد مادر بمانند و از او نگهداری کنند. این کار برای من که در تهران و خانه به دوش هستم امکان ندارد و

ص: 400

نمی توانم کار و زن و بچه ها را رها کنم و به شهرستان بروم و نمی شود که مادر مریض و عاجز را در تهران نزد خود بیاورم.
امیدوارم که با صدور فتواییه، بتوان به انجام وظیفه الهی و شرعی در مورد نگهداری مادر در مانده ای، ادای دین خود نماییم. در خاتمه،
طول عمر و سعادت و سلامتی آن رهبر عظیم الشان را از خداوند خواهانیم.

بسمه تعالی، بر اولاد پسر و دختری که تمکن اداره مادر را دارند، لازم است بالسویّه در اداره او بکوشند.

[سؤال 10886] 6178

بسمه تعالی

اگر شخص واجب النفقه حاضر نباشد نزد منفق بماند آیا باز هم انفاق واجب است یا نه؟

بسمه تعالی، ماندن نزد منفق شرط وجوب انفاق نیست مگر در زوجه در موردی که نشوز ثابت باشد.

ص: 401

كتاب طلاق

اشاره

ص: 403

بسمه تعالی

دختری در سنّ پانزده سالگی به عقد پسر عموی خود درآمد، ولی دختر می گفت پسر عموی من مرد نیست و با او همبستر نشده بود. این ماجرا در حدود يك سال طول کشید (در صورتی که این پسر بعد از جدا شدن از او با دختر دیگری عروسی کرد و صاحب بچه هم شد) ولی چون پسر راضی به طلاق دختر نمی شد پدر دختر برای طلاق دختر خود به داسرا مراجعه کرد - البته در زمان طاغوت - و پدر دختر به پسر گفت من به شما پولی خواهم داد که طلاق دختر مرا بدهی، ولی بعد از این که کارهایشان را درست کردند و پسر را راضی به طلاق دختر کردند پدر دختر پولی به پسر نداد، و در غیاب پسر طلاق دخترش را گرفت، و پسر هم گفت: من به این طلاق راضی نیستم. بعد از این که سه روز از طلاق دختر گذشت دختر را به عقد جوان دیگری درآوردند. حال بفرمایید با این که قرار بود پسر پولی از پدر دختر بگیرد و بعد در دادگاه حاضر شود و طلاق دختر را بدهد آیا این عقد درست است یا نه؟

بسمه تعالی، اجرای صیغه طلاق اگر با اجازه شوهر نبوده باطل است، و

زناشویی به حال خود باقی است. و عقد دّوم باطل و زن بر آن مرد حرام است. ولی اگر در حین طلاق شوهر آن را اجازه داده طلاق صحیح است و نارضایی بعد از طلاق اثری ندارد.

[سؤال 10888] 6180

بسمه تعالی 1361 / 3 / 26

پیرمردی دارای دوزن است که یکی از آن دوزن تا حدودی جوان است و بین آن ها مدّت هشت یا نه سال اختلاف است. در این زمینه رجوع به دادگاه مدنی خاص نمودند و زن حاضر به تمکین شده و مقرر گردید که زوج طبق معمول منطقه، نفقه او را تأمین کند ولی زوج به تعهد، عمل نکرده و با توجه به عجز و ناتوانی شوهر از پرداخت نفقه و این که از نظر ایفای زناشویی نسبت به زن دّوم توانایی کافی ندارد، زوجه خواستار طلاق از دادگاه مدنی خاص شده ولی زوج حاضر به طلاق نیست. آیا حاکم شرع می تواند بعد از ابلاغ طلاق به زوج، او را وادار کند به طلاق (جبراً) و یا این که خودش صیغه طلاق را جاری نماید؟ لطفاً جواب مسأله را طبق فتوای امام بیان نمایید.

والسلام علی عباد الله الصالحین

بسمه تعالی، طلاق باید با اذن و رضایت شوهر باشد.

[سؤال 10889] 6181

بسمه تعالی

قبل از این که باعث تضییع وقت بشوم بی نهایت سپاسگزارم که به سؤال های فدوی پاسخ داده شود.

1. با کسب اجازه - آیا زنی که در زمان طاغوت به واسطه اختلاف با شوهرش به دادگاه مراجعه و به وسیله دادگاه حکم طلاق صادر شده و بدون اجازه شوهرش محضر رسمی او را طلاق داده با حکم دادگاه و با دیگری ازدواج نموده ازدواج او

ص: 406

صحیح است یا خیر؟ در صورت نادرستی ازدواج تکلیف آن زن و مرد چیست؟

بسمه تعالی، طلاق بدون اذن و وکالت از شوهر باطل است و در این صورت ازدواج دوم باطل و اگر دخول شده حرمت ابدیه ثابت است.

2. بر فرض مذکور در مسأله فوق بچه ای که از چنین زن و مردی متولد شده چگونه است؟ و آیا بر عمه و مادر پدرش محرم است یا خیر؟ و همچنین اگر دختر باشد، عمو و پدر بزرگ بر او محرم می شوند یا خیر؟

بسمه تعالی، با جهالت پدر و مادر حکم ولد حلال را دارد، و در هر صورت در محرمیت فرقی با سایرین ندارد.

[سؤال 10890] 6182

بسمه تعالی

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی امام خمینی

محترماً، به عرض می رسانم که در اثر نادانی و غلبه شیطان فی ما بین زن و شوهری نزاع شد و طوری شد که طرف شوهر و طرف زن هر دو به هم ریختند و زد و خورد به طول انجامید و کار به دادگاه کشیده شد. هر کدام از طرفین يك وکیل داشتند و وکلای آن ها کشمکش کردند، تا کار به طلاق انجامید و چون بنا بود پدر زن و شوهر خواهر زن به زندان بروند، به گفته وکلا، زن قسمتی از مهریه را گرفت و قسمتی از آن را بخشید. بعد از مجلس طلاق، در بین راه شوهر گفت که مردم شاهد باشید که من زخم را می خواهم، و زن هم بنا به فحش دادن کرد. مرقوم فرماید که این مهر و طلاق درست است یا خیر؟ و شرایط سه طلاق را شرح فرماید.

بسمه تعالی، طلاق بدون اذن یا وکالت از شوهر، باطل است و در صورت اذن، اگر گذشت مقداری از مهر در مقابل اصل طلاق نبوده، طلاق رجعی است و با رجوع مرد در اثنای عدّه، زوجیت به حال اول برمی گردد و سه طلاق در يك مجلس بدون تخلّل رجوع، حکم يك طلاق را دارد.

ص: 407

3. اگر زوجه در رژیم قبلی مطلقه شود و زوج الآن ادعا می کند که طلاق، بدون اذن بوده، در صورت اثبات آیا طلاق قبلی باطل است یا نه؟

بسمه تعالی، طلاق بدون اذن شوهر باطل است.

6. اگر وکالت در دعاوی زناشویی به منظور ثبوت حقانیت یکی از طرفین، منجر به صدور حکم طلاق شد، وکیل شرعاً مسئولیتی در مفارقت دارد یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر طلاق، با وکالت از طرف شوهر باشد صحیح است و در غیر این صورت، باطل است.

2. اگر به زور و تهدید و کتک کاری، طلاق زنی را از شوهرش بگیرند، آیا آن طلاق صحیح است یا باطل؟

بسمه تعالی، طلاقی که با وکالت از طرف شوهر یا با اذن حاکم شرع نباشد، باطل است.

3. آیا اگر با حکم دادگاه زمان طاغوت، چنین مجرمینی بخشیده شوند و حکم خدا بلا اثر بماند، عیبی ندارد؟

بسمه تعالی، رسیدگی به این امور، مربوط به دولت اسلامی و محاکم قضایی است.

بسمه تعالی

طلاق هایی که در رژیم گذشته توسط دادگاه های حمایت خانواده با حکم عدم

سازش انجام گرفته است، چه حکمی دارد؟

بسمه تعالی، اگر طلاق از روی اکراه زوج واقع شده یا بدون اذن او بوده، صحیح نیست.

[سؤال 10896] 6308

5. زن هایی که از شوهر خود به زور حکومت طلاق می گیرند به شوهر دوم حلال است یا حرام، اولاد از آن ها حلال زاده است یا نه؟ شما بیان فرمایید.

بسمه تعالی، اگر طلاق از روی اکراه بوده صحیح نیست و بر شوهر دوم حرام است و در صورت شبهه، اولاد اولاد شبهه هستند.

[سؤال 10897] 6184

بسمه تعالی

محضر مقدس حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، رهبر انقلاب، مدّ ظلّه العالی

شخصی مدتی به واسطه ناراحتی ای که داشته و شب ها به وسیله خوردن قرص مقداری استراحت می کرده، در همین حالت و با همین ناراحتی ها عیال خود را طلاق داده و فعلاً به حالت طبیعی برگشته و قصد رجوع به عیال خود را دارد. آیا با آن شرایط که طلاق داده، صحیح بوده - که مجدداً باید عقد ازدواج بخواند - یا طلاق باطل بوده و احتیاج به عقد جدید ندارد؟

بسمه تعالی، طلاق اگر از روی قصد و اختیار و در حضور دو شاهد عادل با مراعات سایر شرایط مقررّه انجام گرفته، محکوم به صحت است؛ وگرنه اثر ندارد.

[سؤال 10898] 6261

2. در زمان طاغوت دختری با فشار پدر و مادرش راضی شده با مردی ازدواج کند و پس از مدتی با زور، از آن مرد طلاق گرفته و به عقد مرد دیگری درآمده. الآن از این مرد دوم، دو بچه دارد. آیا طلاق اجباری زن در زمان طاغوت اشکال دارد یا نه؟ ضمناً

ص: 409

موقع عقد دوم، زن مطلب را برای شوهرش نگفته.

بسمه تعالی، طلاق اجباری بر شوهر صحیح نیست و در این صورت، عقد بر شوهر دوم باطل است و بر او حرام ابدی شده است.

[سؤال 10899] 6185

بسمه تعالی

محضر حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، ضمن درود و سلام به آن امام و رهبر بزرگوار جامعه اسلامی، به عرض آن امام بزرگوار می‌رسانم که به مسأله ای برخورد کردم و از جواب آن، عاجز ماندم و از آن امام بزرگوار تقاضای جواب مسأله ذیل را دارم.

1. زنی چند سال در خانه شوهر خود، به عقد دائم بوده است و از آن مرد، بعد از هفت سال اولادی به وجود نیامده است. آیا این زن می‌تواند به اجبار، شوهر خود را مجبور به طلاق گرفتن از او بکند یا خیر؟

بسمه تعالی، زن حق ندارد مرد را مجبور به طلاق نماید.

2. کسانی که تمام سال، شغلشان مسافرت با ماشین می‌باشد؛ البته صبح می‌روند و غروب به خانه خویش بر می‌گردند و مسافت راه هم از ده فرسنگ تجاوز می‌کند، آیا دائم السفر محسوب می‌شوند یا خیر؟ نماز و روزه شان چه حالت دارد؟ آیا باید نماز را تمام بخوانند و روزه را تمام بکنند یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر شغلشان رانندگی یا به نحو دوره گردی است، نمازشان تمام است و در غیر این صورت، باید شکسته بخوانند.

[سؤال 10900] 6186

بسمه تعالی 1361 / 9 / 23

خدمت رهبر کبیر انقلاب و امید مستضعفان جهان حضرت امام خمینی دامت برکاته، با درود به امام امت و امت شهید پرور ایران

این جانب در سال 1351 پس از اتمام تحصیلات دانشگاهی در ایران برای ادامه تحصیلات عازم امریکا شدم و پس از پایان تحصیلات فوق لیسانس مدت شش سال

ص: 410

و نیم نیز در آن جا به کار در رشته تخصصی خودم (مهندسی شیمی) مشغول بودم در این مدت نیز در حد وسع و توان فکری و جسمی ام در خدمت مبارزه بر علیه رژیم طاغوتی پهلوی بودم و پس از انقلاب شکوهمند اسلامی مان نیز در تبلیغ و دفاع از آن کوشش می کردم.

در سال 1354 نیز با دختری از خانواده ای متین و ایرانی ازدواج نمودم و اکنون نیز دارای یک دختر 5 ساله می باشم اوایل سال گذشته برای دیدار به ایران آمدم و با توجه به این که پس از انقلاب همواره قصد بازگشت به کشور و خدمت را داشته ام تصمیم به ماندن گرفتیم پس از مدت کوتاهی در سازمان صنایع ملی ایران مشغول به کار شدم و اکنون نیز در این ارگان انقلابی مشغول به کار هستم. در اسفند ماه گذشته همسرم همراه با فرزندان برای سروسامان دادن به وسایل زندگی و خانه ای که در امریکا داریم به آن جا بازگشت تا پس از فروش خانه و غیره به ایران باز گردد.

متأسفانه پس از مدتی وی صراحتاً اعلام نموده است که به ایران باز نخواهد گشت علت این عمل وی بعضاً مسائل خانوادگی و بعضاً برآورده نشدن انتظارات وی پس از انقلاب و عدم درک صحیح از روند حل مشکلات پس از انقلاب می باشد.

علی ای حال وی از دادگاه امریکا تقاضای طلاق و عهده دار شدن سرپرستی فرزندان را نموده است و من مخیر بین ماندن در ایران و طلاق و یا بازگشت به امریکا و ادامه زندگی خانواده ام شده ام. با توجه به این مسأله که شخصاً هیچ گونه تمایلی برای بازگشت به سرزمین کفر ندارم و با بررسی هایی که از طریق وکیل انجام داده ام به احتمال 99 درصد سرپرستی فرزندان به همسرم واگذار خواهد شد و پیامدهایی که این امر در تربیت وی در آن سرزمین دارد تقاضا دارم حکم و وظیفه شرعی بنده را در طلاق همسرم و یا بازگشت به امریکا و حفظ خانواده ابلاغ فرمایید.

بسمه تعالی، اختیار طلاق زن با شوهر است و زن نمی تواند با جبر و اکراه از شوهر طلاق بگیرد.

بسمه تعالی

حضرت آیت الله العظمی، امام خمینی، مدّ ظلّه العالی رهبر انقلاب

یک زن سه مرتبه به کمیته رفته، از شوهرش شکایت کرده و شوهرش را زندان کرده و چند مرتبه قرص خورده، نزدیک به هلاکت رسیده و دست به وسایل خودکشی زده است و یک مرتبه فرار کرده، شب همراه مرد اجنبی در خانه اش به سر برده، بعد با مرد خدا نشناس عهد کرده که از شوهرش طلاق بگیرد و به او شوهر کند و هزار کارهای خلاف انجام داده؛ جبراً از شوهر طلاق می گیرد؛ آیا این طلاق صحیح است یا باطل؟ جواب بفرمایید.

بسمه تعالی، طلاق بدون اذن شوهر باطل است.

بسمه تعالی

محضر مقدس نایب امام، امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

این که شخصی از ترس جان خود، به جبر و اکراه شدید، نسبت به زوجه قانونی و شرعی خود اجباراً لفظ صیغه طلاق را بدون قصد معنا، توراتاً جاری کرده، آیا این طلاق صحیح است و خانم مذکوره جایز است شوهر دیگر اختیار کند یا خیر؟ واضح تحریر دارید تا کسی در گمراهی نیفتد. اجرکم علی الله.

بسمه تعالی، در صحت طلاق شرط است که علاوه بر قصد جدی طلاق داشتن، در حضور دو شاهد عادل باشد، و در غیر این صورت طلاق صحیح نیست و زوجیت به حال خود باقی است.

6. می گویند برای کسی که اولاد نمی شود او را طلاق بدهند بعداً عقد کنند، آیا باید شرایط طلاق را کلاً داشته باشد یا نه؟

بسمه تعالی، این حرف صحت ندارد و طلاق بدون شرایط باطل است.

ص: 412

بسمه تعالی

درود به رهبر کبیر انقلاب، امام خمینی

مسأله ای دارم: چهل روز بعد از عروسی، شوهرم در حادثه ای مرد. بعد متوجه شدم حامله هستم. بعد از هشت ماه خدا فرزند پسری عنایت کرد؛ فرزندم دو ساله شد. در اثر کوتاهی پدر و مادر به مردی که بیست سال زن داری کرده و اولادش نمی شود و جای پدر من بود شوهر کردم. با هزار ناراحتی و سختی در خانه این مرد، با این بچه بی پدر زندگی می کردم و تنها سرگرمی من بچه خودم بود و این بچه از این که در خانه ناپدیری بود خیلی رنج می برد و همیشه از خانه فراری بود، تارفت جبهه و در روز فتح خونین شهر شهید شد و پس از هجده سال، من مادر تنها ماندم و جای من شده بهشت زهرا، نمی دانم چه کنم؟ دلم بچه می خواهد. دلم می خواهد یا بچه دار شوم یا در خارج از خانه، مانند سپاه یا بسیج، خود را سرگرم کنم و شوهر قبول نمی کند، چه کار کنم چون خیلی ناراحت هستم و تنها. شب و روزهای سختی را می گذرانم. بسوزم و بسازم یا طلاق بگیرم و دنبال سرنوشت خود بروم؟ جواب مرا فوری بدهید؛ خیلی ناراحت هستم.

بسمه تعالی، تا شوهر با رضایت، شما را طلاق نداده باید به لوازم زن و شوهری عمل کنید، و بدون اذن شوهر نباید از منزل خارج شوید.

بسمه تعالی

محضر مبارک و محترم قائد عظیم الشان و رهبر بزرگ و محبوب اسلام، حضرت آیت الله العظمی الامام خمینی، مدّ ظلّه العالی و روحی فداه

با نهایت احترام، استدعا دارد: نظر مبارک را نسبت به طلاق که برابر قانون حمایت خانواده و تبصره 2 ماده 3 قانون مدنی خاص و همچنین طلاق مربوط به قبل از قانون حمایت، که با توافق و تراضی زوجین و یا زوج، با توجه به این که زوجه در طهر غیر

ص: 413

موقعه و حین بصرح الطلاق است، واقع می گردد، ذیلاً مرقوم و مزین فرمایید، که عملی برخلاف شرع انور اسلام انجام نشود.

بسمه تعالی، طلاق اگر با رضایت زوج و شرایط معتبره دیگر واقع شده، محکوم به صحت است.

[سؤال 10906] 6191

بسمه تعالی

حضور مبارك امام سلام عرض می کنم، معروض می دارم:

من در رژیم طاغوتی به دنبال زنی می گشتم که پاک و مؤمن باشد، ولی بعد از عقد متوجه می شدم که یا خانواده اش خوب نیستند و یا ایراد می گیرند؛ لذا روابط ما تیره می شد و من هم او را طلاق می دادم؛ تا این که به تعداد 21 نفر رسید که فقط سه نفرشان عقد قانونی شدند؛ یعنی در شناسنامه وارد کردند و مابقی را همین که دفتردار می خواست وارد شناسنامه کند، عقد به هم می خورد و آن آقا هم ما را طلاق می داد. از این جریان الآن نزدیک به شش سال می گذرد، تا این که مطلبی راجع به طلاق در رساله شما دیدم و از امام جمعه ای که برای تبلیغ پیش ما آمده بود هم این مطلب را شنیدم که می گفت: اگر کسی در دادگاه رژیم سابق، زنی را طلاق داد، چون دادگاه غیرقانونی است، پس طلاق هم باطل است.

از آن مقام عالی درخواست می کنم نسبت به این جانب، تکلیف شرعیه را بیان فرمایید که آیا آن ها الآن همسر من هستند؟ آیا باید آن ها را طلاق بدهم؟ ضمناً من نمی دانم که آن ها کجا هستند و آیا شوهر کرده اند یا نه؟ و اگر بچه دار باشند، چطور؟ آیا در این میان، من مقصر هستم یا نه؟ من حتی خانه همه آن ها را هم دقیقاً نمی دانم کجا است، ولی دو - سه تای آن ها هستند و ممکن است - اگر به جایی نرفته باشند - آن ها را پیدا کنم. لطفاً مرا راهنمایی بفرمایید و مرا از این مشکل بزرگ نجات دهید. والسلام

بسمه تعالی، اگر طلاق، با رضایت شوهر با سایر شرایط واقع شود، صحیح است.

ص: 414

[سؤال 10907] 6192

بسمه تعالی 10 / 1 / 1362

محضر رهبر کبیر انقلاب اسلامی

بعد از انقلاب مشاهده می شود که مردانی بدون اجازه همسران خود، آن ها را بدون اطلاع طلاق داده و خیلی راحت سراغ زندگی دیگر می روند. لطفاً به این مسأله پاسخ فرمایید که آیا مردی بدون اجازه همسر خود می تواند وی را طلاق دهد؟

بسمه تعالی، اختیار طلاق در دست مرد است؛ ولی چنانچه در این باره در دولت اسلامی مقرراتی باشد، باید مراعات شود.

[سؤال 10908] 6193

بسمه تعالی

به نام الله پرورش دهنده روح الله درهم کوبنده منافقان

شوهرم با این دفعه دوبار می شود که بدون جهت و علت مرا طلاق داده است اما خواهش می کنم که مرا هرچه بیشتر راهنمایی فرما که شاید بتوانیم زندگی خوبی را دوباره داشته باشیم و این را نیز یادآوری کنم که من طلاق بگیر نیستم و تا آخر عمر هم که شده زجر می کشم ولی طلاق نمی گیرم. اما در آخر از شما رهبر عزیز معذرت می خواهم که در این موقع حساس مزاحمتان شدم ولی مجبور بودم و تقاضایی که دارم این است که هرچه زودتر جوابم را بدهید. منتظر جواب نامه می باشم. اما تکلیفم را در این موارد روشن کنید:

1. نمی توانم طلاق بگیرم چون علتی در طلاق گرفتیم نمی بینم.

2. گفته شوهرم این است که نمی توانم با تو زندگی کنم و نه علتی دارد و نه می تواند علتی را بگوید.

ص: 415

3. از بچه دار شدنم جلوگیری می کند.

4. شرطی که برای بچه دار شدنم می گوید آیا قبول بکنم یا نه و یا اینکه چه کار بکنم؟

5. در مورد این که آیا کار بدی می کنم که می گویم تا آخر عمر طلاق نخواهم گرفت و نمی توانم هم طلاق بگیرم؟

بسمه تعالی، لازم نیست طلاق بگیرید و برای بچه دار شدن می توانید گفته او را قبول کنید و اگر شوهر بخواهد بی جهت زن را طلاق دهد امر مکروه و مبعوضی را مرتکب می شود.

اعتبار حائض نبودن زن به هنگام طلاق

[سؤال 10909] 6194

بسمه تعالی 1361 / 3 / 30

محضر مبارک زعیم عالی قدر، امام خمینی

محترماً به استحضار می رساند: حدود شش سال است که ازدواج نموده ام و ثمره این ازدواج، یک پسر 4/5 ساله می باشد؛ سال گذشته به علت پاره ای از مسائل جزئی همسر را سه مرتبه طلاق دادم؛ طلاق سوم به این صورت انجام شد که قبل از این که پدر همسر و خودش به دفترخانه حاضر شوند، بنده فوراً با آقای که سر دفتردار دفترخانه مذکور می باشد تماس گرفتم و به ایشان عرض کردم: آقای... من راضی نیستم که همسر را طلاق بدهم لطفاً یک طوری قضیه را فیصله بدهید تا آن ها یعنی پدر خانم و خود همسر به خانه بروند؛ ایشان گفتند: بسیار خوب، شما بنشینید روی صندلی و کاری نداشته باشید؛ بنده هم طبق گفته ایشان عمل کردم، ولی متأسفانه با مراجعه آن ها به دفترخانه و پس از گفت وگوهای مختصر، فوراً طلاق را در دفتر ثبت کردند و وقتی که به امضا رسید، گفتند: تا امضا نکردید بیاید با هم کنار بیاید و زندگی

ص: 416

کنید که خانم و بنده در جواب گفتیم نه، دیگر نمی توانیم؛ بعد گفتند: پس این جا را امضا کنید و بنده و خانم هم امضا کردیم؛ بنده هنوز هم فکر می کردم که سردفتر دار دارد خانم را به این نحو می ترساند، ولی متأسفانه دیدم به حرف بنده اصلاً توجه نکردند و طلاق را ثبت کردند و از خانم سؤال کرده بودند که آیا پاك هستيد يا خير؟ در جواب گفته بودند: پاك، در صورتی که طبق اظهار خودش که بنده بعد از مدتی سؤال کردم، گفت: به دروغ گفتم پاك هستم ولی پاك نبودم؛ لذا از محضر مبارك امام امت تقاضا می کنم ضمن اظهار نظر شرع مقدس اسلام، بنده را از این ناراحتی نجات دهید؛ چون بنده در حال عادی نبودم و آقای محضر دار هم فوراً در همان روز و همان لحظه بدون آن که خودداری کنند، طلاق را ثبت نمودند.

لازم به یادآوری است: شاهدینی که دفتر را امضا کردند، دو نفر خود آقایان محضری ها بودند و يك نفر پدر خانم و نفر چهارم، یکی از مغازه داران مجاور دفتر خانه.

بسمه تعالی، در فرض مرقوم، طلاق باطل است؛ در صحت طلاق، شرط است از ابتدا با وکالت صحیح از طرف شوهر باشد و زن پاك از حیض باشد و طلاق در حضور دو شاهد عادل انجام بگیرد.

[سؤال 10910] 6195

بسمه تعالی

حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران، مدّ ظلّه

زوج، زوجه عقیم و غیر یانسۀ خودش را پس از هفت ماه حد تربص و عدم مواجهه، به موجب حکم دادگاه مدنی خاص، طلاق غیابی داده است؛ بعداً زوجه ادعا می کند که در روز اجرای صیغۀ طلاق، او حائض بوده است، ولی زوج این ادعا را تکذیب می نماید. با فرض صحت ادعای زوجه و با توجه به عقیم بودن او و تربص هفت ماهه، این طلاق چگونه می باشد؟ آیا این طلاق شرعاً صحیح است یا باطل؟

ص: 417

استدعا می شود جواب صریح این مسأله را بیان فرمایید که مورد حاجت است. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، طلاق در ایام عادت زن باطل است؛ ولی به مجرد ادعای زن بعد از وقوع طلاق، حکم به بطلان طلاق نمی شود، مگر زن دعوی خود را به وجه شرعی اثبات نماید.

[سؤال 10911] 6196

بسمه تعالی 1361 / 1 / 16

دفتر محترم امام خمینی، دام ظلّه

مردی زوجه خود را در سه نوبت طلاق داده و رجوع کرده و به ثبت رسیده، فعلاً زوجه ادعا می کند که در طلاق دوم و سوم در حال عادت بودم و پاک نبودم و اگر به صاحب دفترخانه گفتم پاک هستم اشتباه گفتم فعلاً یقین دارم که در حال طلاق پاک نبودم لذا بعد از طلاق سوم بدون عقد با شوهر خود آمیزش کرده و فعلاً هم با هم هستیم حال از آن دفتر محترم تقاضا می شود مرقوم فرمایید ادعای زن مسموع است و طلاقی دوم و سوم باطل است یا نه و عمل سردفتر و ثبت در دفتر چیزی را از نظر شرع ثابت می کند یا خیر؟ جواب مرقوم فرمایید.

بسمه تعالی، اگر زن یقین دارد که طلاق با شرایط نبوده آمیزش مانع ندارد، ولی چنانچه نزاعی در بین است قول مدعی صحت مقدم است.

[سؤال 10912] 6197

بسمه تعالی

حجت الاسلام، نایب الامام متّع الله المسلمین بطول بقائکم، به عرض عالی می رساند:

چه می فرمایید در این مسأله شرعیه که زنی از شوهرش طلاق گرفته و بعد از چند سال شوهر دیگری انتخاب می کند. پس از چند سال زندگی با شوهر دوم، در برخورد

ص: 418

با مسائل شرعیه، روزی آن زن به شوهر دوم اظهار می دارد که موقع طلاق شوهر اول، حیض بوده ولی طهارت در لحظه اجرای صیغه طلاق را شك دارد، و مجری صیغه طلاق که از او سؤال کرده پاك هستی یا خیر، به خیال این که طهارت از جنابت را می پرسد، گفته است پاك هستم. به مجری صیغه طلاق که حدود هفت سال از تاریخ طلاق اول می گذرد مراجعه می کنند؛ می گوید که چون من وکیل برای طلاق صحیح بوده ام و آن طلاق باطل است و به وکالت باقی هستم، دوباره در غیاب شوهر اول و بدون اذن مجدد، صیغه طلاق را اجرا می کند، که این طلاق دوم، در طهر غیر موقعه با شوهر دوم واقع می شود و زن هم عده نگه داشته و در این عده، با شوهر دوم مداخله ای نداشته اند. حال:

1. اظهار زن در عدم طهارت در موقع اجرای صیغه طلاق اول، با گذشتن حدود هفت سال اعتبار دارد یا خیر؟

2. طلاق دوم بدون اطلاع و اجازه دوباره شوهر اول صحیح است و وکیل به وکالت باقی بوده یا خیر؟

3. زن، جاهل به مسأله بوده و مرد (شوهر دوم) هم اطلاعی نداشته. آیا این زن به شوهر دوم حرام مؤبد است یا خیر؟

4. تکلیف مهریه شوهر دوم چیست؟

5. تکلیف فرزند شوهر دوم چیست؟

در پایان، اگر شوهر اول از ماجرا اطلاع حاصل کند که زن و فرزند دیگری هم دارد، ممکن است فتنه ای حاصل شود و حاضر به دادن وکالت مجدد برای طلاق دوم نشود. به طوری که زن اظهار می دارد، شوهر اول گاهی هم مشروب می خورده است.

بسمه تعالی، در فرض مذکور، طلاق اول محکوم به صحت است و ادعای زن اثر ندارد و زوجیت برای شوهر دوم به قوت خود باقی است و مهریه، ثابت و فرزند، حلال زاده است.

حضور محترم حضرت آیت الله العظمی، نایب الامام، امام خمینی، لطفاً به این دو سؤال جواب مرحمت فرمایید.

1. مسأله و مشکلی که برای حل آن از شما یاری می خواهم، درستی یا نادرستی طلاق است که هشت سال پیش واقع شده است.

روز قبل از این که برای طلاق برویم، ششمین یا هفتمین روز از حیض من بود و من آن موقع پاك شده بودم، اما صبح فردای آن روز که می خواستیم برای طلاق برویم، من مختصر لکه ای دیدم و به احتمال قریب به یقین، این آخرین لکه بود و من بعد از آن دیگر پاك بودم. آن روز بعد از رفتن به دادگاه و محضر - که چند ساعت هم از صبح که این لگه را دیده بودم گذشته بود - طلاق واقع شد. نمی دانم چه ساعتی از آن روز صیغه طلاق خوانده شد؛ چون که پیش روی ما نبود، اما اگر تصور کنیم که همان وقتی که در محضر از پاکی من سؤال شد، صیغه خوانده شده باشد، من به احتمال زیاد پاك بودم. اما این شکی که حال دارم، از آن جا ناشی می شود که یادم نیست که من آن موقع، یکی از شروط درست بودن طلاق که پاکی زن از حیض است را می دانستم یا نه، و شاید اگر می دانستم، حالا این مسائل برای من به وجود نمی آمد.

شکی که در این موضوع دارم، دو مورد است:

الف. ممکن است از لگه ای که صبح دیده بودم کاملاً پاك نشده بودم. این احتمال، از يك درصد بیشتر نیست؛ چون اگر پاك نبودم متوجه می شدم، اما چون آن روز واریسی نکردم، حالا این شك در من پیدا شده است (این شك تازگی ها به ذهن من خطور کرده).

ب. ممکن است که باز هم لك دیده باشم و چون به مسأله وارد نبودم، اهمیت ندادم. این احتمال هم از يك درصد بیشتر نیست. این هم شکی است که به واسطه

ندانستن مسأله پاکی زن به وجود آمده. حالا هم که بیش از هشت سال از آن زمان می گذرد، احتمال این که موقع طلاق پاك نبوده باشم را بیش از يك درصد نمی دانم. اما چون آن موقع لزوم پاك بودن را نمی دانستم، حالا خود نمی توانم يك قضاوت قطعی بکنم. حال از جناب عالی می پرسم: آیا طلاق درست است؟ اگر درست نیست چه باید کرد؟ متشکرم؛ والسلام

بسمه تعالی، در فرض مرقوم، طلاق محکوم به صحت است.

2. مسأله دیگری که با شما در میان می گذارم، مسأله جادوگری و گره زدن زندگی اشخاص است. تا مدتی پیش فکر می کردم این چیزها خرافات است و هیچ کس قادر به انجام این کارها نیست. اما از يك روحانی آگاه و دانشمند شنیدم که بعضی از مردم که علم جادوگری دارند و به خواص اشیا آگاه هستند، قادر به انجام چنین کاری هستند و می توانند سرنوشت اشخاص را گره بزنند، و يك آیه هم از قرآن برای اثبات این موضوع آورد: (وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ). او همچنین می گفت که این کار حرام است؛ اما اگر آن ها واقعاً بتوانند چنین کاری بکنند، شخصی که زندگی او را گره زده اند، باید چه بکند؟ آیا او هم باید برای خنثی کردن گره، به جادوگر مراجعه کند؟

و غیر از آن، آیا قتل زدن به بعضی از امامزاده ها که برای گره زدن زندگی اشخاص است مؤثر است؟ گرچه آن شخص، گنه کار نباشد. بعد از فهمیدن موضوع جادوگری از آن روحانی، من فکر می کنم که این گره در زندگی خود من وجود دارد و کسی زندگی مرا گره زده است. خواهش می کنم در این باره هم مرا راهنمایی کنید. خیلی متشکرم

بسمه تعالی، رجوع به ساحر برای ابطال سحر مانع ندارد، ولی تنها احتمال، موجب جواز رجوع به ساحر نیست.

[سؤال 10914] 6199

بسمه تعالی 1361/9/13

دفتر امام و رهبر عظیم الشان، امام خمینی، مدّ ظلّه علی رؤوس المسلمین، خواهشمند است مسأله زیر را جواب مرحمت نمایید:

در مسأله 14 کتاب طلاق تحریر الوسیله آمده است: زن های مسترابه که به واسطه عوارضی حیض نمی شوند، باید از وقت مواقعه تا زمان طلاق، سه ماه فاصله شود و

ص: 421

بعد از آن، صیغه طلاق جاری گردد. بعضی از زن های شیرده به واسطه مررضه بودنشان حیض نمی شوند. آیا همچون زنی هم حکم مستترابه را دارد یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر به کلی حیض نمی شود، در حکم مستترابه است.

[سؤال 10915] 6200

بسمه تعالی 1361 / 4 / 2

حضرت آیت الله العظمی آقای خمینی، مدّ ظلّه العالی، رهبر عظیم الشان

زنی متولد به پنجم شهریور ماه سال 1311 شمسی و به ماه رجب سال 1351 هجری قمری در پانزده ماه فروردین سال 1361 در حال طهر واقع، مطلقه به طلاق ثالثه گردیده. در حال که عادت زنانه را فعلاً نمی بیند، آیا این طلاق سوم صحیح است که احتیاج به محلّ داشته باشد یا خیر؟

لطفاً جواب مسأله مورد نیاز است از لحاظ یائسه بودن و صحت طلاق و حرام بودن به شوهر.

بسمه تعالی، اگر محرز است که زن قرشیه نیست، در فرض سؤال، طلاق در طهر واقع، محکوم به صحت است.

وقوع طلاق توسط حاکم شرع در صورت حرجی بودن زندگی

[سؤال 10916] 6201

بسمه تعالی

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، دام ظلّه العالی، با درود به شهدای اسلام و با آرزوی موفقیت همه رزمندگان، به عرض می رساند که نامه قبلی را مترجم، کامل ننوشته بود، لذا با ارسال فتوکپی نامه قبل، مطالب ذیل را برای روشن شدن موضوع و دستورات مقتضی درج می نماید.

خواهری حدود دو سال قبل در دادگاه انگلیس، طبق قوانین جاری دادگاه انگلیس

ص: 422

طلاق گرفته و چون دادگاه تشخیص داد که پدر، شایستگی نگهداری فرزند را ندارد، برای تربیتش او را به مادر سپرده. به علاوه سه سال است که جدا از هم زندگی می کنند.

شوهر، از دادن طلاق شرعی خودداری می کند؛ چون می داند که زنش مسلمان است و طلاق به طریقه اسلامی را قبول دارد. شوهر در دادگاه انگلیس، طلاق را قبول کرده و طلاق داده، چون خود طبق قوانین جاری انگلیس می تواند دوباره ازدواج کند و دوباره هم ازدواج کرده، اما برای زجر دادن زن مسلمانش که می داند تا به طریق اسلامی، طلاق جاری نشود ازدواج نمی کند، حاضر به دادن طلاق نمی شود. با توضیح مطالب فوق، آیا امام به عالم لندن، سید شیخ الحسن رضوی برای خوجه شیعه جماعت اجازه می دهند که در غیاب مرد، طلاق زن را بگیرند و این خواهر را از گریه های شبانه روزی و ناراحتی مداوم نجات دهند؟

رئیس هیأت مدیره خوجه شیعه اثنا عشری جماعت لندن

بسمه تعالی، اگر مراتب مذکور صحیح است و ماندن زن، بدون شوهر موجب فساد یا حرج می باشد و زندگی کردن با این مرد نیز برای او حرجی است، مجازند طلاق بدهند.

[سؤال 10917] 6202

بسمه تعالی 1360/2/21

محضر رهبر عالی قدر حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، ارواحنا له الفداء

اگر زندگی کردن زن با شوهر، حرجی و غیر قابل تحمل باشد و در دادگاه مدنی خاص این موضوع احراز شود و شوهر زنی حاضر به طلاق دادن زن نباشد و اگر حاکم هم او را الزام کند ملزم نمی شود و اقدام نمی کند؛ آیا اجازه ولایی می فرمایید از طرف دادگاه حکم به طلاق چنین زنی بشود؟

بسمه تعالی، در فرض مذکور و احراز آن مجازند، ولی احتیاط را مراعات نمایند.

ص: 423

قم، دفتر استفتا حضرت امام خمینی

با نهایت احترام؛ این جانب مدت بیش از هفت سال است زن شرعی فردی بوده و فاقد اولاد می باشم. شوهرم در این مدت لقمه نانی را به حلال کسب نکرده و کارش قاچاق مواد مخدر بوده و هست و خود نیز معتاد به این مواد می باشد. از ایشان شکایت نموده ام و وی به تأیید آزمایشگاه بهداری به دستور دادگاه انقلاب اسلامی اهر معتاد به هرئین و تریاک شناخته شده است و مورد تأیید سپاه پاسداران و دادگاه انقلاب اسلامی اهر و تمام مراجع صلاحیت دار قانونی است. اینک کارد به استخوان رسیده و تقاضای صدور حکم طلاق نموده ام. مراجع قضایی می گویند: «حکم طلاق طبق قانون شرع اسلام بستگی به اراده مرد دارد». آیا اجازه می دهید شریک جرم مردی فاسد و دائم الخمر باشم و به نام شرع اسلام آبرو و حیثیتم را به خطر بیندازم. تقاضامندم به احترام مقام انسانیت و عدالت، نسبت به این موضوع به مراجع صلاحیت دار قانون قضایی شهرستان اهر، حکم استفتا را در مورد صدور طلاق و خلاصی از اسارت چنین مردی صادر فرمایند.

بسمه تعالی، رسیدگی به قضیه فوق منوط است به دادگاه های صالحه تا بر طبق ضوابطی که دارند عمل نمایند.

در اختیار شوهر بودن طلاق

بسمه تعالی

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، رهبر عزیز ایران و امید مستضعفان جهان دامت برکاته، امام بزرگوار، با عرض سلام

این جانبه که 22 سال سن دارم، در حدود 3/5 سال پیش، نامزدم در امریکا بود و

ص: 424

طبق وکالتی که به یکی از اعضای فامیل داد، من را به عقد دائم خود درآورد. با توجه به این که لانه جاسوسی اشغال شد و دست امریکای جنایتکار رو شد، من هم موفق به رفتن نشدم؛ از آن جا که طبق شرع اسلام زن باید مطیع و مطاع مرد باشد، همسر من از امریکا اقدام کرده و مدارک لازم را برایم فرستاد و در مرداد 60 بر خلاف میل باطنی ام مجبور شدم به تبعیت از شوهرم، عازم فرانسه و بعد به آن جا بروم. در فرانسه خوشبختانه موفق به رفتن نشدم.

از طرفی شوهرم که آن قدر غریبه شده که احساس، عاطفه و دین را از یاد برده، تلفنی به من گفتم: من ایران بیا نیستم؛ تو اگر مرا می خواهی صبر بده، هر وقت راه باز شد بیا تا این جا با هم عروسی کنیم؛ آمدن و ماندن در ایران، دیگر به درد نمی خورد. من هم بعد از ساعت ها تفکر مجدداً به ایران آمدم. گفتم: مردی که انسانیت، ملیت، عاطفه و دین و ایمان را از یاد برده و در منجلاب امریکا غرق شده است، دیگر به درد نمی خورد. باز هم هرچه با او تماس گرفته و گفتم امام فرموده اند: ای ایرانی های خارج از کشور، مغزهای شما را امریکای جنایت کار غارت کرده؛ بیدار شوید، به ایران برگردید و به وطن خدمت کنید، به گوشش فرو نرفت. حالا که چند سال از عقد ما می گذرد و من هم نخواستم به امریکا بروم، تصمیم به جدایی گرفتم. البته پس از مشورت با خواهران مکتبی در مسجد، مجدداً با شوهرم تماس گرفتم و تقاضای ارسال وکالت نامه جهت طلاق کردم و ایشان امتناع کرد. بارها و بارها تلفن زدم و گفتم:

من هیچ چیز از تو نمی خواهم؛ همین طور که در ظرف 3/5 سال که همسر تو هستم اصلاً خرجی مرا نداده ای؛ حالا هم مردانه حاضر شو و مرا طلاق بده؛ ولی او همین طور مرا سرگردان کرد و جواب نداد و اقدام نکرد. من هم به دادگاه شیراز مراجعه کردم. گفتند: هیأتی از قم آمده برای رسیدگی به کارهای حمایت خانواده. نزد ایشان رفتم و جریان را در میان گذاشتم. ایشان پس از اظهار همدردی گفتند: متأسفانه قانونی در این مورد نداریم. من هم با توجه به رهنمودهای شما در اول انقلاب که فرمودید:

قوانین طاغوت تا زمانی که قانون جدید به تصویب نرسیده، قابل اجرا است، این مسأله را به هیأت اعزامی گفتیم؛ ولی ایشان گفتند: در این مورد فقط ولی امر هست که می تواند به شما کمک کند. بنابراین استدعای عاجزانه دارم دستور فرمایید: دادگاه طلاق مرا از این خودفروش و وطن فروش غرب گرا بگیرد. من دختری هستم که تنها چشم امید به دستورات شما دارم. يك ديپلم بيكارم كه پدری مريض و بيكار دارم. ترجیح می دهم ایمانم حفظ باشد و در وطنم بمانم و به این انقلاب خدمت کنم و هرگز وارد جهنمی به نام امریکا نشوم. ضمناً با این که خداوند در قرآن کریم به مصداق آیه شریفه (فَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ) صبرکنندگان را دوست دارد و با این که در دین و مکتب انسان ساز ما خودکشی تحریم شده است و از گناهان است، آن قدر زندگی به من تنگ شده که تصمیم به خودکشی دارم. تقاضا می شود به من کمک کنید.

بسمه تعالی، اگر عقد با شرایط و صحیح انجام شده، اختیار طلاق با شوهر است و خودکشی حرام است و بر شوهر واجب است نفقه را بدهد، مگر این که زن ناشزه باشد.

[سؤال 10920] 6205

بسمه تعالی

اگر مرد یا زن یا هر دو نشوز کنند و هیچ يك از مراتب رفع نشوز مؤثر واقع نشود، آیا می شود طلاق داد؟

بسمه تعالی، اختیار طلاق با مرد است و گاهی در بعضی شرایط، مجتهد عادل می تواند طلاق دهد، اگر اجبار زوج به طلاق میسر نباشد.

[سؤال 10921] 6206

بسمه تعالی 1361 / 1 / 24

محضر محترم حضرت آیت الله پسندیده دامت برکاته

احتراماً به عرض حضرت عالی می رساند که زنی شوهر کرده، هنگام وضع حمل

ص: 426

قادر به این کار نشده و زن ها جمع شده با دست بچه را از رحم مادر بیرون کشیده اند در نتیجه بچه قطعه قطعه شده، مادر نیز وضع بدی پیدا کرده طوری که دیگر قادر به زناشویی نیست؛ یعنی همبستر شدن شوهر با او غیر ممکن شده، حالا شوهر در صدد است که او را مطلقه کند آیا می تواند او را مطلقه کند، اگر می تواند وظیفه این مرد چیست؟ آیا آن زن می تواند غیر از مهریه چیز دیگری از شوهر مطالبه کند یا خیر؟ اگر می تواند به چه صورت است؟ لطفاً جواب را مرقوم فرمایید، قبلاً از لطف حضرت عالی سپاس گزاریم.

ضمناً یادآور می شود که این خانم قبلاً شوهر دیگری داشته و از شوهر قبلی بچه دار نمی شده است، ناگفته نماند که این قضیه در ده اتفاق افتاده است که فاقد هرگونه وسیله بوده.

عمرکم طویل وعدوکم ذلیل

بسمه تعالی، اختیار طلاق با شوهر است و در فرض مسأله مرد ضامن چیزی نیست.

[سؤال 10922] 6207

بسمه تعالی 17 / 1 / 1361

حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

زنی شوهری اختیار کرده که اهل پاکستان بوده و در ایران زندگی می کرده و چون ازدواج قبل از تصویب قانون حمایت خانواده بوده، در ضمن عقد خارج لازم، وکالت برای طلاق نگرفته و اکنون بیش از ده سال است که زوج به ایران نیامده و نفقه زوجه را هم نداده است. دادگستری نیشابور برای این زن گواهی عدم امکان سازش صادر نموده است. اکنون با توجه به این که زوج رضایت به طلاق این زن ندارد، حکم شرعی این زن را در صحت طلاق و عدم صحت بیان فرمایید.

بسمه تعالی، اختیار طلاق با شوهر است.

ص: 427

2. زنی هنگام ازدواج سالم بوده، پس از مدتی مریض یا دیوانه شده است. آیا شوهر می تواند او را طلاق گوید؟

بسمه تعالی، اختیار طلاق زن با شوهر است.

بسمه تعالی

خدمت رهبر بزرگوار، قدر قدرت، قوی شوکت، قلب امت، حضرت امام خمینی آیده الله تعالی، سلام علیکم

ای امام بزرگوار! پس از در ماندگی های بسیار زیاد و این طرف و آن طرف رفتن بالاخره توانستم محل شما را پیدا کنم و عرضی داشتم خدمت آن بزرگوار، من يك خاله دارم که حدود يك سال پیش با مردی که بسیار او را دوست داشت ازدواج کرد، اما پس از مدتی متوجه شد که این مرد، عقیم است و قابل بچه دار شدن نیست. وی موضوع را به ما نگفته و خود را می خورد و غصه دار است. دختری است که یتیم است و مادر خود را از دست داده، اکنون پس از يك سال ناراحتی های او زیاد شده، دختری عصبی، بد اخلاق و بدبین شده است. دکتر به او گفته که تو کاملاً قابل بچه دار شدن و باردار شدن هستی، اما شوهر تو هرگز بچه دار نخواهد شد، مضافاً این که دکتر به شوهر وی گفته است که احتمالاً سرطان نیز خواهی گرفت، خاله من بسیار کوتاه آمده و حتی حاضر شد که بچه ای را بیاورند و بزرگ کنند، اما شوهر وی این را رد کرده و به وی گفته است که باید با من بمانی و بسازی و بسوزی که آن نایب امام (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می داند که این ساختن نیست و سوختن است، شوهر وی با مسأله، بسیار احساسی و غیر عادلانه برخورد کرده است. و این دختر اکنون مریض است و ناراحت.

حال ای امام عزیز با توجه به قابلیت باروری این دختر و این که خانواده شوهر نازایی را به دختر به دروغ نسبت داده اند و خود شوهر نیز نازا و احتمالاً در آینده به تشخیص دکترها سرطان خواهد گرفت به نظر آن قوی شوکت آیا طلاق جایز است یا

خیر؟ و اگر جایز است آیا مرتکب معصیتی نخواهد شد؟

بسمه تعالی، اختیار طلاق در دست شوهر است و بدون اذن یا وکالت از او طلاق باطل است.

[سؤال 10925] 6209

بسمه تعالی

با سلام بر امام امت و روحانیت مبارز و شما برادران عزیز

خواهشمندم به این سؤال من از لحاظ شرعی جواب دهید. من به دختری علاقه داشتم و این علاقه دو طرفه بوده است و روزی که من به قصد ازدواج از آبادان رفتم آن جا، گفتند: يك هفته قبل عقد کرده است. حال آیا می توان از آن برادر تقاضا کرد خطبه عقد را پس بخواند؟ با وجود این که خود آن دختر به من گفت که با اکراه به عقد او درآمده است. متشکرم.

بسمه تعالی، اختیار طلاق با شوهر است و عرضه کردن طلاق بر زن شوهردار به منظور ازدواج با او پس از طلاق از شوهر، صحیح نیست.

[سؤال 10926] 6210

بسمه تعالی

محضر مقدس حضرت آیت الله العظمی الامام خمینی روحی لك الفداء

پس از عرض سلام، مردی با دختری ازدواج می کند و پس از گذشت چند ماه در موقع وضع حمل بر اثر ضربه ای که از ناحیه شوهر تعمداً بر وی وارد می آید دختر مزبور بی هوش شده و پس از چند ساعت که به هوش می آید دچار اختلال حواس گشته و نتیجتاً تا حدی شعور خود را از دست می دهد. حال بفرمایید علیرغم عدم موافقت اولیای دختر و با توجه به کمبود شعوری که در خود دختر وجود دارد، آیا آن مرد می تواند شرعاً او را طلاق بدهد؟ و آیا آن زن واجب النفقه آن مرد هست یا خیر؟

بسمه تعالی، گرچه اختیار طلاق با شوهر است، ولی اگر دولت اسلامی

ص: 429

مقرراتی در این باره دارد مراعات آن لازم است و اختلال حواس اگر از ضربه حاصل از دست شوهر ناشی شده، موجب ارش است و کسالت ذکر شده مانع از وجوب نفقه او بر شوهر نیست.

[سؤال 10927] 6211

بسمه تعالی 1361 / 2 / 29

محضر مبارك حضرت امام خمینی مدّ ظلّه، سؤال هایی بنیادی راجع به طلاق از نظر اسلام هست که برای حقیر بدون پاسخ مانده است، لذا از آن مرجع عالی قدر استدعا دارم راهنمایی بفرمایید:

1. از نظر اسلام حق طلاق با کیست؟

بسمه تعالی، اختیار طلاق با شوهر است.

2. اگر پس از دو سال که از ازدواج زن و شوهر می گذرد عقیم بودن مرد اثبات گردد آیا زن حق فسخ عقد را دارد؟ مسأله مهریه چه می شود؟

بسمه تعالی، حق فسخ ندارد و مهریه ثابت است.

[سؤال 10928] 6212

بسمه تعالی 1361 / 3 / 26

محضر مبارك رهبر انقلاب اسلامی ایران حضرت امام خمینی

زنی که شوهر او نفقه اش را تأمین می کند، ولی از نظر زناشویی شش ماه است که ارتباط با او را قطع نموده بر اثر بهانه جویی، و خود زوج اقرار دارد که من عمل زناشویی را انجام نمی دهم و زوجه لایحه ای تقدیم به دادگاه نموده و درخواست طلاق کرده. آیا طبق فتوای امام، حاکم شرع در صورتی که زوج، استتکاف از طلاق دارد می تواند طلاق زوجه را بدهد یا خیر؟

بسمه تعالی، باید شوهر به واجب خود عمل نماید و در صورت مراجعه زن به حاکم شرع باید او را الزام به عمل به وظیفه نماید و طلاق به دست زوج است.

ص: 430

مسئول محترم دفتر امام، سلام علیکم، محترماً به عرض می‌رسانم:

این جانب که در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مشغول خدمت می‌باشم، مسأله مهمی برای بنده در پیش است. که امیدوارم با راهنمایی و رهنمودهایتان که الهام گرفته از کلام پر بار قرآن و سخنان پر بار معصومین و منابع فقه و خصوصاً در زمان حاضر، با استفاده از نظرات مهم امام امت است، راه حل این مسأله را برای این حقیر بیان نمایید.

حدود چهار ماه پیش، بنده آمادگی خود را در ازدواج دیدم و با دختری ازدواج نموده‌ام که از جهت‌هایی در او ضعف است. بعد از چند مدتی که ازدواج نموده‌ام - البته تا حالا فقط عقد نموده‌ام، ولی نامزدم است، یعنی هنوز خانه پدرش است - به جای این که بیشتر با او انس و الفت پیدا کنم، بر عکس بی‌علاقه‌گی بنده بیشتر و بیشتر شد. و الآن این بی‌علاقه‌گی به حدی شدت گرفت که به هیچ عنوان نمی‌توانم خودم را قانع کنم و این مسأله، باعث وسوسه خاطر شده و حالا می‌خواهم نامزدم را طلاق بدهم و از او جدا شوم و این را می‌دانم که اگر روزی با هم ازدواج کنیم، آینده هر دوی ما جز بدبختی و شومی چیز دیگر نیست.

از شما می‌خواهم که بفرمایید آیا طلاق دادن و جدا شدن بنده از نامزدم از نظر شرعی چه حکمی دارد؟ لطفاً عاجزانه از شما می‌خواهم که این مسأله را کاملاً برای بنده بشکافید و توضیح بدهید.

ضعف‌های نامزدم: ضعیف‌الجثه بودن بی‌اندازه؛ بی‌اندازه نامتناسب بودن بنده با او از نظر اندام؛ ساده لوح بودن او؛ سابقه پدرش خوب نیست.

بسمه تعالی، اگر از جهات دینی اشکالی ندارید خوب است به زندگی مشترک ادامه دهید و به الطاف خداوند متعال امیدوار باشید و امور مزبوره، شما را نسبت به آینده مأیوس نسازد؛ و در هر صورت، اختیار طلاق با شوهر است.

بسمه تعالی

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی امام خمینی أدام الله ظلّه العالی، ان شاء الله

زنی مدتی است با مردش اختلاف دارد و تمکین نمی کند و بهانه اش گاهی این است که من با تو تفاوت سنی دارم و گاهی می گوید که تو عقیم هستی و من بچه می خواهم و گاهی آشکارا می گوید: من تو را نمی خواهم و وقتی که مرد به او می گوید: تو که سابقه مرا می دانستی چرا عقد شدی؟ می گوید: حالا پشیمان شده ام و نمی خواهم. مرد هم مدعی است که زن به هوس افتاده است و مرد در مقام توهین واقع خواهد شد و به هیچ قیمت حاضر به طلاق نمی شود. آیا زن در این صورت شرعاً می تواند با این بهانه ها طلاق بگیرد و چنین حقی به زن داده شده است یا نه؟

مستدعی است به طور واضح، حکم خدا را در این باره بیان فرمایید که موجب تشکر است.

بسمه تعالی، زن حق طلاق ندارد و اختیار طلاق در دست شوهر است و باید از شوهر تمکین کند و در صورت عدم تمکین، استحقاق نفقه و سکنا ندارد و مرد می تواند ولو با رجوع به دادگاه ها، او را وادار به تمکین کند.

بسمه تعالی 1361 / 5 / 26

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی نایب الامام، امام خمینی، مدّ ظلّه العالی، بعد از اهدای تحیت و سلام، در این مسأله شرعیة فرعیة چه می فرمایید؟

زنانی که شوهرانشان در کشور عراق زندگی می کنند و از دادگاه مدنی خاص جمهوری اسلامی ایران، تقاضای طلاق خلع می نمایند، باتوجه به این که به لحاظ جنگ تحمیلی و قطع روابط ایران و عراق، برای دادگاه مقدور نمی باشد که تقاضای زوجه را به اطلاع زوج برساند تا از نظر زوج آگاه گردد:

ص: 432

1. آیا در مورد فوق دادگاه می تواند بدون اطلاع شوهر، از قاعده لاضرر و قاعده لاضرر و قاعده لاضرر استفاده نموده و زوجه را مطلقه سازد؟

2. وظیفه دادگاه چیست؟

3. در مسأله فوق، زمانی که زوجه اظهار می دارد: غیر مدخوله بوده و در شروع جنگ، شوهرش را به خدمت سربازی در کشور عراق فراخوانده اند و زوجه را از کشور عراق اخراج نموده اند و زوجه از آن هنگام از شوهرش خبری ندارد، دادگاه در مقابل خواسته زوجه مبنی بر طلاق خلع، چه تکلیفی دارد؟

بسمه تعالی، اختیار طلاق با شوهر است و تا ثبوت طلاق از طرف شوهر یا فوت او باید صبر نمایند، اگرچه زوجه مدخول بها نباشد.

[سؤال 10932] 6216

بسمه تعالی 1361 / 10 / 23

پیشگاه مقدس رهبر انقلاب اسلامی و ولی امت مسلمان، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه

این جانب با مردی ناشناخته که حدود بیست سال از من بزرگ تر بود و خود را مسلمان معرفی می کرد ازدواج نمودم. چون به شغل دبیری اشتغال داشتم و تمام اوقاتم صرف تعلیم و تربیت شاگردان مدارس می شد، امکان درك خصوصیات اخلاقی و فطرت ذاتی او برایم فراهم نمی شد، تا این که کم کم متوجه شدم علاوه بر این که عقیم و قادر به داشتن اولاد نیست، از نظر اخلاقی و عقیدتی، فردی فاسد و منحط است؛ یعنی پدر و مادر و برادر و تمام فامیل او کلیمی و بهایی می باشند و حتی دایی او از رهبران فرقه بهاییه هستند. گذشته از این ها با چنین سن و سالی، لواط دهنده و به تمام معنا فاسد و غیر قابل تحمل است و حیثیت خانوادگی و شوون اجتماعی و شغلی من کاملاً در معرض خطر است. لذا با توجه به مندرجات شرایط عقدنامه و داشتن حق وکالت طلاق و نصّ صریح قانون مدنی و حمایت خانواده، با چشم پوشی از کلیه اثاثیه و وسایل شخصی خود، تقاضای طلاق نموده و به موجب حکم دادگاه در

ص: 433

سال 1358 خود را مطلقه نموده ام.

چون فرد موصوف، علاوه بر خصوصیات مشروحه، کلاش و اخاذ هم هست، برای این که بتواند ماحصل زندگی ده ساله مرا - که سه دانگ خانه مشترکی است - از دستم بگیرد، برای اجرای حکم دادگاه، در دفترخانه حاضر نشد، تا این که مراسم طلاق و اجرای حکم دادگاه، توسط نماینده دادستان وقت تهران انجام و به ثبت رسید. هر چند که طلاق فوق الذکر با داشتن حق وکالت از طرف شوهر و حکم دادگاه و حضور نماینده دادستان بوده است، چون شوهر در موقع ثبت واقعه طلاق حضور نداشته، استدعا دارد نظریه مبارک آن امام امت و ولی اعظم را مرقوم فرمایند که طلاق حاضر، از نظر شرعی و قانونی دارای اشکال است یا خیر؟

بسمه تعالی، خصوصیات مورد سؤال بر ما معلوم نیست؛ و طلاق اگر با اذن یا وکالت از شوهر واقع شده، صحیح و الا باطل است.

[سؤال 10933] 6217

بسمه تعالی 1361 / 6 / 28

حضور معظم حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مرجع تقلید و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، به عرض عالی می رساند:

عیال این جانب طبق تمایلات نفسی و هوس های جوانی، از این جانب درخواست طلاق داشته؛ چون با طلاق وی موافقت ننمودم، با اتهامات ناروای سیاسی مرا متهم کرده و درخواست طلاق نموده است. علی رغم تکذیب این اتهامات و اثبات کذب بودن آن، شعبه دوم دادگاه مدنی خاص، به استناد این اتهامات و بدون رضایت و موافقت من، اقدام به صدور حکم طلاق برای عیالم نموده است و عیالم نیز با این حکم، در محضر طلاق، خود را مطلقه کرده است.

1. اگر اتهامات سیاسی از دلایل طلاق نیست، ازدواج مجدد این زن چه صورتی خواهد داشت؟

2. از نظر مقررات شرع اسلام، در صورت ازدواج بعدی، روابط زوجیت با زوج در

ص: 434

حکم زناى محصنه مى باشد يا خير؟

3. اين جانب براى حفظ ناموس خود، در صورتى كه زوجه بخواهد شوهر كند، چه تكليف شرعى برعهده دارم؟

بسمه تعالى، اختيار طلاق با شوهر است و اتهامات موجب اجبار بر طلاق نمى شود، و هرگاه زن، وكيل از طرف شوهر در طلاق خود نباشد و طلاق از طرف شوهر يا به اذن او نباشد، باطل است و زوجيت به قوت خود باقى است و چنانچه زن بعد از چنين طلاقى با توجه به حكم شرعى آن، اقدام به تجديد ازدواج كند، ازدواج باطل است و مرد دوم بر او حرام مؤبد مى شود، و در صورتى كه بعد از چنين ازدواجى نزديكى انجام شود، حكم زناى محصنه دارد، و شوهر شرعى سابق حق دارد از چنين ازدواجى ممانعت كند.

[سؤال 10934] 5993

2. در صورت امتناع زوج از طلاق، اگر دادگاه صلاح را در متاركه بداند، آيا مى تواند بدون اذن زوج، زوجه را مطلقه نمايد يا نه؟ و اگر جواب منفى است، در چنين بن بست هاى طريق حلش چگونه است؟

بسمه تعالى، اختيار طلاق با شوهر است.

[سؤال 10935] 4106

2. در صورتى كه مردى از پرداخت نفقه و ساير حقوق زن خود امتناع ورزد و او را مورد ايذا و آزار قرار دهد و حاضر به طلاق هم نباشد حتى به طلاق خلع آيا حاكم شرع حق اجبار به طلاق و يا اجراى آن را دارد يا خير؟

بسمه تعالى، اختيار طلاق به دست شوهر است و حاكم شرع مى تواند در صورت مطالبه زوجه شوهر را وادارد كه حقوق زن را ادا نمايد و در بعضى موارد حاكم شرع مى تواند طلاق بدهد.

ص: 435

2. اگر زنی مدت بیش از هشت ماه در خانه شوهر نماز نخوانده باشد، شوهر می تواند او را طلاق دهد؟ اگر چنانچه می تواند، به چه صورت می باشد؟

بسمه تعالی، اختیار طلاق با شوهر است و تا ممکن است او را نصیحت و وادار به نماز کنند.

بسمه تعالی

محضر اقدس حضرت آیت الله العظمی نایب الامام، امام خمینی، متّع الله المسلمین بطول بقاء وجوده الشریف، با ابلاغ سلام و تحیات فراوان

اگر دختر در اول ازدواج مخالف باشد و اجباراً شوهر داده شود و بعد از مدتی قلیل بین این زن و شوهر اختلاف خانوادگی پیدا شود و زن در شکنجه روحی باشد و این شوهر از زنش برای همسایگان محل بدگویی نماید، آیا این زن شرعاً حق طلاق دارد یا خیر؟ تکلیف مذکور را روشن فرمایید تا باعث آبروریزی طرفین نشود. والسلام

بسمه تعالی، زن حق طلاق ندارد و لازم است طرفین، مراعات حقوق یکدیگر و وظایف شرعیه را بنمایند.

بسمه تعالی 1361 / 11 / 14

محضر مبارك رهبر كبير انقلاب اسلامی ایران، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

احتراماً؛ به استحضار می رساند: این جانب به علت اختلاف و عدم تفاهم اخلاقی با زوجه خود، بیش از سه سال است از همدیگر جدا زندگی می نمایم، بدون آن که مشارالیه را مطلقه نموده باشم. البته برای انجام طلاق، به مراجع قانونی مراجعه نموده ام. از طرفی دیگر، مبادرت به ازدواج با زنی مکرمه و عقیفه و علاقه مند به حسن

ص: 436

تفاهم کرده ام. همسر اولیه، برخلاف موازین شرعیه مدعی است که در صورتی حاضر به طلاق می باشد که مبلغی معادل ده برابر صداقیه به ایشان پرداخت نمایم. لذا بدین وسیله با استفتا از محضر مبارك جناب عالی استدعا دارم اعلام فرمایید:

اولاً: طبق مقررات شرع مقدس، ازدواج مجدد، نیاز به اجازه و اذن همسر اول دارد یا خیر؟

ثانیاً: آیا می توان زوج را در هنگام طلاق، محکوم و مجبور نمود که بیش از مبلغ صداقیه به زوجه پرداخت نماید؟

ثالثاً: آیا امکان دارد حق طلاق زوج را با عواملی - از قبیل پرداخت فی المجلس صداقیه و یا پرداخت چندین برابر صداقیه - محدود و یا دچار تزلزل نمود؟

بسمه تعالی، اختیار طلاق در دست شوهر است و زن بیش از صدق خود نمی تواند مطالبه کند.

[سؤال 10939] 6220

بسمه تعالی

در پاکستان، يك خانواده ای در شیعیان است که خانواده خوجه اثناعشری می باشد. این ها ما بین خودشان چند قانون وضع نموده اند که به سختی در اجرا می باشد این آقا مسأله اش این است که زنی دارد که او نمی خواهد با این آقا زندگی کند و سه و نیم سال است که از خانه او رفته و با پدر و مادر خودش زندگی می کند؛ و دادگاه خانواده تصمیمی راجع به این موضوع نگرفته است. لذا طبق قوانین خانوادگی نه می تواند طلاق بدهد و نه می تواند که به خانه خودش بیاورد. حال سؤال می کند که:

1. آیا اگر در این ایام، گناهی از بنده سر بزنند، به گردن خودش هست یا به گردن دادگاه و یا به گردن هردو؟

2. اگر از زنش گناه سر بزنند، این گناه به گردن پدر و مادرش هست یا به گردن خود زن یا به گردن هردو؟

ص: 437

3. در این حالات، فریضه بنده چه می باشد؟ می توانم طلاق بدهم یا خیر؟

بسمه تعالی، اختیار طلاق با شوهر است.

[سؤال 10940] 6221

بسمه تعالی

محضر عالی قدر، حضرت آیت الله العظمی حجة الله الكبرى، امام خمینی، دام ظلّه، با درود به شهدای اسلام و با دعای طول عمر برای آن رهبر و مرجع بزرگ جهان تشیع، خواهشمند است راجع به مسأله، فتوای جناب عالی را عنایت فرمایند:

زن شوهردار مسئولیت خودش را اهمیت نمی دهد و بدون اذن شوهر، نه فقط قدم از خانه بیرون می گذارد، بلکه بدون اذن شوهر به کشورهای دیگر، برای سیاحت مسافرت می کند. اگر شوهر می گوید: من راضی نیستم، می گوید: باشد تو راضی نباش، من به نظر تو اهمیت نمی دهم، ولی اگر شوهر می گوید: طلاق بگیر، زن حاضر نیست که طلاق بگیرد. در این مشکله، وظیفه شوهر چه خواهد بود؟ می تواند طلاق بدهد یا خیر، با توجه به این که زن مزبور، فرزندان خودش را طوری تربیت کرده است که آن ها برای نماز هم اهمیت قائل نیستند؟ ولکم الأجر و الثواب

بسمه تعالی، اختیار طلاق، در دست شوهر است.

[سؤال 10941] 6222

بسمه تعالی 1361 / 9 / 25

حضور با سعادت دفتر امام خمینی، دام ظلّه العالی، مشکلی به این ترتیب برای ما ایجاد شده است که تقاضامندیم از لحاظ شرعی به آن پاسخ گوئید:

چندی پیش خواهرم پس از اخذ دیپلم، قصد شوهرکردن داشت و خواهان شوهری بود اسلامی، متدین و صادق، که در این رابطه شخصی پیدا شد که جوانی از ده بود. پس از ملاقات، خواهرم به او مایل نشد، ولی او و اطرافیانش - از قبیل پدر و برادرش - از خصوصیات او مانند ایمان، سواد، شغل مناسب و اخلاق اسلامی و...

ص: 438

تعریف زیاد کردند و خود او نیز بسیار رفت و آمد کرد و در مورد دارایی اش مبالغه نمود، به طوری که خانواده ام فریفته شدند و به خواهرم در مورد قبول ازدواج فشار آوردند. خواهرم که از لحاظ اخلاقی و سنّی، تفاوت های زیادی را حسّ کرده بود، به هیچ وجه راضی نبود. تا این که بر اثر فشارهای فراوان این فرد و خانواده، در مقابل عمل انجام شده واقع شد و به اکراه، بر سر سفره عقد حاضر شد. پس از عقد، به زودی خصوصیات درونی شوهر معلوم شد و خواهرم فهمید که از لحاظ سنّ و شغل و سواد و امکانات و اخلاق و...، او کاملاً دروغ گفته است و سوابق خوبی نیز در ده ندارد و در مجموع، حرکاتی نشان داد که ناصداق بودن او را ثابت می کند. اکنون باتوجه به این که عروسی نشده است، خواهرم تقاضای اکید طلاق دارد؛ ولی در تمام جلساتی که گرفته شده، شوهر با دلایل غیر منطقی، از قبول طلاق خودداری می کند و این خودداری به خاطر علاقه نبوده، بلکه به خاطر فشار بر روی خواهرم می باشد. لذا باتوجه به این مسأله که خواهرم هرگز نمی تواند راضی به زندگی با این فرد شود و هیچ نقطه مشترکی هم با این فرد ندارد، لطفاً مرقوم بفرمایید: از لحاظ شرعی چگونه می تواند طلاق بگیرد؟

بسمه تعالی، اختیار طلاق با شوهر است. اگر زن، مایل به طلاق باشد، باید به هر نحو ممکن - ولو با بخشیدن مهر و یا مال دیگر - شوهر را راضی به طلاق نماید.

[سؤال 10942] 6223

بسمه تعالی

حضرت آیت الله العظمی امام خمینی

زن و شوهری پس از گذشت مدتی از زندگی مشترك متوجه می شوند که بچه دار نمی شوند.

1. آیا در صورتی که عیب از شوهر باشد، شرعاً زن حق دارد تقاضای طلاق نماید؟

ص: 439

2. آیا در صورتی که عیب از زن باشد، شرعاً زن حق دارد تقاضای طلاق نماید؟

بسمه تعالی، درخواست طلاق در هر صورت مانع ندارد، ولی اختیار طلاق با شوهر است.

[سؤال 10943] 6224

بسمه تعالی

محضر مبارك امام امت، حضرت امام خمینی، دامت برکاته

اگر روی موازین شرعی و قانونی، زوج، همسری دیگر اختیار کند آیا اختیار طلاق از دست زوج خارج می شود؟ منظور نسبت به زن اول می باشد.

بسمه تعالی، اختیار طلاق با شوهر است و با تجدید ازدواج، اختیار از دست او خارج نمی شود.

[سؤال 10944] 4070

2. خانمی که با رضایت خودش شوهر کرده و اکنون طلاق می خواهد آیا طلاق به دست مرد است یا زن؟

بسمه تعالی، اختیار طلاق با مرد است.

[سؤال 10945] 6225

بسمه تعالی

محضر مبارك رهبر کبیر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی، دام ظلّه العالی، با عرض سلام و درود فراوان، سلامتی وجود مبارك را از درگاه حضرت احدیت مسئلت دارم و مستدعی است احکام شرع مقدس اسلام را در مورد زیر اعلام فرمایید.

ازدواجی صورت گرفته بین پسر عمه و دختر دایی واجدالشرايط شرعی و ازدواج روی مطالعه کامل در وقت کافی و مطابق رضایت کامل زوجین و پدر و مادرشان و خانواده آن ها بوده صیغه شرعی جاری، عقدنامه عادی تنظیم و به امضای زوجین و

ص: 440

پدرشان رسیده و عمر ازدواج تا کنون مدت يك سال است و تا کنون هم غیر مدخوله است اکنون دختر تحت تأثیر و تحریک افرادی قرار و تحت عنوان این که اگر با فلان جوان ازدواج نمایی اعیان و اشراف تر است دختر را اغفال و از ادامه ازدواج سرپیچی می نماید با توجه به این که زوج جوان مسلمان و متعصب و از هر گونه فساد اخلاقی دور و مبرا و منزّه است آیا زوجه غیر مدخوله می تواند عقد و ازدواج را بدون رضایت زوج فسخ نماید یا خیر؟ اگر می تواند یا جبراً عقد را فسخ نماید از نظر مهریه تعیین شده و مخارج عقد چه صورت دارد؟ به امید پیروزی حق بر باطل.

بسمه تعالی، زن حق فسخ ندارد و تا شوهر او را طلاق نداده نمی تواند با دیگری ازدواج کند.

[سؤال 10946] 6226

بسمه تعالی

حضرت آیت الله العظمی امام خمینی

اگر زن و شوهری نتوانند با هم سازش کنند و به زندگی مشترك ادامه دهند و شوهر حاضر به طلاق دادن زن نیست، زن با چه شرایطی می تواند طلاق بگیرد؟

بسمه تعالی، اختیار طلاق با شوهر است.

[سؤال 10947] 6227

بسمه تعالی 1361 / 9 / 30

قم، دفتر آیت الله العظمی امام خمینی، روحی له الفداء

محترماً معروض می دارد: این کمینه، زنی هستم ایرانی الاصل و قبلاً در عراق ساکن بودیم و چند سال پیش در عراق شوهر کردم و پس از مدت يك ماه از شوهر جدا شدم؛ آن هم به سراغ من نیامده و طلاقم نداده است و مدت چهار سال در عراق بودیم. این بود که ما را در سال 58 به ایران سوق دادند و اکنون سه سال و نیم است که در دولت جمهوری اسلامی به سر می بریم و يك پدر پیرمردی دارم که آن هم از کار

ص: 441

افتاده است. من هم جوان هستم به سنّ بیست ساله و دلم می خواهد شوهر نمایم، شاید بتوانم با کمک شوهرم پدرم را هم اداره نمایم، که نه پدرم زیاد سختی بکشد و نه خودم - خدای نخواستہ - به راه نامشروع بیفتم. معظم له اجازه می فرمایند شوهر نمایم یا خیر؟ خواهشمند است برای خاطر رضای خدا تکلیف این کمینه را روشن فرمایید.

بسمه تعالی، اگر شوهر اول شما را طلاق نداده، حق ندارید شوهر کنید و باید عفت خود را حفظ کنید، و اگر شکایتی دارید، به دادگاه های صالحه مراجعه کنید تا اقدام مقتضی بنمایند.

[سؤال 10948] 6228

بسمه تعالی

مجتهد اعظم مرجع اعلی آیت الله العظمی امام خمینی مدّ ظلّه العالی

لطفاً راجع به مسائل ذیل فتوا مرحمت فرمایید.

1. در انگلستان بعد از نزاع بین زن و شوهر اگر هر دو تا دو سال جدا و علی حده زندگی کنند شوهر، زن خودش را در دادگستری طلاق می دهد طبق دستور دولت، اما آن طلاق در اسلام تحقق نمی گیرد. بدین وسیله طبق قانون مملکت مرد می تواند زن دیگر را در ازدواج در بیاورد، اما زن نمی تواند شرعاً شوهری را بگیرد. مرد برای انتقام عمداً زن را شرعاً طلاق نمی دهد و اذیت می کند. آیا اجازه است در همچنین مواقع از طرف حاکم شرع بعد از طلاق دولتی از طرف شوهر، صیغه طلاق جاری کنیم تا این که زن نیز آزاد شود؟

بسمه تعالی، طلاق بدون اذن یا وکالت از شوهر باطل است.

2. آن طوری که شنیده ایم در اکثر شهرهای انگلستان آب کثیف و غلیظ و نجس از خانه های يك جا جمع می شود و از آن کود در می آورند، سپس در آن آب دارو مخلوط می کنند و همان آب را در لوله ها برای مصارف در خانه ها پس می دهند و این آب را با آب دریا یا جوی مخلوط نمی کنند فقط مگر آب باران بر آن آب ببارد و الا هیچ، مصرفش شرعاً چه حکم دارد؟

ص: 442

بسمه تعالی، اگر آب است بر فرض نجس بودن با بارش باران بر آن با شرایط پاك می شود و مصرفش مانع ندارد.

3. هر چیزی که در انگلستان در قوطی ها و غیر آن بسته بندی می کنند حتماً دست خورده اهل کتاب یا مشرک یا کافر است. در مثل چنین کشوری شیر و روغن و کره و نان فرنگی و بیسکویت و غیرها خوردن شرعاً چه حکمی دارد؟

بسمه تعالی، اگر یقین به ملاقات با بدن کافر با رطوبت مسریه نباشد محکوم به طهارت است.

4. پنیری که از مایه حیوانی که ذبح شرعی نشده درست می کنند، مثلاً پنیر کرافت و غیرها، خوردنش شرعاً چه صورت دارد؟

بسمه تعالی، اگر یقین به ملاقات پنیر مایه با جسم میت نباشد اشکال ندارد.

[سؤال 10949] 6229

بسمه تعالی 1361 / 9 / 29

محضر مبارك حضرت امام خمینی، دامت برکاته

پس از دعا و سلام، توجه شما را به عرایض زیر معطوف می دارم.

این جانب ساکن بندرعباس، مدت هجده سال قبل، عیالی اختیار نمودم و شش سال گذشت و بچه دار نشدم و مخارج زیادی هم متحمل شدم، ولی مفید واقع نشد. ناچار به خواستگاری دختر عمویم رفتم، اما آن ها اظهار داشتند که توزن داری، و بنده نیز شفاهاً گفتم که زنم را طلاق می دهم. با این حال قبول کردند و زن دوم اختیار نمودم. چندی گذشت و از زن دوم بچه دار شدم و اکنون که مدت دوازده سال از ازدواج دوم و هجده سال از ازدواج اول می گذرد، به شکر خداوند متعال، يك دختر و سه پسر از عیال دومم دارم. ناگفته نماند که مادر بچه هایم روز به روز فشارش بیشتر می شود مبنی بر این که باید زن اولت را طلاق بدهی. عیال اولم نیز حاضر به طلاق نیست. ناگفته نماند که عیال اولم محبت های زیادی به بنده و بچه هایم دارد و همین محبت ها باعث این شده که تا حال، بنده با همه ناراحتی ها سر کنم. به عنوان مثال: اجازه این که نزد زن اولم بروم ندارم و اگر چنین شد، مادر بچه ها به عناوین مختلف - از قبیل کتک زدن بچه ها یا بی توجهی و صحبت نکردن و قهرکردن - تلافی می کند و

ص: 443

اصرار دارد بر این که یا باید مرا طلاق بدهی و یا این که او را طلاق دهی؛ در غیر این صورت، خودم را آتش می زنم و می کشم و چندین بار هم دست به چنین کاری، از قبیل خوردن قرص زده است. يك بار هم کارمان به شهربانی کشید و پس از آشتی، دوباره همان برنامه را به شکل حادثتری دنبال کرد.

حال با توجه به عرایضم که به اختصار تحریر شد، از محضر آن امام بزرگوار استدعا دارم که مرا راهنمایی فرموده و حکم شرعی را درباره این فدوی صادر بفرمایید که چه کنم؟ والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، کارهایی که از زن دوم نقل کرده اید خلاف است و مشروع نیست و شما در طلاق هر يك از آن ها اختیار دارید و می توانید هیچ يك را طلاق ندهید.

وکالت زن در طلاق

[سؤال 10950] 6230

بسمه تعالی 17 / 3 / 1361

محضر مبارك آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی، با تقدیم احترام، معروض می دارد:

در صورتی که ضمن عقد ازدواج یا عقد لازم دیگر زوج زوجه خود را وکیل در طلاق کند؛ این وکالت قابل عزل می باشد یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر به نحو شرط نتیجه شرط شده که زن وکیل باشد، این وکالت قابل عزل نیست.

[سؤال 10951] 6231

بسمه تعالی 4 / 3 / 1361

سلام، امیدوارم که حالتان خوب باشد.

امام عزیز! من از آن نظر که به شما اطمینان دارم، این نامه را می نویسم. می خواستم

ص: 444

برایم بنویسید که شرایط طلاق چیست و آیا يك زن می تواند از شوهر خودش طلاق بگیرد؟ و اگر می تواند، چگونه و شرایط آن چیست؟ لطفاً تا آن جایی که ممکن است واضح بنویسید. من احتیاج دارم تا راهنمایی شوم؛ زیرا برایم مشکلی پیش آمده. بیشتر دوست دارم بدانم که يك دختر و یا يك زن چگونه می تواند از شوهر بی لیاقت خودش طلاق بگیرد؟ من برایم مشکلی خرد کننده پیش آمده که عذابم می دهد و دارد مرا به طرف مرگ می کشاند. با شخصی ازدواج کرده ام که مایه رنج دقیقه به دقیقه من شده و تحمل يك چنین کسی، آن هم در جوار خویش برایم مشکل است؛ بچه ای هم از او ندارم که مشکلی برای بچه بخواند پیشامد کند؛ فقط تا دیر نشده، من باید خودم را از این بند بلا رها سازم. من چند بار دیگر برای شما نامه نوشته ام ولی جواب دریافت نکرده ام. امید دارم این دیگر بی جواب نماند؛ کمر من دیگر خرد شده و توانم از دست رفته. خدا بر من گواه است که چه لجن زاری دارد مرا به کام خود فرو می کشد؛ من در آرزوی نجاتم، اما هنوز کسی برای نجاتم نیامده، اما منتظرم تا به گفته امام علی علیه السلام صبر، مصیبت ها را برایم برطرف نماید.

بسمه تعالی، اختیار طلاق با شوهر است و زن نمی تواند خود را مطلقه سازد، مگر از ناحیه شوهر، وکالت در طلاق داشته باشد.

[سؤال 10952] 6232

بسمه تعالی

دفتر حضرت امام لطفاً به سؤال زیر پاسخ فرمایید:

شوهری بی نهایت به همسرش علاقه مند است، ولی همسرش به عناوین مختلف بهانه جویی می کند و از خانه قهر کرده و به خانه پدرش می رود، شوهر مجبور شده وساطت کند او را به خانه بیاورد، يك بار که همسرش قهر می کند و به خانه پدرش می رود شوهر طبق معمول دنبالش می رود تا او را به خانه بیاورد، زوجه به خاطر این که راهی برای طلاق گرفتن باز کند شوهرش را مجبور می کند چنین تعهدی را بدهد.

ص: 445

شوهر اول زیر بار نمی رود بعد به خاطر این که همسرش را دوست دارد و به خاطر دو تا بچه مجبور می شود چنین تعهدی را در محضر بدهد که به همسرش کتک نزند و بد رفتاری نکند، در صورت تخلف زوجه می تواند خود را مطلقه سازد. زوجه از این تعهد بیشتر سوء استفاده می کند، بدون اجازه شوهر به خانه پدرش در قائمشهر رفته و از آن جا يك هفته به تهران خانه خواهرش می رود و اکنون زوجه تقاضای طلاق کرده و شوهر چون به همسرش و دو فرزندش علاقه مند است حاضر نیست او را طلاق بدهد. آیا از نظر شرعی زوجه می تواند خود را مطلقه سازد یا خیر؟

بسمه تعالی، به مجرد تعهد مزبور زن حق طلاق پیدا نمی کند.

[سؤال 10953] 6233

پاسخ استفتا: [نقل از صحیفه امام، ج 10، ص 387]

زمان: 7 آبان 1358 / 7 ذی الحجه 1399

مکان: قم

موضوع: حق طلاق برای زنان در صورت اشتراط

سؤال کننده: بانوان

[بسمه تعالی. حضور محترم آیت الله العظمی، امام خمینی - دامت برکاته

مسأله اختیار طلاق به دست مرد، موجب ناراحتی و تشویش خاطر گروهی از زنان مبارز ایران شده است؛ و گمان می کنند که دیگر به هیچ وجه حق طلاق ندارند. و از این موضوع افرادی سوء استفاده کرده و می کنند. نظر حضرت عالی راجع به این مسأله چیست؟]

بسم الله الرحمن الرحيم

برای زنان، شارع مقدس راه سهلی معین فرموده که خودشان زمام طلاق را به دست بگیرند، به این معنا که در ضمن عقد نکاح اگر شرط کنند که وکیل باشند در طلاق، یا بطور مطلق یا به طور مشروط، یعنی اگر مرد بد رفتاری

ص: 446

کرد یا مثلاً زن گرفت، زن وکیل باشد که خود را طلاق دهد، در این صورت هیچ اشکالی برای خانم ها پیش نمی آید، و می توانند خود را طلاق دهند.

از خداوند تعالی توفیق بانوان را خواستارم. امید است تحت تأثیر مخالفین اسلام و انقلاب اسلامی واقع نشوند، که اسلام برای همه است و برای همه نافع است.

7 ذی الحجه 99 / آبان 58

روح الله الموسوی الخمینی

[سؤال 10954] 6234

بسمه تعالی 1361 / 4 / 27

حضور رهبر عزیزتر از جانمان امام خمینی

1. آیا شرط کردن حق طلاق از طرف زن در حین عقد به صورت مطلق و مشروط جایز است یا نه؟

بسمه تعالی، اگر شرط وکالت در طلاق باشد صحیح است.

[سؤال 10955]

2. آیا فتوای منتشره در جراید مورخ 7 ذی حجه 1399 آبان ماه 58 در مورد حق طلاق بانوان مطابق با فتوای امام می باشد یا نه؟

بسمه تعالی، مطابق است.

[سؤال 10956] 6235

بسمه تعالی

آیا زوجه می تواند در هنگام عقد ازدواج، با شوهر شرط کند که در مواردی خاص، طلاق به دست او باشد؟

بسمه تعالی، اگر در ضمن عقد شرط کنند که زن از طرف شوهر وکیل باشد که در موارد خاصی خود را طلاق دهد، صحیح است.

ص: 447

3. در عقدنامه‌ها شرط ضمن عقد شده که اگر زوج بدون رضایت زوجه همسر دیگری اختیار نماید، زوجه وکیل و وکیل در توکیل غیر، بلاعزل باشد که خود را مطلقه نماید. حال اگر زوجه بدون عذر موجه از زوج تمکین ننماید و موضوع عدم تمکین در دادگاه به اثبات رسیده و منتهی به دادنامه قطعی بر عدم تمکین و نشوز زوجه صادر گردد و زوج بخواهد به علت عدم تمکین و نشوز زوجه ازدواج مجدد نماید و یا به علت مذکور ازدواج مجدد هم کرده باشد. زوجه می‌تواند با وکالت مأخوذه ضمن عقد خود را مطلقه نماید؟ یا این که وکالت مأخوذه در مورد ازدواج مجدد زوج، به علت عدم تمکین زوجه، از این امر (طلاق زوجه) مستثنا می‌باشد.

بسمه تعالی، اگر بنحو مطلق، شرط توکیل در طلاق شده، استثنا نمی‌شود.

بسمه تعالی

سماحة حجت الاسلام والمسلمين المرجع الاعلى آيت الله العظمى الامام الخميني دام ظلکم الشريف

لطفاً به دو سؤال ذیل پاسخ فرمایید:

1. بین زید و زنش مثلاً مشاجره و منافرتی بوده است و در مقام اصلاح بین این‌ها قراردادی شده است که اگر زید به حقوق شرعی به مطابق فتوای مقلدش حقوق زنش را ادا نکند زنش حق دارد خود را طلاق دهد یا شخص دیگری را وکیل نماید که او را طلاق بدهد در این صورت اگر زید از زنش بدی و نفرت و عدم میل قلبی دیده به قصد فرار از زنش به شهر دیگر رفته و نان و نفقه و حقوق دیگر زنش را ادا نکرده و چند سال به مسافرت گذرانده است و می‌گوید که زنم ناشزه است نان و نفقه و حقوق دیگر را حق دار نیست و نخواهم داد، در این صورت آیا وکیل می‌تواند آن زن معطله را طلاق بدهد و آن زن بعد از عده شوهر می‌تواند بکند یا خیر؟ جواب

ص: 448

مرحمت فرماید دمتهم عماداً للمسلمین.

بسمه تعالی، اگر او را وکیل کرده است که در صورت عدم رعایت حقوق زن شخصی زن را طلاق دهد وکالت صحیح است و وکیل می تواند زن را طلاق دهد.

2. وکیل مزبور در مسأله مذکور هرگاه کسی دیگر را وکیل و اجازت فرماید به اجرای صیغه طلاق در محضر عدلین و آن شخص ثالث مجاز صیغه طلاق را بخواند از طرف وکیل صحیح و درست می باشد یا خیر؟ جواب مرحمت فرماید.

بسمه تعالی، در صورتی که وکالتش مطلق باشد مانع ندارد.

[سؤال 10959] 6237

بسمه تعالی 1361 / 1 / 14

محضر مبارك رهبر كبير انقلاب اسلامي حضرت آيت الله العظمى امام خميني، مدّ ظله العالی

بیان فرماید که اگر زوجه با زوج شرط کند در طی عقد نکاح که اگر زوج عقیم باشد یا ترك خانواده کند یا محکومیت مثلاً به پنج سال زندان پیدا کند یا زوجه دیگری اختیار کند؛ وکیل بلاعزل از طرف زوج باشد که خود را مطلقه نماید. آیا این چنین شرط و اشتراط صحیح است؟ و آیا وکالت بلاعزل صحت دارد؟ چون وکالت خود از عقود جایز است.

بسمه تعالی، شرط وکالت در طلاق، برای زن در ضمن عقد مانع ندارد. و با اشتراط مذکور با رجوع زوج وکالت از بین نمی رود.

[سؤال 10960] 5976

2. در بعضی عقدنامه ها غیر از شروط چاپی مندرج حین عقد، شرط یا شروط دیگری بین زوجین منعقد می گردد؛ از آن جمله شرط می کنند: اگر زوج به زوجه، ظرف شش ماه از قرار ماهیانه يك هزار تومان نفقه نپردازد؛ زوجه به وکالت بلاعزل می تواند خود را مطلقه نماید. این شرط محقق می شود و طبق شرط مذکور، زوجه از

ص: 449

دادگاه درخواست رأی طلاق با اخذ مهریه یا بدون اخذ آن می نماید. دادگاه طبق وکالت سابق با عدم رضایت فعلی زوج، حکم طلاق صادر و زوجه مطلقه می شود. آیا با این کیفیت زوج حق رجوع به زوجه مطلقه - بدون رضایت زوجه - را دارد یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر طلاق رجعی است می تواند رجوع کند.

[سؤال 10961] 6238

بسمه تعالی 3 / 6 / 1361

دفتر محترم استفتای امام خمینی، دامت برکاتهم، بیان فرمایید:

در مورد عقدهایی که در زمان طاغوت جاری می شد که در ضمن عقد، اجازه طلاق به زن می دادند که اگر مرد مخالفت با یکی از مواد پنجگانه را نماید، اختیار طلاق به دست زن بوده باشد، آیا از نظر حضرت امام خمینی، مدّ ظلّه العالی اعتبار شرعی دارد یا نه؟ و آیا می تواند در صورت اعتبار، طلاق خود را بگیرد و مهر خود را کامل استیفا نماید؟ والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، اگر به وجه شرعی ثابت شود که در ضمن عقد، شرط شده زن در موارد به خصوصی، وکیل در طلاق خود باشد، می تواند در آن موارد در محضر عدلین، خود را مطلقه سازد و طلاق صحیح است.

[سؤال 10962] 5994

4. زوجه با زوج شرط کرده در صورت ثابت شدن یکی از موارد چهارده گانه مذکور در سند نکاحیه، از طرف زوج وکیل است خود را مطلقه نماید. آیا می تواند با بذل مقداری از مهریه خود را مطلقه نماید، یا باید تمام مهریه را بذل کند؟

بسمه تعالی، در فرض ثبوت حق طلاق برای زوجه، باید در اجرای طلاق طبق وکالت مشروطه عمل نماید.

[سؤال 10963] 5994

5. زوجین شرط کرده اند اگر چنانچه زوج محکوم به زندان شد و این محکومیت

ص: 450

مغایر با حیثیت و شؤون خانوادگی باشد، زوجه از طرف زوج وکیل و وکیل در توکیل غیر است، که خود را مطلقه نماید. زوج در سال 1359 در رابطه با اعتیاد به مواد مخدر دستگیر و محکوم به دو سال زندان شده و بعد از سه ماه با عفو از زندان آزاد می شود. الآن زن می تواند با ادعای این که محکومیت 3 سال قبل، مغایر با حیثیت و شؤون است، خود را مطلقه نماید یا خیر؟

بسمه تعالی، موارد مختلف است؛ اگر شرط وکالت در طلاق منوط به مجرد محکومیت زوج بوده، حق طلاق برای او ثابت است.

اعتبار تنجیز در صیغه طلاق

[سؤال 10964] 6425

3. زید زوجه خود را طلاق داده به شرط این که با هیچ کس ازدواج نکند. آیا این شرط، جایز است؟ و آیا طلاق صحیح است یا باطل؟ حکم الله را بیان فرمایید.

بسمه تعالی، طلاق، صحیح و شرط، باطل است و اگر تعلیق در طلاق باشد، طلاق باطل است.

طلاق و ازدواج به شیوه اهل سنت

[سؤال 10965] 6239

بسمه تعالی

1. ازدواج يك خانم شیعی با مردی سنی به نحوی که با روش اهل سنت انجام شود چگونه است؟

2. يك خانم شیعی با مردی سنی ازدواج نموده است (با روش اهل تسنن). قبل از ازدواج، خانم شیعی اصرار نموده که ازدواج بایستی به روش شیعه انجام شود، ولی آن را يك شرط قرار نداده است؛ درخواست او نیز تأیید و تضمین نشده است. شوهر وی

ص: 451

عازم کشور دیگری شده، ولی زن با وی نرفته است و درخواست طلاق نموده؛ شوهر نیز موافقت با طلاق خُلع نموده (البته پس از شش ماه مذاکره و بحث). برای طلاق دادن زن، شوهر پنج بار و در هر بار بیش از دفعه قبل درخواست پول نموده است و زن نیز با این درخواست موافقت نموده. در ملاقاتی که با هم داشتند قرار گذاشتند که روز بعد، پول پرداخت شود و مسأله خاتمه یابد و شوهر طلاق زن را بدهد. روز بعد، پول به وی پرداخته می شود و از او درخواست می شود تا طلاق را بدهد؛ او از این کار سر باز می زند و پول را نمی گیرد و طلاق نیز نمی دهد و می گوید: دیگر در این مورد حرفی نمی زند. خانم شیعی تمام مطالب فوق را به اطلاع عالم سنی که عقد این ها را انجام داده می رساند و آن عالم، طلاق را انجام شده اعلام نموده و زن را آزاد می داند.

وضع زن از نظر شرعی الآن چگونه است؟

3. اگر زن اکنون مطلقه تلقی می شود، آیا وظیفه او است که اکنون مرد را پیدا کرده و پول وی را بپردازد؟ (در صورتی که شوهر وی بیش از دو سال است که با وی تماس نگرفته است).

بسمه تعالی، اگر طلاق که واقع شده، از نظر مذهب شوهر صحیح است، شما باید آثار طلاق صحیح بر آن بار کنید و می توانید شوهر نمایید.

[سؤال 10966] 2006

5. در بعضی از بلاد مسلمین زن های شیعه را سنی طلاق می دهد، در صورتی که شرایط طلاق شیعه - مثل حضور عدلین و غیره - مراعات نمی شود، این طلاق چه صورتی دارد؟ و اگر زن احیاناً شوهر کرد، با جهل به مسأله، در هر دو صورت تکلیف چیست؟

بسمه تعالی، طلاق اگر با شرایط مقرر نباشد باطل است و زوجیت به قوت خود باقی است و چنانچه زن پس از چنین طلاقی شوهر کند ازدواج دوم باطل و حرام است، باید فوراً از مرد دوم کناره گیری کند.

ص: 452

بسمه تعالی

محضر حضرت آیت الله العظمی خمینی

اگر زن سنی شوهردار باشد يك نفر شیعه آن را بدزدد ببرد به جای دیگر و این زن از دین اهل سنت خارج شود و دین شیعه را اختیار کند این مرد شیعه می تواند این زن را برای خود عقد کند یا نه؟ شما امر بفرمایید.

بسمه تعالی، تا شوهر او، او را طلاق نداده بر دیگران حرام است.

حضور دو شاهد عادل هنگام اجرای صیغه طلاق

بسمه تعالی 1361 / 10 / 25

محضر مبارك حضرت مستطاب آیت الله العظمی امام خمینی مدّ ظلّه العالی

آیا شاهدین در مجلس طلاق لازم است که قصد استماع انشای طلاق را داشته باشند یا سماع و حضور عدلین در ایقاع طلاق کافی خواهد بود؟

بسمه تعالی، قصد استماع لازم نیست و حضور عدلین به طوری که بشنوند کفایت می کند.

3. اگر طلاق همسر در نزد دو نفر عادل انجام نشود و به صیغه عربی صحیح خوانده نشود باطل است؟

بسمه تعالی، باطل است.

بسمه تعالی

لطفاً پاسخ سؤالات ذیل را مرقوم فرمایید:

1. اگر دو نفر در زمان طاعوت از هم طلاق گرفته اند، آیا طلاق آن ها شرعی بوده یا باطل است؟

بسمه تعالی، اگر با رضایت و اذن شوهر در حضور دو شاهد عادل، طلاق واقع شده، طلاق صحیح است.

2. اگر در عده، مردی رجوع کند (حتی در نیت) و کسی نفهمد، آیا زن در قبال زندگی آینده خود مسئولیتی دارد؟

بسمه تعالی، رجوع، به مجرد نیت محقق نمی شود؛ و در فرض مرقوم، زن مسئولیتی ندارد.

3. اگر چند سال بگذرد و مرد دنبال زندگی برود، آیا زن باید تحقیق کند که آیا او در عده رجوع کرده و بعد دنبال زندگی برود؟

بسمه تعالی، لازم نیست تحقیق کند.

4. به طور خلاصه بنویسید: زنی که از شوهرش طلاق گرفته، چه مسئولیت هایی دارد و چه نوع تحقیقاتی باید انجام دهد و بعد دنبال زندگی برود؟

بسمه تعالی، اگر طلاق واقع شده، زن بعد از گذشت عده می تواند شوهر کند، مگر آن که به طریق شرعی ثابت شود که مرد در عده رجوع کرده است.

[سؤال 10971] 6243

بسمه تعالی

محضر رهبر عظیم الشأن انقلاب اسلامی امام خمینی، ادام الله ظلّه الشریف

زنی با شوهر خود مرافعه داشت. در محکمه دولتی عراق شوهر با رضایت خود طلاق داد. حال با توجه به این که محکمه دولتی، معمولاً به شرایط اجرای صیغه طلاق توجه نمی کند؛ به خصوص حضور عدلین در مجلس طلاق، آیا این طلاق درست است؟ و در صورتی که درست نباشد، تکلیف این زن چیست؟ با توجه به این که به هیچ وجهی به شوهر دسترسی ندارد؟ آیا حاکم شرع می تواند از طرف شوهر حسباً طلاق بدهد؟

بسمه تعالی، طلاق واقع شده از طرف شوهر و با اذن او محکوم به صحت است، مگر آن که زوجه یقین کند که طلاق در حضور عدلین واقع نشده

ص: 454

است. و در موردی که طلاق محکوم به بطلان باشد، اگر دسترسی به شوهر ندارد و نمی تواند صبر کند، به حاکم شرع مراجعه نماید.

[سؤال 10972] 2109

3. طبق دستور صریح علمای اعلام، کثر الله امثالهم، باید وقوع طلاق در محضر عدلین انجام گیرد. آیا محرز بودن عدالت عدلین برای ازدواج و طلاق دهنده لازم است یا خیر؟ در صورت لزوم، طلاق هایی که فعلاً در محاضر رسمی انجام می گیرد، زوج نه صاحب دفتر را می شناسد و نه از وجود عدلین اطلاع دارد، چه صورتی دارد؟

بسمه تعالی، اگر عدالت نزد مجری صیغه طلاق محرز است؛ آثار طلاق صحیح، مترتب است، مگر یقین داشته باشند که شاهد عادل نبوده است.

[سؤال 10973] 6285

2. چنانچه کسی بر حسب ظاهر با زنی ازدواج کند و بعداً معلوم شود که شهود در طلاق از شوهر قبلی عادل نبوده اند، آیا لازم است از همدیگر جدا شوند؟ و بچه های آن زن و مرد چه صورتی دارند؟

بسمه تعالی، در صورتی که فسق شهود معلوم شود، احتیاط لازم است؛ و با جهل پدر و مادر به قضیه، بچه ها حکم ولد حلال را دارند.

[سؤال 10974] 6244

بسمه تعالی

پیشگاه مقدس حضرت آیت الله العظمی، آدام الله بقاءه

1. هرگاه به نظر کسی که صیغه طلاق را اجرا می کند دو نفر عادل باشند، آیا در صحت طلاق کافی است یا خیر؟

بسمه تعالی، کفایت می کند؛ ولی کسی که علم به فسق شهود داشته باشد، نمی تواند ترتیب اثر بدهد بنا بر احوط.

ص: 455

2. هرگاه کسی که دفتر طلاق و ازدواج دارد، به لباس اهل علم باشد، در صورتی که در حدود هشت سال قبل طلاقی را با شرایطش انجام داده، آیا صحیح است یا خیر؟

بسمه تعالی، محکوم به صحت است، مگر علم به بطلان حاصل شود.

شرط در ضمن طلاق

[سؤال 10975] 6245

بسمه تعالی 1361 / 3 / 22

محضر مبارك رهبر كبير انقلاب اسلامي، حضرت آيت الله العظمى امام خميني، مدّ ظلّه العالی

زناني هستند كه شوهر، در گذشته طلاقشان داده و در طلاق نامه، طبق موافقتی كه بين زن و شوهر شده، مثلاً نوشته است كه در هفته، يك روز مادر بچه حق دارد كه بچه را از شوهر سابقش بگيرد و از صبح تا عصر پيش مادر باشد و عصر به پدر برگرداند؛ و يا اين كه در طلاق نامه نوشته كه مادر در هفته، يك بار حق ملاقات با فرزند خود را دارد. اگر اين گونه نوشته ها شرط باشد، آیا اين ها الزام آور است آیا شرط، در طلاق - كه ايقاع است - تصور می شود؟ چون آنچه كه ما خوانده و دیده ايم، شرط ضمن العقد را اگر عقد لازم باشد لازم الوفاء می دانند و اگر شرط نباشد و صرفاً يك تعهد باشد، در ضمن وقوع طلاق، آیا شرعاً بر زوج لازم است كه به اين تعهد عمل كند؟

بسمه تعالی، شرط مذکور نافذ نیست.

حكم شك در صحت وقوع طلاق

[سؤال 10976] 6246

بسمه تعالی 1982 / 6 / 4

خدمت رهبر انقلاب، امام خمینی

محترماً جهت مشورت و دستور قانونی از طرف آن رهبر مقتدر، و توصیه آیت الله

ص: 456

خلخالی - مقیم سانفرانسیسکو - اقدام به نوشتن این چند خط می کنم.

این جانب در هفت سال پیش، به عقد مردی در ایران درآمدم و بعد از پنج سال زندگی در امریکا و عدم توافق اخلاقی با شوهرم، مجبور به جدانشدن شدیم، و چون در آن موقع به هیچ مرجع قانونی شرعی راهی نداشتیم، مجبور به طلاق، طبق قوانین دولت امریکا شدیم، که صحت مدارك آن به تصویب آیت الله خلخالی رسید. ولی حالا بعد از دو سال، چون تصمیم به ازدواج مجدد گرفته ام و از آن جا که مفتخر هستم که مسلمانی لایق بوده ام، و همین طور به منظور این که شوهر سابق من بدون هیچ دلیلی حاضر به ظاهر شدن و یا امضای هیچ ورقه ای که از نظر شرع مقدس اسلام، قابل قبول باشد نیست، متوسل به درگاه آن سرور محترم شده ام. البته در ظرف این مدت دو سال، هیچ گونه نزدیکی نداشتیم و حتی تمامی این مسائل را با آیت الله خلخالی نیز در میان گذاشته ام و در این جا فقط دستور آن امام برای حل این مشکل لازم است. بدین منظور تقاضای رسیدگی سریع را از دفتر آن امام خواستارم.

بسمه تعالی، طلاق اگر در حضور دو شاهد عادل و در حال پاك بودن زن، غیر از طهر واقعه و با خواندن صیغه طلاق از طرف شوهر یا به وکالت از او انجام گرفته، محکوم به صحت است.

[سؤال 10977] 6247

بسمه تعالی 1361 / 2 / 27

زعیم عالی قدر و رهبر جهان اسلام آیت الله العظمی امام خمینی متع الله المسلمین بطول بقائکم الشریف

رهبر عظیم الشان، خانمی در تاریخ 12 / 11 / 60 شکایتی به دادسرای انقلاب علیه محضردار ازدواج و طلاق داده است مبنی بر این که در مرداد ماه سال 59 توسط شوهرم در محضر همین محضردار طلاق داده شدم، بعد از شش روز برای گرفتن رونوشت طلاق رفتم، به من گفت: دو هزار تومان بده تا رونوشت طلاق را به شما

ص: 457

بدهم، گفتم: چه پولی؟ من که مبلغ 270 تومان طبق قانون داده ام دیگر دو هزار تومان برای چه بدهم؟ جواب داد: تا دو هزار تومان پول ندهی رونوشت طلاق به شما داده نمی شود.

دادسرای انقلاب عین شکایت نامه را به دادگاه مدنی خاص فرستاد، من هم پرونده را در جریان قرار داده سردفتر مذکور را دعوت نمودم، در بازپرسی و تحقیق دادگاه اظهار داشت که چون شوهر این خانم قبل از اجرای صیغه طلاق، پشیمانی خود را از دادن طلاق در محضر اعلام نمود، لذا من صیغه طلاق جاری نکردم و برگ دفتر طلاق را که مربوط به این خانم بود باطل اعلام کردم. دلیل بر مطلب این است که من (سردفتر) برگ دفتر مربوط به این خانم را امضا نکرده ام، پس طلاقی صورت نگرفته است تا رونوشت به او بدهم.

دفتر طلاقش را به دادگاه طلب کردم، پس از ملاحظه دیدم برگ دفتر طلاق این خانم کتباً از هر جهت کامل است؛ یعنی شهود بر انجام طلاق شهادت داده اند و اثر انگشت زوجین در طلاقنامه منعکس شده حتی شناسنامه خانم مهر طلاق خورده است و نوشته شده است که به وسیله این جانب صیغه طلاق اجرا گردید. از جریان سؤال کردم سردفتر مذکور جواب داد: روند کار ما همین است، ولی صیغه طلاق را جاری نکرده ام. ضمن بازپرسی تعهد گرفتم که اگر در دفتر طلاق شما موردی پیدا شود که واقعاً طلاق صورت گرفته باشد. ولی در عین حال شما امضا نکرده باشید حاضرید محکوم شناخته شوید؟ جواب داد: بلی حاضرم، دفترش را بررسی کردم چند موردی پیدا شد که سردفتر مذکور طلاق داده است ولی دفتر و برگ طلاق نامه را امضا نکرده است. مطلقه ها را دعوت کردم ضمن تحقیق معلوم شد طلاق آن ها محقق است ادعای سردفتر دروغ و خلاف واقع است. از طرفی شوهر خانم را طلب کردم طی بازپرسی جواب داد: من او را طلاق نداده ام، بلکه در آن روز اصلاً در محضر طلاق نرفته ام و اثر انگشتی را که در دفتر طلاق منعکس کرده اند مال من نیست، دفتر را با

شوهر خانم به اداره تشخیص هویت فرستادم، پس از تحقیق و تطبیق مسئولین انگشت نگاری و تشخیص هویت معلوم شد، که اثر انگشت، مال خود شوهر خانم مذکور است و انکار شوهر بر خلاف واقع، و دروغ است، خلاصه تا جایی که به حکم مسئولیت شرعی و قانونی ام از هر راه و هر جهت تحقیق کرده ام برایم ثابت شده که سر دفتر انسان سالم و متعهد نمی باشد و از بررسی های مختلف که در این مدت چهار ماه و چند روز انجام داده ام هفتاد درصد احتمال می رود که سر دفتر مذکور آن خانم را شرعاً و قانوناً طلاق داده است ولی تا کنون قطع برایم حاصل نشده است.

رهبر جهان اسلام اماما، تکلیف این خانم با این وضع چیست؟ و وظیفه من که به عنوان مسئول دادگاه مدنی خاص ایفای وظیفه می نمایم چه می باشد و چه باید بکنم؟ تقاضا دارم تکلیف شرعی این بانورا طی دستور صریح برایم ارسال فرمایید.

بسمه تعالی، تا احراز طلاق شرعاً نشود آثار زوجیت باقی است.

[سؤال 10978] 6244

2. هرگاه کسی که دفتر طلاق و ازدواج دارد، به لباس اهل علم باشد، در صورتی که در حدود هشت سال قبل طلاق را با شرایطش انجام داده، آیا صحیح است یا خیر؟

بسمه تعالی، محکوم به صحت است، مگر علم به بطلان حاصل شود.

اقسام طلاق

[سؤال 10979] 6248

بسمه تعالی 1361 / 5 / 31

با سلام به حضور امام خمینی، مرجع محترم شیعیان، مسأله زیر را مطرح می کنم.

موردی پیش آمده در رابطه با طلاق يك زن و شوهر به صورت زیر:

در هنگام طلاق این زن، با توجه به وضعیت پیش آمده در موقع همبستر شدن، مدخوله شده؛ البته دُبُر و قُبُل، ولی بکارت ایشان باقیمانده است؛ و با توجه به باقیماندن

ص: 459

بکارت ولی مدخوله بودن، صیغه طلاق تحت عنوان «بائن» جاری شده است. آیا در این وضعیت پیش آمده، طلاق از نوع بائن است یا خیر؟

اگر بائن نیست، پس صیغه طلاقی که تحت عنوان بائن خوانده شده است، ولی شرایط بائن را نداشته، آیا به قوت خود باقی است و نوع آن خودبه خود تبدیل به رجعی می گردد، یا این که باید دوباره تحت نام مبارات یا خلع خوانده شود؟

در ضمن اگر طلاق فوق، رجعی تلقی گردد پس باید حق رجوع باشد، و آیا در این مورد که این زن مدخوله است ولی بکارت همچنان باقی است، رجوع این مرد نیاز به اجازه مجدد از پدر این خانم دارد یا خیر؟ در صورت نیاز بودن اجازه پدر، آیا باید عقد مجدد خوانده شود یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر اصل ازدواج با اذن پدر انجام گرفته، در فرض مرقوم، طلاق رجعی است و رجوع، نیاز به اجازه پدر ندارد و مادامی که عده باقی است می تواند رجوع کند و احتیاج به عقد ندارد.

شرایط محلل

[سؤال 10980] 6249

بسمه تعالی

1. زنی که مطلقه ثلاثه بوده و محلل هم با همه شرایط واقع شده، ولی وقت دخول انزال نشده و بعد از طلاق محلل و تمام شدن عده، به عقد شوهر اولی درآمده است - و در تحریر الوسیله، در اقسام طلاق، احتیاط واجب به اعتبار انزال فرموده اید - آیا عقد واقع شده شوهر اولی صحیح است یا خیر؟

بسمه تعالی، اکتفا به تحلیل مذکور، محل اشکال است و لازم است رعایت احتیاط بنماید.

2. در نماز مغرب، بعد از السلام علینا و در حین گفتن السلام علیکم، شك دو و سه کرد و بعد از تمام کردن السلام علیکم، يك ركعت موصوله خواند؛ بعد از تمام شدن این ركعت موصوله، یقین کرد موقع

ص: 460

شك، دو ركعت خوانده بود و با اين ركعت، سه ركعت تمام شده. نماز او صحيح است يا باطل يا حكم ديگري دارد؟

بسمه تعالی، در فرض مسأله، نماز صحيح است.

[سؤال 10981] 1157

3. در مواردی که دادگاه، زندگی زوجین را غیر ممکن تشخیص می دهد؛ بدون رضایت زوج حکم طلاق را صادر می کند. آیا طلاق رجعی است یا خلعی؟

بسمه تعالی، تابع این است که چه شرایطی موجود باشد و چه قسم طلاقی واقع شود.

احکام عده

عده فراق

[سؤال 10982] 6250

بسمه تعالی

آیا برای زنی که لوله های رحم او را ببندند و یا این که رحم وی را بردارند نگه داشتن عده طلاق واجب است؟

بسمه تعالی، واجب است.

[سؤال 10983] 6251

بسمه تعالی 14 / 7 / 1358

محضر مقدس آیت الله العظمی امام خمینی، متّع الله المسلمین بطول بقائه

پس از اهدای سلام، متمنی است مسأله ذیل را جواب مرقوم فرمایید.

زن هایی که عمل می کنند و رحم آن ها را بیرون می آورند و امکان حامله شدن و یا حیض دیدن ندارند اگر در سن «من تحيض» باشند، باید عده طلاق نگه دارند یا نه؟

بسمه تعالی، باید عده نگه دارند.

ص: 461

3. زنی بچه شیر می دهد؛ در حالت شیردادن به بچه، طلاق او چه صورت دارد؟ عده پیش از طلاق و بعد از طلاق او را مرقوم بفرمایید که چند ماه باید عده نگاه دارد؟

بسمه تعالی، شیردادن، مانع از طلاق نیست، و اگر حیض می بیند، عده وی سه طهر است و گرنه، در حکم مستترابه است.

4. شخصی زن خود را طلاق می دهد، در صورتی که شوهر از زن خود مدتی جدا است - مثلاً يك سال است شوهر در خانه خود یا شهر خود، و زن او هم در خانه پدر مثلاً، و این مدت يك سال هیچ گونه زناشویی نداشته اند - آیا بعد از طلاق، زن عده دارد یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر زن مدخول بها باشد عده دارد.

بسمه تعالی 18 ربیع الاول 1403 ق

حضور مبارك حضرت امام خمینی، مدّ ظلّه العالی، رهبر کبیر و دانشمند و اندیشمند انقلاب اسلامی، دامت برکاته، با نهایت احترام؛ به شرف عرض مبارك می رسانند:

کمینه زنی هشتم 42 ساله. مدت 23 سال در زوجیت مردی بودم که قبل از ازدواج با کمینه، با سه نفر زن دیگر هم ازدواج کرده و آن ها را طلاق داده بود؛ از هیچ يك آن ها فرزندی به وجود نیامده؛ همچنین کمینه هم در مدت 23 سال دارای فرزندی نشدم. لاعلاج در سال 61 از خانه و زندگی بیرونم کرد؛ مدت چهار ماه من در يك روستا بودم و همسرم در روستای دیگر، و هیچ گونه ملاقاتی نداشتیم. بالاخره پس از چهار ماه متارکه طلاقم داده؛ لذا پس از گذراندن سه طهر، طبق عادت معمول خودم که این سه طهر در مدت دو ماه بوده و نیز گذشت شش روز دیگر که جمعاً 66 روز بوده، با

مردی سید از سلاله رسول اکرم ازدواج نموده ام. متأسفانه شوهر قبلی ام روی اصل کینه توزی و عناد، در محضر علمای محل رفته و خلط مبحث نموده و اظهار داشته: کمینه در عده شرعی او بوده ام که ازدواج کرده ام؛ لذا اسباب مزاحمت کمینه را فراهم کرده و همسر دوم هم چون مردی آبرودار است، از کمینه جدا شده، بلا تکلیف مانده ام. لذا استدعا دارم مقرر فرمایند: حکم شرعی این مسأله را ذیلاً مرقوم فرمایند.

توضیحاً: مدت شش ماه و شش روز بوده که با همسر سابقم نزدیکی نداشته ام که شوهر کردم؛ در صورتی که نفقه ایام عده هم نگرفته بودم. بسمه تعالی، اگر سه طهر بعد از طلاق صبر کرده اید و بعد عقد نموده اید، عقد صحیح است و گفته شوهر اول که عقد در عده بوده اثر ندارد؛ و برای شوهر دوم، قول خود شما حجت و دلیل است.

عده وفات

[سؤال 10987] 5934

2. مردی زنش را طلاق داد و زن پس از انقضای مدت عده طلاق با مرد دیگری ازدواج کرد. پس از ازدواج برای زن معلوم شد که شوهر سابقش در زمان عده طلاق فوت شده است؛ تکلیف این زن چیست؟

بسمه تعالی، ازدواج صحیح است و از زمان بلوغ خبر فوت شوهر اول زن باید عده وفات بگیرد.

حکم زوجه شخص مقنود الأثر و غایب

[سؤال 10988] 6253

بسمه تعالی

محضر شریف رهبر جهان اسلام حضرت آیت الله العظمی امام خمینی دام ظلّه

یک عده از مسلمانان افغانستان که علیه دولت مارکسیستی حفیظ الله امین قیام

ص: 463

کرده بودند دستگیر شدند و تا حال که مدت سه سال و هشت ماه است که از آن افراد اثری وجود ندارد و تقریباً اتفاق اقوال دولت و مردم کابل، بر این است که آن افراد فوراً محکوم به اعدام شدند و علامت دیگر که می تواند شاهد بر این مطلب باشد تمام زندانیان فعلی موجود است که آن افراد در بین آن ها نیستند و زن های این افراد قطع به مرگ آن ها پیدا کرده اند، ولی مدرك قطع موارد فوق است، آیا آن زن ها می توانند شوهر نمایند؟

بسمه تعالی، اگر یقین به مردن شوهر خود پیدا کرده اند بعد از گذشت عده از وقت یقین می توانند شوهر کنند.

[سؤال 10989] 6254

بسمه تعالی 1361 / 11 / 25

محضر مبارك حضرت نایب الامام امام خمینی دامت افاضاته، پس از ادای تحیت و عرض ارادت مصدع اوقات شریف می گردد:

زنی است اهل افغانستان، مدت بیست سال قبل ازدواج کرده. پس از این که دو سال از ازدواج گذشته، شوهر او مفقود الاثر گردیده و هر جا که احتمال داده می شده چه در پاکستان و چه در ایران و چه در سایر کشورهای عرب و سایر کشورهای دیگر تجسس و تفحص شده، خبری از ایشان نشده و زن نامبرده بدون سرپرست می باشد، کسی نیست که متکفل مخارج او بشود. لذا از محضر آن امام محترم تقاضای عاجلانه دارد نظریه خود را نسبت به ایشان اعلام فرمایید.

طول عمر حضرت عالی را از خداوند خواستارم. خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار

بسمه تعالی، تا یقین به مردن شوهر خود پیدا نکرده نمی تواند شوهر کند، مگر آن که به حاکم شرع مراجعه نماید تا پس از فحوص چهار سال از شوهر، اقدام مقتضی بشود.

ص: 464

محضر مقدس نایب الامام خمینی زید عزه العالی

پس از عرض سلام، امید است وجود شریف از جمیع بلیات محفوظ و مصون بوده باشد، باری با عرض معذرت متذکر می گردد:

زنی اهل افغانستان مدت بیست سال است که شوهرش مفقود گردیده است. در این مدت بیست سال، حدود سیزده سال قبل ایشان را در پاکستان دیده اند. از آن به بعد دیگر اثری از او مشاهده نشده، هر اندازه که ممکن بوده چه در پاکستان، چه در ایران و چه در عراق و کویت و چه در سایر کشورهای عربی و خود افغانستان در صدد جستجو برآمده اند، اما کوچک ترین خبری از او به دست نیامده نه به زنده بودن و نه مرده بودن او، و زن مزبور جز خدا دیگر کسی را ندارد که متحمل نفقه او گردد. از آن امام عزیز تقاضا می نمایم وضعیت شرعی او را روشن فرمایید که اقلاً اگر می تواند شوهر دیگر اختیار کند تا باقی از عمرش را با دیگری به سر برد؟

بسمه تعالی، تا یقین به مردن شوهر پیدا نکند نمی تواند ازدواج نماید. بلی، می تواند به حاکم شرع مراجعه کند تا پس از فحص به مقدار چهار سال از وقت مراجعه اقدام مقتضی بنماید.

بسمه تعالی

رهبر انقلاب حضرت امام خمینی مدّ ظلّه العالی

افرادی بوده در افغانستان که حکومت مارکسیستی بعضی را به مدت دو سال و بعضی را به مدت سه سال است که دستگیر کرده و هیچ حیات و مآثشان معلوم نیست، خانم هایشان همان طور بدون سرپرست باقیمانده است، بعضی ها جوان که در مشکلات گرفتار هستند، بعضی ها بعد از تحقیقات زیاد از زندان ها و آمار کشته شدگان

یقین در شهادت شوهرشان پیدا کرده اند. تکلیفشان چیست آیا می توانند شوهر کنند یا خیر؟ در صورتی که مربوط به اجازه مجتهد باشد دست رسی ندارد به اجازه کسانی که از طرف مرجع در امور حسبیه مأذون است، آیا می تواند بعد از چهار سال شوهر کند یا خیر؟ جواب را واضح عنایت بفرمایید؟

بسمه تعالی، در فرض مذکور تا یقین به مردن شوهر حاصل نشده است نمی توانند شوهر نمایند.

[سؤال 10992] 6257

بسمه تعالی 11 / 2 / 1362

از طرف رژیم بعث عراق در حالی که سه ماهه حامله بودم به ایران رانده شدم. البته بدون این که شوهرم با من به ایران بیاید چون او عراقی الاصل بود.

بعد از شش ماه فرزندی از من به نام الهام متولد شد و حدوداً در 5 سالگی الهام، شوهرم برای اولین بار به ایران آمد تا با هم به عراق برگردیم. اما متأسفانه به علت کم کاری های دولت شاه موفق نشدیم و شوهرم بعد از 40 روز به عراق بازگشت، دوباره بعد از حدود يك سال یعنی در 6 سالگی دخترم دوباره شوهرم به ایران آمد و این بار نیز موفق به بازگشت به عراق نشدیم و بعد از يك ماه شوهرم به عراق رفت.

از آن به بعد چندبار برایش نامه نوشتم ولی از او جوابی نیامد، تا این که در دولت جمهوری اسلامی و حدود يك ماه قبل از جنگ تحمیلی نامه ای از شوهرم به وزارت امور خارجه ایران آمد که من حاضرم با همسرم به عراق برگردیم و وزارت امور خارجه ما را به تهران خواست و گفت که گذرنامه شما آماده است هر وقت شوهرتان آمد بیایید و با هم به عراق برگردید. من هم منتظر بودم تا از شوهرم خبری شود ولی متأسفانه دیگر هیچ خبری از او نشد نه خودش آمد و نه نامه ای برایم فرستاد، فقط دوتا از خواهرهایم بعد از يك ماه از جنگ بر اثر رانده شدن شوهرهایشان به ایران آمده و خبر سلامتی شوهرم را دادند حالا از محضر مقدس آن امام بزرگوار تقاضا می کنم که

ص: 466

تکلیف مرا روشن کنند آیا من می توانم از شوهرم طلاق گرفته و دوباره ازدواج کنم یا خیر؟ لطفاً وظیفه شرعی مرا روشن کنید. ضمناً فرزندم الهام الآن 11 ساله است.

بسمه تعالی، نمی توانید و اختیار طلاق در دست شوهر است و تا یقین به مردن شوهر یا طلاق پیدا نکرده اید باید صبر کنید.

[سؤال 10993] 6258

بسمه تعالی 3 / 6 / 1361

محضر حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، دامت برکاته

در افغانستان زنی است ده سال است که شوهرش مفقودالامر است و الآن بر سر زبان ها شایعه است که می گویند: با توطئه همین زن شوهرش به قتل رسیده و به طوری شایع است که تقریباً به مرحله قطع نزدیک است، اما خود زن از ترس مجازات شرعی اقرار نمی کند. آیا آن زن می تواند شوهر کند؟ به آنچه حکم الله است، حکم فرمایید.

بسمه تعالی، تا به وجه شرعی فوت شوهر ثابت نشده و خودش هم یقین ندارد، باید صبر کند.

[سؤال 10994] 6259

بسمه تعالی

با درود به رهبر کبیر اسلام، امام خمینی و شهدای اسلام، از محضر امام امت، موضوع ذیل استفتا می شود:

از اول کودتای ننگین ماه اردیبهشت سال 1357 شمسی که توسط مارکسیست ها انجام شد، تعداد هزاران نفر از شخصیت ها و افراد عادی - کارگر و بازاری و... - توسط رژیم از خانه و بازار به میدان های جنگ برده شدند که هیچ گونه اطلاع موثق و غیر موثقی از زنده بودن این ها نبوده و نیست. با توجه به اعلان رژیم کارمل مبنی بر کشته شدن همه آن ها به دست امین جلاّد و با توجه به مراجعه اقارب این ها به زندان ها و زمزمه هایی که از رژیم به گوش می رسد که همه رازیر خاک کرده اند، اکنون اقارب و

ص: 467

زن های این ها از زنده بودن ایشان مأیوسند و فقط زنده بودن این ها را تنها يك شانس می دانند، و اکنون زن های آن ها بی سرپرست هستند. لطفاً در این موضوع که آیا می توانند شوهر دیگر کنند یا این که به حاکم شرع رجوع کنند، تکلیف این ها را روشن فرمایید؛ زیرا صدها زن جوان، نگران سرنوشت خویشند.

بسمه تعالی، تا یقین به مردن شوهر خود پیدا نکرده اند، نمی توانند شوهر کنند.

[سؤال 10995] 6260

بسمه تعالی 1362 / 9 / 2

محضر مقدس رهبر کبیر انقلاب، حضرت امام خمینی، روحی له الفداء

به عرض عالی می رسانند: چه می فرمایید در مورد همسر مفقودالاثری که سپاه پاسداران شهادت او را تأیید می کند، ولی از پدر و مادر مفقودالاثری تعهد می گیرد که اگر بعداً این مفقودالاثری، زنده پیدا شد، به ما مربوط نیست. آیا این همسر شهید می تواند شوهر کند یا نه؟ ادام
الله ظلکم العالی علی رؤوس المسلمین

بسمه تعالی، تا شهادت ایشان ثابت نشود، نمی تواند شوهر کند.

[سؤال 10996] 6261

بسمه تعالی

محضر مبارك رهبر عالی قدر، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، دامت برکاته

پس از عرض سلام و تحیت به پیشگاه مقدس حضرت عالی، لطفاً به سؤالات ذیل پاسخ فرمایید.

1. شخصی که در جبهه مفقودالاثری شده، تکلیف همسر وی چیست؟

بسمه تعالی، تا یقین به فوت شوهر خود پیدا نکرده، نمی تواند شوهر کند.

2. در زمان طاغوت دختری با فشار پدر و مادرش راضی شده با مردی ازدواج کند و پس از مدتی با زور، از آن مرد طلاق گرفته و به عقد مرد دیگری درآمده. الآن از این مرد دوم، دو بچه دارد. آیا طلاق اجباری زن در زمان طاغوت اشکال دارد یا نه؟ ضمناً موقع عقد دوم، زن مطلب را برای شوهرش نگفته.

ص: 468

بسمه تعالی، طلاق اجباری بر شوهر صحیح نیست و در این صورت، عقد بر شوهر دوم باطل است و بر او حرام ابدی شده است.

3. شخصی منزلی را در بیست سال قبل به ده هزار تومان خریده و سپس چند سال قبل، از درآمد وسط سال، طبقه دوم را ساخته. ضمناً از درآمد وسط سال، یک قطعه زمین به قیمت ارزان خریده؛ آن گاه زمین گران شده و آن زمین را فروخته و زمین دیگری خریده؛ آن گاه آن زمین را به قیمت بیشتری فروخته و زمین دیگری خریده جهت ساختمان منزل؛ چون منزل قبلی کوچک بوده. ضمناً منزل قبلی را به چهارصد هزار تومان فروخته و در زمین جدید، ساختمان نموده و مقداری هم مقروض هست و کاسبی وی - که یک کاسب جزء می باشد - خیلی کساد می باشد. تکلیف خمس وی چه می شود؟

ضمناً از پانزده سال قبل، حساب سال داشته و از پول زمین فروخته شده، ماشینی خریده و پس از مدتی فروخته و خرج منزل جدید نموده. آیا ماشین ایشان خمس دارد یا نه؟

بسمه تعالی، باید خمس بدهید و برای حساب، به یکی از وکلای مسلم الوکاله این جانب مراجعه نمایید.

[سؤال 10997] 6262

بسمه تعالی

محضر مقدس نایب الامام، رهبر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی، ارواحنا فداه و مدّ ظلّه العالی

زن مسلمان با مرد ظاهر مسلمان (چون باطن هرکسی را خدا می داند) ازدواج می کند و آن مرد با آن زن. طرح سازش و صفا و صمیمیت و یک رنگی برقرار می کند و بعد با توافق یکدیگر، خانه آن زن را به فروش می رساند و پول خانه را با خود می برد و برنمی گردد. بنابراین، وضع زن از این قرار است: که نه شوهر دارد و نه زندگی دارد، و آثاری از مرده و زنده آن مرد هم دردست نیست. آیا در اسلام، راه و چاره ای برای این زن هست که خود را از قید این چنین ازدواجی یله و رها سازد و به فکر بیچارگی خود باشد یا تا آخر عمر باید بسوزد و بسازد؟

بسمه تعالی، تا یقین به مردن شوهر پیدا نکرده، ازدواج باقی است و می تواند به حاکم شرع مراجعه نماید تا تکلیف او را معین نماید.

ص: 469

بسمه تعالی

هنگامی که رژیم الحادی مارکسیستی در افغانستان روی کار آمد، عده زیادی از مردم را دستگیر کردند و بردند و مدت ها است که از حیات و ممات آن ها خبری نیست. در این صورت تکلیف زنان آن ها در موضوع شوهر کردن چه خواهد شد؟ اکنون شما به عنوان مجتهد جامع الشرایط در این کشور برای حل معضل شوهر کردن آن ها چه طریقی را ارائه می فرمایید؟

بسمه تعالی، تا فوت شوهر به طریق شرعی ثابت نشده باید صبر کنند.

بسمه تعالی 14 / 5 / 1361

به مقام آیت الله العظمی امام خمینی

در افغانستان يك نفر یازده سال است مفقودالاثراست الان شایعه بر سر زبان ها است می گویند با توطئه چند نفر به قتل رسیده اما این نفرها از ترس مجازات شرع از ترس حکومت اقرار نمی کنند اما نقل هایی به قتل ایشان است آیا زن او شوهر می تواند بکند؟ آنچه حکم الله است حکم فرمایید.

بسمه تعالی، تا بوجه شرعی فوت شوهر ثابت نشده و خودش هم یقین ندارد باید صبر کند.

بسمه تعالی 25 / 7 / 1361

حضرت امام خمینی

شوهرم مدت دو سال بیشتر است خودش به اختیار خود رفته در خدمت حکومت کمونیست در کابل قرار گرفته. به حد متواتر خبر به من رسیده است که شوهرت در کابل در خدمت حکومت همکار با شوروی و خلق های منطقه شده است. من به خاطر

عدم سرپرست دو سال است یا کمتر از دو سال که با پدرم آمدم به پناه جمهوری اسلام ایران. آیا تکلیف من بی سرپرست چیست؟ اولاد هم ندارم از مدت ازدواجم يك سال نگذشته بود که شوهرم رفته است از نظر اسلام امیدوارم که تکلیفم روشن شود که آیا من شوهر می توانم یا خیر؟ حکم ارتداد در شوهرم ثابت است یا خیر؟ به امید پیروزی اسلام بر سرتاسر جهان.

بسمه تعالی، تا شوهر شما محکوم به حیات است و ارتداد او شرعاً ثابت نشده حق ازدواج با دیگری ندارید.

[سؤال 11001] 6266

بسمه تعالی

محضر مبارك حضرت مستطاب آیت الله العظمی امام خمینی، دام ظلّه

به عرض عالی می رساند: مدت پنج سال قبل، شوهر خانمی مسافرت رفته و تا کنون به وطن و منزل خود بازگشت نکرده؛ با تحقیقات و پی جویی هایی که شده است، حتی بستگان زوج نامبرده هم هرچه سراغ گرفته و بررسی کرده اند، نتیجه ای از پیدایش و یا حیات او به دست نیاورده اند؛ تا این که پس از یأس از پیدا کردن زوج، شخصی با رضایت زوجه نامبرده، وی را مطلقه نموده اند و نوشته اند که پس از عدّه وفات، زوجه مرقومه می توانند با هر مردی که مایل باشند ازدواج کنند. مستدعی است حکم الله را در ذیل همین ورقه مرقوم فرمایید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، زنی که شوهر او غایب شده، اگر نفقه او داده می شود باید صبر کند و طلاق او صحیح نیست و اگر نفقه او داده نمی شود، می تواند به حاکم شرع مراجعه کند و بعد از فحوص تا چهار سال از زمان رجوع و پیدا نشدن شوهر، حاکم شرع یا مأمور از طرف او زن را طلاق دهد؛ و طلاق قبل از چهار سال باطل است، هر چند از پیدا شدن شوهر مأیوس شوند.

ص: 471

محضر مبارك مرجع عالی قدر جهان اسلام، رهبر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی، دام ظلّه العالی، سلام علیکم، پس از تحیات فراوان، از درگاه خداوند متعال صحت و سلامتی وجود مبارك را مسئلت داریم. عرض می شود:

دخترم حدود ده سال پیش در کشور بنگلادش با يك جوان ازدواج کرده است. به طوری که جناب عالی خبر دارید، آن زمان اوضاع بنگلادش خیلی ناچور بود، و بیشتر مسلمانان عازم هجرت بودند.

سه چهار ماه از ازدواج گذشته بود که داماد بنده از بنگلادش هجرت نمود، و به ما هیچ خبری نداد. بلکه به طور مخفی از بنگلادش فرار کرد و تا حال معلوم نیست که ایشان از بنگلادش به طرف هند سفر کرده یا به طرف پاکستان یا به کشورهای دیگر و فعلاً زنده است یا از دنیا رفته است؟

دخترم در این مدت پیش من زندگانی کرده است. حالا که ده سال گذشته و هیچ امیدی از بازگشت آن جوان نداریم، حکم جناب عالی در این باب چیست؟ دخترم همین طور زحمت انتظار بکشد یا جناب عالی می توانید به دادش برسید و دخترم را از این اذیت رها بنمایید؟ امیدوارم که از جواب محروم نمانم.

بسمه تعالی، تا یقین به مردن شوهر خود پیدا نکرده، باید صبر کند. و می تواند به محکمه شرعیه مراجعه نماید تا با امهال تا چهار سال از حین مراجعه و فحص از شوهر در این مدت حاکم شرع اقدام نماید.

با سلام و دعای فراوان

خواهری هستم که اینک پس از گذشت دو سال و پنج ماه از شما راهنمایی می خواهم. در اول جنگ، شوهرم به جبهه های نبرد حق علیه باطل رفت. قبل از آن هم

در حدود ده ماه نیز در کردستان بود. من نیز به همراه پسر، حدود سه ماه به دنبال او به کردستان رفتیم. بعد از شروع جنگ تحمیلی نیز به جبهه شتافت. و تا کنون هیچ خبری از او نیست. دستش را دیده اند که تیر خورده و هرچه دوستان او تلاش کرده اند که او را برگردانند؛ ثمری نداشته. می گفتند چشم های او را خون گرفته بوده و دیگر هیچ. اکنون که سومین سال را پشت سر می گذرانم و پس از جست و جویهای زیاد، حتی از طریق هلال احمر برگه جست و جو به هلال احمر ژنوفرستادیم، ولی هیچ اثری از او نبوده و این دلالت می کند بر این که او شهید شده، ولی می گویند تا جنگ تمام نشود، تکلیف شما روشن نمی شود. شاید جنگ تا چند سال دیگر هم ادامه داشته باشد. باید یادآور شوم که بیش از این، برای خود جایز نمی دانم که بلا تکلیف بمانم. خواهش می کنم مرا در این امر که دنیا و آخرت من به آن بسته است، راهنمایی کنید.

بسمه تعالی، تا یقین به شهادت شوهر خود پیدا نکرده اید باید صبر کنید.

[سؤال 11004] 6269

بسمه تعالی

محضر مبارك رهبر كبير انقلاب اسلامي، حضرت آيت الله العظمي امام خميني، ارواحنا له الفداء

در رژیم طاغوت زنی مدت ده سال شوهرش مفقود الاثر بود. این زن به دادگاه مراجعه نموده و از طرف دادگاه حکم طلاق وی صادر شده و به حکم دادگاه طلاق داده می شود. بعداً با مردی شوهر کرده و از این مرد چند فرزند دارد. حال پس از ده سال که در حباله نکاح این مرد بوده، شوهر اولش پیدا شده و آمده است. سؤال دادگاه فقط يك سؤال است: آیا طلاقى که در آن زمان داده شده و دادگاه آن زمان چنین حکمی صادر کرده صحیح است؟

بسمه تعالی، طلاق اگر زیر نظر حاکم شرع به ترتیبی که در طلاق زوجة غایب مقرر است، انجام نگرفته باطل است و زوجیت سابق به قوت خود باقی است.

ص: 473

محضر مبارک آیت الله العظمی امام خمینی، دام ظلّه، با عرض ارادت و تحیت، از باب لطف به سؤالات ذیل که مورد ابتلاء است جواب مرقوم فرماید:

1. در زوجه مفقوداً عنها زوجها، اگر علم پیدا شد به این که فحص بی فایده است، آیا مضمی اربع سنه لازم است و موضوعیت دارد یا خیر؟
 2. آیا مضمی اربع سنه شرط است بعد از رفع امر به حاکم باشد یا مطلقاً، ولو قبل از رجوع کافی است. که همین معنا مقتضی صحیحه حلبی می باشد: عن ابي عبدالله عليه السلام عن المفقود، قال عليه السلام: المفقود إذا مضي له أربع سنين بعث الوالي وليه أن ينفق عليها، إلى قوله عليه السلام: أمره بأن يطلقها وكان ذلك عليها طلاقاً واجباً.
- بسمه تعالی، 1 و 2، حکم همان است که در تحریر الوسيله ذکر شده است.

[سؤال 11006]

3. آیا عسر و حرج در مقام، باعث جواز طلاق برای حاکم می شود؟ مخصوصاً اگر غیبت به وسیله رفتن و فرار کردن خود زوج باشد و یا موردی که منفقی نیست که نفقه او را بدهد، یا مربوط به غیر مقام از موارد حضور زوج است، که بر فرض جواز، بشود قبل از چهار سال هم طلاق داد. و این مطلب مختار مرحوم سید است در مسأله سی و سه از مسائل عدّه وفات، ملحقات عروه.

یوسف صانعی

بسمه تعالی، در صورتی که زوجه برای نداشتن شوهر در حرج است، نه از جهت نفقه، به طوری که در صبر کردن معرضیت فساد است؛ حاکم پس از یأس، قبل از مضمی مدت چهار سال، می تواند طلاق دهد. بلکه اگر در مدت مذکور نیز در معرض فساد است و رجوع به حاکم نکرده است، جواز طلاق برای حاکم بعید نیست، در صورت یأس.

ص: 474

بسمه تعالی

محضر امام خمینی رهبر انقلاب

زن جوانی است که حدود هفت سال از ازدواجش می گذرد و شوهرش نزدیک به شش سال است که او را رها کرده و زن اصلاً از او خبری ندارد؛ البته عمویش که در شهر دیگری زندگی می کند، می گوید که تا حدود یک سال قبل با من تماس داشته و می گفته است تا پدرم زنم را طلاق ندهد، به خانه ام مراجعه نخواهم کرد؛ ولی از یک سال پیش عمویش هم از او بی خبر است. در ضمن، در تمام این شش سال غیبت زوج، هیچ گونه نفقه و حتی خرجی هم به زوجه نرسیده است و حال، زن حاضر شده با بخشیدن مهریه اش طلاقش را بگیرد. لطفاً نظر مبارک را در مورد این که می تواند طلاق بگیرد یا نه بیان فرمایید. در ضمن، با توجه به جوانی زوجه، احتمال افتادنش به گناه زیاد است.

بسمه تعالی، طلاق بدون اذن یا وکالت از شوهر باطل است؛ و در صورت غیبت شوهر، زن می تواند به محکمه شرعیه شکایت کند و در این صورت، حاکم شرع بعد از فحص تا چهار سال با مراعات شرایط، زن را طلاق دهد؛ و در هر صورت، باید خودش را از گناه حفظ کند.

بسمه تعالی 1360 / 8 / 4

حضور مبارک حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

در مورد تقاضای طلاق مؤمنه ای، برای این جانب، قاضی دادگاه مدنی خاص شهرضا با تحقیقات انجام شده، ظنّ متأخم به علم - علم عادی - حاصل شده که شوهر وی پانزده سال است به خارج ایران رفته و غایب مفقودالاثراست. خواهشمند است اجازه بفرمایید که تحت عنوان زوجه غایب مفقودالاثرا، متقاضیه را مطلقه سازم.

ص: 475

بسمه تعالی، باید از روز مراجعهٔ زوجه به حاکم شرع، تا چهار سال از شوهر تحقیق شود، تا اگر در این مدت، از حیات و فوت شوهر خبری به دست نیامد، بر طبق مقررات عمل شود.

[سؤال 11009] 6273

بسمه تعالی

محضر مبارك حضرت آيت الله العظمى امام خمينى، مدّ ظلّه العالى

شخصی برای معالجه در بیمارستان داخل شده و بعد از آن مفقود گشته و تقریباً دو سال و شش ماه می شود. برای پیدا کردن او در بیمارستان و جاهای مختلف جست و جو به عمل آمده است، ولی پیدا نشد. در این صورت حکم اموال و زوجه اش چیست؟ بیان فرمایید.

بسمه تعالی، اموال او باید برای او حفظ شود تا زمانی که یقین به مردن او حاصل شود، که منتقل به ورثهٔ او می شود و زوجه او باید صبر کند، یا به محکمهٔ شرعیه مراجعه نماید، تا پس از فحص تا چهار سال از شوهر، اقدام مقتضی بنماید.

[سؤال 11010] 6274

بسمه تعالی 1358/9/18

زعیم عالی قدر، نایب الامام، مرجع عالم اسلام، آیت الله العظمی خمینی، دام ظلّه

زنی است که هشت سال قبل شوهر او از سربازی فرار کرده و می دانیم الآن هم زنده است، ولیکن مکان او را نمی دانیم. حدود هفت سال است که برادران زن و دیگران تفحص کرده اند و او را پیدا نکرده اند. آن مرد دارای يك دختر هست و این زن و دختر منزل ندارند و کسی هم که خرجی آنان را بدهد نیست و خود زن هم میل زیاد به شوهر دارد؛ چون جوان است و ممکن است مبتلا به فساد شود. آیا حکم می فرمایید که از نظر ضرر و حرج شدید، کسی او را طلاق دهد یا خیر؟

ص: 476

بسمه تعالی، قبل از رجوع به حاکم شرع و صبر تا چهار سال از حین مراجعه و فحص از شوهر در این مدت، طلاق جایز نیست؛ و در هر حال باید مراعات وظایف شرعیه بشود.

[سؤال 11011] 6275

بسمه تعالی

دفتر محترم امام، دام ظلّه العالی

زنی هستم دارای شوهر و یک بچه؛ مدت سه سال است که شوهرم بر اثر فشار طلبکارها مرا ترك کرده و رفته. این جانب حتی الامکان به وسیله رادیو، تلویزیون، مطبوعات و مسافرت به شهرستان ها هرچه جست و جو کردم او را نیافتم؛ ضمناً خیلی جوان هستم. از نظر شرعی تکلیف من چیست؟ والسلام

بسمه تعالی، تا یقین به فوت شوهر حاصل نشود، باید صبر کنید و اگر نمی توانید صبر کنید، به حاکم شرع مراجعه نمایید.

[سؤال 11012] 6276

بسمه تعالی 1361/9/2

سرپرست محترم دفتر امام خمینی، با اهدای سلام، خداوند، سایه عنایت امام امت را از سر تمام مسلمانان جهان کم نفرماید، با نهایت جسارت و جرأت، عرایض خود را به شرح زیر به عرض حضور می رساند:

کنیزه 46 سال دارم و شوهرم مدت هجده سال مفقودالاثراست و از او سراغی ندارم و در مدت هجده سال است، من بدون تکلیف مانده ام و تا حال عصمت و عفت خود را حفظ نموده ام. اینک عرایض خود را به آن آستان مبارک اظهار می دارم و سؤال می کنم که آیا طبق شرع مقدس اسلام می توانم ازدواج شرعی نمایم یا خیر؟

از محضرتان تقاضا دارم که تکلیف کنیزه را روشن نمایید؛ زیرا در عرض این مدت متمادی، با انواع گرفتاری مواجه هستم. از شما برای خودم استمداد می طلبم.

ص: 477

توفیق و سعادت تمام مسئولین محترم و متعهد را از خداوند خواستارم؛ خدا یار و مددکار شما باشد. منتظر دستورات حضرت عالی هستم.

بسمه تعالی، اگر یقین به فوت شوهر ندارید، باید صبر نمایید و یا مراجعه به حاکم شرع نمایید تا در این باره، تکلیف شما را روشن نماید.

[سؤال 11013] 6277

بسمه تعالی

محضر آیت الله العظمی امام خمینی، دام ظلّه العالی

زنی هستم در افغانستان شوهرم مدت ده سال است مفقودالاثراست و در ضمن این ده سال، شش سال صبر کردم و بعد از شش سال می خواستم شوهر کنم، شرع به من اجازه نداد و مدت چهار سال است که نفر فرستادم در هر کشور برای پیدا کردن شوهرم، و از زنده بودن شوهرم خبری نیست. الآن یقین حاصل کردم که شوهرم زنده نیست و اگر زنده می بود، در این مدت چهار سال، یا در ایران و یا در پاکستان و یا در ترکیه و سوریه دیده می شد. حالا من می خواهم شوهر کنم. آیا اجازه دارم یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر یقین به فوت شوهر ندارید، باید صبر نمایید و یا آن که به حاکم شرع مراجعه نمایید.

[سؤال 11014] 6278

بسمه تعالی

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، دامت برکاته

اگر پسری حاضر نباشد زن بگیرد اما پدر برای پسر زن بیاورد و بعد پسر را راضی کند که عقد کند و بعد از آن که عقد جاری شد، پسر يك شب پهلوی عروس بماند و بعد تا مدت چهار ماه از خانه خارج شود و بدون عذری شرعی به خانه برنگردد و سپس يك شب دیگر بیاید و برود و در فاصله چهار سال دیگر، دو و یا سه مرتبه سرزده و هر مرتبه، يك شب بیشتر نبوده و زن بعد از چهار سال، شوهر را در ایران پیدا

ص: 478

کند و شوهر سه شب همراهش باشد و فرار کند و مدت چهار سال است که مردگی و زندگی اش معلوم نیست و در این مدت مذکور اصلاً نفقه نداده است و این زن فعلاً طلاق می خواهد، وظیفه چیست؟ امیدوارم مسأله را حل نمایید.

بسمه تعالی، اگر نمی تواند یا نمی خواهد صبر کند، به حاکم شرع مراجعه نماید یا به دادگاه های شرعی.

[سؤال 11015] 6279

بسمه تعالی 1361/7/3

محضر مبارک امام امت، خمینی کبیر، دام ظلّه الاعلی

سؤال آن که در سال 1358 شمسی، افراد مسلمان را عمّال دولت مارکسیستی، به عنوان زندانی سیاسی ربوده است و تا به حال که سه سال از این قضیه گذشته است، سرنوشت ایشان معلوم نیست و بعد از عفو به اصطلاح عمومی ببرک خان هم سرنوشت این ها معلوم نگردید. امیدواریم نظرتان را درباره زوجه هایشان بیان فرمایید. آیا می تواند شوهر اختیار کنند یا خیر؟

بسمه تعالی، در صورت علم و اطمینان به موت شوهر، زن می تواند بعد از گذشت عدّه وفات از حین علم به موت ازدواج نماید، والا نمی تواند مگر با شرایطی که در رساله مذکور است.

[سؤال 11016] 6280

بسمه تعالی

خدمت رهبر بزرگ انقلاب، حضرت امام خمینی، مدّ ظلّه

این جانب مدت چهار سال کامل شده است که شوهرم جهت فعالیت های چریکی ضدحکومت مارکسیستی کابل کار می کرد، به دست مزدوران شوروی (روسیه) زنده دستگیر شد و تمام زندان های کابل را جست و جو کردیم، ولی اثری نیافتیم. الآن من یقین دارم که شوهرم شهید شده و حیات ندارد. از پیشوای مسلمین، حضرت امام

ص: 479

خمینی تقاضا دارم برایم اجازه فرماید که ازدواج نمایم؛ چرا که چند طفل یتیم دارم و نمی توانم سرپرستی نمایم.

بسمه تعالی، اگر یقین به فوت شوهر پیدا کرده، پس از انقضای عده وفات می تواند شوهر دیگر اختیار کند.

[سؤال 11017] 6281

بسمه تعالی

محضر مقدس رهبر کبیر انقلاب، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، متّع الله المسلمین بطول بقائه الشریف، به عرض می رساند:

همسرهای مفقود الاثر که هیچ گونه اطلاعی از آن ها نیست از ابتدای جنگ تا کنون، اجازه ازدواج آن ها از نظر آن امام بزرگوار را خواهان می باشیم.

بسمه تعالی، در مورد همسران این گونه افراد، چنانچه یقین به شهادت آنان پیدا کردند، عده وفات بگیرند و پس از آن می توانند شوهر کنند؛ و اگر یقین به شهادت همسران خود ندارند، ولی از ترس وقوع در فساد و نابسامانی زندگی و یا نداشتن نفقه نمی توانند در بلا تکلیفی به سر برند، در این صورت نیز مجازند شخصی را وکیل در طلاق خود کنند و پس از طلاق، احتیاطاً عده وفات گرفته و پس از آن ازدواج نمایند.

رجوع در عده

[سؤال 11018] 6282

بسمه تعالی

دفتر امام خمینی دامت برکاته

پس از عرض معذرت از این که مزاحم اوقات آن دفتر - که یقیناً به امور بسیار مهمی مشغول است - می شوم، خواهشمندم در صورت امکان به سؤالم پاسخ بفرمایید.

این جانب خانمی 30 ساله می باشم. حدود 12 سال پیش ازدواج نموده ام و دارای

ص: 480

دختری 9 ساله می باشم. من و همسر من از اوایل ازدواج اختلافاتی داشتیم که به تدریج زیادتر و سرانجام در سال 59 منجر به جدایی ما شد. حدود چهار روز بعد از انجام طلاق که در یکی از محضرهای اصفهان صورت گرفت مجدداً به یکدیگر رجوع نمودیم و کما فی السابق به زندگی ادامه دادیم، البته به صورتی که قبلاً بود. همسر بنده به دلایلی حاضر نشد که این موضوع را به محضر اطلاع بدهیم و به اصطلاح می خواست که مطمئن شویم که می توانیم زندگی کنیم یا نه؟ البته انکار نمی کند که ما پس از چهار روز از تاریخ طلاق به یکدیگر رجوع نموده ایم. ضمناً وظایف مادی خود را در این مدت انجام داده است. لذا چون اختلافات ما متأسفانه بیشتر از پیش شده و شغل ایشان نیز طوری است که دائماً در حال مسافرت می باشد، من از نظر روحی و از این تزلزلی که زندگی ام دارد در تردید هستم که ایشان سرانجام با من چه خواهد کرد، می خواستم سؤال بنمایم که وضع من از نظر شرعی و قانونی با ایشان چگونه است در صورتی که بخواهیم زندگی کنیم؟ و یا اگر ایشان حاضر به رسمی نمودن این رجوع در محضر نباشد، چنانچه بخواهیم از یکدیگر جدا شویم چه بایستی بکنیم؟ آیا کافیست که به یکدیگر نه بگوییم و چنانچه من راضی نباشم از ایشان جدا شوم چه می توانم بکنم؟

بسمه تعالی، بعد از تحقق رجوع، زوجیت به حال خود باقی و تا طلاق جدید داده نشده نمی توانید از او جدا شوید.

[سؤال 11019] 6283

بسمه تعالی 13 / 10 / 1358

مقام محترم دفتر امام خمینی، ایدهم الله تعالی، محترماً؛ به عرض می رسانم:

این حقیر عیال خود را شرعاً در نزد جمعی از ریش سفیدان طلاق دادم و تمام حق الصداق و نفقه اش را دادم و رسید در دست دارم و مدت چهار ماه از تاریخ طلاق می گذرد. حالیه که رفتیم دادگاه تا اجازه دهد قانوناً هم این زن مطلقه باشد، رئیس

ص: 481

دادگاه پس از استماع عرایض بنده که در فوق معروض نمودم، اظهار می فرمایند که تو چون این زن را به طوری که می گویی طلاق داده ای، اگر بنویسیم، شش ماه زندان داری. از آن مقام والا تقاضا دارم اگر در این فعل بنده در شرع مقدس اسلام تقصیری وجود دارد، مرحمت نموده به خودم ابلاغ فرمایید تا ببینم چه تقصیر نمودم؟ آیا می شود بعد از این که شرعاً عدّه این زن تمام شده باز رجوع نمایم؟ بسمه تعالی، بعد از عدّه رجوع جایز نیست؛ لکن با رضایت زن می توانید مجدداً او را عقد کنید.

[سؤال 11020] 5640

2. اگر مردی همسر خود را برای بار اول و دوّم طلاق دهد آیا می تواند هم بعد از طلاق بار اول و هم بعد از طلاق بار دوّم، قبل از تمام شدن عده همسر طلاق داده اش، مجدداً او را به عقد خود درآورد؟ اگر می تواند مهریه نیز لازم است؟ و لازم است صیغه عقد خوانده شود؟

بسمه تعالی، عقد در عده رجعیه باطل است و مهر ثابت نمی شود و به عقد مزبور رجوع محقق می شود.

[سؤال 11021] 6284

بسمه تعالی

این جانب به شرف عرض اقدس حضرت آیت الله العظمی امام خمینی می رساند: شوهر عاجزه، این جانب را طلاق داده ولی در حین طلاق با این جانب نزدیکی نموده که حامله شدم و بچه متولد شده و پدرش شناسنامه را به نام خودش گرفته است. آیا این طلاق درست است یا نیست؟ دستور آن را مطابق دین اسلام و شرع انور مرقوم و به مهر شریف مزین فرمایید.

بسمه تعالی، اگر در عدّه رجعیه رجوع کرده، زن او هستید و تا طلاق دیگر نداده آثار زوجیت باقی است.

ص: 482

بسمه تعالی

1. چنانچه پدر دختری پس از گرفتن طلاق دخترش اظهار کند: داماد پای مرا بوسید و گفت زخم را می خواهم، صدق رجوع می کند یا نه؟ یا اگر مادر آن زن بگوید: طلاق دختر را به زور گرفته ایم، چه صورت دارد؟

بسمه تعالی، مجرد اظهار پدر دختر دلیل بر رجوع نیست و میزان، این است که شخص واقعاً رجوع کرده باشد؛ و طلاق محکوم به صحت است، مگر اکراهی بودن آن ثابت شود.

2. چنانچه کسی بر حسب ظاهر با زنی ازدواج کند و بعداً معلوم شود که شهود در طلاق از شوهر قبلی عادل نبوده اند، آیا لازم است از همدیگر جدا شوند؟ و بچه های آن زن و مرد چه صورتی دارند؟

بسمه تعالی، در صورتی که فسق شهود معلوم شود، احتیاط لازم است؛ و با جهل پدر و مادر به قضیه، بچه ها حکم ولد حلال را دارند.

[سؤال 11023] 6242

2. اگر در عدّه، مردی رجوع کند (حتی در نیت) و کسی نفهمد، آیا زن در قبال زندگی آینده خود مسئولیتی دارد؟

بسمه تعالی، رجوع، به مجرد نیت محقق نمی شود؛ و در فرض مرقوم، زن مسئولیتی ندارد.

[سؤال 11024] 6242

3. اگر چند سال بگذرد و مرد دنبال زندگی برود، آیا زن باید تحقیق کند که آیا او در عدّه رجوع کرده و بعد دنبال زندگی برود؟

بسمه تعالی، لازم نیست تحقیق کند.

[سؤال 11025] 6242

4. به طور خلاصه بنویسید: زنی که از شوهرش طلاق گرفته، چه مسئولیت هایی

دارد و چه نوع تحقیقاتی باید انجام دهد و بعد دنبال زندگی برود؟

بسمه تعالی، اگر طلاق واقع شده، زن بعد از گذشت عده می تواند شوهر کند، مگر آن که به طریق شرعی ثابت شود که مرد در عده رجوع کرده است.

[سؤال 11026] 6286

بسمه تعالی

حضور محترم آیت الله العظمی امام خمینی، دامت برکاته العالی، معروض می دارد:

1. قانون طاغوت، مطلق طلاق را باین تلقی کرده و در طلاق رجوعی، حق رجوع زوج را سلب نموده و کلام شریف (وَبُعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ) را نادیده گرفته؛ تکلیف مرد در این مورد چیست؟

2. تعدد زوجات را با فرض عدالت، موکول به اجازه زن اولی و حکم دادگاه نموده؛

3. در زناشویی مرد با زن، بلوغ و رشد را نادیده گرفته و سن آنان را محدود کرده؛

4. آزادی زوج را در طلاق، محدود و موقوف به صدور حکم دادگاه دانسته.

در این موارد، بندگان خدا در مضیقه و فشارند؛ استدعا است رأی مبارک را مرقوم و مختوم فرمایید. ادام الله تعالی عزکم و بقاءکم العالی

بسمه تعالی، قوانین مخالف اسلام، قابل اجرا نیست.

ص: 484

كتاب خلع و مبارات

احكام خلع و مبارات

ص: 485

محضر محترم دفتر امام، بخش استفتا، پس از حمد و ثنای خالق مخلوقات، به حضور شریفان سلام عرض می‌کنم و مسأله شرعی خود را حضورتان بازگو می‌کنم.

این جانب به علل زیادی در زندگی زناشویی به طلاق خلع رسیدم و همسرم در محضر از مهریه اش گذشت؛ ولی بعد از مدتی - حدود دو ماه و نیم - برای سومین بار برایش پیام رساندم که اگر پیشیمان باشی، حاضریم با احترام زیاد، تو را دوباره به همسری خود برگزینم، ولی این شخص قبول نکرد و در ضمن حلالم هم نکرد. اکنون روحم از عذاب و آتش الهی ترسناک است و تسکینی برای وجدانم نیست تا مرا از ناراحتی روحی نجات دهد. از شما گرامیان و نمایندگان امام عظیم الشان طلب یاری می‌کنم. مرا راهنمایی کنید و جواب نامه ام را بیشتر توضیح دهید.

بسمه تعالی، در صورتی که با رضایت زن طلاق خلعی داده شده، صحیح است و چیزی بر شما نیست.

محضر مبارك حضرت مستطاب آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

در طلاق خلع هرگاه زوجه صیغه بذل را انشا نکند و فقط زوج صیغه طلاق را انشا نماید، در مفروض سؤال آیا انحلال عقد نکاح زوجین و فراق بینهما حاصل خواهد شد یا خیر؟

بسمه تعالی، جدایی به طلاق حاصل می شود.

[سؤال 11029] 6289

بسمه تعالی 1358 / 10 / 11

حضور محترم معلم کبیر اسلامی، آیت الله العظمی امام خمینی، ادام الله ظلکم علی رؤوس المسلمین

پسری با دختری عقد ازدواج بسته است. بعد از مدتی بر اثر عواملی دختر منصرف شده و اقدامات و نصایح مؤثر واقع نشده است و حال که دختر با بخشیدن مهریه خود تقاضای طلاق می نماید، پسر اضافه بر مهریه تقاضای پرداخت وجهی را می نماید که از عهده دختر بر نمی آید و شاید این مبلغ تقاضا شده برای این باشد که دختر تقاضای طلاق نماید. لطفاً نظر خود را مرقوم فرمایید که وظیفه دختر یا پسر چیست؟

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، اختیار طلاق با شوهر است و می تواند در مقابل طلاق مطالبه بذل مال نماید و تا طلاق نداده زوجیت باقی است.

[سؤال 11030] 6290

بسمه تعالی

محضر حضرت آیت الله العظمی خمینی مدّ ظلّه العالی

یک شخصی زن می گیرد، بد اخلاق است، این مرد زن را می زند و اذیت می کند. این زن بیچاره چند مرتبه فرار می کند می رود در منزل پدر یا برادر یا اقربای دیگر، در آخر زن دید که با این مرد زندگی نمی شود می گوید طلاق می خواهم، چاره دیگر ندارد. این مرد می گوید حالا که طلاق می گیری هر چی شیربها دادم به من بده تا تورا

ص: 488

طلاق بدهم، جایز است شیربها را پس بگیرد از زن؟ شما امر بفرمایید.

بسمه تعالی، می تواند با شرایط طلاق خلعی در مقابل عوض او را طلاق دهد و اگر شرایط خلع موجود نیست نمی تواند در مقابل طلاق عوض بگیرد.

[سؤال 11031] 6339

2. زنی که در اثر فشار بسیار و ناملايمات فراوان از مهر خود گذشته و بدون هیچ چیز راضی به طلاق شده از شوهرش، آیا در اثر این که شوهر در حال حاضر قصد فروش کلیه اجناس منزل را کرده که به خارج از کشور جهت خوش گذرانی برود، این زن می تواند شرعاً و قانوناً ادعایی بکند؟ با توجه به این که مقدار زیادی از اموال خود را در منزل این شخص گذاشته و ناچاراً بیرون آمده است.

بسمه تعالی، آنچه را که بابت طلاق خلعی به شوهر واگذار نموده در صورتی که عده طلاق منقضی شده باشد نمی تواند برگردد و مطالبه نماید.

[سؤال 11032] 6291

بسمه تعالی

حضرت آیت الله العظمی امام خمینی

مخفی نماند این جانب عیالی دارم. ایشان از من طلاق خلعی گرفته و بعد از يك ماه نگذشته به همدیگر رجوع کردیم و او به مهر خود راضی شد. بعداً هر دو نفر ما رفتیم به حرم حضرت رضا علیه السلام يك نفر روحانی را که اهل علم بود دیدیم و به او گفتیم: عقد ما را تازه کنید. جریان را به او گفتیم که يك ماه نشده طلاق دادیم با وجودی که سه ماهه حامله هم است. شیخ گفت: نمی خواهد که عقد خود را تازه کنید؛ عقد سابق شما درست است. شهود آن قضیه هم آن جا دو نفر بودند. بعداً پدرزنم، عیالم را برای کسی دیگر نامزد کرد و شیرینی خوردند و مجلس گرفتند، و زن رجوع خود را منکر شد و قسم می خورد که ما رجوع نکردیم و من هم قسم خوردم که رجوع کردیم و آن دو نفر

ص: 489

شهود هم قسم می خورند که رجوع کردیم حال آیا این قسم زن قبول است یا حرف دو نفر شهود و شوهرش، کدام يك از این مسائل صحیح است؟ جواب مرقوم فرماید.

بسمه تعالی، در طلاق خلعی مرد حق رجوع ندارد؛ مگر بعد از رجوع زن در بذل و در صورت اختلاف در رجوع زن در بذل، حکم به صحت رجوع مرد نمی شود.

[سؤال 11033] 6292

بسمه تعالی

محضر مبارك حضرت امام خمینی، رهبر انقلاب اسلامی ایران، با عرض سلام

همسر این جانب پس از وضع حمل در بیمارستان، فرزندان را تحویل بنده داده و درخواست طلاق نموده و مهریه خود را نیز بخشیده و يك ماه بعد از تولد بچه، طبق خواسته اش از بنده طلاق خلع گرفته. اکنون پس از دو ماه و اندی که از عده اش گذشته، رجوع کرده و درخواست مهریه کرده است؛ لیکن این جانب به علت عدم توافق اخلاقی قادر به زندگی با او نمی باشم. آیا نامبرده می تواند مهریه خود را که بخشیده مطالبه نماید؟

بسمه تعالی، حق رجوع در مهر دارد، ولی حق ندارد شما را به رجوع در زوجیت وادار نماید و اختیار رجوع در زوجیت با خود شما است؛ ولی قبل از رجوع او در مهر، شما حق رجوع در زوجیت ندارید.

[سؤال 11034] 6293

بسمه تعالی 1361 / 12 / 1

مقام معظم رهبر انقلاب مقدس اسلامی ایران، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی مدّ ظلّه العالی

پس از تقدیم خالصانه ترین مراتب سلام و عرض دست بوسی گفته می شود که در طلاق خلع و مبارات زوجه بابت نفقه و کسوه ایام عده طلبی از زوج ندارد، مگر در

ص: 490

صورت حمل از شوهر خود که در این صورت تا زمان وضع حمل حق نفقه و کسوه خواهد داشت، نظر مبارك حضرت عالی در این باره چیست؟

بسمه تعالی، مسأله به همین نحو است که مرقوم نمودید.

[سؤال 11035] 6294

بسمه تعالی 1361 / 11 / 20

حضور مبارك مرجع عالی قدر و امام بزرگوار حضرت آیت الله العظمی امام خمینی

پس از سلام و دعاگویی برای سلامتی وجود شریف، نظر مبارك را درباره مسأله زیر بیان فرمایید.

شخصی همسر خود را طلاق خلع می دهد و پس از مدتی (قبل از انقضای عده) مجدداً می خواهند با هم ازدواج نمایند با مهریه خیلی بیشتر از سابق (مثلاً قبلاً بیست هزار تومان بوده حالا می خواهند سیصد هزار تومان مهر قرار بدهند) آیا می شود بدون این که زوجه به ما بذل خود رجوع کند صیغه عقد جدید خوانده شود بر مبنای مهریه جدید و اگر پس از مدتی همسر زوجه فوت نماید، آیا سایر ورثه می توانند ادعا کنند که حق ما پایمال شده و این مهریه به خاطر محروم نمودن ما از ارث بیشتر بوده است؟ در این صورت آیا محکمه ای حق ابطال چنین سندی را خواهد داشت یا نه؟ به هر صورت نظر مبارك را مرقوم فرمایید.

بسمه تعالی، در فرض سؤال نکاح جدید اشکال ندارد و ادعای ورثه مسموع نیست.

[سؤال 11036] 6295

بسمه تعالی

محضر مبارك رهبر انقلاب و مرجع عالی قدر، حضرت امام خمینی

استفتا و استعلام می شود از آن امام عزیزمان، يك شخصی دختری را عقد نموده و مدت يك سال رفت و آمد می کرده و چون سنش از نظر قانون، کم و در دفتر ازدواج

ص: 491

ثبت نشده و طرفین هم قرار گذاشتند که دو ماه بعد از عید نوروز سال شصت مجلس بگیرند و دختر را ببرند، و چون دختر از نظر جسمی، ضعیف بوده، پدر دختر گفته که تا اول مهر صبر کنید، آن موقع ببرید. روی همین مطلب طرف قهر کرده و رفته ازدواج کرده است، و حالا طرف اول که يك سال رفت و آمد می کرده، می گوید: من او را نمی خواهم. وقتی هم که مطالبه مهریه را می کنند، می گوید: من مهریه را نمی دهم، و اگر هم بدهم او را طلاق نمی دهم، و باید در خانه پدرش باشد. حالا- از آن امام عزیز می خواهیم که حکم الله را بیان فرمایند.

بسمه تعالی، مهریه را ضامن است و باید بدهد، و اختیار طلاق در دست شوهر است و از زن می تواند جهت طلاق مبلغی ولو به مقدار مهریه، مطالبه کند و طلاق دهد.

[سؤال 11037] 6296

بسمه تعالی 1361 / 11 / 8

دفتر معظم حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، دامت برکاته

محترماً زنی است چندین سال قبل شوهر نموده و چون بچه دار نشده، کسانش علت را جست و جو نموده، معلوم شده هنوز بکر است و دفع شهوت از طریق غیر طبیعی می شده. اکنون با رسیدگی کامل، معلوم شد قابله، بکارت را از طریق عمل برداشته. آیا این زن می تواند تقاضای طلاق نماید و مهریه را هم اخذ نماید، یا باید برای نجات خود، مهریه را ببخشد؛ با این که دادگاه چندان حرارتی در این موضوع از خود نشان نمی دهد و وظیفه این زن چیست؟ تقاضای جواب آن را از لحاظ شرع مقدس دارم.

بسمه تعالی، اختیار طلاق در دست مرد است و بدون اذن او طلاق باطل است و زن می تواند برای جلب رضایت شوهر به طلاق، مالی - مثل مهرش - را به او ببخشد و تقاضای طلاق نماید.

ص: 492

كتاب ظهار

احكام ظهار

ص: 493

حضور مبارك رهبر كبير انقلاب امام خميني سلام مي رسانم و سلامتي ايشان را از خداوند متعال خواستارم. دو مسأله براي ما پيش آمده است كه حكم آن را نمي دانيم.

1. مي گویند اگر کسی به زن خودش بگوید که شما مثل مادر یا خواهر من هستی زنش بر او حرام می شود؟

بسمه تعالی، مجرد گفتن این جمله موجب حرمت نمی شود.

[سؤال 11039]

2. اگر کسی در قلب خود قصد کند و با زبان نگوید که زنش مثل مادر یا خواهرش است آیا زنش بر او حرام است یا نه؟

بسمه تعالی، حرام نیست.

[سؤال 11040] 5964

3. شخصی جاهل به مسأله اظهار است، ولی در حضور دو مرد و يك زن به زنش می گوید: پشت تو مثل پشت مادرم و خواهرم باشد؛ به خداوند و رسول اکرم صلی الله علیه و آله قسم که من دیگر با تو همبستر نمی شوم و این جمله را هم چند بار تکرار کرده است؛ اما

ص: 495

عدالت آن دو مرد معلوم نیست و این کلام از جهت دعوایی که در بین آن ها بوده، در حال قهر و غضب گفته شده؛ آیا این زن برای این مرد حرام شده یا خیر؟

بسمه تعالی، حرام نشده است.

ص: 496

کتاب موارث (ارث)

احکام موارث

ص: 497

بسمه تعالی

خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی، خمینی را نگهدار، درود بر امام خمینی رهبر مستضعفین جهان و نجات بخش مظلومان؛ درود بر شهیدان کربلای ایران، سلام علیکم محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، روحی له الفداء

محترماً به استحضار می‌رساند ما خانواده ای هستیم مذهبی، قبل از انقلاب و بعد از انقلاب در خط ولایت فقیه بودیم و می‌باشیم. الآن هم برادران ما هر کدام بر حسب وظیفه شرعی و قانونی که دارند، خدمتگزار جامعه مقدس اسلامی می‌باشند.

هدف از این نامه این است که ما شش برادر و سه خواهر و یک مادر و یک مادر بزرگ هستیم. از این شش برادر، سه برادر متأهل و مشغول خدمت در ارگان‌های انقلابی می‌باشند؛ یک خواهر دارای شوهر می‌باشد؛ سه برادر و دو خواهر خردسال تحت مخارج پدرم می‌باشند. پدرم یک کشاورز است که بیش از دو هکتار زمین دیمی و آبی دارد و از نظر مادی در حد متوسط می‌باشد. چون پدرم علاقه خاصی به مادیات دارد، بر حسب قانون شرعی، پدر باید مخارج خانواده خود را تأمین کند؛ ولی پدرم از نظر مادیات مخارج خانواده خود را فراهم نمی‌کند؛ پول را در یک جا ضبط می‌کند و به خانواده ام نمی‌دهد و مادرم یک زنی هست از لحاظ ایمان، پاکدامن. ولی بر اثر برخورد ناصحیح پدر با فرزندان خود، مادرم دچار یک مرض که معالجه اش برای

ص: 499

پزشك در حد غير ممكن مي باشد شده است. ما بر اثر اخلاق ناپسند پدر و تأمين نكردن مخارج خانواده، تصميم گرفتيم زمين كشاورزي را در بين وارثين خود تقسيم كنيم تا بتوانيم از گزند برخورد ناشايست پدر كه موجب تلف شدن فرزندان او مي باشد جلوگیری به عمل آوريم. به سؤالات زیر پاسخ دهید:

1. آیا در موقع بودن پدر، فرزندان می توانند ارث خود را از پدر دریافت کنند یا نه؟

2. اگر پدر به فرزندان خود ارث نپردازد، وظیفه ما چیست؟

3. وظیفه شرعی پدر - در موقع زنده بودن پدر - در مقابل فرزندان و بالعکس چیست؟

توضیحاتی را در این باره بیان بفرمایید.

بسمه تعالی، اختیار تصرف در اموال پدر با خود اوست و دیگران بدون اجازه او حق دخالت و تصرف ندارند و اگر پدر در ادای وظیفه کوتاهی داشته باشد با مراعات ضوابط شرعی، امر به معروف و نهی از منکر نمایید.

[سؤال 11042] 6299

بسمه تعالی

محضر مبارك رهبر عظیم الشان اسلام، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظله العالی، پس از اهدای عرض سلام و تحیات وافره، استدعایماندیم به سؤال ذیل پاسخ فرمایید:

ما دو خواهر بدون مادریم؛ پس از فوت پدرمان به برادر ناتنی خود برای گرفتن سهم الارث مراجعه کردیم؛ ایشان سندی محضری ارائه داد که پدرمان تمام دارایی خود را - که بالغ بر چند میلیون تومان؛ شامل خانه، مغازه، سرقتی، اجناس مغازه، فرش و غیره بوده - در قبال شصت هزار تومان، به او و مادرش فروخته و آن شصت هزار تومان را نیز خرج کرده؛ آیا بر طبق موازین شرعی چنین چیزی جایز است؟

بسمه تعالی، فروش تمام اموال با مراعات شرایط فروش مانع ندارد؛ ولی مجرد سند، حجت شرعی بر اثبات این مطلب نیست.

ص: 500

4. آیا کسی که مدت 25 سال زادگاهش را ترك کرده و حتی يك بار هم به آن جا نرفته و ملك و زمين هاى ارثى از پدرش در 25 سال پيش به وى رسیده و در اين مدت او هيچ گونه زحمتى براى آنان به عمل نياورده، حق دارد تمام وسايل ارثى با بهره و سود او را دریافت نماید؟ بسمه تعالى، ملكيت سهم الارث با نرفتن به محل و طول زمان سلب نمى شود و همچنين عوايد و منافع آن تابع اصل ملك است.

موانع ارث

اول: كفر به اقسامش

بسمه تعالى

محضر مبارك زعيم عالى قدر، رهبر كبير انقلاب اسلامى ايران حضرت امام خمينى

اين جانب مبلغى را - حدود شش هزار تومان - به شخصى بدهكار بودم و آن شخص از دنيا رفت و وارثى جز يك برادر كليمى ندارد. وظيفه ما نسبت به اين مبلغ چيست؟ و آيا مى توانيم آن را خرج مسجدى كنيم كه در محل نيمه تمام است و نياز به آن هم مى باشد يا نه؟ در ضمن پول نامبرده مقدارى از آن، بابت نزول مى باشد كه البته پول به مقدار زياد بوده كه مبلغى از آن مانده است. تكليف ما نسبت به اين موضوع چيست؟

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته

بسمه تعالى، بدهى بابت نزول بدهى نيست و لزوم پرداخت ندارد و طلبكار اگر مسلمان باشد و وارث مسلمان نداشته باشد بدهى او را بايد به مرجع تقليد تسليم نمايد.

ص: 501

امام! لطفاً خواهشمند است با پاسخ گویی به سؤالات ذیل که ممکن است برای دیگران هم مطرح شود، ما را در این مشکل یاری فرمایید:

1. شخص بهایی که ابتدا مسلمان بوده و حالا حدود 14 سال است که به بهائیت گرویده، آیا می تواند ارث پدر را بگیرد؟ (در ضمن موافق انقلاب هم نیست). اگر می تواند، چگونه است؟

بسمه تعالی، کافر از مسلمان ارث نمی برد.

[سؤال 11046]

2. آیا فرزند ایشان که دختر است و تابع مذهب پدر نیست و مسلمان و شیعه می باشد، می تواند به جای او از پدر بزرگ ارث ببرد؟

بسمه تعالی، اگر در میان اولاد، وارث مسلمان نباشد و اولاد اولاد مسلمان باشند، نوبت ارث به اولاد اولاد می رسد.

3. آیا شخص بهایی می تواند به فرزندش که 15 سال دارد و هنوز تحصیل می کند و مخارج زندگی ندارد، طبق وظیفه يك پدر مسلمان، احتیاجاتش را بدهد؟

بسمه تعالی، فرزند اگر نتواند احتیاجات خود را تأمین کند بر پدر لازم است احتیاجات او را تأمین نماید.

4. ارتباط مسلمان با شخص بهایی چگونه است؟

بسمه تعالی، باید از هرگونه ارتباطی با فرقه ضالّه بهائیت خودداری شود.

[سؤال 11047] 6302

بسمه تعالی 1360/7/14

دفتر امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

احتراماً؛ اخیراً یکی از کارمندان بازنشسته این شرکت فوت نموده، و طبق مقررات مربوطه نصف حقوق نامبرده، به همسر و نصف دیگر به فرزندان مشارالیه تعلق می گیرد.

ص: 502

از طرفی همسر آن مرحوم - که خود نیز کارمند شرکت بوده - بنابه رأی کمیتهٔ پاکسازی، به جهت وابستگی به فرقهٔ ضالّهٔ بهائیت، از خدمت منفصل شده است.

از آن مرحوم، دو فرزند صغیر به جا مانده، که سرپرستی آن‌ها از طرف ادارهٔ امور سرپرستی تهران، به مادرشان واگذار گردیده است.

با توجه به مراتب فوق، خواهشمند است نظر حضرت امام را راجع به موارد زیر امر به ابلاغ فرمایید:

1. پرداخت حقوق وظیفه سهم همسر، با توجه به این که وابسته به فرقهٔ ضالّهٔ بهائیت بوده، و از دریافت حقوق خود از صندوق دولت، محروم شده است.

2. پرداخت سهم فرزندان صغیر متوفی در وجه مادرشان.

بسمه تعالی، اگر بهائیت او ثابت است، نه حقوق می برد و نه می تواند متکفل امور فرزندان شود.

[سؤال 11048] 6303

بسمه تعالی

دفتر حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی، احتراماً؛ در مورد يك مسأله شرعی - که مختصراً به شرح زیر است - از آن مقام معظم استفتا می نمایم.

این جانب در تاریخ 12 / 2 / 1344 شمسی با خانمی که قبلاً کلیمی بوده و بعد به دین مبین اسلام مشرف شده - و در حضور آیت الله العظمی گلپایگانی در تاریخ 19 ربیع الاول سال 1383 قمری مجدداً کلمهٔ شهادتین را به زبان جاری کرده و مراتب را جناب آیت الله العظمی گلپایگانی نیز تصدیق فرمودند - ازدواج نمودم و پس از ازدواج با بانوی مذکوره، يك خانه برای او خریداری نمودم. پس از این که آن بانوی مسلممه به رحمت ایزدی پیوست و دارفانی را وداع گفت، چون بنده - شوهر مشارالیها - تنها وارث نامبرده به لحاظ مسلمان بودن بودم، بدین عنوان از دادگاه بخش سابق تهران تقاضای صدور گواهی حصر وراثت در سال 1346 نمودم، که متأسفانه پنج نفر کلیمی، بعد به عنوان فرزندان و شوهر قبلی آن بانوی مرحومهٔ مسلممه نسبت به تقاضای حصر

ص: 503

وراثت بنده اعتراض نمودند و همگی آن ها به وکیل دادگستری سابق در مورد اعتراض به حصر وراثت وکالت دادند و مدعی شدند که اولاً: مرحومه هیچ گاه به دین اسلام مشرف نشده و از ابتدا تا زمان فوت کلیمی بوده. ثانیاً: ازدواج شرعی این جانب را به آن بانوی مسلمة مرحومه انکار نمودند. و ثالثاً: خود را منحصرأ وراث قانونی بانوی متوفی قلمداد کردند و معترضین همگی به عنوان کلیمی، نسبت به حصر وراثت تقاضا شده اعتراض نمودند و در طول مدت چهار سال متوالی در پنج شعبه از دادگستری منکر مسلمان بودن بانوی مسلمة بوده و خود را تنها وارث دانسته و حتی وکیل آن ها در محضر دادگاه و در حضور موکلین خود، اقرار و اعتراف نموده که اولاً: ایشان کلیمی بوده و ثانیاً: منکر عقدنامه رسمی شده و بعد هم در همان جلسه اظهار کرده: چنانچه عقدنامه فیما بین این جانب و بانوی مرحومه درست باشد، این جانب به لحاظ مسلمان بودن ارث نمی برم، که با این ترتیب، اقرار و اعتراف به کلیمی بودن موکلین خود نیز نموده، و موکلین وکیل که در دادگاه حضور داشتند، با اقرار و امضای صورت جلسه، مطلب مذکور یعنی کلیمی بودن خودشان را تصدیق و تأیید می نمایند. و خلاصه این که معترضین حصر وراثت که چهار سال متوالی براساس کلیمی بودن خود، دعوی اعتراض را تعقیب نموده و بدین ترتیب مدت چهار سال مکرر و مستمر در مراجع دادگستری، اقرار و اعتراف به کلیمی بودن خود و منکر مسلمان بودن ایشان بودند. پس از این که دادگاه شرع، مسلمان بودن ایشان و وقوع عقد نکاح فیما بین این جانب و بانوی مذکوره را تصدیق و تأیید و مورد حکم قرار داد و ادعای نامبردگان نسبت به ابطال عقدنامه فیما بین و کلیمی بودن ایشان را مردود دانست و از این جهت محکوم شدند، بعد از چهار سال یکی از پنج نفر معترضین مدعی مسلمان بودن می شود و خود را به عنوان وارث مسلمان ایشان معرفی می نماید و حال آن که این شخص، مدت چهار سال به اتفاق چهار نفر از معترضین دیگر، مکرراً و مستمراً به عنوان کلیمی، نسبت به حصر وراثت این جانب اعتراض نموده و با ارائه يك نامه از يك روحانی نمای زمان طاغوت - بعد از اقرار و اعترافات مکرر و مستمر به کلیمی

بودن خود در طول مدت چهار سال متوالی و در طول همان زمان که منکر مسلمان بودن مادرش بوده - خود را مسلمان معرفی می نماید تا به عنوان وارث در ماترك مادرش که مسلمان بوده شريك شود و مرا از سهم عمده ای از ماترك استحقاقی و شرعی محروم نماید و به این ترتیب، نامبرده که حتی در محضر دادگاه، اعتراف به کلیمی بودن خود می نماید و صورت جلسه مربوطه را نیز امضا می کند و پس از چهار سال متوالی که به اتفاق چهار نفر دیگر مقرر و معترف به کلیمی بودن خود بوده، برای این که این جانب مبادا به عنوان مسلمان و شوهر مادرش، وارث منحصر به فرد شناخته شوم، رنگ تغییر داده و به ناگاه ادعای مسلمانی می نماید تا حق قانونی و شرعی بنده را تضییع نماید.

خلاصه این که از آن مقام معظم استدعا دارم در این مورد، عنایت فرمایند و راجع به مسأله مذکور از نظر شرعی بیان فرمایند که اولاً: آن شخص معترض - با شرحی که بیان شد - شرعاً می تواند پس از چهار سال متوالی که مکرراً و مستمراً اقرار به کلیمی بودن خود نموده، به ناگاه با ارائه نامه ای از ناحیه يك روحانی نمای زمان طاغوت، خود را به عنوان يك فرد مسلمان، آن هم از سال های پیش معرفی نماید؟ و آیا شرعاً ادعای مسلمانی چنین شخصی که مدت چهار سال به عنوان کلیمی بودن، طرح و اقامه دعوا در چند شعبه دادگستری نموده پذیرفته می شود؟ و آیا چنین فردی که مسلمان بودن مادرش را که يك زن مسلمه بوده منکر شده و آن هم در مدت چهار سال متوالی که مکرراً مادر خود را کلیمی قلمداد کرده و منکر اقرارنامه او و نیز منکر تصدیق نامه آیت الله العظمی گلپایگانی در مورد مسلمان بودن ایشان و همچنین منکر عقدنامه رسمی ما بین این جانب و مادرش بوده، چنین فردی شرعاً چه حکمی دارد؟

ثانیاً: آیا آن شخص شرعاً از مادر مسلمان خود ارث می برد؟

بسمه تعالی، اگر معلوم است که فرزند قبلاً کافر بوده، ادعای او که در وقت مردن مادر، مسلم بوده پذیرفته نیست، مگر آن که به طریق شرعی، آن را اثبات کند.

حضور محترم رهبر کبیر انقلاب و امید مستضعفان جهان، ضمن عرض سلام، از حضور جناب عالی تقاضا دارم که به مسأله شرعی به شرح زیر پاسخ داده شود:

فردی مسلمان بوده و با داشتن زن و فرزند صغیر، بهایی شده و در زمان ارتداد، باغش را به نفع فرقه ضالّه بهائیت، به شرکت نونهالان می فروشد و قیمت آن، جزو اموالش می گردد و بعداً اموال شرکت از جمله همان باغ، به حکم دادگاه انقلاب اسلامی و به حکم حاکم شرع مصادره و به بنیاد مستضعفان واگذار می گردد؛ حال ورثه مسلمانش به عنوان این که باغ، به حکم شرع از ورثه مسلمان او بوده و به فروش آن راضی نبوده اند، مدعی آن هستند باغ که ملک ورثه مسلمان است، باید به آن ها برگردد؛ آیا شرعاً و قانوناً چنین حقی دارند یا نه؟

سلامتی و سعادت مندی جناب عالی را در خدمت به اسلام و مسلمین از خداوند متعال خواستاریم. والسلام علی عباد الله الصالحین

بسمه تعالی، در ارتداد فطری، اموال شخص به مجرد ارتداد، به وارث مسلمانش منتقل می شود و فروش آن از طرف شخص مرتد باطل است.

2. منازل بهایی ها و قاتلین فراری را همان افراد سودجو و منفعت طلب به قیمت نازلی، بدون اجازه از ولایت فقیه یا دولت جمهوری اسلامی یا مراجع تقلید خریده اند و به قیمت چند برابر فروخته اند. آیا معامله آن ها صورت شرعی دارد یا خیر؟ در صورتی که صحیح نباشد، تکلیف شرعی آن ها چیست؟

بسمه تعالی، بهایی اگر مسلمان زاده بوده و بهایی شده، اموال او متعلق به وارث مسلمان است؛ و اگر از اصل، بهایی زاده بوده، اختیار اموال او در فرض مرقوم، با دولت اسلامی است.

2. اموال مرتدین چه تکلیفی دارد؟

بسمه تعالی، اموال مرتد فطری که تا وقت ارتداد دارد به ورثه مسلمان او منتقل می شود و اموال مرتد ملّی باقی بر ملک او است.

دوم از موانع ارث: قتل

بسمه تعالی

محضر مقدس آیت الله العظمی، نایب الامام، امام خمینی

1. هرگاه زیدی به دستور مادرش - چون پدرش زن دیگری گرفته - پدر خود را کشته باشد به این نحو که با پدر در مزرعه نزاعشان شده، و پدر با بیل به پسرش حمله کرده، پسر هم پدر را زده و یکی دو روز بعد پدر مرده، آیا این پسر از مال پدر ارث می برد یا خیر؟ توضیح آن که پسر برادر و خواهر نداشته و پدرش یک برادر و یک خواهر دارد، وارث مال کیست؟

بسمه تعالی، ضربه پسر بر پدر که منتهی به قتل پدر شده اگر در مقام دفاع بوده مانع از ارث نیست و پسر از پدر ارث می برد.

2. دیه قتل را به چه کسی باید بدهد و چه چیز باید بدهد؟

بسمه تعالی، دیه در حکم ترکه مقتول است و به وارث او می رسد و مقدار دیه در رساله مذکور است.

3. سه كفاره ای که به ذمه او می باشد «بنده آزاد کردن و دو ماه روزه گرفتن و شصت فقیر را اطعام کردن» فعلاً که بنده ای نیست که آزاد کند چه باید بکند؟

بسمه تعالی، آزاد کردن بنده در فرض عجز از آن ساقط است.

4. هر گاه مال پدر در دست پسر باشد، آیا می تواند برای پدر حج میقاتی به جا بیاورد یا باید با اذن عمو و

عمه که وارث هستند باشد؟

بسمه تعالی، اگر پدر مستطیع بوده و حج بر ذمه او مستقر شده و نرفته از مال او باید برایش حج به جا آورند و حج میقاتی کفایت می کند و اذن عمو و عمه شرط نیست.

5. آیا هر گاه چند سال مال پدر در دست پسر بوده، اجاره را باید به عمو و عمه اش و اگر آن ها مرده اند به وارث آن ها بپردازد یا خیر؟
بسمه تعالی، با فرض این که قتل دفاعی بوده پسر وارث است و با بودن پسر، عمو و عمه ارث نمی برند.

[سؤال 11054]

6. آیا مادر این پسر هر گاه گفته که پدرت را بکش و خوش گردن من، این زن از شوهرش ارث می برد یا خیر؟
بسمه تعالی، دستور قتل مانع از ارث بردن نیست.

7. و هرگاه پسر که جوانی در حدود 16 - 17 ساله بوده و به دستور مادر چنین کاری را مرتکب شده و بعداً هم پشیمان بوده آیا تخفیفی دارد یا خیر.

بسمه تعالی، قتل عمدی علاوه بر آن که کیفر دارد گناه است و قاتل باید از گناه توبه کند و خداوند منان وعده داده که توبه را می پذیرد.

8. هر گاه پسر قصد کشتن پدر را نداشته، بلکه قصدش ترساندن پدر بوده آیا چون با بیل زده قتل عمدی حساب می شود یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر در مقام دفاع نبوده و ضربه به نحوی بوده که عادتاً کشنده است قتل عمدی محسوب است و گرنه قتل عمدی محسوب نیست.

[سؤال 11055] 6306

بسمه تعالی 1362 / 1 / 30

حضرت مستطاب حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای پسندیده، از امام بپرسید: کسی که پدرش را به قتل رسانده، آیا از پدرش که کشته، ارث می برد یا خیر؟ جواب را کتباً مرقوم فرمایید.

بسمه تعالی، قاتل از مقتول ارث نمی برد.

ص: 508

بسمه تعالی

دفتر استفتای امام، پس از عرض سلام، خواهشمند است به سؤالات زیر جواب مقتضی را مرقوم فرمایید:

1. دیه سقط جنین به چه کسی باید پرداخت شود؟ با توجه به این که جنین مورد بحث، دارای خواهر و پدربزرگ و مادربزرگ می باشد و در امر سقط جنین که عمدی بوده است، پدر و مادر جنین هر دو مشترکاً اقدام نموده اند.

بسمه تعالی، کسی که مباشر سقط بوده، از دیه ارث نمی برد.

2. مبلغ آن برای جنین يك ماهه و دو ماهه، به قیمت امروز چقدر می شود؟ با تفکیک هر يك از مرحله های فوق، با پول رایج امروز بیان نمایید.

بسمه تعالی، در تعیین مقدار دیه جنین، به رساله مراجعه شود.

3. آیا می شود از انواع دیه، مثلاً نقره یا طلا و یا لباس به دلخواه یکی را که قیمت آن کمتر، است پرداخت؟ و اگر فعلاً وسع مالی به هیچ کدام از آن ها نرسد، چه باید کرد؟

بسمه تعالی، در موارد تخییر مانع ندارد.

4. در پرداخت دیه باید قیمت امروز را حساب کرد، یا قیمت روزی - مثلاً شش یا هفت سال قبل - را که عمل سقط جنین انجام گرفته است؟ و اگر طلا و یا نقره قیمت های متفاوت داشته باشد، مثلاً نوعی نقره با قیمت ارزان تر و نوعی نقره با قیمت گران تر، کدام قیمت را می توان اختیار کرد؟

بسمه تعالی، میزان قیمت روز پرداخت است و قیمت عادلۀ سکه متعارف میزان است.

در پایان سلامتی و طول عمر آن رهبر عزیز را از درگاه خداوند متعال خواهانم و خواهشمندم در این مورد مرا راهنمایی فرمایید.

3. آیا دیه سقط جنین عمدی باید به حاکم شرع پرداخت شود یا به وارث جنین؟

بسمه تعالی، به وارث می رسد و اگر کسی از ورثه، مباشر سقط است به او نمی رسد.

بسمه تعالی

محضر حضرت آیت الله العظمی خمینی، مدّ ظلّه العالی

1. شخصی زن خود را زد بچه سقط کرد دیه بچه را به که باید بدهد؟ شما بیان فرمایید.

بسمه تعالی، باید به مادر بچه بدهد.

[سؤال 11059]

2. شخصی زن خود را زد این زن حامله بود مُرد دیه زن و بچه را به که باید داد؟ این زن چند تا اولاد دارد. دیه زن به اولاد زن یا به وراثت دیگر آن زن بدهد و دیه بچه را به برادر بچه بدهد؟ شما بیان فرمایید.

بسمه تعالی، دیه هر يك به وارث خود او می رسد و قاتل ارث نمی برد.

3. کسی که مثلاً گوسفندی را نذر می کند، پوست آن را جایز است بفروشند یا باید به فقیر بدهد؟ شما بیان فرمایید.

بسمه تعالی، باید در جهت نذر صرف کند مگر آن که گوشت آن را نذر کرده باشد که در این صورت می تواند پوست را بفروشد.

4. کسی در شب تاريك حيوان سر ببرد به خیال این که رو به قبله است بعداً معلوم شد رو به قبله نبوده، گوشت آن حلال است یا حرام؟ شما بیان فرمایید.

بسمه تعالی، حلال است.

5. زن هایی که از شوهر خود به زور حکومت طلاق می گیرند به شوهر دوم حلال است یا حرام، اولاد از آن ها حلال زاده است یا نه؟ شما بیان فرمایید.

بسمه تعالی، اگر طلاق از روی اکراه بوده صحیح نیست و بر شوهر دوم حرام است و در صورت شبهه، اولاد، اولاد شبهه هستند.

6. میوه ای که آب می آورد از چند تا باغ، نمی دانیم از کدام است خوردن آن حرام است یا نه؟ شما بیان فرمایید.

بسمه تعالی، تا احراز رضایت صاحب آن نشود خوردن آن حرام است.

[سؤال 11060] 6309

بسمه تعالی 1361 / 11 / 16

دفتر حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

پسری به دختری تجاوز می کند، در نتیجه این تجاوز دختر حامله می شود. پسر حاضر به ازدواج با دختر گردیده و با اجرای صیغه عقد دائم با هم زن و شوهر می شوند و بچه نیز به دنیا می آید که فعلاً زنده بوده و در آزمایش گروه خونی پسر و نوزاد، خون آن ها مطابقت نشان می دهد. حال از نظر شرعی تکلیف نوزاد چه خواهد بود؟ مستدعی است در این باره حکم شرع مقدس را از لحاظ تعلق نوزاد در ذیل این ورقه اعلام فرمایند. توضیح این که طفل نوزاد بعد از اجرای صیغه عقد به دنیا آمده است.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، اگر معلوم است که نوزاد از آن پدر و مادر است ملحق به آن ها است و چنانچه از زنا باشد توارث بین نوزاد و زانی ثابت نیست، ولی تمام احکام دیگر فرزندی و پدر و مادری بر آن ها مترتب است.

[سؤال 11061] 6310

بسمه تعالی

محضر حضرت آیت الله العظمی خمینی، مدّ ظلّه العالی

یک کسی با زن بیوه زنا کرده، این زن حامله شد، یک پسر حرام زاده زاییده، بعداً همین زن را برای خود عقد کرد، دوباره این زن حامله شد یک پسر حلال زاده زاییده و این مرد فوت کرده، آیا هر دو پسر ارث می برند یا نه؟ شما امر بفرمایید.

بسمه تعالی، حرام زاده ارث نمی برد.

ص: 511

بسمه تعالی

محضر حضرت آیت الله العظمی خمینی، مدّ ظلّه العالی

یک کسی در سفر بود، زنش در خانه از زنا حامله شد، این مرد از سفر برگشت زنش را طلاق داد، زن رفت در جایی دیگر پسری زاید، این پسر بزرگ شد از مادرش پرسید پدرم که بود مادر گفت تو پسر احمد هستی، مادر مرد، بعد از چند مدت احمد مرد، این پسر آمد به پسران دیگر احمد گفت من هم پسر احمد هستم، احمد پدر من است و من از مال پدر میراث می برم، آیا این پسر حق دارد یا ندارد؟ شما امر بفرمایید.

بسمه تعالی، با فرض این که ولد از زنا است ارث نمی برد.

بسمه تعالی

حضور محترم رهبر عالی قدر اسلام حضرت امام خمینی زید عمره، سلام علیکم، با احترام و عرض ادب به عنوان یک فرد مسلمان از آن جناب استفتا می نمایم:

آیا زنی که در حیات خواهر، با شوهر خواهر خود همبستر گردد و دارای چند فرزند شود و مدتی از محل سکونت خواهر خود دور بوده، بعد از فوت شوهر خواهر خود تقاضای ارث از وارثین مرد نماید و تنها مدرک دال بر طلب ارث فرزندان این زن شناسنامه ای است که دارای نام این زن و شوهر خواهرش می باشد و چیز دیگری وجود ندارد، مقرر فرمایید در قانون اسلام این امر حتی به صورت صیغه دائم امکان پذیر می باشد در صورتی که خواهر زن دارای عقدنامه می باشد و ثانیاً، این زن و فرزندان می توانند از ارث شوهر خواهر استفاده کنند. به امید پیروزی رزمندگان اسلام بر کفار جهانخوار و به امید روزی که قرآن آن قانون الهی در تمامی جهان به مرحله اجرا درآید. منتظر بذل محبت و راهنمایی می باشم.

ص: 512

بسمه تعالی، اگر ثابت است شرعاً که شوهر خواهر آن زن بوده و فوت کرده آن زن از او ارث نمی برد ولی اولاد آن زن که از آن مرد هستند از او ارث می برند مگر در صورتی که ثابت شود که مرد از زنا این اولاد را پیدا کرده است.

[سؤال 11064] 6313

بسمه تعالی

محضر مقدس حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

دختری باکره بدون اذن پدرش شوهر کرده و قبل از اجازه پدر، صاحب اولادی شده. این اولاد بزرگ شده و مالی هم پیدا کرده و فوت شده، آیا ارث این اولاد به پدر می رسد یا به مادر و یا متعلق به حاکم شرع است؟ و آیا این اولاد حکم ولد الزنا را دارد یا نه؟

بسمه تعالی، اگر التفات به اشتراط اذن پدر نداشته اند، حکم ولد حلال را دارد و در صورت التفات، ارث ثابت نیست.

[سؤال 11065] 6314

بسمه تعالی

محضر حضرت آیت الله العظمی خمینی، مدّ ظلّه العالی

کسی با زن شوهردار زنا کرده، شوهر زن مرده، مردی که با زن زنا کرده بود همان زن را برای خود عقد کرده، از این زن چند تا پسر دارد حرام زاده است و زن دیگر هم دارد عقد خوب شرعی شده، چند تا پسر حلال زاده دارد این ها از پدر مساوی میراث می برند، یا حرام زاده حق ندارد؟ شما امر بفرمایید.

بسمه تعالی، اولاد زنا ارث نمی برند و با فرض جهل و طی به شبهه است و اولاد و طی به شبهه ارث می برند.

ص: 513

بسمه تعالی

محضر حضرت آیت الله العظمی خمینی، مدّ ظلّه العالی

1. یکی با زن شوهردار زنا کرده، شوهر زن فوت کرده، این مرد زنا کننده این زن را برای خود عقد کرده، این مرد هم فوت کرد، چند تا اولاد از این مرد مانده، این اولادها از این پدر میراث می برد یا نمی برد؟ شما امر بفرمایید.

بسمه تعالی، اولاد زنا ارث نمی برد و با فرض جهل، وطی به شبهه است و اولاد ارث می برد.

2. اگر بچه نابالغ چیزی دزدی کند و تلف کند جایز است آن مبلغ را از پدر بچه بگیرند؟ شما امر بفرمایید.

بسمه تعالی، پدر ضامن نیست.

بسمه تعالی

محضر حضرت آیت الله العظمی خمینی، مدّ ظلّه العالی

چند تا زن در يك جا بوده اند شخصی با یکی از این ها به گمان اینکه همسر خودش می باشد همبستر شده بعداً مرد و زن هر دو متوجه اشتباه شده اند، حال این زن حامله شده و پسری آورده زن خودش می داند پسر از شوهرش نیست از مرد اجنبی است، این پسر حلال زاده است یا حرام زاده اگر حلال زاده شد از پدر میراث می برد یا نمی برد؟ شما امر بفرمایید.

بسمه تعالی، حلال زاده است و از پدر ارث می برد.

بسمه تعالی

محضر حضرت آیت الله العظمی خمینی، مدّ ظلّه العالی

1. يك کسی مرده چند تا پسر دارد، اگر مادر پسرها گفت این یکی از پدرش نیست

چون که پدرش در سفر بود من از کسی دیگر بار گرفتم، باقی پسرها حلال زاده است این پسر حرام زاده است. حالا پسر از پدر میراث می برد یا نمی برد؟ شما امر بفرمایید.

بسمه تعالی، مطابق ظاهر شرع ارث می برد و به گفتن مادر ولد نفی نمی شود.

2. اگر انگشتر یا کلاه یا جوراب یا کمر بند غصب باشد می شود با این ها نماز خواند؟ شما امر بفرمایید.

بسمه تعالی، بنابر احتیاط حکم لباس غصبی را دارد و نماز در آن محکوم به بطلان است.

مواردی که به موانع ارث ملحق شده:

اول: مانع بودن حمل از ارث بردن مرتبه یا طبقه متأخر

[سؤال 11069] 6318

بسمه تعالی 1361 / 6 / 27

محضر مقدس حضرت آیت الله العظمی نایب الامام، امام خمینی

عرض می شود: اگر زنی حامله باشد و شوهر آن زن از دنیا برود و بعداً از آن زن، طفل مرده متولد شود، آیا ارث آن طفل به مادر آن طفل می رسد یا به پدر بزرگ آن طفل می رسد؟

بسمه تعالی، در فرض مرقوم، بچه ارث نمی برد و به وارث شوهر می رسد.

[سؤال 11070] 6319

بسمه تعالی 1361 / 3 / 26

دفتر محترم حضرت آیت الله العظمی امام خمینی

با نهایت احترام؛ به عرض می رساند پسر من با تصادف مرده است و مبلغ ده هزار تومان زنش به عنوان مهریه و یک هشتم از فدوی گرفته است و این پسر متوقایم دارای یک پسر 18 ماهه است و زنش حامله است و عمارت پسر من را زنش تصرف عدوانی نموده است و صغیر هیچ چیز ندارد و این ده هزار تومان را از خون پسر من

ص: 515

گرفته است؛ آیا در این مورد، مهریه و يك هشتم به عروسم می رسد یا نه؟ امیدوارم مطلعم فرمایید.

بسمه تعالی، بعد از ادای دیون متوفی که از جمله آن مهریه زوجه است بقیه ترکه به همه ورثه می رسد و زن از زمین ارث نمی برد و از قیمت ساختمان ارث می برد و حمل، از ورثه محسوب است به شرط آن که زنده به دنیا بیاید، و چنانچه ده هزار تومان به عنوان ديه داده شده، به همه ورثه می رسد.

[سؤال 11071] 6320

بسمه تعالی

زعيم عالی قدر، نایب الامام، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، دام ظلّه العالی

توقیراً مبادرت به عرض می نماید این بنده، بدین وسیله خاطر مبارك آن زعيم عظیم الشان را مستحضر می دارد: پسر بنده کارمند ذوب آهن اصفهان در موقع انقلاب در اصفهان و دانشگاه تهران فعالیت گسترده و چشمگیری داشت و در موقع تصرف پادگان عشرت آباد تیر خورد و به درجه شهادت نائل آمد که آرزوی خود آن مرحوم و نهایت افتخار این جانب بوده و می باشد. مجاهد شهید در مورخه 57/9/2 ازدواج نمود و در تاریخ 57/11/23 شهید شد. از ثمره ازدواج دو ماهه آن شهید، فرزندی است که عن قریب به دنیا خواهد آمد. پدر عروس در تاریخ 57/12/22 در اصفهان اثاث منزل پسر را جمع و به خانه خودش انتقال داده و عروسم را نیز برده و در حال حاضر نیز برای وصول حقوق و مزایای پسر اقداماتی نموده است برای مطالبه شخصی خود. و خیال نموده که این شهید پدر و مادری نداشته است. مطابق قوانین شرع مقدس اسلام در این مورد پدر عروس ذیحق بوده است و باید كوچك ترین حرکتی در مقابل ایشان نداشته باشم؟ استدعای عاجزانه دارم حقانیت ایشان یا این جانب را در حق فرزند شهیدم و این که بعد از فوت ایشان چه کسی باید مباشرت

ص: 516

حقوق و مطالبات و مزایای ایشان را به عهده بگیرد برای بنده معلوم و معین فرمایید تا حق به حق دار برسد. يك دنيا سپاسگزار و متشكر خواهد بود.

بسمه تعالی، ارث متوفی به پدر و مادر و زوجه و حمل می رسد بعد از ولادت زنده. و ولایت بر او [فرزند] و اموال او با جدّ پدری است و اموال خود زن مربوط به خود اوست و دیگری حق تصرف ندارد مگر با رضایت او. و حقوق و مزایایی که بعد از فوت کارمند دولت می دهند منوط است به مقررات دولت.

[سؤال 11072] 6411

5. در صورتی که هنوز همسرش زایمان نکرده، می توانند مال او را تقسیم کنند یا نه؟

بسمه تعالی، تقسیم مال مانع ندارد؛ ولی برای حمل باید سهم الارث دو پسر را کنار بگذارند تا بعد از وضع حمل تکلیف آن روشن شود.

[سؤال 11073] 6321

بسمه تعالی

محضر حضرت آیت الله العظمی خمینی، مدّ ظلّه العالی

1. شخصی فوت کرده وصیت کرد که زنم حامله است، از مال من حق يك پسر بگذارید، وارث حق يك پسر گذاشت، زن دو پسر زاییده، حالا چه باید کرد؟ شما بیان فرمایید.

بسمه تعالی، سهم هر دو پسر را از ترکه میت باید بدهند.

2. کسی که خنثی است، یعنی نه مرد است نه زن، این از میراث حق پسر یا دختر می برد؟ شما بیان فرمایید.

بسمه تعالی، نصف مجموع سهم يك دختر و يك پسر را می برد.

3. کسی چیزی از غنی بگیرد به نام فلان فقیر اگر به آن فقیر ندهد ضامن و مدیون است یا نه؟ شما بیان فرمایید.

بسمه تعالی، ضامن است.

ص: 517

[سؤال 11074] 6322

بسمه تعالی

محضر حضرت آیت الله العظمی خمینی، مدّ ظلّه العالی

در توضیح المسائل مسأله 2712 فرموده بودید کسی فوت کرده، وصیت کرده به ورثه خود که زخم حامله است، از مال من حق بچه بگذارید اگر بچه زنده به دنیا آمد بدهید، اگر مرده به دنیا آمد وصیت باطل است و اگر بچه زنده به دنیا آمد يك ساعت یا دو ساعت بیشتر زنده بود فوت کرد میراث بچه هم بین میراث دیگران قسمت می شود یا مال مادر بچه می شود، شما امر بفرمایید.

بسمه تعالی، سهم الارث بچه به وارث خود بچه منتقل می شود و دیگران حق ندارند و با وجود مادر ارث بچه به برادرهای او نمی رسد.

[سؤال 11075] 6323

بسمه تعالی

به پیشگاه آیت الله العظمی حضرت امام خمینی، رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران، دامت برکاته

معروض می گردد شوهر مرحوم من از این جنبه فرزندی نداشته، زن دیگری را در خارج صیغه کرده و از او پسری به وجود می آید به نام علی. پدر اسم او را در شناسنامه خود قید و به فرزندی علی اقرار می نماید، اما در شناسنامه این پسر برای احترام زن عقدی که من باشم اسم مادر اصلی را که صیغه بوده نمی نویسند و اسم این جنبه را در شناسنامه پسر به عنوان مادرش می نویسند، هرچند جناب عالی در جلد دوم تحریر الوسیله مسأله هفده اقرار پدر را به فرزندی قابل بحث دانسته اید پس پاسخ کمینه را مرحمت فرمایید که منظور از کلمه منازع مذکور در مسأله هفده فوق آیا این است که کسی دیگر مدعی فرزندی پسر شود و بگوید من پدر او هستم، یا آن که منظور از کلمه

ص: 518

منازع این است که هر شخصی می تواند مدعی شود که آن پسر فرزند شوهرم نیست زیرا در شناسنامه اسم مادر را برای احترام خانوادگی عوضی نوشته اند.

سؤال دوم، هرگاه شوهرم فرضاً چهار برادر داشته باشد آیا با وجود پسر فوق که اقرار به فرزندى او هم شده و به مدت بیست و هشت سال با ده سند رسمی پدر و پسر با هم معامله کرده اند و پسر هم شناسنامه در دست دارد که فرزند او است به اضافه اقرار پدر به فرزندى او که طبق فرمایش آن حضرت قابل گفت و گو است و فرد دیگری هم ظرف موعده شرعی دو ماه ادعای فرزندى آن پسر را نکرده، آیا بعد از فوت پدر برادران فرضی که جز شهادت شهود دلیلی هم ندارند می توانند ادعای میراث کنند یا خیر؟ به هر صورت اشتباهی نوشتن نام مادر آن پسر در شناسنامه آیا به اقرار پدر که طی ده ها سند رسمی و به مدت 28 سال به فرزندى آن پسر اعتراف نموده لطمه ای وارد می آورد یا خیر؟ از پیشوای واقعی مسلمین استدعا دارد در مورد سؤالات فوق پاسخ مرحمت فرمایند.

بسمه تعالی، با وجود فرزند اگرچه از زوجه موقت باشد ارث به برادر و خواهر نمی رسد و ثبت در شناسنامه دخالتی در مسأله ندارد و چنانچه اختلافی در بین باشد باید در محاکم صالحه حل و فصل شود.

[سؤال 11076] 6305

5. آیا هرگاه چند سال مال پدر در دست پسر بوده، اجاره را باید به عمو و عمه اش و اگر آن ها مرده اند به وارث آن ها بپردازد یا خیر؟

بسمه تعالی، با فرض این که قتل دفاعی بوده پسر وارث است و با بودن پسر، عمو و عمه ارث نمی برند.

[سؤال 11077] 6324

بسمه تعالی 1361 / 8 / 23

دفتر امام خمینی، دامت برکاته، احتراماً؛ از راه دور دست آن امام بت شکن و آن

ص: 519

رهبر عالی قدر را می بوسم و دعای خیر نموده و از خدای عزّوجل انتظار دارم که دعای حقیر به اجابت رسد. آمین یا ربّ العالمین

اماما! رهبر! با توجه به فتوکپی پیوست که از دست قلم خالویم است در زمان حیات مادرم مقداری زمین زراعتی ارثیه پدری به خالویم رسیده و نسق زراعتی به نام خالویم صادر گردیده بود. در سال 53 این مقدار را به مادرم به طور ارثیه پدری واگذار کرده و مادرم چون به جز من اولادی نداشته در زمان حیات خود زیر همان کاغذ زمین را به این جانب واگذار کرده، چون مادرم فوت کرد خالویم درصدد است آن مقدار زمین که در این مدت زیر کشتم بوده و به ارث مادری هم به این جانب رسیده پس بگیرد و چون این جانب نمی خواهم درآمدی به جز نظر شرع اسلام داشته باشم تقاضا و مستدعی است راهنمایی فرمایید آیا خالویم از نظر شرع اسلام و دستورات ارثی درست می گوید، یا بنده که از مادرم این ارث به من رسیده؟ از راهنمایی که می فرمایید دعای خیر می نمایم، امیدوارم که دعایم به اجابت رسد.

بسمه تعالی، اگر زمین مزبور سهم الارث مادر شما از پدرش هست و یا خالوی شما به او تملیک کرده بعد از فوت مادر شما به شما می رسد و خالو حق مزاحمت ندارد.

[سؤال 11078] 6325

بسمه تعالی 1361 / 4 / 29

محضر مبارک زعیم عالی قدر امام خمینی، دامت برکاته، پس از عرض سلام و آرزوی سلامتی برای شما، مستدعی است لطفاً پاسخ سؤال ذیل را مرقوم فرمایید.

شخصی در حالی که یک دختر داشته، فوت نموده و دختر ایشان هم قبل از خودش فوت کرده است و از آن دختر، دو دختر بچه صغیر باقیمانده اند؛ هم اکنون برادر این شخص فوت شده مدعی است که برادرم در زمان حیات، با من مصالحه خطی امضا کرده که پس از من، ماترک من مال توست؛ آیا بچه های صغیر دختر ایشان،

ص: 520

از ماترك او سهمی می برند یا خیر؟

بسمه تعالی، در فرض مرقوم، ارث شخص متوفی، به نوه هایش می رسد و برادر میت سهمی در آن ندارد.

[سؤال 11079] 6326

بسمه تعالی 1361 / 6 / 22

حضرت آیت الله العظمی موسوی خمینی، رهبر و فقیه عالی قدر انقلاب اسلامی ایران، دامت افاضاته، با سلام و درود؛ به عرض مبارک می رساند:

مسأله ای اسلامی پیش آمده که نیاز مبرم به حل آن به وسیله فتوا از آن حضرت دارم. برادر و خواهری از يك والدين در قید حیات می باشند. برادر دارای دختری است که از دختر فرزندى به جای مانده است. دختر مذکور قبل از فوت پدرش بدرود حیات گفته است و ماتركی از پدرش باقیمانده است. اعلام فرمایند: ماترك مرحوم پدر به نوه تعلق پیدا می کند یا به خواهر؟ مضافاً به عرض می رسد خواهر و نوه (عمه و برادرزاده) در قید حیاتند. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، با وجود نوه، ارث به خواهر نمی رسد.

سوم: مانع بودن درجه متقدم از ارث بردن درجه متأخر

[سؤال 11080] 6327

بسمه تعالی 1361 / 12 / 24

حضرت آیت الله العظمی روح الله الموسوی الخمینی سلام عرض می نمایم و پس از عرض سلام سلامتی شما را از درگاه خداوند متعال درخواست می نمایم. پدر عزیزم امیدوارم که این مختصر نامه ای را که من می نویسم مورد پذیرش شما قرار گیرد.

و موضوع از این قرار است. پدری چند فرزند دارد که آن ها را زن داده است و یکی از فرزندان وی جلوتر از پدر به رحمت ایزدی می پیوندد و پدر هم بعد از مدتی

ص: 521

می میرد و فرزندان دیگر نیز دارایی پدرشان را تقسیم می نمایند و هر يك برای خود سهمی می برند و به فرزندان آن پسری که جلوتر از پدر فوت کرده است سهمی نمی دهند و می گویند که این پسر پیش بلا شده است و در صورتی که آن پسر تا موقعی که فوت می کند زحمت آن پدر را می کشد و اولین اولاد آن پدر است و من از شما خواهش می نمایم به عنوان يك فرزندی از شما و شما هم پدری گرامی برای ما، آیا از نظر شما و از نظر دین مقدس اسلام جایز است این کار که به آن فرزندی که جلوتر از پدرش فوت کرده است از دارایی پدرش ندهند؟ یعنی این که به فرزندان آن پسری که جلوتر فوت کرده است هیچ سهمی نمی رسد و من از شما خواهش مندم که در این مسأله تأکید نمایید و آن را هرچه زودتر رفعش نمایید. با درود به تمام شهیدان گلگون کفن میهن اسلامیمان و با درود به رهبر کبیر انقلاب اسلامی و با درود فراوان به تمام خانواده های شهیدان و با درود فراوان به رزمندگان اسلام که در این سرمای زمستانی با ارتش مزدور عراقی می جنگند و مشت محکمی به دهان امریکای جنایتکار و دست نشانده هایش می کوبند و می روند تا پرچم خونین لا اله الا الله را در سرتاسر جهان برافرازند. خداحافظ، به امید موفقیت و نتیجه گیری

بسمه تعالی، اگر فرزندی که قبل از پدر فوت کرده مال داشته باشد فرزندان او از آن مال ارث می برند ولی ترکه پدر [جدّ] به فرزندان او می رسد و با وجود فرزند نوه ارث نمی برد.

[سؤال 11081] 6328

بسمه تعالی 1361 / 2 / 13

حضرت امام خمینی رهبر کبیر انقلاب، مدّ ظلّه العالی

1. شخصی 58 ساله بوده دو سال و سه ماه قبل فوت کرد، وصیت نامه ای عادی تنظیم نموده و کلیه دارایی خود را بین کلیه فرزندان و عیالش تقسیم نموده که بعد از فوت به وصیت او عمل شود.

ص: 522

2. در حین این موضوع یکی از فرزندان او به نام محمدرضا که يك باب خانه را پدر در حیات خود به او داده يك هفته قبل از فوت پدر فوت می کند.

3. يك باب خانه ای که در حیات خودش به پسر دیگرش به نام غلامرضا در وصیت نامه واگذار شده بود در حیات خودش فروخته است در صورتی که در تقسیم نامه به پسر داده است.

4. این خانه ای که پدر به پسر اولی (محمدرضا) داده و يك هفته قبل از پدر فوت کرده است با داشتن 2 نفر فرزند صغیر آیا دیگر خانه ای به پسر متوفی یا به عیال پسرش که عروس او است می رسد یا خیر؟ جواب را مرقوم فرمایید.

5. خود مرحوم بعد از این که وصیت نامه نوشته است در حضور چند نفر اظهار داشته وصیت نامه من باطل است و تمام اختیارات دارایی ام اکنون مال خودم است.

6. در این مورد گواهانی در دست داریم که با سوگند به کلام الله مجید و فردای محشر حقایق را بیان می نمایند.

با توجه به مطالب بالا، حال بفرمایید که چگونه باید عمل شود تا برابر شرع نسبت به دارایی متوفی رفتار شود. والسلام علی عباد الله الصالحین

بسمه تعالی، هر مقدار از اموال که مالک در حیات خود به کسی فروخته یا بخشیده و تحویل داده دیگران در آن حقی ندارند و هرچه تا زمان فوت در ملك او باقیمانده و جزء ترکه او محسوب شده است تمام ورثه از آن ارث می برند و با بودن اولاد، نوه ارث نمی برد.

[سؤال 11082] 6329

بسمه تعالی 1360 / 12 / 26

به نام خداوند، درهم کوبنده ستمگران، دفتر مرجع تقلید شیعیان جهان، امام خمینی پس از عرض سلام و دعا برای سلامتی وجود امام امت و پیروزی رهروان راه حق در مبارزه با ظلم و کفر، از شما برادران که با صبر و بردباری و قبول مسئولیت

ص: 523

خطیر در آن جا به حل مشکل و مسائل مردم، بدون چشم داشت مادی نشستید، تقاضا دارم مرا نیز در حل این مشکل راهنمایی کنید. باشد که ثواب آن را از خداوند متعال دریافت دارید.

در سال 1341 هجری شمسی، پدرشوهر این جانب وصیت نامه ای بر مبنای اموال منقول و غیر منقول خود با رضایت فرزندان خود - که شامل چهار پسر و دو دختر می باشد - تنظیم نمود که در این وصیت نامه، اموال طبق موازین اسلام تقسیم شده بود و در وصیت نامه قید شده بود که بهره برداری از اموال، در زمان حیات خودشان، منوط به شخص خودشان و پس از فوت ایشان، هر کس طبق وصیت نامه از اموال بهره برداری کند؛ که سهم همسر از این ماترك، مقداری آب و ملك و اثاث خانه و يك فرش دوازده متری تبریزی بود و علاوه بر آن، وصیت نامه دیگری نیز هست که پدرشوهرم، شوهرم را وصی قرار داد تا بعد از مرگش کلیه مراسم کفن و دفن و سوگواری را با مخارج خود انجام دهد و در قبال آن، يك باغ كوچك به شوهرم واگذار کرد. اما خواست خدا چیز دیگری بود و همسرم در سال 58 به علت بیماری درگذشت و مرا با دو فرزند صغیر تنها گذاشت. ضایعه این مرگ برای همه ناگوار بود. به همین خاطر نگذاشتیم پدرشوهرم به علت کهولت و ناراحتی قلبی از این موضوع اطلاعی پیدا کند و در آخر عمر، داغ مرگ فرزند ببیند. با این وصف، پدرشوهرم يك سال بعد در سال 59، بدون اطلاع از این موضوع، زندگی را بدرود حیات گفت. اما مشکل من این مسأله است: اکنون وراثت پدرشوهرم تصمیم به تقسیم ماترك گرفتند و می گویند: چون شوهرم قبل از پدرش فوت کرده، دیگر نمی توانیم طبق وصیت نامه عمل کنیم و بر این منوال، به فرزندان من ارثی نمی رسد و باغ مزبور نیز در قبال تعهد پرداخت خرج کفن و دفن، به ما واگذار نمی شود. مراسم و کفن و دفن با مخارج پنجاه هزار تومان برگزار شد که من اکنون توانایی پرداخت آن را دارم؛ البته با فروش دستبند و گردنبند خودم. این به خاطر این است که باغچه، مال فرزندان من باشد. بچه های من چیزی جز يك خانه مسکونی که در گرو بانك رهنی است و مقداری از حقوق

پدرشان، چیز دیگری ندارند.

در پایان، باتوجه به این نکته که من فرزند صغیر دارم، خواهشمندم جواب درست و شرعی و کتبی به من بدهید. خداوند متعال شما را اجر بدهد.

بسمه تعالی، با وجود فرزند، نوه ارث نمی برد و در مورد سؤال، وصیت مربوط به نوه ها و مادر آن ها نیست.

[سؤال 11083] 6330

بسمه تعالی 1361/9/16

حضور محترم مرجع عالی قدر، امام امت، حضرت آیت الله خمینی، حفظکم الله

باری به عرض عالی می رساند که زنی دو فرزند داشته است؛ یک پسر و یک دختر، و دختر بعد از ازدواج و به دنیا آوردن دو پسر و قبل از مادر و شوهرش فوت کرده است. حال بعد از فوت زن از ترکه ایشان یک قطعه زمین هست، ولی ورثه پسر می گوید که شما ورثه دختر ارث نمی برید؛ زیرا مادر شما قبل از مادرش فوت کرده است. لطفاً بفرمایید که آیا ورثه دختر از این ترکه ارث می برند یا خیر؟ و اگر می برند، چه اندازه می برند؟ جواب لطف فرمایند.

بسمه تعالی، اگر دختر قبل از مادر فوت شده و پسر موجود [بوده] است، ارث مادر به پسر او می رسد و با وجود پسر، اولاد دختر ارث نمی برند؛ ولی اگر پسر و دختر هر دو فوت شده اند و بعد مادر فوت شده، اولاد پسر و اولاد دختر با هم ارث می برند.

[سؤال 11084] 6331

بسمه تعالی

با عرض سلام به حضور رهبر کبیر و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی و با آرزوی سلامتی و طول عمر برای امام و پیروزی برای رزمندگان اسلام

از امام عزیز می خواهیم به این سؤال ما جواب دهد: پدری چهار پسر داشت. هنوز

ص: 525

پدر زنده بود که دو تا از پسرانش مردند. یکی از این پسران، دو دختر داشت و دیگری يك پسر داشت. بعد از فوت پدر، پسران ثروت پدر را در بین خود و برادرزاده خود (یعنی به همان پسری که پدرش مرد) تقسیم کردند و به دختران هیچ ثروتی ندادند. آیا این دختران حقی دارند یا نه؟

بسمه تعالی، ارث پدر فقط به دو پسرش می رسد و با وجود فرزند، نوه ارث نمی برد.

[سؤال 11085] 6332

بسمه تعالی 1361 / 6 / 27

محضر مقدس مرجع تقلید و رهبر عالی قدر، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

محترماً به عرض می رسد که شخصی دارای سه فرزند پسری بود که در حال حیاتش دو تا از فرزندانش فوت نمودند. آن ها از پدر خود جدا نبودند ولی دارای عیال و فرزند صغیر بودند. شخص مذکور، بعد از فوت دو پسرش فوت نموده، درحالی که یکی از پسرانش در حال حیات بوده و فعلاً نیز در حیات است. آیا ماترك و دارایی شخص مذکور، بین نوه ها و پسرش که زنده مانده باید تقسیم شود یا فقط به پسر زنده اش می رسد؟ آنچه که حکم الله است مرقوم فرمایید که مورد احتیاج است.

بقای عمر و سلامت آن جناب را از خداوند متعال خواستارم.

بسمه تعالی، با وجود فرزند، نوه - ولو از فرزند دیگر باشد - ارث نمی برد.

[سؤال 11086] 6333

بسمه تعالی

درخواست سؤال می نمایم از حضرت امام خمینی مبنی بر این که شخصی بلاعقب فوت نموده است. این میت برادر، خواهر، عمو، عموزاده، عمه و عمه زاده ندارد و دایی که با مادر میت از پدر و مادر یکی باشند، ندارد. همچنین دایی که از نظر مادر با

ص: 526

مادر میت برادر و خواهر باشند، ندارد. و دارای يك دایی ناتنی می باشد که از نظر پدر با مادر میت برادر و خواهر هستند. علاوه بر آن این میت دارای سه دختر خاله و پسر خاله تنی می باشد که مادر میت با مادر خاله زاده ها از يك پدر و مادر می باشند. با توجه به درخواست و سؤالی که می نمایم برابر قانون خدا و پیغمبر مقرر دارید که مالیه این میت متعلق به دایی ناتنی یا متعلق به خاله زاده های تنی می باشد؟

بسمه تعالی، در فرض مسأله، ارث میت به دایی پدری او می رسد و پسر خاله ها و دختر خاله ها ارث نمی برند هر چند پدر و مادری هستند.

[سؤال 11087] 6334

بسمه تعالی

دفتر حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، مدّ ظله

شخصی فوت می کند که در طبقه اول و دوم وارثی ندارد و وراث او در طبقه سوم منحصر به عده ای بنی اعمام و بنی احوال امی و ابوینی است.

1. آیا اگر متوفی، عموزاده ای داشته باشد، او نیز وارث است و یا منسوبین امی و ابوینی سابق الذکر حاجب او هستند؟

2. آیا ادعای او مبنی بر پسرعمو بودن - بدون ذکر این که ابی یا امی یا ابوینی است - قابل قبول است یا باید تصریح کند؟

3. آیا اگر شهود نیز صرفاً پسرعمو بودن را گواهی دهند، بدون تصریح نوع آن - ابی، امی، ابوینی - کافی برای اثبات وراثت می باشد؟

4. آیا حاکم در مقابل چنین شهودی می تواند حکم به وراثت بدهد، یا مادام که شهادت تفصیلی داده نشود نباید چنین حکمی بدهد؟

بسمه تعالی، وارث بنی اعمام و بنی احوال هستند و با وجود ابوینی آن ها نوبت به ابی آن ها نمی رسد؛ و با شك در وارث بودن شخص، ارث به او داده نمی شود، مگر به طریق شرعی وارث بودن او ثابت شود.

ص: 527

4. شخصی که شهید شده است و از آن شهید فرزندان به جا مانده است، آیا می توان به فرزندان او از ارث جدشان با رضایت سایر ورثه سهم داد یا خیر؟

بسمه تعالی، ارث جد به فرزندان بلاواسطه می رسد، ولی آن ها می توانند با رضایت خودشان هر مقدار بخواهند به فرزندان شهید بدهند.

بسمه تعالی 1360/4/26

دفتر حضرت امام خمینی

احتراماً به استحضار می رساند چندی قبل دختر خاله ام به رحمت ایزدی پیوست، چون متوفی در زمان فوت دارای مال و اموال وافی بود که در حال حاضر در اختیار خواهر دیگرم که در زمان حیات متوفی حیات مشترك داشته اند می باشد و از طرفی نامبرده غیر از این جانبه و برادرم و خواهر دیگرم که در حال حاضر تمامی اموالش در اختیار ایشان می باشد وارث قانونی دیگری ندارد و از طرفی موضوع جهت تعیین حصر وراثت به دادگاه اعلام گردیده که دادگاه به علت این که متوفی دایی پدری دارد نتوانسته است تصمیم بگیرد، خواهشمند است پاسخاً اعلام فرمایید آیا ما وارث قانونی و شرعی متوفی می باشیم یا خیر؟

بسمه تعالی، با وجود دایی میت ولو تنها پدری باشد دختر خاله و پسر خاله ارث نمی برند.

بسمه تعالی

دفتر استفتانات امام خمینی مدّ ظلّه العالی، پس از عرض سلام:

1. متوفی در صورتی که در طبقه اول ارث جز مادر وارثی ندارد و از طبقه دوم برادر و خواهر دارد. طرز تقسیم ارث او چگونه است؟ آیا به مادر از باب فریضه و

رداً می رسد و به اخوه چیزی نمی رسد؟ یا مطلب جور دیگری است؟ بیان فرمایید:

بسمه تعالی، در فرض مرقوم تمام مال به مادر می رسد.

2. کسی که فرضاً چسب به کمر زده یا در یکی از اعضایش جبیره است و جنب شود آیا علاوه بر غسل تیمم هم می خواهد؟

بسمه تعالی، غسل جبیره ای کفایت می کند.

3. آیا می تواند بعد از غسل به مسجد رود ولو غسلش باطل شده باشد؟ آیا بعد از خوب شدن اعاده غسل لازم است یا همان غسل اول کافی است؟

بسمه تعالی، غسل جبیره ای رافع حدث است و اعاده لازم نیست.

میراث انساب

طبقه اول: پدر و مادر و اولاد

اشاره

[سؤال 11091] 6337

بسمه تعالی 1361 / 1 / 20

تهران، دفتر امام، محترماً؛ به عرض می رساند:

داماد و دختر این جانب در 10 / 1 / 1361 همراه با یگانه فرزندشان که سن او يك سال و نیم بوده است در اثر تصادف با اتومبیل همگی فوت نموده اند. سؤالاتی در مورد ماترك آن ها دارم که استدعا دارم پاسخ لازم را مرحمت فرمایید:

1. آیا جهیزیه زن مرحومه که صورت آن مشخص می باشد و به امضای مرد مرحوم رسیده است به پدر و مادر زن مرحومه می رسد؟

بسمه تعالی، جهیزیه از اموال زن محسوب است و به ورثه او می رسد.

2. زن در تمام مدت زناشویی که دو سال و شش روز بوده است در يك مؤسسه کار می کرده و در خرید سایر وسایل منزل با مرد سهیم بوده است؛ این وسایل چگونه باید تقسیم شود؟

بسمه تعالی، وسایلی که با هم خریده اند، در صورتی که یکی به دیگری نبخشیده به نسبت پولی که داده اند مشترك بین هر دو است.

3. برای پرداخت بدهی های مرد مرحوم و زن مرحومه چگونه باید اقدام کرد؟

پدر و مادر مرد مرحوم و پدر و مادر زن مرحومه می توانند با فروش اثاثیه آن ها دیون آنان را تأمین و پرداخت کنند؟

بسمه تعالی، بدهی هر يك از ترکه او خارج می شود.

4. می خواهیم برای درگذشتگان، نماز، روزه و ختم قرآن ترتیب بدهیم. لطفاً در این راه ما را ارشاد فرمایید که هدیه مربوطه را به چه مقدار و از کدام طریق ترتیب بدهیم؟

بسمه تعالی، به کسانی که اطمینان و اعتماد دارید مراجعه نمایید.

5. زن مرحومه چندی قبل پس از خاتمه خدمتش در مؤسسه ای که کار می کرد مبلغ 210/000 ریال،

بابت سابقه خدمت دریافت داشت. اما در حال حاضر در دفترچه بانکی پس انداز خود مبلغ 80/000

ریال موجودی دارد. آیا فقط این مبلغ اخیر؛ یعنی 80/000 ریال به پدر و مادر او می رسد یا می توانند از فروش اثاثیه، کل 210/000 ریال را تأمین و برداشت نمایند.

بسمه تعالی، مبلغ موجود جزو ترکه زن است و باید بین ورثه تقسیم شود و حکم اثاثیه در جواب دوم گذشت.

6. برای کفن و دفن و مراسم ختم روز سوم، هفتم و چهلم در مسجد و بر مزار آنان مبالغی مصرف شده است؛ آیا والدین زن مرحومه و والدین مرد مرحوم مجاز هستند از اثاثیه منزل مقداری به فروش برسانند و هزینه های یاد شده را برداشت کنند؟

بسمه تعالی، مخارج کفن و دفن، به طور متعارف از ترکه برداشته می شود.

7. چنانچه برای تقسیم میراث مرحومین، مورد دیگری هست و از قلم افتاده است، لطفاً ما را راهنمایی فرمایید.

بسمه تعالی، در مسأله تفصیلی است که در رساله مذکور است.

[سؤال 11092] 6359

2. بعد از عروسی طبق سنن و رسومات محلی، بستگان مبالغی و یا هدایایی به عنوان رونما به عروس چشم روشنی داده اند. تکلیف آن ها چه می شود و به چه کسی می رسد؟

3. مهریه دختر دو هزار و پانصد تومان در ذمه داماد بوده است. در ضمن مبلغ ده هزار تومان به عنوان نقد - مهریه - از پسر گرفته شد و حداقل سه برابر آن نیز از خود، به آن اضافه نموده و برایش جهیزیه تهیه نموده ام که کمتر از يك دهم آن از زیر آوار

ص: 530

بیرون آورده شده است. در این مورد تکلیف چیست؟

بسمه تعالی، 2 و 3، هرچه که مال عروس بوده - از هدایا و جهیزیه و مهریه - تماماً به والدین عروس می رسد.

[سؤال 11093] 6338

بسمه تعالی

مقام محترم رهبر انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی

1. ارث جوان فاقد وصیت نامه و فاقد زن و بچه، در صورت داشتن مادر، خواهر، برادر، خواهرزاده و برادرزاده، به کدام آن ها تعلق می گیرد؟

بسمه تعالی، در فرض مرقوم، ارث میت به مادرش می رسد.

2. در صورتی که مال این جوان مرحوم، ارث پدرش بوده است که به او رسیده است، آیا به همین مال خمس تعلق می گیرد یا نه؟
بسمه تعالی، خمس ندارد.

3. بهترین هدیه برای جوان بدون وصیت در این مرحله از زمان چیست؟

بسمه تعالی، اگر قضای واجبی بر عهده او بوده انجام دهند خوب است و چنانچه دین و بدهی دارد، باید بدهند و بدهی از اصل ترکه خارج می شود؛ اگرچه میت وصیت نکرده باشد.

[سؤال 11094]

4. با فوت این جوان، برادر و خواهران این مرحوم فقط به خاطر تألم شدید مادرش، نه به خاطر تصرف مال، کلیه مال ایشان را به طور رضایت یکدیگر و بدون اطلاع مادرش، ما بین خود تقسیم نمودند، آیا این عمل شرعی و صحیح است؟

بسمه تعالی، گذشت که ارث به مادر می رسد و برادر و خواهر، با وجود مادر، ارث نمی برند.

[سؤال 11095]

5. در حال حاضر چطور کنند، در صورتی که می خواهند خبر فوت جوان را به مادرش نگویند؟ فقط به خاطر تألم شدید روحی مادر؛ زیرا مادر با شنیدن خبر فوت

ص: 531

فرزندش شدیداً ناراحت خواهد شد و ممکن است اشکالاتی به وجود بیاید.

بسمه تعالی، خبر دادن به مادر واجب نیست، ولی تصرف در ترکه منوط به اذن مادر است.

[سؤال 11096] 6339

بسمه تعالی 1361 / 12 / 24

محضر مقدس امام بزرگوار مدّ ظلّه العالی، سلام علیکم

لطفاً به سؤالات ذیل پاسخ مرقوم فرمایید:

1. آیا پدری که از لحاظ مالی وضعیت خوبی دارد و دارای اجناس فراوان و لوازم زندگی بسیار می باشد در زمان حیات می تواند به پسرش ارث ندهد؟

بسمه تعالی، ارث مربوط به بعد از فوت است و پدر نمی تواند فرزند را از ارث محروم نماید.

2. زنی که در اثر فشار بسیار و ناملايمات فراوان از مهر خود گذشته و بدون هیچ چیز راضی به طلاق شده از شوهرش، آیا در اثر این که شوهر در حال حاضر قصد فروش کلیه اجناس منزل را کرده که به خارج از کشور جهت خوش گذرانی برود، این زن می تواند شرعاً و قانوناً ادعایی بکند؟ با توجه به این که مقدار زیادی از اموال خود را در منزل این شخص گذاشته و ناچاراً بیرون آمده است. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، آنچه را که بابت طلاق خلعی به شوهر واگذار نموده در صورتی که عدّه طلاق منقضی شده باشد نمی تواند برگردد و مطالبه نماید.

[سؤال 11097] 6340

بسمه تعالی

پس از عرض سلام و آرزوی سلامتی برای آن بزرگوار، مسأله ای برای ما پیش آمده که باعث از بین رفتن حقی بین وارثین شده است؛ مسأله از این قرار است:

مادری داشتیم که از پدر ما صاحب چهار فرزند بود. و وقتی از پدر ما طلاق گرفت و شوهر دیگری کرد، آن شوهر دو فرزند از زن دیگرش داشت. در ضمن روزی که

ص: 532

مادر ما از پدرمان طلاق گرفت، پدر ما تمام لوازم زندگی و منزل را به مادرمان بخشید. حالا مادرمان و شوهرش مرده اند. پسران آن مرد آمده اند و می گویند: ما از منزل و لوازم منزل سهم می بریم و لوازم منزل در مدت سی سال زندگی، نو و کهنه شده اند و سند منزل نیز به اسم مادرمان است. آیا این دو فرزند از این اموال و منزل حقی دارند یا نه؟ از شما تقاضا می کنیم این مسأله را برای ما روشن کنید. والسلام بسمه تعالی، فرزندان شوهر مادر شما که از مادر شما نیستند، از ترکه مادر شما ارث نمی برند.

[سؤال 11098] 6341

بسمه تعالی 1361 / 10 / 6

تهران، جماران، حضور مبارك حضرت امام خمینی، مرجع عالی قدر شیعیان جهان و رهبر انقلاب کبیر و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، دامت برکاته، با اهدای سلام و تحیت و دعا جهت دوام عمر و سلامتی روزافزون امام امت ما در پناه خداوند تبارک و تعالی و پیروزی رزمندگان اسلام در جبهه های حق علیه باطل، سؤالی به شرح زیر را از قم به حضور مبارك تقدیم می نمایم تا برحسب موازین شرع انور مقدس اسلام بتوانم خود را از بلا تکلیفی نجات دهم.

اگر مادری قبلاً از دنیا برود و بعد، فرزند او، آیا مادر از فرزندی که بعداً از دنیا رفته ارث می برد یا باید ارث شخص متوفی، بین ورثه او که نوادگانش می باشند و تماماً موجودند تقسیم شود؟ و آیا ذکر اسم مادر که قبلاً فوت شده، در اوراق انحصار وراثت برای مادر حقی ایجاد می نماید یا خیر؟

به انتظار دستور اجرای شرعی هستم تا تکلیف سهم الارث بقیه وارثان حاضر، روشن و مشخص گردد.

بسمه تعالی، تنها نوشتن اسم در اوراق انحصار وراثت، موجب حق نمی شود و در فرض سؤال، مادر از فرزندی که بعد از او فوت کرده ارث نمی برد.

ص: 533

بسمه تعالی

محضر مبارک نایب الامام، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی، با تقدیم سلام و ادعیه، استدعا دارد مقرر فرمایند جواب سؤال زیر را مرقوم فرمایند.

حدود چهل سال قبل پدرم که صاحب چند منزل بود، یکی را به صورت رایگان جهت سکونت در اختیار من و شوهرم قرار داد. البته منزل به آن صورت قابل سکونت نبود و مخروبه بود، به صورتی که در جنب منزل ما منزلی دیگر هم هست که اکنون مخروبه است، لکن شوهرم منزل را مرمت کرد و متحمل مخارجی جهت تعمیر گردید. اکنون پدرم فوت کرده است. از نظر شرعی، قیمت افزوده این منزل متعلق به وراثت است یا متعلق به ما که حدود چهل سال است در منزل سکونت داریم و بناها را تعمیر و مرمت کرده که اکنون ساختمان آن قابل ارزش می باشد؟ البته تعمیرات با اجازه پدرم بوده است.

بسمه تعالی، ارزش افزوده، تابع ملکیت منزل است؛ اگر منزل در ملک پدر قرارداداشته، جزو ترکه محسوب است و به تمام ورثه می رسد.

[سؤال 11100] 6337

5. زن مرحومه چندی قبل پس از خاتمه خدمتش در مؤسسه ای که کار می کرد مبلغ 210/000 ریال، بابت سابقه خدمت دریافت داشت. اما در حال حاضر در دفترچه بانکی پس انداز خود مبلغ 80/000 ریال موجودی دارد. آیا فقط این مبلغ اخیر؛ یعنی 80/000 ریال به پدر و مادر او می رسد یا می توانند از فروش اثاثیه، کل 210/000 ریال را تأمین و برداشت نمایند.

بسمه تعالی، مبلغ موجود جزو ترکه زن است و باید بین ورثه تقسیم شود و حکم اثاثیه در جواب دوم گذشت.

ص: 534

بسمه تعالی

محضر مبارك حضرت آيت الله العظمى امام خمينى، مدّ ظله العالى

شخصى فوت کرده و از او پنج دختر مانده، چند قطعه زمین از پدر برای آن ها به عنوان ميراث مانده. هيچ کدام از این دخترها حصّه زمین خود را تصرف نکرده. الی مدت بیست سال که این دخترها در خانه شوهرشان بوده اند، زمین ها تحت تصرف مادرشان بوده، که در طول این مدت، هيچ يك حق خود را از مادرش مطالبه نکرده؛ تا آن که یکی از این دخترها فوت کرده و از او يك دختر مانده که بعد از مدتی آن طفل نیز فوت می کند. مادر دخترها ادعا کرده که حصّه دختر فوت شده از من است که دخترم برایم هبه کرده. مدت سه سال بعد از فوت دخترش، کما فی السابق زمین ها در تصرف مادرشان بوده و تا مادرشان در قید حیات بود، نه این دخترها ادعای حق کرده و نه شوهر دختر فوت شده حق زوجه اش را مطالبه کرده، تا این که مادر هم فوت نمود. مادر آن زن قبل از فوتش وصیت کرده بود که حصّه دخترم - که حق موهوبه من می باشد - را بعد از من بابت زیارت حج به وصی من بدهید که به نیابت من حج به جا آورد.

دخترها وصیت را قبول کردند و حصّه خودشان را تصاحب کردند و حصّه دختر فوت شده را به وصی مادر - برای حج - تسلیم کردند. شوهر دختر فوت شده وصیت مادرزنش را قبول نکرده و گفت: هبه حقیقت ندارد. اگر هبه کرده، باید اثبات شرعی شود. از زوجه يك دختر مانده بود که بعد از مادرش فوت کرده و حق زوجه ام که فوت شده، به دخترش می رسد و از او به من می رسد که پدرش می باشم. در خصوص هبه، سند و شاهد نداشت و وصی هم از سند و شاهد خبر نداشت. حال وصی می گوید: میت ذی الید بوده و حرف ذی الید معتبر است؛ زوجه ات تا زنده بود حق خود را از مادرش مطالبه نکرده و ادعای شما که داماد هستی، ادعای بر میت است و آن

ص: 535

باطل است. داماد می گوید: دیگر افراد که الآن حصه شان را گرفتند، من هم حق زوجه خودم را می گیرم.

1. این هبه بدون سند و شاهد چه حکمی دارد؟

2. ذی الید بودن میت در این خصوص اعتبار دارد یا خیر؟

3. ادعای داماد حق است یا باطل؟

4. تصرف خواهران حصه شان را بعد از فوت مادرشان دلیل اثبات ادعای داماد در خصوص حصه زوجه اش می شود یا نه؟ لطفاً واضح شود، والسلام

بسمه تعالی، تا به طریق شرعی اثبات نشود که دختر متوفی حق الارث خود را به مادر هبه کرده است، هبه ثابت نمی شود و حق دختر مذکور به وارث او می رسد.

[سؤال 11102] 6344

بسمه تعالی

حضور محترم امام امت، خمینی بت شکن و یاور مستضعفین

اماما! شخصی دارای چهار پسر و چهار دختر می باشد، این شخص دارای زمین های آبی و دیمی بود، در زمانی که شاه ملعون اصلاحات ارضی را راه انداخته بود، از ترس این که مبادا زمین هایش از دستش برود، ایشان زمین ها را به نام خود و سه تا از پسرانش که سنشان قانونی بود به نسق درآورد. و شخص مذکور در همان زمان طاغوت فوت نموده. البته بدانید که کلیه زمین های وی به دست زارع بود که حق مالکیت را به منوال سابق که در محل رسم بوده می دادند وگرنه خود آن شخص و فرزندانش هیچ کدام زارع نبوده و نیستند و فقط از حق مالکیت استفاده کرده و می کنند.

حالا این حق مالکیت فقط متعلق به فرزندان نسق دار می باشد یا این که باید به اناث و ذکور آن فرد فوت شده برسد. ناگفته نماند که زمین های شخص نامبرده آن قدر زیاد نیست که از حق مالکیت آن ها نان سالانه چند خانواده تأمین شود، فقط می شود يك يا

ص: 536

دو خانواده نان سالانه خود را از آن ها تهیه کنند، ولی استدعا می شود که جواب را به طور آشکار بیان فرمایید تا این که هر کس در این جمهوری اسلامی به حق خود برسد و دست ظالمان کوتاه شود. والسلام. در پایان از خداوند متعال طول عمر برای امام امت خواهانم.

بسمه تعالی، اگر مالك شرعی زمین ها بوده و آن ها را به پسران تملیک نکرده همه ورثه در آن سهم الارث خود را حق دارند.

[سؤال 11103] 6345

بسمه تعالی

آیا اولاد اناث میت از زمین مزروعی پدر ارث می برد؟ و آیا در این جهت فرقی بین اولاد اناث و ذکور وجود دارد؟

بسمه تعالی، ارث می برند و فرقی نیست.

[سؤال 11104] 6346

بسمه تعالی

محضر مبارك مستطاب مرجع عالی قدر شیعیان جهان و رهبر انقلاب ایران آیت الله العظمی امام خمینی، دام ظلّه العالی چه می فرمایید درباره این مسأله به طور تفصیلاً جواب فرمایید:

در منطقه مسمی «تاسو» برای آبیاری کشت زراعت، آب به حسب اولاد ذکور تقسیم می شود. مثلاً کسی که پنج فرزند داشته باشد پنج حصه از آب می گیرد و کسی که يك فرزند داشته باشد يك حصه می گیرد و کسی که فقط دختر هر چند باشد يك حصه از آب می برد ولی در تقسیم اراضی شان به طریق قسمیت قرآن مجید می برند.

«این ها قائلند که احیا کننده این قریه و شق نهر نمودن (شش) نفر از اجدادشان است، این ها به (شش) ریشه برای آبیاری تقسیم می کردند» وقتی که ازدیاد جمعیت گردید بعضی از شش ریشه ها، دست به يك عملیات زدند که به دوازده ریشه نمودند و

ص: 537

هرچه از این 12 ریشه اولاد ذکور دارد حق حصه گرفتن از آب دارد، همین کار تا حالا دارند انجام می دهد کما این که بالا شرح شده، مقرر نمودند. «این 12 ریشه ای مدعی هستند به رضایت بین مردمان منطقه عوض و بدل از 6 ریشه کردیم ولی آن ها که افرادشان نمو و رشد نکردند مدعی هستند که به طور غصب و جبر به 12 ریشه نمودند، و هیچ رضایتی نگرفتند، اگر رضایت بگیرد می توانند از بالغین گرفت، اما به نسبت صغار و مجانین چطور توانستند رضایت گرفت؟!»

ولی هر دو گروه شهود شرعیه و ادله کافیه بر صحت مدعی ایشان ندارند، به سبب گذشت مدت زیاد تقریباً 300 سال می باشد و نمی توانند شهود شرعیه آن زمان بیاورند، اما این حقیقت در دفاتر حکومت پیدا می شود ولی زمان حکومت هند و سیک نوشته شده است.

1. در این فرض مسأله وظیفه ایشان چه است، و آیا می توانند دفاتر حکومت مراجعه کنند صورتی که عدم وجود شهود شرعیه و عمل به آن کند؟ افتونا مأجورین تا مردمان آن منطقه جلوگیری کنند از ارتکاب محرمات و اکل سحت لهذا هر قدر زحمت و مشقت و تضييع وقت باشد تحمل نمایید، ولکم الشکر الجزیل.

بسمه تعالی، آنچه از آب و زمین از متوفی باقی بماند باید بین ورثه علی ما فی کتاب الله تقسیم شود (مثل سایر اموال متوفی) و در ارث بردن هر يك از فرزندان ذکور و اناث سهم خود را، فرقی بین آب و زمین نیست.

2. مردی گنگ و اخرس یعنی نه زبان گویا و نه گوش شنوا، جزئی اشاره متکلم به اشاره سر و دست و چشم، می داند و می شنود و اسراف و تبذیر در مال نمی کند و مال خود را از مال غیر تمیز می دهد و در اشارات واقف و ناواقف و آشنا و غیر آشنا هم فرق می گذارد و می فهمد و محتاج به ترجمه آشنایان و واقفان می باشد. آیا چنان کسان و اشخاص در شماره سفیه ها است یا مثل اشخاص عاقل دیگران است یا نه؟

بسمه تعالی، مجرد کوی و گنگی موجب حکم به سفاهت نیست و حکم عاقل را دارد.

3. مرد گنگ اخرس نصف یا ثلث تمام عایدات خود را به مهر زوجه خود بدهد و رضای خود را اظهار کند آیا آن عقد و مهر صحیح است یا نه؟ بیان فرمایید.

بسمه تعالی، عقد و مهر در فرض مسأله صحیح است.

4. در صیغه متعه ذکر مهر را شرط فرموده اید اگر چیز غیر متمول مثل شراب و مال غصبی ذکر کند آیا مثل عقد دائم متعه نیز صحیح است و مهر المثل لازم می شود یا عقد متعه باطل است؟ بیان فرمایید.

بسمه تعالی، اگر غیر متمول باشد عقد متعه باطل است.

5. در هبه ذی رحم یا غیر ذی رحم موهوب له بعض مال را قبض کرد مثل نصف یا ثلث یا کمتر از آن حتی يك اتاق خانه را، آیا واهب آن مال قبض نشده را رجوع کردن می تواند یا نه؟ جواب فرمایید.

و اجرکم علی الله

بسمه تعالی، در غیر مقبوض هبه تمام نشده و می تواند تحویل ندهد.

[سؤال 11105] 6347

بسمه تعالی 1361 / 2 / 28

دفتر محترم امام خمینی

با تأییدات خداوند متعال ضمن سلام، مسأله ای به صورت ذیل مطرح و سؤالی نیز درباره همین مسأله ذیلاً می آید، مقتضی است جواب را اعلام نمایید.

شخصی که به هنگام مرگ يك فرزند يك ساله داشت وصیتی به این مضمون نموده است: «اگر فرزندم تا سن پانزده سالگی زنده ماند، اموال و دارایی ام به او برسد و در غیر این صورت (در صورت فوت فرزند) وقف سیدالشهدا باشد». فرزند در سن 22 سالگی بر اثر تصادف خزان عمرش به آخر می رسد و در هنگام مرگ فقط يك مادر دارد.

سؤال: حالا وضعیت این اموال به چه شکل است؟ به مادر می رسد یا این که وقف می باشد؟

بسمه تعالی، اگر آن شخص وارث دیگری به غیر از پسر مذکور نداشته، تمام اموال او به پسرش رسیده و از او به وارث پسر می رسد و اگر وارث دیگری غیر از مادر ندارد به مادرش می رسد.

ص: 539

محضر مبارك، رهبر انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله العظمی الامام خمینی، مدّ ظلّه العالی، بعد از تقدیم سلام معروض می دارد:

در موضوع ارث يك خواهر و يك برادر، پدرشان وقتی فوت شده که خواهر يك ساله بوده است و آن دختر يك ساله، به عمه اش که در محل دیگر بوده سپرده شد. در سن شش سالگی عمه اش هم فوت نموده و دختر در همان جا بزرگ شد و شوهر نمود و از شوهر يك پسر به دنیا آورد و خود دختر هم فوت شده است. و ارثی که داشتند، تمام آن را برادر بدون اطلاع خواهر فروخته است. آیا پسر دختر می تواند ارث مادر خود را از همان ملك مطالبه نماید یا نه؟ لطفاً مرقوم فرمایید.

طول عمر حضرت عالی را از خداوند خواستارم. خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار

بسمه تعالی، می تواند سهم مادر خود را مطالبه کند، مگر آن که به طریق شرعی اثبات شود که مادر در حیات خود، سهمش را به برادرش تمليك کرده است.

حضرت امام خمینی، پدرمان فوت کرده. نه خواهر و دو برادر از دو مادر هستیم؛ مادرمان مرده؛ ارث پدریمان شامل مقداری زمین، آب، باغ می باشد. چگونه بایستی تقسیم شود؟

بسمه تعالی، اگر وارث میت منحصر به 9 دختر و 2 پسر است، ترکه او به 13 قسمت می شود؛ به هر دختر يك قسمت و به هر پسر دو قسمت داده می شود.

بسمه تعالی

حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

استدعا دارد جواب مسأله شرعیه را مرقوم فرمایید.

بانویی فوت نموده و وراثت آن مرحومه عبارتند از: دو نفر دختر و یک پسر. ما ترك آن مرحومه عبارت است از: يك گردن بند طلا و يك عدد دستبند و دو زوج گوشواره که همه مسكوك طلا بوده و متصل به هم شده است، خواهشمند است طرز تقسیم آن را فیما بین وراثت مرقوم فرمایید. با نهایت احترام

بسمه تعالی، ترکه میت چهار قسمت می شود، پسر دو قسمت و هر يك از دو دختر يك قسمت می برند.

[سؤال 11109] 4156

8. سهمیه ارث دختر با پسر برابر است یا نه؟ همچنین ارث دختر صغیر با پسر صغیر یا بر عکس؟

بسمه تعالی، سهمیه ارث پسر - ولو صغیر باشد - دو برابر سهمیه دختر است.

[سؤال 11110] 6351

بسمه تعالی

محضر حضرت آیت الله العظمی خمینی، مدّ ظلّه العالی

زمین از پدر میراث می ماند برای پسر و دختر، برای پسر دو بخش می دهد برای دختر يك بخش می دهد، ولی آیا زمینی که از مادر میراث می ماند آن هم مثل زمین پدری بخش می شود یا آن را پسر و دختر برابر بخش می برد؟ چون که آخوندهای ولایت ما میراثی را که از مادر می ماند بین پسر و دختر برابر بخش می کنند محتاج به امر شما است.

بسمه تعالی، پسر دو برابر دختر می برد.

ص: 541

جماران، پیشگاه معظم حضرت امام خمینی، قبل از هر چیز، سعادت و طول عمر و عزت جناب عالی را در راه خدمت به اسلام و مسلمین جهان از درگاه خداوند بزرگ خواهانم، این حقیر يك سؤال شرعی دارم که ذیلاً به حضور مبارك تقدیم می شود.

پنج پسر و دو دختر از زمینی که به عنوان ارث مرحوم پدرشان به آنان رسیده بهره مند هستند و فعلاً می خواهند آن زمین را بین خود از لحاظ شرعی تقسیم نمایند. موقعیت زمین به صورتی است که نمی شود روی هم بریزند و تقسیم کنند؛ گرچه پسرها با این طریق موافقت ندارند و می گویند: باید هر پسر به طور جداگانه سهمیه هر يك از دو دختر را بپردازد؛ آن هم به این طریق که هر پسر، دوازده يك، سهم خود را جدا نماید و به هر يك از دو دختر بدهد. آیا اظهارات این پنج پسر - به صورتی که در بالا گفته شد - می تواند با اصول و موازین شرعی منطبق باشد یا خیر؟

خواهشمند است دستور چگونگی تقسیم این زمین را، بفرمایید به این که روی هم بریزند و تقسیم نمایند یا این که هر دختر چند يك به طور جداگانه باید از سهم هر پسر بگیرد تا شرعی بوده باشد؛ زیرا زمین حالیه کلاً در دست پنج پسر تقسیم نشده باقیمانده است. والسلام

بسمه تعالی، در فرض مسأله، زمین باید دوازده سهم شده، به هر پسری دو سهم و هر دختری يك سهم داده شود، و هر يك از شرکا به رضایت خود می توانند سهم خود را به دیگری واگذار نمایند، مجاناً یا در مقابل عوض.

محضر مبارك حضرت نایب الامام، امام خمینی، دامت افاضاته

محترماً به شرف عرض می رسانم که مسأله ای برای ما پیش آمده است که در حل

آن مانده ایم، لذا بدین وسیله از شما تقاضای پاسخ می نمایم.

ما سه برادر و دو خواهر هستیم که پدر ما در زمان پیروزی انقلاب دارفانی را وداع گفت. پدر ما قبل از وفات خود باغی را از پدر بزرگم (پدر خودش) خریده و بهایش را پرداخته است، لذا پدرم به خاطر قدرشناسی از پدر بزرگم و این که کمکی به او شود، به او گفته بود که تا موقعی که زنده هستی، باغ در اختیار خودت باشد و از آن استفاده کن.

لیکن اجل به وی مهلت نداد و خود زودتر از پدر به ابدیت شتافت و حال چهار سال از وفات پدرم می گذرد، ولی پدر بزرگم باغ را که مال پنج نوه یتیم و صغیر او می باشد رد نکرده است و محصول آن را که عبارت است از پسته، زردآلو، انگور و چند میوه دیگر، یا می فروشند و یا استفاده می کنند. لذا این جانب که فرزند بزرگ پدرم هستم و حالا کبیر شده ام، پس از مذاکراتی که با پدر بزرگم انجام دادم و اثری نیافت، حالا این موضوع را به حضرت عالی عرض می کنم تا شما من را راهنمایی فرمایید که آیا پدر بزرگم شرعاً حق استفاده از باغ و محصول آن را دارند یا نه؟ و اگر حق ندارند، وضع محصول چهار سال پیش آن چگونه است؟

بسمه تعالی، آنچه که ملک پدر شما در حین فوت او بوده، جزو ترکه او محسوب می شود و پس از کسر بدهی و وصیت، باقی مانده به ورثه می رسد و پدر میت از ترکه فرزندش یک ششم ارث می برد، و باغ اگر ملک پدر شما بوده، جد شما ما زاد بر سهم الارث خود از باغ را باید به سایر ورثه برگرداند و نسبت به گذشته نیز ضامن است.

[سؤال 11113] 6354

بسمه تعالی

خدمت حضرت مستطاب آیت الله العظمی امام خمینی

صاحب باغی که در حدود هشتاد سال قبل از دنیا رحلت نموده، ملکش را به عنوان ثلث، به مدت شصت سال، وقف موقت نموده، ولی ما تا به حال که حدود

ص: 543

هشتاد سال می شود، آن را طبق دستور مرحوم اجرا نموده ایم. آیا حال می توانیم زمین یا باغ را به عنوان ارث به وارثش که یک پسر است بدهیم یا خیر؟

بسمه تعالی، به مجرد موت مورث، ملک به ورثه موجود در حال موت می رسد و بعد از مدت مذکور، هر تصرفی می توانند در آن بکنند.

[سؤال 11114] 6355

بسمه تعالی 1361 / 10 / 4

دفتر امام خمینی، سلام علیکم، بعد از سلام و به امید سلامتی حامی پر مهر مستضعفین جهان، امام خمینی و پیروزی هرچه زودتر رزمندگان اسلام و اسلامیان و نابودی صدام و صدامیان

ما دو برادر هستیم که فرزند یک پدریم. پدر ما در موقع سلامتی، در یک دهات دیگر زمین کشاورزی برای یکی از ما برداشته بود. ولی یکی از ماها، همان زمین کشاورزی را با دست خودش احیا نموده و تقریباً بیست و هفت سال است، تحت تصرف او می باشد و این برادر هر سال اجاره را خودش به مالک همان قریه پرداخت نموده است. آیا بعد از فوت پدر، برادر دیگر در این زمین کشاورزی حقی دارد یا نه؟ خواهشمند است جواب این مسأله را ارسال فرمایید.

بسمه تعالی، زمین اگر ملک یا متعلق حق پدر بوده، بعد از فوت او به تمام ورثه می رسد، ولی اگر متعلق به یکی از وراث بوده، سایر ورثه از آن سهمی نمی برند.

[سؤال 11115] 6356

بسمه تعالی 1361 / 4 / 16

محضر مبارک امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

احتراماً؛ دو وارث هستیم. پدرمان مقداری زمین آبی و دیم از مالک، تحت تصرف زراعتکاری داشته است. قبل از شروع تقسیم اراضی، پدر فوت شده است. برادر

ص: 544

بزرگ ملك را به نام خود فرم سندی کرده است. و حاضر نیست حق برادر خود را بدهد. در صورتی که برادر بزرگ قیّم هم بوده است، استدعا می شود حق دو وارث را معلوم فرمایید.

بسمه تعالی، رسیدگی به امر زمین با دولت جمهوری اسلامی است و آنچه که ملك شرعی میت تا زمان فوت بوده و جزو ترکه به حساب آمده، تمام ورثه از آن سهم می برند.

[سؤال 11116] 4156

7. وضع وسایل خانه چگونه است؟ آیا این ها و آن هایی که آنان دارند تقسیم می شود؟

بسمه تعالی، هرچه تا زمان فوت پدر ملك او بوده، جزء ترکه است و بین ورثه به ارث می رسد.

[سؤال 11117] 6357

بسمه تعالی 1361 / 12 / 18

تهران، دفتر حضرت امام خمینی

سؤال می شود مسافت هشت ققیز زمین شالیزاری را در زمان حیات پدرمان ما دو برادر به همراه پدرمان کشت می کردیم که در سال 45 پدرمان فوت نموده و زمین را هنوز داریم هر دو برادر کشت می کنیم. آیا به دستور شرع مقدس اسلام این زمین بعد از فوت پدرمان مال يك فرزند می شود یا مال هر دو برادر می شود، جواب را می خواهم.

بسمه تعالی، اگر پدر شما به وجه مشروع در زمین مزبور حقی داشته حق او به همه ورثه منتقل می شود.

[سؤال 11118] 2732

2. اموال پدری ایشان موجود می باشد به ورثه او می رسد یا به مادرش یا شرایط

ص: 545

دیگر دارد؟ راهنمایی بفرمایید.

بسمه تعالی، آنچه در وقت مردن او ملك او بوده، به همهٔ ورثه اش می رسد.

[سؤال 11119] 6411

6. آیا به مادر شهید در صورت بچه داشتن شهید، ارث می رسد یا نه؟

بسمه تعالی، مادر شهید از ترکهٔ او در فرض سؤال، يك ششم می برد.

[سؤال 11120] 6358

بسمه تعالی 17 / 7 / 1358

محضر مقدس حضرت آیت الله العظمی امام خمینی دامت افاضاته

با نهایت ادب به عرض می رساند: پسر خواهرم فوت کرده و اموال زیادی داشته و بعد از او مادرش - خواهر من - و همسرش و فرزندی که از سر راه برداشته و هفت ساله شده باقیمانده. مادرش - که خواهر من می باشد - فوت کرد و بنده خرج کفن و دفن او را از مال خودم به مبلغ هشت هزار و پانصد تومان داده ام. وارث اموال متوفی کیست؟ مستدعی است در ذیل نامه وارث او را تعیین فرمایید تا طبق دستور اسلام عمل شود و من و همسرش و طفل سرراهی به وظایف دینی خود عمل کنیم، مزید تشکر است.

بسمه تعالی، طفل سرراهی ارث نمی برد و ترکه او به مادر و همسرش می رسد و چون فرزند ندارد، ربع ترکه از همسر و بقیه به مادر و از او به ورثهٔ مادر می رسد.

[سؤال 11121] 6359

بسمه تعالی ششم ذی حجة الحرام 1402 ق

محضر مبارك امید مستضعفان جهان، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، ارواحنا فداه، بعد از سلام و درود و دعای طول عمر مبارك حضرت امام، بدون

ص: 546

تصدیع اوقات شریف و مبارک، مسأله را معروض می دارم:

این جانب دارای دختری بودم که يك سال قبل از جنگ تحمیلی مشارالیه را به عقد ازدواج پسر خواهرم در آوردم. شبی که اولین مرحله موشک های نه متری بعثیون عراق به دزفول شلیک شد، یکی از آن ها به خانه خواهرم اصابت نمود و در نتیجه دامادم بلافاصله از بین رفت و دخترم که نه ماهه حامله بود، با کودکش قبل از به دنیا آمدن در حالی که تا بیمارستان هنوز زنده بوده اند - چون مرتب از درد سر می نالیده - در بیمارستان درمی گذرند. حال مسأله از این جا شروع می شود:

1. داماد در دوران حیات، دارای کارگاهی بوده در محلی دور از محل حادثه که از آسیب در امان مانده است. مقداری اثاثیه و ابزار و کار آماده در آن بوده که جزء ماترك بوده. این ماترك، بین پدر و مادر و خانواده عروس به چه ترتیبی باید تقسیم شود؟

بسمه تعالی، در فرض مرقوم، يك چهارم تركه داماد، سهم الارث عروس است که از او به پدر و مادرش می رسد و سه چهارم دیگر به والدین داماد می رسد.

2. بعد از عروسی طبق سنن و رسومات محلی، بستگان مبالغی و یا هدایایی به عنوان رونما به عروس چشم روشنی داده اند. تکلیف آن ها چه می شود و به چه کسی می رسد؟

3. مهریه دختر دو هزار و پانصد تومان در ذمه داماد بوده است. در ضمن مبلغ ده هزار تومان به عنوان نقد - مهریه - از پسر گرفته شد و حداقل سه برابر آن نیز از خود، به آن اضافه نموده و برایش جهیزیه تهیه نموده ام که کمتر از يك دهم آن از زیر آوار بیرون آورده شده است. در این مورد تکلیف چیست؟

بسمه تعالی، 2 و 3، هرچه که مال عروس بوده - از هدایا و جهیزیه و مهریه - تماماً به والدین عروس می رسد.

4. در صورتی که وجهی به صبیبه بنده برسد، با آن چه کار می شود کرد؟ و احیاناً اگر مستطیع شود وظیفه چیست؟

بسمه تعالی، شبهه و جوب حج اگر از ناحیه رسیدن ارث شوهر به وی باشد، در فرض مرقوم، مستطیعه نشده و دارایی زن پس از کسر بدهی و وصیت، به والدین او می رسد.

بسمه تعالی

مقام رفیع دفتر معظم امامت امت و رهبریت عالی قدر، حضرت مستطاب امام خمینی، دام ظلّه علی رؤوس المسلمین، با تقدیم سلام و مراتب احترام، ضمن درخواست طول عمر و سلامت دائم وجود نازنین امام امت، به عرض می رساند:

شخصی به سال 1340 شمسی فوت کرده. او زوجه ای دائمی و یک دختر و سه پسر داشته. پسر اوسط که وصایت پدر را داشته، بلافاصله پیشنهاد تقسیم نموده. در خدمت حجت الاسلام مرحوم حاج سید حسین آقا طباطبایی، محاسبه ثلث ماترک و سهم وراثت مشاعاً معین گردیده. سی و یک هزار تومان دختر و شصت و دو هزار تومان پسر، اعم از منقول و غیر منقول سهم داشته. پسر ارشد علی رغم درخواست مکرر و مصرانه وصی دایر بر افراز، به عناوین و معاذیر گوناگون و با تهدید به قتل و سوء استفاده از ضعف و عجز و ملایمت وصی، حاضر به تقسیم و دست برداری از استثمار وصی نشده و گفته: چون خرج من بیشتر است، برداشت هرکس نوشته شود. همچنین با اظهار اعتماد و اطمینان به وصی، تصدی امور مالی و اداره محل کسب و کار بازار و ناراحتی های ناشی از آن را به عهده وصی گذاشته و خود فارغ از هم و غم و چند و چون، به زندگی مرفه مترف پرداخته است؛ در صورتی که وصی بیچاره از قبول این وضع تحمیلی ابا داشته و با اصرار مکرر و مجدانه تقاضای تقسیم کرده است. برادر بزرگ برای تقنن به سرکشی املاک مشغول شده است. درحالی که از دخل و خرج آن بی خیال و صرفه و عدم صرفه برایش مهم نبوده است.

در این اثنا برادر کوچک با موافقت برادر بزرگ، بلکه با تباری وی - علی رغم مخالفت و ممانعت برادر اوسط - برای تحصیل به خارج مسافرت نموده و یازده - دوازده سال در ممالک اروپایی از قبیل آلمان، اتریش و بالاخره در سوئد به سر برده است و مخارج او طبق درخواست خودش و توصیه برادر بزرگ، توسط برادر اوسط

ص: 548

فراهم و ارسال شده که به مبلغی بیش از مضاعف سهم الارث پدری اش بالغ گردیده است. چندی پس از مسافرت او، سهم خواهرشان مجزاً و به طور عادی تسلیم و تحویل گردیده.

با این مقدمات و با این وضع تحمیلی، هنوز پسر ارشد حاضر به تقسیم نیست و با این که برادر کوچک و برادر ارشد هر دو، چند برابر سهم الارث منقول خود را - که تقریباً یک چهارم از کل سهم بوده - به مصرف رسانده اند، ادعای شرکت در سرمایه را دارند؛ در صورتی که هیچ گونه قرارداد شراکت در میان ندارند. و برادر اوسط - که اداره محل کسب و کار بازار و امور مالی را تحمیلاً عهده دار بوده - با استفاده از وام و زد و بند با دیگران، چرخ معاش خود و آن ها را گردانده است.

مستدعی این که اولاً: وجه شرعی مسأله و نحوه تقسیم را مطابق رأی مبارک و واجب الاتباع امام عزیز بیان فرمایید که آیا برادر ارشد و برادر کوچک، در سرمایه فعلی - که ثمره سعی برادر اوسط است و به بهای از دست رفتن نشاط و سپری شدن بهترین سنین عمرش در وضع تحمیلی و هم و غم مداوم و عدم استفاده از موجودیت خود به دست آمده - سهمی دارند؟

ثانیاً: استدعا دارد عمل بر فتوای صادره را به دادگاه و یا هر مقام ذی صلاحیت دیگر توصیه فرمایید که به استثمار فردی عاجز و ملایم، از طرف فردی دیگر خاتمه داده شود و تمام افراد خانواده وراثت از بلا تکلیفی و سرگردانی چندین ساله درآیند و دعاگوی جمهوری اسلامی و بنیان گذار کبیر آن حضرت امام باشند.

در خاتمه برای تأکید و تأیید عرایضم، حاضرم قسم یاد کنم و خدای حاضر و ناظر را گواه بگیرم که حتی یک کلمه در اظهارات خود بر خلاف حقیقت نگفته ام و کوشیده ام واقعیت را بیان نمایم، با اعتقاد به این که گواه گرفتن خدای علیم و خبیر به دروغ کفر می باشد، موضوع مندرج در فوق کاملاً صحیح می باشد.

بسمه تعالی، تمام اموال متوفی از منقول و غیر منقول و عواید و درآمدهای آن به تمام ورثه، طبق احکام ارث می رسد. و زوجه از زمین و از اعیانی

ارث نمی برد؛ فقط از قیمت اعیانی و از منقولات ارث می برد. و خدمات انجام شده اگر به دستور دیگری انجام شده و قصد مجانی نداشته اجره المثل دارد. و آنچه را که بعض ورثه در طول مدت، بیش از سهم خود خرج کرده، برای سایر ورثه ضامن است.

[سؤال 11123] 6361

بسمه تعالی نوزدهم شعبان 1402 ق

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی رهبر کبیر انقلاب امام خمینی، مدّ ظلّه

این جانبان امضا کنندگان ذیل چهل و هفت سال قبل پدر را از دست داده ایم وارث سه برادر و دو خواهر و دو زوجه، بیان فرمایید: مال پدر چگونه تقسیم می شود شش ماه بعد از فوت پدر يك خواهر فوت نمود وراثت او عبارتند از سه برادر و يك خواهر و يك مادر. اموال پدری از اول تقسیم نشده در اختیار سه برادر می باشد لیکن سه برادر در محلی قرار داریم که موقوفه است، متولی قسمتی زمین را در اختیار ما قرار داده و ما آباد کرده ایم آیا خواهر باقی مانده از جمیع اموال سه برادر حق دارد یا از مال پدری فقط، بیان فرمایید.

بسمه تعالی، از اموال پدر هشت يك اموال منقول و هشت يك قیمت اعیانی به مادر می رسد و بقیه بین برادرها و خواهرها بر طبق کتاب خدا تقسیم می شود و سهم الارث خواهر فوت شده اگر شوهر و اولاد ندارد به مادر می رسد و هیچ يك از ورثه در اموال شخصی دیگری حق ندارند و چنانچه نزاعی در بین باشد به محاکم صالحه مراجعه نمایید.

[سؤال 11124] 6362

بسمه تعالی

پس از ادای احترام خواهشمند است از نظر دین مبین اسلام مسأله زیر را روشن فرمایید.

ص: 550

این جانب در سال 1310 شمسی کلیه اموال خود را از منقول و غیر منقول به همسر خود صلح نموده با شرط خیار فسخ به مدت 30 سال و استیفای منافع برای خود در مدت مزبور، و در صورت فوت مصالحه مزبور در بین مدت و عدم ظهور فسخ، خیار و استیفای منفعت ساقط، و در صورت لزوم مصالحه متصلح مزبور از عین المال ببرد و ثلث معادل عین الصلح مزبور را با اطلاع و صواب دید و نظارت شخص معین صرف کند: يك ثلث از عین الصلح مزبور را مخارج کفن و دفن و تعزیه داری های ثلاثه و سبعة و اربعین و سال مصالحه مزبور کند و دو ثلث دیگر را چنانچه اولادی از مصالحه مزبور باشد بین خود و اولاد مصالحه مزبور به قرار للذکر مثل حظ الانثیین قسمت نمایند و چنانچه اولادی نباشد تمامی عین الصلح مزبور را به هر قسمی که بخواهد جهت خود تصرفات مالکانه نماید و کسی حق مزاحمت و ممانعت ندارد و صیغه شرعیه جاری شد فی یازدهم شهریور 1310 شمسی مطابق نوزدهم ربیع الثانی 1350، ضمناً در سال 1320 يك دختر که تنها اولاد مصالحه مزبور است به وجود آمده و در سال 1324 دختر فوت نموده.

لذا خواهشمند است بفرمایید منظور از دو ثلث دیگر بین خود و اولاد مصالحه مزبور به قرار للذکر قسمت نمایند. چیست؟ خواهشمند است بفرمایید:

1. سهم متصلح چقدر است؟

2. سهم اولاد مصالحه مزبور چقدر؟

بسمه تعالی، ظاهر تعبیر للذکر مثل حظ الانثیین این است که بعد از اخراج ثلث بقیه مطابق کتاب الله ارث شود بنابر این مال مورد صلح بعد از اخراج ثلث آن در مخارج مورد وصیت بین شوهر متوفاه و دختر او علی ما فرض الله تقسیم می شود ربع دو ثلث [که باقیمانده است] به شوهر و بقیه آن به دختر می رسد.

ص: 551

بسمه تعالی

محضر مبارك رهبر كبير انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران حضرت آیت الله العظمی الامام الخمينی، مدّ ظلّه العالی

پس از عرض سلام، معروض می دارد که فردی فوت کرده است. و از ورثه آن مرحوم، دو تا دختر و يك خواهر و يك زوجه و يك پسر برادر باقیمانده.

و نیز لازم به تذکر است که دختر دوم آن مرحوم، در زمان زندگی پدر - که هنوز تزویج نکرده بود - فوت کرده است. خواهشمندم بفرمایید: اموال آن مرحوم - اعم از منقول و غیر منقول - بر طبق فتوای حضرت عالی، چگونه تقسیم می شود؟ از این وراثت چه کسانی محروم، و چه کسانی ارث می برند و چقدر؟

بسمه تعالی، در فرض مسأله - که يك دختر و يك زوجه، وارث برای متوفی، بیشتر در طبقه اول موجود نیست - زوجه يك هشتم و باقی به دختر، نصف فرضاً و بقیه ردّاً می رسد، و دیگران که طبقه دوم هستند، حقی ندارند.

بسمه تعالی 3 / 11 / 1358

محضر مبارك مجاهد اکبر، یار مستضعفان، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، ارواحنا فداه، پس از سلام و تهنیت به رهبر انقلاب، احتراماً؛ خاطر شریف را به ذیل نامه معطوف می دارد:

شخصی دارای پنج فرزند پسر و دو دختر و دو زن بوده است. پسر بزرگ این شخص دارای زن و سه فرزند دختر بوده است. پسر بزرگ در زمان حیات پدر فوت می کند و زن - که مادر سه فرزند بوده - پس از فوت شوهر به علت اختلافاتی که به وجود می آید، بدون گرفتن مهریه و یا حق دیگری به خانه پدری خود مراجعه و بعداً

ص: 552

شوهر اختیار می کند و این سه دختر که تحت سرپرستی پدر بزرگ بودند، پس از رسیدن به سنین قانونی، شوهر می کنند.

بعد از چندی این شخص (پدر) فوت می نماید. البته اموال منقول و غیر منقول ایشان - از خانه، زمین، باغ و دارایی های دیگر و به خصوص خانه نوساز واقع در شهسوار - بیشتر از دست رنج پسر بزرگ بوده است. و در صورت احتیاج، بهترین گواه و دلیل؛ استشهاد محلی پیر مردان، همسایگان، همسالان و مطلعین مرحومان خواهد بود. مضافاً خاطر نشان می سازد که به علت روابط حسنه بین پدر و پسر مورد بحث؛ اسناد و مدارکی دال بر این که تا چه اندازه با هم شریک و سهم بوده اند در دست نیست، مگر استشهادی که در بالا ذکر شده است.

پس از فوت پدر که تا امسال دوازده سال می گذرد، وراثت ارثیه را با هم تقسیم کرده اند؛ ولی به علت اختلافاتی که به وجود آمده، هیچ یک از آن ها سهم ارثیه خود را نگرفته اند. و به این سه دختر، حق و ارثیه ای داده نشده است.

آیا از نظر شرع مقدس اسلام، به زن و سه فرزند پسر بزرگ که قبل از پدر مرحوم شده - با توضیحاتی که داده شده، و همه هم گواه این قضیه هستند که بیشتر ثروت و اموال منقول و غیر منقول، از دست رنج این مرحوم می باشد - ارثیه ای تعلق خواهد گرفت یا خیر؟ متمنی است عنایتی فرموده جواب را در بالا مرقوم دارید.

بسمه تعالی، دخترها و مادر آن ها از اموالی که از ترکه پدر و شوهر بوده، سهم الارث خود را حق دارند. و آنچه در ید جد آن ها بوده، محکوم به ملکیت است برای خود او، و به وارثش می رسد؛ مگر به طریق شرعی خلاف آن اثبات شود.

[سؤال 11127] 6365

بسمه تعالی 1361 / 11 / 17

دفتر مبارك حضرت امام خمینی، پس از عرض سلام، سلامتی و طول عمر آن حضرت را از درگاه ایزد متعال خواهانم.

ص: 553

مقداری زمین کشاورزی عقد مادر بزرگ مادری این جانب بوده و ایشان مدت چهل سال است که فوت کرده است و دارای دو فرزند دختر بوده و دخترها در زمان فوت مادر، همسر نداشته اند و بعداً همسر اختیار کرده اند و این ارث بین دو فرزند تقسیم نشده و این دو وارث دارای فرزند هستند و بعد یکی از ورثه ها که مادر این جانب است فوت کرده است و در مدت چهل سال درآمد زمین در اختیار پدر بزرگم بوده است و حالا پدر بزرگم ادعای $1/8$ (هشت يك) از این ارثیه را می کند. موضوع این که ایشان از کل ارثیه $1/8$ را می خواهد و چون که مادر مافوت کرده $1/4$ هم از سهم مادر ما را می خواهد. پدر این جانب هم ادعای $1/4$ از سهم مادر ما را می کند، سؤال این است که آیا پدر بزرگ از کل ارث سهم می برد یا خیر؟ و چون دخترش فوت کرده از سهم دختر هم می برد یا خیر؟ و پدر هم از این ارثیه سهم می برد یا خیر؟

بسمه تعالی، سهم الارث جدّ شما از جدّه ربع $(1/4)$ ترکه او است و سهم الارث جدّ شما از مادر شما سدس $(1/6)$ است و سهم الارث پدر شما از مادر شما ربع $(1/4)$ ترکه مادر است.

[سؤال 11128] 6366

بسمه تعالی 1361 / 10 / 1

حضرت امام خمینی، دامت برکاته و ارواحنا فداه، مستدعی است فتوای خود را در مورد زیر اعلام فرمایید.

من در سال 1356 ازدواج نمودم. در تاریخ 26 / 2 / 61 همسر به علت بیماری قلبی فوت نمود. مهریه همسر مرحومه ام يك هزار و يك سکه طلا به ارزش سه میلیون و سه هزار ریال به قیمت روز بود (فتوکی عقدنامه ضمیمه است). حال که همسر فوت نموده، مادر همسر تقاضای ثلث مهریه قیمت روز (یعنی $1/402/800$ تومان) را نموده است.

1. آیا با وجودی که از همسر دارای يك دختر چهار ساله می باشم، می باید ثلث

ص: 554

مهر را به مادر همسرم پرداخت نمایم یا خیر؟

بسمه تعالی، در فرض مرقوم، سهم مادر، ثلث نیست و باید مطابق قانون ارث حساب شود.

2. اگر مهریه همسرم قابل پرداخت است، به قیمت سال 1356 است یا به قیمت امروز؟

بسمه تعالی، اگر متعارفی در بین نیست، باید مصالحه کنند.

[سؤال 11129] 6367

بسمه تعالی 1361 / 4 / 26

قم، ریاست محترم دفتر امام

محترماً به عرض می‌رسانم که این جانب زنی هستم دارای پنج فرزند دختر که مدت چند سال است شوهرم فوت کرده. مقدار اموالی که از او مانده عبارت است از يك باب مغازه خواروبار فروشی و منزل مسکونی که دو دانگ آن را برادر شوهرم سهیم می‌باشد؛ و تعداد چند قطعه زمین کشاورزی. در تهران مغازه را اجاره داده ایم و خرج روزانه را تأمین می‌کنند. مسأله ای که برای بنده پیش آمده و خواستم راهنمایی شوم این است که بعد از فوت شوهرم، مادر شوهرم بعد از دو ماه فوت نمود. حالا وراثت ایشان که برادرهای شوهرم و خواهر ایشان می‌باشند به من مراجعه کرده و ادعا دارند که از مال برادرمان به مادرمان ارث می‌رسد و چون مادرمان فوت کرده، ارث او به ما می‌رسد و طلب مال از من می‌کنند، در صورتی که دو نفر از بچه‌هایم صغیره هستند.

آیا در این صورت که مادر شوهرم دو ماه بعد پسرش فوت کرده، از او ارث می‌برد یا خیر؟ اگر می‌برد، به چه صورت و چند يك؟ از هوایی یا کل مال می‌برد؟ از درآمد ماهیانه مغازه که خرج روزانه ما است ارث می‌برد یا خیر؟

لازم به توضیح است که به توضیح المسائل امام رجوع کردم ولی مسأله برایم واضح نبود و روشن نشدم؛ لذا از شما تقاضا دارم که به این سؤال شرعی بنده - اگر

ص: 555

امکان دارد - جواب کتبی مرحمت بفرمایید. در خاتمه، طول عمر آن امام بزرگوار و صحت و تندرستی ایشان را از خداوند متعال خواستارم. والسلام

بسمه تعالی، در فرض سؤال، يك ششم از كل تركه میت به مادرش می رسد و از او به ورثه اش منتقل می گردد و تا تقسیم نشده، از درآمد تركه نیز به مقدار يك ششم به مادر و از او به ورثه اش می رسد.

[سؤال 11130] 6368

بسمه تعالی 1361 / 12 / 5

محضر مبارك نايب الامام، امام خمینی، دام ظلّه العالی، سلام علیکم ورحمة الله

از شخص متوفی چهار فرزند صغیر - از دو سال الی 14 سال - باقیمانده که فرزند بزرگ، دختر است و همسر، قیم بچه ها می باشد و نیز يك مادر پیر باقیمانده که دیوانه می باشد و تحت سرپرستی فرزند دیگرش - که برادر متوفی است - می باشد؛ لذا از آن جا که سهم مادر از مال متوفی، است و با توجه به این که وضع مالی برادر متوفی که مادر، تحت تکفلش می باشد، خوب است و فرزندان متوفی هم دارای درآمد مکفی نمی باشند، استدعا دارد در مورد سهم مادر راهنمایی لازم بفرمایید که محل حاجت است.

بسمه تعالی، سهم مادر مربوط به خود او است و به دیگری نمی رسد و اگر دیوانه است، ولی شرعی او آن را برای او حفظ می کند، یا به طور صلاح، صرف در مخارج او می کند.

[سؤال 11131] 6369

بسمه تعالی 1358 / 6 / 14

محضر مبارك ملاذ الانام، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، زید عزه

با تقدیم احترامات؛ به عرض عالی می رساند: داماد ارشد بنده در اثر تصادف در راه اصفهان که برای انجام کاری می رفت، در مورچه خورت دعوت حق را لبیک گفته،

ص: 556

جنازه اش را آوردیم در بهشت زهراى تهران دفن کردیم. چون متوفى وصیت نداشت؛ خرج مخارجات کفن و دفن و ایام ثلاثه و شب هفت و غیره را برادر بزرگش خرج نموده است. متوفى دارای يك زوجه بیست و سه ساله و دو پسر هفت ساله و چهار ساله و مادری پیر است که تحت کفالت برادر کوچک تر از متوفى است. متوفى خانه مسکونی ندارد ولی دو درب مغازه کانال سازی و يك دفتر محقر، با يك نفر شریک می باشد. سرمایه ای که در مغازه و غیره دارند غیر از شریک مذکور، واقعاً کسی نمی داند و به طور معلوم و به گفته خود متوفى مبلغ قابل ملاحظه ای از شریکش طلب دارد. همچنین سی هزار تومان پول به نام خودش در سه دفترچه پس انداز در بانک دارد و مبلغ بیست و دو هزار تومان پول نقد در خانه داشت. آن پول را به نام زوجه اش در دفترچه پس انداز واریز کردیم. مبلغ پنجاه و سه هزار تومان در چهار فقره چک موجود در خانه، از شریکش طلب دارد و دو چک مبلغ سیزده هزار و پانصد تومان برگشت خورده از شرکت سهامی سنجش دارد و اثاث منزل و يك طاقه فرش قالی و سه قالیچه و دیگر لوازمات مستعمل خانه دارد. تمنا این که امر مقرر فرمایند با کمال محتاجی و دعاگویی از آن مقام محترم خواستاریم تکلیف صغار و سرمایه و مغازه کانال سازی و مخارج خرج شده و اثاث خانه و ارث ورثه و مهریه زوجه و حضانت صغار را معین و حکم فرمایید. امر عالی مستدام.

بسمه تعالی، در فرض مذکور ورثه متوفى: مادر و زوجه و فرزندان هستند. و ترکه او بعد از اخراج دین که از جمله آن مهر زوجه است؛ بین ورثه به نسبت سهم الارث آن ها تقسیم می شود و برای رسیدگی و تقسیم به عالم مورد وثوق محل مراجعه نمایید.

[سؤال 11132] 6370

بسمه تعالی 1361 / 1 / 30

سلام علیکم، پس از سلام، از محضر آن امام عزیز تقاضا می شود راجع به حکم شرعی، ما را راهنمایی فرمایید.

ص: 557

پسری داشتیم که در جبهه اهواز به درجه شهادت نایل گردید؛ از ایشان يك پسر بچه دو ساله باقیمانده است؛ همسر ایشان را هم يك ماه قبل برای پسر دیگرم به عقد و ازدواج در آوردم.

شهید دارای مبلغی پول نقد و لوازم منزل، از قبیل فرش، موتور سیکلت و دیگر لوازم منزل می باشد؛ از محضر آن امام تقاضا می شود ما را نسبت به وظایف شرعی خود راجع به این لوازم راهنمایی فرمایید.

بسمه تعالی، چنانچه دینی ندارد و وصیت نکرده، تمام آنچه ذکر شده بین پدر و مادر و زن و بچه او به حسب قانون ارث تقسیم می شود.

[سؤال 11133] 6371

بسمه تعالی

حضور مبارك رهبر كبير انقلاب، قائد اعظم، حضرت امام خمینی، دام ظلّه سلام عرض می نمایم. پس از عرض سلام، سلامتی رهبر گران قدر عالم اسلام را در پناه امام زمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - خواستارم.

1. اگر شخصی بمیرد و از خود يك زن دائمی، دو فرزند پسر، پدر و مادر و طفلی در شکم مادر که هنوز به دنیا نیامده، داشته باشد، ارث او اگر خانه و اثاث خانه باشد چگونه تقسیم می شود؟

بسمه تعالی، پس از جدا کردن مقدار بدهی از اصل ترکه، پدر و مادر هر يك، يك ششم وزن از قیمت ساختمان خانه و از اعیان منقوله ترکه يك هشتم ارث می برند؛ بقیه به فرزندان می رسد و برای حمل تا به دنیا آمدن باید سهم دو پسر را جدا کنند تا وقتی به دنیا آمد تکلیف قطعی شود.

2. اگر زن بخواهد ارث ببرد - همان گونه که در رساله عملیه هم فرموده اید - از هوایی، آن هم از قیمت آن ارث می برد؛ در صورتی که متوفی يك صد و چهل هزار تومان مقروض باشد و قرض او را بیمه یا بنیاد شهید - مثلاً - پردازد، آیا منهای يك صد و چهل هزار تومان، ارث می برد زن یا نه قرضی که از ناحیه بیمه یا بنیاد شهید داده می شود به زن هم تعلق می گیرد؟ به صورت واضح تر، هنگام شهادت یا فوت

ص: 558

شوهر از هر چه هست - غیر از زمین - ارث او باید داده شود یا صبر کنند تا قرض داده شود و بعداً بدون منها کردن قرض ارث به او بدهند؟
بسمه تعالی، اگر بدهی میت از راه دیگر ادا شود تمام ترکه به ترتیب بالا ارث می شود.

3. اگر شهید، پدر را قیّم قرار دهد و او قبول کند و قید کند اگر پدرم قبول نکرد برادرم قیّم صغار من و برادر هم قبول کرد، می تواند برادر رد کند؟

بسمه تعالی، در فرض سؤال، قیّم شرعی پدر است و رد او اثر ندارد و می تواند برادر میت را وکیل بگیرد در انجام کار صغیر.

4. اگر قیّم بخواهد کنترل کند مثلاً اثاث خانه را مشخص کند که کدام مال متوفی بوده که نتیجتاً به استثنای هشت يك - مثلاً - بقیه مال صغار است یا در امور دیگر دخالت کند، موجب نزاع و به دادگاه کشیدن می شود و در نتیجه مادر، فرزندان صغیر را خوب رشد نمی دهد؛ قیّم می تواند؛ با این ها کج دار و مریز مدارا کند تا صغار رشد عقلی و بلوغ پیدا کنند و محول به آنان کند یا باید ولو این که فتنه و نزاع هم می شود جداً همه را از هم جدا کند؟

بسمه تعالی، قیّم شرعی موظف است در حفظ اموال صغار مصلحت صغار را هم مراعات کند.

5. آیا لازم است قیّم از مال خودش حقوق احتمالی را که از صغیر حیف و میل می شود - در صورتی که اگر بخواهد قیّم جلوگیری کند فتنه می شود - جبران کند یا نه؟

بسمه تعالی، حکم مسأله از جواب بالا معلوم می شود و چنانچه در حفظ مال صغیر کوتاهی کند ضامن است.

[سؤال 11134] 6372

بسمه تعالی نوزدهم محرم الحرام 1400 ق

محضر مبارك حضرت آیت الله رهبر عالی قدر امام خمینی، دام بقاؤه

به عرض عالی می رسانم: دختر این جانب با يك نفر ازدواج کرد که بعد از مدت چند سال شوهرش از دنیا رفت. شوهرش در روزهای اول ازدواج فقیر بود و در مدتی که با هم بودند، يك مقدار پول از طریق کار مشترك به دست آوردند. زن قالی بافت و شوهر کار دیگر کرد. از این مرحوم يك دختر به جا مانده و پدر و مادرش نیز زنده اند. این میراث به چه صورت بین ورثه تقسیم خواهد شد؟ والسلام علیکم ورحمة الله

بسمه تعالی، پدر و مادر متوفی، هر يك سدس، می برند و زن ثمن می برد و

ص: 559

دختر نصف می برد و باقیمانده از ترکه در صورت عدم حاجب پنج قسمت می شود: سه قسمت به دختر و یک قسمت به پدر و یک قسمت به مادر می رسد و در صورت وجود حاجب باقیمانده چهار قسمت شده، سه قسمت به دختر و یک قسمت به پدر می رسد و ترکه میت که به نحو مذکور تقسیم می شود عبارت است از اموالی که معلوم است آن ها ملك میت بوده اما اموال زن جزء ترکه نیست و در موارد شبهه باید مصالحه شود.

[سؤال 11135] 6373

بسمه تعالی 1361 / 8 / 20

مرجع عالی قدر رهبر کبیر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی، مدّ ظله العالی بعد از تقدیم درود و سلام و عرض ارادت به عرض مبارک می رساند:

پدر این جانب در 92 سالگی، در تاریخ 1344 / 9 / 22 خورشیدی در زادگاه خود فوت نموده است. دارای سه پسر و هفت دختر از چهار مادر که سه مادرمان قبل از فوت پدرم یا فوت و یا طلاق گرفته اند. به علت ناتنی بودن برادران کوچک تر از من، از غیبت من و بی سوادی پدرم سوء استفاده نموده و در اواخر عمر پدرمان که سخت رنجور و مریض بوده با همکاری مادرشان قسمتی از اموال پدرمان را به عنوانین مختلف به نام خودشان و مادرشان در می آورند و بعد هم از 6 خواهر به عنوان گرفتن انحصار وراثت وکالتنامه را می گیرند، بخش قابل توجهی از اموال ورثه را به طور غیر رسمی می فروشند. بعد از گذشت 17 سال از فوت پدرم حاضر به تقسیم و دادن حق وراثت نیستند، خواهر بزرگمان بعد از تلاش زیاد سهم خود را نتوانست بگیرد و فوت نمود. ورثه آن هم در ایران نمی باشد. حتی قسمتی عمده از ثلث آن مرحوم را بدون توجه به وظایف شرعی و قانونی تصاحب نموده اند و قسمتی از اراضی آن مرحوم در اثر عدم عملیات کشاورزی در معرض نابودی قرار گرفته است، این جانب پسر ارشد

ص: 560

آن مرحوم از آن مرجع عالی قدر استدعای عاجزانه دارم تعیین وظیفه شرعی این جانب را به مراتب ذیل روشن فرمایید:

1. وظیفه شرعی نسبت به ثلث مانده پدرم؟
 2. وظیفه شرعی نسبت به اموال خواهرم که فوت نموده و ورثه آن در ایران نمی باشد؟
 3. وظیفه شرعی نسبت به سهمیه خواهران که به بنده اعتراض می کنند؟
 4. برای حفظ شخصیت و حیثیت پدرم که به وسیله برادران در معرض خطر قرار گرفته است چه وظایفی دارم؟
- بسمه تعالی، برای تعیین تکلیف اموال به محاکم صالحه مراجعه نمایید.

[سؤال 11136] 6374

بسمه تعالی

محضر مقدس امام عزیز و رهبر کبیر انقلاب

حضور آن پدر ارجمند معروض می دارد: این جانب و برادرم دارای دو دانگ از شش دانگ يك باب خانه در گلپایگان که از پدرم به ارث رسیده بود شدیم. زمانی که خانه تقسیم گردید و پدرم در قید حیات نبود، مادر بزرگ پدری قیّم ما شد. در آن موقع، ما دو طفل سه و چهار ساله بودیم. زمان گذشت و من در تهران در ارتش بودم و به عمویم وکالت دادم که نیم دانگ آن خانه را مهر همسر من نماید؛ ولی در این حال این طور که شاهدین می گویند، اشتباه تحریری شده یا طور دیگری که من نمی دانم و از دو دانگ خانه، يك و نیم دانگ به نام برادرم و نیم دانگ آن به نام همسر من به ثبت رسیده. در این میان، نیم دانگ از سهم من به دیگری داده می شود. در صورتی که شاهد زیادی داریم که می دانند در این موضوع به من ظلم شده، من به محضر و ثبت مراجعه کردم. آن ها می گویند: چون این به ثبت رسیده، دیگر قابل برگشت نیست؛ در صورتی که قیّم، امانت دار می باشد و مال خودش نبوده که بخواهد به دیگری کم یا بیشتر بدهد.

ص: 561

خواهشمند است در این مورد مرا راهنمایی نموده و یا به مسئولین امر، اوامری در این مورد صادر فرمایید.

از این که وقت عزیز شما را می گیرم معذرت می خواهم.

بسمه تعالی، اشتباه در کتابت و سند ثبتي، موجب زوال حق و ملك از مالك شرعى نمى شود و هر يك از ورثه حق دارند سهم الارث خود را از تركه مطالبه نمایند و چنانچه اشتباهى شده باشد بايد رفع گردد.

[سؤال 11137] 6375

بسمه تعالی 15 / 4 / 1361

با درود به حضور رهبر عالی قدر و پدر دلسوز ملت ایران امام خمینی و با درود به تمامی شهیدان به خون خفته کربلا تا کربلاهای ایران بالاخص هفتاد و دو تن شهید دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی و با سلام به حضور کارکنان دفتر امام خمینی

1. طبق توضیح المسائل امام خمینی، مسأله 2728 اگر مردی پیش از پدر خود فوت کند ارث پدر بزرگ بعد از مرگش به نوه اش می رسد، ولی بنده که هم اکنون چنین حالتی دارم از طرف فامیل خودم به بنده می گویند که چون پدرت پیش از پدرش فوت کرده ارث به تو تعلق نمی گیرد. خواهشمندم طبق رساله امام خمینی مسأله را برای بنده به طور واضح و آشکار جواب بدهید.

بسمه تعالی، در فرض سؤال چنانچه جد شما فرزند بلا واسطه نداشته باشد شما وارث او می شوید.

2. پدر من دوزن داشته، از یکی يك پسر و از زن ديگر يك دختر داشته. زنی که مادر دختر بوده با دخترش فوت کرده و دختر که خواهر پدری بنده می باشد، دایی ای دارد که در حال حاضر در حیات است. آیا ارث پدری به بنده و دایی دختر می رسد و یا به بنده تنها می رسد؟

بسمه تعالی، اگر خواهر نامادری شما با مادرش پیش از پدر شما فوت کردند ارث پدر شما به دایی آن خواهر نمی رسد.

ص: 562

محضر مبارك رهبر عظیم الشان انقلاب اسلامی ایران و جهان حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، ایدة الله تعالی

ضمن عرض سلام، طول عمر و موفقیت کامل شما را از خداوند خواستاریم.

به عرض می رسانم، پیرزنی فوت نموده و این جانب را وصی قرار داده است. نامبرده تنها زندگی می کرده و اولاد بلافصل ندارد و فرزندانش قبلاً فوت نموده اند. از دو دختر و یک پسر نوه دارد. نامبرده وصیت کرده پس از خریدن يك ماه روزه و پرداخت هشت صد تومان رد مظالم و گرفتن مجلس ترحیم و پرداخت پانصد تومان به یکی از نوه ها، بقیه را به یکی از نوه ها که دختر است بدهم. حدود دو هزار و سیصد تومان هم بدهی سهمین دارد که خودم اطلاع دارم. فتوکپی وصیت نامه به پیوست تقدیم می شود.

ضمناً یادآور می شود، نامبرده از کمیته امداد امام کمک می گرفت. مستدعی است دستور فرمایید چه رقم عمل کنم. مشروح دستور فرمایید که مسئولیت شرعی نداشته باشم. در خاتمه به عرض می رسانم که آن دختر تا حدودی به این زن کمک می کرده، ولی بقیه وراثت به او توجهی نداشته اند. به امید پیروزی لشکریان اسلام بر کفر صدامی

بسمه تعالی، پس از جدا کردن بدهی بابت سهمین و غیره از مجموع ترکه؛ وصیت میت در ثلث ترکه نافذ است و بقیه به تمام ورثه می رسد. از باقیمانده پس از جدا کردن بدهی و وصیت در فرض مسأله نصف به نوه های پسری و ربع به اولاد يك دختر و ربع دیگر به اولاد دختر دیگر می رسد.

3. هرگاه پدری دارای فرزند یا فرزندان باشد که مخالف دستورات اسلام و تارك

صوم و صلاة و ساير وظيف شرعيه بوده و از هيچ عمل خلاف شرع مقدس ابا نداشته باشند، آيا پدر يا مادر مي توانند آن ها را از ارث ماترك محروم و دارايي خود را وقف امور خيري بنمايند؟

بسمه تعالي، اختيار اموال شخص با خود او است و در حال حيات اگر اموال را وقف کند و تحويل جهت وقف دهد از ترکه او نمي شود و به ارث نمي رسد.

حبوه (اموال مخصوص به پسر بزرگ تر از ارث پدر)

[سؤال 11140] 6377

بسمه تعالي

دفتر امام خميني، حفظه الله، پس از اهداي تحيت و صلوات به محضر حضرت ولي النعمه، امام زمان (عجل الله تعالي فرجه الشريف) و نايب عظيم الشان حضرت امام خميني، زيد عزه و توفيقه، مستدعي جواب مي باشم؛ لطفاً مرحمت بفرماييد.

1. آيا حبوه فقط به آنچه در تحرير شريف تصريح گرديده اطلاق مي گردد يا ماشيني که از ماترك پدر مي باشد نيز شامل مي شود؟ اسلحه شکاری يا دفاعي که ملك شخصي ميت مي باشد نيز جزء حبوه مي باشد يا خير؟

بسمه تعالي، ماشين و اسلحه شکاری يا دفاعي از حبوه نيست و حکم همان است که در تحرير ذکر شده است.

2. معلولي تا مرفق مقطوع البید و تا ساق پا بيشتتر ندارد و مابقي قطع گرديده؛ در وضو چه وظيفه اي دارد؟

بسمه تعالي، شستن و مسح باقيمانده اعضاي وضو کفايت مي کند.

[سؤال 11141] 6467

2. متوفی دارای يك قبضه اسلحه شکاری مجاز با تمام تجهيزات از قبيل دوربين شکاری و زين اسب سواری مي باشد. استدعا دارم اعلام فرمايد آيا تمام ورثه از اين

ص: 564

اسلحه و لوازم فوق الذکر ارث می برند یا خیر؟

بسمه تعالی، اسلحه شکاری جزء حیوه نیست و تمام ورثه از آن ارث می برند.

[سؤال 11142] 6835

2. در احکام ارث، قرآن و انگشتر و شمشیر و لباس میت، مال پسر بزرگ تر است. آیا امروز که دیگر از شمشیر و زره استفاده نمی شود، شمشیر و زرهی که به حالت تجملی است نیز مال پسر بزرگ تر است یا خیر؟ و اگر میت تفنگ شکاری داشته باشد، آیا آن نیز مال پسر بزرگ تر است؟

بسمه تعالی، تفنگ و زره از پسر بزرگ تر نیست، و شمشیر میت مختص به او است و فرق نمی کند.

طبقه دوم: برادران و خواهران و اجداد

[سؤال 11143] 6378

بسمه تعالی

محضر حضرت آیت الله العظمی خمینی

شخصی فوت نموده و مادرش زنده است، این شخص زمینی دارد يك برادر ناتنی هم دارد یعنی از مادرش نیست آن می گوید من هم ارث می برم آیا حق دارد یا ندارد؟

بسمه تعالی، با وجود مادر برادر ارث نمی برد.

[سؤال 11144] 6379

بسمه تعالی 1361 / 12 / 19

پیشگاه زعیم عالی قدر رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران حضرت امام خمینی، مدّ ظلّه العالی، سلامتی وجود گرامی حضرت عالی را از خداوند منان آرزو مندّم.

پدر این جانب دارای دوزن بوده، از زن اول دارای دو پسر و از زن دوم دو پسر و

ص: 565

يك دختر، پدرم و زن اولی حدود 20 سال است فوت نمودند، یکی از برادرهایم که از زن اول پدرم بود دو ماه پیش فوت شده، اولاد هم ندارد وصیت هم نکرده، فقط يك برادر او که از مادر و پدر یکی هستند زنده است، دو برادر و يك خواهر از زن دوم پدرم که ما باشیم مانده ایم، تقاضا دارم به طور مشروح بفرمایید آنچه از برادرم به ارث مانده چگونه تقسیم نمایم؟ جواب مرحمت فرمایید که مورد حاجت می باشد.

بسمه تعالی، در فرض مرقوم ارث او به برادر پدر و مادری می رسد و برادر و خواهر پدری ارث نمی برند.

[سؤال 11145] 6380

بسمه تعالی 1361 / 6 / 1

دفتر حضرت امام خمینی، رهبر عالی قدر، مدّ ظلّه العالی

مستدعی است نظریه آن امام عالی قدر را راجع به ما ترك شخصی مرحوم که دارای يك خواهر ابوینی و يك برادر و خواهر که فقط از طرف پدر مربوط می باشند، ذیلاً مرقوم فرمایید، که امور اخروی مرحوم طبق آن عمل شود.

بسمه تعالی، اگر میت بدهی داشته باشد، ابتدا از ترکه باید خارج شود و چنانچه وصیتی کرده باشد، ثلث ترکه، در مورد وصیت باید صرف شود و بقیه ترکه تماماً به خواهر پدری و مادری می رسد و برادر و خواهر پدری در فرض مرقوم، ارث نمی برند.

[سؤال 11146] 6381

بسمه تعالی 1361 / 6 / 31

دفتر امام خمینی، حضرت مستطاب امام خمینی، دامت توفیقه

اگر زنی فوت نماید که شوهرش قبلاً او را طلاق داده و دارای اولاد نمی باشد، ولی دارای يك خواهر پدری و مادری و يك برادر و خواهر مادری باشد، ارث متوفای مذکور، بین وارثان به چه نحو تقسیم می شود؟ جواب مرحمت فرمایند.

ص: 566

بسمه تعالی، يك سوم تركه، بين برادر و خواهر مادری، متساوی تقسیم می شود و بقیه تركه، به خواهر پدر و مادری می رسد.

[سؤال 11147] 6382

بسمه تعالی 1361 / 9 / 16

حضور مستطاب مرجع عالی قدر، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی

1. حضرت امام! بفرمایید که حد نصاب تركه زن از شوهری که فوت نموده و از او فرزندی نیست و دارای برادر و خواهر است چقدر است؟ و آیا تعداد برادر میت در سهم وارث (زن) مؤثر است یا خیر؟

2. چه نوع ملکی به ورثه خواهد رسید؟ آیا کلیه ثروت به حساب می آید یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر شوهر متوفی فرزند ندارد، يك چهارم كل دارایی او اعم از نقد و جنس و منقول و غیر منقول به زوجه می رسد؛ نهایت، زوجه از زمین به خصوص ارث نمی برد و در غیر زمین از سایر غیر منقولات - از قبیل ساختمان و درخت - از قیمت آن ارث می برد نه از عین، و بقیه دارایی پس از جدا کردن سهم الارث زوجه، به برادر و خواهر میت می رسد و اگر میت بدهی دارد و یا آن که وصیت به ثلث کرده باشد، مقدم بر ارث است.

[سؤال 11148] 6383

بسمه تعالی 1361 / 6 / 21

حضرت آیت الله آقای خمینی، دامت برکاته، با عرض سلام خدمت شما، مسأله مهمی پیش آمده که خواستم خدمت شما عرض کنم و جواب بخواهم:

1. خانمی فوت کرده و فقط دو تا برادرزاده دارد، ایشان مقداری پول و مال در دنیا باقی گذاشته. از اول با هم بزرگ شده اند در منزل برادرزاده بزرگ تر مانده بود تا به آخر. این پول کلی را ایشان در ابتدا از طریق کارگری کسب کرده اند ولی بعدها منزل رهن می کردند، می خواهیم بدانیم این پول آمیخته با ربا است یا رهن با آن فرق دارد؟ اگر ربا

ص: 567

است تکلیف شرعی برداشت این پول چیست؟ در ثانی ایشان با برادرزاده کوچک تر میانه بدی داشته و چون با آن برادرزاده خوب بوده، گفته من به کوچک تر هیچ نمی دهم و زبانی فقط به آن ها گفته به او ندهید راضی نیستم. به هر حال ما این پول را گرفته ایم و در بانک است می خواهیم بدانیم این پول را چه کنیم آیا همه را در راه خدا بدهیم؟ و این که اگر کسی فوت کرد و دوتا برادرزاده داشت آیا به این دو می رسد یا به یکی از ایشان؟ البته این خانم فوت شده، ایمان درست و حسابی نداشته که راضی نبودن برایش مطرح باشد. خرج و مخارج این خانم را برادرزاده بزرگ تر به عهده گرفته و بعد از سوم او به ما خبر دادند. آیا وظیفه شرعی داریم سهم خود را به آن ها بدهیم و خرج و مخارج که کرده اند نصفش را به عهده بگیریم یا نه؟

بسمه تعالی، اگر یقین به وجود ربا در بین اموال ندارند و میت وارث دیگری ندارد ترکه به دو برادرزاده می رسد ولی در صورت یقین به وجود ربا در بین اموال باید به حکم مال مخلوط به حرام به شرحی که در رساله مذکور است عمل نمایند.

2. چند سال پیش مادر این دو خواهر مدتی مریضی کشید و فوت کرد که داماد خواهر بزرگ تر عهده دار مخارج بود حالا می خواهیم بدانیم آیا شرعاً واجب است خواهر کوچک تر نصف مخارج را بدهد؟

بسمه تعالی، اگر به عنوان قرض مخارج را متکفل شده می تواند مطالبه کند و از اصل ترکه برداشته می شود.

[سؤال 11149] 6384

بسمه تعالی

با سلام و با امید پیروزی هرچه سریع تر نیروهای اسلام برقوای کفر، به استحضار می رساند: زنی مرحوم شده است که هیچ کس را ندارد به جز يك فرزند پسر از يك خواهر و شش فرزند (سه پسر و سه دختر) از يك خواهر دیگرش که هر دو خواهرش هم فوت کرده اند. سهم ارث هر کدام از این افراد، از زن مرحومه چقدر می باشد؟

ص: 568

از خداوند متعال، توفیق و عمر بیشتر امام کبیر را مسئلت دارم

بسمه تعالی، باید مال، دو قسمت شود، یک قسمت، به فرزند یک خواهر و قسمت دیگر، بین شش فرزند [خواهر دوم] تقسیم می شود؛ به پسر دو برابر دختر می رسد. و این در صورتی است که هر دو خواهر ابوینی یا ابی باشند و در غیر این صورت، صورتی دارد که در صورتی که مورد ابتلاء است، با خصوصیات سؤال شود.

[سؤال 11150] 6375

2. پدر من دوزن داشته، از یکی یک پسر و از زن دیگر یک دختر داشته. زنی که مادر دختر بوده با دخترش فوت کرده و دختر که خواهر پدری بنده می باشد، دایی ای دارد که در حال حاضر در حیات است. آیا ارث پدری به بنده و دایی دختر می رسد و یا به بنده تنها می رسد؟

بسمه تعالی، اگر خواهر نامادری شما با مادرش پیش از پدر شما فوت کردند ارث پدر شما به دایی آن خواهر نمی رسد.

[سؤال 11151] 92

2. آیا فرزندان معدومین (منافقین) از جد و جدّه میراث می برند؟ در صورتی که پدر و مادر فرد اعدام شده مخالف عمل فرزند اعدامی خود باشند.

بسمه تعالی، اگر نوبت ارث به آنان برسد ارث می برند.

طبقه سوم: عمو، عمه، دایی و خاله

[سؤال 11152] 6385

بسمه تعالی 1361 / 1 / 21

محضر مبارک رهبر عالی قدر و حامی ما مستضعفان و پدر دلسوز طبقه کشاورزان، ارواحنا فدا، احتراماً؛ نظر مبارک عالی را به چند نکته شرعی معطوف می دارد: خواهر

ص: 569

زاده این جانب، فوت نموده و ماترك قابل ملاحظه ای از آن مرحوم باقیمانده است. تنها وارثی که باقی می باشد عمو، عمه، دایی و خاله می باشد. نه پدر و نه مادر و نه برادر و نه خواهر و نه عیال و نه اولاد باقی نمانده است. این ماترك را عمو با پسر عمویش - که خود را تنها وارث می داند - حیف و میل می نمایند و می گویند دایی و خاله سهم بر نمی باشند، آیا دایی و خاله سهم هستند. اگر شرع مقدس اسلام در این مورد جایز می داند، برای گرفتن حق خود ما به چه مرجعی مراجعه نماییم؟ ضمناً آن مرحوم هیچ گونه وصیت نامه ای ندارد. در این باره چه دستوری می فرمایید؟

بسمه تعالی، دایی و خاله در ارث سهم هستند. و در صورت خلاف و نزاع به دادگاه های صالحه مراجعه نمایید.

میراث به سبب زوجیت

[سؤال 11153] 6386

بسمه تعالی

این جانب با مردی ازدواج کردم، او بعد از ازدواج مخارج زندگی مرا با دیگر برادرانش مجزاً نمود، همین امر موجب خشم آنان گردید و مرتب مزاحم ما می شدند و حتی مرا تهدید به قتل نمودند، لذا من با اطلاع همسرم با فرزندانم به خانه پدرم رفتم. بالاخره برادران به تفاهم نرسیدند، تا این که روزی همسرم فرزندانش را با خود برد، اما متأسفانه با خوردن سم به فرزندان آنان را کشت، و خود نیز با خوردن سم بعد از سه روز جان سپرد، علمای شهرمان درباره کیفیت ارث بردن من نظراتی داده اند، تمناً دارم نظر خود را بیان فرمایید.

بسمه تعالی، اول دیون میت از ترکه خارج و به صاحبانش می رسد، و مهر زن از دیون است، و همچنین دیه بچه ها که به مادرشان می رسد. و چنانچه از ترکه چیزی باقیماند ربع آن به تفصیلی که در رساله آمده به زن می رسد و بقیه را سایر ورثه ارث می برند.

ص: 570

بسمه تعالی

محضر مبارك رهبر كبير انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام خمینی، دامت برکاته

با سلام به پیشگاه ولی عصر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و با سلام و درود به ارواح پاک شهدای راه اسلام به خصوص شهدای جنگ تحمیلی بعثیون کافر عراق علیه کشور اسلامی ایران

این جانب برادر یکی از شهدا می باشم. پس از شهادت برادرم ورثه آن شهید که همسر و مادر پیر وی می باشد به من وکالت دادند که کلیه اموال منقول و غیر منقول آن شهید را جمع آوری نموده تا تصمیمات بعدی اتخاذ گردد.

این جانب پس از جمع آوری اموال طبق انحصار وراثت، سهم هر کدام از ورثه را پرداخت نمودم. نصف مهریه همسر شهید را با توجه به این که باکره بود پرداخت نمودم. و بقیه اموال که از آن مادر شهید است حدود 200000 تومان می باشد که ایشان واگذار نموده تا در کارهای خیریه خرج نمایم.

با توجه به این که شهید اهل روستا می باشد و در همان جا هم دفن شده است و این روستا فاقد مسجد به درد بخور می باشد ما تصمیم گرفتیم تا با کمک اهالی محل مسجدی بسازیم، ولی با این مقدار ناچیز و کمک اهالی مستضعف قریه نمی توان این امر خیر را پیش برد. مقرر فرمایید در این مورد ما را بیشتر راهنمایی کنید که چگونه ما این امر مهم را پیش ببریم؟ و سؤال دیگر این که آیا انحصار وراثت دادگاه که در آن ربع اموال از آن همسر شهید می باشد صحیح بوده؟ و با توجه به این که همسر شهید هنوز دختر می باشد و ما نصف مهریه وی را پرداخت کرده ایم درست است یا باید تمام مهریه را بپردازیم؟ والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، در فرض سؤال زن نصف مهریه خود را حق دارد و از ترکه شوهر ربع می برد.

ص: 571

6. سهم ارثی همسر دوم با مسأله رجوع چه می شود؟

بسمه تعالی، اگر طلاق، باطل بوده و یا بعد از طلاق صحیح، در عده رجوع شده، حق ارث طبق موازین شرع دارد.

بسمه تعالی

محضر حضرت امام خمینی، دامت افاضاته

محترماً معروض می دارد که عمه این جانب، همسر شخصی بوده که او به ایشان توجه نداشته؛ چون دارای همسر دیگری بوده. وقتی به شوهرش تلفنی گفته می شده سری به ایشان هم بزن و خبری از او بگیر، در جواب می گفت: من او را طلاق گفته ام، و شاهد بر این مطلب موجود است. فعلاً عمه این جانب وفات کرده و همین شوهری که در تلفن می گفته من ایشان را طلاق گفته ام، الآن آمده و ادعای ارث می کند؛ چون قانوناً او را در محضر طلاق نگفته. لذا از نظر قانون باید وضع طلاق و وضع ادعای ارث روشن گردد. اگر لازم به توضیح شود، ما حاضریم شفاهاً و کتباً توضیح کامل بدهیم. امیدوارم در این قضیه حکم فرمایید.

بسمه تعالی، تا به وجه شرعی طلاق ثابت نشود و اقرار شوهر بر طلاق محرز نگردد، شوهر حق ارث دارد؛ و اگر ثابت شود که اقرار بر طلاق نموده، برطبق ظاهر اقرارش ممنوع از ارث زوجه می شود.

بسمه تعالی

پدر من دو خانم داشت که يك خانم، دو بچه و مادر من هم، سه بچه داشت که دو پسر و يك دختر، ارث پدرمان چطور تقسیم می شود؟

بسمه تعالی، زن ها از ترکه هشت يك می برند و از عین زمین ارث نمی برند

و از بنا و اشجار هشت يك قيمت آن را می برند و بقیه تركه که است بین اولاد تقسیم می شود، به طوری که هر پسر دو برابر هر دختر ببرد.

[سؤال 11158] 6390

بسمه تعالی

زیدی خدمتگزار اداره آموزش و پرورش بوده و با حقوق خود امرار معاش می نموده و اکنون که فوت شده دارای پدر و مادر و يك عیال با دو پسر بچه می باشد:

1. افراد یاد شده چگونه ارث می برند؟

بسمه تعالی، بعد از اخراج دیون و وصایای میت، عیال از غیر زمین و غیر اعیان ساختمان هشت يك می برد، و از ساختمان هشت يك قيمت آن را حق دارد، و پدر و مادر هر يك سدس تركه را می برند، و بقیه تركه سهم دو پسر متوفی است.

[سؤال 11159]

2. آیا از منزل نیمه کاره و تمام نشده و یا جزئی اثاث خانه متوفی می توانند حقی ببرند یا نه؟ و چنانچه از حقوق دولتی متوفی بعداً وصول گردد آیا وراثت او از آن ارث می برند یا نه؟ در صورتی که اگر کبار حقوقی ببرند برای صغار مخارج سالیانه باقی نخواهد ماند و ممر معاش ندارند.

بسمه تعالی، حکم منزل و اثاثیه از مسأله اول معلوم شد، و حقوقی که مربوط به قبل از فوت است از تركه [محسوب گشته] و به همه ورثه می رسد، و آنچه بعد از فوت دارد منوط است به مقررات استخدامی اداره.

3. آیا کدام يك از پدر، مادر و عیال متوفی قيمومت صغار را باید داشته باشند؟

مستدعی است جواب را در صدر ورقه به طور واضح و روشن مرقوم فرمایید.

بسمه تعالی، پدر متوفی که جد پدری صغار است ولی شرعی آن ها است.

ص: 573

حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

زیدی فوت کرده و 300/000 تومان بدهی داشته و در مقابل ماترك زیر را دارد:

1. چند تخته فرش به ارزش 300/000 تومان که به وسیله ورثه فروخته شده و بدهی اش را پرداخته اند.

2. يك باب خانه که به وسیله کارشناس 60/000 تومان ساختمان آن و 700/000 تومان زمین آن، قیمت گذاری شده است. ورثه عبارتند از: همسر دائمی متوفی و يك دختر و يك پسر. می خواهیم سهم الارث هر وارث معلوم شود. چون با فروش فرش ها که آن مال زن آن مرحوم بوده، کلیه بدهی مرحوم پرداخت شده است. و الآن خانه تنها مانده که اعیانی آن 60/000 تومان قیمت دارد. در حالی که مال مرحوم علاوه بر این خانه 300/000 تومان هم فرش بوده است.

بسمه تعالی، زوجه از زمین ارث نمی برد و از قیمت ساختمان و از اعیان منقولات ارث می برد و بدهی میت از مجموع ترکه برداشته می شود نه تنها از منقولات تا ضرر به زوجه وارد نشود. بنابراین در فرض مرقوم، سهم الارث زوجه پس از کسر بدهی از کل دارایی میت داده می شود.

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، دامت توفیقاته

احتراماً؛ به عرض می رساند: شخصی پس از فوت عیال دائم خود که دارای چند فرزند نیز می باشد، با زن عقیم دیگری ازدواج و تجدید فراش می نماید و حالیه بدرود حیات گفته است. آیا این زن عقیم که حالیه هم عقیم و نازا است از اموال متوفی، از چه نوع اموالی شش يك یا هشت يك سهم می برد؟ آیا از نقدینه (یعنی پول موجودی) هم سهم می برد یا خیر؟ در صورتی که سهم است، شش يك سهم است یا کمتر؟

استدعا می شود جریان را ذیلاً مرقوم فرمایید. توضیح این که چون وصیت نموده است، ثلث دارایی ایشان چه صورتی دارد؟ پس از کسر مخارج نماز و روزه و بدهی و خمس، آیا ورثه از بقیه آن می توانند استفاده نمایند یا خیر؟

بسمه تعالی، پس از اخراج دیون که از جمله آن ها وجوه شرعیه است، بقیه ترکه بین همه ورثه، از جمله زوجه او به ارث تقسیم می شود. و زن از پول موجودی ارث می برد و از زمین ارث نمی برد. و از اعیانی از قیمت آن ارث می برد. و سهم زن با بودن فرزند برای متوفی، هشت يك است.

[سؤال 11162] 6399

4. آیا همسر متوفی (مادر صغار) حقی نسبت به سرقتی محل و وسایل داخل کارگاه بر اساس ثمن دارد یا خیر؟

بسمه تعالی، حق دارد.

[سؤال 11163] 6393

بسمه تعالی

از هوایی اموال میت که زوجه از قیمت ارث می برد و قیمت یوم الدفع را می برد اگر بعضی ورثه بعد از فوت میت در هوایی از مال خودشان تعمیراتی کردند مثلاً نقاشی یا گچ کاری کردند، موقع پرداخت کردن به زن باید قیمت تمام هوایی را بدهند یا این که قیمت تعمیرات و نقاشی منها می شود و فقط قیمت اصل هوایی را می برد.

بسمه تعالی، از قیمت اصل بنا ارث می برد و از قیمت تعمیرات و نقاشی نمی برد.

[سؤال 11164] 4100

2. منزل شش دانگی، دو دانگش به اسم من است. آیا از این چهار دانگی که به وارث رسیده، می توانم هشت يك ببرم؟

بسمه تعالی، زن از زمین منزل ارث نمی برد، ولی از قیمت بنا ارث می برد.

ص: 575

بسمه تعالی

این جانب مدتی با شوهر اول زندگی کردم، ایشان بدرود حیات گفت و هیچ اولادی نداشتیم، تمام مال و اثاثیه خود را که در اختیار داشت به من داد و دکان خواروبار فروشی داشت و من دکان را هم فروختم و چند رأس گوسفند هم داشتم. بعد از ده ماه که گذشت بنده عیال کس دیگری شدم، تمام اثاثیه و پول دکان و پول چند رأس گوسفند را هم به خانه شوهر دوم آوردم. او نیز دار فانی را وداع نمود. ایشان قبل از من پنج اولاد پنج سال به بالا داشت که همه آنان داماد و عروس شده اند. حالا پسرهای ایشان که در تهران زندگی می کنند هر هفته می آیند به محل، یک دکان نانوايي دارد که اجاره آن را می گیرند، و دو دستگاه حیاط ساختمانی دارد که اجاره آن ها را هم می گیرند، و یک حیاط ساختمانی آن را بنده نشسته ام و هر روز مزاحم من می شوند و می خواهند این حیاط را هم بفروشند، کلیه اثاثیه ای که از همه رقم قیمتی بوده بنده آوردم توی خانه (منظور خانه شوهر دوم) که بعضی از اثاثیه قیمتی بوده و فروخته شده است. تکلیف بنده نسبت به ایشان چیست؟ اولاد هم از ایشان ندارم، بیست سال هم با او زندگی کردم. او زمین مزروعی، چاه عمیق، آب قنات و نقدینه پول در بانک صادرات و آب رودخانه هم دارد. خواهشمندم بفرمایید از این دارایی شوهرم به بنده می رسد یا نه؟

بسمه تعالی، زن از زمین و عین ساختمان و اشجار ارث نمی برد، و از قیمت اشجار و ساختمان ارث می برد، و چاه و قنات حکم ساختمان را دارد، و از آب و سایر منقولات عیناً ارث می برد، و ورثه حق دارند خانه را بفروشند و سهم الارث شما را از قیمت ساختمان آن بدهند، و اموال خودتان اگر عین آن باقی است و [به شوهر مرحومتان] تملیک نکرده اید باقی بر ملك خود شما است.

ص: 576

بسمه تعالی

محضر مبارك فقيه عالی قدر، آیت الله العظمی امام خمینی، دام بقاؤه العالی

سلام علیکم، خواهشمندم به مسأله ای که ارتباط به مسأله ارث دارد و برای من پیش آمده جواب عنایت فرمایند.

1. بعد از ازدواج شوهر مرحوم خانه ای خرید که سه دانگ خانه را به اسم من کرد، بعد از مدتی آن خانه را فروخت و خانه ای دیگر که کلنگی بود خرید و به علت دشواری گرفتن جواز ساختمان و امتناع از بردن من به ادارات مختلف جهت کسب اجازه، ساختمان را به اسم من نکرد و خانه کلنگی که خریده بود سه دانگ آن را به من بخشید، سپس آن خانه کلنگی را فروخت و چهار دانگ مغازه ای را خرید و مشغول کسب گردید و از آن مغازه خانه ای که من و بچه ها فعلاً در آن سکنا داریم را با وام بانکی خریداری کرد که حدود وام را هم من از درآمد مغازه پرداخت کردم سهم الارث من به چه صورتی خواهد بود؟

بسمه تعالی، بعد از ادای دیون میت و جدا کردن اموال دیگران و مشخص شدن مقدار ترکه سهم الارث زوجه از اموال منقوله و قیمت اعیانی اموال غیر منقوله است و از زمین ارث نمی برد.

2. مهریه من که در سال 1340 موقع ازدواج من هفت هزار تومان است، آیا همان مقدار الآن حساب می شود یا به میزان روز؟ قبلاً از این که مصدع وقت شما شدم معذرت می خواهم و سلامتی شما را از خداوند متعال خواستارم.

بسمه تعالی، مقدار مهریه همان است که در عقد قرار داده شده و با اختلاف ارزش پول و قدرت خرید تغییر پیدا نمی کند.

بسمه تعالی 1361 / 3 / 2

محضر مبارك حضرت مستطاب مروج الشريعة والأحكام، قائد الأعظم، آیت الله

ص: 577

عاجزانه عرایض کمینہٴ مہجورہٴ علویہ بر آن است کہ شوہرم بہ مدت ہفت ماہ است فوت نمودہ لاوَلد و دارای دو قطعہ باغ و سہ باب خانہٴ مسکونی ساختمان قدیمی بودہ و این را وصیت نمودہ کہ ہرچہ دارم پس از فوت من بعد از مخارجات ایّام ثلاثہ و حقوقات زوجہ ام بقیہٴ دارای ہرچہ باشد در ماہ مُحرّم و یا اربعین حُسینی علیہ السلام جہت من مصرف نمایند، ہیچ گونه راضی نیستم بہ ورثہ ہایم بدہند، خدا ہم راضی نباشد، اینک کمینہ در سنّ ہفتاد سالگی لاوَلد و کسی ہم ندارم، دو سہ برادرزادہ شوہرم وارث پیدا شدہ و از خانہ و باغ محروم شدہ ام، آیا از این باغ و خانہ حقوقی بہ من نمی رسد کہ اقلّاً معاش یومیہ خودم را بگذرانم؟ بی اندازہ در مضیقہ ہستم، بہ ہر کس از امراء یا فقہا ملتجی شدم بہ عرایضم تا حال رسیدگی نفرمودہ اند بہ خاطر جدّہ ام حضرت زہرا علیہا السلام سزاوار ندانستہ کہ مثل کمینہ بی کس و بی پناہ با زحمات چندین سالہٴ زن و شوہری حقوقات من از بین رود امر و مُقرّر فرماید مطابق احکام شرع انور نبوی صلی اللہ علیہ و آلہ حق مرا آنچه معین شود برایم موضوع نمایند شاید چند مدتی امر معاش یومیہ ام را بگذرانم از خداوند احدیّت مسئلت دارم آنچه از عمرم باقی باشد بر عُمر و عزّت آن پدر روحانی بزرگواری بیفزاید، سایہٴ بلند پایہ ات را از سر ما بیچارہ گان و عموم مسلمانان کم و کوتاہ نفرماید، آمین یا ربّ العالمین

بسمہ تعالی، زوجہ از زمین خانہ و باغ در مورد سؤال ارث نمی برد و فقط از قیمت اعیانی آن ہا ارث می برد.

[سؤال 11168] 6397

بسمہ تعالی

دفتر محترم امام خمینی، محضر محترم زعیم عالی قدر، رہبر انقلاب اسلامی و بنیان گذار جمہوری اسلامی ایران، امام خمینی، لطفاً بہ سؤال ذیل کتباً پاسخ مرقوم فرماید.

ص: 578

شخصی فوت نموده. چند اولاد دختر و پسر دارد و يك زن که زن دوم ایشان می باشد. يك خانه مسکونی برای ورثه باقیمانده است. حق اولاد که مشخص است: پسرها دو برابر و دخترها يك برابر. لطفاً پاسخ دهید: حق زن که عیال دوم مرحوم می باشد، از خانه مسکونی چقدر است؟ آیا از زمین خالی ارث می برد یا این که از کل خانه مسکونی؟

بسمه تعالی، زوجه از زمین ارث نمی برد، ولی از منقولات هرچه باشد، يك هشتم در فرض سؤال، و همچنین يك هشتم از قیمت ساختمان ارث می برد.

[سؤال 11169] 4100

5. اثاث خانه را به مبلغ بیست و پنج هزار تومان قیمت گذاری کرده اند. آیا از این پول، هشت يك می برم؟

بسمه تعالی، زن از اثاث خانه، ارث می برد.

[سؤال 11170] 6408

2. سهم الارث همسر متوفی که از هوایی ارث می برد را چگونه محاسبه نماییم؟ ماترك متوفی، يك باب خانه دو اتاقه بوده که به مبلغ چهارصد و سی هزار تومان به فروش رفته؛ چگونه ارزش زمین را که 72 مترمربع عرصه و اعیانی آن می باشد قیمت گذاری نماییم؟ آیا زمین را به قیمت روز و یا به قیمت دولتی حساب نماییم؟ توضیح این که در خانه هایی که الآن به فروش می رود او سهم می باشد؟

بسمه تعالی، زن از قیمت ساختمان ارث می برد و میزان، قیمت عادلۀ روز است و طریق تعیین، جدا کردن قیمت زمین از قیمت مجموع زمین و ساختمان است.

[سؤال 11171] 2448

3. اشخاصی که از دنیا می روند، مدتی بعد از فوت، مالشان بین ورثه تقسیم

ص: 579

می شود، بدیهی است چیزهایی که قیمت گذاری می شود در زمان فوت، قیمت اجناس، ارزان و موقع تقسیم، قیمت زیاد شده است. آیا در این اجناس، قیمت یوم الفوت، ملاک است و یا قیمت زمان تقسیم؟

و دیگر این که اثاثی که زن، به عنوان جهیزیه به منزل شوهر آورده، بعد از فوت شوهر، جهیزیه زن، مال خود آن زن است یا به تمام ورثه تقسیم می شود؟ حکم الله را بیان فرمایند؛ مزید تشکر است.

بسمه تعالی، جهیزیه زن مربوط به خود او است؛ مگر ثابت شود - شرعاً - که به شوهر تملیک کرده؛ و میزان، قیمت روز تقسیم است.

[سؤال 11172] 6398

بسمه تعالی 1362/2/7

دفتر استفتای حضرت امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

آیا چاه عمیق و موتور آلات و لوله منقول است و یا غیر منقول؟ مستدعی است جواب مرحمت فرمایید که مزید تشکر است.

بسمه تعالی، چاه و همچنین موتور و لوله نصب شده از غیر منقول محسوب است و اگر نصب نشده منقول است.

[سؤال 11173] 6399

بسمه تعالی 1361/7/23

محضر مبارک باهر النور حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

توقیراً به قرار معروض و مشروح ذیل استفتا می نماید:

شخصی فوت نموده و کارگاهی به ارث از خود باقی گذارده است.

1. درآمدی که از طریق این کارگاه حاصل می شود شامل مادر (سرپرست صغار) می گردد (بر اساس ثمن) یا خیر؟

بسمه تعالی، نسبت به مال الاجاره زمین و ساختمان کارگاه زن حق ندارد.

ص: 580

2. آیا حقوق سادات - کثرهم الله تعالی - و سهم امام علیه السلام شامل درآمد صغار می شود یا خیر؟

بسمه تعالی، شامل است، علی اشکال؛ و احتیاط آن است که خود صغیر بعد از بلوغ، خمس آن را بدهد.

3. آیا سرپرست صغار (مادر) حق دارد اموال صغار را تبدیل به احسن نماید یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر مادر قیّم شرعی آنان باشد و مصلحت صغار باشد مانع ندارد.

4. آیا همسر متوفی (مادر صغار) حقی نسبت به سرقتی محل و وسایل داخل کارگاه بر اساس ثمن دارد یا خیر؟

بسمه تعالی، حق دارد.

5. متوفی هیچ گونه وصیتی ننموده است؛ آیا برای مخارج سوم، هفتم، چهلم، سال و سایر مراسم می توان از درآمد حاصل کارگاه و یا از

طریق فروش ماترك - که حقوق صغیر و کبیر تفکیک نشده است - تصرف و مصرف نمایند یا خیر؟

بسمه تعالی، تجهیز میت در حد متعارف مناسب با شأن او مانع ندارد ولی در مخارج سوم و غیره از مال صغار جایز نیست.

6. برای مصارف روزانه و همچنین برق و آب و تلفن می توان از درآمدی که از طریق کارگاه به دست می آید، بدون محاسبه و تعیین حق

صغیر و کبیر مصرف نمایند؟ در غیر این صورت، مستدعی است مقدار و میزان آن را تعیین فرمایند.

بسمه تعالی، محاسبه و برداشت باید طوری باشد که رعایت حق هر يك - به خصوص صغیر - بشود و تصرف در مال صغیر با اذن قیّم

باشد.

7. مخارج مهمان و هدایایی که تا کنون نموده اند بدون در نظر گرفتن حقوق افراد (صغیر و کبیر) از درآمد کارگاه صورت گرفته است؛ آیا

می توان به این وضع ادامه داد یا خیر؟

بسمه تعالی، باید حقوق افراد در نظر گرفته شود و در حق صغیر رعایت مصلحت او شود با اذن قیّم شرعی.

8. آیا می توان مالیات و حق بیمه کارگران کارگاه را قبل از تعیین حقوق صغیر و کبیر پرداخت نمود یا خیر؟

بسمه تعالی، با نظر قیّم شرعی و مراعات مصلحت صغیر مانع ندارد.

از درگاه خدای تبارک و تعالی، طول عمر آن رهبر عظیم الشان اسلام و مسلمین، و پیروزی ملت

شهادت طلب کشور اسلامی ایران را خواستار است.

محضر مبارك حضرت آيت الله العظمى الامام خمينى، دام عزة العالی

پس از ابلاغ سلام، مردی است که فوت کرده و اولاد ندارد و وارث او عبارتند از خواهرزادگان و زن؛ آیا بعد از گذشت هفت سال، زن میت از اجاره ماترك، مانند مغازه حقی دارد؟ یعنی می تواند از اجاره مغازه میت استفاده و تصرف نماید یا نه؟

بسمه تعالی، زوجه از چیزهایی که از عین آن ارث نمی برد از مال الاجاره اجاره هایی که بعد از موت موّث داده می شود ارث نمی برد؛ ولی از مال الاجاره اجاره ای که خود موّث انجام داده ارث می برد.

قم، دفتر امام، احتراماً؛ بدین وسیله به اطلاع آن فقیه عالی قدر می رسانم:

پدر مرحوم این جانب در زمان حیاتش، دو همسر اختیار می کند و از هر کدام، دو اولاد - يك پسر و يك دختر - از خود به جا می گذارد؛ در حال حاضر از چهار اولاد، تنها فقط این جانب حیات دارم و بقیه فوت شده اند؛ البته برادر ناتنی من که فردی ناقص العقل بوده، در زمان حیاتش با دختری ازدواج می کند و چون از نظر روانی، وضع نامتعادلی داشته نتوانسته است همسر خود را تصاحب کند و مدت کوتاهی با همین وضع با هم زندگی می کنند، تا این که برادر ناتنی من فوت می کند و همسرش که دختر، باقی مانده بود، مجدداً با مردی دیگر ازدواج می کند و هنوز هم در قید حیات می باشد.

غرض از بازگو کردن این مسائل این است که پدر مرحوم این جانب، ملکی داشته که به نام خودش ثبت گردیده است و من هم به اتفاق مادرم پس از فوت پدرم مدت سی سال است که از روستایمان به تهران آمده ام و تا کنون هیچ گونه استفاده ای از آن ملك ننموده ام؛ لذا با توجه به مراتب فوق، از حضور آن فقیه عالی قدر تقاضا دارم

مشخص نمایید که این ملک، از نظر ارث به من تعلق می گیرد یا به عروسی که به خانه شوهر دوم رفته است و در حال حاضر در قید حیات است و ملک مربوطه را هم تصاحب کرده و از آن استفاده می کند.

بسمه تعالی، ترکه میت به اولادش می رسد و فرزند نامبرده اگر در زمان فوت پدر حیات داشته، جزو ورثه است و پس از فوت او ترکه اش به ورثه او می رسد؛ ولی زوجه او از سهم الارث او از زمین، ارث نمی برد.

[سؤال 11176] 6402

بسمه تعالی 1362 / 1 / 23

خواهشمندم به سؤال شرعی این جانب پاسخ فرمایید: این جانب به علت احساس مسئولیت در برابر فرزندان صغیر برادرم در مورد اموال پدرم که هفت سال پیش فوت کرده اند، سؤالی برایم مطرح شده است: پدر این جانب کارمند اداره سیلو بوده اند و دولت آپارتمانی به ایشان و سایر کارمندان واگذار کرده بود که در آن سکونت داشتیم و اجاره اندکی در سال می گرفت. چهار سال پیش، دولت تصمیم گرفت که این آپارتمان ها را به کارمندان ساکن آن، به یک پنجم قیمت واقعی در بازار، بفروشد. در آن زمان ما ازدواج کرده و از آن خانه رفته بودیم و خانم پدرم (مادرم در زمان حیات پدرم از او جدا شده بود) در آن خانه ساکن بودند. بنابراین خانه را دولت به اسم ایشان (خانم پدرم) نموده و به او فروختند ایشان هم از پولی که از مستمری که بعد از مرگ شوهر، دولت به عنوان حقوق بازنشستگی به او پرداخت می کردند، پول خانه را پرداخت.

حالا خانم پدرم می خواهد آن خانه را - که چندین برابر قیمت پیدا کرده - بفروشد و در جای دیگر خانه بخرد. آیا از پول این خانه چیزی به فرزندان می رسد یا نه؟ زیرا خانه به خاطر پدرم که کارمند آن اداره بود به خانمش فروخته شده است. در عین حال، ما بعد از مرگ پدرمان، تا کنون به زندگی او دست نزده ایم.

ص: 583

پدرم در زمان حیاتش خانه و باغی در یکی از دهات همدان - که وطن همسرشان است - خریده اند. اکنون آن باغ و خانه هم بدون استفاده مالی برای ما، آن جا افتاده است و اقوام خانم پدرم در آن خانه ساکن هستند و چون الآن مال صغیر در آن قرار گرفته است، آیا تعیین تکلیف آن خانه و باغ لازم است یا نه؟ و نماز خواندن ساکنین آن خانه، چه حکمی دارد؟ قبلاً از زحمات شما سپاسگزارم. و من الله التوفیق

بسمه تعالی، اگر خانه به خانم پدر شما فروخته شده و به او تملیک شده، ملک او است و دیگران در آن حقی ندارند و اگر به دیگران تملیک شده همگی حق دارند و چنانچه در این جهت اختلافی دارند، باید به مسئولین مربوطه مراجعه کنند.

[سؤال 11177] 7380

2. اگر تازه عروسی فوت کند باید جهیزیۀ آن را چه کنند؟ و آیا می شود آن ها را فروخت و با پول آن ان شاء الله با نابودی صدام به کربلا و یا مکه رفت؟

بسمه تعالی، هرچه که تا زمان حیات ملک او بوده جزو ترکۀ او محسوب می شود و به ورثه می رسد و اختیار با وارث است.

[سؤال 11178] 6403

بسمه تعالی 1362 / 1 / 17

حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، دامت برکاته، سلام علیکم

مردی برای همسرش طلاآلات خریده و کسان مرد نیز به عنوان هدیه، طلاآلات آورده اند؛ معلوم نیست که آن ها به زن تملیک شده یا نه. اکنون پس از فوت مرد، آیا طلاآلات، از ترکۀ مرد است یا مال زن؟

بسمه تعالی، آنچه را مرد به همسرش داده، اگر ثابت نشود که به زن بخشیده، جزء ترکۀ مرد محسوب است و آنچه را بستگان مرد به زن بخشیده اند، از ترکۀ مرد محسوب نمی شود.

ص: 584

بسمه تعالی

محضر مقدس حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، دامت تأییداته، با تقدیم سلام و عرض ادب، مستدعی است که در جواب این نامه که موضوع آن از این قرار است مرا روشن بفرمایید:

زنی که شوهرش فوت کرده و دو فرزند صغیر و پدر و مادرش، ورثه او می باشند، آیا هدایایی که از طرف بستگان زوجه، در زمان ازدواج برای زوجه آورده شده، متعلق به زوجه می باشد یا جزو اموال مشترك شوهر می باشد؟

بسمه تعالی، تا احراز نشود که به شوهر اهدا شده، از ترکه او محسوب نمی شود، و در صورتی که معلوم نیست به شوهر اهدا شده یا به زن احوط مصالحه است و اگر صغیر در بین باشد، باید مراعات مصلحت او هم بشود.

بسمه تعالی

محضر مبارک مرجع عالی قدر و رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران، حضرت آیت الله امام خمینی، دامت برکاته، به عرض آن رهبر کبیر می رساند چون مشکلی برای این جانب پیش آمده مرا راهنمایی فرمایید.

1. راجع به ارث بردن مرد از زن فرمودید که مرد نصف مال زن را به ارث می برد، آیا شوهر مهریه را باید نصف پردازد یا تمام؟

بسمه تعالی، مهریه از ترکه زن است و مرد از آن هم نصف می برد.

2. هدیه ای که از طرف فامیل زن آورده شده باید بین شوهر آن زن فوت شده و دیگر ورثه نصف شود یا خیر؟ چنانچه در روز عروسی مهمانانی که از طرف

عروس آمده اند خرج مهمانان فامیل عروس را پدر عروس داده در این مورد فتوا چیست؟

بسمه تعالی، از هدایایی که به زن داده شده شوهر ارث می برد.

[سؤال 11182]

3. اگر چنانچه شوهر این خانم پس از فوت زن نصف مهریه را ندهد و نصف جهیزیه را که اموال زن می باشد نگرفته باشد، در این صورت تکلیف هدیه ای که از طرف فامیل زن آورده شده چه می باشد؟ آیا باید هدیه نصف شود یا تماماً متعلق به وارث زن می باشد؟

بسمه تعالی، حکم همان است که ذکر شد.

[سؤال 11183]

4. طلا که پدر زن هدیه به دختر خود داده چه می شود؟

بسمه تعالی، ملك دختر است و با فوت دختر به وارثش می رسد.

[سؤال 11184]

5. طلا یا انگشتر یا ساعت که مرد در موقع عروسی برای زن خود خریداری کرده چه می شود؟ آیا متعلق به زن است یا خیر یا این که باید نصف شود یا متعلق به مرد می باشد؟

بسمه تعالی، اگر مذکورات را به زن بخشیده و تحویل او هم داده ملك زن است و با فوت او از ترکه اش محسوب می شود.

6. این خانم در موقع ازدواج از نظر مهریه مستطیع بوده، ولی شوهر مهریه او را ندارد یا نداشته بدهد. وقتی زن فوت نمود از نظر حج تکلیف چیست؟ در صورتی که اموال زن اعم از جهیزیه و مهریه بین وارث تقسیم می شود، تکلیف حج او چه می باشد؟ این زن حج بر عهده او می باشد یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر نمی توانسته مهریه را بگیرد یا شوهر فقیر بوده که زن حق مطالبه نداشته مستطیع نبوده است و حج بر او واجب نشده است.

ص: 586

بسمه تعالی

حضور محترم رهبر انقلاب اسلامی ایران، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، دام ظلّه العالی، پس از ابلاغ سلام، معروض می دارد که:

شخصی خواهر این جانب را عقد نمود و دختر پس از هشت ماه قبل از عمل دخول فوت نمود. او مبلغ 45/000 ریال پول نقد بابت شیربها و یک انگشتر طلا- و یک الله طلا و یک ساعت و ستندواج و یک چمدان لباس و غیره و پنج کیلو پشم داده و حالا ادعا نموده که اشیای مذکوره از این جانب است و علاوه بر آن، ادعای ارث بردن از پدر دختر را هم دارد؛ یعنی می گوید: نصف سهمیه ارث دختر به من که شوهرش هستم می رسد. پدر دختر هنوز زنده است و به دختر هم هنوز چیزی نداده. آیا از نظر شرعی حق دارد یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر اشیای مذکوره را به دختر تملیک نموده، حق مطالبه ندارد؛ لکن از مجموع ترکه، سهم الارث خود را حق دارد؛ و در خصوص شیربها تفصیلی است که در رساله مذکور است.

بسمه تعالی دهم صفر المظفر 1403 ق

ریاست محترم دفتر امام امت، حضرت آیت الله العظمی خمینی، محترماً استدعا دارد فتوای مشروح امام امت را در مورد مسائل زیر اعلام فرمایید.

1. در اسلام، زن بعد از فوت شوهر، با داشتن طفل و در صورت نداشتن بچه، چگونه از دارایی شوهر ارث می برد؟

بسمه تعالی، اگر متوفی اولاد ندارد، سهم ارث زن یک چهارم مال است و اگر اولاد دارد، سهم زن یک هشتم است، و زن از زمین اصلاً ارث نمی برد و از اموال غیر منقول، از قیمت آن ارث می برد نه از عین آن.

ص: 587

2. آیا قبل فوت شوهر راه شرعی و اسلامی وجود دارد که بتوان زن را از آن ارث محروم و ساقط نمود؟

بسمه تعالی، محروم کردن از حق بردن ارث شرعاً صحیح نیست.

[سؤال 11187] 6408

بسمه تعالی 1361 / 3 / 30

پس از عرض سلام به امام امت، موارد زیر استفتا می گردد.

1. شخصی فوت نموده و از وی دو فرزند به جا مانده که از عیال اولش می باشند و عیال دوم متوفی در قید حیات می باشد. آیا سهم الارث همسر متوفی، ثمن است یا ربع؟ با توجه به این که فرزندان متوفی کبیر می باشند.

بسمه تعالی، در فرض سؤال، زوجه ثمن می برد.

2. سهم الارث همسر متوفی که از هوایی ارث می برد را چگونه محاسبه نماییم؟ ماترك متوفی، يك باب خانه دو اطاقه بوده که به مبلغ چهارصد و سی هزار تومان به فروش رفته؛ چگونه ارزش زمین را که 72 متر مربع عرصه و اعیانی آن می باشد قیمت گذاری نماییم؟ آیا زمین را به قیمت روز و یا به قیمت دولتی حساب نماییم؟ توضیح این که در خانه هایی که الآن به فروش می رود او سهیم می باشد؟

بسمه تعالی، زن از قیمت ساختمان ارث می برد و میزان، قیمت عادلۀ روز است و طریق تعیین، جدا کردن قیمت زمین از قیمت مجموع زمین و ساختمان است.

3. آیا به ماترك متوفی خمس و زکات تعلق می گیرد یا خیر؟ با توجه به این که مبلغ نقدی به جا مانده، 12 هزار تومان بوده است. و به این خانه باقی مانده از وی خمس و زکات تعلق می گیرد یا خیر؟

بسمه تعالی، خانه خمس ندارد و موجودی نقدی اگر از درآمد کسب بوده خمس دارد

4. آیا موصی می تواند از سهم ثلث، بیشتر وصیت نماید؟ چون وصیت کرده 20 سال نماز و روزه برای وی خریداری شود، اما ثلث وی کفاف نمی دهد.

بسمه تعالی، در زاید بر ثلث، موقوف بر اجازه ورثه است.

[سؤال 11188] 6409

بسمه تعالی

محضر مبارك رهبر بزرگ انقلاب، امام خمینی، دامت برکاته

متمنی است از آن مقام بزرگوار راجع به طلاهایی که شوهری برای زنش خریده

است و زن استعمال می کرده که دفعته شوهر فوت نموده است. آیا این طلاها جزو ارث حساب می شود یا ملك زوجه است؟ لطفاً فتوای خود را در این مورد بفرمایید.

بسمه تعالی، اگر امارات و علایمی نیست که به زن بخشیده؛ از ترکه میت است و به ارث می رسد.

[سؤال 11189] 6410

بسمه تعالی 1362/2/7

محضر مقدس حجت الاسلام والمسلمین امام خمینی، دام عزّه العالی

پس از عرض سلام؛ شخصی داماد می شود که شغل او، نقاش ساختمان بوده است و رسومات عروسی را به جا می آورد و در عرض چند سال 43 مثقال طلا، برای همسرش خریداری می کند و در ضمن، مادر او روزی به او می گوید: مگر پول تو اضافه شده که طلا خریداری می کنی؟ وی در جواب می گوید: حالا دل همسرم خوش باشد، بعداً طلاها را می فروشم و زمین خریده و خانه می سازم؛ ولی عمر او کفاف نمی کند و در اثر تصادف فوت می کند. ثمره این ازدواج، سه فرزند می باشد - دو دختر و یک پسر - که هر سه، صغیر می باشند و فعلاً پدر بزرگ بچه ها، قیّم آن ها است. از محضر مقدس جناب عالی خواهشمندم برای روشن شدن وضع این طلاها که آیا مال فرزندان مرحوم می باشد و یا مال همسر مرحوم، عنایت فرموده، کتباً جواب را در ذیل ورقه مرقوم فرمایید.

بسمه تعالی، اگر معلوم نیست که طلاها را به همسر خود بخشیده، همه ورثه در آن، سهم الارث خود را حق دارند.

[سؤال 11190] 6469

2. دکان به صورت سرقفلی باشد وراث چه حقی دارند؟ و آیا زن (همسر) از سرقفلی سهمی دارد یا نه؟

بسمه تعالی، چنانچه متوفی شرعاً حق سرقفلی داشته، به ارث می رسد و زن هم از حق سرقفلی ارث می برد.

ص: 589

موضوع این که شخصی از جهاد سازندگی شهید شده و در وصیت نامه خود برادر کوچک تر خود را وکیل قرار داده و چند مورد اشکال در زندگی ایشان به وجود آمده و ایشان دارای عیال می باشد و فرزند ندارد؛ فقط عیال ایشان فعلاً باردار است.

1. طلایی که در موقع خواستگاری، داماد برای زنش آورده تکلیفش چیست؟

بسمه تعالی، آنچه به زن تملیک شده ملك زن است و جزو ترکه محسوب نیست.

[سؤال 11192]

2. لباس هایی که داماد برای زنش آورده (مقداری را در موقع حیات پوشیده و مقداری را دست نزده) همچنین متقابلاً لباس هایی که از طرف عروس به داماد داده شده تکلیفش چیست؟

بسمه تعالی، آنچه به داماد تملیک شده ملك او شمرده می شود و جزو ترکه او محسوب است.

3. بعد از زایمان، همسرش می تواند برای همیشه اولاد شهید را پیش خود نگهدارد یا نه؟

بسمه تعالی، حق حضانت فرزند بی پدر تا زمان بلوغ با مادر است.

4. آیا بعد از زایمان اگر نخواهد می تواند بچه شهید را همان موقع تحویل وکیل بچه بدهد یا نه؟

بسمه تعالی، می تواند پرستاری فرزند را به اولیای شرعی او واگذار کند.

5. در صورتی که هنوز همسرش زایمان نکرده، می توانند مال او را تقسیم کنند یا نه؟

بسمه تعالی، تقسیم مال مانع ندارد؛ ولی برای حمل باید سهم الارث دو پسر را کنار بگذارند تا بعد از وضع حمل تکلیف آن روشن شود.

6. آیا به مادر شهید در صورت بچه داشتن شهید، ارث می رسد یا نه؟

بسمه تعالی، مادر شهید از ترکه او در فرض سؤال، يك ششم می برد.

7. آیا غیر از قبالة، همسرش ارث دیگری هم می برد یا نه؟

بسمه تعالی، مهریه جزو بدهی است و از اصل ترکه برداشته می شود و زن از بقیه ترکه به نحوی که در رساله ذکر شده ارث می برد.

8. آیا وکیل شهید می تواند همسر شهید را اجبار کند با تهدید به این که باید دو سال بچه را شیر بدهد؟

بسمه تعالی، حق اجبار ندارد.

9. طلائی که از طرف همسر شهید به شهید داده شده (طلای سفید) چه حکمی دارد؟

بسمه تعالی، اگر به شوهر تملیک شده به ورثه شوهر می رسد.

10. آیا می شود همسر خود شهید، وکیل قیم مال و بچه خود شود؛ در صورتی که برادر خود شهید وکیل می باشد؟

بسمه تعالی، قیم صغیر، جد پدری او و وصی پدر است و مادر اگر وصی نباشد، مانع ندارد نایب ولی شرعی در رسیدگی به امور صغیر گردد.

2. آینه عروس و تشك و لحاف عروسی به چه کسی تعلق دارند؟ به همسر شهید یا مادر شهید؟ من که سؤال کرده ام و می گویند: این ها جزو نقدینه مهریه حساب می شوند. باز هم از شما سپاس گزارم، اگر پاسخم را بدهید.

بسمه تعالی، اگر جزء مهر نیست و به زن بخشیده نشده؛ جزء ترکه شهید محسوب است.

3. در مورد لباس های شهید، آیا من حق دارم از آن ها مقداری بردارم یا خیر و آیا حتی لباس های شهید جزو اموال محسوب می شوند یا این که آن ها را نباید به حساب بیاوریم؟

بسمه تعالی، لباس های شهید، مثل بقیه اموال او جزء ترکه او می باشد.

2. آیا قبل فوت شوهر راه شرعی و اسلامی وجود دارد که بتوان زن را از آن ارث محروم و ساقط نمود؟

بسمه تعالی، محروم کردن از حق بردن ارث شرعاً صحیح نیست.

بسمه تعالی

با درود به رهبر کبیر انقلاب و شهیدان و رزمندگان دلیر اسلام و رهبر عظیم الشان حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، دامت برکاته با عرض سلام، لطفاً مرقوم بفرمایید: اگر مردی بمیرد و اولاد نداشته باشد، طلا و جواهراتی که مرد در زمان حیاتش برای زنش خریده و همچنین پدر و مادر و اقوام مرد خریده اند که زن از آن ها استفاده می کند و اکنون اظهار می دارند که آن ها را برای پسرشان خریده اند، سهم زن از آن ها چگونه است؟

بسمه تعالی، اگر تملیک به زن ثابت نیست، زن بیش از سهم الارث خود از آن ها حق ندارد.

بسمه تعالی

محضر مبارک رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

چون شخصی در اثر فعالیت در امر کشاورزی و تصادف با میل گاردان موتور آب، جان خود را از دست داده و تا کنون وصیتی از نامبرده به دست نیامده. از او تعداد دوازده فرزند و دو زن به جا مانده که از فرزندان او سه دختر کبیره و بقیه صغیر می باشند که شش دختر و سه پسر کوچک می باشد.

از ماترك فقط يك باب خانه مسكونی باقیمانده و يك هزار متر باغ انگور و يك

هزار متر زمین کشاورزی که کلاً دو فقره آن ها حدوداً پنجاه هزار تومان ارزش دارند و دو فقره باغ و زمین مهریه معصومه می باشد که دارای نه فرزند است و مهریه زن دوم به نام فاطمه مبلغ بیست هزار تومان می باشد. حدوداً مبلغ پنجاه هزار تومان به اشخاص متفرقه بدهکار است که قیمت خانه مسکونی که در آن زندگی می کنند حدوداً مبلغ یک صد و بیست هزار تومان ارزش دارد. حالیه وظیفه ما برادران شخصی مرحوم، با قروض میت و وراث آن چیست؟ مستدعی است مسأله را بیان فرمایید.

بسمه تعالی، بدهی میت و از آن جمله مهریه زن از اصل ترکه ولو با فروش خانه، باید پرداخت شود و باقیمانده، هرچه باشد به ورثه می رسد.

[سؤال 11200] 6414

بسمه تعالی 1361 / 9 / 27

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، پس از ارائه سلام و ارادت بندگی خدمت آن والا مقام بزرگ و رهبر عظیم الشان، امیدوارم خداوند تبارك و تعالی شما را در پناه حضرت ولی عصر محفوظ و مصون نماید. بعد از ارادت بندگی به عرض این جانب توجه فرمایید.

پسرم مدت يك سال و سه ماه بود که ازدواج کرده و در تاریخ 1 / 1 / 1361 در حمله فتح المبین به درجه رفیع شهادت نائل گشته است. آیا صداقیه زوجه نامبرده بر عهده من که پدر شهید می باشم، هست یا خیر؟ از محضر آن بزرگوار خواهشمندم که در مورد این موضوع ما را راهنمایی فرمایند. والسلام

بسمه تعالی، صدق زوجه باید از ترکه شهید تأدیه شود.

[سؤال 11201] 6415

بسمه تعالی

دفتر حضرت مستطاب، حجت الاسلام، سید العلماء والمجتهدین، آیت الله العظمی امام خمینی، سلمه الله تعالی

ص: 593

1. شخصی می خواست ماشین بگیرد، اما کسری پول داشته؛ عیالش طلائی که از خانه پدر آورده بود، به شوهرش داده و او ماشین خریده، سپس آن ماشین را فروخته و ماشین دیگری خریده؛ پس از مدتی در اثر تصادف مرد، بلا وصیت فوت کرده؛ زن، پول طلا را از اموال می تواند برداشت نماید یا نه؟

بسمه تعالی، اگر به شوهرش پول را تملیک کرده، حق ندارد از ترکه برداشت نماید؛ مگر آن که قرض داده باشد، که در این صورت باید اول، قرض و دین میت ادا شود و سپس آنچه باقی ماند، به ارث می رسد.

[سؤال 11202]

2. همان مرد، بعد از چندی متمول گشته و مقداری طلا خریده و به عیالش داده است؛ پس از فوت شخص بلاوصیت، زن اظهار می دارد که طلا را به من بخشیده است؛ آیا از اموال میت حساب می شود یا بخشودگی؟

بسمه تعالی، باید شرعاً ثابت شود که طلا را به زن بخشیده است و الا از ترکه، محسوب است.

[سؤال 11203]

3. زن از هوای بنا، هشت يك می برد؛ بنای منزل، سه طبقه است؛ آیا چهار دیوار و سقف باید قیمت شود و چه نحوه باید قیمت شود در حالی که چیزهای دیگر هم جزو منزل است، مثل تلفن و چیزهای دیگر؟ چون منزل سه طبقه است، اگر تمام دیوار و سقف باید قیمت شود، مرقوم فرمایید، که مورد حاجت است.

بسمه تعالی، زن از ساختمان - اعم از دیوار و سقف و غیر آن - از قیمت ارث می برد و از تلفن، از خودش می برد.

[سؤال 11204] 6416

بسمه تعالی 5 / 5 / 1361

محضر مبارك رهبر عظیم الشان انقلاب و مرجع عالی قدر، حضرت آیت الله

ص: 594

العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی، با عرض سلام و دست بوسی

1. شخصی فوت شده. او مقداری طلا برای همسر خود خریده و به ایشان داده است - همان طور که مرسوم است - حال این طلا متعلق به همسر او است یا جزء ترکه است و باید بین ورثه تقسیم گردد؟

بسمه تعالی، اگر محرز نیست که طلا را به زوجه خود تملیک کرده، از ترکه او محسوب است و به همه ورثه می رسد.

[سؤال 11205]

2. شخصی فوت شده و مقداری بدهکار است. آیا دین او باید از اموال منقول او پرداخت شود یا باید به نسبت بدهی او از اموال منقول و زمین که زوجه از آن ارث نمی برد حساب کرد و پرداخت نمود؟

بسمه تعالی، دین میت از اصل ترکه خارج می شود و فرقی بین زمین و غیر آن در این جهت نیست.

ارث افراد بدون وارث

[سؤال 11206] 6417

بسمه تعالی

شخص ناشناسی در کنار خیابان به دست فروشی اشتغال داشته و فوت کرده و وارث مشخصی هم ندارد، و معلوم نیست اهل چه منطقه ای است. نظر مبارك در مورد اسباب و اثاثیه شخص فوت شده چیست؟

ادام الله ظلکم علی رؤوس المسلمین

بسمه تعالی، باید از وارث تحقیق شود، اگر وارث او معلوم نشد (و یأس از پیدا شدن او حاصل شود) با اجازه حاکم شرع از طرف وارث به فقیر صدقه بدهند.

ص: 595

حضور مبارك مرجع عالی قدر، آیت الله العظمی آقای امام خمینی

با نهایت احترام؛ به عرض عالی می‌رساند: شخصی اهل مشهد که سال‌های متمادی در تهران اقامت و مشغول کار بوده و بستگان و خویشاوندی هم نداشته، چند سال قبل مبلغ پنج هزار تومان نزد این جانب امانت داشته. بنا بر اطلاع واصله، در اثر تصادف با اتومبیل در سال قبل درگذشته و پس از تحقیقات کامل، به هیچ عنوان وراثت قانونی ندارد. دستور فرمایید مبلغ نامبرده به نیابت متوفی رد مظالم داده شود، یا به هر طریق که رهبر دستور فرمایند انجام پذیرد؟

بسمه تعالی، اگر یقین دارید که وارث شرعی ندارد، به حساب شماره هزار مؤسسه تعاون اسلامی قم حواله نمایید.

دفتر مبارك شورای استفتای حضرت آیت الله العظمی، نایب الامام، امام خمینی، متّع الله تعالی المسلمین بطول بقائه الشریف، با نهایت احترام و سلام و درود بر شهدا و سلام بر امام امت؛ مستدعی است جواب مسائل ذیل ورقه را واضح مرقوم فرمایند:

شخصی خانه ای را فروخته به مبلغ معین و مقداری از پول آن را دریافت داشته. سپس متوجه گردیده که خانه را تماماً مالک نبوده؛ چون صاحب اولی، مردی بوده که دارای عیال دائم بوده و اولادی و حتی خویشی نداشته اند، مرد و زن هر دو فوت شدند و از زن، فقط خواهری باقی مانده و دیگر کسی را نداشتند. آن گاه يك چهارم اعیانی پس از روشن شدن حقوق زن به خواهر او رسیده که فروشنده ملك مذکور همان يك چهارم اعیانی خود را به خریدار واگذار نموده و مابقی این ملك را دولت جمهوری اسلامی اظهار داشته: چنانچه پس از ده سال ورثه ای پیدا نشد، این ملك به دولت

می رسد که ورثه ای نداشته و دولت جمهوری اسلامی از قیمت تعیین شده اولیه هم که به وسیله کارشناسان تعیین گردیده بود مبلغ صد هزار تومان هم اضافه به نام ورثه ای که دولت است، از خریدار دریافت داشته اند. خریدار هم چون مقلد امام بوده و بنا بر گفته امام - که دولت، جمهوری اسلامی است - تماماً وجه بقیه خانه مذکور را به دولت پرداخته (که متجاوز از پانصد - شش صد هزار تومان است) و دولت جمهوری اسلامی اجازه تصرف به خریدار داده است که تماماً ملک مال خریدار گردد.

حال بفرمایید: با مجوز شفاهی که قبلاً از یکی از علمای فعلی که نماینده تام الاختیار امام می باشند، گرفته شده، خانه مذکور تصرفاتش بر خریدار مباح می باشد از نظر شرع مقدس؟

بسمه تعالی، در فرض مرقوم، مجازید در تصرفات.

[سؤال 11209] 6420

بسمه تعالی 1361 / 12 / 1

اگر کسی بمیرد و ارث زیادی هم داشته باشد و وارثی نداشته باشد، آن ارث را هم از راه ناصواب به دست آورده باشد؛ تکلیف ارث او چیست؟ عده ای از آشنایان او هم می خواهند مال آن بدبخت را ببرند.

بسمه تعالی، ارث کسی که وارث ندارد مربوط به حاکم شرع است.

[سؤال 11210] 6421

بسمه تعالی

دست فروشی چند سال در کنار خیابان مشغول به کار بوده است و بعد از چند سال که در آن جا مانده، کسی را نداشته و یگه و تنها فوت کرده است. قدری مال و دارایی دارد. نمی دانیم چه کنیم؟

بسمه تعالی، اگر مایوس از پیدا شدن وارثی برای او باشند، باید مال را به حاکم شرع بدهند و اگر مایوس نیستند، باید از وارث فحوص کنند.

ص: 597

بسمه تعالی

دفتر امام امت، رهبر کبیر انقلاب اسلامی و امید مستضعفان جهان، سلام علیکم، با سلام بر امام امت و درود بر شهدای گلگون کفن جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و امت رزمنده و همیشه در صحنه ایران اسلامی.

آقای که از شیعیان ایران مقیم هند می باشند، طی نامه ای که جهت اداره روابط عمومی و علمی و بین المللی دانشگاه اصفهان ارسال داشته اند، عنوان کرده اند که سال های متمادی است در هندوستان مغازه ای به اجاره ایشان بوده و اخیراً صاحب مغازه که فردی زرتشتی و ایرانی الاصل می باشد فوت نموده و ورثه ای از خود به جای نگذاشته است؛ با توجه به این که در هندوستان انجمن زرتشتیان وجود دارد، آیا ایشان شرعاً و قانوناً می توانند اجاره خود را به انجمن مذکور یا انجمن های مشابه پرداخت نمایند؟ در غیر این صورت، تکلیف ایشان چیست؟

خواهشمند است موضوع را استفتا فرموده، دستور فرمایید نتیجه را به این اداره اطلاع دهند تا پاسخ ایشان داده شود.

بسمه تعالی، در فرض تحقیق و نبود وارث شرعی امر مغازه مربوط به امام و نایب او است و باید فعلاً مال الاجاره عادلانه آن را به حاکم شرع بپردازد.

ارث افراد مفقود الاثر

بسمه تعالی

محضر مبارك آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

شخصی به دست عمال جنایت کار روسی دستگیر شده است. تا الآن که مدت سه سال می گذرد، از نامبرده هیچ گونه اطلاع در دست نیست؛ مقداری زمین مزروعی و

ص: 598

اموال دیگر او بلا تکلیف است؛ وارث او هم يك پسر دایی و يك نوه عمو می باشد. خواهشمندیم حکم شرعی این مسأله را بیان فرمایید.

بسمه تعالی، تا فوت نامبرده محرز نشود، ورثه حق ندارند در اموال او تصرف کنند؛ اموال او باید زیر نظر حاکم شرع یا نماینده مجاز او حفظ شود.

[سؤال 11213] 6424

بسمه تعالی 1361 / 8 / 16

محضر مبارك زعيم عالی قدر اسلام و فقيه العصر، حضرت آيت الله العظمی، الامام الخمينی، مدّ ظلّه العالی، معروض می دارد:

1. شخصی، در حال حیات پدر، مفقود الاثر می شود، تا این که پدرش فوت می گردد. و تا کنون که این عریضه به محضر مبارك تقدیم می شود، تحقیقاً معلوم نیست که زنده است یا مرده؛ ولی بعضی از مردم می گویند که او زنده است و صاحب عائله می باشد، و جماعت دیگر می گویند که در حال حیات پدرش، فوت شده است. ارثی که از پدر باقیمانده بود، وراثت در بین خودشان تقسیم کرده اند و سهمی برای شخص مفقود الاثر نگذاشته اند. آیا از نظر اسلام او سهمی دارد یا خیر؟ و اگر سهمی داشته باشد، جهت نگهداری، باید در تصرف چه کسی باشد؟ و این آقایی که مفقود الاثر است، بعد از پدر، مادر، و برادر و خواهر پدر و مادری، و يك برادر و يك خواهر پدری دارد. تکلیف این ها چیست؟ لطف نمایند تکلیفی برایشان معلوم فرمایند.

بسمه تعالی، تا به وجه شرعی، فوت شخص مفقود الاثر محرز نشود، تصرف در اموال او جایز نیست، و تقسیم مال مشترك در حصه شخص غایب، موکول به نظر حاکم شرع است.

2. زنی بعد از فوت شوهر، ورثه مهریه او را نداده اند و این زن شاید قریب پنجاه سال یا بیشتر است که ازدواج نموده است. و ادعا می کند که پول مهریه من سی تومان نقره بوده است و الآن ورقه عقد و یا

ص: 599

شهودی ندارد، مگر آن که تحقیقاً دانسته می شود که آن زمان این پول های امروزی نبوده و منحصر به نقره بوده است. دعوی این ها به چه صورت می باشد؟

بسمه تعالی، تا اصل حق و مقدار آن محرز نشود، چیزی بر ورثه نیست.

[سؤال 11214] 6425

بسمه تعالی

محضر مبارك جناب آیت الله العظمی، الامام المجاهد، الخمينی، دام ظلله العالی

1. زید چند اولاد دارد: یکی از اولاد زید به نام عمرو در حال حیات زید مفقود الخبر شد؛ بعد از چند سال زید فوت شد؛ بعد از فوت زید هم تا مدت زیادی - مثلاً هشت سال یا بیشتر - خبری از حیات و ممات عمرو نشد؛ افواه مردم هم بر این شد که عمرو فوت کرده و این افواه در حال حیات زید و بعد از فوت زید بوده و بر طبق موازین شرعیه بر موت عمرو دلالت ندارد؛ فقط این مطلب هست که عمرو از زمان حیات زید تا بعد از موت زید مفقود الخبر است. در این صورت، آیا عمرو مفقود الخبر از زید ارث می برد یا خیر؟ حکم الله را بیان فرمایید.

بسمه تعالی، اگر یقین به موت او نباشد، باید ارث او را کنار بگذارند.

2. در رادیو به عنوان تواسیح، مدح ائمه طاهرين عليهم السلام یا واقعه کربلا- را با وزن و ساز و طرب و با لحن خوب می خوانند. آیا استماعش جایز است یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر غنا و موسیقی نباشد مانع ندارد.

3. زید زوجه خود را طلاق داده به شرط این که با هیچ کس ازدواج نکند. آیا این شرط، جایز است؟ و آیا طلاق صحیح است یا باطل؟ حکم الله را بیان فرمایید.

بسمه تعالی، طلاق، صحیح و شرط، باطل است و اگر تعلیق در طلاق باشد، طلاق باطل است.

4. شخصی در سال وفات قدری دماغش غیر متوازن بود مثلاً گاهی حرف های بیهوده می زد، گاهی حرف ها چند مرتبه تکرار می کرد، اگر با وجود این که به اموالش نقصان نرسانید اگر می گفت فلان زمین را می فروشم یا این که می گفت من برای فلان چیز فلان زمین را می دهم و این بی مربوط بوده، آیا حکم جنون دارد یا خیر؟

بسمه تعالی، تشخیص جنون با عرف است.

ص: 600

يك نفر پسر و يك نفر دختر مدت چهل سال يا بيشتر به اسارت برده شده اند و اين دو نفر در آن موقع يك عمو، سه عمه و يك جدۀ پدری - كه پس از يك سال، جدۀ فوت کرده - و سه نفر دایی و اموال منقول و غير منقول دارا بوده و تا كنون دارایی آن ها به اختيار عمو بوده و پس از فوت عمو، پسر او تصرف و تملك نموده؛ تكليف شرعی اين اموال را كتباً مرقوم فرمايند؛ چون نامبردگان تا كنون فاقدالاثر می باشند و از حیات و ممات آن ها اثری نيست. بينوا اجرکم علی الله

خداوند متعال وجود با برکت کلیۀ علمای اعلام و حجج اسلام، بالاخص حضرت نایب الامام، امام خمینی را بر همه ما مستدام بدارد. با تقدیم احترام

بسمه تعالی، تا یقین به مردن آن ها پیدا نشده اموال آن ها محکوم به ملکیت برای خود آن ها است و باید برای آن ها حفظ کنند و تصدّی آن با حاکم شرع است و اگر یقین به مردن آن ها پیدا کنند اموال، متعلّق به ورثۀ حال مردن آن ها است؛ علی ما فرض الله.

حضرت مستطاب آیت الله العظمی امام خمینی، ادام الله ظلّه علی رؤوس المسلمین، لطفاً مسأله زیر را پاسخ فرمایید.

جوانی مجنون در سن 25 سالگی، در تاریخ 1 / 2 / 1355 شمسی مفقود الاثر شده و در آن وقت دارای پدر و مادر و زن بوده و فرزندى نداشته و پدرش در حدود سه ماه بعد از فقدان پسر، یعنی در تاریخ 12/5/1355 شمسی فوت کرده است و آن جوان، تا به حال پیدا نشده و مفقودالاثر است. لطفاً بفرمایید:

1. از چه زمانی فقدان آن جوان مجنون، در حکم فوت او است؟

2. آیا پدرش که حدود سه ماه بعد از فقدان پسر فوت نموده، وارث پسر مجنونش می شود یا پسر مجنون وارث پدر می گردد؟

بسمه تعالی، تا یقین به مردن او پیدا نکرده اند، حکم به زنده بودن او می شود و در فرض سؤال، پدر، وارث پسر نیست مگر این که یقین کنند پسر، قبل از پدر فوت کرده است؛ بلکه پسر از پدر ارث می برد.

[سؤال 11217] 6428

بسمه تعالی بیست و دوم رجب 1403 ق

محضر مبارك حضرت مستطاب آیت الله العظمی امام خمینی، روحی له الفداء، به عرض می رساند:

چهار دستگاه ساختمان منزل، متعلق به آقایی که اوایل انقلاب ایشان را در منطقه زیارت کردم وجود دارد، ولی تا این ساعت اثری از ایشان نیست و طبق تحقیقی که شده است، در حادثه هواپیما مرحوم و بازمانده ای هم ندارد. ما تا کنون طبق وظیفه منازل را نگهداری نموده ایم.

لطفاً تکلیف منازل را روشن فرمایید.

بسمه تعالی، تا یقین به فوت او نباشد، باید برای او حفظ شود؛ و اگر فوت او معلوم است و وارثی به غیر از امام ندارد، ترکه او مربوط به حاکم شرع است.

میراث خنثی

[سؤال 11218] 6321

2. کسی که خنثی است یعنی نه مرد است نه زن این از میراث حق پسر یا دختر می برد؟ شما بیان فرمایید.

بسمه تعالی، نصف مجموع سهم يك دختر و يك پسر را می برد.

ص: 602

[سؤال 11219] 6429

بسمه تعالی

حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، دامت برکاته، احتراماً؛ به عرض عالی می رسانم:

من مادر یکی از خلبانان شهید هستم. شوهر و یک فرزندم در سال 1349 در تصادف رانندگی جان خود را از دست دادند. به گفته راننده تریلر آن دو در یک لحظه از بین رفتند. ما نزد آیت الله مرعشی نجفی و آیت الله خویی رفتیم، ایشان فرمودند:

ارث فرزند به مادر می رسد. نامه و مدرک را به بنیاد شهید بردیم، فرمودند: آیت الله العظمی امام خمینی باید نامه را تأیید کند. لطفاً نظر خود را کتباً ارسال نمایید تا تکلیف ما هم روشن گردد. به امید پیروزی حق علیه باطل

بسمه تعالی، اگر ثابت است شرعاً که هر دو در یک لحظه مرده اند ارث فرزند با نداشتن زن و فرزند به مادر می رسد و اگر ثابت نیست تفصیلی دارد که در رساله مذکور است.

[سؤال 11220] 6430

بسمه تعالی

عروس و داماد و بچه ایشان در یک حادثه به قتل رسیده اند، از آن مرحومین مقداری ااث منقول و غیر منقول مانده است. وراث عبارتند از پدر داماد و مادر عروس که وارث قانونی و درجه یک این دو نفر هستند (با توجه به مسائلی از قبیل این که داماد با کمک مالی زنش درس خوانده، و تعهد محضری داده مبنی بر این که ... سیصد تومان به مادر زنش بپردازد و به تعهد خودش عمل نکرده) سؤال این است که آیا طبق اصول شرع اسلام از این ما ترك چیزی به عنوان مهریه و یک هشتم ما ترك و

ص: 603

غیره به مادر عروس می رسد؟

بسمه تعالی، از مهریه و جهیزیه و سایر مایملک دختر که از جمله آن ارثی است که از شوهر (در فرض معلوم نبودن تقدیم و تأخیر مرگ زن و شوهر) برده مادر دختر به مقدار سدس ارث می برد؛ و تفصیل ارث در این قبیل موارد در رساله مذکور است.

[سؤال 11221] 6431

بسمه تعالی 1361 / 12 / 23

محضر مبارك حضرت آیت الله پسندیده متع الله المسلمین بطول بقائه

پس از عرض سلام امیدواریم که خداوند وجود مبارك شما و کلیه علمای اسلام را بر سر کافه مسلمین مستدام بدارد.

شخصی با پسرش که تقریباً 12 سال سن داشته، از دهی حرکت می کند برای وطن خودشان البته يك مال و چراغ قوه ای هم داشته، وسط راه برف و باد و سرما آن ها را از بین می برد. موقعی که شخصی از وطن آن ها آمد و رفتند سراغ پسر، تقریباً 100 متر یا 400 متر بالاتر دیدند پسر يك زیراندازی زیر تنه او هست و يك بالاپوش مختصری روی او و مرده است، کسی نمی داند پسر زودتر مرده است یا پدر، البته مادر این بچه 12 ساله دو نفر اولاد صغیر دارد و پدرش از زوجه دیگرش چهار اولاد کبیر دارد، آیا این پسر فوت شده ارث می برد از پدر یا خیر؟ تقاضا داریم حکم الله را بیان فرمایید ذیل ورقه که محل حاجت است.

بسمه تعالی، در فرض مرقوم باید فرض کنند که پسر در زمان فوت پدر زنده بوده و از ترکه پدر سهم الارث او را برایش مقرر دارند و این سهم الارث را در فرض مرقوم به مادرش بدهند و اگر پسر دارای مال شخصی بوده باید دوباره فرض کنند که پدر در زمان فوت پسر زنده بوده و سهم الارث پدر از ترکه پسر را به سایر ورثه پدر بدهند.

ص: 604

حضرت آیت الله العظمی الامام آقای خمینی مدّ ظلّه العالی، روحی فداه

خواهشمند است درباره ارث چند نفر که در يك اتومبیل سواری در يك تصادف جان خود را از دست داده اند و وقتی که اولین گروه به آن ها رسیده، هیچ کدام زنده نبوده اند و معلوم نیست که کدام يك زودتر فوت نموده اند توضیح بفرمایید، این افراد يك آقا و همسرش و فرزندان و دامادش بوده اند که همگی فوت کرده اند.

بسمه تعالی، حکم غرقى و مهدوم عليهم را دارد که در رساله ذکر شده است.

در اثر زلزله ای که در خرداد سال 60 در گلباف کرمان روی داد، از يك خانواده، يك زن با سه فرزندش را از زیر آوار، مرده بیرون آوردند. از آن زمان تا کنون، بین شوهر زن مذکوره با دو برادر وی (زن) اختلاف روی داده است که مهریه و ماترك آن زن چگونه به ارث می رسد. از قراری که گفته اند، اگر از طرف حضرت امام یا دفتر ایشان، حلّ این مسأله با مهر ارسال شود، مُقنع طرفین است. والسلام علیکم ورحمة الله وبركاته

صورت مسأله مذکور:

زنی با سه فرزندش در اثر زلزله زیر آوار مرده اند؛ این زن، شوهر و دو برادر دارد؛ مشخص نیست که مادر، زودتر مرده یا بچه ها. مهریه و ماترك زن چگونه تقسیم می شود؟

بسمه تعالی، اگر بچه ها مال ندارند و شوهر زن، پدر بچه ها است همه مال زن به شوهر او می رسد و برادران زن حقی در ارثیه زن ندارند.

محضر مبارك آيت الله العظمى، رهبر عالی قدر جهان شيعه، حضرت امام خمینی، دام ظلّه العالی

ضمن عرض سلام، استدعا می شود بیان فرمایید:

1. زن و شوهری در حادثه زلزله سیرج کرمان، در آوار فوت نموده اند که تقدم و تأخر فوت آن ها معلوم نشده.

بسمه تعالی، به طریقی که در ارث غرقى و مهدوم عليهم مذکور است، باید در ارث مشارالیهما عمل نمایند.

[سؤال 11225]

2. وارث آن ها به شرح زیر می باشد: زن، فرزند ندارد و فقط برادری دارد با شوهری که دارای فرزند می باشد از عیال دیگرش. شوهر،

فرزند دارد از عیال دیگرش و از این زن، فرزند ندارد؛ ترکه این زن و شوهر به چه نحوه تقسیم می شود؟

بسمه تعالی، در فرض سؤال، شوهر از ترکه زن، نصف می برد و زن از ترکه شوهر، ثمن می برد.

3. در خانه چیزهایی از قبیل فرش و لوازم خانگی و لباس و زینت آلات زنانه و پول هست که از حاصل ملك زن و درآمد شوهر بعد از مصارف و مخارجات روزانه آنان باقی مانده. ناگفته نماند شوهر، آبی هم داشته که ملك زن از آن مشروب می شده و الآن هم همین ملك از آن مشروب می شود و درآمد ملك هم با سعی و کوشش شوهر و همچنین درآمدهای دیگر شوهر - از کسب و کار - به وجود آمده و مشخص نیست متعلق به کدام يك می باشد؛ چون در حال حیاتشان مشترکاً زندگی می کردند. خواهش می شود در این مورد هم جواب، مرقوم و به مهر مبارك مزین فرمایید.

بسمه تعالی، در اموالی که مرد است بین این که مال مرد یا مال زن باشد، باید با قرعه تعیین شود و اگر اصل شرکت، محرز و مقدار سهم هر يك نامعلوم باشد، باید ورثه زن و مرد در مقدار مشتبه با هم مصالحه نمایند.

بسمه تعالی

شوهر و فرزندانم در زلزله کشته شده اند و معلوم نیست آیا فرزندان قبل از پدر کشته شده اند یا پدر قبل از بچه ها. آیا اموال متوفی (شوهرم) به برادرش تعلق دارد یا به این جانب و سهم این جانب از اموال شوهرم به چه میزان خواهد بود.

استدعا دارد دستور فرمایند فتوای شرعی امر به صدور فرمایند تا مطابق شرع مقدس اسلام رفتار شده دعاگو باشم.

بسمه تعالی، با فرض شك در تقدم و تأخر و تقارن موت پدر و بچه ها تركه پدر به برادرها نمی رسد و به همسر و بچه ها منتقل و از بچه ها به مادرشان می رسد و در نتیجه تمام تركه او ملك مادر است که همسر متوفی است.

بسمه تعالی

محضر مبارك رهبر معظم و مرجع عالی قدر شیعیان جهان، حضرت امام خمینی، مدّ ظلّه العالی، حقیر احتراماً؛ از پیشگاه مقدس آن حضرت، استفتا و استعلام نظر فقهی

و استدعای اظهار عقیده اجتهادی نسبت به مسأله های شرعی می نماید تا حقی از يك یتیم صغیر ضایع نگردد.

در سال 1352 پدری با دو دختر خود که جز این دو دختر میراث بری ندارد، طی يك حادثه رانندگی به شدت مجروح می شوند. دختر بزرگ که رانندگی اتوبوس را به عهده داشته - بنا به گفته شهود - بلافاصله فوت می نماید. (فتوکپی اصل معتبر شهادت نامه يك نفر سرپرستار بیمارستان که تصادفاً به محض وقوع حادثه با آمبولانس به محل رسیده بود به پیوست تقدیم می گردد). پدر در بیمارستان حین انتقال به اتاق عمل فوت می نماید و دختر کوچک تر - والده يك فرزند صغیر ذکور - پس از يك هفته به رحمت ایزدی می پیوندد. جهت گواهی حصر وراثت و تعیین نحوه

تقسیم ماترك، از دادگستری زمان طاغوت تقاضای صدور حکم گردید. پس از گذشت قریب پنج سال، دادگاه تقدم و تأخر فوت پدر و دختر را مجهول اعلام و رأی به فوت آنان در اثر هدم داده و متذکر گردید که این دو از همدیگر ارث می برند، در حالی که طبق قانون مدنی حاکم بر دادگاه های آن زمان نیز چنانچه زمان فوت اشخاصی که از هم ارث می برند مجهول باشد، هیچ يك از همدیگر ارث نمی برند و وارث باید در لحظه مرگ موثّر زنده باشد (ماده 873 قانون مدنی)؛ و نیز فتوای شرعی مکتوبه از حضرت آیت الله میلانی را در مغایرت چگونگی موضوع با مسأله هدم را مورد امعان نظر قرار نداده و مبادرت به ابرام رأی نمود. (فتوکی فتوای حضرت آیت الله میلانی به پیوست تقدیم می گردد).

1. آیا این حادثه از مصادیق هدم یا در ردیف آن هست یا خیر؟

2. اگر هدم نباشد و تقدم و تأخر فوت پدر و دختر بزرگ تر مظنون باشد، تکلیف ارثیه باقی مانده از پدر، از چه قرار خواهد بود؟

بسمه تعالی، در فرض سؤال، به طریقه ای که در ارث غرقی و مهدوم علیهم مذکور است باید عمل شود، به شرط آن که تقدم و تأخر فوت هیچ يك از پدر و دختر به وجه شرعی ثابت نباشد و در هر يك تقدم و تأخر محتمل باشد.

[سؤال 11228] 6437

بسمه تعالی 1361 / 9 / 30

محضر مبارك حضرت امام خمینی، رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران، پس از عرض سلام و تحیت وافر به محضر عظیم الشان امام خمینی، رهبر مستضعفین جهان، احتراماً؛ به استحضار می رساند:

1. بر اثر حملات موشکی لشکریان کفر صدامی به شهرستان دزفول، در آن شب هولناک تعداد 18 نفر از يك خانواده شهید شدند، که شخص شهید دارای دوزن بوده

ص: 608

که زن اولی قبلاً فوت نموده و از او دو دختر باقی مانده است و از زن دوم که در اثر حملات موشکی شهید شده، هم دو دختر باقی مانده است. از شخص شهید قدری مال، به جای مانده؛ این مال باید به چه شکلی تقسیم شود؟

بسمه تعالی، چنانچه تقدّم و تأخّر موت کسانی که در حمله مذکور شهید شده اند معلوم نباشد، باید موت هر يك را قبل از دیگران فرض کرد و تمام مال او را بین ورثه موجود و آن ها که با او شهید شده اند تقسیم نمود و سهم آن ها [را] که شهید شده اند، به ورثه آن ها داد.

[سؤال 11229]

2. از زن دوم، قدری طلا باقیمانده؛ آیا این فقط به دخترهای خود زن شهید می رسد، یا به دخترهای زن اولی هم می رسد؟

بسمه تعالی، در فرض معلوم نبودن تقدم و تأخّر موت زن باید طلا و سایر اموال او را بین ورثه که از آن ها، شوهر شهید او است تقسیم نموده، و سهم شوهر شهید، بین ورثه موجود که از آن جمله دو دختر زن دیگر او است تقسیم شود.

3. احتمالاً امکان دارد نماز و روزه هم برگردن زن شهیده باشد؛ با توجه به این که این شخص شهید، وصیت نامه ندارد و معلوم نیست مهریه زن ها را داده یا نه، تکلیف چیست؟

بسمه تعالی، چنانچه به طریق شرعی ادای مهر زن ها ثابت نباشد، باید آن را مثل سایر دیون، قبل از تقسیم ارث شهید به ورثه حین موت زن ها پرداخت نمود.

[سؤال 11230] 6438

بسمه تعالی 1361 / 12 / 18

خدمت ریاست محترم دفتر امام خمینی قم، قسمت مسائل شرعی

به عرض می رساند: در تاریخ 8 / 6 / 61 دختر و داماد این جانب در دریای شمال (رامسر - چابکسر) غرق شده اند. طبق گفته مادر شوهر و دو برادر و زن برادر شوهر که همراه آن ها بوده اند، زن و شوهر با هم به دریا می روند. بعد از ساعتی جنازه شوهر

ص: 609

روی آب می آید. بعد از کمک های اولیه، توسط دو برادر به بیمارستانی در آن محل برده می شود. بعد از مدت زمانی، جنازه زن روی آب می آید، که توسط محلی ها از آب گرفته و به وسیله مادرشوهر و زن برادرشوهر با راهنمایی اهالی به بیمارستانی که پزشک قانونی دارد، برده می شود. به نظر پزشک، زن در اثر سنگ کوب فوت شده که پس از زدن رگ دست و پا، جواز دفن صادر می گردد. در این اثنا جنازه شوهر از بیمارستان اولی به آن جا فرستاده می شود که آن هم پس از معاینه پزشک قانونی جواز دفن صادر می گردد. جنازه ها به تهران حمل، در بهشت زهرا قطعه 19 در تاریخ 1361/6/9 به خاک سپرده می شود.

خواهشمند است درباره داد و ستد و مهریه و جهیزیه و آنچه که شرعاً به عروس تعلق می گیرد، مرقوم فرمایید.

1. آیا نماز و روزه آن ها واجب است؟ به چه کسی باید مراجعه کرد؟ گردن خانواده عروس است یا داماد؟ (البته در خانواده خودشان زندگی می کردند).

2. يك جلد كلام الله مجيد آينه شمعدان که در عقدنامه قيد شده است از چه کسی می باشد؟

3. مهریه، در صورتی که زن و شوهر دارای اولادی نمی باشند و داماد، صاحب مغازه و خانه از خودش بوده است.

4. ساعت، انگشتری، گوشواره، پیراهن، که قبل از عقد به عروس داده شده.

5. مقداری طلا که خانواده داماد بعد از عقد به عروس داده اند.

6. مقداری طلا که خانواده عروس به داماد داده اند.

7. چشم روشنی که فامیل عروس برای آن ها برده اند.

8. جهیزیه عروس که همراه خود به خانه داماد برده است. ضمناً شیربها از داماد گرفته نشده است.

بسمه تعالی، مهریه و جهیزیه از ترکه زن محسوب است و همچنین آنچه از طرف شوهر یا دیگران به او تملیک شده است و آنچه از طرف اقوام زن به

مرد تملیک شده، از ترکه مرد است و کیفیت ارث در فرض سؤال - که احتمال مقارنت مردن زن و شوهر داده می شود - در رساله ذکر شده است.

[سؤال 11231] 6434

3. در خانه چیزهایی از قبیل فرش و لوازم خانگی و لباس و زینت آلات زنانه و پول هست که از حاصل ملک زن و درآمد شوهر بعد از مصارف و مخارجات روزانه آنان باقی مانده ناگفته نماند شوهر، آبی هم داشته که ملک زن از آن مشروب می شده و الآن هم همین ملک از آن مشروب می شود و درآمد ملک هم با سعی و کوشش شوهر و همچنین درآمدهای دیگر شوهر - از کسب و کار - به وجود آمده و مشخص نیست متعلق به کدام یک می باشد؛ چون در حال حیاتشان مشترکاً زندگی می کردند. خواهش می شود در این مورد هم جواب، مرقوم و به مهر مبارک مزین فرمایید.

بسمه تعالی، در اموالی که مرد است بین این که مال مرد یا مال زن باشد، باید با قرعه تعیین شود و اگر اصل شرکت، محرز و مقدار سهم هر یک نامعلوم باشد، باید ورثه زن و مرد در مقدار مشتبه با هم مصالحه نمایند.

ارث نبردن فرزند خوانده

[سؤال 11232] 6439

بسمه تعالی 10 / 11 / 1361

سلام خدمت امام امت و رهبر عزیز، این جانب سؤالی داشتم؛ امیدوارم که آن را پاسخ دهید.

آیا اگر فردی بچه دار نشود و پسری را از پرورشگاه بگیرد و در اداره ثبت اسناد تعهد دهد که من این پسر را به فرزندی پذیرفته ام و وسایل تربیت و رفاه و آسایش او را فراهم می کنم و دو دانگ از اموال منقول و غیر منقول خود را به نام این پسر کرده ام؛ آیا این فرزند او است و بعد از مرگش او وارث تمام اموالش می گردد یا همان

ص: 611

دو دانگی که در سند ذکر گردیده است؟

بسمه تعالی، فرزندخوانده، فرزند محسوب نمی شود و ارث نمی برد. بلی اگر در حال حیات چیزی به او بخشیده و به قبض او داده است مالک می شود.

[سؤال 11233] 6440

بسمه تعالی

محضر حضرت آیت الله العظمی خمینی، مدّ ظلّه العالی

یک کسی اولاد ندارد یک پسر یتیم را بزرگ می کند و او را پسر خود می خواند، پسر هم این ها را پدر و مادر صدا می زند، این پسر یقین کرده که این فرد پدر او است، او فوت کرد و به پسر چیزی نگفت آیا با وجود این که پدر و مادر دارد، مال او به پسر می رسد؟ این پسر مال را تصرف کرده که من ارث می برم، شما امر بفرمایید.

بسمه تعالی، با فرض این که میت اولاد ندارد ارث او به پدر و مادر می رسد و پسر خوانده ارث نمی برد.

[سؤال 11234] 6441

بسمه تعالی 1360 / 11 / 13

محضر مقدس حضرت امام خمینی، دامت برکاته العالی، به شرف عرض می رساند:

شخصی فرزند دیگری را با داشتن پدر و مادر به عنوان فرزندخوانده از شیرخوارگی در تحت کفالت خودش گرفته و بعد از گذشتن چند سال، یعنی در حدود پنج سال شخص مزبور فوت می کند. بعد از یک سال دیگر، مادر خوانده نیز فوت کرده و این فرزند دوباره به آغوش پدر و مادرش برمی گردد و برابر قانون کشور قیمومیت صغیر را به عهده پدرش واگذار کردند و او اموال و دارایی بازمانده از پدر و مادر خوانده او را حفاظت کرد و بعد از بزرگ شدن نیز خود فرزند خوانده همگی را تصاحب و در اختیار گرفته است. آیا حقیقتاً این فرزند خوانده وارث او است و با بودن

ص: 612

وارث طبقه دوم باز مایملک را به تنهایی می برد یا او اصلاً ارث نمی برد؟ مستدعی است حکم الله را مرقوم تا فیما بین آنان اجرا گردد.

بسمه تعالی، فرزند خوانده ارث نمی برد.

[سؤال 11235] 6442

بسمه تعالی 1361 / 3 / 8

محضر مقدس حضرت آیت الله العظمی امام خمینی مدّ ظلّه، احتراماً به عرض می رساند:

1. این جانب به علت این که فاقد اولاد بوده و خداوند عزّوجلّ چنین نعمتی را به من عطا نفرموده، طفلی از يك خانواده فقیر و بی بضاعت را پرورش و تربیت نمودم. لازم به تذکر است که این بچه دختر بوده و بعد از رسیدن به سن بلوغ او را به خانه شوهر فرستاده ام و هم اکنون صاحب دو فرزند می باشد و هنوز هم از هرگونه کمک و یاری برای خود و فرزندانش دریغ و مضایقه ای ندارم. حال این سؤال برایم مطرح شده است که آیا از دارایی و اموالی که برایم باقیمانده است چیزی ارث به او می رسد یا نه؟

بسمه تعالی، ارث از شما نمی برد.

2. آیا سهم امام را می شود به حساب جنگ ریخت یا خیر؟

بسمه تعالی، عجالاً اجازه نمی دهم.

[سؤال 11236] 6443

بسمه تعالی

محضر مبارک حضرت امام خمینی، مدّ ظلّه العالی، بعد التحية والسلام

از حضرت عالی سؤالی شرعی داشتیم بدین مضمون: در زمان حکومت نظامی در سال 1357 زنی موقع وضع حملش بود و نتوانستند او را به بیمارستان برسانند و در منزل وضع حمل کرد و از دنیا رفت. پدر طفل چون بچه دیگر داشت و کارگر

ص: 613

ساده ای بود و نمی توانست او را نگهداری کند، بچه را در نزد خانمی گذاشت و ما بعد از ده روز به توسط شخصی از جریان با اطلاع شدیم و رفتیم بچه را گرفتیم. البته ما پیشنهاد کردیم که تا مدتی بچه پیش ما باشد و بعد اگر خواست دوباره او را پیش خود ببرد، ولی پدر بچه قبول نکرد و گفت: بچه مال شما و ما هم برای او شناسنامه گرفتیم و اکنون او حدود چهار و نیم سال دارد و شدیداً هم به او علاقه مند هستیم و از نظر محرمیت هم مسأله را حل کردیم؛ ولی حالا شنیده ایم که می گویند: این بچه از پدر اصلی خود ارث می برد، ولی از شما نمی تواند ارث ببرد، در حالی که ما راضی هستیم که ارث را به صورت صلح به او بدهیم چون از پدر اصلی طفل اطلاعی نداریم، تقاضا می شود حکم مسأله را توضیح دهید. از خداوند آرزوی طول عمر آن امام عزیز را مسئلت می دارم. والسلام

بسمه تعالی، فرزندخوانده ارث نمی برد، ولی می توانید به نحو صلح یا بخشش به او بدهید.

[سؤال 11237] 6444

بسمه تعالی

پیشگاه محضر مبارك حضرت امام خمینی، رهبر کبیر انقلاب اسلامی، محترماً به عرض می رساند:

این کمینه با همسر در سال 1312 ازدواج نموده و از نعمت داشتن اولاد محروم ماندیم؛ لذا در سال 1346 به منظور کمک به فردی از افراد جامعه، کودکی را به فرزندگی پذیرفته و برای او نیز از اداره ثبت احوال شناسنامه رسمی گرفته و همه تشریفات قانونی را به جا آوردیم و در تربیت و آموزش و پرورش کودک نهایت تلاش را مبذول داشته و اینک دختر، نوزده ساله و دیپلمه است و بحمدالله دختری باایمان، متعهد و مکتبی است. در سال 1358 همسر در اثر سکنه مغزی بدون این که وصیت نامه ای از خود به جای بگذارد فوت نمود و اینک برادرزاده ها و خواهرزاده های

ص: 614

همسرم که سیزده نفر می باشند هجوم آورده و قصد تصاحب اموال ما را دارند.

باتوجه به این که این کمیته، یگانه فرزند والدینم بودم و بیش از نیمی از ثروت شوهرم سهم این کمیته است که به عنوان جهیزیه و سهم الارث به من رسیده بود و مدارکی هم دارم، اینک میراث خواران این موضوع را نادیده گرفته و دخترمان را که شناسنامه رسمی دارد و قانوناً فرزندمان محسوب می شود از ارث محروم نموده اند. نظر مبارك امام در این مورد، كمك به اخذ سهم می شود.

بسمه تعالی، فرزندخوانده ارث نمی برد و شما از تركه همسرتان ربع می برید و چنانچه مهریه یا چیزی دیگری از شوهر خود طلب دارید، باید آن را هم به شما بدهند.

پرداخت دیون میت از اصل تركه

[سؤال 11238] 6445

بسمه تعالی

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظله العالی، سلام علیکم ورحمة الله، احتراماً؛ معروض می دارد:

در رابطه با جایگزینی احکام شرع مقدس اسلام به جای قوانین سابق، در بعضی ادارات، از جمله موردی که بنده گرفتار است اداره بیمه سازمان تأمین اجتماعی است. بعد از فوت مرحوم پدر بنده، مطالبه بدهی سه ساله از نامبرده را دارد و بنده که وصایت پدر را تقبل نموده ام، آیا شرعاً می توانم از اصل تركه به عنوان بدهی ایشان مصرف نمایم؟ و آیا فی الجمله مدیون شرعی به آن اداره هستیم یا خیر؟ مستدعی است حضرت آیت اللهی توضیحاتی بفرمایند.

نصرت اسلام و مسلمین و طول عمر آن امام را از خدای متعال خواستار است.

بسمه تعالی، حکم دین را دارد که از اصل تركه خارج می شود.

ص: 615

2. چند سال پیش مادر این دو خواهر مدتی مریضی کشید و فوت کرد که داماد خواهر بزرگ تر عهده دار مخارج بود حالا می خواهیم بدانیم آیا شرعاً واجب است خواهر کوچک تر نصف مخارج را بدهد؟

بسمه تعالی، اگر به عنوان قرض مخارج را متکفل شده می تواند مطالبه کند و از اصل ترکه برداشته می شود.

بسمه تعالی 2 / 2 / 1362

محضر مبارك امام خمینی، دام ظلّه

1. اگر شخصی گوسفندی را از شخص دیگری جبراً بگیرد و بکشد و بخورد، بعد از مدتی هر دو شان بمیرند، ورثه مظلوم - دانسته یا ندانسته - ادعایی دنبال ورثه ظالم ندارند، اما اگر آن گوسفند را ورثه ظالم به ورثه مظلوم بدهند، می گیرند؛ آیا ورثه ظالم تا گوسفند یا قیمت گوسفند را به ورثه مظلوم نپرداخته است می تواند تصرف در مابقی مال - مثل باغ و خانه - او بکند یا نه؟

بسمه تعالی، تا دین میت ادا نشده، ورثه نمی توانند در ترکه تصرف کنند.

2. اگر کسی نماز غفیله را با دو رکعت نماز دیگر به نیت نافله مغرب بخواند آیا ثواب نماز غفیله و نافله مغرب به او داده خواهد شد یا نه؟

بسمه تعالی، نماز غفیله از روایت یومیه نیست و درك ثواب هر دو شاید موقوف باشد، به این که هر يك جدا به جا آورده شود.

3. اگر شخصی خانه ای که جزء مؤونه اش نبود، خرید و از اجاره آن خانه صرف تعمیر و رنگ کاری او کرد و ممکن است به واسطه رنگ و تعمیر آن، تا اندازه ای قیمت خانه اضافه شده باشد - و البته آن خانه را نمی خواهد بفروشد - آیا خمس آن مقداری که خرج کرده، آخر سال خودش بدهد یا با آن مقداری که قیمت خانه اضافه شده است؟

بسمه تعالی، باید خمس قیمت اضافی را بدهد.

4. اگر علویة شوهرداری مقدار طلائی از زرگر نسیه بخرد، آیا از سهم سادات می شود قرض او را داد یا نه؟ نظریه خود را به طور واضح مرقوم فرمایید.

بسمه تعالی، اگر در حد شأن و احتیاج است مانع ندارد.

ارث و حقوق پرداختی به بازماندگان

[سؤال 11241] 6447

بسمه تعالی 1361 / 11 / 10

دفتر حضرت مستطاب حجت الاسلام سید العلماء والمجاهدین آیت الله العظمی امام خمینی، سلمه الله تعالی

یک نفر کارگر در کارخانه، کارگر و بیمه بوده، در اثر تصادف فوت نموده است. بلا وصیت بوده و فعلاً مدتی است که حقوق بیمه او را هر ماه دو هزار تومان، برای مخارج به زنش می دهند و یک هزار تومان به فرزند صغیرش. آیا این پول از اصل مال میت حساب می شود و همه ورثه حق دارند یا نه مال زن و فرزندش می باشد؟

آیا این پول از هشت یک زن به حساب می آید یا از منقول و غیر منقول هشت یک را جداگانه می برد؟ حکم شرع را مرقوم فرمایید که مورد حاجت می باشد.

بسمه تعالی، هر مقدار که از حقوق زمان خدمت شخص متوفی کسر شده و فعلاً به بازماندگان وی پرداخت می شود، حکم ترکه میت دارد و به تمام ورثه می رسد و آن مقدار که اداره بیمه از خودش می پردازد تابع مقررات اداره بیمه است و به کسی اختصاص دارد که طبق قرارداد بیمه باید به او پرداخت شود.

[سؤال 11242] 6448

بسمه تعالی بیست و پنجم محرم 1400 ق

محضر مقدس مرجع عالی قدر جهان تشیع، حضرت آیت الله العظمی حاج سید روح الله موسوی خمینی، دامت برکاته، پس از سلام و اظهار تشکر، امید است در پناه

ص: 617

حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - مصون و محفوظ بوده باشید.

شخصی دبیر اداره آموزش و پرورش بوده و فوت کرده است. وراثت او عبارتند از يك نفر زوجه دائمی و مادر و سه بچه دختر. وصیت نموده که ثلث مال را خرج ترحیم و هفتة و غیره کنید و ما بقی بین ورثه تقسیم شود. حال که يك سوم به مصرف رسیده، از طرف اداره آموزش و پرورش طبق رسمیت مبلغ يك صد هزار ریال بابت مخارج ترحیم و هفتة و غیره به حساب متوفی پرداخته اند. آیا این مبلغ معین جزء مایملک است یا نه؟ اگر جزء مایملک نیست آیا به اداره برگردانده شود یا صرف خیرات شود و یا به بچه های صغیر داده شود؟ خواهشمندم جوابش را قلمی فرمایید.

بسمه تعالی، اگر به منظور کمک به ورثه داده می شود، ولو به داعی صرف در امور مذکوره، از ورثه است.

[سؤال 11243] 6449

بسمه تعالی

این جانب دامادی داشتم که قبل از پیروزی انقلاب به علت شرکت در تظاهرات شهید گردید و اولادی هم نداشت، نامبرده در آموزش و پرورش ساوه به عنوان دبیر مدرسه راهنمایی استخدام بوده است، بعد از شهادت ایشان - طبق قراری که وزارت آموزش و پرورش دارد - مبلغ يك صد هزار ریال به وارث نامبرده پرداخته اند و حقوقش را هم می دهند، ولی همه این ها را پدر و مادر او می گیرند و چیزی به دختر من نمی دهند، با توجه به این که مهریه دخترم دویست هزار تومان می باشد که به صورت دین بر ذمه شهید می باشد، آیا از مبلغ ده هزار تومان و حقوق او که ابوینش دریافت می دارند نباید مهریه او را بدهند؟

بسمه تعالی، مهریه را باید از ترکه متوفی ادا کنند، و پولی که دولت می دهد اگر کسری حقوق متوفی در حال حیات است از ترکه محسوب است که مهریه از آن خارج می شود و اگر پولی است که دولت به ورثه می پردازد از ترکه نیست و دائر مدار مقررات دولت است.

ص: 618

دفتر امام خمینی، مدّ ظلّه العالی، معروض این که:

شوهر این جانبه در سال 58 فوت نموده و کارمند بازنشسته بوده و دارای عیال و شش فرزند و مادر می باشد. برابر شرع و قانون هر يك از وراث سهم الارث خود را دریافت نموده اند و مادر متوفی نیز سهم خود را به میزان سدسیه از ماترك وصول نموده و در خانه پسر دیگرش که کارمند است و خانمش نیز کارمند است و درآمد کافی و زندگی مرفهی دارند، زندگی می نماید. همچنین مادر، خود شخصاً دارای درآمد مستقل است، اکنون مادر مدعی است که از مستمری ماهیانه چهار هزار تومان بیوه و فرزندان پسر متوفی مبلغی نیز به او پرداخت شود.

استدعا دارد با توجه و بررسی رساله امام و در صورت امکان، استفتای مسأله از محضر ایشان، مرقوم فرمایید چنین ادعایی به جا است یا باطل می باشد و در صورت تعلق چه مقدار بایستی پرداخت گردد؟ با آرزوی طول عمر حضرت امام

بسمه تعالی، بستگی به مقررات اداره دهنده پول دارد، اگر فقط به همسر متوفی و فرزندان او می دهند، مادر حق ندارد و اگر به وارث او می دهند، مادر هم نسبت به سهم خود حق دارد.

دفتر حضرت امام خمینی، رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران

احتراماً؛ در رابطه با مسائل اداری و مالی مسائلی برای این اداره کل مطرح است؛ خواهشمند است از پیشگاه حضرت امام استفتا فرموده مراتب را به این اداره کل ابلاغ فرمایند.

1. در صورتی که پدر و مادر هر دو مستخدم دولت باشند و فوت نمایند، آیا

می توان حقوق وظیفه و مستمری آنان را توأمأً به فرزندان و بازماندگان قانونی آنان پرداخت نمود یا خیر؟

بسمه تعالی، تابع مقررات دولت اسلامی است و اشکال ندارد.

[سؤال 11246]

2. آیا حقوق وظیفه و مستمری کارمندان متوفی جنبه ارث و ماترك دارد یا خیر؟

بسمه تعالی، هر مقدار که بابت حقوق زمان خدمت از دولت طلبکار است، جزو ترکه محسوب است و طبق قانون ارث، به ورثه می رسد و آنچه را که دولت، طبق مقررات از خودش به بازماندگان کارمند متوفی می دهد تابع مقررات دولت است و اختصاص پیدا می کند به کسی که دولت به او می پردازد.

[سؤال 11247] 6452

بسمه تعالی

محضر مبارك رهبر انقلاب و امید مستضعفان جهان حضرت امام خمینی

این جانب مادر شهید هستم. فرزندم در حمله فتح المبین به درجه شهادت رسیده و نامزدی دارد که در منزل پدرش می باشد. درباره مهریه و حق و حقوق این دختر شما جواب دهید. حدود پنجاه هزار تومان اثاث زندگی در منزل پدر آن دختر داریم و آن دختر نیز، حدود پانزده هزار تومان اثاث زندگی در منزل پسر دارد. می خواهیم بینیم حقوق دولتی شهید به نامزدش می رسد یا نه؟ جواب دهید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بسمه تعالی، حقوقی که به بازماندگان شهید می دهد، تابع مقررات اداره مربوطه است. به هر کس دادند به همان شخص اختصاص پیدا می کند. مگر آن که حقوق مدت خدمت باشد که به ورثه می رسد، زن نیز ارث می برد.

ص: 620

حضور محترم پدر بزرگوارم سلام عرض می کنم.

اماما! وقت ارجمند شما را نمی گیرم و بدون مقدمه سختم را آغاز می کنم، من همسر یکی از شهدا می باشم، همسر این جانب درجه دار ارتش بوده و بعد از شهادت ایشان، دولت برای سه نفر از ما که وارث وی می باشیم حقوق صادر کرده (همسر - پدر - مادر) ولی از روزی که همسرم شهید شده تا حالا که مدت هفت ماه می باشد حقوق ایشان به شماره حساب من (همسر شهید) واریز گردیده و این مبلغ که در حدود 266000 ریال می باشد به نام این جانب که همسر شهید می باشم ارسال گردیده. حال این جانب از پدر بزرگوارم یاری می جویم آیا این مبلغ از نظر شرعی و اسلامی سهم این جانب می باشد و یا این که باید آن ها را تقسیم نمایم و لازم به تذکر است که شهید اولادی ندارد. پدر بزرگوارم در این مسأله مهم از شما یاری و مدد می طلبم، مرا یاری کنید و بفرمایید که این مبلغ را چگونه باید تقسیم کنم، طبق وراثت و یا طبق نیاز روزانه؟

بسمه تعالی، شما باید به محلی که به شما حقوق می دهند مراجعه کنید و از آن جا تحقیق نمایید.

بسمه تعالی

دفتر محترم امام خمینی قم، فرزند شخصی به شهادت رسیده؛ شهید دارای نامزدی عقد کرده بوده ولی ازدواج و نزدیکی صورت نگرفته؛ مهریه نامزد شهید 500/000 ریال (پنجاه هزار تومان) می باشد و شهید مذکور اموالی ندارد؛ بنابر این است از طریق دولت جمهوری اسلامی مبلغی به خانواده شهید پرداخت گردد که کمیت مبلغ مشخص نیست. لذا با توجه به مندرجات فوق، طریقه تقسیم ارث چگونه می باشد؟

بسمه تعالی، در فرض سؤال، ارث و تقسیم آن در کار نیست و مبلغی را که

دولت اسلامی می دهد، خانواده شهید - طبق مقررات دولت - باید استفاده نمایند.

[سؤال 11250] 6455

بسمه تعالی 1362 / 1 / 23

با درود فراوان به رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران، حضرت امام خمینی، روحی له الفداء، این جانب پدر شهید می باشم.

از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران مبلغی به عنوان کمک به بازماندگان شهید داده می شود، این شهید هم همسر معقوده ای دارد که در خانه پدرش است، آیا از این مبلغ به آن همسر شهید چیزی تعلق می گیرد یا نه؟ متشکرم

بسمه تعالی، تابع مقررات است؛ به هر کس که پول به حسب مقررات داده می شود، مالک می شود.

[سؤال 11251] 6456

بسمه تعالی 1361 / 11 / 4

محضر مبارک حضرت آیت الله امام خمینی، دامت برکاته

با تحیت و سلام، استدعا دارد: در پاسخ سؤال زیر، حکم شرعی و رهنمود ارائه فرمایید تا مورد عمل واقع شود.

آیا غرامت فوت (مبلغی که از طرف شرکت به خانواده کارگر متوفی داده می شود) جزء ماترک محسوب می شود، که طبق قوانین ارث بین ورثه تقسیم گردد؟ و یا این که چون این مبلغ در زمان حیات کارگر وجود ندارد که جزء دارایی وی محسوب شود و پس از فوت، به خانواده وی تعلق می گیرد، جزء ارثیه محسوب نمی شود و باید به طرز مساوی بین ورثه تقسیم شود و یا روش دیگر؟ لطفاً ارائه طریق فرمایید.

بسمه تعالی، بستگی به مقررات شرکت دهنده پول دارد. به هرکس به حسب مقررات باید بدهند، مربوط به همان کس است.

ص: 622

25. آیا حقوق بازنشستگی افراد اداری هم مانند ماترك آن ها بعد از فوتشان بین تمام ورثه تقسیم می شود یا نه، چون طبق قانون دولتی به بعضی وراث داده نمی شود.

بسمه تعالی، اگر از حقوق زمان خدمت کم شده و در وقت بازنشستگی پرداخت می شود جزو ترکه است و به تمام ورثه می رسد و اگر از طرف خود اداره پرداخت می شود به هر کس بدهند به او اختصاص دارد.

بسمه تعالی

... با پولی که مادرم به من داده برای حج واجب ثبت نام کردم الآن که نوبت من شده است حاضرم مقداری طلا که در حدود 8000 تومان می شود و بقیه اش را هم با پول شوهرم به مادرم بدهم و برای خودم به حج بروم و پول حج مادرم را که نمی دانم او واجب الحج است یا نه پس بدهم و او (مادرم) الآن خیلی ناراحت است و می گوید نفرین می کنم و از دست تو راضی نیستم باید برای من حج بروی می خواستی با پول من ثبت نام نکنی و من (مادرم) پول را پس نمی گیرم و می گوید دیگر تا 5 سال ثبت نام نمی کنند شاید من بمیرم و از این حرف ها.

سؤالاتی دارم که مطرح می نمایم و خواهشمندم جواب آن را بیان فرمایید:

1. آیا حقوق پدر به عنوان ارث به ما می رسد یا نه؟

بسمه تعالی، اگر از حقوق زمان خدمت ذخیره شده و حالا به ورثه می دهند در حکم ترکه است و به تمام ورثه می رسد ولی اگر دولت از خودش می دهد به کسانی می رسد که دولت به آن ها می پردازد.

2. آیا با این عناوین که ذکر کردم پولی را که مادرم روی هم گذاشته باید خرج حج کند یا این که باید از این پول هایی که دارد به ما هم بدهد؟

بسمه تعالی، اگر پول هایی که جمع کرده شرعاً حق او بوده و در ایام صحت، توانایی رفتن به حج را داشته، حج بر او مستقر شده و واجب است حج به جا آورد ولی اگر در آن پول ها حق

سایر ورثه هم بوده، باید حق سایر ورثه را بپردازد.

3. آیا پولی را که من به عنوان پول حج واجب از مادرم گرفته ام می توانم پس بدهم در صورتی که راضی نیست پول را پس بگیرد و می گوید باید بروی حج، یا این که می توانم این پول را به عنوان حق خود - که به آن دو خواهر به یکی 14000 تومان داده و به یکی دیگر هم ماهی 500 تومان در حدود 3 سال می دهد ولی به من هیچی نداده - بردارم و نه برایش حج بروم و نه پول را به او پس بدهم؟ در صورتی که از خواهران من یکی معلم است و دیگری هم شوهرش پول دار است و در صورتی که مادر من در حدود 30000 تومان پول دارد. و حقوق را هم که در هر ماه می گیرد.

بسمه تعالی، اگر هنگام ثبت نام اجیر شدید از طرف مادر که برای او حج به جا آورید واجب است بر طبق قرارداد اجاره عمل نمایید و بعداً اگر استطاعت داشتید برای خودتان حج به جا آورید ولی اگر اجیر نشدید و الآن خودتان مستطیع هستید واجب است برای خودتان حج به جا آورید.

اختلافات وراثت و مسائل مربوط به آن

[سؤال 11254] 6458

بسمه تعالی

از محضر علمای امامیه و فقهای اثنا عشریه استعلام و استفتا می نماید:

شخصی فوت شده. بعد از فوت، یکی از اولاد او برگه عادی ای را - که فاقد امضا و گواهی سایر ورثه و فامیل و حتی معتمد محل بوده و ورثه از وقوع چنین معامله ای اظهار بی اطلاعی می نمایند - به عنوان خرید سه دانگ از شش دانگ خانه مسکونی متوفاه ارائه داده؛ در حالی که مبلغ به اصطلاح معامله شده، یک درصد قیمت واقع موضوع به اصطلاح معامله شده است، و به عبارت دیگر، قیمت واقعی مورد معامله شده، پنجاه برابر مبلغ معین در برگه عادی ابرازی است. سایر ورثه، به این برگه ابرازی و احياناً چنین معامله ای با داشتن چنین غبن فاحشی معترض می باشند. آیا حق اعتراض و تعقیب موضوع را دارند یا خیر؟

بسمه تعالی، اگر مدعی، به طریق شرعی خرید را اثبات کند، ورثه حق

ص: 624

اعتراض ندارند، ولی نوشته حجیت شرعی ندارد مگر موجب اطمینان شود.

[سؤال 11255] 6459

بسمه تعالی

محضر مبارک حضرت آیت الله امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

محترماً به عرض مبارک می‌رساند: مرحوم پدر این جانبان در حدود پنجاه سال قبل به رحمت حق واصل شده است. به محض فوت او جلسه ای در حضور عالمان محل - مرحوم مبرور حضرت آقای شیخ حسین آقا توتونچی که از اجلّه و ثقات علمای شهر تبریز بودند و فرزند ارشد آن مرحوم - تشکیل شده و تمام ماترک متوفی صورت برداری شده و پس از وضع دیون و ثلث، میزان سهم ارث وراثت معین گردیده و به شرح مندرج در حاشیه تقسیم نامه و طبق اقرارنامه های جداگانه که در همان تاریخ به خط و مهر عالمان مزبور تنظیم گردیده و سهم وراثت تأدیه شده و سهم ارث وراثت صغیره نیز به قیم منصوب شرعی و قانونی او پرداخت گردیده است و کلیه اقرارنامه ها از طرف قیم منصوب و فرزندان او و وراثت ذکور کبیر تسجیل شده و حاشیه اقرارنامه ها از طرف عالمان مرقومان با تصریح به اقرار مقررین در حضور آنان تسجیل و مهر شده است. صورت متروکات و تقسیم نامه اقرارنامه ها جهت ملاحظه، به پیوست تقدیم می‌گردد.

حال با این شرح، آیا پس از پنجاه سال، بعضی از وراثت شرعاً مجاز هستند با ادعای این که ذیل اقرارنامه و تقسیم نامه، امضا یا مهر ندارد، مجدداً به مقام مطالبه سهم الارث برآیند؟ و همچنین آیا مسجّلین اقرارنامه ها و تقسیم نامه شرعاً می‌توانند به خلاف شهادت خود مجدداً ادعای سهم ارث بکنند؟

استدعا می‌شود ضمن توضیح این نکته که آیا نبود مهر یا امضای وراثت اناث یا ذکور در ذیل اقرارنامه - با وجودی که اقرار خود یا قیم شرعی و قانونی آنان در پنجاه

ص: 625

سال قبل با حضور و اقرار شفاهی آنان در محضر عالم شرع تنظیم و تسجیل شده و به امضای قیّم و شهود ذکور رسیده - شرعاً می تواند مانع نفوذ اقرارنامه باشد یا خیر؟ حکم شرعی مسأله را مرقوم فرمایید تا به وظیفه شرعی عمل شود. ادام الله بقائکم

بسمه تعالی، تقسیم ترکه بین ورثه اگر با حضور کبار و قیّم صغار طبق احکام شرعیّه در باب میراث انجام شده کسی حقّ اعتراض ندارد، ولی اگر در «اصل تقسیم» بین ورثه اختلافی باشد می توانند در محکمه صالحه طرح دعوی نموده و حل و فصل اختلاف گردد، و در این صورت اسناد کتبی شرعاً اعتبار و حجّیت ندارد مگر موجب علم و اطمینان شود.

[سؤال 11256] 6460

بسمه تعالی 1361 / 9 / 14

دفتر حضرت امام امت دامت برکاته

مادری دو ساعت و نیم آب و ملک داشته و تا حین فوت هم در تصرّف خودش بوده. در ایام عزایش هم گفتند نوشته ای نیست. خصوصاً برادرش اظهار داشت که من قلم به کاغذ برای خواهرم نگذاشتم. هشت ماه از فوت مادر گذشت اموال طبق قانون ارث تقسیم شد. بعد از گذشت مدتی که ذکر شده همان برادر صلح نامه ای نشان داده که دو ساعت آب و ملک را مادر به دوتا از دخترها داده، امضای همان برادر که منکر نوشته بود و اثر انگشتی هم در آن دیده می شود ولی کسی نیست که شهادت دهد که به امر مادر بوده و مادر هم در حیاتش نگفته که نوشته ای هست ما به شك افتاده ایم.

چون مادر در سی سال قبل چند زمین مزروعی به پسرها صلح نمود و آن ها هم صدق همسرانشان کردند حال در این کاغذ بدون امضا آمده که به دخترها باز واگذار شده. چه صورت دارد باید عمل شود یا نه، اگر عمل شود صیغه عقد چه می شود؟

بسمه تعالی، تا صلح مذکور بطریق شرعی اثبات نشود کسی حق مزاحمت ورثه را ندارد و تنها صلح نامه اعتبار شرعی ندارد مگر موجب علم شود.

ص: 626

حضور مبارك حضرت آيت الله العظمى امام خمينى، پس از عرض سلام، اخيراً مسأله اى براى خانواده اين جانب مطرح گرديده است كه بسيار جالب و شنيدنى، و در عين حال پيچيده و دشوار است، كه ناگزير گرديدم عين مسأله را، بدون كم و كاست به عرض رسانده، حل آن را از حضرت عالى خواستار شوم. قضيه به شرح زير مى باشد:

پدر من در سال 1335، يعنى 26 سال قبل درگذشت و از او شش پسر و سه دختر و مادرمان باقىماند. ظرف دو سال مراحل قانونى انحصار وراثت به عمل آمد و پنج سال هم اموال موروثى، بدون اين كه بين وراثت قانونى تقسيم شود، يك جا و بر روى هم اداره شد، تا اين كه در سال 42، يعنى نوزده سال قبل به نحوى كه همگى راضى بوديم ارثيه پدر را تقسيم نموديم و طبيعتاً هر يك از وراثت به طور دلخواه مشغول فعاليت گرديد و به تدريج تغييرات زيادى در ملك موروثى به وجود آمد و در حال حاضر از نظر كميت و كيفيت هيچ شباهتى با آنچه نوزده سال قبل بود، ندارد.

لازم است به عرض برسانم كه آنچه به عنوان ارثيه پدرمان در سال 42 تقسيم گرديد، در واقع تماماً ملك موروثى نبود، بلكه تشكيل شده بود از:

الف. ارثيه مادرمان كه در حيات پدر به امانت به وى سپرده شده بود، كه پدر با دخل و تصرف و رسيدگى به امور آن درصدد بهره بردارى و ازدياد آن برآيد و در نتيجه فعاليت هاى پدر كه با سرمايه مادرمان انجام شده، حين فوت سهميه مادر و ثروت پدرمان كاملاً مخلوط و غيرقابل تفكيك شده بود. در نتيجه پس از فوت پدرمان، براى اين كه قضيه حل گردد، مادرمان نيز سهميه و دارايى خود را كه با اموال پدرمان مخلوط شده بود، به فرزندان خود بخشيد و بين فرزندان تقسيم گرديد.

ب. مقدارى از اموالى كه بين فرزندان تقسيم شد نيز قبلاً از طرف پدر، به طور رسمى به بعضى از فرزندان مصالحه گرديده بود كه همچنان در تصرف پدر باقى مانده

بود و فرزندان ارشد نیز مستقلاً دست به فعالیت زده بودند و ثروتی از راه کشاورزی و معامله اندوخته بودند که با توجه به مصالحه کردن اموال مادر و تقسیم آن بین فرزندان، برادران نیز حاضر گردیدند که قسمتی از ثروت شخصی خود را بین برادران و خواهران خود تقسیم نمایند و به يك اندازه ارث ببرند.

ج. صداقيه و سهمیه مادرمان نیز به طور کامل به ایشان نرسید؛ زیرا ایشان به رضایت قسمتی از ملك خود را برای امرار معاش و گذران زندگی اختیار نمود و مازاد را به فرزندان خود بخشید، که بین آن ها تقسیم گردید.

با توجه به مراتب یادشده، اموالی که در سال 42 به نام ارثیه پدر بین وراثت تقسیم گردید، تشکیل شده بود از اموال موروثی مادرمان و قسمتی از صداقيه و ایشان به اضافه اموال شخصی وراثت، که به رضایت خودشان جزو اموال موروثی پدر صورت برداری شده و به قیمت درآمده و براساس قیمت گذاری و ارزیابی، بین وراثت تقسیم گردیده است.

اخيراً زنی - که دارای سوء سابقه غیرقابل انکاری هم می باشد و به شهادت عامه مردم، لغزش های مکرر از وی مشاهده گردیده است - با ارائه يك صیغه نامه مجعول که عاقد آن هم درگذشته است، ادعا می کند که از پدر ما دارای فرزندی چهل ساله است، که دارای شناسنامه به نام دیگری می باشد و ادعای ارثیه می نماید. در حالی که حین فوت پدرمان پانزده ساله بوده و پدر اقدامی برای تعیین هویت او نکرده است. با توجه به این که در این مدت چهل سال، مدعی و فرزندش در محل می زیسته و هرگز چنین ادعایی نکرده است و رفتار سوء وی در جوانی، زیانزد عامه مردم می باشد، احتمال ساختگی بودن صیغه نامه برای به دست آوردن مال، بسیار می باشد. این جانب شرح ماوقع را به عرض رساندم تا حضرت عالی در حل این مسأله ما را راهنمایی بفرمایید، تا آنچه شرع مقدس اسلام دستور فرموده است، عمل نمایم.

1. آیا با توجه به حقایق ذکرشده، ادعای چنین شخصی شرعاً پذیرفته است و به

عنوان یکی از وراثت به شمار می آید یا خیر؟

2. چنانچه ادعای وی به عنوان یکی دیگر از وراثت پذیرفته شود، نظر به این که ارثیه پدر با اموال مصالحه شده مادر و برادران مخلوط شده و به قیمت درآمده است و تفکیک ارثیه پدر تقریباً غیر ممکن می باشد، سهم الارث مدعی چگونه باید تعیین شود؟

3. چون اصل ارثیه دچار تغییرات شده و در برخی موارد موجود نمی باشد، آیا می توان سهم الارث وارث جدید را بر طبق قیمتی که قبلاً برای تقسیم ارثیه به عمل آمده با کسر اموالی که ارثیه پدر نبوده، نقداً پرداخت نمود یا این که طور دیگری عمل می شود؟

4. نظر به این که مدعی تا کنون شناخته نبوده، آیا نسبت به زمان گذشته می تواند مطالبه اجرة المثل نماید؟ و اگر پاسخ مثبت است، مقدار اجرة المثل چه اندازه و چگونه تعیین می شود؟ استدعا دارم پاسخ مسائل را ارسال فرمایید. مزید تشکر و امتنان است.

بسمه تعالی، مسأله نزاعی و اختلافی است و رسیدگی به آن موکول به دادگاه های صالحه است.

[سؤال 11258] 6462

بسمه تعالی 3 / 6 / 1361

حضور مقدس حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، مدّ ظلّه العالی، السلام علیکم ورحمة الله

1. شخصی که مالک و ساکن دکانی بوده فوت نموده است و ورثه متوفی منحصر به یک پسر و دو دختر و یک نفر عیال دائمی بوده است. متوفی تا روز ابتلا به مرض منتهی به فوت در دکان ملکی خود به کسب مشغول بود. پس از فوت متوفی، پسرش دکان را مقفل و از تقسیم آن و پرداخت سهام دختران و عیال از عین ملک و سرقفلی متعلق به ورثه و موافقت با فروش عین و منافع، به غیر یا ورثه امتناع دارد. با کیفیت

ص: 629

معروض و عدم اشتغال پسر به کسب در دکان موروثی و اشتغال در سازمان دولتی:

1. آیا کلیه وراثت (یک پسر، دو دختر و عیال) در اصل و عواید و حق پیشه معمول به، ذی حق و ذی سهم هستند؟

2. آیا تصرف دکان مزبور و مقفل داشتن آن و عدم معامله (خرید و فروش) توسط پسر متوفی، مخالف احکام مقدس شارع نمی باشد؟

بسمه تعالی، همه ورثه در ترکه متوفی شریک هستند و هیچ کدام بدون اجازه همه، حق تصرف ندارند و چنانچه اختلافی دارند به محاکم صالحه مراجعه نمایند.

[سؤال 11259] 6463

بسمه تعالی

حضور مبارک رهبر کبیر انقلاب امام خمینی، مدّ ظلّه العالی

احتراماً؛ به عرض می رساند: شخصی که در حدود چهل سال پیش مرحوم شده، ثلث ماترک خود را که مقداری هم اراضی مزروعی در محدوده شهر بوده، حبس و وصیت کرده که منافعش توسط وصی آن مرحوم - که پسر بزرگ تر می باشد - به مصارفی که در وصیت نامه معین کرده برسد و پس از سی سال، اصل املاک، بین ورثه حاضر تقسیم و تسهیم و تحویل گردد. تعداد ورثه، ده نفر هستند.

وصی در ظرف سی سال، حدود نصف از اراضی را بین هفت نفر از ورثه - که فاقد منزل مسکونی بوده اند - بدون سهم بندی مشاعاً، یک قطعه هم تفکیک شده به طور اجاره ای واگذار نموده که ساختمان و سکونت نمایند. خود وصی هم قطعه ای را به همسرش اجاره داده و ساختمان و سکونت نموده است. فقط دو نفر از ورثه که خانه داشته اند، از زمین ها استفاده نکرده اند. حال که چندین سال از اتمام حبس زمین ها گذشته و ثلث به ملکیت ورثه درآمده، وراثت مایل هستند که هر کدام زمینی را که ساخته و سکونت دارند و مالک اعیانی هم می باشند و از ارثیه هر کدام کمتر است،

ص: 630

برداشته و بقیه سهم الارث خود را از زمین های آزاد بردارند. همچنین دو نفر هم که قبلاً زمین برداشت نموده اند برداشت و تقسیم و تسهیم نمایند.

دو نفر مذکور مخالفت کرده، می گویند کلیه زمین ها باید سهم بندی و به طور قرعه تقسیم شود که در این مورد تکلیف ساختمان های ورثه، نامعلوم و ورثه بدون خانه می مانند و به علت مخالفت این دو نفر، ماترك و بقیه زمین های ورثه سال ها است که بدون استفاده مانده و تقسیم نمی شود و با توجه به این موضوع که اغلب ورثه نیاز شدیدی به بقیه سهم الارث خود دارند؛ حال از محضر عالی استدعا دارد که نظر مبارك را راجع به اراضی متصرفی و ساختمان های ورثه اعلام و تکلیف شرعی وصی و سایرین را در قبال مخالفت دو نفر مذکور مرقوم فرمایید.

از اطاله کلام معذرت خواسته طول عمر و سلامتی آن وجود گرانمایه را از باری تعالی مسئلت دارم.

بسمه تعالی، ورثه حق مطالبه تقسیم ترکه را دارند و در خصوص ساختمان که ملك دیگری است، احوط آن است که مصالحه نمایند.

[سؤال 11260] 6464

بسمه تعالی

محضر مبارك رهبر معظم و مرجع عالی قدر شیعیان جهان امام خمینی، مدّ ظلّه العالی، مستدعی است نظر شرعی مبارك را در مورد مسأله زیر که اجمالاً و دقیقاً به عرض شریف می رسد، عنایت بفرمایید. باشد چون دیگر امور، نظر حضرت عالی موجب گشایش معضل يك یتیم صغیر گردد.

در سال 1349 دو خواهر مشترکاً و به تساوی، مبلغی پول به حساب پس انداز مسکن بانك رهنی واریز نمودند و بانك دفترچه پس انداز را طبق مقررات خود، به نام يك نفر، یعنی خواهر بزرگ تر صادر نمود. با استفاده از وام دریافتی، خانه کوچکی خریداری نمودند که در این مورد نیز بانك به خاطر در رهن گرفتن خانه، تا زمان

ص: 631

استهلاك وام، سند مالکیت را به نام يك نفر، یعنی خواهر بزرگ تر صادر نمود.

مدت دو سال نیز اقساط وام را به تساوی و مشترکاً پرداخت نمودند. پس از چندی، خواهر کوچک تر از خواهر خود خواست که مدرکی که گواه سهم او در مالکیت خانه باشد به او بدهد. بر این اساس، طی يك سند محضری، خواهر بزرگ تر سه دانگ از خانه را به خواهر کوچک تر انتقال قطعی داد. (فتوکپی سند وکالت به پیوست تقدیم حضور می گردد). در سال 1352 طی يك حادثه رانندگی هر دو خواهر فوت می کنند و از خواهر کوچک تر، يك فرزند ذکور صغیر و از خواهر بزرگ تر، دو صغیر ذکور به جا می مانند. اکنون که دو صغیر خواهر بزرگ تر کبیر شده اند و درصدد تقسیم ماترك برآمده اند. ضمن این که به وجود سند وکالت و حقیقت موضوع معترفند، اما به دلیل این که سند مالکیت به نام مادر آنان صادر شده، به کلی منکر سهم صغیر خواهر کوچک تر شده و مدعی مالکیت شش دانگ خانه می باشند. این جانب به ولایت از جانب صغیر مذکور، استدعای عنایت نظر شرعی را دارد تا طبق آن عمل نموده و حقی از طرفین ضایع نگردد.

خداوند متعال عمر و عزت امام عزیز را مستدام بدارد، حقیر دست بوس

بسمه تعالی، با فرض این که خانه با پول مشترك و به اجازه صاحبان پول خریده شده، مشترك بین صاحبان پول است و بعد از فوت هر يك از شرکا، سهم او به ورثه اش می رسد.

[سؤال 11261] 6465

بسمه تعالی 1361 / 3 / 22

محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی جناب روح الله الموسوی الخمينی، دام ظلّه، پس از عرض سلام، سلامتی و طول عمر آن رهبر عزیز را از خداوند مسئلت دارم، باری مسأله ای مورد سؤال است:

خواهری داشته ام که فوت شده است و از او دو دختر و يك پسر باقیمانده. خواهرم

ص: 632

از این جانب که برادر او می باشم، پولی قرض گرفت برای شوهرش که شوهرش بپردازد، لکن شوهرش پول را نداد تا زمانی گذشت و خود خواهرم پول را از خودش به من داد و گفت از شوهرم هر وقت وصول شد به من بدهید تا این که پس از زمانی مبلغی از آن وجه را شوهر داده و بقیه را هنوز نداده است و پس از فوت خواهرم، مخارج کفن و دفن را به من گفت که بدهم و صورت بردارم تا بعد از هفته بدهد. از پول خرج شده برای تدفین و فاتحه و غیره هم، مبلغی معادل یکهزار تومان نداده است و به هیچ عنوان نتوانسته ایم وصول کنیم. حالیه مبلغی که خواهرم از من می خواست از پول دستی، آن هم مبلغ نهصد تومان است. آیا این مبلغ نهصد تومان که وصول وجه دستی بوده، تعلق به ورثه دارد یا این که اجازه می دهید که این مبلغ را بابت آن هزار تومان که از مخارج تدفین طلبکار هستم بردارم و به شخص طلبکار بدهم، تقاضامندم جواب مرقوم دارید.

بسمه تعالی، پول وجه دستی که از شوهر خواهر پس گرفته شد، به ورثه می رسد و صرف آن در ادای بدهی بابت کفن و دفن منوط به اجازه ورثه است.

[سؤال 11262] 6466

بسمه تعالی

فردی معتقد است که ارث ملکی را نباید به دختر داد. در صورتی که آن فرد، دختری از زن مطلقه ای دارد که در دستور شرع فرزند قانونی اوست و بخواهد ملك ارثی او را به پسران دیگرش صلح نماید، آیا دختر می تواند برادر ناتنی اش را برای گرفتن ارث شرعی خود وکیل نماید؟ در صورتی که اگر عمل تقسیم ارث به بعد از فوت پدر موکول شود اموال ملکی خود را به پسران صلح می کند.

بسمه تعالی، قبل از فوت شخص مال او ارث نمی شود و خود شخص می تواند اموال خود را به هر که می خواهد ببخشد و تحویل او دهد.

ص: 633

بسمه تعالی

حضرت آیت الله العظمی امام خمینی

با تقدیم يك برگ سند عادی مربوط به يك قطعه زمین که فردی به گواهی انجمن اسلامی محلّ و معتمدین آن را از صاحب و مالک زمین خریداری و در آن درختکاری نموده و درختان هم به ثمر رسیده و به صورت باغ میوه درآمده است و به نام فرزند خود نامگذاری نموده و نیز برای او در آن باغ مصالح ساختمانی از قبیل سنگ و... آورده تا برای او ساختمان بسازد و این قطعه در محلّ به نام این فرزند او شهرت دارد و همه محلّ آن را به همین نام می شناسند. پس از چند سال پدر فوت نموده و دارای چندین فرزند است. استدعا دارم اعلام فرمایید:

1. ملکیت این قطعه زمین که به صورت باغ میوه است و سند عادی آن به نام فرزند صغیر نامبرده است به قوت خود باقی است یا سایر ورثه حقّی از این باغ دارند؟

بسمه تعالی، زمین را اگر پدر به او بخشیده سایر ورثه در آن حقّی ندارند.

2. متوفی دارای يك قبضه اسلحه شکاری مجاز با تمام تجهیزات از قبیل دوربین شکاری و زین اسب سواری می باشد. استدعا دارم اعلام فرمایید آیا تمام ورثه از این اسلحه و لوازم فوق الذکر ارث می برند یا خیر؟

بسمه تعالی، اسلحه شکاری جزء حیوه نیست و تمام ورثه از آن ارث می برند.

بسمه تعالی 1361 / 9 / 30

محضر مرجع عالی قدر، رهبر عزیز، امام امت، حضرت خمینی بت شکن، عرض می شود:

شخصی پنج فرزند دارد؛ يك پسر و چهار دختر. پدر در سال 1358 فوت نموده و پسر قبل از فوت پدر، خانه پدری را فروخته و به اسم خودش خانه خریده و حجره اش را هم تقریباً ده سال پیش فروخته و پولش را برداشته. حال آیا برای

ص: 634

پرداخت ارثیه دخترها، پسر باید قیمت خانه را که حالا در آن سکونت دارد حساب کند - یعنی فیما بین نسبت به حصه دختر و پسر - یا این که قیمت همان سال که قبل از فوت پدر فروخته بود؟ تقاضا داریم جواب مسأله را در چند کلمه در زیر ورقه مرقوم فرمایید. با تقدیم احترام بسمه تعالی، اگر پدر در زمان حیات، خانه یا پول آن یا خانه خریده شده را به پسر تملیک کرده، دخترها در آن حقی ندارند و اگر تملیک نکرده، دخترها در عین خانه حق دارند و می توانند به هر نحو تراضی کنند قیمت بگیرند.

[سؤال 11265] 6469

بسمه تعالی 1361 / 7 / 17

دفتر محترم امام خمینی، سلام علیکم، خواهشمند است جواب سؤال های زیر را بدهید:

اگر کسی بیش از ده سال در يك دكان، كاسب باشد و شریکی داشته و یا نداشته باشد، پس از فوت ایشان در صورتی که:

1. دكان به صورت اجاره ای باشد وراثت چه حقی دارند؟

بسمه تعالی، اگر مدت اجاره باقی بوده، منفعت مورد اجاره به ارث می رسد.

2. دكان به صورت سرقفلی باشد وراثت چه حقی دارند؟ و آیا زن (همسر) از سرقفلی سهمی دارد یا نه؟

بسمه تعالی، چنانچه متوفی شرعاً حق سرقفلی داشته، به ارث می رسد و زن هم از حق سرقفلی ارث می برد.

[سؤال 11266] 6470

بسمه تعالی

حضور محترم بنیان گذار جمهوری اسلامی امام خمینی، دامت برکاته

اول: شخصی بمیرد، از او يك پسر و يك دختر باقی بماند و از بابت تركه، يك باب

ص: 635

خانه و يك باغ بماند، نامبرده در حال حیات خود، نصف خانه را در مقابل شخصت تومان، بیع به شرط نماید. پسر، بزرگ شود؛ مبلغ مزبور را بدهد و سند را بگیرد. آیا دختر در آن نصف، حق پدری دارد یا نه؟

دوم: باغ را سه حصه نماید؛ محدوده شمالی برای علی محمد، شرقی برای مشهدی حسین و حاجی رحیم، جنوبی برای نعلبندی و غربی که شارع می باشد برای حق عبور، نه يك متر زمین و نه پنج تومان پول نداده. شرعاً، عرفاً، قانوناً این ضعیفه حق عبور دارد یا ندارد؟ از مقام محترم، جواب این مسأله را خواستارم.

بسمه تعالی، بعد از فسخ بیع شرط، همه ورثه در مورد آن حق دارند و سؤال دوم مفهوم نشد.

ص: 636

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

